

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چند مصاحبه با هواداران ایرانی  
گروه بی تی اس  
درباره هواداری از این گروه  
ج ۳

دکتر مرتضی منطقی /

/۱۴۰۳/



## فهرست کامل این مجموعه

### مقدمه

#### مصاحبه‌های انجام شده

مصاحبه با گلاره، ۱۴ ساله

من قبلاً این جور بودم که آه، آه رمان! آه، آه پسر که موهاش رو رنگ می‌کنه! آه، آه لباس صورتی برای پسر! آه، آه چشمای اینا فلانه! و از این جور فکرها، ولی خب بی‌تی‌اس ذهنم رو آپدیت کرد.

مصاحبه با سارینا، ۱۳ ساله

نگاه به چهره پاک و معصوم کی‌پاپ نکنین، پشت صحنه‌اش خیلی ترسناک‌تر از اون چیزی هست که نشون می‌ده.

مصاحبه با دیبا، ۱۵ ساله

از یه زمانی به بعد که تکامل عقلی‌ام بیشتر شد، دیگه دوست دارم بیشتر تر به زندگی خودم بپردازم و به فکر آیدول شدن نباشم، چون خیلی راه سختیه تا به اون مرحله برسی.

مصاحبه با فرشته، ۱۹ ساله

ولی یه سری آدم هم هستن که تو جریان کی‌رول از بچه‌های کوچیک‌تر سوءاستفاده می‌کنن، چون اولش تو رول نمی‌پرسی تو واقعاً چند سالته، اما بعد یهو می‌بینی بعد یه ماه حرفای ناجور زدن، می‌فهمی یکی‌شون ۱۴ سالشه یکی‌شون ۳۰ سال.

مصاحبه با نگین، ۱۳ ساله

بیش‌تر دوست‌هام که آرمی هستن یا کلاً جزو فن‌ها هستن، کلاً این جوریه ان که نمی‌تونن زجر کشیدن آیدول‌شون را تحمل بکنن و براشون به شدت گریه می‌کنن، به قول مامانم یک حالت دیوانگی این شکلی هست.

مصاحبه با رخساره، ۱۶ ساله

یکی از آرمیای دختر به جونگ‌کوک گفت، طرفدار بودن خیلی سخته، چون که می‌دونیم قراره یه روزی ازدواج کنی و ما رو تنها بذاری. بعد جونگ‌کوک هم در جوابش گفت، می‌دونی آیدول بودن هم خیلی سخته. چون می‌دونم اون روز قلب میلیون‌ها پروانه رو می‌شکنم.

مصاحبه با محسن، ۲۲ ساله

- یعنی دوستانت به صراحت اعلام کردند که آیدول‌های بی‌تی‌اس براشون جذابیت جنسی دارن؟  
بله، دقیقاً، وقتی من با سه، چهارتا از دوستانم دور هم بودیم، اینا رو گفتن.

مصاحبه با ثناء، ۱۶ ساله

اون که به جیمین فحش داد، منم به مادرش فحش دادم، بلاکم کرد و دیگه به پیام‌های من جواب نداد. بعد من بهش زنگ زدم، حتی التماسش کردم، فایده‌ای نداشت.

مصاحبه با فریبا، ۴۶ ساله

- ... شما بین دستورات دین و الگوبرداری از بی‌تی‌اس کدام را انتخاب می‌کنید؟

دستورات دینی مهم هستن، ولی وقتی می‌بینم که بی‌تی‌اس که خلاف دستورات دین ما کلاً حرکت کرده و موفق و محبوب هست، به نظر شما باید از کدوم الگو بگیرم؟ دین یا بی‌تی‌اس؟ من بی‌تی‌اس رو انتخاب می‌کنم.

مصاحبه با شبنم، ۲۵ ساله

دوستانم هستن که باباشون رو مجبور می‌کنن از جایی قرض کنه و هزینه عمل‌شون رو بده یا مثلاً دوست پسرشون هزینه عمل‌شون رو می‌دن که اون شکلی بشن که بیش‌تر مورد پسندشونه.

مصاحبه با شیدا، ۲۰ ساله

کلی مرد سن بالا به عنوان مشتری اونجا بودن و اون راهنما یا رئیس‌شون بهشون گفته که می‌رید از این مردها پذیرایی می‌کنید و هر چیزی ازتون خواستن نه نمیارید. بعد می‌گفت، من فقط گریه می‌کردم و اون رئیس‌ه هم می‌گفت، اگه بخوای قبول نکنی، قراردادت رو لغو می‌کنیم.

مصاحبه با ریحانه، ۱۵ ساله

من همیشه آهنگای بی‌تی‌اس و گاهی بلک‌پینک رو تو اتاقم می‌ذارم و باهاشون می‌رقصم، انقدر می‌رقصم که لاغر بشم، مثل گروه بلک‌پینک. بعد از ظهرا تا آهنگاشون رو گوش ندم و یه کم نرقصم، نمی‌تونم کار دیگه‌ای بکنم، این جوری انرژی می‌گیرم.

مصاحبه با احسان، ۱۷ ساله

پدر و مادرم خیلی سعی کردن خواهرم رو از رفتن به کره منصرف کنن، ولی اون گفت، اگر مانع رفتنم بشین، خودکشی می‌کنم. این طور بود که پدرم ترسید و حتی کمکش کرد برای رفتن ویزا بگیره.

مصاحبه با شیرین، ۲۲ ساله

به نظر من هر کی هوادار بی‌تی‌اس هست، نباید ازدواج کنه. چون ازدواج با خودش وابستگی میاره و گذشتن از بعضی چیزها به خاطر حفظ زندگی ضرورت پیدا می‌کنه و این با آزادی آدم قبل از ازدواج، کلی فاصله داره.

مصاحبه با مسعود، ۲۰ ساله

از اصل برابری انسان‌ها صحبت می‌کنن، ولی خودشون چه قدر مجلل و مرفه زندگی می‌کنند و چه جشن تولدهای میلیاردری رو در سراسر جهان می‌گیرند. این کجاش برابری انسان‌ها هست. نوجوان ما با دیدن زندگی مرفه آیدول‌ها و جشن تولدهای میلیاردری آن‌ها جز حسرت خوردن، نتیجه دیگری نمی‌گیرند.

مصاحبه با مهتاب، ۱۸ ساله

بیس فن‌دوم‌ها میان کشورها رو بر اساس ساعت‌هاشون طبقه‌بندی می‌کنند که چه زمانی بهتره که استریم زدن انجام بشه. در ضمن ربات تشخیص داده نشیم یا این طوری تشخیص داده نشه که عه همه مثلاً از فلان کشور دارند این ویدیو رو بازدید می‌کنن.

مصاحبه با الناز، ۱۲ ساله

- یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو یاد می‌گیری؟  
آره.

مصاحبه با پونه، ۱۸ ساله

...حتی من تو خیلی از فیکشن‌ها دیدم که رابطه با اعضای خانواده رو دارن نرمالایز می‌کنن.

مصاحبه با نرگس، ۲۱ ساله

من در واقع خانواده نداشتم، اعضای بی‌تی‌اس خانواده‌ی من شدن. من هر روز از زندگی که سخت بود، به اونا پناه می‌بردم و اونا تمام فکر و ذهنم رو پر می‌کردن. انگار که از همه چیز فاصله گرفتم و خودم رو پرت کردم تو بغل شون.

مصاحبه با مریم، ۱۸ ساله

ولی آرمی‌های تازه وارد فکر می‌کنند، هر کی گفت بالا چشم بی‌تی‌اس ابرو هست، باید برن تو شکم یارو و بزندن پاره‌اش کنن.

مصاحبه با مرضیه، ۱۹ ساله

جیهوپ برای موزیک ویدیوهاش حاضر نشد از پرده سبز استفاده کنه و گفت، واقعاً اون ۱۳ تا ماشین رو آتیش بزنی تا همه چی واقعی به نظر برسه.

مصاحبه با پریناز، ۱۸ ساله

توی عکس‌هاشون نگاه کنی، شوگا دامن پوشیده، نامجون کت با دامن پوشیده و می‌خوان این مفهوم رو برسونن که لباس‌ها جنسیت ندارن و مخالف این تفکیک جنسیت هستن و معتقدن که لباس‌ها رو نباید طبق جنسیت، جدا کرد.

مصاحبه با شقایق، ۱۹ ساله

تو مدرسه می‌دیدم که بچه‌ها قبل از این که معلم بیاد، رو تخته کلاس، به زبون کره‌ای آهنگای بی‌تی‌اس رو می‌نوشتن، یعنی در واقع بلد بودن زبون شون رو، ولی من نه.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

۲- اثرهای اجتماعی هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس

۳- اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۴- اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۵- اثرهای آموزشی هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس
- ۶- اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۷- اثرهای هنری هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس
- ۸- اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۹- اثرهای خانوادگی هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس

## فهرست مطالب کتاب حاضر

۸	۱- مقدمه .....
۱۲	۲- اثرهای روانی .....
۸۹	۳- اثرهای اجتماعی .....
۱۷۱	۴- اثرهای فرهنگی .....
۱۸۶	۵- اثرهای آموزشی .....
۱۹۴	۶- اثرهای اخلاقی - عقیدتی .....
۲۰۸	۷- اثرهای اقتصادی - سیاسی .....
۲۲۲	۹- اثرهای زیباشناختی .....
۲۲۸	۱۰- اثرهای خانوادگی .....

## ۱ - مقدمه

اثر حاضر با هدف بررسی مقوله هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس، نخست به ارایه مجموعه‌ای از مصاحبه‌های انجام شده با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس پرداخته و در ادامه با توجه به یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده، به تدوین یافته‌های به دست آمده پرداخته است. پیش از ارایه گزارش مصاحبه‌های انجام گرفته با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس، در مقدمه اثر، به روش‌شناسی پژوهش، اشاره شده و در ادامه ۴۷ مصاحبه صورت پذیرفته، ارایه گردیده اند.

عناوین مصاحبه‌های انجام گرفته در ارتباط با اثرپذیری‌های طرفداران ایرانی گروه پسران بی‌تی‌اس در جریان هواداری از این گروه به قرار زیر بود:

- من قبلاً این جور بودم که آه، آه رمان! آه، آه پسر که موهاش رو رنگ می‌کنه! آه، آه لباس صورتی برای پسر! آه، آه چشمای اینا فلانه! و از این جور فکرها، ولی خب بی‌تی‌اس ذهنم رو آپدیت کرد (مصاحبه با گلاره ۱۴ ساله)،

- نگاه به چهره پاک و معصوم کی پاپ نکنین، پشت صحنه‌اش خیلی ترسناک‌تر از اون چیزی هست که نشون می‌ده (مصاحبه با سارینای ۱۳ ساله)،

- از یه زمانی به بعد که تکامل عقلی‌ام بیشتر شد، دیگه دوست دارم بیشتر تر به زندگی خودم بپردازم و به فکر آیدول شدن نباشم، چون خیلی راه سختیه تا به اون مرحله برسی (مصاحبه با دبیای ۱۵ ساله)،

- ولی یه سری آدم هم هستن که تو جریان کی‌رول از بچه‌های کوچیک‌تر سوءاستفاده می‌کنن، چون اولش تو رول نمی‌پرسی تو واقعاً چند سالته، اما بعد یهو می‌بینی بعد یه ماه حرفای ناجور زدن، می‌فهمن یکی‌شون ۱۴ سالشه یکی‌شون ۳۰ سال (مصاحبه با فرشته ۱۹ ساله)،

- بیشتر دوست‌هام که آرمی هستن یا کلاً جزو فن‌ها هستن، کلاً این جور ی ان که نمی‌تونن زجر کشیدن آیدول‌شون را تحمل بکنن و براشون به شدت گریه می‌کنن، به قول مامانم یک حالت دیوانگی این شکلی هست (مصاحبه با نگین ۱۳ ساله)،

- یکی از آرمیای دختر به جونگ‌کوک گفت، طرفدار بودن خیلی سخته، چون که می‌دونیم قراره یه روزی ازدواج کنی و ما رو تنها بذاری. بعد جونگ‌کوک هم در جوابش گفت، می‌دونی آیدول بودن هم خیلی سخته. چون می‌دونم اون روز قلب میلیون‌ها پروانه رو می‌شکنم (مصاحبه با رخساره ۱۶ ساله)،

- یعنی دوستانت به صراحت اعلام کردند که آیدول‌های بی‌تی‌اس براشون جذابیت جنسی دارن؟

بله، دقیقاً وقتی من با سه، چهارتا از دوستانم دور هم بودیم، اینا رو گفتن (مصاحبه با محسن ۲۲ ساله)،

- اون که به جیمین فحش داد، منم به مادرش فحش دادم، بلاکم کرد و دیگه به پیام‌های من جواب نداد. بعد من بهش زنگ زدم، حتی التماسش کردم، فایده‌ای نداشت (مصاحبه با ثنای ۱۶ ساله)،

- ... شما بین دستورات دین و الگوبرداری از بی‌تی‌اس کدام را انتخاب می‌کنید؟

دستورات دینی مهم هستن، ولی وقتی می‌بینم که بی‌تی‌اس که خلاف دستورات دین ما کلاً حرکت کرده و موفق و محبوب هست، به نظر شما باید از کدوم الگو بگیرم؟ دین یا بی‌تی‌اس؟ من بی‌تی‌اس رو انتخاب می‌کنم (مصاحبه با فریبای ۴۶ ساله)،

- دوستانم هستن که باباشون رو مجبور می‌کنن از جایی قرض کنه و هزینه عمل‌شون رو بده یا مثلاً دوست پسرشون هزینه عمل‌شون رو می‌دن که اون شکلی بشن که بیش‌تر مورد پسندشونه (مصاحبه با شبنم ۲۵ ساله)،



- کلی مرد سن بالا به عنوان مشتری اونجا بودن و اون راهنما یا رئیس شون بهشون گفته که می‌رید از این مردها پذیرایی می‌کنید و هر چیزی ازتون خواستن نه نمیارید. بعد می‌گفت، من فقط گریه می‌کردم و اون رئیسه هم می‌گفت، اگه بخوای قبول نکنی، قراردادت رو لغو می‌کنیم (مصاحبه با شیدای ۲۰ ساله)،

- من همیشه آهنگای بی‌تی‌اس و گاهی بلک‌پینک رو تو اتاقم می‌ذارم و باهاشون می‌رقصم، انقدر می‌رقصم که لاغر بشم، مثل گروه بلک‌پینک. بعد از ظهرا تا آهنگاشون رو گوش ندیدم و یه کم نرقصم، نمی‌تونم کار دیگه‌ای بکنم، این جور انرژی می‌گیرم (مصاحبه با ریحانه ۱۵ ساله)،

- پدر و مادرم خیلی سعی کردن خواهرم رو از رفتن به کره منصرف کنن، ولی اون گفت، اگر مانع رفتنم بشین، خودکشی می‌کنم. این طور بود که پدرم ترسید و حتی کمکش کرد برای رفتن ویزا بگیره (مصاحبه با احسان ۱۷ ساله)،

- به نظر من هر کی هوادار بی‌تی‌اس هست، نباید ازدواج کنه. چون ازدواج با خودش وابستگی میاره و گذشتن از بعضی چیزها به خاطر حفظ زندگی ضرورت پیدا می‌کنه و این با آزادی آدم قبل از ازدواج، کلی فاصله داره (مصاحبه با شیرین ۲۲ ساله)،

- از اصل برابری انسان‌ها صحبت می‌کنن، ولی خودشون چه قدر مجلل و مرفه زندگی می‌کنند و چه جشن تولدهای میلیاردری رو در سراسر جهان می‌گیرند. این کجاش برابری انسان‌ها هست. نوجوان ما با دیدن زندگی مرفه آیدول‌ها و جشن تولدهای میلیاردری آن‌ها جز حسرت خوردن، نتیجه دیگری نمی‌گیرند (مصاحبه با مسعود ۲۰ ساله)،

- بیس فن‌دوم‌ها میان کشورها رو بر اساس ساعت‌هاشون طبقه‌بندی می‌کنند که چه زمانی بهتره که استریم زدن انجام بشه. در ضمن ربات تشخیص داده نشیم یا این طوری تشخیص داده نشه که عه همه مثلاً از فلان کشور دارند این ویدیو رو بازدید می‌کنن (مصاحبه با مهتاب ۱۸ ساله)،

- یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو یاد می‌گیری؟  
آره (مصاحبه با الناز ۱۲ ساله)،

-...حتی من تو خیلی از فیکشن‌ها دیدم که رابطه با اعضای خانواده رو دارن نرمالایز می‌کنن. (مصاحبه با پونه ۱۸ ساله)،  
- من در واقع خانواده نداشتم، اعضای بی‌تی‌اس خانواده‌ی من شدن. من هر روز از زندگیم که سخت بود، به اونا پناه می‌بردم و اونا تمام فکر و ذهنم رو پر می‌کردن. انگار که از همه چیز فاصله گرفتم و خودم رو پرت کردم تو بغل شون (مصاحبه با نرگس ۲۱ ساله)،  
- ولی آرمی‌های تازه وارد فکر می‌کنند، هر کی گفت بالا چشم بی‌تی‌اس ابرو هست، باید برن تو شکم یارو و بزندن پاره‌اش کنن (مصاحبه با مریم ۱۸ ساله)،

- جیهوپ برای موزیک ویدیوهاش حاضر نشد از پرده سبز استفاده کنه و گفت، واقعاً اون ۱۳ تا ماشین رو آتیش بزنی تا همه چی واقعی به نظر برسه (مصاحبه با مرضیه ۱۹ ساله)،

- توی عکس‌هاشون نگاه کنی، شوگا دامن پوشیده، نامجون کت با دامن پوشیده و می‌خوان این مفهوم رو برسونن که لباس‌ها جنسیت ندارند و مخالف این تفکیک جنسیت هستن و معتقدن که لباس‌ها رو نباید طبق جنسیت، جدا کرد (مصاحبه با پریناز ۱۸ ساله)،

- تو مدرسه می‌دیدم که بچه‌ها قبل از این که معلم بیاد، رو تخته کلاس، به زبون کره‌ای آهنگای بی‌تی‌اس رو می‌نوشتن، یعنی در واقع بلد بودن زبون شون رو، ولی من نه (مصاحبه با شقایق ۱۹ ساله).

مصاحبه‌های یاد شده در مجلدات اول و دوم این مجموعه ارایه شدند. در این جلد که جلد سوم مجموعه بررسی اثرهای هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌آید، یافته‌های برگرفته از ۴۷ مصاحبه عمیق انجام شده، با روش داده‌بنیاد، جمع‌بندی و ارایه گردیده‌اند.

عناوین کلی حاصل از پژوهش در زمینه‌های اثرهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس به قرار زیرند: اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی.

در بررسی «اثرهای روانی» هواداری از گروه بی‌تی‌اس عنوان‌های زیر حاصل شده‌اند:

سردرگمی‌های نوجوانی، انگیزه‌بخشی، افزایش اعتماد به نفس، کمک به بهبود حال بد افراد، عشق تخیلی، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار، تخلیه روانی، اتلاف وقت، بروز خطاهای جدی شناختی، بروز برخی از اختلال‌های روانی، بی‌هویتی جنسی و سایر مسایل روان‌شناختی.

در بررسی «اثرهای اجتماعی» هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس موارد زیر به دست آمده‌اند:

شروع هواداری از سنین پایین، پرداختن ستاره‌ها به مسایل جوانان، تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران، چندبعدی و چندوجهی دیدن گروه و اعضای آن، مواجهه با معرکه آرا و افزایش تسامح هواداران، تشویق به مهاجرت به کره جنوبی، دوست‌یابی حضوری و مجازی، نوع‌دوستی، جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، الگوبرداری از ستاره‌ها، تحول‌های هویتی، تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران، احساس تعهد به حمایت از گروه، تلاش در جهت افزایش هواداران، تعصب و ورزیدن در طرفداری، پیشه‌کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی، جابه‌جایی سبک زندگی تکلیف‌مدار با سبک زندگی لذت‌مدار، نقد خط‌مشی‌های کمپانی گروه بی‌تی‌اس، سایر موارد اجتماعی.

در بررسی «اثرهای فرهنگی» هواداری از گروه بی‌تی‌اس عنوان‌های زیر حاصل شده‌اند:

رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی‌های فرهنگی اولیه کره، ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی، ضعف داخل و بهم ریختگی اوضاع جامعه ایران عاملی برای اقبال به بی‌تی‌اس، شروع آشنایی با کی‌پاپ از دوران کودکی، تنوع موجود در کی‌پاپ بی‌تی‌اس، علاقه‌مند شدن و شیفتگی به جوانب مختلف فرهنگ کره، اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران، استقبال از غذاهای کره‌ای، استقبال اقشار قابل تأملی از طرفداران از سرگرمی‌ها و تفریحات مبتذل.

در بررسی «اثرهای آموزشی» هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس، عناوین زیر به دست آمده‌اند:

آشنایی با گروه بی‌تی‌اس در جریان جست‌وجوی رایانه‌ای یا گوگل کردن، جهت‌دهی به علایق تحصیلی هواداران، ارتقای مهارت‌های فنی هواداران، یادگیری رقص‌های کی‌پاپ، آشنایی با جامعه کوییرها از طریق کی‌پاپ، یادگیری‌های غیررسمی (تابوشکنی)، کاهش تمرکز در مطالعه با گوش دادن هم‌زمان به موسیقی بی‌تی‌اس، کم توجهی به درس و افت تحصیلی و اعتماد کردن به منابع نامعتبر.

در بررسی «اثرهای اخلاقی - عقیدتی» هواداری از گروه بی‌تی‌اس عنوان‌های زیر حاصل شده‌اند:

دامن زدن به تسامح اخلاقی، پذیرش اخلاق نسبی‌گرا، اثرگذاری‌های اخلاقی - ارزشی در هواداران، آسیب‌دیدگی‌های اخلاقی هواداران، کاهش ابعاد معنوی با پررنگ شدن ابعاد مادی و تقدس‌قابل شدن برای ستاره‌ها.

در بررسی «اثرهای اقتصادی - سیاسی» هواداری از گروه بی‌تی‌اس موارد زیر حاصل شده‌اند:

تحقق اهداف اقتصادی کمپانی، هزینه کردن برای طرفداری، تمایل به مصرف کالاهای بی‌تی‌اسی، اخذ الگو برای آینده شغلی خویش، کسب درآمد مبتنی بر گروه بی‌تی‌اس، تمایل به ساختن تصویری خیالی از جنگ و مقاومت اعضای گروه بی‌تی‌اس در برابر کمپانی و حکومت، کاهش عرق ملی.

در بررسی «اثرهای هنری» هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس موارد زیر به دست آمده‌اند:

وجود محتواهای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس، تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، جذابیت بخشیدن به صحنه.

در بررسی «اثرهای زیباشناختی» هواداری از گروه بی‌تی‌اس موارد زیر حاصل شده‌اند:

جذابیت‌های ظاهری ستاره‌ها، الگوبرداری در زمینه مدهایی که پسران بی‌تی‌اس عرضه می‌کنند، الگوبرداری در آرایش و پوشش از گروه بی‌تی‌اس، الگوبرداری از جنسیت‌زدایی در آرایش و پوشش، اقدام به جراحی زیبایی تحت تأثیر گروه.

در بررسی «اثرهای خانوادگی» هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس عنوان‌های زیر به دست آمده‌اند:

احساس یک خانواده بودن با ستاره‌ها، معترض کردن هواداران نسبت به زندگی معمول، هدایت غیرمستقیم خانواده در برخورد فرزند با گروه بی‌تی‌اس، دور زدن اولیاء در جریان طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، بروز برخی از اختلاف‌ها در زندگی خانوادگی در اثر هواداری از گروه بی‌تی‌اس، آسیب رسیدن به خانواده و سایر موارد خانوادگی.

در ادامه، گزارش نتایج حاصل از مصاحبه‌های انجام شده در زمینه اثرهای مختلف هواداری نوجوانان و جوانان ایرانی از گروه بی‌تی‌اس، ارائه خواهند شد.

## ۲- اثرهای روانی

در بررسی اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، عناوین زیر از مصاحبه‌های انجام شده به دست آمده‌اند که در ادامه مورد بحث قرار گرفته و شواهدی از آن‌ها ارائه خواهند شد:

سردرگمی‌های نوجوانی، انگیزه‌بخشی، افزایش اعتماد به نفس، کمک به بهبود حال بد افراد، عشق تخیلی، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار، تخلیه روانی، اتلاف وقت، بروز خطاهای جدی شناختی، بروز برخی از اختلال‌های روانی، بی‌هویتی جنسی و سایر مسایل روان‌شناختی.

### سردرگمی‌های نوجوان و جوان

سن نوجوانی سن بحرانی و پر تلاطمی برای نوجوان (و خانواده‌اش) به شمار می‌رود. نوجوان در عین آن که درگیر تحولات فیزیکی قابل توجه در سطح بدنش هست، درگیر تحول‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و عقیدتی نیز هست. مضاف بر همه این‌ها که اطلاعات پیشینی در مورد آن‌ها وجود داشته است، مطالعات جدید مبتنی بر تصویربرداری‌های مغزی از تحول‌های شدید مغز نوجوان در اوان بلوغ یاد می‌کنند. مطالعات جدید اخیر دلالت بر آن دارند که به دلیل تفاوت در میلی‌نی شدن و تکمیل سلول‌های عصبی مغز نوجوان در قسمت‌های شناختی و عاطفی و هیجانی وی، نوجوان مستعد بروز واکنش‌های هیجانی شدیدی است که مراکز شناختی به دلیل کامل نشدن، اثرگذاری جدی روی رفتارهای هیجانی اخیر را ندارند.

گذشته از تحول مغزی نوجوان، تحول‌های عاطفی و روانی نوجوان، ممکن است به درستی از سوی اولیاء فهم نشده، موجبات نقد و یا در سطحی فراتر درگیری اولیاء و نوجوان‌شان را فراهم آورد.

منزوی شدن نسبی نوجوانان در اوان بلوغ هم ممکن است موجبات درگیری اولیاء با نوجوان‌شان را فراهم آورد و اولیاء تصور کنند، علت انزوای فرزندشان، مثلاً عاشق شدن وی است! در حالی که در خود فرورفتگی و انزوای نوجوان در واقع فرصتی برای تأمل درونی برای او فراهم می‌آورد که ببیند به عنوان یک شهروند زن و یا مرد، در آینده‌ای نزدیک در جامعه‌اش، باید از چه ارزش‌هایی برخوردار باشد.

استقلال‌طلبی نوجوان در عین هیجان‌جویی‌های وی، علاقه نوجوان و جوان به مراوده با جنس مخالف، اهمیت یافتن گروه همسالان برای نوجوان و گسستن نسبی وی از خانواده و ارزش‌های آن و ورود به جمع همسالان، هر یک به سهم خود ممکن است قضاوت بدبینانه اولیاء نسبت به نوجوان‌شان را دامن بزنند و مجموعه این عدم فهم‌ها و قضاوت‌های زود هنگام روابط اولیاء با فرزندشان را مخدوش و دچار بحران سازد.

مضاف بر موارد یاد شده، مواجهه نوجوان با فضای مجازی و برخورد وی با ویتترین زندگی بسیاری از افراد در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام، نوجوان را با واقعیات اغراق شده‌ای مواجه می‌سازد که نوجوان به دلیل کم‌تجربگی خود، ممکن است آن‌ها را منطبق با واقع تصور کند و از سوی دیگر، چون نوجوان مشابه آن موارد را در زندگی خویش نمی‌یابد، تکدر خاطری را در خویش احساس می‌کند که قسمت‌هایی از این تکدر خاطر ممکن است در خانواده نیز مطرح شده و اسباب سردی و یا در سطحی بالاتر، محکوم کردن اولیاء را به دلیل عدم تهیه امکانات پیش‌گفته برای نوجوان فراهم آورد.

علاوه بر آن چه از آن یاد شد، نوجوان در بدو ورود به جامعه به سبب آن که از منظر نظریه پیازه در سن آرمان‌گرایی خویش است و به تعبیری مسیحایی شدن را تجربه می‌کند، با ملاحظه شکاف طبقاتی، رانت‌خواری بسیاری از مسوولان و اقربای آنان، فساد اقتصادی و نظایر آن، ممکن است سرخورده شده و به خشم درآید.

علاوه بر این، نوجوان در بدو ورود به جامعه، با ارزش‌های اجتماعی مواجه می‌شود و به سبب آن که مثلاً همه دختران جذابیت و زیبایی مورد نظر جامعه را در دوران بلوغ خویش به دست نمی‌آورند، این مسأله اسباب نگرانی و کاهش اعتماد به نفس قشر جوانان، به ویژه دختران را فراهم می‌آورد.

مجموعه آنچه که به اجمال از آن یاد شد، نوجوان را بدانجا سوق می‌دهد که به سبب اختلاف‌هایی که بین خود و اولیاء، اولیای آموزشی و اولیای اجتماعی خودش (و حتی دیگر کشورهای جهان) می‌بیند، احساس سردرگمی و حتی یأس کند.

بروز تحول‌های مغزی، فیزیکی، شناختی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی که نوجوان در دوران بلوغ زیستی خود به تجربه آن‌ها می‌پردازد، در مجموع شرایط بغرنجی را برای غالب نوجوانان پدید می‌آورد.

علاوه بر آن چه جوان را به سمت شرایط بی‌ثبات و نامتعادل سوق می‌دهد، غالب اولیاء نیز به دلیل نشناختن تحول‌های پیش‌گفته (خاصه تحول‌های مغزی نوجوان خودشان)، غالباً وارد نوعی از چالش و درگیری با جوان‌شان می‌گردند که بحران نوجوانی را تشدید و مضاعف می‌کند.

در این میان اگر فرد یا گروهی به دفاع و حمایت از نوجوانان برخیزد و منادی احترام، عزت و شخصیت دادن به آن‌ها باشد و آنان را انسان‌های موفق فردا معرفی کند، بالطبع به شدت مورد توجه نوجوانی قرار می‌گیرد که به دلیل عدم فهم درست تحول‌های مختلف نوجوانی از سوی اولیاء، اولیای آموزشی و اولیای جامعه، غالباً با دیده تردید و نفی و انکار نگریسته می‌شود.

کمپانی بیگ هیت با توجه به سردرگمی اخیر که نوجوانان و جوانان غالب نقاط جهان با آن روبرو هستند، وظیفه روشنگری و حمایت از نوجوانان و جوانان را به گروه موسیقی بی‌تی‌اس خود داد تا ضمن حمایت از این قشر گسترده اجتماعی، در عمل خودشان را نیز به عنوان سردمداران رهبری جوانان قرار داده و معرفی کنند تا در ادامه به عرضه ایدئولوژی خودش به نوجوانان و جوانان اقدام ورزد. افراد شرکت کننده در پژوهش، ضمن اذعان به این که نوجوانان و جوانان (به دلیل مواردی که گفته شد)، دوره سختی را می‌گذرانند، از ظهور گروه بی‌تی‌اس که در این میان با نقد مواردی مانند مدرسه و فراخواندن نوجوانان و جوانان به عصیان و اعتراض، نقطه امیدی برای آنان طرح کرده است، یاد کرده اند.

از منظر افراد مصاحبه شده، اعضای گروه بی‌تی‌اس، ضمن بیان تجربیات جوانی خودشان که مشابهت زیادی با تجربیات نوجوانان و جوانان سردرگم فرارویشان دارد، راه عبور از مشکلات راه به جوانان نشان داده، با تغییری که در افق دید آن‌ها پیشنهاد می‌کنند، در عمل در حل مشکلات پیش آمده برای نوجوانان و جوانان اقدام مثبت و مؤثری انجام می‌دهند و به نوعی در مسند راهنمایی و هدایت جوان‌ها قرار گرفته و خود را به عنوان منجی جوانان مطرح می‌سازند.

گلاره ۱۴ ساله، فرشته ۱۹ ساله و نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خودشان از سردرگمی و حال بد خودشان در اوان بلوغ و ادامه آن یاد کرده اند:

«... فکر کنم تقریباً ۹۰ درصد آرمی‌ها این شرایط رو داشتن که توی دوران نوجوانی و بلوغ که داشتن بزرگ می‌شدن ناراحت بودن یا حال‌شون بد می‌شده و توی همین دوران بوده که با بی‌تی‌اس آشنا شدن و حال‌شون خیلی بهتر شده.

بی‌تی‌اس بهمون بر عکس این که یاد بده برای دیگران چه جوری باشیم، این رو یاد می‌ده که چه جوری برای خودمون باشیم و خودمون رو دوست داشته باشیم و چه جوری زندگی کنیم و این خیلی تأثیرگذاره. نمی‌دونم درست باشه این رو بگم یا نه، ولی من یه زمانی حتی با سن کمی که داشتم، شب‌ها قبل از خواب همیشه گریه می‌کردم و اصلاً حالم خوب نبود و خب هیچ‌کس هم متوجه این موضوع نمی‌شد، ولی بی‌تی‌اس نه تنها توی آهنگ‌هاش که می‌گه زندگی ادامه داره، بلکه توی همه چیزش مثل همون ران‌ها و برنامه‌ها و مصاحبه‌هاش بهمون امید می‌دن و می‌گن که ما رو دوست دارن و این موضوع خیلی روی من تأثیر داشت و حالم رو خوب می‌کنه».

«- خوب چی شد که فن‌شون شدی؟»

اوایل دوران کرونا بود که من تیک‌تاک ریختم و اکانت ساختم. اونجا آهنگاشون رو خیلی می‌شنیدم و تیک‌تاک می‌دیدم. همون دوره هم بود که آهنگ پرمیشن تو دنس رو خوندم تقریباً. شاید یه کم بعد ترش. که خب این آهنگ امید می‌ده به دوران بعد از کرونا و زندگی عادی.

خب اصن یه جو عجیبی بود اون موقع. از همه چیز و همه کس دور افتاده بودم، من کنکوری هم بودم. بعد من خیلی روحیه‌ام داغون بود. نیاز به حواس‌پرتی داشتم واقعاً و چی بهتر از یه فندومی که خیلی چیزای جانبی داره. فضای خوبی بود که چیزای مختلف بینم و دوست پیدا کنم.»

- وقتی بهشون فکر می‌کردی یا باهاشون وقت می‌گذرودی، چه احساسی داشتی؟

اون اوایل که بی‌تی‌اس مثل الان این قدر حاشیه نداشت، حالم خوب بود باهاشون، یعنی من هر وقت حالم خوب نبود، با آهنگاشون گریه می‌کردم. باهاشون تو ذهنم حرف می‌زدم، شاید تصور کنی دیوونه بودم، اما همیشه حضورشون رو همه جا کنار خودم حس می‌کردم. این جورى باعث می‌شد کم‌تر توی موقعیتای مختلف مثل مهمونی یا مدرسه استرس بگیرم، حالم خوب بود با آهنگاشون می‌رقصیدم. از صبح تا شب باهاشون وقت می‌گذروم و حس می‌کردم بیش‌تر از هر کسی توی این دنیا دوست‌شون دارم، حتی بیش‌تر از پدر و مادرم. من دوران نوجوونیم واقعاً روزای خوبی رو نمی‌گذروندم. تنها چیزی که باعث شد دست به کارای احمقانه زنم، بی‌تی‌اس بود. اون من رو به این زندگی بند کرده بود. هر روز بیش‌تر عاشق می‌شدم. لباسام شبیه بی‌تی‌اس بود. اتاقم پر از وسایل بی‌تی‌اس بود. تو صحبتام فقط از بی‌تی‌اس می‌گفتم و انگار جز حرف زدن در مورد اونا، چیزی برای گفتن نداشتم. هویتم شده بودن اونا. تو مدرسه و کلاس همه من رو به اسم دیوونه‌ترین آرمی می‌شناختن، بماند که تونستم با کارام خیلی از دوستانم رو آرمی کنم.»

دیبای ۱۵ ساله و پرنیز ۱۸ ساله ضمن تکرار مضامین مورد اشاره گلاره، فرشته و نرگس، از مشاهدات خویش در سطح نوجوانان و جوانان اطراف و اکنافشان یاد کرده اند که با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند و در این میان فریادرسی هم ندارند:

«- مخاطب‌های بی‌تی‌اس معمولاً توی چه دامنه سنی هستن؟»

بیش‌تر به نظرم از ۱۲، ۱۳ سال یعنی همون سن نوجوونی شروع می‌شه، چون که بچه‌ها تازه دارن وارد فضای مجازی می‌شن و با موضوعات جدید آشنا می‌شن و خب ممکنه با بی‌تی‌اس و کی‌پاپ هم آشنایی پیدا کنن و براشون جذاب باشه.

دلیل این که توی سن نوجوونی هم جذب می‌شن، به نظرم اینه که آدم توی اون سن خیلی از خودش ایراد می‌گیره و با شناخت خودش درگیره و دایم با خودش می‌گه که وای چرا من این جوریم؟ و چرا قیافه‌ام این شکلیه؟ به همین دلیل به نظرم توی اون سن بیش‌تر با کی‌پاپ می‌شه انس گرفت.»

«ما نوجوان‌ها یه دوره خیلی سختی رو می‌گذرونییم، یه دوره‌ای که واقعاً حال مون بده، بین دلیل خاصی نداره‌ها، ولی انگار می‌زنه به سرمون، ولی واقعاً به چشم دیدم هم کلاسی‌های خودم وقتی میان از تجربه خودشون می‌گن که حال مون بد بود و هیچی حال مون رو بهتر نمی‌کرد تا این که با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدیم و یکی از دلایلی که می‌تونه در این موضوع تأثیر بذاره که می‌گن، اکثر کسانی که طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستن، بچه‌های زیر ۱۵ هستن به خاطر اینه که بیش‌تر این افراد با این گروه حال می‌کنن، واقعاً می‌تونه غم و غصه رو کم کنه و به خاطر همین برای تمام آرمی‌ها عزیزه.»

پسران گروه بی‌تی‌اس در اولین آهنگ خویش دست به نقد نظام حاکم بر مدرسه زده و در ادامه نیز گاه و بی‌گاه با فراخواندن نوجوانان و جوانان به سمت عصیان و شورشگری، ناکامی فروخته جوانان را از سمت خودشان متوجه جامعه و نسل بزرگسال می‌کند. دیبای ۱۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، در مورد آهنگ نخست گروه بی‌تی‌اس می‌گوید:

«اولین آهنگ‌های بی‌تی‌اس مثل نو مور دریم<sup>۱</sup> کلاً درباره مدرسه بود، مثلاً موزیک ویدیوش هم توی یه اتوبوس مدرسه بود و همه اعضا یه حالت گنگی داشتن و انگار به زور فرستادن‌شون به مدرسه. نسلی که به این کانسپت هم جذب شدن با این موضوعات خودشون دست و پنجه نرم می‌کردن و یه جورهایی با این موضوعاتی که توی آهنگ خوانده می‌شد خُو گرفتن».

برخی از افراد مصاحبه شده، با تأکید در این که اعضای گروه بی‌تی‌اس، با طرح خاطرات و تجربیات شخصی خودشون، نوعی از همذات‌پنداری را بین خود و جوانان پدید می‌آورند، از اهمیت زیاد این تجربیات که به واقع شامل طرح دغدغه‌های عموم جوانان و مردم است، یاد کرده اند:

«- آیا به جز مفاهیم دوست داشتن خود و جریان داشتن زندگی، بی‌تی‌اس توی آهنگ‌هاشون به موضوعات دیگه هم اشاره می‌کنن یا نه؟ معمولاً آرام درباره این جور مسایل می‌خوانه که مثلاً من کی هستم، یعنی همون چیزی که اکثر نوجوون‌ها یا حتی جوون‌ها درگیرش هستن که الان تکلیف من چیه، من چه نقشی توی جامعه دارم، از نظر شخصیتی چه جوری‌ام، چه قدر مورد قبول جامعه قرار می‌گیرم و مردم درباره من چی فکر می‌کنن و این جور چیزها. خود آرام هم گفته که با چنین موضوعاتی درگیر بود، برای همین بیش‌تر راجع به این موضوع می‌خونه، مثلاً توی آهنگ پرسونا می‌گه که «من کی‌ام؟ این سوال‌ایه که من همیشه از خودم می‌پرسم».

به جز تأثیر نسبی‌ای که بی‌تی‌اس روی دوست داشتن خود توی شما داشته، آیا اثرات دیگه‌ای هم از سمت بی‌تی‌اس روی شما وجود داشته؟ من قبلاً خیلی از خودم ایراد می‌گرفتم و دایم به خودم می‌گفتم که من چرا این جوری‌ام یا مثلاً باید دماغم رو عمل کنم، ولی الان اصلاً دیگه اون جوری نیستم و شدتش خیلی کم شده یا این که وقتی خودم رو با بچه‌های دیگه و هم سن‌وسال‌هام توی مدرسه می‌سنجم، احساس می‌کنم که زندگی رو خیلی آسون‌تر می‌گیرم و چیزهای مثبت بیش‌تری رو درباره خودم و زندگی نسبت به بقیه می‌بینم» (دیبا، ۱۵ ساله).

«- چه طور آهنگ‌هاشون دلنشینه؟

بین گروه بی‌تی‌اس بر تمام فرایندهای موسیقی از اول تا آخر نظارت دارند. اون‌ها نه تنها متن آهنگ‌ها رو خودشون از بین مشکلات و دغدغه‌های عمومی کل مردم دنیا و یا شادی‌های عمومی همه جوانان و مردم می‌نویسند، بلکه اون‌ها رو خودشون تولید و اجرا می‌کنند. در نتیجه چون خودشون خالق آهنگ‌هاشون هستند، به راحتی با آهنگ‌ها خیلی عمیق و احساسی ارتباط برقرار می‌کنن و این حس و حال‌شون از دید تماشاچیان و هواداران پنهان نمی‌مونه و به اون‌ها نیز منتقل می‌شه» (احسان، ۱۷ ساله).

احسان ۱۷ ساله و مسعود ۲۰ ساله، در گزارش خود خاطر نشان می‌سازند که گروه بی‌تی‌اس با آموزش صبر و حوصله برای رسیدن به آینده، در عمل راه عبور از مشکلات را به جوانان می‌آموزند:

«- آیا هواداری تو از بی‌تی‌اس روی اخلاق تو نیز تأثیر گذاشته؟

بله، تأثیر گذاشته، قبلاً کم حوصله و عجول بودم، ولی بی‌تی‌اس صبر و حوصله رو به من آموخت. احترام به والدین و بزرگ‌ترها و اساتید و کمک به نیازمندان و بیماران رو به من یاد داد.

- می‌شه یه مثالی بزنی؟

مثلاً قبلاً هر روز با هم کلاسی‌هام سر کوچک‌ترین اختلافی دعوا می‌شد، ولی حالا اصلاً این طور نیستیم، حتی اگر توهینی بشنوم کوتاه میام و سعی در ادامه جرو بحث رو ندارم و آن‌ها رو هم دعوت به آرامش می‌کنم».

«- معنی آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه تأثیری روی هواداران دارد؟

<sup>1</sup> - No More Dream (2013)

خیلی تأثیر دارد. ممکنه هر کدام از هواداران یکی از این مشکلات یا دغدغه‌ها رو داشته باشه. صبر و تلاش و کوشش برای رسیدن به هدف رو به همه یاد می‌ده. همه رو به آرامش دعوت می‌کنند و راه عبور از مشکلات رو با آهنگ‌هاشون به هواداران یاد می‌دهند.

– می‌شه یه نمونه مثال بیاری؟

نمونه‌اش خود من، در حالی که می‌دانستم اگر ادامه تحصیل بدم، ممکنه آینده خیلی بهتری از اینی که هستم رو داشته باشم، ولی تصمیم گرفتم به خاطر بقیه خواهر و برادرانم وارد بازار کار بشم تا اونا بتونند ادامه تحصیل بدن و پدر و مادرم کمی از فشار روشن کم بشه». مرضیه ۱۹ ساله و شیرین ۲۲ ساله در مصاحبه‌های جداگانه خویش یادآور شده‌اند، گروه بی‌تی‌اس با یاد دادن خندیدن به مشکلات، و تأیید این که پایان شب سیاه سفید است، در عمل به جوانان می‌آموزند که به جای درگیر شدن با خود و نفی و انکار خویش، دید مثبتی به خود یافته، بدانند که آینده از آن آنان است:

«– اگر بخوایم کمی با دقت نظر جلو بریم توی یه ویدیو گفته می‌شه: «دوز یونگی امروز»، به نظرت واقعاً این طوریه که دیدن ویدیوها و عکس‌ها و گوش کردن به آهنگ‌های بی‌تی‌اس برای تو به عنوان یه طرفدار مثل یه داروی آرام بخش عمل می‌کنه و حالت رو خوب می‌کنه؟

اوهوم، درسته واقعاً، اونا حال مون رو خوب می‌کنن: من یه زمانایی بود که حالم خوب نبود، سیگار می‌کشیدم، ولی سیگار اون تأثیری رو نداشت که بی‌تی‌اس داشت، اوکی سیگار شاید آرومت کنه، اما این چندتا پسر آنرمال (غیرعادی) (باخنده) کره‌ای، باعث می‌شن که من بخندم و خنده بر هر درد بی‌درمان دواست: کاری که خنده‌هاشون با آدم می‌کنه صدتا مسکن و مورفین نمی‌کنه.

– (باخنده) غیرطبیعی؟

شوخی می‌کنم جدی نگیر، فقط به این خاطر خیلی بانمک ان و بازیگوش و اهل مسخره بازی».

«– این آهنگ‌ها چه پیامی برای هوادارانش داره؟

این پیام‌ها رو با یه ضرب‌المثل ایرانی معنی می‌کنم. که پایان شب سیاه سفید است. در بیش‌تر آهنگ‌هاشون از پایان مشکلات و فرا رسیدن روزهای خوب خبر می‌دهند».

شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌اش تأکید می‌ورزد، گروه بی‌تی‌اس در افق دید وی و دیگر جوانان تغییر پدید آورده و این مسأله به تخفیف و حل مشکل وی انجامیده است:

«... ولی بعد کم‌کم وقتی با همون مفاهیمی که گفتم، آشنا شدم دیگه، این مسأله چاقیم برام خیلی اهمیتی نداشت. اولاً که توی ویدیوهای طرفدارا می‌دیدم، خیلیا که ویدیوی رقص درست می‌کردن، چه گروهی و چه تنهایی، چاق هستن و با این موضوع مشکلی ندارن. از طرف دیگه هم پیام بی‌تی‌اس توی آهنگاشون همین بود که خودت رو هر طور که هستی بپذیر».

نگین ۱۳ ساله و نرگس ۲۱ ساله نیز همچون شبنم، با تأکید بر این که پسران گروه بی‌تی‌اس، برای آنان تحول‌آفرین واقع شده‌اند، از اعضای گروه به مثابه منجی جوانان یاد می‌کنند:

«– در چه موقعیت‌هایی از عبارت «خودت را دوست داشته باش» استفاده می‌کنی؟

من راستش خوب تو مدرسه خیلی حس و حال چیزی ندارم، چون بالاخره تو هر مدرسه یکی هست که باهات مشکل داره و همه مشکلات ظاهری، درسی این‌ها را به رخت می‌کشه. من وقتی می‌بینم که دیگه اعصابم نمی‌کشه، دیگه نمی‌تونم اون وضعیت را تحمل کنم، چون تو مدرسه گوشه‌ای هم ندارم و من معمولاً نصف ویدیوها و دیالوگ‌های بی‌تی‌اس را حفظ هستم و تو زنگ‌های تفریح می‌شینم روی نیمکت، چشم‌هام را می‌بندم و فقط به اون‌ها فکر می‌کنم و به همه چیزها که باعث شدن تا حالا به خاطرش خوشحال باشم. و این آروم می‌کنه».

«– خوب بعد از این که حس کردی بهشون علاقه‌مند شدی، چه کارهایی کردی؟



یادمه اون موقع کل اتاقم رو پوسترای بی‌تی‌اس زد. من یه دختر تینیجر بودم که از مدرسه برمی‌گشت تو خونه و تنها بود تا شب. تنها بودم و چون ارتباط اجتماعی خوب نبود، دوست و رفیقی هم نداشتم. با مشکلاهی نوجوونیم دست و پنجه نرم می‌کردم. افسردگی داشتم، مامان و بابام نبودن کنارم. برای همین سعی کردم یه جورایی اون خلاءهای زندگی رو پر کنم، اگر شما چند سال پیش این سوال رو از من می‌پرسیدی، محال بود این حرفا رو بزنم. خودم فکر می‌کردم صرفاً به خاطر علاقه این قدر وابسته شده بودم بهشون. ولی خب الان نه. می‌دونم که یه بخشی از اون همه علاقه و افراط به خاطر مشکلاتم بود. بی‌تی‌اس من رو از مشکلاتم دور می‌کرد و من هرروز بیش‌تر توش غرق می‌شدم.

- چه خلاءهایی داشتی که بی‌تی‌اس اون‌ها رو برات پر می‌کرد؟

عام. خیلی چیزا. من تنها بودم، اونا دوست من شدن. من از کسی محبت نمی‌دیدم، اونا با حرف‌هایی که به آرمی‌ها می‌زدن، به من محبت کردن. من در واقع خانواده نداشتم، اعضای بی‌تی‌اس خانواده‌ی من شدن. من هر روز از زندگی که سخت بود، به اونا پناه می‌بردم و اونا تمام فکر و ذهنم رو پر می‌کردن. انگار که از همه چیز فاصله گرفتم و خودم رو پرت کردم تو بغل‌شون».

### انگیزه‌بخشی

انگیزه و امید بخشیدن به هواداران، اثرگذاری روانی مهمی است که تعداد زیادی از هواداران مصاحبه شده بدان اذعان داشته‌اند، پریناز ۱۸ ساله در مصاحبه‌اش در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«... بی‌تی‌اس طرز دید من رو نسبت به آدم‌های اطرافم تغییر داده، مثل کسی که دیدش تاره، ولی وقتی عینک می‌زنه، شفاف می‌تونه ببینه».

هواداران مصاحبه شده در توصیف انگیزه گرفتن از گروه بی‌تی‌اس و امید یافتن به آینده، گاهی از اثرپذیری خویش از بیانات اعضای مورد علاقه‌شان در گروه بی‌تی‌اس یاد کرده‌اند، گاهی از متن آهنگ‌هایی که گروه پسران به اجرای آن‌ها پرداخته‌اند و در برخی از مواقع، به مجموع آهنگ‌ها و رهنمودهای اعضای گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته، تأثیرپذیری خویش را مبتنی بر جمع محتوای آهنگ‌های و بیانات اعضای گروه، تبیین کرده‌اند.

مرضیه ۱۹ ساله و رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش، بیان داشته‌اند که آنان تحت تأثیر بیانات ستاره‌های مورد علاقه‌شان، انگیزه تلاش و کوشش بیش‌تر را در زندگی خودشان به دست آورده‌اند:

«اونا زندگی کردن و ادامه دادن رو بهم یاد دادن، حتی وقتی احساس خلاء و ناامیدی می‌کردم، باز ادامه دادن همان طور که نامی می‌گفت، اگر می‌خواستین کاری رو انجام بدید، ولی سخت تون بود یا انگیزه‌ی انجام دادنش رو نداشتید، به خاطر من انجامش بدید، اونا به ما درسایی دادن که تو کتاب‌هامون و خانواده ردی ازش رو نمی‌بینیم، امید به روزای بهتر رو به رگ‌هامون تزریق می‌کنن، پس امیدوار می‌شیم به آینده‌ای که شاید حتی از نظر خودمون و اطرافیان مون دور از واقعیت باشن، مثل یونگی که می‌گفت به یه جایگاهی رسیدم که خانواده‌ام هم فکرش رو نمی‌کردن، عمیقاً درکش می‌کنم و عمیقاً از سوی اونا ما درک می‌شیم، منی که از رؤیاهام به خانواده‌ام می‌گم و غیرواقعی و دور از تحقق می‌بینش، روزی بهشون نشون خواهم داد، تلاش کردنشون رو دیدم و شیفته تلاش کردن شدم، برای رسیدن به رؤیاهام، بهم نشون دادن می‌شه از سئول نباشی، ولی رشد کنی، می‌شه محدودیت‌ها رو بشکنی و بالا بری، می‌شه حتی اگه معیارهای زیبایی که حاکمه بر دنیا رو نداشته باشی با یه چهره‌ی شرقی پسند هم موفق بشی، این برام دلگرم کننده هس، خجالتی بودن و ترسو بودن رو صفت‌های از این قبیل، هیچ کدوم باعث برتری نمی‌شن، من خجالتی بودم همیشه، ولی انکارش می‌کردم، بقیه بهم می‌گفتن خیلی خجالتی هستی، نمی‌خواستم بپذیرمش، چون خجالتی بودن رو بد و منفی می‌دونستم، ولی بعدش که تهیونگ گفت: «آیم سو شای» (من خیلی

خجالتی‌ام)، منم پذیرفتمش یا مثلاً وقتی تهیونگ می‌گفت، خودم رو دوست ندارم و احساس می‌کنم زیبا نیستم، واس همین به مدت طولانی سلفی نمی‌انداخت، من یادمه به بار تو به جمع سه‌تایی بودیم، یکی از دوستانم گفت که بدترین دوره‌ی زندگی‌م زمانی بود که خودم رو دوست نداشتم، بعد یکی از بچه‌ها برگشت گفت، مگه می‌شه، اصلاً چه قدر آدم‌های ضعیفی هستید، همون بهتر که بمیرید، خب منم همچین احساسی رو تو به دوره از زندگی‌م تجربه کردم، اما تونستم دیگه حرفی بزنم و ریختم تو خودم، فقط گفتم فکر کنم همه به همچین دوره‌ای رو تو زندگی‌شون تجربه می‌کنن که دوباره برگشت، گفت نه، من اصلاً این طوری نبودم، همیشه خودم رو دوست داشتم، اصلاً از این حرفش احساس خوبی نگرفتم، ولی یکی مثل اونا رو می‌بینم که چه قدر شبیه ما ان و احساسات‌مون یکیه، خوشحال می‌شم.

– احساس می‌کردی شبیه هم هستی و از سوی همدیگه درک و فهمیده می‌شید؟

دقیقاً توی برنامه ۷۷ سوال به سوال از تک تک اعضاء پرسیده شد، سوال این بود که تو زندگی با ارزش‌ترین احساس‌تون چیه؟ من ویدیو رو مکث زدم و خودم به این سوال پاسخ دادم و پاسخی که من دادم، دقیقاً عین پاسخی بود که تهیونگ داد، فقط شاید به کمی کلمه‌هاش و زبانش متفاوت بود و یک‌سری جملات و حرفایی که می‌زدن آرامش بخشم بوده و هست».

«... من وقتی ناراحتم کلیپ‌شون رو نگاه می‌کنم، حرف‌های انگیزشی‌شون رو نگاه می‌کنم که باعث آرامشم می‌شه، آهنگ‌هاشون رو گوش می‌کنم.

بعد جیمین در به کلیپ، به حرف خیلی آرومی با صدای آهنگ به آرمیا زده که اون را هر وقت ناراحت می‌شم، نگاه می‌کنم، واقعاً حس آرامش و آرومی بهم دست می‌ده.

– گفتمی به خاطر همون لحن خودش، فقط لحنش یا چیزی که داره می‌گه؟

بین خیلی آروم داره مثلاً می‌گه، آرمیای من، نمی‌دونم سوییتهای من، حالتون خوبه، اشکالی نداره. شاید مثلاً روز بدی داشته باشی، ولی دلیل نمی‌شه همیشه این طوری باشه. به همچین چیزایی می‌گه.

– یک جورى که انگار از راه دور بغل می‌شی؟

آره.

– خیلی برات پیش میاد که به این گوش بدی؟

آره».

برخی از هواداران دیگر، با استناد به محتوای آهنگی خاص (نظیر خودت را دوست داشته باش، زندگی ادامه دارد و مانند آن‌ها) و یا فضای کلی آهنگ‌های پسران بی‌تی‌اس، از اثرپذیری خویش از محتواهای اخیر یاد کرده اند، دیبای ۱۵ ساله و مسعود ۲۰ ساله، در همین ارتباط چنین بیان داشته اند:

«– می‌شه به آهنگی از بی‌تی‌اس مثال بزنی که به همین مفاهیم دوست داشتن خود اشاره بکنه و خودت هم دوستش داشته باشی؟

مثلاً آهنگ لایف گووز ان زمانی منتشر شد که کرونا اومده بود و همه چیز خیلی تعطیل شده بود و حالت نامشخصی داشت و همه خیلی سردرگم بودن که ما الان باید چی کار بکنیم و همه حالت بلاتکلیفی داشتن. خب بی‌تی‌اس با این آهنگی که منتشر کرد، می‌گفت درسته که این اتفاق برای ما پیش اومده و نباید سختی‌های اون رو منکر شد، ولی باید خوشحال باشیم و درسته که آسیب‌های زیادی داشته و ناگهانی پیش اومده و ما ازش خبر نداشتم، اما چیزی بین من و تو تغییر نکرده. منظورشون از این تیکه آهنگ اینه که همه این اتفاقات پیش میان، ولی هنوز زندگی ادامه دارد و با چنین اتفاقاتی قرار نیست زندگی تموم بشه».

«– تأثیر فعالیت‌های بی‌تی‌اس در دوران کرونا روی هواداران چگونه بود؟

چون اکثر هواداران قشر دانش‌آموز بودند و آن‌ها هم خانه‌نشین شده بودند، تنها روزنه امیدشون آهنگ‌های بی‌تی‌اس در فضای مجازی بود که با گوش دادن به آن‌ها روحیه می‌گرفتند و یا غم از دست دادن عزیزان‌شون رو در بیماری کرونا با کمک بی‌تی‌اس می‌تونستند تحمل

کنند. اینجا وفاداری بی‌تی‌اس به هواداران آشکارا دیده می‌شود. زمانی که ترس و ناامیدی سراسر جهان رو به خاطر کوید ۱۹ فرا گرفته بود. گروه بی‌تی‌اس با پخش آهنگ‌های ساخته خودشان به هواداران امیدواری می‌دادند.

مریم و پونه ۱۸ ساله و مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خودشان از اثرپذیری خویش از فضای کلی آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- وقت‌هایی که ناراحتی و آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دی، حالت بهتر می‌شه؟»

آره، خیلی. آرامش می‌گیرم، مخصوصاً وقتی صدای تهیونگ رو می‌شنوم. توی سال کنکور کم‌تر می‌تونستم پیگیر کارهاشون باشم، ولی تو تایم‌های استراحتم آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دادم و حس می‌کردم، می‌تونم با قدرت بیشتر تری ادامه بدم».

«... من همیشه قبل از درس خوندم اون آهنگ‌شون رو گوش می‌دم و انگیزه می‌گیرم».

«- زمانی که مشغول کار شدی، بی‌تی‌اس چه تأثیری روی تو داشت؟»

من زمانی که شروع به کار کردم، سال دوم دبیرستان رو تمام کرده بودم و از هم‌کلاسی‌ها و دوستانم فاصله گرفته بودم، از درس و کتاب دور شده بودم، حس خیلی خوبی نبود. بی‌تی‌اس به من کمک کرد تا این دوران سخت دلتنگی برای هم‌کلاسی‌ها و درس رو پشت سر بگذارم. آهنگ‌های شادشون من را از غم و دلتنگی نجات دادن. تو کارم مصمم‌تر شدم و برنامه‌ریزی کردم و تقریباً موفق شدم».

تعدادی از افراد مصاحبه شده نیز در تبیین امید یافتن به آینده و افزایش انگیزه‌هایشان برای پیشرفت بیشتر و بیشتر، به مجموعه افراد و آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس استناد کرده و جمع بیانات پسران بی‌تی‌اس و متن آهنگ‌های گروه در انگیزه‌یابی خویش برای پشت سر گذراندن مشکلات و موانع سر راه را مؤثر دانسته اند:

«من تا قبل از این که با بی‌تی‌اس آشنا بشم، احساس می‌کردم متعلق به این زمان و مکان نیستم، احساس می‌کردم من متعلق به دورانی هستم که ونگوگ گوشه‌ی اتاقش مشغول کشیدن نقاشی‌هایش بود، متعلق به دورانی هستم که شرلوک هلمز و دکتر واتسون سراسیمه میان خیابان‌های انگلستان به دنبال مجرمین و گناهکاران می‌گشتند، قرن هفدهم قبل از این زندگی ماشینی؛ اما وقتی بی‌تی‌اس رو شناختم، اونا دلیلی شدن که از این که توی این قرن متولد شدم، خوشحال باشم از این که تو قرنی هستم که اونا هستن که می‌تونم ببینمشون از پشت همین صفحه‌ی گوشی یا حتی رفتن به کنسرتشون، اونا به زندگی من رنگ پاشیدن و باعث شدن معنایی که خیلی وقت بود تو زندگیم رنگ باخته بود رو پیدا کنم» (مرضیه، ۱۹ ساله).

«من از دوستانم شنیدم که یکی‌شون می‌گفت، سه بار تجربه خودکشی ناموفق داشته، ولی خب بی‌تی‌اس برایش دلیلی برای زندگی کردن شده و این برای من خیلی جالبه و این که می‌گفت خیلی خودش رو دوست داره و می‌گفت، یاد گرفته حال بد و مشکل، توی زندگی همه هست و خودکشی راه درستی نیست و امیدش به زندگی بالا رفته و من بعد از بی‌تی‌اس، واقعاً می‌تونم بگم خیلی عاقل شدم و توی شرایط سخت خیلی راحت‌تر با مشکلاتم کنار میام و خودم رو نمی‌بازم و هیچ وقت جا نمی‌زنم و خیلی قوی شدم» (پریناز، ۱۸ ساله).

«- یعنی چی که هویتت شده بودن؟»

بین همین که بچه‌ها من رو توی مدرسه می‌دیدن، یاد بی‌تی‌اس می‌افتادن. بعد از یک مدت هم دیدم که حرف زدنم، علاقه‌مندی‌هام، کارهام و لباس پوشیدنم، همه چیز شبیه شده به اونا و البته بیشتر هم شوگا، چون بایسم توی بی‌تی‌اس بود. اون زمان زندگی من به دو بخش تقسیم شد. قبل از بی‌تی‌اس و بعدش. تا قبلش یادم نمی‌اد. واقعاً نمی‌دونم چی حالم رو خوب می‌کرد. چی بهم انگیزه می‌داد. چی دوست داشتم. هیچی یادم نمی‌اد، اما همه‌ی اتفاقاتی بعد از بی‌تی‌اس رو یادمه. تو اون سن من سرگردان بودم و چی تأثیرش بیشتر از یه بند موسیقیه که بتونه تو رو بسازه. من رو ساختن. برای همین می‌گم هویتم شده بودن» (نرگس، ۲۱ ساله).

## افزایش اعتماد به نفس

تشویق به جرأت‌مندی و یافتن اعتماد به نفس، از دیگر موضوع‌های مطرح شده توسط هواداران مصاحبه شده در باب اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، به شمار می‌آید.

ریحانه ۱۵ ساله و فریبای ۴۶ ساله، در بیاناتشان جرأت‌مندی خویش را به گروه پسران بی‌تی‌اس منتسب کرده، آنان را به عنوان افراد الهام بخش خود در این زمینه معرفی کرده اند:

«- با این توصیفات به نظرت چرا دخترها این قدر بی‌تی‌اس رو دوست دارن؟»

بین خب تو نگاه اول شاید ظاهرشون باشه، اما به نظر من چیزای دیگه هم هست.

- مثلاً چه چیزهایی؟

دخترایی مثل من دغدغه‌شون اینه که خودشون برا خودشون تصمیم بگیرن، انقدر وابسته به بقیه نباشن و... می‌دونی به نظرم بی‌تی‌اس بهمون جرأت می‌ده که قوی باشیم و دخترها بتونن مستقل باشن. بعدم این که همه آدمای مهربون و دلسوز رو دوست دارن، بی‌تی‌اس هم خیلی مهربون هستن و دلسوز و هوای جوون‌ها رو دارن.»

«... من روم نمی‌شد توی جمع برقصم، حتی در جمع زنانه، الان داخل مهمونی‌های مختلط می‌رقصم، بدون این که خجالت بکشم. عادت دارم وقتی یک چیزی رو می‌بینم و خوشم میاد ناخودآگاه الگوبرداری می‌کنم. از دل و جرأت خواننده‌ها و بازیگرای تئاتر خیلی خوشم میاد، چون جرأت می‌کنن توی جمع هنرنمایی کنن، کاری که خیلی دوست داشتم و دارم یک روزی انجام بدم. دخترم رو هم تشویق می‌کنم تا ترس و خجالتش بریزه. دخترم هم مثل خودمه، یه چیزی ببینه و خوشش بیاد، همون رو یاد می‌گیره... . دخترم همیشه می‌گه که چه طور جین و دوستاش می‌تونن، اون وقت من نتونم؟».

برخی از مصاحبه شونده‌گان، خاطرنشان ساخته اند که در جریان آشنا شدن و هواداری گروه بی‌تی‌اس، اعتماد به نفس آنان افزایش و ارتقاء یافته است. شبنم ۲۵ ساله، در همین رابطه گزارش می‌دهد:

«... از تأثیرهای دیگه اعضای گروه این بود که من توی گذشته خیلی اعتماد به نفسم پایین بود و بیش‌تر اوقات سعی می‌کردم کارایی رو کنم که دوستانم می‌پسندن. ولی کم‌کم یاد گرفتم که خودم باشم و اعتماد به نفسم افزایش پیدا کرد.»

طرفداران گروه بی‌تی‌اس در توصیف دلایل ارتقای اعتماد به نفس خویش به طرح مواردی مانند: الهام گرفتن از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، قول دادن به ستاره‌های بی‌تی‌اس برای تلاش‌های بیش‌تر در زندگی خویش، یافتن بهانه‌ای برای ابراز وجود و قرار گرفتن در مسند اطلاع‌رسانی درباره گروه بی‌تی‌اس، پرداخته اند.

ریحانه ۱۵ ساله، ثنای ۱۶ ساله و مریم ۱۸ ساله در توصیف الهام گرفتن خویش از آهنگ‌های بی‌تی‌اس به طرح مضامین زیر اقدام کرده اند:

«- وقتی ناراحتی دیگه چه کارهایی می‌کنی که بهتر بشی؟»

با دوستانم چت می‌کنم یا تماس تصویری باهاشون می‌گیرم، تو اینستا می‌چرخم و اینا.

- می‌تونم برام یه مثال بزنی از این که به نظر بقیه اهمیت نمی‌دی یا خودت برای خودت تصمیم می‌گیری؟

مثلاً من صورتم زیاد جوش می‌زنه، قبلنا هر کی بهم می‌گفت، چه قدر صورتت جوش داره یا تپلی، خیلی ناراحت می‌شدم و می‌رفتم تو اتاق گریه می‌کردم، بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم دیگه هر کی راجع به این چیزها بهم چیزی بگه، برام مهم نیست و اون قدر دیگه ناراحت نمی‌شم.»

«- چه چیزی در متن و محتوای آهنگ‌ها هست که برای تو جذاب هست؟»

متن انگیزشی زیاد دارن، مثل دُپ<sup>۱</sup>.

- دُپ اسم آهنگ هست؟

بله، خیلی خوبه، وقتی حال خوب نباشه، تنبلی بیاد سراغم یا نمره خوبی نگیرم، این آهنگ بهم انرژی می‌ده.

- چه طور این آهنگ بهت انگیزه می‌دهد؟

متن انگیزشی داره و می‌گه که باید بیش‌تر تلاش کنی حتی وقتی همه دارن استراحت و خوش گذرونی می‌کنن. البته من آدم خوش‌گذرونی

نیستم تنها بدی که دارم اینه که بعضی وقتا ناامید می‌شم، اون وقت آهنگ دُپ بهم کمک می‌کنه، حال و هوام عوض بشه».

«- یعنی شعار خودت را دوست داشته باش، باعث شده اعتماد به نفس تو افزایش پیدا کنه؟

آره، چون مامانم من رو از بچگی کلی کلاس گذاشته، طراحی، گیتار، زبان فرانسوی و انگلیسی، والیبال، فوتوشاپ. از وقتی یادمه هر روز

رفتم کلاس و سرم شلوغ بوده، تا چند سال پیش حس می‌کردم، چون این کلاس‌ها رو می‌رم مفید و با ارزشم، اگه یه روز حال خوب نبود

و غیبت می‌کردم، حس می‌کردم از تنبلیمه و از خودم بدم می‌اومد، ولی بی‌تی‌اس بهم نشون داد که ارزش و مفید بودن ما آدم‌ها، فارغ از

مهارت‌هامونه. قرار نیست من رو و وجود من رو فقط مهارت‌هام یا چیزهایی که دارم، توصیف بکنه. قبل از تمام این‌ها، من به عنوان یه

انسان که زنده هست و نفس می‌کشه و روح و آگاهی داره، ارزشمندم و اگه یه روز هیچ‌کدوم از مهارت‌هایی که الان دارم رو هم نداشته

باشم، باز باید خودم رو ارزشمند بدونم، چون ماها آدمیم نه ربات».

نگین ۱۳ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد وی به ستاره‌های مورد علاقه‌اش در گروه بی‌تی‌اس قول داده است که برخی از

رفتارهای ناپسند خویش را اصلاح کند:

«- ... چه قول‌های دیگری به خودت دادی؟

چیزی که من تو بی‌تی‌اس خیلی دوست دارم اینه که تو همه سخنرانی‌هاشون می‌گن خودتون را دوست داشته باشین، تلاش کنین حتماً

به یک جای خوبی می‌رسید و من حداقل این شکلی فکر می‌کنم وقتی یک نفر از فرد مورد علاقه‌اش یک چیزی را می‌شنود، تو ذهنش

می‌گه، ممکنه که طرف نداند من این قول را بهش دادم، ولی من قول می‌دم که خودم را دوست داشته باشم.

- قبلاً که خودت را دوست نداشتی، نگاه شما به خودت، ظاهر، اخلاق و تیپت چگونه بود؟

من از وقتی که کی‌پاپ و اینا رو گوش کردم، اعتماد به نفسم خیلی بالا رفت، ولی قبلش خیلی آشفته بودم، مثلاً اگر یکی من را تو خیابان

می‌دید، فکر می‌کرد تازه از خواب پا شدم.

- از روی چه چیزهایی آشفتگی تو مشخص می‌شد؟

همه چیز، لباس، ظاهر.

- همیشه این طوری بودی یا یک زمانی؟

همیشه.

- الان وقتی می‌خواهی بری بیرون، چه طوری می‌ری؟

الان همیشه به خودم می‌رسم، حتی اگر خانه باشم و جایی نرم.

- دقیق تغییرات خودتون را توصیف کنید؟

<sup>1</sup>- Dope

قبلاً لباس چروک می‌پوشیدم، الان لباس‌هام را اتو می‌کنم. موهام را مرتب می‌کنم. کلاً وقتی از خواب بیدار می‌شم دست و صورت‌ام را می‌شویم که مثلاً خیلی آشفته به نظر نیام.

– قبلاً متوجه آشفتگی خودتون شده بودین؟

بعد از این که یک میزانی تغییر کردم، فهمیدم. یکی از دوست‌هام بهم گفت چه قدر استایل و جوری که حرف می‌زنی فرق کرده، بعد کلاً اون موقع فهمیدم. الان عکس‌الآنم را با اون موقع مقایسه می‌کنم، می‌فهمم چه قدر بهتر شدم نسبت به اون زمان».

ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، به تذکر این نکته پرداخته است، آشنا شدن با گروه بی‌تی‌اس، این امکان را برای وی فراهم آورده است که با ارایه اطلاعات در مورد گروه، به نوعی خود را در چشم اطرافیان مطرح ساخته و اعتماد به نفس بیش‌تر را تجربه کند:

«– گروه چه تأثیرات مثبتی در شما داشته است؟

من توی جمع اعتماد به نفس نداشتم، چیزی واسه حرف زدن نداشتم و فکر می‌کردم عقب افتاده هستم. هر کی از یه چیزی خوشش می‌اومد و چنان با افتخار حرف می‌زدن توی جمع که حسودیم می‌شد. مثلاً دختر عمه‌ام عاشق رمان خوندن هست و یکی از دختر خاله‌هام عاشق فیلم و سریال دیدن هست. حالم رو به هم می‌زد وقتی لفظ قلم در مورد فیلم و سریال‌هایی که دیده بود حرف می‌زد و همه بهش می‌گفتن آفرین. چه قدر خوب که این قدر سریال دیدی. انگار بمب ترکونده (با اخم توضیح می‌دهد). الان منم می‌شینم از جیمین و بی‌تی‌اس و برنامه‌هاشون می‌گم. از گروه‌های دیگه کی‌پاپ هم اطلاعات خوبی دارم، بخواین بهتون می‌گم».

پونه ۱۸ ساله هم در گزارش خود خاطرنشان می‌سازد، وی در کانال اطلاع‌رسانی که در مورد گروه بی‌تی‌اس دارد، اخبار ترجمه شده این گروه را برای علاقه‌مندان فارسی زبان درج می‌کند و البته این امر در ۱۸ سالگی به وی طمأنینه لازم را می‌بخشد:

«– تو منابع چنلت چیه؟

تویتر و اینستاگرام ساسنگ‌ها رو دنبال می‌کنم و خب‌راشون رو ترجمه می‌کنم با برنامه‌ی گوگل ترنسلیت بعد می‌ذارم چنل. اکثراً هم ساسنگ‌های کره‌ای هستن اما چندتا ساسنگ انگلیسی و عربی رو هم می‌شناسم».

### کمک به بهبود حال بد افراد

«ایجاد حس خوب و کمک به بهبود حال بد افراد» از دیگر آثار روانی است که برخی از هواداران مصاحبه شده به گزارش آن پرداخته‌اند. مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد، وی با دیدن اجراهای گروه بی‌تی‌اس، حس خوبی می‌یابد و فریبای ۴۶ ساله اذعان می‌دارد، وی و دخترش هر دو به دلیل آن که بسیاری از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس شاد و انرژی‌بخش هستند، گروه بی‌تی‌اس را دوست داشته و از آن‌ها کاربری دارند:

«– تو خودت موسیقی بی‌تی‌اس رو از چه لحاظ ترجیح می‌دی، ریتم‌شون، محتواشون یا اجراشون؟

من شخصاً بیش‌تر حال و هوای اجراهای بی‌تی‌اس رو دوست دارم، وقتی کنسرت‌هاشون رو تو یوتوب نگاه می‌کنم، بهم حس قدرت می‌ده، چون تمام طول کنسرت وقتی رقص‌هاشون رو نگاه می‌کنی، انگار یه ابهتی دارن یه حس عجیبیه، هیجان زده‌ات می‌کنه، ما که ایرانییم مجبوریم فیلمش رو ببینیم، تصور کن آرمی‌هایی که اونجا هستن، چه حسی دارن. من فکر می‌کنم خیلی رو تک‌تک رقص‌ها و اجراشون کار می‌کنند و یه کار بی‌نقص ازش در میارن که قابل مقایسه با خواننده‌های دیگه اصلاً نیست.

– یعنی دیدن اجراهای بی‌تی‌اس باعث می‌شه، بتونی هیجانت رو تخلیه کنی؟

می‌شه گفت این طوره. حس خوبی پیدا می‌کنم، نگاه می‌کنم. حتی دبیرستان که بودم تو دوره امتحانات واسه خودم تشویقی می‌داشتم که اگه تا ساعت فلان کل این فصل رو تموم کنی، می‌تونم شب یکی از کنسرت‌های بی‌تی‌اس رو نگاه کنی. قشنگ سر حالم می‌کرد».

«– چه طور؟

هم خیلی علاقه دارم به این گروه و هم خب بالاخره دخترم تأثیر می‌گیره از این گروه و نگرانش هستم و سعی می‌کنم دقیق پیگیری کنم.

- خوب کی دخترتان آشنا شده و چه طور شما را با این گروه آشنا کرد؟

دخترم به رقص خیلی علاقه داره و مدل‌های مختلف رقص رو یاد گرفته. عربی، آذری و چون کلاس رقص زومبا می‌رفت، اونجا هم گروهی می‌رقصیدن. بهم گفت که اونجا به آهنگی پخش می‌شد و خوشم اومد از مربی پرسیدم که گفت، یکی از آهنگ‌های بی‌تی‌اس هست. اون آهنگ می‌شه سرآغاز آشنایی من و دخترم با بی‌تی‌اس بود.

- اسم آهنگ را به خاطر دارید؟

بله، مجیک شاپ بود.

- چرا این آهنگ را دوست داشتید؟

هم من و هم دخترم هنوزم دوستش داریم، چون آهنگ خیلی شاد و انرژی‌بخش هست. بین این همه افسرده حالی به کم شادی لازمه. آهنگ شاد زیاد گوش می‌دم و دوست دارم دخترم هم شاد گوش بده. این آهنگ بی‌تی‌اس هم شاده».

### عشق تخیلی

«عشق تخیلی» مقوله مهمی است که بسیاری از دختران هوادار گروه بی‌تی‌اس در مصاحبه‌هایشان از آن یاد کرده اند.

فروید در نظریه‌پردازی خویش خاطرنشان می‌سازد، اگر چه در آغاز هر فرزند به والد جنس مخالف خود علاقه‌مندی می‌یابد، اما در دوران بلوغ، علاقه‌مندی و کشش نوجوان نه به اولیا، بلکه به چهره‌های شاخص جنس مخالف آنان در جامعه (و جامعه جهانی) خواهد بود. به این معنا که دختران به خواننده‌ها، هنرپیشه‌ها و ورزشکاران و دیگر چهره‌های شاخص اجتماعی مرد و پسران به شکل مشابهی به چهره‌های مشهور هنری، ورزشی و اجتماعی زن متوجه شده و علاقه‌مندی و عشق به آن‌ها را در خود به نمایش می‌گذارند.

اگر از عشق اخیر که در دوران نوجوانی و اوان بلوغ در حد گسترده‌ای در جوامع مختلف بشری ملاحظه می‌شود، با عنوان عشق تخیلی یاد شود، می‌توان بیان داشت، در این عشق یک نوجوان و یا جوان، عواطف عاشقانه و پر شور را در ارتباط با چهره‌های مشهور اجتماعی خویش و یا جامعه جهانی، تجربه خواهد کرد که علایم این عشق بی‌شبهت به عشق‌های پر شور شورانگیز نخواهد بود.

بنفشه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در توصیف گستردگی عشق تخیلی در سطح نوجوانان و جوانان هم سن خودش می‌گوید:

«- بین دوستان خودت کسی رو می‌شناسی که روی قرار گذاشتن اعضاء حساس باشه و واکنش تندی به این موضوع نشون بده؟

آره، می‌شه گفت تقریباً همه دوستان همین جوری ان و همیشه تو حرف‌هاشون می‌گن که نکنه بایس شون با فالانی داره قرار می‌ذاره و رفته تو رابطه. یه وقت‌هایی هم خبر رابطه اعضاء با یه نفر میاد بیرون، این‌ها همه شون خل می‌شن که واقعیه یا نه، نکنه واقعی باشه، نکنه دوستش داره. بعد شروع می‌کنند اون دختر بدبخت رو قضاوت کردن که این کجاش به مثلاً تهیونگ می‌خوره، این این جاش این طوریه، اون جاش اون طوریه، این با همه بوده و از این حرف‌ها».

در این عشق نوجوان یا جوان با دلدادگی و دل سپردن به یک چهره هنری، ورزشی و یا اجتماعی، آرزوی دست‌یابی و همدم شدن با وی را دارد و از او به عنوان دوست جنس مخالف و یا اصولاً همسر آینده‌اش یاد می‌کند.

اگر در این قسمت، بحث محدود به گروه بی‌تی‌اس شود، بالطبع عشاق سینه‌چاک ستاره‌ها در این میان دختران هوادار خواهند بود و می‌توان انتظار داشت که خیل انبوهی از دختران هوادار، در عین طرفداری از ستاره‌ها، عشق‌ورزی به یکی از آنان را پیشه خویش کرده، در ذهن خودشان به روابط عاشقانه تخیلی خویش سامان می‌دهند.

البته لازم به ذکر است که اگر چه بررسی مقوله عشق تخیلی در بیانات افراد مصاحبه شده، دلالت بر آن دارد که این عشق در حد گسترده و وسیعی در سطح مخاطبان مؤنث گروه بی‌تی‌اس، جاری و ساری است، اما باید توجه داشت که ستاره‌های بی‌تی‌اس، با طرح مضامین عاطفی و نسبتاً عاشقانه در برخورد با هواداران خودشان، در عمل به این عشق دامن می‌زنند، خاصه آن که حتی در موزیک ویدیویی مانند «من به تو نیاز دارم دختر» گروه بی‌تی‌اس، اثری از یک جنس مخالف نیز یافت نمی‌شود و همین پرهیز ستاره‌ها از ظاهر شدن با هر دختری در رخدادهای مختلف، آنان را به صورت عشق بالقوه دختران هوادار مطرح می‌سازد.

مجموعه علایمی که جمعیت مورد بررسی در آغاز، میانه و انتهای عشق تخیلی از آن یاد کرده اند، به قرار زیر است:

شکل‌گیری عشق تخیلی (اندیشه ازدواج یا اندیشه دوست دختر شدن ستاره مورد نظر)، رنگ باختن منطق (نظیر امید بستن به دست‌یابی به فرد مورد نظر که در آن سوی جهان زندگی می‌کند)، به نمایش نهادن عواطف رقیق و عاشقانه در ارتباط با معشوق تخیلی، خیال‌پردازی عاشقانه با محبوب تخیلی، بیرون ریختن عواطف با داستان‌نویسی، یافتن وابستگی عاطفی شدید به محبوب تخیلی، فنی شدن در راستای تحقق خیال‌پردازی‌های خویش، انگیزه گرفتن از محبوب تخیلی، دریافت حمایت عاطفی از سوی معشوق تخیلی، ترس از برقراری رابطه مجازی با محبوب و فهم رابطه داشتن وی با دیگری، غیرت ورزیدن بر محبوب تخیلی، عدم تحمل شنیدن انتقاد از معشوق تخیلی، دفاع تمام‌قد از محبوب تخیلی، تلاش در جهت حفاظت از محبوب تخیلی، هشدار به دوستان مبنی بر فاصله گرفتن از معشوق تخیلی فرد، معیار قرارگرفتن محبوب تخیلی در روابط فردی، معیار قرار گرفتن معشوق تخیلی در روابط اجتماعی، کاهش خواب به سبب صرف وقت زیاد جهت پیگیری محبوب تخیلی، سوق یافتن به سمت برخوردهای هیجانی و حل هیجان‌مدار مسایل، دست زدن به پرخاشگری کلامی در جریان حمایت از معشوق تخیلی، دعوا با دیگران بر سر محبوب تخیلی، تمایل به خودسانسوری در عشق تخیلی، گریز از تفکر در تلاطم عشق تخیلی، ساقط شدن اندیشه اجتماعی و نقاد فرد در جریان عشق تخیلی، آسیب خوردن روابط اجتماعی در جریان عشق تخیلی فرد، حسادت ورزیدن نسبت به رقیبان، احساس شکست با از دست دادن محبوب تخیلی، سوق یافتن به سمت اتخاذ مواضع نامتعادل پس از احساس شکست (آرزوی مجرد ماندن محبوب تخیلی، آرزوی سوق یافتن محبوب به سمت هم‌جنس‌گرایی و مانند آن)، رسیدن به نفرت از معشوق تخیلی، رفتن تا مرز خودکشی.

مجموعه علایمی که از آغاز تا انجام عشق تخیلی هواداران مؤنث گروه بی‌تی‌اس از آن‌ها یاد شد، روند وارد شدن به عشقی پرتلاطم و خروج از آن با حالتی درهم شکسته برای بسیاری از هواداران دختر را رقم می‌زند.

کوثر ۲۵ ساله در قسمتی از بیاناتش، با اشاره به عشق تخیلی، از سن نسبتاً اندک هواداران گروه بی‌تی‌اس و علایق فطری آنان به تجربه عشق و عشق ورزی، به قرار زیر یاد کرده است:

«یه نظر سنجی که بود، این جور بود که تقریباً بیست درصد طرفدارای کی‌پاپ بالای سی سال هستن. بیست درصد توی جمعیت کل کی‌پاپرای دنیا خیلی زیاد می‌شه.

- آره... .

ولی یه درصد خیلی زیادی شون تینیجران. یعنی تقریباً نصف... نمی‌تونم آمار دقیق بدم، چون آمارهاش یادم نیست، ولی تقریباً می‌شه گفت حدوداً نصف و شاید حتی یه کم از نصف بیش‌تر، تینیجران. وقتی که طرف تینیجر باشه، ناخودآگاه باور ذهنیش رومنتیسیز<sup>۱</sup> کردن (عاشقانه) اون ارتباط ذهنیش با اون آرتیسته. یعنی دلش می‌خواد اون آرتیست فقط برای خودش باشه. حتی اگر می‌دونه که فقط برای خودش نیست. یعنی اصلاً وقتی که طرف از دوران تینیجریش رد می‌شه و هنوز طرفدار اون گروه‌های کی‌پاپه، دیگه اون چیز تو ذهنش نیست و مشکل

<sup>1</sup>- Romanticize



نداره طرف بره ازدواج کنه. ازدواج کنه هم مشکلی نداره. ولی معمولاً تو تینیجرا سخت می‌تونن همچین چیزی رو قبول کنن، چون حس می‌کنن طرف به اینا به عنوان طرفدار اهمیت نمی‌ده».

گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه خودش در تبیین شکل‌گیری عشق تخیلی بیان می‌دارد، آیدول (ستاره)ها جنتلمن بازی در می‌آوردند و همین امر سبب می‌شود، دختران هوادار بیش از پیش جذب آنان شوند و در یک تلاطم عاطفی، عشق تخیلی در آنان شکل بگیرد: «آیا ستاره‌ها نقشی توی شکل‌گیری این افکار طرفدارها که ما باید با ستاره مورد علاقه خودمون ازدواج کنیم، دارن یا نه؟ خب آیدل‌ها یا ستاره‌ها جنتلمن بازی در میارن و بعد فن‌ها هم تو ذهن خودشون از آیدول سناریو می‌سازن. این جنتلمن بازی که می‌گی یعنی چی؟

مثلاً آیدول‌ها تایپ مورد علاقه دخترها هستن دیگه، هم تیپ‌شون، ادا و اصول‌شون موقع خواندن، لاس زدن‌شون و اخلاق‌هاشون. مگه جونگ‌کوک چه ویژگی‌هایی داره که باعث می‌شه خودت رو این قدر با شدت عاشقش بدونی؟

خب با توجه به چیزهایی که ازش می‌بینم، اون دقیقاً تایپ مورد علاقه منه، مثلاً توی ورزش بی‌نظیره و بدنش بی‌نظیره. علاوه بر این موسیقی بخش بزرگی از سرگرمی‌های منه و خب صدای خواننده یکی از مهم‌ترین چیزهاست که صدای جونگ‌کوک بیش از اندازه برام جذابیت داره. در کنار اون شخصیت بی‌نظیری داره و از همه مهم‌تر آرمی‌ها براش خیلی مهم هستن. وای اصلاً زبانم قاصر هست». با شکل‌گیری عشق تخیلی، «اندیشه ازدواج» یا «به سر بردن نزد محبوب به عنوان دوست دختر»، ذهن دختران عاشق‌پیشه را فرامی‌گیرد. شیدای ۲۰ ساله، نیکوی ۱۵ ساله و رخساره ۱۶ ساله در مصاحبه‌هایشان از اندیشه خویش حول ازدواج با ستاره مورد علاقه‌شان، یاد کرده‌اند.

«خیال‌پردازی‌های عاشقانه با محبوب»، وجه بارز و غالبی است که در عشق‌های تخیلی در میان افراد عاشق‌پیشه قابل مشاهده است. گلاره ۱۴ ساله در قسمتی از مصاحبه‌اش در همین ارتباط می‌گوید:

«- گلاره جان آیا تا به حال تصور و خیال‌پردازی راجع به خودت و اعضای بی‌تی‌اس داشتی یا نه؟

بین تصورش که ۱۰۰ درصد هست (می‌خندد) ولی خب مثلاً بخوام به بقیه بگم و بروز بدم و از این کارهای بچه‌گونه بکنم نه. فقط ابراز علاقه می‌کنم.

- می‌تونن بیشتر درباره‌اش توضیح بدی؟

مثلاً همیشه به فانتزی‌هام فکر می‌کنم مثل این که فاصله سنی‌ام با جونگ‌کوک کم باشه و بتونم از نزدیک ببینمش و باهاش حرف بزوم و دوستم داشته باشه و خیلی فراتر از دوست باشیم و بیسیین مثلاًااااا کوک شوهرم باشه. وای می‌شه نگم؟».

«به نمایش نهادن عواطف عاشقانه»، وجه غالبی است که در عشق‌های تخیلی قابل مشاهده است. برخی از افراد مصاحبه شده که تجربه عشق تخیلی را هم داشته‌اند، در مصاحبه‌های خود خاطرنشان ساخته‌اند که آنان برای بیرون ریختن عواطفی که در جریان عشق تخیلی‌شان وجود آنان را فراگرفته بود، رو به داستان‌نویسی آورده‌اند.

داستان‌سرایی‌های اخیر در هر دو شکل عاطفی صرف و داستان‌نویسی توأم با هوا و هوس فرد به صورت هرزه‌نگار، گزارش شده است. رهای ۱۸ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خود به ذکر مصادیقی از هر دو نوع داستان‌نویسی پیش‌گفته اشاره دارند.

به نمایش نهادن عواطف عاشقانه، تنها محدود به داستان‌نویسی‌های عاشقانه نبوده، در اشکال دیگری مانند دست زدن به حرکات نمادین (نظیر تتوی نام یا چهره محبوب بر بدن) یا شعارهای عاشقانه (نظیر عشق ورزیدن تا دم مرگ)، ملاحظه می‌شود. نرگس ۲۱ ساله و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از نمونه‌هایی از این دست رفتارهای عاشقانه به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- احساسات به شوگا چه طور بود و اون چه قدر روی تو تأثیر گذار بود؟

عام. همه می‌دونستن که شوگا دوست پسر منه. حق نداشتن بهش بد بگن. حق نداشتن از شوگا خوش شون بیاد. توی مدرسه اگر می‌دیدم کسی داره آر می‌شه، می‌رفتم مخش رو می‌زدم تا شوگا رو به عنوان بایس انتخاب نکنه. اگر انتخاب می‌کردن، با من طرف بودن. من حتی رفتم اسم شوگا رو تلو کردم روی سینه‌ام اون موقع».

«بین به نظرم طرفدارای بی‌تی‌اس دو گروه هستن. یه گروه سبک آهنگاشون رو دوست دارن یا مثلاً عاشق موسیقی یا زبان کره‌ای هستن یا مثلاً تیپاشون و اون جو شادشون رو دوست دارن. یک عده هم به خاطر حرفاشون و عقایدشون و شخصیتشون».

بعد من چون با مترو دایم میرم و میام توی مترو خلیا رو می‌بینم که دارن توی گوشه‌شون کنسرتای بی‌تی‌اس رو می‌بینن. مثلاً یکی از دخترا بود داشت با تلفن حرف می‌زد و به دوستش می‌گفت اگه من مردم زنگ بزنی به «جی‌هوک» بگید که من عاشقش بودم و براش می‌مردم و نتونستم بهش برسم و من این جور بودم که یابالفضل به کجا داریم می‌ریم. خیلی برام عجیبه این حجم از تصورسازی. البته من خودمم مثلاً یه جور دیگه یه حسی دارم. مثلاً دو نفر رو دوست دارم که بینمشون و رفیق فابم بشن. یکی سوگند، یکی هم لیدی گاگا».

برخی از هواداران عاشق پیشه، در جریان مصاحبه‌هایشان از «وابستگی عاطفی شدید خویش به محبوب تخیلی» خودشان یاد کرده اند. شیدای ۲۰ ساله، در همین ارتباط در گزارش خود می‌گوید:

«... بین به نظرم طرفدارای بی‌تی‌اس دو گروه هستن. یه گروه سبک آهنگاشون رو دوست دارن یا مثلاً عاشق موسیقی یا زبان کره‌ای هستن یا مثلاً تیپاشون و اون جو شادشون رو دوست دارن. یک عده هم به خاطر حرفاشون و عقایدشون و شخصیتشون».

بعد من چون با مترو دایم میرم و میام، توی مترو خلیاها رو می‌بینم که دارن توی گوشه‌شون کنسرتای بی‌تی‌اس رو می‌بینن. مثلاً یکی از دخترا بود، داشت با تلفن حرف می‌زد و به دوستش می‌گفت، اگه من مردم زنگ بزنی به «جی‌هوک» بگید که من عاشقش بودم و براش می‌مردم و نتونستم بهش برسم و من این جور بودم که یابالفضل به کجا داریم می‌ریم. خیلی برام عجیبه این حجم از تصورسازی».

«فنی شدن برخی از هواداران» یکی از علایم آغازین مطرح شده در آغاز عشق‌های تخیلی است. بعضی از هواداران عاشق، برای به نمایش کشیدن بیش از پیش عشق خویش به محبوب، سعی می‌کنند با یادگیری برنامه‌های مختلف رایانه‌ای، به ادیت زدن کارهای محبوب پرداخته یا مثلاً به فرض، تصویر خویش را در کنار محبوب درج کنند.

«انگیزه گرفتن از محبوب تخیلی» و «دریافت حمایت عاطفی از سوی معشوق تخیلی»، از دیگر علایم میانی عشق تخیلی به شمار می‌روند. ثنای ۱۶ ساله در زمینه انگیزه گرفتن از محبوب تخیلی خویش، در مصاحبه‌اش بیان می‌داشت:

«- بی‌تی‌اس چه طور بر این تصمیمی که گرفتید تأثیر گذاشته؟

می‌خواستیم روی فرم باشیم و جذاب‌تر بشیم، مثل جیمین و آرم. اما من نمی‌خواستم که خیلی هم لاغر به نظر برسم برای همین وزنم رو رسوندم به ۶۹ کیلو و الان هم همون حدود هستم و راضی هستم. جیمین به من انگیزه داد.

- یعنی با دیدن عکس‌های جیمین به این نتیجه رسیدی و انگیزه گرفتی یا این که در این مورد صحبت کرده بود؟

حرفی که زده بود، خودم به این نتیجه رسیدم با دیدن وزن و قد جیمین. هم عکس و هم فیلم‌هایی که از جیمین پخش شده».

دریافت حمایت عاطفی از سوی محبوب تخیلی، مقوله دیگری است که در میانه راه عشق تخیلی از آن یاد می‌شود:

«- به چه عنوانی جیمین را دوست داری، یک دوست، یک هنرپیشه یا یک همسر؟

نه همسر، نه دوست و نه هنرپیشه، به عنوان یک عضو از خانواده‌ام.

- خوب نقش او در این خانواده چیست؟

حامی.

- جیمین چه طور از شما حمایت می‌کند؟

حمایت عاطفی. وقتی ناراحت باشم با عکسش حرف می‌زنم و درد و دل می‌کنم.

- مگر با اعضای خانواده‌ات نمی‌توانی صحبت کنی که به جیمین تکیه می‌کنی؟

نه، در مورد همه چیز نمی‌تونم با خانواده حرف بزنم. از ماجرای دوستی من کسی خبر نداشت، به وقتایی با سجاد دعوا می‌شد، با عکس جیمین حرف می‌زدم.

- مگر او می‌توانست پاسخ تو را بدهد؟

نه بابا، نکنه فکر می‌کنید دیوونه‌ای چیزی هستم (باخنده).

- نه، سوءتفاهم نشود، منظورم این است که وقتی نمی‌تواند جوابی به شما بدهد، چه طور می‌تواند تکیه‌گاه عاطفی شما باشد؟

به دو دلیل: یکی این که من یکی رو می‌خوام که نصیحت نکنه و اصلاً حرف نزنه و شاید اگه واقعاً با خود جیمین هم وارد رابطه می‌شدم، حالم ازش به هم می‌خورد، چون که از این که واقعاً توی رابطه چه طور آدمی هست، خبر ندارم. دوم این که تو خیالاتم اون جوابی که دوست دارم بشنوم رو جیمین بهم می‌ده» (تثاء، ۱۶ ساله).

فراز مهمی که در عشق‌های تخیلی مشهود است، مسأله «محافظة و مراقبت از عشق فرد به ستاره یا سلبریتی مورد نظر» است. زیرا افراد اخیر که در سطح جامعه افراد شناخته شده‌ای به شمار می‌آیند، طبعاً فقط مورد توجه فرد عاشق پیشه تنها نبوده، افراد دیگری هم جذب چهره یا حرکات و ساکنات آن آیدول یا سلبریتی قرار گرفته اند. بنابراین هر فرد عاشق پیشه‌ای در واقع خود را با رقیب‌های متعددی مواجه می‌بیند که باید به نوعی در اندیشه آنان نیز باشد.

پس از شکل‌گیری عشق تخیلی و شروع رؤیایپردازی‌های دختران عاشق پیشه، مسأله مهمی که ممکن است در این میان رخ دهد، مسأله ازدواج کردن ستاره یا سلبریتی مورد نظر و به همین ترتیب وجود رقیبان بالقوه‌ای است که ممکن است گوی سبقت را از فرد عاشق پیشه گرفته، خود را کاندید به سر بردن یا ازدواج با ستاره یا سلبریتی مورد نظر کنند.

بنابراین در درجه نخست، ستاره مورد نظر نباید ازدواج کند، زیرا با ازدواج وی، رؤیای دست‌یابی و نزدیکی دختران هواداری که وی را عاشقانه دوست داشته و امید پذیرفته شدن از سوی وی را داشته اند، بر باد خواهد رفت.

رخساره ۱۶ ساله، نگین ۱۳ ساله و دیبای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش با اشاره به این که ستاره آن‌ها باید مجرد بماند، خاطرنشان ساخته اند که مجرد ماندن ستاره سبب می‌شود، امیدهای آنان از دست نرود و حداقل اگر آن‌ها به ستاره مورد نظرشان دست نیافتند، با مجرد ماندن وی، فرد دیگری هم به او دست نیابد تا اسباب حسادت بیش از پیش آنان فراهم نشود.

البته لازم به ذکر است که در این میان برخی از دختران عاشق پیشه حاضر به «برقراری ارتباط مجازی» (نظیر ارسال ایمیل) برای معشوق نیز نمی‌شوند، زیرا ترس آن را دارند که در صورت رسیدن پیام آن‌ها به محبوب، با پاسخ منفی وی مواجه شوند، بنابراین برای محافظت از عشق تخیلی خویش، حاضر به ریسک پیام دادن به محبوب نیز نمی‌شوند (شب‌نم، ۲۵ ساله).

شب‌نم در فراز دیگری از مصاحبه‌اش، از «تعصب داشتن و غیرت ورزیدن دختران عاشق پیشه نسبت به محبوب‌شان» یاد کرده است:

«- می‌شه درباره این احساسات بیش‌تر توضیح بدی؟

بین خیلی از هواداری بی‌تی‌اس که من می‌شناسم (مثلاً دوستای خواهرم و اون‌هایی که سن و سالشون هم کم‌تره)، این جوریه هستن که «وای مثلاً من اصلاً دوست ندارم کسی با فلان عضو گروه رابطه داشته باشه». یعنی مثلاً انگار که دوست پسرشون باشه، روش غیرت و تعصب دارن. ولی من این جوریه نیستم. غیرتی که من روشون دارم، این جوریه که مثلاً ارزش‌هاشون رو دوست دارم. مثلاً همین که انقدر همراه و پایه مردم هستن و اهمیت می‌دن به مردم و این کاراشون واقعی هست و برعکس خیلی گروه‌های دیگه دنبال ظاهرسازی نیستن».

«عدم تحمل انتقاد از محبوب تخیلی» و «دفاع از معشوق تخیلی»، از دیگر علایم قابل مشاهده در میانه راه عشق تخیلی به شمار می‌آیند. «تلاش برای محافظت از معشوق در برابر رقیبان احتمالی»، دغدغه عمده‌ای هست که گریبان دختران عاشق را گرفته، آنان را وادار به انجام برخی از اعمال حفاظتی برای دور کردن رقیبان از محبوب می‌کند.

فربای ۴۶ ساله، در مصاحبه‌اش از حسادت دخترش نسبت به رقیب احتمالی خودش یاد کرده است. گلاره ۱۴ ساله، از مخدوش کردن تصویر محبوب در ویدیوهایی که به دیگران می‌دهد، سخن به میان آورده است.

«هشدار به دوستان مبنی بر فاصله گرفتن از معشوق تخیلی» مقوله دیگری است که در میانه راه عشق تخیلی نمود یافته و برخی از هواداران نسبت به آن تأکید داشته‌اند. شادی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، گزارش می‌دهد که دوستانش در لفافه شوخی از یکدیگر می‌خواهند که طرف محبوب و کراش آنان نروند.

معیار قرار گرفتن محبوب تخیلی در روابط «بین فردی» و «روابط اجتماعی»، دو مقوله مهم از تحولات عشق تخیلی در میانه راه عشق را به معرض دید می‌گذارند.

برخی از هواداران از پیگیری مستمر و مدام محبوب تخیلی خویش یاد کرده، خاطرنشان می‌سازند که آنان حتی در این مسیر از خواب شبانه خودشان هم زده‌اند. ثنای ۱۶ ساله در مصاحبه‌اش از «کاهش خواب شبانه خود به دلیل پیگیری محبوب» یاد کرده است.

«سوق یافتن به سمت حل هیجان‌مدار مسایل» و در همین امتداد، «پرخاشگری کلامی در جریان حمایت از معشوق تخیلی» از دیگر علایم گزارش شده در میانه راه عشق تخیلی به شمار می‌روند. رخساره و ثنای ۱۶ ساله در مصاحبه‌های خویش در زمینه موارد اخیر به بیان تجربیات خود پرداخته‌اند.

برخی از افراد مصاحبه شده، در اظهارات خویش خاطرنشان ساخته‌اند، اگر دلالت‌های آنان که در لفافه شوخی ارایه می‌گردد، دوستان را از علاقه ورزیدن به محبوب آنان باز ندارد، آنان «پرخاشگری کلامی» و در صورت نیاز «پرخاشگری فیزیکی» را پیشه خود کرده، با طرف مقابل برخورد کرده، با فحاشی و یا حتی دعوا و کتک کاری فیزیکی از آنان می‌خواهند که دور و بر ستاره مورد علاقه آن‌ها نباشند و نسبت به آن‌ها ابراز تمایل نکنند.

ریحانه ۱۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، در همین ارتباط می‌گوید:

«- گفتمی با دوستان خودت باهم کل می‌اندازید. می‌شه بیش‌تر راجع بهش بگی که در مورد چه چیزی کل می‌اندازید؟»

مثلاً دُرسا عاشق نامجونه، ولی من جیمین رو خیلی دوست دارم و سرشون با همدیگه رقابت داریم. یکی، دوبار هم بین فاطمه و دُرسا سرشون در مدرسه گیس و گیس‌کشی شده. مدیر مدرسه مون هم خبردار شده و بهشون تذکر داده. ما هم دیگه بیش‌تر تو گروه مدرسه مون باهم در موردشون حرف می‌زنیم. یه دختره هم تو کلاس‌مونه کلاً تو این فازا نیست، همه‌اش می‌گه دیوونه‌اید، ما هم رابطه مون رو باهاش قطع کردیم. دُرسا دیگه حتی عکس پروفایلش رو هم نامجون و بی‌تی‌اس می‌ذاره یا رفته موهاش رو مٹ اونوا کوتاه کرده، در کل از دُرسا خوشم نیامد، همه‌اش با فاطمه دنبال یه راهی هستم که حرصش رو دربیاریم، خیلی حال می‌ده، یه دوستای دیگه‌ام هلمما که انگار تو توهم سیر می‌کنه، می‌گه آرزوشه با جیمین ازدواج کنه و باهاش بره تو کنسرتش، (باخنده) ولی نمی‌دونه که اونوا ازدواج نمی‌کنن».

«تمایل به خودسانسوری در جریان عشق تخیلی» در میانه راه عشق تخیلی، توسط برخی از افراد عاشق پیشه گزارش شده است.

«کنار نهادن منطق»، «تعطیل شناخت» و «گریز از تفکر در تلاطم عواطف عاشقانه» و «ساقط شدن اندیشه اجتماعی و تفکر نقاد در جریان عشق تخیلی»، از دیگر علایم مهمی هستند که در میانه راه عشق تخیلی به محبوب، قابل مشاهده‌اند. ثنای ۱۶ ساله، در ارتباط با «کنار نهادن منطق»، «تعطیل شدن شناخت» و بی‌توجهی به تفکر استدلالی در میانه راه عشق خویش در گزارش خود می‌گوید:

«- الان باهم حرف می‌زنید؟»

بله حرف که می‌زنیم، ولی دیگه نه در مورد بی‌تی‌اس چون دعوامون می‌شه، اون پررو شده اوایل خیلی بی‌تی‌اس رو دوست داشت، گفتم که ولی یه دفعه نظرش عوض شد و من از آدمایی که هی تغییر جهت می‌دن، خوشم نمیاد.

- یعنی هیچ کس حق ندارد نظرش را تغییر بدهد؟

نمی‌دونم. می‌شه بی‌خیال این بحث بشید (باخنده).

«ساقط شدن اندیشه اجتماعی در تلاطم عشق تخیلی» و به تبع این امر «آسیب خوردن روابط اجتماعی هواداران در جریان هواداری و عشق تخیلی خودشان»، از علایم پایانی میانه راه عشق به شمار می‌روند. ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش از توقف اندیشه و ساقط شدن آن در تلاطم عشق»، به قرار زیر یاد کرده است:

«- در مورد ماجرای فلسطین و اسرائیل، فکر می‌کنی حق با کدوم طرف هست؟

فلسطین همیشه مظلومه، قبلاً فکر می‌کردم چون اون قدر تو مغزمون خوندن که اسرائیل دشمنه، ما هم این طوری فکر می‌کنیم، اما تو این جام جهانی فهمیدم فقط ما نیستیم که از اسرائیل بیزاریم.

- چه طور، مگر چه چیزی دیدی؟

تصورم قبلاً این بود که خیلی‌ها با اسرائیلی‌ها ارتباط خوبی دارن، ولی دیشب دیدم که پشت خبرنگار اسرائیلی داد می‌زدن «فلسطین را آزاد کنید» یا حمایت بازیکن‌های مراکش و خلیلیای دیگه.

- در مورد حمایت بی‌تی‌اس از اسرائیل شنیدی؟

بله، می‌دونم.

- نظرت در این مورد چیست؟

خب حق دارن اون طوری که فکر می‌کنن نظر بدن یا حمایت کنن. مشکلی نداره.

- این که نظرشان خلاف نظر شما هست و در اسرائیل کنسرت داشته‌اند و از اسرائیل نیز حمایت کرده‌اند، بر میزان علاقه شما به این گروه تأثیر نمی‌گذارد؟

من با مظلوم‌کشی مخالفم، نمی‌تونم کار بی‌تی‌اس رو تأیید کنم. کار درستی نکردن که اونجا کنسرت گذاشتن. چون نمی‌خوام دروغ بگم یا ریاکاری کنم، حقیقت رو می‌گم و حقیقت اینه که من اصلاً به این موضوع، نه خیلی دقت کردم و نه خیلی دنبالش بودم. آخه گروه هم یکی، دو بار این کار رو کرده یا به نظرم بهتره بگم که اتفاقی بوده و تصادفی حمایت شده از اسرائیل. نظرم جلب این موضوع نشده خیلی و در نتیجه علاقه‌ام هم نسبت به گروه کم‌تر نشده.

- خوب با حمایت بی‌تی‌اس از اسرائیل، تغییری در میزان علاقه شما رخ نداده؟

می‌دونم چرا کم نمی‌شه چون دلم نمی‌خواد با این چیزا خودم رو درگیر کنم و اصلاً علاقه‌ام کم بشه. این هم مهمه بدونید که به خاطر گروه بی‌تی‌اس نیست، به خاطر جیمین هست. علاقه زیادی به جیمین دارم، نگران بودم و هستم این چند ساله که می‌شناسمش که چیزی بشنوم از جیمین که ناراحتم کنه. برای همین هم هست که خیلی دنبال اخبار منفی بی‌تی‌اس نمی‌رم و بیش‌تر فیلمای بامزه از بی‌تی‌اس رو می‌بینم یا اخبار جالب در مورد بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنم. توی آپارات سرچ می‌زنم BTS Funny Moments و یه کم انرژ می‌گیرم». ریحانه ۱۵ ساله و ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌هایشان از «آسیب خوردن روابط اجتماعی هواداران در جریان هواداری و عشق تخیلی‌شان»، یاد کرده‌اند.

در صورتی که فرد محبوب دخترانی که عاشق وی هستند، با دختر دیگری رابطه برقرار کند، دختران عاشق پیشه احساس می‌کنند که بدان‌ها خیانت شده است:

«خوب داشتی می‌گفتی که از این که برای یونگی کامنت می‌گذاشتن ناراحت می‌شدی، این نوع نگاه برات اذیت کننده نبود؟ چرا قطعاً.»

من تا سال ۲۰۱۵ خودم رو به معنای واقعی متعلق به یونگی می‌دونستم. همیشه تو ذهنم بود. باهاش دیت (قرار ملاقات) می‌رفتم. قرار می‌ذاشتم. معاشقه می‌کردم. می‌بوسیدمش. شباً قبل خواب بهش فکر می‌کردم تا خوابم ببره. تمرکزم رو همیشه از دست می‌دادم. حواس پرت شده بودم. تو مدرسه اصلاً گوش نمی‌کردم، معلم چی می‌گه. کسی باهام صحبت می‌کرد، نصف و نیمه متوجه می‌شدم تا این که سال ۲۰۱۵ بود فکر کنم یهو یه خبر پخش شد که شوگا با یه دختره قرار می‌ذاره.

من رو می‌گی؟ انگار دوست پسریم بهم خیانت کرده. چه جور می‌تونی دنیا واقعی دختر و پسرا باهم کات می‌کنن و یکی یا دو طرف آسیب روحی می‌بینن. من دقیقاً همون حس رو داشتم. دقیقاً یادمه که تا دو هفته بعد از خبر، هر شب گریه می‌کردم. مریض شدم. غذا نمی‌خوردم. مدرسه رو چند روز غیبت کردم. حالم واقعاً بد بود. چون تا اون روز تصور می‌کردم یونگی قراره همیشه سینگل بمونه و من می‌تونم توی ذهنم تا ابد اون رو متعلق به خودم بدونم. بعد از دو هفته یه کم تونستم خودم رو جمع و جور کنم. یه کم رفتم سمت خبرای بی‌تی‌اس. چون تمام اون دو هفته فرار می‌کردم از بی‌تی‌اس و اصلاً دلم نمی‌خواست خبر جدیدی بشنوم، اما این طوری نبود که بعد از دو هفته بگم اوکی، همه چی تمومه و من حالم خوبه دیگه، نه واقعاً نبودم. فقط یه کم آروم‌تر شده بودم. یه ماه گذشت و کارنامه‌ی ماهانه من که اومد، نمره‌هام خیلی خیلی افت کرده بود. چون اصلاً اعصاب نداشتم که درس بخونم.

اون موقع تو مدرسه‌ی ما بچه‌هایی که نمره‌هاشون کم می‌شد رو می‌بردن دفتر مشاوره تا باهاشون صحبت کنن و بفهمن که مشکل‌شون چیه. منم رفتم. نه این که خودم بخوام. اجباری بود. یه مشاور داشتیم اسمش خانم رضایی بود. خیلی مهربون و با درک بود. وقتی رفتم پیشش بعد از کلی اصرار بهش گفتم که یه مشکلی پیش اومده که این روزا تمرکز ندارم خیلی. جلسه‌ی اول بهش نگفتم، اما قول دادم بهش که دفعه‌ی بعد باهاش راحت‌تر باشم و اگر دوست داشتم، مشکلم رو بگم تا بتونه کمکم کنه و تصمیم گرفتیم بگم. وقتی بهش گفتم، اولش یه کم گیج شد، اما بعد کلی باهام صحبت کرد و بهم یه سری تمرین داد که انجام بدم تا ذهنم رو این قدر نرم سمت این اتفاق و مهم‌ترین کمکی که بهم کرد، این بود که تونست تا حدودی من رو قانع کنه، شوگا به عنوان یه انسان قرار نیست که به خاطر من با کسی قرار نذاره یا همیشه سینگل (مجرد) بمونه و منم قبول کردم. یه جورایی مجبور شدم قبول کنم، چون چاره‌ای نداشتم، نمی‌تونستم بکشم خودم رو که. با این که هیچ وقت دلم نمی‌خواست شوگا با کسی قرار بذاره، اما خب چاره‌ای نبود جز کنار اومدن باهاش. البته اون موقع من بچه بودم، بزرگ‌تر که شدم این قدر افراطی نبودم. ولی خب خیلی اذیت شدم اون زمان.

– تا کی این نوع رفتارهای تو ادامه پیدا کرد و بعدها این احساس‌ها کم‌تر شد یا بیش‌تر شد؟

ادامه‌دار بود. می‌گم این جور نبود، بعد از این که متوجه شدم شوگا دوست دختر داره، حسم کم شه یا علاقه‌ی افراطیم از بین بره. البته چند وقت بعد، طبق اطلاعاتی که به دست آوردم، فهمیدم که دختره، دوست دختر واقعی یونگی نیست و یه جورایی یه رابطه‌ی فیکه که توی خبرا پخش شده تا مخاطب جذب کنه، اما همیشه نسبت به اون رابطه حس بدی داشتم. اون روزی که فهمیدم شوگا دیگه با اون دختره رابطه نداره، دوستانم رو بردم بیرون و نهار مهمون‌شون کردم. اون قدر خوشحال بودم و یه چیزی که همیشه به خودم می‌گفتم، از یه سالی به بعد، این بود که من حاضر شوگا با یه پسر قرار بذاره، اما هیچ وقت با یه دختر قرار نذاره. می‌گفتم اگر اون دختر من نیست، پس امیدوارم هیچ وقت با هیچ دختری رابطه نداشته باشه. برام عذاب بود ببینم که شوگا با دختر دیگه‌ای قرار می‌ذاره» (نرگس، ۲۱ ساله). «سوق یافتن به سمت اتخاذ مواضع نامتعادل پس از احساس شکست» از علایم اولیه شکست عشق تخیلی و علایم پایانی آن به شمار می‌رود. دیبای ۱۵ ساله، در گزارش خود تأکید می‌کند، برخی از طرفداران عاشق‌پیشه چنان به سمت یافتن مواضع نادرست و نامتعادل سوق می‌یابند که در صورت نرسیدن به محبوب، آرزوی این را می‌کنند که محبوبشان همواره مجرد باقی بماند.

مرضیه ۱۹ ساله و رهای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خویش یادآور شده اند که هواداران عاشق‌پیشه با احساس از دست دادن معشوق تخیلی خودشان، احساس شکست کرده، ممکن است به «نفرت از معشوق خودشان» برسند:

«اگر خبر ازدواج یا قرار ملاقات بایست یا حتی بقیه پسر رو بشنوی، واکنشت در این زمینه چه خواهد بود؟ خیلی خوشحال می‌شم، البته ممکنه حسودی هم بکنم (می‌خندد).

– همچنین تو که با فندوم‌ها آشنا هستی، می‌تونی بگی احتمالاً تو بین فندوم چه واکنش‌هایی ایجاد می‌شه؟

امممم خیلی‌ها مون دوست داریم شاهد تشکیل خانواده دادن پسر و دیدن بچه‌های کیوت‌شون باشیم، ولی خب خیلیا هم که فقط پسر رو به عنوان شوهرشون می‌دونن (باخنده) دیگه همه چی رو کنسل می‌کنن و عصبی شاید بشن و فحش هم بدن و (باخنده) شایدم هیتر شدن بعداً».

«خوب بین دوستانت پیش نیومده خبر دیت گذاشتن آیدول مورد علاقه‌شون برسه و اون حالش بد بشه، بهم بریزه و ناراحت بشه. چرا (می‌خندد).

(با خنده ادامه می‌دهد) اون موقع که جنی و کای اکسو، قرار می‌داشتن، یه دوست داشتم اون موقع بلینک<sup>۱</sup> (اسم فندوم گروه بلک پینک) بود و اکسو رو هم خیلی دوست داشت. خیلی شیک و مجلسی، بلک پینک رو بوسید، گذاشت کنار. و هیتر شد دیگه اصلاً.

– حالش چه طور شد؟

(با خنده) اون کلاً تو فاز اوپای من می‌خواد بیاد من رو بگیره، بود. بهم ریخت. گریه می‌کرد. منتها بعدش، بعدش بالاخره آروم شد دیگه».

شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش با یادآوری نمونه‌ای از گروه اکسو، بیان می‌دارد با ازدواج یکی از اعضای گروه، هواداران دختر زیادی تا «مرز خودکشی» پیش رفتند، همان‌گونه که با ابتلای گلزار به کرونا در ایران، برخی از هواداران وی بیان می‌داشتند، دنیا پس از گلزار دیگر جای ماندن برای آنان نیست:

«به نظرت این می‌تونه تبعات منفی و آسیب‌هایی هم براشون داشته باشه؟

آره. مثلاً یکی از اعضای اکسو فکر کنم «تائو» بودش یا «کای» که ازدواج کرده بود. من یادمه فناش تا دم خودکشی رفته بودن! یعنی این قدر طرف توی جو قرار می‌گیره. یعنی اونا دیگه خود طرف رو دوست دارن. ولی یکی مثل من سبک آهنگاشون رو دوست داره.

– این به نظر شما خیلی ترسناک نیستش؟

چرا واقعاً. البته واسه همه خواننده‌ها و بازیگرا هستش. مثلاً من درباره لیدی گاگا هم شنیده بودم یا مثلاً یه کلیپی بود واسه گلزار دراومده بود که دخترا واسش گریه می‌کردن و می‌گفتن اگر گلزار نباشه، اصلاً دنیا دیگه معنایی نداره و یا این که اصلاً به این که گلزار نباشه نمی‌تونستن فکر کنن و گریه می‌کردن! یا یکی بود بهش پیشنهاد ازدواج داده بود. ولی خب این جور هستش دیگه. مثلاً خواهر خودم یه بازیگر هندی رو دوست داره به نام ابرام. بعد از تیپ و قیافه و شخصیتش خیلی خوشش میاد و این طوریه که دوست نداره این آدم ازدواج کنه. یعنی می‌گه اگر ازدواج کنه ناراحت می‌شم و حالم گرفته می‌شه. یا احساس شکست می‌کنه. یا یکی از دوستامون هستش که متأهله، ولی عاشق شاهرخ‌خانه. یعنی تا این حد که یه بار می‌گفتش شوهرم به شاهرخ خان حسودیش می‌شه. بعد من این جور بودم که یا ابالفصل. من حس می‌کنم آدما توی جو فیلما قرار می‌گیرن، بعد مثلاً خودشون رو جای پارتتر اون آدم توی فیلم قرار می‌دن و دوست دارن همون محبت و علاقه رو اونا هم می‌داشتن».

<sup>۱</sup> - Blink

با آنچه در باب عشق تخیلی گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت، علایق عاطفی جوانان (خاصه در جنس مؤنث)، در اوان بلوغ علایقی توفنده است و چهره‌های جذاب هنری، ورزشی و اجتماعی، به سادگی می‌توانند مورد توجه جوانان قرار گرفته، مورد علاقه، محبت و مهرورزی آنان قرار گیرند.

با شکل‌گیری عشق تخیلی، علایمی شبیه علایم موجود در عشق‌های واقعی، در افراد پدید می‌آید و افراد عاشق‌پیشه در رؤیاهای خویش، هم‌زمان با رسیدن به وصل یار، از بر باد رفتن بنیان عشق تخیلی خویش در رنج و عذاب هستند، از این رو این دسته از جوانان، در کنار رفتارهای عاشقانه و نمادینی که با محبوب تخیلی خویش برقرار کرده و در رؤیاهای خویش خوش هستند، دست به اتخاذ مواضعی می‌زنند که تداوم رؤیاهای عاشقانه آنان را تا حد ممکن تضمین کنند، در حالی که رفتارهای حفاظتی و تدافعی این افراد عاشق، زندگی اجتماعی و روابط آنان با اطرافیان‌شان را (که ممکن است شبیه آنان به فرد خاصی عشق بورزند)، مخدوش می‌سازد و البته در صورت انتخاب فردی از جنس مؤنث توسط ستاره مورد نظر، تبعات شکست عاطفی، شبیه شکست‌های عشقی واقعی، گریبان افراد عاشق‌پیشه را می‌گیرد و زندگی را برای آنان برای مدت‌های طولانی، صعب و دشوار می‌سازد.

### تربیت هیجان‌مدار هواداران

«تربیت هیجان‌مدار هواداران» اثر روان‌شناختی دیگری است که برخی از طرفداران در جریان مصاحبه‌های خودشان بدان اشاره داشته‌اند. در روان‌شناسی شیوه‌های حل مسأله، در دو طبقه کلی حل مسأله‌مدار مسایل و حل هیجان‌مدار مسایل ارایه شده‌اند. در حل مسأله‌مدار مسایل، افراد در جریان گفت‌وگو و تعامل مثبت با یکدیگر، به حل مسایل پیش آمده می‌پردازند، اما در جریان حل هیجان‌مدار مسایل، افراد با کنار نهادن منطق و استدلال، راه ستیز و پرخاش‌جویی را پیشه خود کرده و با پرخاشگری خویش در صدد حل مسایل پیش آمده بین خود و دیگران برمی‌آیند.

بررسی آرای ارایه شده از سوی بسیاری از هواداران مصاحبه شده دلالت بر آن دارد که برخوردهای هیجانی کمپانی و گروه بی‌تی‌اس، سبب شده است که در بسیاری از موارد افراد صرفاً به دلایل هیجانی جذب گروه بی‌تی‌اس شوند. رخساره ۱۶ ساله و شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خود به صراحت از بنیان هیجانی رابطه خود با گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- اون چیزی که در درجه اول باعث شد جذب گروه بی‌تی‌اس بشی، چی بود؟»

اول از همه دنس‌شون رو دیدم، بعد برام دنس‌شون جذاب اومد.

- رقص‌شون؟

آره چون اسم‌شون اونجا زیاد معلوم نبود بعد گذشت. بعد دیدم کلیپ‌هاشون بیش‌تر شد و بیش‌تر حال کردم. آرمی شدم، قیافه‌هاشون بیش‌تر برای من عادی شد.

- از چه چیز هیکل‌شون خوشت اومد؟

این جووری نیستن که خیلی پر باشن، یعنی پر از عضله نیستن، یه بدن معمولی دارن، چاق نیستن، لاغر هستن، ولی سیکس‌پک دارن، انگشت دست‌شون یه فرم بلند و دراز خیلی قشنگی داره، خیلی خوشم میاد.»

«- عزیزم چی شد که طرفدار گروه بی‌تی‌اس شدی؟»

خب من ۱۵ سالم بود و مدرسه می‌رفتم و تو مدرسه می‌دیدم که بچه‌ها قبل از این که معلم بیاد، رو تخته کلاس، به زبون کره‌ای آهنگای بی‌تی‌اس رو می‌نوشتن، یعنی در واقع بلد بودن زبون‌شون رو، ولی من نه. خودشون می‌گفتن آهنگ اون‌ها هست و بعد از کنسرت‌شون، بهم دیگه در این باره می‌گفتن و دایم در مورد اون‌احرف می‌زدن. من خب تا اون موقع به جز اسم‌شون که بعضاً به گوشم خورده بود، اصلاً نمی‌شناختم‌شون، و آهنگاشون و یا حتی خودشون رو ندیده بودم. وقتی خب دیدم بچه‌ها این قدر طرفدارشون هستن، منم گفتم برم ببینم



کلیپاشون رو که کی هستن و اینا، ولی خب از حق نگذریم من اول بیش تر به خاطر ظاهرشون جذبشون شدم. یعنی آهنگاشونم قشنگ اومدن به نظرم، ولی تیپ و قیافه‌های کیوت و حالا اون موهای رنگی‌شون و اینا جذبه‌م کردن... .

- چه رفتارهایی داشتن که می‌گی جذاب ان؟

بین کلاً به دلیل کارا و مدل حرف زدنشون که مثلاً صداشون نازک بود یه کم البته و عمل کرده بودن خیلیاشون، کیوت بودن و مثلاً زیادی باهم صمیمی هستن، حتی آدم فکر می‌کنه بعضاً هم جنس‌گرایی چیزی هستن در این حد. مثلاً خب اونا همه‌شون پسر ان، ولی همدیگه رو از لب ماچ می‌کردن».

هواداران مصاحبه شده، بعضاً خاطرنشان ساخته اند که آنان در جریان کاربری از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، با توجه به مفاهیم مطرح شده در آهنگ‌های این گروه، به نوعی تشویق شده اند که برخوردهایی هیجان‌مدار را پیشه خویش کنند، نمونه‌هایی از این دست القائات که در آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس به وفور وجود دارد، در زیر آمده است:

«من آزادم،

هیچ زحمتی نیس،

برای این که همیشه خودم بودم،

انگشتت رو به سمتم بگیر، هیچ اهمیتی نداره،

برام مهم نیست برای چی سرزنشم می‌کنی،

من می‌دونم چی هستم،

می‌دونم چی می‌خوام،

هیچ وقت عوض نمی‌شم،

هیچ وقت وارد بده بستون نمی‌شم،

راجب چی داری پرحرفی می‌کنی؟

من کاری رو می‌کنم که می‌خوام، پس سرت تو کار خودت باشه،

تو نمی‌تونی جلوم رو بگیری خودم رو دوست نداشته باشم،

این فوق العاده اس،

تو نمی‌تونی جلوم رو بگیری خودم رو دوست نداشته باشم،

هورا، این فوق العاده اس،

تو نمی‌تونی جلوم رو بگیری خودم رو دوست نداشته باشم!» (قسمتی از آهنگ آیدول).

«جزو سامپو<sup>۱</sup> هستی یا جزو اوپو<sup>۲</sup>؟»

من عدد شش رو دوس دارم ، می‌خوای منم جزو یوکپو<sup>۳</sup> شم.

رسانه‌ها و بزرگ‌ترا می‌گن که ما اراده نداریم،

اونا باهامون درست رفتار نمی‌کنن،

۱ - سامپو به افرادی گفته می‌شود که قید سه اصل عشق، ازدواج و بچه‌دار شدن را می‌زنند.

۲ - اوپو هم به افرادی گفته می‌شود که قید ۵ اصل عشق، ازدواج، بچه‌دار شدن، شاغل شدن و خانه خریدن را می‌زنند.

۳ - یوکپو افرادی اند که قید شش اصل عشق، ازدواج، بچه‌دار شدن، شاغل شدن، خانه خریدن و روابط اجتماعی را می‌زنند.

چرا قبل این که تلاش‌مون رو بکنیم، ما رو می‌کشن، دشمن، دشمن، دشمن،  
چرا شماها این قدر راحت قبول می‌کنین، به خودتون بیان، انرژی، انرژی، انرژی،  
هیچ وقت تسلیم نشو، می‌دونی که تنها نیستی،

طلوع ما از روشنایی روز هم درخشان‌تره،

یه کم امید به خودت تزریق کن،

جوونیت رو هدر نده، بزن بریم» (قسمتی از آهنگ دوپ).

بنیان هیجانی اولیه مؤثر در شکل‌گیری رابطه نوجوانان و جوانان با گروه بی‌تی‌اس از سویی و تربیت هیجان‌مداری که جوانان با کاربری از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس با آن آشنا شده و در آن‌ها درون‌سازی می‌گردد، سبب می‌شود که برخی از هواداران برخوردار از هیجانی را به کل زندگی خویش تسری دهند و در این میان گاه هواداران حتی هواداران گروه خودشان را نفی و انکار کنند یا دست به رفتارهای پرخطر و پرریسک بزنند و در این میان حتی از برخورد با واقعیات پرهیز کنند.

الناز ۱۲ ساله در مصاحبه‌اش، به شکل غیرمستقیم از سایه انداختن برخوردهای هیجان‌مدار در زندگی خودش به قرار زیر یاد کرده است:

«می‌شه در مورد این که به خاطر گروه بی‌تی‌اس در حال خوندن زبان کره‌ای هستی، بیش‌تر توضیح بدی؟

خب آدم دوست داره کره‌ای یاد بگیره و بره کره و وقتی بره کشورشون، می‌تونه بیش‌تر باهاشون ارتباط برقرار کنه.

- خوب وقتی گروه بی‌تی‌اس نباشه، چه اتفاقی می‌افته؟

اگه اونا نباشن من دیگه انگیزه‌ای واسه خوندن کره‌ای ندارم و برای خوندن کره‌ای بیش‌ترین انگیزهام اینه که برم کره و اونا رو ببینم.

- حالا مطمئنئ که بری کره اون‌ها رو می‌بینی؟

آره دیگه، تلاشم رو می‌کنم که اگر فن ساین گذاشتن برم و شرکت کنم.

- فن ساین دقیقاً چی هست؟

فن ساین، اینه که می‌تونن بری گروه مورد علاقه خودت رو ببینی و یه چند دقیقه وقت داری که از نزدیک ببینی شون و باهاشون صحبت کنی.

- و فکر نمی‌کنی این که اونا نباشن، تو علاقه و رغبتی به ادامه دادن زبان کره‌ای نداری؟

خب نتونن بخونن بازم طرفدارهاشون هستن، مثلاً ممکنه توی اینستا هنوز طرفدارهاشون باشن.

- خوب تو داری هزینه مالی و زمانی می‌کنی و وقتی این اتفاق بیفته، می‌ای می‌گی که دیگه یاد نمی‌گیرم، به این ترتیب تلاش‌ها، وقت و پولت بیهوده تلف نمی‌شه؟

چرا، ولی من دیگه ریسکش رو پذیرفتم».

ریحانه ۱۵ ساله، در گزارش خویش از برخوردهای هیجان‌مدار هواداران گروه بی‌تی‌اس با خودشان، به قرار زیر یاد کرده است:

«یعنی گردنبندها رو نشونه طرفدار واقعی بی‌تی‌اس بودن می‌دونن؟

آره، منم باید بخرم. می‌خوام مال جیمین رو بخرم. دوستانم حتی کیف بی‌تی‌اس و استیکرش رو هم خریدن. فاطمه می‌گه اگه کسی اینا رو نداشته باشه، از گروه باید بره بیرون. منم یه بار به مامانم گفتم من هم باید بخرم، مامانم گفت، کیف دارم و جدید خریدم، سر همون کیف با دوستانم دعوا کردیم. منم قول دادم، سال دیگه می‌خرم.

- خوب اگه نخری تو رو هم بیرون می‌کنن؟

آره، ممکنه.

- یعنی فقط به خاطر این که کیف بی‌تی‌اس رو نخردی؟

خب می‌گن نشونه به آرمی واقعی هستش. کسی رو هم که آرمی واقعی نباشه، از گروه‌شون بیرون می‌کنن. حتی اگه تولد یکی‌شون باشه، می‌رن بیرون باهم جشن می‌گیرن و کیک اینا می‌گیرن. اکثر وسایل‌شون رو هم دارن».

شیرین ۲۲ ساله، در حالی که ازدواج کرده و متأهل است، از تهیه داستان‌های هرزه‌نگاری یاد می‌کند که در صورت برخورد و وقوف شوهرش با این داستان‌ها، زندگی وی در معرض پاشیدن قرار خواهد گرفت:

«- شیرین تو توی فن پیچ‌هاست داستان‌های خیالی هم راجع به ستاره‌ها می‌نویسی؟»

اوه، بله، داستان‌های خیالی می‌نویسم که لطمه به آیدول‌ها نزنه.

- می‌شه یه نمونه رو مثال بزنی؟

بله، مثلاً دیشب خواب دیدم که برای مسافرت به کره رفته بودم یه تی‌شرت سفید با یه شلوار کتان سفید به پا داشتم و موهای چتری و کوتاهم رو به یه سمت شونه زده بودم. وسایل سفرم داخل یه کوله پشتی بود و وقتی از هواپیما پیاده شدم، داخل فرودگاه منتظر بودم که آرام به استقبالم بیاد. هر چه منتظر شدم، بی‌فایده بود و خبری از آرام نبود و من اینجا غریب و تنها، جایی رو بلد نبودم. یهو کسی من رو صدا زد. وقتی به سمت صدا برگشتم، جیمین رو دیدم. اون گفت: برای آرام کاری پیش آمده و نتونسته بیاد فرودگاه دنبالت، من رو فرستاده. از دیدن جیمین خوشحال شدم و باهم روبوسی کردیم و من همراهش به هتل محل اقامتم آمدم. ازش تشکر کردم و به رسم ایرانی بودنم، بهش سوغاتی دادم و در اطاق هتل اون شب رو به استراحت گذراندم و صبح با صدای در زدن از خواب بیدار شدم و وقتی در رو باز کردم آرام در آستانه در ظاهر شد. من سراسیمه خود رو در آغوش انداختم که ناگهان یهو از خواب پریدم.

- نظر فالورهای درباره داستان‌های تخیلیت چی هست؟

خیلی خوش‌شون میاد و باز ازم درخواست ادامه داستان را می‌کنند و یا می‌گن باز هم داستان می‌خوایم و من روزهایی از هفته رو اختصاص به داستان‌های خیالی داده‌ام».

سرانجام فریبای ۴۶ ساله در مصاحبه‌اش، از پرهیز دخترش از مواجه شدن با واقعیات موجود در ارتباط با ستاره‌ها به شرح زیر یاد کرده است:

«چند وقت پیش بود که خبری رو شنیدم و خیلی شوکه شدم.

- چه خبری؟

مثل این که گفته بودن جین باید بره سربازی.

- خوب، رفت؟

همین، به دخترم عکس جین رو، توی تلگرام نشون دادم، ولی واکنش دخترم عجیب بود.

- چرا؟ چه طور واکنش نشان داد و عکس چه بود؟

عکس سربازی جین بود و این که موهای خیلی کوتاه شده بود و کاملاً ساده بود و انگار خورد تو ذوق بچه‌ام. یه دفعه خیلی ناراحت شد و گفت نمی‌خوام این تصویر توی ذهنم بمونه. دوست ندارم این طوری ببینمش».

«حل هیجان‌مدار مسایل» و پیشه کردن برخوردهای هیجانی همچون مشاخره، توهین و دعوا با یکدیگر بر سر ستاره‌ها، اثر روان‌شناختی دیگری است که برخی از هواداران مصاحبه شده به آن اشاره و اذعان داشته‌اند.

نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌اش خاطر نشان می‌سازد، از آنجا که ستاره‌های گروه، در حد و شأن بت برای وی ظاهر شده بودند، خود به خود رقیب‌های آن‌ها را نفی می‌کرده است.

الناز ۱۲ ساله نیز با اشاره به رایج بودن برخوردهای متعصبانه بین خود هواداران، از نفی و انکار این دست از هواداران یاد کرده است:

«- بی‌تی‌اس از نظر اعتقادی چه قدر روی تو تأثیرگذار بود؟»

عام زیاد. یعنی کلاً اون اوایل راحت می‌تونستن من رو تحت تأثیر خودشون قرار بدن، دیگه برام اهمیتی نداشت که حرفشون درسته یا غلط، قبول می‌کردم، بدون این که بخوام یا دست خودم باشه. خصوصاً شوگا. اولاً خیلی بود، اما رفته رفته کم‌تر شد، ولی در کل خیلی تحت تأثیرش قرار می‌گرفتم. یادم نیست خیلی که بخوام مثال بزنم، اما اونا بت من بودن انگار. خوب و بی‌نقص و عالی و پرفکت (کامل)، درک این که اونا هم ممکنه مثل بقیه اشتباه کنن، برام به شدت سخت بود.

دقیقاً برعکس خود بی‌تی‌اس که باورم این بود، قطعاً آدم‌های درستی هستن، کسانی که رقیبشون بودن رو کاملاً برعکس می‌دیدم. می‌گفتم اینا اصلاً استعداد ندارن، امکان نداره با مهارت خودشون بالا اومده باشن یا آدمای درستی باشن».

«می‌شه در مورد آرمی‌های متعصب هم توضیح بدی؟»

خب اونا این طوری اند که می‌گن فقط گروهی که ما ازش طرفداری می‌کنیم خوبه و یا این که نباید روی بایس<sup>۱</sup> من کراش<sup>۲</sup> داشته باشی و البته خب خیلی با هیترها<sup>۳</sup> دعوا و بحث می‌کنن، ولی خب من این طوری نیستم، ولی تعداد این جور آرمی‌ها زیاد هست.

– می‌شه از این مورد که گفتمی آرمی‌های متعصب این طوری هستن، مثال بزنی؟

یکی از هم کلاس‌های من این طوری بود که وقتی می‌گفتمی که بایس من تهیونگ هست، می‌پرید بهت می‌گفت که تهیونگ برای من هست و همین جوری باهات بحث می‌کرد.

– بعد واکنش تو چی بود وقتی این کار رو کرد؟

اولش سکوت کردم و بعد گفتم که تو یه آرمی تعصبی و مزخرف هستی».

ثنا<sup>۱۶</sup> ساله از بحث خود و دختر خاله‌اش روی ستاره‌ها که به «فحاشی متقابل» کشیده شده است، الناز<sup>۱۲</sup> ساله از تمایل خویش به «زدن طرف مقابل» که با وی وارد بحث درباره گروه بی‌تی‌اس شده است و نگین<sup>۱۳</sup> ساله، از این که حاضر است افرادی را که اشک ستاره‌ها را درمی‌آورند، «قیمه قیمه» کند، یاد کرده اند:

«موردی هم بوده در مورد بی‌تی‌اس شنیده باشی و خودت عمداً کار اشتباه آن‌ها را توجیه کنی؟»

با دختر خاله‌ام چند وقت پیش جر و بحث کردیم سر این که اون می‌گفت جیمین لاغره من می‌گفتم نه آرام لاغره، توهین نکن به جیمین. دختر خاله‌ام خیلی به آرام علاقه داره، چون به نظرش هم خیلی خوشگله و هم دختر خاله‌ام خیلی به رپ علاقه داره و رپ گوش می‌ده و آرام هم رپره. سرتون رو درد نیارم دیگه سر این چاقی و لاغری کار ما به فحش و فحش کاری کشید».

«خوب در مورد بحث‌هایی که کردی به جز اون موضوع کلاً در مورد هر چیزی که بحث بشه، همین کار رو می‌کنی؟»

آره، همون طوری مثل بحث‌های بی‌تی‌اس برخورد می‌کنم و حتی اگه خیلی عصبانی بشم، طرف رو می‌زنم».

«نفرت‌پراکنی و هیت دادن دوست شما، چه احساسی را برایتان ایجاد می‌کرد؟»

من طرف را حاضر بودم قیمه قیمه‌اش کنم، اون به شدت می‌رفت روی اعصابم، حالا نه فقط به آیدول، کلاً وقتی کسی به یک انسان عادی هم هیت می‌دن، من اعصابم خورد می‌شه، به خصوص وقتایی که می‌بینم از سر این حرف‌ها اشک اونا را درمیارن».

## تخلیه روانی

<sup>۱</sup> – بایس Bias به فرد مورد علاقه یک فن در یک گروه گفته می‌شود.

<sup>۲</sup> – کراش Crush به علاقه داشتن به کسی، در عین بی‌خبری وی، گفته می‌شود.

<sup>۳</sup> – متنفر Hater

برخی از افراد مصاحبه شده، خاطرنشان کرده اند که هواداری از گروه بی‌تی‌اس در عمل عرصه‌ای برای «تخلیه روانی آنان» پدید آورده است و آنان با نوشتن و در برخی از موارد فحاشی به دیگران، دست برون‌ریزی عواطف و تخلیه روانی خویش می‌زنند.

برخی از هواداران دیگر نیز خاطرنشان ساخته اند که آنان در هنگام ناراحتی‌های خود با شنیدن آهنگ‌های غمگین گروه بی‌تی‌اس، با فضای آهنگ همزادپنداری کرده و با اشک ریختن در پی این امر، تشفی نسبی می‌یابند.

نرگس ۲۱ ساله، در قسمتی از مصاحبه خویش از برون‌ریزی عواطف خود در داستان‌هایی که در مورد یکی از اعضای گروه بی‌تی‌اس می‌نوشت یاد کرده و در قسمت دیگری از فحاشی‌های خود به افرادی که با وی در فقره بی‌تی‌اس همسو نبودند، یاد کرده و این کار را در کاهش خشم خود مؤثر برشمرده است. محسن ۲۲ ساله هم در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد که وی با یافتن هر بهانه‌ای، دست به فحاشی به دولت کره یا حتی خود ستاره‌ها می‌زند و در پی این امر یک سرگرمی توأم با تخلیه را برای خودش فراهم آورده است.

«- احساسات به شوگا چه طور بود و اون چه قدر روی تو تأثیرگذار بود؟

عام، همه می‌دونستن که شوگا دوست پسر منه. حق نداشتن بهش بد بگن. حق نداشتن از شوگا خوش شون بیاد. توی مدرسه اگر می‌دیدم کسی داره آرمی می‌شه، می‌رفتم مخش رو می‌زدم تا شوگا رو به عنوان بایس انتخاب نکنه. اگر انتخاب می‌کردن، با من طرف بودن. من حتی رفتم اسم شوگا رو تتو کردم روی سینه‌ام اون موقع. البته دو ماه پیش رفتم کاور کردم اون تتو رو. بعد خیلی تلاش کردم شماره‌اش رو پیدا کنم. چون خیلی از این چنلا شماره‌های این آرتیست کره‌ای‌ها رو می‌ذارن که البته بعضیاش فیکه. یه بارم تونستم آی‌دی اسنپ چتش رو پیدا کنم. هر روز می‌رفتم بهش پیام می‌دادم. اون موقع اینستاگرام شخصی نداشتن و فقط اکانت بی‌تی‌اس بود. برای همین خیلی بود که دایرکت اسنپ چتش رو داشتیم، همون چند ماه اول که طرفدارشون شده بودم یه وبلاگ ساختم برای شوگا و خودم اسمش رو هم گذاشته بودم معشوقه‌ی پنهان یونگی (می‌خندد).

توش از احساساتم می‌نوشتم و بعضیا می‌اومدن می‌خوندن. اون سال‌ها چون تلگرام و اینستا مثل الان نبود، سایت و وبلاگ بیش تر طرفدار داشت. بعد از یک مدت شروع کردم به داستان نوشتن از خودم و شوگا. مثلاً ما دوست پسر و دوست دختریم و باهم رابطه داریم، بعد طرفدارای وبلاگم زیاد شد. خیلیا خودشون رو جای شخص دختر داستان که در واقع خودم بودن تصور می‌کردن و کلی خوش شون می‌اومد و کامنت می‌داشتن و تشکر می‌کردن، ولی خب بعضیا عصبیم می‌کردن، چون در مورد شوگا می‌گفتن. برعکس حرف زدنم توی جمع، قلمم خوب بود.

- چه احساسی به کامنت‌هایی که می‌گذاشتن داشتی؟

چیزی نمی‌گفتم بهشون، ولی خیلی زیاد حرص می‌خوردم. بدم می‌اومد که کسی جز خودم در مورد یونگی همچین حرفایی بزنه. اگر نزدیکم بودن خرخره‌هاشون رو می‌جوییدم، تصورم این بود که یونگی برای منه و کسی حق نداره مثل من دوستش داشته باشه، می‌گفتم یا من یا هیچ کس ... .

«- خوب با خودت فکر نمی‌کردی این رفتارها اشتباهه؟

نه واقعاً. من تنها بودم. مشکل داشتیم. رفتم توییترو و دوستایی پیدا کردم که هر روز باهاشون توی فضای مجازی وقت می‌گذروندم. از تنهایی دراومدم و رفتاراشون روم تأثیر گذاشت. اون موقع یه جورایی با رفتارای تعصبی که داشتیم، خودم رو خالی می‌کردم. من از صبح تا شب با همه چیز زندگی‌م درگیر بودم. پس چی واسم بهتره از این که برم و به چهارتا طرفدار بدبخت دیگه، بد و بیراه بگم تا از شدت خشمم کم بشه؟ اون موقع متوجه نبودم، ولی خب ناخودآگاه این تو ذهنم بود. با فحش و بی‌ادبی و دعوا و در آخر برنده شدن توی دعوا، حس خالی شدن و بهتر شدن، بهم دست می‌داد. البته بعضی وقتا عصبی هم می‌شدم.

- یعنی هیجان‌ات رو این جور تخلیه می‌کردی؟

آره تقریباً. خودم نفهمیدم خیلی، ولی خب بعداً که رفتم پیش تراپیست، بهم این رو گفت. اون موقع تصورم بر این بود که من باید به رقبای بی‌تی‌اس بی‌احترامی کنم و متقابلاً باید از خود بی‌تی‌اس در برابر حرفایی که می‌زنن، دفاع کنم. امکان نداشت چیزی ببینم و دفاع نکنم. ایرانی، خارجی، کره‌ای هر کسی، هر تویییتی می‌زد که علیه پسرای بی‌تی‌اس بود، من وظیفه‌ام بود که دفاع کنم. البته فقط توی توییتر دفاع نمی‌کردم، توی مدرسه، بیرون از خونه، توی خونه، اینستاگرام یا تلگرام هر جایی که می‌شد با هر کسی که چیز بدی می‌گفت، شروع می‌کردم به بحث کردن و جواب دادن، یه وقت‌هایی می‌شد چند ساعت می‌نشستم پشت گوشی و با یک نفر سر بی‌تی‌اس دعوا می‌کردم. از زندگی می‌زدم تا از اون‌ها دفاع کنم».

«... سر همین که جین مجبور شده سربازی بره، تا دلتون بخواد فحش دادم به دولت کره (باخته).»

– چرا؟

چون دلم نمی‌خواد جین از گروه کنار بره.

– اگر جین به دلایل شخصی از گروه خارج بشود، به جین فحش خواهی داد؟

می‌رم کامنت می‌ذارم مثل بقیه چهارتا فحش آبدار می‌کشم بهش.

– چرا از جین سوال نمی‌کنی که چرا او می‌خواهد از گروه خارج بشود و یا این که درخواست کنی که در گروه بماند؟

کامنتم رو دوستام می‌بینن می‌خندن. فحش می‌دم زیر پستش، مسخره بازی در میاریم، همین کارهایی که خیلی از ایرانیان انجام می‌دن.

– دوستانت به کامنت فحشت می‌خندن یا به این که درخواست کنی در گروه بماند؟

نه دیگه، به مسخره بازی در آوردنم می‌خندن».

پونه ۱۸ ساله و محسن ۲۲ ساله هم در مصاحبه‌های خودشان یادآور شده اند که با شنیدن آهنگ‌هایی که بعضاً بیانگر حس و حال اندوهگین خود آن‌ها است، احساس تخلیه هیجانی و روانی را به دست می‌آورند:

«– پس هم آهنگ‌هاشون هم خوشحالت می‌کنه و هم غمگین؟»

آره، بستگی به مودم داره. اگر که حال خوب نباشه، آهنگای سدشون (غمگین) رو گوش می‌دم و اگر حال خوب باشه آهنگای شادشون رو.

– آهنگ غمگین‌شون، تو رو غمگین‌تر می‌کنه؟

آره خب.

– پس چرا گوش می‌دی؟ قطعاً باید یه کاری کنی از اون حال دریایی.

شاید چون اون لحظه که ناراحتم، اون آهنگ حس و حال رو به زبون میاره، همون همزادپنداری که بهت گفتم. یه کم آهنگ گوش می‌دم،

گریه می‌کنم، بعد اوکی می‌شم».

«یه چیز دیگه این که پدر و مادرم و داداشام انگار دست و پای من رو بسته بودن و تونستم اون جوری که باید هیجاناتم رو خالی کنم. با

دیدن و گوش دادن به آهنگای بی‌تی‌اس حالم بهتر می‌شه، نمی‌دونم چه طوری توضیح بدم، ممکنه کاری هم نکنم، اما خودم حس می‌کنم

بعد گوش دادن به این آهنگا تخلیه می‌شم».

### اتلاف وقت گسترده و اهمال کاری هواداران

یکی از دیگر اثرهای روان‌شناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس که هواداران مصاحبه شده بر آن تأکید داشته اند، «اتلاف وقت گسترده و

اهمال کاری هواداران» بوده است. سارینای ۱۳ ساله، گلاره ۱۴ ساله و ریحانه ۱۵ ساله، در گزارش خویش از مدت زمانی که هر روز صرف

گروه مورد علاقه‌شان می‌کنند، به قرار زیر یاد کرده اند:

«– سارینا جان تو از چه طریقی حمایت و طرفداری‌ات رو نسبت به بی‌تی‌اس نشون می‌دی؟»

من قبلاً به فن پیچ داشتیم ولی فیلتر شد و من هم دیگه ادامه ندادم.

- برای انجام دادن این کارهای حمایتی چه قدر از زمانت رو می‌گذاشتی؟

حداقل ۳ یا ۴ ساعت در روز.

- می‌شه بگی که توی این ۳، ۴ ساعت چه کارهایی انجام می‌دادی؟

فیلم‌ها و ویدیوهاشون رو می‌دیدم. ران بی‌تی‌اس رو تماشا می‌کردم. موزیک‌ویدیو می‌دیدم و موزیک‌هاشون رو گوش می‌دادم».

«- گلاره جان آیا طرفداری از بی‌تی‌اس روی عملکرد خودت توی زندگی یا درس تأثیری داشته؟

بله. البته خب من وقتی غرق کی‌پاپ بودم تونستم برم تیزهوشان، ولی مثلاً کم‌تر از قبل کتاب می‌خوانم یا کم‌تر تلویزیون می‌بینم و حتی

کم‌تر درس می‌خوانم، ولی در عوض از موسیقی لذت می‌برم.

- به طور معمول مثلاً چه قدر از زمانت رو برای دنبال کردن بی‌تی‌اس می‌گذاری؟

۶-۷ ساعت در روز».

«- این جور از درس‌ها عقب نمی‌افتی؟

اونا رو هم بعدش می‌نویسم، ولی گاهی وقتاً اون قدر درگیرش می‌شم که می‌بینم شب شده و من تو اینستا هی تو اکسپلورم از بی‌تی‌اس

پست و فیلم می‌بینم. یه دفعه به خودم میام می‌بینم درسام مونده. مامانم هم غر می‌زنه.

- می‌توننی بگی تقریباً چند ساعت وقتت رو با بی‌تی‌اس می‌گذرونی؟

از مدرسه که میام تا شب حدوداً چهار، پنج ساعت، شب هم قبل خواب تا وقتی خوابم ببره می‌بینم، شاید دو ساعت».

نرگس ۲۱ ساله و شیرین ۲۲ ساله نیز در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، اگر چه به بیان کمی ساعتی که برای طرفداری از گروه بی‌تی‌اس

صرف می‌کنند، نپرداخته‌اند، اما خاطرنشان ساخته‌اند که گاه ساعت‌ها با مخالفان بحث کرده یا تا ساعت ۳ نیمه شب هم پیگیر فعالیت‌های

خویش حول محور گروه بی‌تی‌اس بوده‌اند که موارد اخیر نیز حکایت از صرف وقت روزانه خیلی زیاد در جهت حمایت از گروه بی‌تی‌اس

دارد:

«- خوب با خودت فکر نمی‌کردی این رفتارها اشتباهه؟

نه واقعاً. من تنها بودم. مشکل داشتیم. رفتم توئیتر و دوستایی پیدا کردم که هر روز باهاشون توی فضای مجازی وقت می‌گذروندم. از

تنهایی درواومدم و رفتاراشون روم تأثیر گذاشت. اون موقع به جورایی با رفتارای تعصبی که داشتیم، خودم رو خالی می‌کردم. من از صبح تا

شب با همه چیز زندگی‌م درگیر بودم. پس چی واسم بهتره از این که برم و به چهارتا طرفدار بدبخت دیگه، بد و بیراه بگم تا از شدت خشمم

کم بشه؟ اون موقع متوجه نبودم، ولی خب ناخودآگاه این تو ذهنم بود. با فحش و بی‌ادبی و دعوا و در آخر برنده شدن توی دعوا، حس

خالی شدن و بهتر شدن، بهم دست می‌داد. البته بعضی وقتاً عصبی هم می‌شدم.

- یعنی هیجانانت رو این جور تخلیه می‌کردی؟

آره تقریباً. خودم نفهمیدم خیلی، ولی خب بعداً که رفتم پیش تراپیست، بهم این رو گفت. اون موقع تصورم بر این بود که من باید به رقبا

بی‌تی‌اس بی‌احترامی کنم و متقابلاً باید از خود بی‌تی‌اس در برابر حرفایی که می‌زنن، دفاع کنم. امکان نداشت چیزی ببینم و دفاع نکنم.

ایرانی، خارجی، کره‌ای هر کسی، هر توئیتی می‌زد که علیه پسرای بی‌تی‌اس بود، من وظیفه‌ام بود که دفاع کنم. البته فقط توی توئیتر دفاع

نمی‌کردم، توی مدرسه، بیرون از خونه، توی خونه، اینستاگرام یا تلگرام هر جایی که می‌شد با هر کسی که چیز بدی می‌گفت، شروع می‌کردم

به بحث کردن و جواب دادن، یه وقت‌هایی می‌شد چند ساعت می‌نشستم پشت گوشی و با یک نفر سر بی‌تی‌اس دعوا می‌کردم. از زندگی‌م

می‌زدم تا از اون‌ها دفاع کنم».

«- بقیه هوادارها با دیدن کامنت‌های مخالف چه واکنشی دارن؟»

(خیلی با صدای بلند می‌خندد) این مخالفت‌ها آغاز جنگ و شروع کامنت‌های زشت و رکیک به هواداران با نظرهای مخالف تو گروه و این قدر تعداد کامنت‌ها زیاد می‌شه و هر کی حرفی بار اون شخص مخالف می‌کنه که از حوصله خارج می‌شه. بعضی وقت‌ها هواداران به عمد نظری مخالف جمع می‌نویسند، برای شروع هجوم نظرات و آغاز جنگ و کلی به همه خوش می‌گذره.

- وقت برای جواب دادن و خواندن این همه کامنت کم نمیاری؟

حقیقتش وقت کم میارم از خوابم می‌زنم، ولی همه نظرات رو می‌خوانم و سوال‌های جدیدتر برای نظرسنجی‌های بعدی آماده می‌کنم و یکی از اختلافات شوهرم با من سر همین دیر خوابیدن من هست. یه ساعت سه شب بیدار می‌شد، می‌دید من هنوز بیدارم و تو گوشی کامنت می‌نویسم و کف‌ری می‌شد و گوشی من رو از دستم می‌گرفت و با عصبانیت خاموش می‌کرد. خلاصه این قدر خوندن کامنت‌ها برایم جالب و جذاب بود که نمی‌شد یکی‌شون رو نخونده بذارم.»

فربای ۴۶ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از اهمال‌کاری<sup>۱</sup> دخترش یاد کرده، خاطرنشان ساخته است که دخترش به دلیل طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، انجام بسیاری از وظایف روزمره‌اش را به تأخیر می‌اندازد:

- نگران به نظر می‌رسید، درسته؟

بله یه کم الان نگران شدم، می‌گم نکنه خیلی دارم زیاده روی می‌کنم از این که به دخترم اجازه می‌دم، خیلی درگیر بی‌تی‌اس باشه. دخترم تازگی مثل قبل خیلی با من وقت نمی‌گذرونه، خیلی تو خودش و وقتی به دخترم می‌گم، چرا دیگه به مامان توجه نمی‌کنی جواب می‌ده که توجه می‌کنم، تو فکر می‌کنی که توجه نمی‌کنم.

- منظور شما این هست که به خاطر این که بی‌تی‌اس مشغول هست، به شما توجه نمی‌کنه؟

خیلی نگرانم کرده این که غرق بی‌تی‌اس شده و حواسش به خیلی از کارهاش نیست، درسته که بی‌تی‌اس تأثیر مثبت هم روی دخترم گذاشته، ولی این تنبلی عجیبه.

- اگر ممکن هست، چند مثال از تنبلی و ارتباط آن با بی‌تی‌اس بزنید؟

اول بگم که از وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شده رفتارش تغییر کرده و کارهاش رو عقب می‌اندازه، مثلاً می‌گه که باشه انجام می‌دم، ولی انجام نمی‌ده یا سر وقت انجام نمی‌ده و من رو عصبانی می‌کنه، مثلاً اتاقش رو گردگیری نمی‌کنه، جارو برقی نمی‌کشه، کم‌دش رو مرتب نمی‌کنه، حتی مسواک زدن و حمام رفتنش هم به خاطر بی‌تی‌اس عقب می‌افته یا انجام نمی‌شه و خیلی قاطعانه می‌تونم بگم به خاطر بی‌تی‌اسه.

- خوب چه دلایلی دارید که نشان دهنده این هست که این‌ها به بی‌تی‌اس مربوط هستند؟ این که از یک نوجوان این رفتارها را ببینیم دلایل مختلفی جز بی‌تی‌اس هم می‌تواند داشته باشد. خیلی دلایل محکمی باید داشته باشید که همچین ادعایی را مطرح کردید!

بچه خودمه، بزرگش کردم اخلاقش رو می‌دونم، غرق یه چیزی بشه یادش می‌ره که کارای دیگه مهمی هم داشته که باید انجام می‌داده. غرق بی‌تی‌اس که می‌شه دیگه کارای مهمش یادش می‌ره. هر چه قدرم که تذکر می‌دم، دخترم این کارت مونده، دخترم اون کارت مونده، می‌گه باشه مامان الان تموم می‌شه، میام انجام می‌دم. به خودم می‌گم وایسا تا بیاد انجام بده. شب تا دیر وقت یواشکی چندبار دیدم زیر پتو آهنگ بی‌تی‌اس گوش می‌ده و یواشکی چت می‌کنه!

**بروز خطاهای جدی شناختی**

<sup>۱</sup> - مشخصه‌ی اهمال‌کاری به تأخیر انداختن غیرمنطقی کارها با وجود عواقب منفی احتمالی آن‌ها بوده، شکلی از شکست در خودمدیریتی محسوب می‌شود.



با بررسی بیانات هواداران گروه بی‌تی‌اس، مشخص می‌شود که در مباحث این افراد، «خطاهای جدی شناختی» وجود داشته، بیانات آنان در غالب موارد از منطلق سست و ضعیفی برخوردار است، ولی با این همه هواداران با شدت از ستاره‌ها و کلاً گروه بی‌تی‌اس حمایت به عمل می‌آورند، عناوین خطاهای شناختی که در مصاحبه با هواداران دختر و پسر گروه بی‌تی‌اس به دست آمده است، به قرار زیر است:

عدم برخورد نقادانه با اطلاعات خویش، پیشه کردن برخوردهای تعصبی و هیجان‌مدار، توجیه کردن، نادیده گرفتن تناقض‌ها، برخوردهای متعارض، اتکاء به منطق بسیار ضعیف، ذهن خوانی، ارجاع مباحث به شخص ثالث، پیش گرفتن برخوردهای مفرط، خودفریبی، خودسانسوری، رؤیاپردازی، توسل به دروغ، تقدس‌گرایی، توسل به واکنش‌های نابخردانه و شکل‌گیری ادراک جهت‌دار. در ادامه، مصادیقی از عناوین مطرح شده درج خواهد شد.

«عدم برخورد نقادانه با اطلاعات خویش» یکی از خطاهای شناختی هواداران گروه بی‌تی‌اس است. به این معنا که در برخی از مواقع، فرد دارای اطلاعاتی است که به عیان خطا بودن آن‌ها آشکار است، اما وی حاضر به بررسی نقادانه اطلاعات خودش نیست و مبتنی بر اطلاعات مخدوش اولیه خودش، دست به اظهارنظر و یا عمل کردن می‌زند.

الناز ۱۲ ساله، در نمونه‌ای در این جهت، در مصاحبه‌ای که دارد، از جمعیت ۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ نفری حاضر در کنسرت‌های بی‌تی‌اس یاد کرده و یا بیان می‌دارد که در صورت رفتن اعضای گروه بی‌تی‌اس به سربازی، اقتصاد کره با مشکل مواجه می‌گردد!

«- هزینه هر بلیط کنسرت چه قدر هست؟

به پول ایران گرون‌ترین بلیط ۴۰۰ میلیون تومن و ارزون‌ترین بلیط کنسرت ۱۵ میلیون تومن هست.

- جمعیت کنسرت‌ها به نظرت حدودی چه قدر هست؟

۷۵۰ هزار میلیون نفر (!).

- واقعاً؟

آره بابا خیلی زیاد ان... .

- کمک مالی چه طور تاحالا شده دولت کره به اونا کمک مال کنه؟

نه، خود بی‌تی‌اس منبع مالی دولت کره جنوبی هست و می‌گن که از موقعی که اونا می‌رن سربازی چرخه مالی و اقتصادی کره جنوبی به مشکل برخورد کرده (!).

شیدای ۲۰ ساله که به شکل حرفه‌ای در کار موسیقی فعالیت دارد، در مصاحبه خودش اذعان می‌دارد کمپانی‌های کی‌پاپ با ستاره‌های خودشان به صورت برده رفتار می‌کنند، اما با این همه تأکید می‌کند، وی مُصر به مهاجرت به کره برای فعالیت در کی‌پاپ هست، ولی کار خودش را در پوشش کمپانی‌های کی‌پاپ (که امکانات عظیمی در اختیار دارند)، انجام نداده، با ایستادن روی پای خودش، به صورت اجرای فردی به تحقق اهداف خویش خواهد پرداخت که موضوع اخیر تقریباً امری ناشدنی است:

«- با وجود این بینشی که پیدا کردی، اما هنوزم دوست داری به کره مهاجرت کنی؟

دیگه از اون مدل مهاجرت پشیمون شدم. ولی این که خودم به عنوان یه آدم مستقل بخوام برم، به نظرم از این مشکلات برای آدم پیش نمیاد».

«پیشه کردن برخوردهای تعصبی و هیجان‌مدار» از دیگر خطاهای شناختی هواداران گروه بی‌تی‌اس است. برخی از افراد در برخورد با گروه مورد علاقه خودشان، برخوردی صرفاً تعصبی و هیجانی را پیش گرفته و به شکلی هیجان‌مدار با آن برخورد می‌کنند، به عنوان مثال، گلاره ۱۴ ساله، در قسمتی از مصاحبه خودش اظهار می‌دارد، عاشق گروه بی‌تی‌اس است و عشق نیز منطقی ندارد و یا بیان می‌کند، عشق وی به

گروه بی‌تی‌اس سبب شده است که از همه چیز این گروه خوشش بیاید و حتی اگر اعضای گروه، زشت‌ترین آهنگ دنیا را بخوانند، آن آهنگ از نظر او باز هم زیبا است:

«من یک ویدیویی می‌دیدم که یکی از اعضای بی‌تی‌اس بعد از اجرا باحال خیلی بدی از روی استیج پایین می‌اومد و برایش ماسک اکسیژن و کارهای امدادی می‌کردن، آیا به نظرت این تلاش که باعث می‌شه ستاره‌ها به این شدت خسته بشن که حتی حال‌شون بد بشه کار درستیه و نشون‌دهنده دوست داشتن خود هست؟

نمی‌دونم. فقط این رو می‌دونم که اتفاقاً آرمی‌ها و همه فن‌ها خیلی به کمپانی‌ها به خاطر این کارهایی که با آیدول‌ها می‌کنن، هیت می‌دن. این که می‌گی یک بخش بزرگی از تلاش‌های ستاره‌ها برای سخت‌گیری کمپانی‌هاست، آیا به نظرت شما با حمایت کردن از گروه‌های کی‌پاپ باعث نمی‌شی که این کمپانی‌ها شرایط سخت‌گیرانه‌تر و فشار بیش‌تری رو برای ستاره‌هاشون اعمال بکنن؟

ما از کمپانی‌ها خاطره‌های بدی داریم و توقع هم نداریم که اعضاء این قدر سختی بکشن در حدی که بیهوش بشن، ولی کمپانی‌ها برای پول اون‌ها رو اذیت می‌کنن و من هم چون به شخصه دوست‌شون دارم و عشق هم منطقی نداره، باز هم با این اتفاقات از شون طرفداری می‌کنم... .

– عزیزم آیا تا به حال پیش اومده که یک آهنگ یا ویدیو از بی‌تی‌اس رو دوست نداشته باشی، ولی صرفاً به خاطر این که گروه بی‌تی‌اس رو دوست داری و طرفدارشون هستی به اون آهنگ گوش بدی یا اون ویدیو رو تماشا کنی؟

آره، بعضی وقت‌ها پیش اومده، ولی نه این که از اون آهنگ بدم بیاد، ولی خب مثلاً اون جوری هم نبوده که خیلی با سلیقه من یکی باشه. خیلی کم پیش اومده چون معمولاً هر چیزی از بی‌تی‌اس باشه بیشتر به صداها یا استایل‌شون یا پارت‌های بایسم یا بایس‌رکرم توجه می‌کنم و اصلاً برام مهم نیست که ریتم آهنگ و دستگاه آهنگ چی باشه، ولی خب یکی، دو بار این هم پیش اومده.

وقتی این‌ها پیش میاد دیگه نمی‌نشینم ۵۰ بار ام‌وی (موزیک ویدیو) رو ببینم مثلاً دو، سه بار می‌بینمش که فقط آهنگ رو حفظ بشم یا معنی آهنگ رو بفهمم یا استایل‌های جدیدشون رو ببینم.

بین وقتی فن‌یه گروه باشی واقعاً این جوریه که با همه وجود دوست‌شون داری. اگه آرمی باشی با همه وجودت هفت تا عضو بی‌تی‌اس رو دوست داری، پس حتی اگه آهنگ‌شون زشت‌ترین آهنگ دنیا هم باشه، باز به نظرت قشنگ میاد. به خاطر همین خیلی پیش نیومده که من از آهنگی خوشم نیاد».

شبنم ۲۵ ساله با بیان این که عاشق کره است، دلیلی برای تبیین بیاناتش نمی‌آورد، ثنای ۱۶ ساله هم در مصاحبه‌اش در پاسخ به نقد ناقدان گروه بی‌تی‌اس، بدون طرح هیچ استدلالی، تنها به گفتن این که ناقدان غلط می‌کنند، اکتفا می‌کند و مهتاب ۱۸ ساله نیز با اظهار این که با شنیدن آهنگ دیگر گروه‌های کی‌پاپ احساس خیانت به گروه بی‌تی‌اس به وی دست می‌دهد، تأکید می‌ورزد، به همین سبب حاضر به شنیدن آهنگ گروه‌های کی‌پاپ دیگر نیست:

«کره و زندگی در کره چیزی داره که غبطه‌اش رو بخوری؟

بین مثلاً طبیعتش و روستاهش و سرسبزش رو من خیلی دوست دارم و همیشه آرزوم بوده که چنین جایی زندگی کنم.

– یعنی مثلاً با شمال خودمون چه فرقی داره؟

نمی‌دونم (می‌خندد). ولی دیدی مثلاً آدم به جایی رو احساس می‌کنه برایش آشنا هس. من همیشه بر این باورم که توی زندگی قبلیم حتماً کره زندگی کردم. به جور اعتقاده دیگه. بعد علاقه‌مندم که برم اونجا و با مردمش باشم».

«نقاط ضعف گروه بی‌تی‌اس چیست؟

هیچ نقطه ضعفی ندارن.

– یعنی هیچ نقطه ضعف ندیدی؟

نقطه ضعف خاصی ندارند. معمولاً می‌گن شبیه دختران، ولی غلط می‌کنن».

«- آیا شده از گروه‌های دیگه کی‌پاپ کرهای خوشتون بیاد، ولی به خاطر این که طرفدار بی‌تی‌اس هستید، دنبال‌شون نکنید یا ازشون حمایت نکنید با این که کیفیت آهنگ‌هاشون خوبه؟

راستش آره شده. حالا این نظر منه‌ها و خیلی‌ها این نظر رو ندارند. من خودم کلی دوست آرمی دارم و می‌شناسم که اینا گروه‌های دیگه رو هم توی کی‌پاپ دنبال می‌کنند، ولی من می‌گم به نظرم درست نیست که وقتی من طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستم، از گروه دیگه‌ای توی این ژانر (گونه) حمایت کنم. می‌شه گفت احساس خیانت بهم دست می‌ده. چون صنعت موسیقی یک جورهایی رقابتیه دیگه. اگر من مثلاً از یه گروه دیگه حمایت کنم، خب اونا میان بالا. ولی حالا این طوری هم نیست که اصلاً گوش ندم و تنها چیزی که بهش گوش بدم، بی‌تی‌اس باشه. ولی حمایت‌شون نمی‌کنم دیگه، با این که به قول شما می‌تونه آهنگ‌هاشون خیلی هم خوب باشه».

مسعود ۲۰ ساله هم در مصاحبه‌اش از سویی تناقض‌های گروه بی‌تی‌اس را محکوم کرده و از سوی دیگر، در برخوردی عاطفی، این گروه را عشق خود می‌نامد و در عمل نشان می‌دهد، وی در برخورد با گروه بی‌تی‌اس، بین منطق و عواطف خویش نوسان دارد و نمی‌توان نقدهای وی به گروه را جدی گرفت:

«- تا این حد به بی‌تی‌اس علاقه داری که دوست داری برای دیدن آن‌ها به کره مهاجرت کنی؟

آره، از بین بهترین علاقه‌مندی‌هام بی‌تی‌اس اولین هست. بی‌تی‌اس عشق من است».

از دیگر خطاهای شناختی هواداران گروه بی‌تی‌اس، می‌توان از مقوله «توجیه کردن» یاد کرد. گاهی افراد در مواجهه با اطلاعات شناختی معارض با اطلاعات خودشون، با توسل به توجیه مسایل، می‌کوشند تا با توسل به توجیه پاسخ لازم را بدهند و خودشون را از مخمصه تعارض شناختی ایجاد شده نجات دهند. به عنوان مثال، رخساره ۱۶ ساله، در مواجهه با پرسش دلایل انتخاب تیپ دخترانه اعضای بی‌تی‌اس در برخی از مواقع و تبلیغ برندهای گران توسط آن‌ها، در هر دو مورد می‌کوشد تا با توجیه مسایل مطرح شده، این مسایل را رفع و رجوع کند، در حالی که به نمایش نهادن بی‌هویتی جنسی و به دست فراموشی سپردن مسوولیت انسانی انسان‌ها و به حسرت کشیدن انسان‌های دیگر، اموری نیستند که به سادگی از آن‌ها گذشت:

«- تو هم موافقی یه جور استایل‌شون دخترانه به نظر می‌رسه؟

نه. به نظر من مردم کور ان که نمی‌تونن فرق این‌ها را با دخترا بفهمن (لحن متعجب و عصبانی)، چون واقعاً این‌ها اصلاً شبیه دخترا نیستن. چون خیلی جذاب و مثلاً خاص و درعین حال خیلی کیوت ان. می‌دونی بعضی وقتا خیلی کیوت می‌شن، بعضی وقتا خیلی خاص می‌شن، و این باعث می‌شه که خیلی بهتر به نظر بیان...»

- تبلیغات هم انجام می‌دهند؟

بله، تبلیغات خیلی زیادی انجام می‌دن سفیر برندهای خیلی مشهور هستن و کلی پول در میانن.

- برنند کدام کشورها؟

از هر جایی که باهاشون تماس بگیرند، پاریس، آمریکا و خود کره.

- تبلیغ چه چیزهایی را انجام می‌دهند؟

هر چیزی که خیلی پرطرفدار باشه.

- من دیدم مک‌دونالد را هم تبلیغ می‌کنند؟

آره هم خوراکی، هم وسایل خونه، یخچال، تلویزیون، خیلی چیزها رو تبلیغ می‌کنن یادم نیست که بخوام دونه، دونه، بهتون بگم، ولی خیلی زیاد هر چی که معروف باشه و پرطرفدار، اینا تبلیغش می‌کنن.

- وقتی که تبلیغ چیزهای خیلی گران قیمت را می‌کنند، طرفدارشون که وضعیت مالی شون متوسط یا ضعیفه، ناراحت نمی‌شن؟  
نه (با تعجب) برای چی ناراحت بشن، خوب اگه کسی بتونه که می‌خره، کسی هم که نتونه خوب نمی‌خره دیگه.  
- من دیدم که کسانی بودند که ناراحت می‌شدند.

من در این مورد هیچ حسی ندارم، چون خودم این طوری نیستم، از هیچ کدوم از دوستانم هم تاحالا همچین چیزی نشنیدم، آخه ماها که کمبودی نداریم، خودمون هر چی داریم به اندازه خودمون داریم و راضی هستیم، خوب اون‌ها هم بیش‌تر دارن، خوب داشته باشن، به ما ربطی نداره و برای تبلیغ بهشون زنگ می‌زنن، کارشونه دیگه، باید برن کارشون رو انجام بدن، نمی‌شه که کار نکنن که بقیه ناراحت نشن، این چیزی که شما می‌گین، واقعاً نمی‌دونم شاید خیلی آرمی‌های کمی این طوری باشن، ولی من به این جور آرمی بر نخوردم».

مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش دست به توجیه پذیرش شعارها و عملکرد کمپانی و گروه زده و ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش به صراحت اعلان می‌کند، وی به همراه دوستش، رژیم گرفتن‌های مفرط اعضای گروه بی‌تی‌اس را توجیه می‌کردند:

«- به نظرت این ضعف ستاره‌ها که نمی‌تونن در مقابل کمپانی اعتراض بکنند با شعار بی‌تی‌اس که می‌گه قوی باش، منافات ندارد؟  
به نظرم نه، قوی هستند که تاحالا تونستن ادامه بدن. تمام مشکلات و سختی‌ها رو تحمل می‌کنن به خاطر هوادارها و عشق به طرفدارهاشون».

«- موردی هم بوده در مورد بی‌تی‌اس شنیده باشی و خودت عمداً کار اشتباه آن‌ها را توجیه کنی؟  
بله.

- خوب کار اشتباه بی‌تی‌اس چی بود که توجیه کردی؟

بهتره بگیم که توجیه می‌کردیم جفت‌مون و بازم توجیه می‌کنیم جفت‌مون. چون واقعاً هر دوتا شون خیلی لاغرن. اشتباه بی‌تی‌اس اینه که زیاد رژیم می‌گیرن. چون خودم وزن بالایی داشتم، می‌دونم نگه داشتن وزن به اندازه‌ای که الان هستن، خیلی کار سختیه و باید رژیم درست و حسابی بگیرن.

- وزن جیمین می‌دونی چه قدره؟

حدود ۶۰ کیلو.

- چرا مناسب نیست؟

خب لاغره، قدش از من بلندتره حدود ۱۷۵-۱۷۶ فکر می‌کنم.

- این‌ها را از کجا می‌دونی؟

قبلاً خوندم.

- با این که می‌دانی که هم جیمین و هم آرم لاغر هستند، اما تو و دوستت از آیدول‌های خودتان دفاع می‌کردید و می‌گفتید که لاغر نیستند؟

بله، خودم می‌دونم مسخره به نظر می‌رسه».

از «نادیده گرفتن تناقض‌ها» می‌توان به عنوان یکی از دیگر خطاهای شناختی هواداران گروه بی‌تی‌اس یاد کرد.

برخی از هواداران بی‌تی‌اس در بیانات و اظهارات‌شان می‌کوشند تا با نادیده گرفتن و توجیه تناقض‌های اعضای گروه، از این تناقض‌ها عبور کنند. به عنوان مثال، الناز ۱۲ ساله، مسأله بوسیدن لب‌های یکدیگر توسط ستاره‌ها در صحنه اجرا را که بارها رخ داده است، نفی کرده آن را فن‌آرت (پردازش‌های هنری هواداران) می‌نامد و با نفی رژیم غذایی سخت‌گیرانه ستاره‌ها، اصولاً لاغر بودن اعضای گروه را به ژن کره‌ای‌ها منتسب می‌سازد:

«- در مورد گرایش جنسی اعضای گروه هم اطلاعاتی داری؟

خب نه در مورد همه‌شون، ولی جیمین اعلام کرده اخیراً که بایسکشوال هست.

- این رو خودش رسماً اعلام کرد یا شایعه هست؟  
نه، رسماً گفته.

- بایسکشوال به چه معناست؟

یعنی هم به دخترا گرایش داره، هم به پسرا.

- در مورد گرایش جنسی بقیه‌شون چیزی می‌دونی؟  
نمی‌دونم، یعنی هیچ کس نمی‌دونه.

- خوب پس اون تصاویری که پخش شده تو اینترنت که اعضاء همدیگر رو می‌بوسند، چی هست؟  
اممم آهان منظورتون فن‌آرت هست، اون که ساخته ذهن آرمیا هست.

- اگر که واقعاً این‌ها درست باشه چی؟

خب آرمی‌ها چون دوست دارن این‌ها باهم باشن، فن‌آرت می‌سازن، یعنی دوست دارن که بهم گرایش داشته باشن... .

- اعضاء و خواننده‌های این گروه طوری هستن که خوب طرفدارها دوست دارن از نظر ظاهری شبیه‌شون باشن، اما فکر نمی‌کنی که شبیه شدن بهشون، باعث این می‌شه که بهشون ضرر وارد بشه، مثلاً یه طرفدار چاق و دارای اضافه وزن چه قدر باید خودش رو اذیت کنه و به خودش فشار بباره که شبیه اون‌ها بشه؟

خب ضرر داره، ولی خب کسی که تپل هست، اعضاء گفتن که نیازی نیست فن‌ها شبیه ما باشن و می‌گن همون طور که هستی خودت رو دوست داشته باش. و شعارشون لاو و یورسلف هست.

- خوب من منظورم این که توی ستاره‌ها و اعضاء بی‌تی‌اس چرا کسی به عنوان مثال اضافه وزن نداره که طرفدارش نسبت به خودش، احساس خوبی داشته باشه؟

خب اینو قبول دارم که نباید این طور باشه.

- مثلاً اون موقع که باربی مد بود خیلی از مخاطب‌هاش از باربی تقلید می‌کردن و دوست داشتن اون شکلی باشن یا کارتونای دیزنی که البته بعد تغییر رویه داد. خب به نظرت اونا هم نباید در مورد این موضوع تجدید نظر کنن تا حرف‌هاشون قابل باورتر بشه؟  
آره خب، به نظرم همه که یک شکل نیستن و اگه اون‌ها هم اینو نشون بدن بهتره. ولی خب این لاغر بودن توی ژن‌شون هست، چه توی کره‌ای‌ها چه چینی‌ها».

شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه‌اش جراحی زیبایی ستاره‌ها و جشن تولد میلیاردری آنان را توجیه کرده، رخساره ۱۶ ساله نیز از تبلیغ نشان(برند)های گران قیمت توسط اعضای گروه و کاربری آنان از برنامه سفیدکردن رنگ پوست (وایت واشینگ) دفاع می‌کند:

«- شیرین یکی از شعارها و پیام‌های ستاره‌ها اینه که خودت رو دوست داشته باش، به نظرت این شعار با این عمل‌های زیبایی و تحمل سختی‌های بعد از آن منافات نداره؟

کاملاً درسته، یکی از شعارهای اون‌ها اینه که خودت رو همون طوری که هستی دوست داشته باش و برای خودت ارزش قایل باش، ولی هواداران خودشون دوست دارن شبیه آیدول‌ها باشن و این تقصیر آیدول‌ها نیست. از بس شیفته جذابیت آیدول‌ها شدن که می‌خوان خودشون رو شبیه اون‌ها در بیان. مسلمنه بعد از هر عمل زیبایی کلی درد و استرس رو تحمل می‌کنند و این با شعار آیدول‌ها منافات داره... .

- این جشن تولدها چه تأثیر منفی روی هواداران می‌تونه داشته باشه؟

این جشن تولدهای میلیاردی آیدول‌ها حس حسادت جوان‌ها رو شعله ور می‌کند. این جشن‌ها تفاوت‌ها رو بیش‌تر نشان می‌ده و تناقض داره با شعار برابری انسان‌ها که توسط خود بی‌تی‌اس داده می‌شه. اگر انسان‌ها برابرنند، چرا جشن تولد آیدول‌ها میلیاردی هست و بعضی‌ها حتی نمی‌تونند جشن خانوادگی رو تدارک ببینند.

- این همه تناقض شعارها و پیام‌های ستاره‌ها با رفتار و عمل واقعی آن‌ها زنگ هشدار برای آگاه شدن هواداران نیست؟  
(خیلی مکث می‌کند و متفکرانه جواب می‌دهد) حقیقت من بارها هست پی به تفاوت شعارهاشون با عملکرد و رفتارهای آیدول‌ها برده‌ام و اگر همه رو از چشم کمپانی ببینیم، نابخردانه است. مثلاً این که شعار برابری انسان‌ها رو می‌زنند، ولی جشن تولدهای میلیاردی می‌گیرند. بعید می‌دانم که خود آیدول‌ها هم از این جشن تولدها خوش‌شون نیاد و ته دل‌شون راضی نباشن».

«- تبلیغات هم انجام می‌دهند؟»

بله، تبلیغات خیلی زیادی انجام می‌دن سفیر برندهای خیلی مشهور هستن و کلی پول در میان.  
- برند کدام کشورها؟

از هر جایی که باهاشون تماس بگیرند، پاریس، آمریکا و خود کره.

- تبلیغ چه چیزهایی را انجام می‌دهند؟

هر چیزی که خیلی پرطرفدار باشه.

- من دیدم مک‌دونالد را هم تبلیغ می‌کنند؟

آره هم خوراکی، هم وسایل خونه، یخچال، تلویزیون، خیلی چیزها رو تبلیغ می‌کنن یادم نیست که بخوام دونه، دونه، بهتون بگم، ولی خیلی زیاد هر چی که معروف باشه و پرطرفدار، اینا تبلیغش می‌کنن.

- وقتی که تبلیغ چیزهای خیلی گران قیمت را می‌کنند، طرفداراشون که وضعیت مالی‌شون متوسط یا ضعیفه، ناراحت نمی‌شن؟

نه (با تعجب) برای چی ناراحت بشن، خوب اگه کسی بتونه که می‌خره، کسی هم که نتونه خوب نمی‌خره دیگه.

- من دیدم کسانی بوده‌اند که ناراحت می‌شدند.

من در این مورد هیچ حسی ندارم، چون خودم این طوری نیستم، از هیچ کدوم از دوستانم هم تاحالا همچین چیزی نشنیدم، آخه ماها که کمبودی نداریم، خودمون هر چی داریم، به اندازه خودمون داریم و راضی هستیم، خوب اون‌ها هم بیش‌تر دارن، خوب داشته باشن، به ما ربطی نداره و برای تبلیغ بهشون زنگ می‌زنن، کارشونه دیگه، باید برن کارشون رو انجام بدن، نمی‌شه کار نکنن که بقیه ناراحت نشن، این چیزی که شما می‌گین، واقعاً نمی‌دونم شاید خیلی آرمی‌های کمی این طوری باشن، ولی من به این جور آرمی‌ای بر نخوردم... .

- چرا اعضای گروه با برنامه وایت‌واشینگ عکس و فیلم‌های خودشون را سفید می‌کنند و در عمل از نژاد خودشون فاصله می‌گیرند؟

این مسأله ربطی به نژادپرستی توشون نداره، نه اصلاً اونا نژادپرست نیستند، اونا سعی کردن توی همون کاخ سفید هم در مورد نژادپرستی حرف بززن، به خاطر همین صحبت‌هاشون ازشون تشکر می‌شه. این می‌تونه معیار زیبایی باشه تو کره، نه به خاطر نژادپرستی. این کاری که کمپانی می‌کنه، کاری نیست که خودشون بخوان، یعنی اصلاً این برنامه همه اینا زیر نظر کمپانی ساخته شده و به هر حال آیدول ان دیگه، باید یه جور دیده بشن که کمپانی تأیید می‌کنه و طرفداراش رو زیاد می‌کنه.

- اگر با رنگ پوست خودشون دیده بشن، طرفدارهاشون کم می‌شه؟

راستش رو بخوای این طوری فکر نمی‌کنم، برای من و دوستانم اینا هر رنگ و هر شکلی باشن، همون قدر ارزش دارن، ولی نمی‌دونم چرا کمپانی دلش خواسته که سفیدتر دیده بشن، فکر کنم به خاطر همون معیارهای خود کره هست، خود اونا این جور دوست دارن.

- به نظرت به هر حال این به این معنی نیست که خودشون یه جور دارن رفتار می‌کنند که با نژاد خودشون مسأله دارند؟

نه، به نظرم این طوری نیست که با نژادشون مسأله دارن، نژاد که فقط تو رنگ پوست معنی نمی‌شه، به نظرم اینا همه وجودشان معلومه که کره‌ایی ان، میکاپ و این یه ذره این برنامه‌ها که سفیدتر نشون می‌ده، همه اینا به خاطر کمپانیه، به خاطر این که تو اجراها بهتر دیده بشن، به نظرم دلیل دیگه‌ای نداره.

- و مثل این که به هر حال کمپانی سعی داره که سفیدتر از اون چیزی که هستن، نشون شون بده؟

نمی‌دونم شاید می‌تونه به این برگرده که خوب اینا دیگه همه جای دنیا طرفدار دارن و همه نگاه‌شون می‌کنن، خوب شاید اگه یه ذره سفیدتر دیده بشن، آدمای بیش‌تری ازشون خوش‌شون بیاد، شایدم کلاً تو کشورشون اعتماد به نفس خودشون پایینه، این طوری خواستن چه می‌دونم شاید اعتماد به نفس‌شون را یه جورى بالا ببرن، ولی بازم می‌گم، این مسأله به نظرم به نژادپرستی ربطی نداره، این همه کار برای نژادپرستی می‌کن، حالا یه ذره سفیدتر دیده بشن، کارشون رو نقض نمی‌کنه».

شبنم ۲۵ ساله هم در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، نباید خیلی به واکاوی مسایل موجود دست زد و افراد بهتر است، تنها سعی کنند از اجراهای گروه لذت ببرند:

«این کنترلی که خودت هم اذعان می‌کنی که کمپانی بر روی ستاره‌ها داره، به نظرت با اون شعاری که ستاره‌ها می‌دن که خودتون باشید و تحت تأثیر کسی قرار نگیرید و قواعد و اصول رو جدی نگیرید، تناقض نداره؟  
خب... الان که بهش از این زاویه‌ای که تو می‌گی نگاه می‌کنم یه جوریه.  
- چه جوریه؟

به قول تو متناقضه. این که خودت یه چیزی بگی ولی در عمل پیرو یه سری اصول سخت و شدید باشی، باهم نمی‌خونه!

- نسبت به پیامی که سعی می‌کنند انتقال بدهند تو رو به شک نمی‌اندازه؟ یعنی این که این پیام هم احتمالاً پیامیه که از بالا در دستور کارشون قرار داره و چیز خودخواسته‌ای براشون نیست.

چرا خب تو درست می‌گی. کلاً سیستم رو به هم ریختی (می‌خندد). مثل این فیلما که آخر فیلم همه اتفاقاً رو نشون می‌ده و می‌بینی از کجا شروع شده و چه برنامه‌ای پشتش بوده. البته این جمله‌ای که الان گفتم فقط نه‌ها، کلاً در طول این مصاحبه‌ها بیش‌تر عمیق شدم روی همه چیز.

- و تو رو به چه نتیجه‌ای رسونده؟

نمی‌دونم. یه مقدار شکم برده به همه چی. به این حجم از تبلیغاتی که پشت بی‌تی‌اس وجود داره و این که این تصویری که به من ارایه دادن تا چه حد واقعیه و چه قدرش ساختگی و فتوشاپیه... .

- بنابراین چه طور می‌شه شعارهای چنین افرادی که تن به این قوانین شدید می‌دن رو در زمینه این که «تو باید خودت رو دوست داشته باشی» و به قول شما «خودت باش و به قضاوت دیگران اهمیت نده» رو جدی گرفت؟

خب... نمی‌دونم. این جور که تو می‌گی شعارهاشون کشکی می‌شه (می‌خندد)، ولی حالا گیر نده دیگه. وقتی که من آهنگاشون رو گوش می‌دم دیگه به این چیزاشون فکر نمی‌کنم و بیش‌تر متن آهنگه هست که روم تأثیر می‌ذاره».

یکی دیگر از تعارض‌های شناختی قابل مشاهده در طرفداران گروه بی‌تی‌اس، «برخوردهای متعارض و متناقض» آن‌ها است. به این معنا که گاهی هواداران در عین پذیرش عاطفی یک مقوله، در تحلیل منطقی خویش آن را نفی کرده و یا با اتخاذ مواضع متناقض، به ارایه پاسخ خویش می‌پردازند که بالطبع این امور قابل پذیرش نیستند.

مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در حالی که منطقاً برخی از مواضع گروه بی‌تی‌اس را رد می‌کند، اما در قسمت دیگری از مصاحبه خودش بی‌تی‌اس را عشق خودش معرفی می‌کند و اظهار می‌دارد، به سبب عشقی که به بی‌تی‌اس دارد، به دنبال رفتن به کره برای دیدار ستاره‌ها هست:

«- این تضادهای فکری شما با بی‌تی‌اس تو رو در ادامه هواداری مردد نمی‌کنه؟»

بعضی وقت‌ها این طور فکر می‌کنم، ولی هیچ جایگزینی به خوبی بی‌تی‌اس نمی‌بینم و پیدا نکردم. پس به هواداریم ادامه می‌دم.

- یعنی اگر زمانی یه گروهی بهتر از بی‌تی‌اس پیدا بشه، شما قید بی‌تی‌اس رو می‌زنی؟

بله، همین طور خواهد بود. چون بعضی از کارهای بی‌تی‌اس، مثل آرایش پسران رو قبول ندارم... .

- مسعود اگر مشخص بشه گروه بی‌تی‌اس همجنس‌گرا هستند، تو باز به طرفداری خودت ادامه می‌دی؟

نه، به هیچ وجه، سریع از هواداری انصراف می‌دم و لکه ننگ رو از حافظه‌ام پاک می‌کنم.

- مسعود تو به ازدواج فکر می‌کنی؟

البته که فکر می‌کنم و شب و روز کار می‌کنم و پس‌انداز می‌کنم تا به وقتش دست و بالم خالی نباشه و ازدواج کنم و در این مورد هم از بی‌تی‌اس تقلید نمی‌کنم... .

- یعنی تو تا این حد به بی‌تی‌اس علاقه داری که دوست داری برای دیدن آن‌ها به کره مهاجرت کنی؟

آره، از بین بهترین علاقه‌مندی‌هام بی‌تی‌اس اولین هست. بی‌تی‌اس عشق من است.»

شبنم ۲۵ ساله نیز پس از آن که تعارض شعارهای بی‌تی‌اس که در آهنگ‌هایشان مطرح می‌شود را با عملکرد اعضای گروه مورد تأکید قرار

می‌دهد، از این مسأله فاصله گرفته، تأکید می‌کند که وی فارغ از تعارض شعارهای بی‌تی‌اس، تنها به متن آهنگ‌های گروه توجه دارد:

«- شبنم یه موضوع دیگه‌ای که شما درباره‌اش حرف زدی، اینه که اعضای بی‌تی‌اس خیلی مخالفت می‌کنن با قوانین شرکت طرف

قراردادشون و کارهای خودشون رو و اون چه که دل‌شون می‌خواد رو انجام می‌دن. اما من اطلاعاتی دارم که می‌گه اون قدر قراردادهای

این‌ها سنگین و سخته که حتی حق ندارن رنگ موی خودشون رو انتخاب کنن و یا این که شرکت تصمیم می‌گیره براشون که کجای

بدن شون رو باید عمل کنن و اونا حق اعتراض و امتناع ندارن. همین طورم در مورد اظهار نظر آزاد و حق ازدواج هم هیچ گونه تصمیمی

بدون اجازه شرکت نمی‌تونن بگیرن!

خب اینا که هست، البته من فکر نمی‌کنم به این شدت. چون یه موقع یه حرفایی می‌زنن که به نظر بر ضد کمپاینه. ولی خب یه جورایی

انتخاب بین محبوبیت و موفقیت و پوله و اینم چیزیه که بابتش می‌پردازن.

- بنابراین چه طور می‌شه شعارهای چنین افرادی که تن به این قوانین شدید می‌دن رو در زمینه این که «تو باید خودت رو دوست داشته

باشی» و به قول شما «خودت باش و به قضاوت دیگران اهمیت نده» رو جدی گرفت؟

خب... نمی‌دونم. این جور که تو می‌گی شعارهاشون کشکی می‌شه (می‌خندد)، ولی حالا گیر نده دیگه. وقتی که من آهنگاشون رو گوش

می‌دم دیگه به این چیزاشون فکر نمی‌کنم و بیش‌تر متن آهنگه هست که روم تأثیر می‌ذاره.»

«اتکاء به منطق بسیار ضعیف»، خطای شناختی دیگر هواداران گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌رود.

برخی از هواداران مصاحبه شده، در جریان ارایه استدلال‌های خویش، آشکارا نشان می‌دهند که از منطقی ساده‌نگر و ضعیف برخوردارند و

با همان منطق ساده‌نگر، در صدد رتق و فتق امور و پاسخ به دیگران برمی‌آیند.

برخورد مبتنی بر صفر و یک، یکی از جلوه‌های همین منطق ساده‌نگر و ضعیف هست. به این معنا که گاهی هواداران گروه بی‌تی‌اس با

اتکاء به منطق صفر و یک که تنها واجد دو گزینه نفی یا تأیید است، با مسایل فرارویشان برخورد می‌کنند، حال آن که در مسایل انسانی

نمی‌توان تنها با اتکاء به دو گزینه مثبت و منفی، به جمع‌بندی درستی از واقعیات دست یافت.



در مورد اخیر، هواداران مورد بحث، پس از دل بستگی به گروه بی‌تی‌اس، با مطلق دیدن گروه، به دلیل منطق ساده‌نگر خویش و تبعیت از صفر و یک دیدن مسایل، به صرف آن که گروه بی‌تی‌اس در چند زمینه واجد ویژگی‌های مثبت است، با یک تعمیم نادرست، تمامی آن گروه را مثبت ارزیابی می‌کنند.

ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، منطق مبتنی بر صفر و یک خویش را به شرح زیر به معرض نمایش می‌گذارد.

«- خوب به نظرت آرایش چیز خوبیه یا نه؟»

اگه بد بود، بی‌تی‌اس این کار رو نمی‌کردن.

- مگه بی‌تی‌اس هر کار انجام می‌دن درسته؟

بی‌تی‌اس حامی آدم‌ها هس، مگه می‌شه یه همچین گروهی برای آدم‌ها چیز بد بخواد؟»

جلوه دیگری از منطق ضعیف اقشاری از هواداران بی‌تی‌اس، نادیده گرفتن مشکلات فرارو است. ریحانه ۱۷ ساله، در مصاحبه خودش با

اشاره به نادیده گرفتن مشکلات به جای حل آن‌ها، منطق ساده‌نگر خویش را به معرض دید می‌گذارد:

«- عزیزم در ارتباط با مشکلی که گفتی داشتی، در واقع بی‌تی‌اس بهت کمک کرد که برای حل کردن مشکل تلاش کنی یا اون مشکل

رو نادیده بگیری؟»

یه جورایی هر دو تاش.

- دقیقاً به چه شکل؟

یه جورایی باعث شد بیش‌تر به خودم اهمیت بدم که دیگه هر غمی رو به دلم راه ندم و هر چیزی ارزش این کارا رو نداره.

- یعنی مشکل رو نادیده بگیری و بیش‌تر به خودت بپردازی؟

آره.

- بیش‌تر روی چه جنبه‌هایی از خودت تمرکز کردی؟

سعی کردم خودم رو بهتر کنم با این که خب زیاد مشکلات رو مهم نمی‌گرفتم، الان دیگه بیش‌تر شده و بیش‌تر حتی ریلکس‌تر شدم.»

الناز ۱۲ ساله هم در مصاحبه خودش با بیان مواردی مانند این که تنها برای رفتن به کره برای دیدن گروه بی‌تی‌اس، شروع به یادگیری

زبان کره‌ای کرده است یا بدون کاربری از غذاهای کره‌ای یا پوشاک سنتی آنان، خود را شیفته این موارد اعلان می‌کند، ضعف استدلال و

منطق خود را به عیان به نمایش می‌گذارد:

«- از تمام کشور کره جنوبی، فقط گروه بی‌تی‌اس تو رو جذب کرده؟»

آره، البته فرهنگ‌شون و غذا و لباس‌هاشون رو هم دوست دارم.

- خوب چرا غذاشون رو دوست داری؟

غذاشون به نظر جالب و خوشمزه میان.

- تاحالا غذای کره‌ای امتحان کردی؟

خیر.

- خوب پس چه جوری می‌گی دوست داری غذاشون رو؟

از شکل و ظاهرشون خوشم میاد و البته مدل‌هایی که غذا می‌خورن توی فیلماشون و ویدیوهای موبانگ.

- خوب تو گفتی که لباس‌هاشون رو دوست داری منظورت از این حرفت چی بود؟

خب مدل لباس‌هاشون قشنگه که اسم مدل لباس‌هاشون هامبوگ هست.

- تاحالا این مدل لباس‌هایی که می‌گی رو پوشیدی؟

نه، تاحالا امتحان نکردم.

- چرا امتحان نکردی؟

چون توی ایران نیست و اگر هم باشه خیلی گرون هست.

- خوب چه طوری وقتی امتحان شون نکردی دوست داری لباس شون رو؟

من توی تن کره‌ای‌ها دیدم و به نظرم قشنگ اومد... .

- تو دوست داری که کنسرت بی‌تی‌اس بری؟

آره و به خاطر همین دارم کره‌ای می‌خونم.

- یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو یاد می‌گیری؟  
آره.

- می‌شه در مورد این که به خاطر گروه بی‌تی‌اس در حال خوندن زبان کره‌ای هستی، بیش‌تر توضیح بدی؟

خب آدم دوست داره کره‌ای یاد بگیره و بره کره و وقتی بره کشورشون، می‌تونه بیش‌تر باهاشون ارتباط برقرار کنه.

- خوب وقتی گروه بی‌تی‌اس نباشه، چه اتفاقی می‌افته؟

اگه اونا نباشن من دیگه انگیزه‌ای واسه خوندن کره‌ای ندارم و برای خوندن کره‌ای بیش‌ترین انگیزه‌ام اینه که برم کره و اونا رو ببینم.

- حالا مطمئن‌ی که بری کره اونا رو می‌بینی؟

آره دیگه، تلاشم رو می‌کنم که اگر فن‌ساین گذاشتن برم و شرکت کنم.

- فن‌ساین دقیقاً چی هست؟

فن‌ساین، اینه که می‌تونن بری گروه مورد علاقه خودت رو ببینی و یه چند دقیقه وقت داری که از نزدیک ببینی شون و باهاشون صحبت کنی.

- و فکر نمی‌کنی این که اونا نباشن، تو علاقه و رغبتی به ادامه دادن زبان کره‌ای نداری؟

خب نتونن بخونن بازم طرفدارهاشون هستن، مثلاً ممکنه توی اینستا هنوز طرفدارهاشون باشن.

- خوب تو داری هزینه مالی و زمانی می‌کنی و وقتی این اتفاق بیفته، می‌ای می‌گی که دیگه یاد نمی‌گیرم، به این ترتیب تلاش‌ها، وقت و

پولت بیهوده تلف نمی‌شه؟

چرا، ولی من دیگه ریسکش رو پذیرفتم».

- توسل به استنادهای ضعیف و متعارض

هم‌زمان با منطق ضعیفی که برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس از آن بهره می‌برند، بعضی از هواداران دیگر با استناد به مباحث متعارض، در

صدد استدلال در مسایل مختلف برمی‌آیند که بالطبع این استدلال ضعیف و ناکارآمد برای آنان راهگشا واقع نخواهد شد.

به عنوان نمونه، مرضیه ۱۹ ساله با استناد به موارد ساده‌ای مانند تبریک حلول ماه رمضان و یا متوقف کردن کنسرت در هنگام پخش اذان

توسط اعضای گروه بی‌تی‌اس، اظهار می‌دارد وی به دلایل اخیر به دینداری خویش افتخار می‌کند! حال آن که اعضای گروه بی‌تی‌اس

هم‌زمان با انجام رفتارهای اخیر، در موارد متعددی رفتارهای خلاف اعتقادات دینی مرضیه را از خود به نمایش می‌گذارند که در کل نمی‌توان

این مجموعه از رفتارها را مؤید اعتقادات دینی مرضیه دانست:

»- راستی ستاره یا آیدول از نظر تو چه معنی‌ای داره؟!«

امممم... (فکر می‌کند) آیدول برای من، یه معنی کامل از یه هنرمنده که اون قدر هنرش رو دوست داره که براش تلاش کرده تا به این جایگاه رسیده، یه هنرمند واقعی که می‌تونم ازش درس بگیرم و بشه الگوم و سعی کنم تو زندگیم، مثل اون تأثیرگذار باشم و کلی ازش یاد بگیرم و این که ما اونا رو نمی‌پرستیم و فقط ازشون یاد می‌گیریم. آیدول شاید در انگلیسی به معنای بت باشه، چیزی که کمپانی‌ها انتخاب کردن، نه ما، اونا انتظار دارن این اتفاق بیفته، من با افتخار می‌گم که مسلمونم و به عقاید پایبندم، ولی طرفدار این گروهم و این که حتی افتخار کردن به دینم هم تحت تأثیر بی‌تی‌اسه.

- چه طور باعث شدن به دینت افتخار کنی؟

این که اون قدر هوای آرمی‌های مسلمون‌شون رو داشتن و ماه رمضان رو تبریک می‌گن و حواس‌شون هست به آرمی‌های مسلمون دست نزنن و نظرشون رو گفتن در مورد حجاب که خیلی من رو به حجاب بیش‌تر علاقه‌مند کرد یا وقتی اذان پخش شد، کنسرت‌شون رو متوقف کردن».

مورد دیگری که از خطاهای شناختی هواداران گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌رود، «ذهن‌خوانی» است.

افرادی که بهره‌ای از استحکام استدلال و منطق ندارند، ممکن است در تبیین بیاناتشان، دست به ذهن‌خوانی و نیت‌خوانی درباره مسایل مطرح شده زده و با تفسیر مطلوب طبع خویش از ماجرای به وقوع پیوسته، اظهارنظر کنند، حال آن که ذهن‌خوانی امر پذیرفته‌ای نیست و این که هر کس با ظن خود یار کسی شود، راهگشا و راهنمای آدمی واقع نمی‌شود و چه بسا فرد دیگری در جریان نیت‌خوانی یک فرد واحد، اظهاراتی عکس اظهارات فرد نخست را ارایه کند.

الناز ۱۲ ساله و رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش در پاسخ به مواضع سیاسی اعضای گروه بی‌تی‌اس در مورد اعتراض‌های مردمی مردم ایران در سال ۱۴۰۱، هر دو با تذکر این که روی کلاهی که یکی از اعضای گروه بی‌تی‌اس گذاشته بود، کلمه آزادی درج شده بود، با نیت‌خوانی و ذهن‌خوانی خویش، این مسأله را مترادف میل نامجون به حمایت از اعتراض‌های مردمی مردم ایران قلمداد کرده اند، حال آن که اصولاً در موسیقی پاپ که بی بهره از سنت اعتراضی نیست، استفاده از کلماتی مانند آزادی، بسیار مرسوم است:

«پسرا کلاً نمی‌تونن چیزهای سیاسی نشر بدنند، چه برای کشور خودشون چه برای کشورهای دیگه.

- خوب این‌ها با شعارهایی که اون‌ها می‌گن منافات یا تناقضی ندارد؟

خب اون‌ها با کارهایی که روزانه انجام می‌دن به آرمی‌هایی که کشورشون به یه مشکلی برخورد، می‌فهمونن که ما همراه شما هستیم.

خب می‌شه یه نمونه از این حمایت‌هایی که کردن رو بگی؟

مثلاً آر ام موقعی که فلسطین توی شرایط جنگی بود، یک تابلو خرید که در مورد این بود که مردم فلسطین قوی باشین و این که ما پشتتونیم رو توی برنامه وی‌ورس به اشتراک گذاشت.

خب مابقی اعضاء چی، اون‌ها چه کار کردن؟

خب نامجون توی یکی از عکسایی که پست کرده بود، یک کلا سرش بود که روش به انگلیسی نوشته بود: آزادی آزادی.

خب این کار رو به چه منظوری انجام داده بود؟

غیر مستقیم به ایران نوتیص داده بود.

برای چی این کار رو کرده بود؟

برای این که نشون بده پشت مردمه ایران هستش.

خب تو از کجا فهمیدی منظورش مردم ایران هستن؟

خب آرمی‌ها حدس‌شون این بود که نامجون به ما آرمی‌های ایرانی غیر مستقیم می‌گه که ما پشتتون هستیم.

پس یعنی به خاطر محدودیت‌هاشون غیر مستقیم حمایت می‌کنن؟

بله، همین طوره».

«- بین یه جور گفتمی مثل این که خوشحالی از این که آرمی هستی، حس کردم به یک چیزهای شون افتخار می‌کنی؟ به چه چیزهای گروه بی‌تی‌اس افتخار می‌کنی؟

درست فهمیدین، به گروه بی‌تی‌اس واقعاً افتخار می‌کنم: به شهرت‌شون، به کارهایی که انجام می‌دن، به کمک‌های مادی که به بقیه می‌کنن، کلاً این چیزها باعث می‌شه خیلی بیش‌تر تحت تأثیر قرار بگیرم. حتی داخل آهنگ‌هاشون هم یه چیزهای هست برای این که به آرمی‌ها نشون بدن. یا برای آزادی ایران اون‌ها معمولاً کمپانی‌شون اجازه نمی‌ده وارد مسایل سیاسی شن، حتی نمی‌ذاره وارد مسایل سیاسی کشور خودشون بشن. ولی بعضی‌اشون برای آزادی ایران یه جوری غیرمستقیم نشونی فرستادن.

می‌گی چیا فرستادن؟

مثلاً نامجون یه عکس استوری کرد که نوشته بود آزادی نزدیکه».

- ارجاع مباحث به فرد ثالث

گاهی افرادی که از ضعف استدلال رنج می‌برند، به جای ارایه استدلال مناسب در تبیین مسایل و مواضعی که مطرح می‌کنند، ممکن است احساس ضعف کرده و برای گریز از استدلال، با ارجاع مسایل به شخص یا نهاد ثالث، از استدلال و پاسخ‌گویی لازم بگریزند.

آنچه از آن یاد شد، در بسیاری از هواداران گروه بی‌تی‌اس ملاحظه می‌شود، به این معنا که این افراد هنگامی که رفتارهای متعارض با شعارهای گروه بی‌تی‌اس را شاهد هستند، برای ختم مسأله، با ارجاع رفتارهای خلاف شعارهای اعضای بی‌تی‌اس به کمپانی، اصولاً کمپانی را مسوول رفتارهای متضاد اعضای گروه با شعارهایشان معرفی می‌کنند و به این ترتیب وظیفه تبیین تعارض پدید آمده را به دست فراموشی می‌سپزند، حال آن که در هیچ شرایطی نمی‌توان مسوولیت انسانی انسان‌ها را به بهانه‌های مختلف نفی کرد و کنار نهاد. اظهارنظر رخساره ۱۶ ساله و گلاره ۱۴ ساله در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که دارند، حاوی مصادیقی در همین جهت است:

«- خوب بعد وقتی آرایش‌شون رو می‌بینی برات چه معنی می‌ده؟

برام معنی خاصی نمی‌ده، خیلی‌ها همین جوری هستن، به نظر من هیچ فرقی نمی‌کنه، البته چرا چون من آرمی‌ام هیچ فرقی نمی‌بینم و برام عادی شده، ممکنه برای بعضی‌ها که برای اولین بار ببینن، مثلاً بگن آره، مگه این پسر نیست، چرا آرایش کرده و اینا. بالاخره این‌ها آیدول هستن و باید آرایش کنن. باید یه کم تغییر بدن پوست‌شون رو.

- چرا ستاره‌ها حتماً باید آرایش بکنن؟

برای این که جذاب‌تر به نظر بیان و به استایل لباس پوشیدن‌شون بیش‌تر بیان. البته خودشون واقعاً جذاب ان، ولی به خاطر کمپانیه.

- رنگ صورت‌شون را سعی می‌کنند، سفید نشون بدن؟

نه. همه‌شون رو میکاپ آرتیست‌شون انجام می‌ده که همه‌شون هم قبول می‌کنن، می‌پذیرن اینا رو».

«- آیا ممکنه روزی یه اتفاقی از جانب بی‌تی‌اس بیفته که دیگه ازشون خوشت نیاد و نخوای حمایت‌شون کنی؟

از اون جایی که خیلی دوست‌شون دارم بعید می‌دونم و فکر نمی‌کنم چنین آدم‌هایی باشن که خلاف میل من کاری انجام بدن، یعنی کاری بکنن که من بدم بیاد به خاطر همین هیچ‌وقت ازشون بدم نمیاد و ممکنه فراموش کنم.

- بی‌تی‌اس رو فراموش می‌کنی یا اون کار بدی رو که شما ازش بدت میاد؟

این رو گفتم، چون که این قدر دوست‌شون دارم، ۱۰۰ درصد آدم‌هایی هستن که مورد تأیید و شرایط من هستن و بعد به نظرم یک روز این قدری تغییر نمی‌کنن که بیان تمام اون شرایط رو بهم بریزن، چون نه تنها من بلکه خیلی‌های دیگه‌ای هم هستن که ممکنه از اون

کار بدشون بیاد. برای همین به نظرم هیچ وقت چنین کاری نمی کنن و من هیچ وقت ازشون بدم نمیداد و فقط ممکنه ازشون طرفداری نکنم و فراموششون بکنم، ولی بدم نمیداد.

- می شه مثال بزنی اگر بی تی اس چه کاری انجام بدن ممکنه دیگه ازشون طرفداری نکنی و فراموششون بکنی؟

تا به حال بهش فکر نکردم ولی مثلاً شاید اگه به عقاید احترام نگذارن یا مثلاً به دین و مذهب بی احترامی کنن یا بخوان من رو به راه بدی هدایت کنن.

- با توجه به صحبت های خودت بی تی اس توی آهنگ هاشون به مضامینی مثل دوست داشتن خود اشاره می کنن، ولی آزادی انتخاب نداشتن حتی برای ساده ترین مسایل مثل رنگ مو ... هم به نوعی برخلاف دوست داشتن خود به حساب میاد، آیا با توجه به این به نظرت حرف ها و رفتارهای بی تی اس باهم تناقضی ندارن؟

بین اون ها این سختی ها رو می کشن و هزارتا فایده براشون داره، مثلاً بدنشون قوی می شه، پول در میانن و همین طور این تلاش ها رو می کنن تا ما خودمون رو دوست داشته باشیم و البته باید بگم نصفش به خاطر سخت گیری کمپانیه، ولی اگر انقدر تلاش نکنن که بهترین گروه کی پاپ نمی بودن.

- من یک ویدیویی می دیدم که یکی از اعضای بی تی اس بعد از اجرا باحال خیلی بدی از روی استیج پایین می اومد و براش ماسک اکسیژن و کارهای امدادی می کردن، آیا به نظرت این تلاش که باعث می شه ستاره ها به این شدت خسته بشن که حتی حالشون بد بشه، کار درستیست و نشون دهنده دوست داشتن خود هست؟

نمی دونم. فقط این رو می دونم که اتفاقاً آرمی ها و همه فن ها خیلی به کمپانی ها به خاطر این کارهایی که با ستاره ها می کنن، هیت می دن». از دیگر خطاهای شناختی هواداران گروه بی تی اس می توان از «پیش گرفتن برخوردهای افراطی» در این هواداران یاد کرد. بعضی از هواداران مصاحبه شده در جریان مصاحبه های شان، در پاسخ به سوال های مطرح شده، نوعی از افراط را در پاسخ های خویش به نمایش می کشیدند که به دلیل افراط نهفته در قضاوت آنان، چندان هم پذیرفته نیستند، به عنوان نمونه، نگین ۱۳ ساله، با اشاره به مسأله طرح انحلال گروه بی تی اس در سطح جامعه، از سقوط سهام سامسونگ یاد می کند که گروه پسران مبلغ برند آن بوده اند:

«- نقش کمپانی این وسط چی هست؟

تبلیغات را واسه این ها میاره، مثلاً بی تی اس تبلیغ سامسونگ را کرده و یک تایمی شایعه شد که قرار بی تی اس دیس بند بشه و سامسونگ خیلی افت کرد به ثانیه نکشید (!) که یک ضرر خیلی گنده کرد».

شیدای ۲۰ ساله هم در مصاحبه اش به صرف آن که دو هنر آموزش در اندیشه تغییر جنسیت هستند، محتوای یک گزارش تحقیقی در مورد افرادی که تغییر جنسیت داده اند را نفی می کنند:

«- به نظرت این هنجارشکنی ها و تصمیم گیری ها تاوان سنگین نداره؟ مثلاً توی همین قضیه تغییر جنسیت من مستندی رو می دیدم که بسیاری از کسانی که تغییر جنسیت داده بودن، بعدش دچار پشیمانی و افسردگی شده بودن و به خاطر برگشت ناپذیر بودن تصمیمشون خیلیاشون دست به خودکشی هم زده بودن!

این مستندی که می گی رو ایران ساخته بودن؟

- نه. درباره ترانجسیتی های ایران بود، ولی یه مستند حکومتی نبود. اتفاقاً توی بی بی سی هم پخش شده بود.

خب این اطلاعاتی که می گی توش بود کاملاً اشتباهه. من دوتا از دوستانم و دوتا از هنرجو هام هستن که دارن این پروسه تغییر جنسیت رو طی می کنن و خیلی هم از تصمیم خودشون راضی ان».

«خودفریبی» خطای شناختی دیگری است که در استدلال های برخی از هواداران گروه بی تی اس ملاحظه می گردد.

با مشاهده استدلال برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس در پاسخ به سوال‌های مطرح شده در مورد گروه، ملاحظه می‌شود که بعضی از هواداران به جای ارایه استدلال‌های مدقن، با نوعی از خودفریبی، به تبیین و جمع‌بندی مواضع مورد نظر خویش می‌پردازند که البته این نحوه از برخوردها کار درستی نیست.

نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد، وی در اوایل طرفداری خویش از گروه، از آن بت ساخته و آن را بدون هیچ ایراد و نقصی می‌دید، اما در گذر زمان و با تغییر دیدگاه‌های وی، تا حدودی مواضع وی در مورد گروه تغییر کرده است.

نگین ۱۳ ساله نیز در مصاحبه‌ای که در مورد گروه بی‌تی‌اس دارد، ضمن آن که مشکلات موجود فراروی گروه را به کمپانی ارجاع می‌دهد، بیان می‌کند، او و دوستانش تصمیم گرفته اند که تنها از موارد شادی که در مورد گروه وجود دارد، با یکدیگر حرف زده و از حرف زدن در مورد ظلم‌های کمپانی در حق اعضاء، سرباز بزنند. نگین در قسمت دیگری از حرف‌هایش، خاطرنشان می‌سازد، اگر چه وی و دوستانش در داستان‌های تک‌صحنه و مجمل (وان‌شات) و داستان سرایی‌های مفصل‌تر (فن‌فیکشن) که در مورد ستاره‌ها تهیه می‌کنند، به طرح مباحث نامناسبی هم دست می‌زنند، اما این موارد را صرفاً برای سرگرمی، تفریح و خوش‌گذرانی خودشان می‌نویسند و نقد (افرادی که از آن‌ها با عنوان روشنفکر یاد می‌کند)، در مورد اهانت‌هایی که با وان‌شات‌ها و فن‌فیکشن‌ها به ستاره‌ها می‌شود، وارد نیست:

«چی باعث شده بود به اعضای گروه بی‌تی‌اس این طوری نگاه کنی؟»

نمی‌دونم، شاید چون تو ذهنم از شون خدا ساخته بودم.

- چه قدر اون زمان با جو و محیط خود کی پاپ و مسایل پشت پرده اون آشنایی داشتی؟

چیزی نمی‌دونستم اون زمان. اگر هم کسی چیزی می‌گفت، باور نمی‌کردم. برام یه کم سخت بود پذیرفتن این چیزها که این قدر تحت فشار ان. یه کم هم به خاطر این بود که چون زندگی خودم اوضاع خوبی نداشت، و یه جورایی به اونا پناه می‌بردم، تا از غم و غصه‌های زندگییم راحت بشم، دیگه خب نمی‌خواستم قبول کنم که این اعضای بی‌تی‌اس هم شاید اون جور نیستن که نشون می‌دن. خودم رو گول می‌زدم. چون می‌دونستم اگر با واقعیت این که چه قدر ممکنه فضای کی‌پاپ برای اونا سخت و آزار دهنده هست، روبرو می‌شدم، احتمالاً حالم بدتر می‌شد. برای همین خیلی نمی‌رفتم دنبال این چیزها که داره چه اتفاقی می‌افته و تا می‌تونستم از این خبرا دوری می‌کردم.

- یعنی هیچ وقت نپذیرفتی؟

چرا یه کم بزرگ‌تر شدم قبول کردم. نه همه‌ی چیزهاش رو. ولی یه بخش بزرگیش رو.

- وقتی پذیرفتی واکنشت چه طور بود؟

سخت بود برام یه کم از اون دنیایی که برای خودم ساخته بودم، بیام بیرون و فکر کنم توی انتخابم، برای فاصله گرفتن از بی‌تی‌اس هم تأثیر گذاشت. یعنی چون متوجه شدم که چه خبره و خیلی از کارا و حرفاشون نمایشیه، برای تبلیغه و جذب هواداره یا تحت اجبار یه سری حرفا و کارا رو می‌کنن، ناراحت کننده بود برام. اون چیزی که ساخته بودم، ریخت.»

«بیش‌تر دوست‌هام که آرمی هستن یا کلاً جزو فن‌ها هستن، کلاً این جور ان که نمی‌تونن زجر کشیدن آیدول‌شون را تحمل بکنن و براشون به شدت گریه می‌کنن، به قول مامانم یک حالت دیوانگی این شکلی هست.

- اگر خودت به این فکر کنی که چه طور می‌شه به آیدول کمک کرد که زجر نکشه، چه چیزی به ذهن‌ات خطور می‌کند؟

نمی‌تونم کاری بکنم.

- چرا؟

یکی این که کمپانی اهمیتی به این که حال آیدول‌هاشون چه طوره نمی‌دن، مهم اون پول است.

- اگر همه آرمی‌ها حمایت نکنند، باعث نمی‌شود که کمپانی تجدید نظر بکند؟

اگر آرمی‌ها حمایت نکنن، به ضرر آیدول می‌شه، چون آیدول را بیرون می‌کنن، گروه کلاً منحل می‌شه و دیگه نمی‌شه پیداشون کرد.

- یعنی ممکن نیست خودشون بتوانند یک جوری کارشون را ادامه بدهند؟

نه خیلی احتمالش کمه، به هر حال باید یک، دوتا چیز براشون بمونه، از مدیر برنامه‌ها و این چیزها، ولی خوب وقتی دیگه آرمی‌ها حمایت نکنن، همه طردشون می‌کنند.

- مثل این که هم ستاره‌ها و هم آرمی‌ها گروگان کمپانی هستند؟  
بله.

- یعنی از هر دو گروه سوءاستفاده می‌شود. آرمی‌ها باید زجر آیدول را ببینند و حمایت کنند و مخالفت نکنند و آیدول هم مخالفت نکنه، چون چیزی بگه می‌اندازنش بیرون؟  
بله.

- فضای پر از تهدید؟

بله. ما همه‌مون در حالت عادی داریم به این موضوع‌ها فکر می‌کنیم و وقتی تو جمع دوستانمون هستیم، ترجیح می‌دیم راجع به این چیزها حرف نزنیم، راجع به خوشحالی‌هامون حرف نزنیم که خودمون هم خوشحال باشیم... .

- گروه روشنفکر که گفتی، به چه صورت فکر می‌کنند؟

بله روشنفکری مثل تیکه انداختن است. خیلی خیلی زیادی به فکر طرف هستن، من نمی‌گم کار بدی می‌کنن، من می‌گم دیگه از یک حدی گیر دادن باید تمام بشه.

- منظور شما از گیر دادن چی هست؟

مثلاً طرف یک وان شاتی نوشته خیلی اوکیه، یعنی مثلاً راجع به یک چیز خیلی خنده‌داریه، ولی یک هو یک روشنفکری میاد تو کامنت‌ها می‌گه، شما با این کارهاتون دارین آیدول را آزار می‌دین.

- اون‌ها ایرادشون به این مطالب چی هست؟

فکر می‌کنن همه وان‌شات‌ها و فن‌فیکشن‌ها آسیب می‌زنن.

- یعنی مشکل‌شون این هست که چرا خیالات و تصورات خودتون را با اون ۷ نفر می‌نویسید؟  
بله.

- چه چیز اون‌ها به نظرشون آسیب می‌زنه؟

این که رابطه‌های بین اون‌ها را می‌گن، این که این با اون یک جور دیگه هس، باهم حس‌های متفاوتی دارن، صمیمی‌ترن، یک حس‌هایی بیش‌تر از صمیمیت دارن، می‌گن این جور چیزها خوب نیست که ما اصلاً این طور فکر می‌کنیم، اصلاً باهم یه جوری باشن یا نباشن، به ما چه این جور چیزها یه تفریح و خوش‌گذرونیه».

از «خودسانسوری» می‌توان به عنوان خطای شناختی دیگر برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس سخن گفت.

با بررسی مصاحبه‌های انجام شده با جمعیت تحقیق مشخص می‌شود که برخی از مصاحبه‌شوندگان به دلیل ناخوشایند دیدن بعضی از اطلاعات، دست به سانسور اطلاعات برای خود زده یا در فراز دیگر، برای مواجه نشدن با نقد احتمالی ناقدان، علایق خویش را سانسور می‌کنند تا با نقد ناقدان مواجه نشوند.

ثناي ۱۶ ساله در مصاحبه‌اش، در موارد متعددی از سانسور اطلاعات برای خودش یاد کرده است:

«- در مورد ماجرای فلسطین و اسرائیل، فکر می‌کنی حق با کدوم طرف هست؟

فلسطین همیشه مظلومه، قبلاً فکر می‌کردم چون اون قدر تو مغزمون خوندن که اسرائیل دشمنه، ما هم این طوری فکر می‌کنیم، اما تو این جام جهانی فهمیدم فقط ما نیستیم که از اسرائیل بیزاریم.

- چه طور، مگر چه چیزی دیدی؟

تصورم قبلاً این بود که خیلی‌ها با اسرائیلی‌ها ارتباط خوبی دارن، ولی دیشب دیدم که پشت خبرنگار اسرائیلی داد می‌زدن «فلسطین را آزاد کنید» یا حمایت بازیکن‌های مراکش و خلیلیای دیگه.

- در مورد حمایت بی‌تی‌اس از اسرائیل شنیدی؟

بله می‌دونم.

- با حمایت بی‌تی‌اس از اسرائیل، تغییری در میزان علاقه شما رخ نداده؟

نه، چون دلم نمی‌خواد با این چیزا خودم رو درگیر کنم و اصلاً علاقه‌ام کم بشه... .

- کنجکاو نیستی بدونی زندگی خصوصی ستاره مورد علاقه‌ات چه طور هست؟

نمی‌خوام بدونم، به خاطر این که می‌ترسم اون نباشه که همیشه تصور کردم. نمی‌خوام علاقه‌ام کم بشه. مثلاً اگه بدونم و بفهمم جیمین که خیلی دوستش دارم، با کسی رابطه داشته خیلی حالم بد می‌شه.

- منظورت چه نوع رابطه‌ای هست؟

رابطه جنسی.

- به نظرت تا الان جیمین رابطه نداشته؟

می‌خوام فکر کنم نداشته، این شدنیه تا زمانی که یه موقع ببینم واقعاً داشته که دیگه اون موقع علاقه‌ام خیلی کم می‌شه... .

- ببین بگذار کمی واضح‌تر سوالم را طرح کنم. قراردادی که دارن ازدواج، قرار ملاقات با جنس مخالف، خوردن غذای دلخواه، اعلام گرایش جنسی و خیلی موارد دیگه رو ممنوع کرده که دیگه از هر چیزی هم بگذریم، از غذای دلخواه نمی‌شه گذشت. چه طور یک انسان می‌تواند خودش را دوست داشته باشد، ولی حتی غذایی که می‌خورد هم انتخاب کمپانی باشد نه خودش. نظرت در این مورد چی هست؟

الآن متوجه شدم. وقتی خودم آزاد نیستم، چرا باید شعار آزادی بدم. من قبلاً گفته بودم که به نظرشون احترام می‌ذارم. الان هم می‌گم بهشون احترام می‌ذارم و حرفم عوض نشده، ولی چیزی که هست اینه که نباید این شعار رو مطرح کنن، ولی واسه اینم دوباره نظر دارم. به نظرم چون نوجوان‌هایی عین من که دوست دارن آزاد باشن، موفق باشن، هر کاری دلشون می‌خواد بکنن و گیر ندن بهشون، از این شعارها خوششون میاد اونا هم این رو خوب می‌دونن و از این شعارها برای بالابردن تعداد فن‌ها استفاده می‌کنن. نه فقط بی‌تی‌اس تقریباً تو هر کاری شعار قشنگ زیاد می‌دن، چون شعارهای جذاب تو خالی خیلی می‌تونه هوادار جمع کنه.

- در فن‌دومی که تشکیل دادین برای جذب هوادار از شعارهای تو خالی هم استفاده کردین؟

همین شعار خودت رو دوست داشته باش، دختران ضدگلوله و در بند خودت باش.

- چه قدر به این شعارها عمل می‌کنید؟

خیلی کم.

- یعنی خود شما که هوادار بی‌تی‌اس هستید، به شعارهای بی‌تی‌اس عمل نمی‌کنید؟

نه، وقتی خودشون عمل نمی‌کنن، ما هم دلسرد می‌شیم. اگه می‌گم بهشون احترام می‌ذارم یا نمی‌خوام در موردش صحبت کنم، همون دلایلی هست که قبلاً گفتم، نمی‌خوام به این نقاط ضعف فکر کنم.

شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در عین حال که از خود سانسوری به شکل معمول در خود یاد کرده است که با ندیدن برخی از اطلاعات ناخوشایند، حاضر به درگیر کردن ذهنش نیست، از سانسور علایق و عواطف خودش در مورد گروه بی‌تی‌اس نیز در برابر دیگران



یاد کرده است. شبنم در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد، از آنجا که برخی از شهروندان با اندیشه‌های بنیادین بی‌تی‌اس در زمینه جنسیت‌زدایی در زمینه آرایش، پوشش و عشق مخالف هستند، وی در برابر این دسته از افراد، علایق خود به گروه بی‌تی‌اس را سانسور می‌کند تا مورد هجمه آنان قرار نگیرد:

«- شبنم شما درباره علاقات به رفتن به کره گفتی. ولی آیا به این که این تصمیم چه تبعاتی برات داره و چه هزینه‌هایی باید بابتش بدی هم فکر کردی؟ مثلاً غربت، امکان عدم مورد پذیرش قرار گرفتن به عنوان یک غریبه در فرهنگ کره و این که باید همه وابستگی‌ها و خانواده‌ها رو برای رفتن پشت سر بگذاری؟»

آره، خودمم می‌دونم که خیلی سخته و به همین خاطر قبلاً بهت گفتم، باید اول مستقل باشم و وابسته به هیچ کسی برای رفتن نباشم که بتونم موفق بشم. درباره فرهنگ کره، ولی خیلی خوشبین هستم، چون آدم‌های پذیرایی هستن.

- ولی آمار مهاجرین به کره برخلاف خیلی کشورهای دیگه به نظر چندان چشمگیر نیست. این خودش شاید نشون دهنده این باشه که شرایط اونجا چندان آسان نیست، وگرنه جمعیت مهاجر بیش‌تری رو جذب خودش می‌کرد.

به نظرم شرایط هیچ جا برای مهاجرها ساده نیست. همه جا سخته.

- چه چیزی در این سختی وجود داره که با وجود این که باید بابتش هزینه‌های سنگینی از جمله دوری از دوستان و خانواده و غیره بدی، باز دست ازش برنمی‌داری؟

یه عشقه دیگه. بعد الان شرایط کشور خودمون رو ببین. چه اقتصادی، چه اجتماعی، چه از هر نظری وقتی می‌بینی آینده نداری، بنابراین حاضری هر هزینه‌ای بدی که جای دیگه آینده خودت رو بسازی.

- حالا بر فرض اگر شما نتونی به این هدفت برسی چی؟ اگر نتونی مهاجرت کنی این همه انرژی و زمانی که صرفش کردی چی می‌شه و چه احساسی پیدا می‌کنی؟

اصلاً دوست ندارم به این قسمتش فکر کنم.

- ولی خب این هم یه احتمال و همین طور که تا الان نشده، متأسفانه ممکنه هیچ وقت هم نشه!

آره. ولی خب فکر کردن بهش انرژی آدم رو می‌گیره و فایده‌ای نداره... .

- شبنم عرقی که شما نسبت به بی‌تی‌اس داری، شبیه چیزیه که آدم‌ها نسبت به خانواده‌شون دارن؟ مثلاً این که انتقاد دیگران از کره و بی‌تی‌اس باعث می‌شه که واکنش شدید نشون بدی و یا این که از ترس شنیدن انتقاد، خودت رو مجبور می‌کنی که حرفی نزی و علاقه‌مندی خودت رو سانسور کنی. به نظرت این باعث نمی‌شه که از آدم‌ها دور بشی و فشار روانی زیادی رو تحمل کنی؟

آره، درست می‌گی، ولی خب دست خودم نیست. یعنی به قول تو یه عرقی دارم که روشون حساسم».

از دیگر خطاهای شناختی هواداران گروه بی‌تی‌اس می‌توان از «رؤیابردازی» یاد کرد. به این معنا که بعضی از افراد در زندگی روزمره، به جای استقبال از شناخت مدفن و مستحکم، به دلیل ضعف منطق یا عشق و علاقه مفرطی که به گروه بی‌تی‌اس دارند، با اتکاء به دنیای تخیلی خویش، در صدد ارایه تبیین و تحلیل مسایل فرارویشان برمی‌آیند، بالطبع در حالت اخیر که افراد به جای روشنگری منطقی در مورد مسایل مطرح شده، به ارایه رؤیابافی‌های خویش به دیگران اقدام می‌کنند، در جهان بیرون موفق عمل نخواهند کرد.

البته از آنجا که بسیاری از هواداران در سنین بلوغ بوده یا در اوج هیجان جنسی خویش هستند، رؤیابردازی‌های عاشقانه و جنسی آنان نیز دور از ذهن نمی‌نماید، رؤیابردازی‌های اخیر ممکن است در جریان زندگی روزمره فرد نیز مداخله کند.

شیرین ۲۲ ساله که متأهل نیز بوده و به سبب حمایت مفرط از گروه بی‌تی‌اس، با همسرش هم دچار اختلاف‌های زیادی شده است، در مصاحبه خودش گزارش می‌دهد که وی در جریان مدیریت صفحه طرفداری خویش، با تهیه داستان‌های تخیلی (که در صورت آگاهی

همسرش از محتوای این داستان‌های هرزه‌نگار، تداوم زندگی وی با خطر جدی مواجه خواهد شد، با محوریت خودش، در سرگرم کردن دیگر هواداران می‌کوشد.

زندگی مشحون از رؤیای شیرین و رؤیابافی‌های وی برای دیگر هواداران، خطرهای بالقوه‌ای هستند که شیرین بدون توجه به آن‌ها، گذران ایام کرده و به این ترتیب به طرفداری خویش از گروه بی‌تی‌اس ادامه می‌دهد.

گلاره ۱۴ ساله، در توصف رؤیابردازی‌های خویش از علاقه‌اش به این که همسر جونگ‌کوک باشد، یاد کرده است:

«- دوست‌ها مگه چه چیزهایی می‌خوانن که به نظرت براشون خوب نیست؟»

اسمات (داستان‌های خارج از اخلاق) و وانشات و داستان‌هایی که اعضاء توشون مافیا و ومپایر و این جور چیزها هستن و خود واقعی شون نیستن یا مثلاً می‌گن اعضاء همجنس‌گرا هستن یا با شخصیت‌های بی‌رحم و خشن جلوه می‌دن شون و ازشون سوءاستفاده می‌کنن و شخصیت‌شون رو عوض می‌کنن.

- گلاره جان آیا تا به حال تصور و خیال‌پردازی راجع به خودت و اعضای بی‌تی‌اس داشتی یا نه؟

بین تصورش که ۱۰۰ درصد هست (می‌خندد) ولی خب مثلاً بخوام به بقیه بگم و بروز بدم و از این کارهای بچه‌گونه بکنم نه. فقط ابراز علاقه می‌کنم.

- می‌تونی بیش‌تر درباره‌اش توضیح بدی؟

مثلاً همیشه به فانتزی‌هام فکر می‌کنم مثل این که فاصله سنی‌ام با جونگ‌کوک کم باشه و بتونم از نزدیک ببینمش و باهاش حرف بزنم و دوستم داشته باشه و خیلی فراتر از دوست باشیم و بیبیبین مثلاً!!! کوک شوهرم باشه. وای می‌شه نگم؟»

دروغ و دروغ‌گویی امر بسیار مذمومی است، اما افراد ضعیف‌النفس و کسانی که بدون هیچ استدلال و برهانی در پی به کرسی نشاندن حرف خویش هستند، ممکن است به دروغ متوسل شده، بخواهند با دروغ‌گویی، واقع را پوشانده، امر کاذب را واقع بنمایند.

بررسی‌های میدانی انجام شده حکایت از آن دارد که برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس، با «توسل به دروغ» می‌کوشند تا امورات خویش را پیش ببرند.

ثنا ۱۶ ساله در مصاحبه خودش خودش در نقد اندیشه بی‌تی‌اس در زمینه جنسیت‌زدایی از آرایش و پوشش، متوسل به دروغ شده، تصاویر پسران بی‌تی‌اس را در حالت آرایش کرده، تصاویر فتوشاپی معرفی می‌کند:

«من از بی‌تی‌اس خیلی چیزها یاد گرفتم. جدی اگه قشنگ نگاه کنی، بی‌تی‌اس یه دانشگاهه که من رو خیلی عوض کرده. خیلی بهتر شدم.»

- ولی گفتی که دیرتر از گذشته یاد می‌گیری و تمرکزت کاهش پیدا کرده. درسته؟

در کنار این همه خوبی‌ها یه بدی هم داشته باشه چیزی نمی‌شه که. مهم اینه که تلاشم بیش‌تر شده.

- نقاط ضعف گروه بی‌تی‌اس چیست؟

هیچ نقطه ضعفی ندارن.

- یعنی هیچ نقطه ضعف ندیدی؟

نقطه ضعف خاصی ندارن. معمولاً می‌گن شبیه دختران، ولی غلط می‌کنن.

- به نظرت آرایش اعضای بی‌تی‌اس معمولی هست یا زیاده روی می‌کنند؟

نه، اینا اصلاً آرایش نمی‌کنن، خیلی از این عکس‌ها فتوشاپ شده هستن.»

«تقدس‌گرایی» به معنای پردازش آرمان‌گرایانه الگوها هست، وقتی افرادی در مواجهه با الگوهای مطرح شده در جامعه به آنان متوجه شده و آن‌ها را سرلوحه الگوبرداری خویش قرار دهند، ممکن است به دلیل ضعف منطقی با دیدن چند ویژگی مثبت در الگو، به سادگی دست به

آرامی‌سازی وی زده، او را در همه ابعاد و وجوه مختلف یک‌ه و تک تصور کند. شدت شیفتگی برخی به الگوهای مورد نظرشان چنان زیاد است که از آنان به عنوان «خدای» خویش یاد می‌کنند.

برخی از هواداران در شرایط معمول الگوی خویش را در اوج‌های علیین دیده، وی را فاقد هر نوع خطا، تقصیر، نقص و سستی تصور می‌کنند، در حالت اخیر، تقدسی که هواداران برای آیدول مورد نظرشان قایل هستند، سبب می‌شود آن‌ها بدون دید نقادانه، الگوی مورد نظر را در اوج خوبی‌ها تصور کنند و از هرگونه خدشه و ایرادی که بر آن‌ها وارد است، به سادگی چشم‌پوشند.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خودش در اظهارنظری در همین رابطه، چنین بیان می‌داشت:

«در هر صورت این شکلی بگم که اگر آیدولی حتی اگر یک نفر را بکشه هم فن‌هاش اون فن‌هایی که خیلی وفادار هستند و خیلی دوست‌شون دارند، می‌گن که باز براشون یک فرشته باقی می‌ماند.

- شما چه مدل فنی هستی؟

بله (باخنده) من اگر آیدول مورد علاقه‌ام یک نفر را هم بکشه، برای من یک فرشته است.

- چه جور ی یک فرشته می‌ماند؟

نمی‌دونم راستش من هیچ وقت به این فکر نکردم که چرا می‌مونه، ولی می‌دونم که اگر آیدول من این کار را بکنه، من هیچ مشکلی ندارم، هیچی نمی‌گم. یعنی این شکلی می‌گذرد که این‌ها همه شایعه است، دروغه و واقعی نیست.

- یعنی ترجیح می‌دی، حس دست نخورده باقی بماند؟

بله».

یکی از دیگر خطاهای شناختی هواداران گروه بی‌تی‌اس «توسل به واکنش‌های نابخردانه» است. به این معنا که برخی از افراد به دلیل ضیق نفس در مراودات خویش به جای توسل و تمسک به استدلال برای نشان دادن حقانیت بیانات خودشان، با رو آوردن به تهدید، می‌کوشند طرف مقابل را وادار به پذیرش خواست خویش کنند. احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه خود با یادآوری رفتارهای خواهر بزرگ‌ترش، خاطرنشان می‌سازد، وی اولیاء را بر سر دوراهی خودکشی خودش و یا رضایت و همراهی برای مهاجرت خویش به کره قرار داده بود که در نهایت موفق به اخذ دریافت وجه و رضایت اولیای خویش برای مهاجرت به کره شده است:

«- اگر شرایط برای تو هم مهیا بشه به کره مهاجرت می‌کنی؟

نه، امکان نداره، پدر و مادرم رو تنها نمی‌ذارم و مرتب از خواهرم نیز خواهش می‌کنم بعد از اتمام درسش برگردد.

- کلاً با مهاجرت مخالفی؟

آره، من که شاهد درهم شکسته شدن پدر و مادرم بعد از مهاجرت خواهرم بودم، کلاً با مهاجرت مخالفم. هر رشته تحصیلی رو که بخوایم تو کشور خودمون هست و می‌تونیم ادامه تحصیل بدیم. فقط باید خیلی سعی و تلاش کنیم توی کنکور قبول بشیم.

- چرا خواهرت رو از مهاجرت به کره منصرف نکردی؟

حقیقتش خواهرم به صورت خیلی افراطی کره رو دوست داشت و خیلی غیرمنطقی شده بود. اصلاً نمی‌شد باهاش حرف زد. فقط به رفتن فکر می‌کرد. و در غیر این صورت ممکن بود اگر بهش فشار بیاوریم برای این که نره، ممکن بود دست به خودکشی بزنه. برای همین پدرم حتی کمک مالیش هم کرد و فرستادش کره. بیچاره پدرم بعد از رفتن خواهرم سریع پیر شد و مادرم هم افسرده شده و مدام گریه می‌کنه.

- خود خواهرت الان از رفتن به کره خوشحاله؟

راستش نمی‌دونم. چون ممکنه حقیقت رو کتمان بکنه، به ظاهر که خوشحاله و به آرزوش رسیده».

شیدای ۲۰ ساله نیز در مصاحبه‌اش از پیشنهاد بی‌تی‌اس دال بر رفتن در دل شرایط مختلف (نظیر تغییر جنسیت دادن افراد)، بدون توجه به عاقبت کار، دفاع به عمل می‌آورد، حال آن که مطالعات قابل تأملی وجود دارند که بر پشیمانی بسیاری از افرادی که از عمل جراحی تغییر جنسیت استقبال کرده اند، صحه نهاده اند:

«یک کار دیگه که بی‌تی‌اس کرده و می‌کنه، اینه که این پیام رو به طرفداراش می‌ده که اون کاری که دلت می‌خواد یا الان توی فکرته یا به قول خودمون توی جوش هستی رو انجام بده، بدون این که فکر کنی عاقبتش چی می‌شه و بدون این که بررسی که چه کسی در برابرت می‌ایسته و می‌خواد جلوت رو بگیره. یه جورایی می‌گه برو توی دل ماجرا. مثلاً درباره کسایی که تصمیم گرفتن عمل تغییر جنسیت انجام بدم من خیلی بدم میاد که یه سریا می‌گن بیایم باهاشون حرف بزیم یا مثلاً بفرستیم‌شون پیش مشاور که شاید نظرشون عوض بشه. به نظرم نباید کسی جلوشون رو بگیره».

«شکل‌گیری ادراک جهت‌دار» یکی از دیگر خطاهای شناختی هواداران گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌آید.

برخی از افراد به سبب عشق و علاقه وافر به چیزی و یا غور و تفحص بیش از حد در امری، به تدریج ادراک واقع‌گرای خویش را از دست داده، از آن پس ادراک آنان تحت تأثیر همان مسأله مورد علاقه عمل کرده و راهنمای فرد واقع می‌شود. به تعبیر دیگر، همان‌گونه که چشم‌بند اسب‌گاری، دامنه دید حیوان را محدود به فرارویش می‌کند، ادراک جهت‌دار می‌تواند عرصه ادراکی فرد را محدود به عامل مورد علاقه کرده، از فهم، درک و تحلیل واقع‌نگر مسایل دور سازد.

گلاره ۱۴ ساله و ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، در عمل ادراک جهت‌دار خویش را به قرار زیر به معرض دید نهاده اند:

«بین وقتی فن یه گروه باشی واقعاً این جوریه که با همه وجود دوست‌شون داری. اگه آرمی باشی با همه وجودت هفت‌تا عضو بی‌تی‌اس رو دوست داری، پس حتی اگه آهنگ‌شون زشت‌ترین آهنگ دنیا هم باشه، باز به نظرت قشنگ میاد. به‌خاطر همین خیلی پیش نیومده که من از آهنگی خوشم نیاد».

«اگر جیمین مرتکب قتل عمد بشود و مقصر باشد، شما از جیمین حمایت می‌کنی یا جیمین را محکوم می‌کنی؟»

شاید حمایت نکنم، ولی محکوم هم نمی‌کنم چون اصلاً دلم نمیاد.

– پس اگر اعضای گروه بی‌تی‌اس که شما از هواداران آن هستی اشتباه کنند، اگر بتوانی دفاع می‌کنی و گرنه محکوم نخواهی کرد. درست هست؟

بله، اصلاً شدنی نیست».

شیرین ۲۲ ساله نیز که با بنیانی هیجانی هوادار گروه بی‌تی‌اس شده است و در مسیر عشق‌ورزی به گروه، حتی پایه‌های زندگی زناشویی خویش را سست و لرزان کرده است، در مواجهه با اندیشه جنسیت‌زدایی از عشق توسط بی‌تی‌اس، دست به کتمان این معنا زده، بیان می‌دارد که از بی‌تی‌اس تنها باید انتظار اموری مانند مدرسه‌سازی، ساختن بیمارستان، کمک به نیازمندان و مانند آن‌ها را داشت، نه ترویج مواردی مانند بدون مرز بودن عشق را.

«– واکنش هواداران در مورد شایعه همجنس‌گرایی بی‌تی‌اس چگونه هست؟»

هواداران بی‌تی‌اس دو دسته‌اند. دسته اصلی که این تهمت‌ها رو باور نمی‌کنن و می‌دانند که این موارد کار دشمنان هست و دسته‌ی دوم گروهی هستند که هواداری‌شون به خاطر منافی است که این گروه برای آن‌ها دارد.

– مثلاً چه منافی برای آن‌ها دارد؟

مثلاً کسی که لباس‌های مارک‌دار بی‌تی‌اس رو می‌فروشه، هواداریش اصلی نیست و فقط برای درآمدزایی هست، یعنی تا سود هست، هواداریش رو ادامه می‌ده و یا هوادارنمایی که یه فن‌پیچ در مورد گروه بی‌تی‌اس داره، اگر بدانه با گذاشتن این عکس‌های جنجالی بر تعداد فالورهایش اضافه می‌شه، تا دلت بخواد عکس‌های مثبت هیجده از آیدول‌ها فتوشاپ می‌کنن و در فن‌پیچ‌شون می‌ذارن. این‌ها طرفدار واقعی

بی‌تی‌اس نیستن و فقط طرفداری شون به خاطر مقدار درآمدی هست که از معروفیت این گروه به دست میارن و یا ممکنه اصلاً دشمن بی‌تی‌اس باشند و بخوان گروه رو خدشه‌دار کنند.

- هواداران اصلی برای رفع اتهام از ستاره‌ها چه کار می‌کنند؟

بعضی‌ها شون مثل خود من فن‌پیچ‌هایی دارن که با شناساندن چهره واقعی ستاره‌ها به مردم و هواداران از آن‌ها رفع اتهام می‌کنند و از کارهای خیری که گروه بی‌تی‌اس انجام می‌ده، مثل مدرسه ساختن، بیمارستان ساختن و کمک به پناهندگان و نیازمندان و بی‌سرپرستان و بیماران خاص، شخصیت مهربان آن‌ها رو به همه معرفی می‌کنند و از شعارها و پیام‌هاشون در فن‌پیچ‌ها استوری می‌گذارن.

- شایعه همجنس‌گرایی بی‌تی‌اس چه تأثیری روی هواداران دارد؟

تأثیر خیلی بدی روی هواداران دارد. هواداران اصلی که به این شایعه باور ندارند و محکومش می‌کنن، ولی بقیه هواداران و ورودی‌های تازه باور می‌کنن و خیلی داغون می‌شن و خانواده‌هاشون باهاشون درگیر می‌شن و سخت‌گیری می‌کنن و یه عده هم ممکنه دچار انواع انحراف‌های اخلاقی بشن و یه عده ممکنه که از هواداری منصرف بشن».

بنابراین با توجه به آن چه از آن یاد شد، در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان بیان داشت، مصاحبه با هواداران گروه بی‌تی‌اس، بیانگر این معنا است که اقشار قابل تأملی از آنان بعضاً در مراودات و استدلال‌های خویش، مبتنی بر شناخت دقیق عمل نکرده، به دلیل شکل‌گیری هیجانی رابطه‌شان با گروه و غرق شدن در شورآفرینی اجراهای آن، بعضاً دچار خطاهای شناختی جدی می‌گردند و این خطاها می‌توانند روابط اجتماعی و فراتر از آن سبک زندگی و نظام ارزشی آنان را تحت تأثیر خود قرار دهند.

### بروز برخی از اختلال‌های روانی

هواداران مصاحبه شده در جریان مباحث‌شان، گاهی به ارایه شواهدی پرداخته‌اند که از این موارد می‌توان با عنوان بروز برخی از اختلال‌های روانی در اثر هواداری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس یاد کرد.

اضطراب، درگیری ذهنی، احساس حسرت و تحقیرشدگی، سرخوردگی، حسادت، افسردگی، عصبی شدن، بدشکلی بدنی، از خود بیگانگی، اعتیاد و مشکلات روان-تنی، برخی از اختلال‌های گزارش شده توسط جمعیت تحقیق هستند که در ادامه به اجمال به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

در سنت کی‌پاپ، شروع فعالیت ستاره‌ها از سنین خیلی پایین، مورد پذیرش قرار گرفته است، اما از آنجا که طبق اصل اشباع در روان‌شناسی، ارایه یک محرک دایم، در نهایت به اشباع مخاطب می‌انجامد، ضرورت جابه‌جاسازی گروه‌های کی‌پاپ نیز برای کمپانی‌های فعال در این عرصه احساس می‌شود و بهترین دوره تغییر گروه‌ها و کنار نهادن یک نسل به نفع نسل دیگر، سربازی رفتن مردان ذی‌نقش در گروه‌های کی‌پاپ است، زیرا در کره جنوبی مردان تا ۳۰ سالگی فرصت رفتن به سربازی را دارند، و اعضای (مسن) یک گروه مشهور با رفتن به سربازی، در عمل به تدریج از اذهان هواداران (که نسبت به آن‌ها، به نوعی به حالت اشباع نیز رسیده‌اند) پاک می‌شوند.

بررسی شواهد ارایه شده در زمینه «اضطراب» در مورد اعضای گروه بی‌تی‌اس، به دو زیر مجموعه اضطراب به دلیل فشار بیش از حد کمپانی به ستاره‌ها و اضطراب اضمحلال گروه بی‌تی‌اس و جایگزین کردن گروهی دیگر به جای آن‌ها باز می‌گردد.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خود با اشاره به کم‌توجهی کمپانی به سلامت جسمانی ستاره‌ها، در این زمینه اظهار نگرانی می‌کند:

«- این تفاوتی که در پشت صحنه مشاهده می‌کنید چه افکار و احساساتی برای شما ایجاد می‌کند؟

ببینید می‌تونید بک استیج را توی یوتیوب یا پینترست سرچ کنید، کاملاً این طوری که بیش‌تر ستاره‌ها یک سری مریضی دارند که این مریضی‌ها اصلاً براشون خوب نیست، مثلاً یکی از اعضای بی‌تی‌اس دمای بالای بدن براش اصلاً خوب نیست، این طوری که می‌تونه

کاملاً بکشش و علی‌رغم این‌ها، باز هم می‌رقصه، طوری که رقص و ورزش دمای بدن را بالا می‌بره، می‌دونید شما اگر بک استیج را ببینید با ماسک اکسیژن دارن بهشون تنفس می‌رسونن و اصلاً حال‌شون خوب نیست این بیش‌تر قلب ماها را اذیت می‌کنه و فشار میاره بهمون».

مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به احتمال جایگزین کردن ستاره‌های جدید به جای ستاره‌های فعلی گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی، از اضطراب خود در این زمینه یاد کرده است:

«به نظرت کمپانی به فکر جایگزینی برای ستاره‌های جدید به جای ستاره‌های فعلی نیست؟»

صد در صد هست و در حال آموزش نوجوان‌های زیادی برای جایگزینی ستاره‌ها هست. چون ستاره‌های فعلی در حال حاضر ستاره هستند و گذشت زمان و کهولت سن از جذابیت آن‌ها کم می‌کند و یه زمانی مثل بقیه آرتیست‌ها و سلبریتی‌ها تکراری می‌شن و این باعث می‌شه هواداران از ادامه هواداری منصرف بشن.

– به نظرت هواداران با این جایگزینی مشکلی ندارند؟

هواداران ناراحت می‌شن، چون همه‌شون ستاره‌ها رو دوست دارن. آیدول‌ها لباس کهنه نیستند که بعد از مدتی دور انداخته بشن، از نظر روحی و روانی افسرده می‌شن».

نگین ۱۳ ساله و شقایق ۱۹ ساله نیز در مصاحبه‌شان، از اضطراب خود در مورد احتمال انحلال گروه بی‌تی‌اس یا ازدواج اعضای گروه، به قرار زیر یاد کرده اند:

«شما از چه چیزی الهام می‌گیری و به چه صورت در زندگی خودت به کار می‌بری؟»

راستش را بگم من واقعاً نمی‌تونم به همچین چیزی فکر کنم، ناخودآگاه یک‌دفعه گریه‌ام می‌گیره.

– چی می‌شه یعنی؟

این که بالاخره یک روزی این‌ها نیستن، یک روزی که الان تو کره قانون اینه که تا ۳۰ سالگی باید دیگه سربازی را رفته باشین و الان یکی از اعضا ۳۰ سالشه و تایم اینه که بره سربازی و بعد ازدواجش را بکنه. ما مشکل‌مون این نیست که می‌خوان برن ازدواج کنن یا می‌خوان برن هر کاری بکنن. زندگی‌شون دست خودشونه، ولی این که یک روزی دیگه این گروه وجود نداره خیلی غمگینه و من همه‌اش وحشت دارم از اون روز (با لحن غمگین و مضطرب در این مورد صحبت می‌کند)».

نگین در فراز دیگری از صحبت‌هایش، خاطرنشان می‌سازد، او و دوستانش سعی می‌کنند با صرف وقت گاه ۲۴ ساعته برای تبلیغ پسران بی‌تی‌اس، در عمل به افزایش هواداران کمک کنند تا شاید این مسأله مانع از انحلال محتمل گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی بیگ‌هیت شود:

«چه چیزی باعث می‌شود به اخبار گروه بی‌تی‌اس علاقه‌مند باشید؟»

ما همه آرمی‌ها دوست‌هایی داریم که خیلی از ما کنجکاوتر هستن، کسانی که ۲۴ ساعته دارن این‌ها را دنبال می‌کنن و اخبار جدید را به ما می‌رساند و ما هم اگه کنجکاو باشیم، می‌ریم راجع بهش تحقیق می‌کنیم.

– کسی که کنجکاوتر است چند ساعت در روز وقت می‌گذارد؟

تو تابستان که این‌ها ۲۴ ساعت آنلاین هستن.

– در مورد این مسأله خود یک آرمی تصمیم می‌گیرد؟

بله خود یک آرمی، من خودم یکی از این آرمی‌های خیلی کنجکاو را دارم. شما برین تو توییتر، اینستاگرام این‌ها یک پیچی دارن، یک اکانتی دارن تو همه اپلیکیشن‌ها، حتی یوتیوب که می‌رن همه جا ۲۴ ساعته هستن اخبارها را در بیارین بذارن، من با دوستانم تو واتساپ گروه داریم خبرا را هر کی زودتر دید می‌فرسته، چون همسن‌های ما هم جزء این‌ها هستن ما می‌گیریم ۸ ساعت مدرسه یک ساعت هم تا

خانه در راه، ۱۰ ساعت این جوری، در طول روز شاید فقط ۲، ۳ ساعت درس بخونم، می‌شه ۱۳ به جز خواب که بعضیا مثل دوست من خیلی کم می‌خوابن، می‌چرخیم تو این جور جاها.

- چه کار می‌کنید؟

اطلاع کسب می‌کنیم، تلاش می‌کنیم جمعیت آرمی‌ها را زیاد کنیم.

- چه پیغامی در زیاد شدن جمعیت آرمی‌ها وجود دارد؟

احتمال دیس‌بند شدن شون کم‌تر می‌شه.

- مشغله ذهنی زیادی با دیس‌بند شدن گروه داری؟

هممون همین طوری شدیم.

- مضطرب شدید؟

بله، مثلاً من می‌گم ۶ سال دیگه شاید به نظر شما خیلی بیاد، ولی ما هر طوری که حساب می‌کنیم می‌بینیم انگار ما همین دو روز پیش ۱۰، ۱۱ سالمون بود و الآن ۱۳، ۱۴، ۱۵ سالمونه و می‌گیم این ۶ سال هم همین طوری سریع می‌گذره و دیگه دیر می‌شه.

- دیر می‌شه یعنی چی؟

دیر می‌شه برای تلاش کردن این برای ما انگار وظیفه‌مون که تعداد آرمی‌ها را زیاد کنیم که دیس‌بند نشه، وظیفه خودمون می‌دونیم این را.

- یک چیزی مثل مرگ و زندگی (لحن و حالت کلام نگین کاملاً این حس را به من منتقل می‌کرد).

دقیقاً».

«- فناشون از لحاظ احساسی هم بهشون وابستگی دارن؟

آره، اووه چه جورر هم (خنده). اصن یه وضعیه. کافیه یکی شون عطسه کنه، همه فناش نگرانش ان و حتی دیدم شب خواب‌شون نمی‌بره و حتی براش گریه می‌کنن! و خودشون رو با طرف تصور می‌کنن، مثلاً حس می‌کنن اون شوهرشونه و تنها مال اینا هست و الآن باید پرستاریش کنن و دورش بگردن (خنده). یادمه یه بار برای جذب مخاطب یه خبر چرتی گذاشته بودن که یکی شون داره ازدواج می‌کنه! بعد فناش اون طرف هیت دادن بهش و گریه می‌کردن و انگار عزای عمومی اعلان شده بود. اون قدر حال‌شون بد شده بود، از درس و مدرسه کلاً افتاده بودن و نمی‌رفتن مدرسه، اون قدر از لحاظ روحی آشفته شده بودن و همین حاشیه‌سازی باز به نفع‌شون شد و کلی فالور اومد طرف‌شون (خنده)».

«درگیری ذهنی» اثر روان‌شناختی دیگری است که برخی از هواداران مصاحبه شده از آن یاد کرده‌اند.

در مواقعی که افراد، با یک مقوله عاطفی به شکل جدی مواجه شده و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند، درگیری عاطفی آنان، موجب درگیری ذهنی نیز برای آنان هست.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده در سطح هواداران گروه بی‌تی‌اس، حکایت از آن دارد که موارد مختلفی نظیر فهم درست پیام‌های گروه بی‌تی‌اس در آهنگ‌هایش، تولید محتوا برای گروه، درگیری ذهنی در مورد رقابت‌های گروه با دیگر گروه‌های کی‌پاپ، رقابت در جشنواره‌های جهانی موسیقی، کاربری احتمالی محتوای هرزه‌نگار در مورد ستاره‌ها و درگیری ذهنی در این جهت، از جمله دلایلی هستند که هواداران را دچار درگیری ذهنی می‌سازند.

الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه‌اش نمونه‌ای از درگیری ذهنی که توام با اتلاف وقت گسترده است را به قرار زیر به معرض دید نهاده‌اند:

«- تاحالا شده تو این مسیر بهت لطمه و صدمه ای وارد شه؟

آره، از نظر روانی آسیب دیدم نتونستم به درس‌هام برسم و از همین طریق بهم فشار میاد و یا مثلاً از اون ور باید درس بخونم و از اون ور دوست دارم به نگاهی بنذارم و بفهمم که توی بی‌تی‌اس چه خبر شده و کلاً دیگه نمی‌تونم به هیچ کدوم از کارام برسم.

- از نظر سلامت جسمانی چه طور تاحالا صدمه‌ای دیدی؟

بدنی نه زیاد، بیش‌تر همون روحی روانی که گفتم».

از آنجا که در سنت کی‌پاپ، تهیه تک‌صحنه یا داستان‌نویسی در مورد ستاره‌ها، امر جا افتاده‌ای هست و این مسأله مورد علاقه بسیاری از هواداران هم هست، برخی از هواداران گزارش داده‌اند، با مطالعه وان‌شات‌ها یا فن‌فیک‌های هرزه‌نگار که با محوریت بی‌تی‌اس ارایه شده‌اند، آنان با درگیری‌های ذهنی جدیدی در این جهت مواجه شده‌اند.

«احساس حسرت و تحقیر شدگی» اثر روانی دیگری است که برخی از هواداران مصاحبه شده به گزارش آن پرداخته‌اند. محسن ۲۲ ساله در قسمتی از مصاحبه‌اش در این ارتباط می‌گوید:

«... هنوز دو ماه نشده، پدرم پول شهریه‌ام رو پرداخت کرده، حالا باید برای خرید تک تک کتاب‌هامم پول بده. از بچگی دوست داشتم مستقل باشم. پول‌هام رو جمع می‌کردم تا چیزی که می‌خوام رو با پولای خودم بخرم، ولی دیگه از دبیرستان که شهریه مدرسه و کتاب‌های کنکور اضافه شد، احساس ضعف بیش‌تری کردم. الان هم واقعاً اعتماد به نفسم پایین اومده. کدوم یکی از اونا مثل من هستن؟ کدوم یکی پول توجیبی گرفتن. جین تازه می‌خواد بره سربازی ولی ببینید چه قدر سرمایه داره؟

- آیا حسرت می‌خوری که چرا جای اعضای بی‌تی‌اس نیستی؟

آره، حسرت می‌خورم که چرا مثل اون‌ها پولدار نیستم».

هواداران گروه بی‌تی‌اس در مواجهه با ستاره‌های مورد علاقه خودشان، مستقیم و غیرمستقیم با برخی از ارزش‌هایی که ستاره‌ها در خودشان به نمایش می‌گذارند، روبرو می‌گردند.

بالطبع از آنجا که فرهنگ کره با فرهنگ ایران متفاوت است، اخذ معیارهای فرهنگی کره و تلاش برای تعمیم آن‌ها در ایران بعضاً دشوار بوده، ممکن است هواداران (خاصه هواداران کم تجربه) را به سمت حسرت و تحقیرشدگی سوق دهد.

سارینای ۱۳ ساله، در مصاحبه‌اش، با اشاره به معنای اخیر بیان می‌داشت:

«- اگر بی‌تی‌اس یا آیدولی یه چیزی رو ترند بکنه دنبال این می‌ری که تو هم اون رو انجام بدی؟

آره توی لباس خیلی بیش‌تر پیش میاد، مثلاً شلوارک کوتاه خیلی دوست دارم و می‌خرم.

- توی استایل‌های بیرون از خونه هم شده که از ستاره‌های کی‌پاپ پیروی کنی؟

توی پوشش بیرون نه، نمی‌تونم، ولی تو جمع‌های دخترونه یا جمع‌هایی که خانم‌ها باشن آره.

- چرا نمی‌تونی بیرون از خونه از استایل ستاره‌ها پیروی کنی؟

چون خانواده‌ام اجازه نمی‌دن. خب هر خانواده مذهبی قطعاً نمی‌گذارن دخترشون اون جور بره بیرون.

- این محدودیت‌هایی که از سمت خانواده‌ها و یا حتی از سمت جامعه وجود داره که باعث می‌شه نتونی پوشش مورد علاقه‌ات رو استفاده کنی، چه احساسی بهت می‌ده؟

احساس ناتوانی می‌کنم. وقتی نمی‌تونم در برابر اون چیزی که مال منه، از حق خودم دفاع کنم و بگم که این بدن مال منه، پس تنها من می‌تونم براش تصمیم بگیرم یا نمی‌تونم طرز فکرهای اشتباه رو از بین ببرم، یه جور حس حقارت بهم دست می‌ده.

- این طرز فکرهای اشتباهی که نمی‌تونی اون‌ها رو از بین ببری مربوط به چه موضوعاتی هستن؟

این که حجاب من به همه مربوطه یا این که رفتار من به همه مربوطه کلاً چیزهای شخصی که چون من دخترم به همه مربوط می‌شه.

- چه چیزی باعث شده که به این نتیجه برسی که چون دختر هستی مسایل شخصی‌ات به همه مربوط می‌شه؟



مثلاً پسرهای فامیل ما بعضی اوقات با شلوارک می‌رن بیرون، ولی هیچ‌کس گیر نمی‌دهد بهشون، ولی مثلاً من موهام بیرون باشه یا مانتو کوتاه ببوشم، بهم گیر می‌دن».

یکی از موارد عارضه‌زا در روابط ستاره‌ها و هواداران، تبلیغ برندهای غالباً بسیار گران توسط ستاره‌ها است که بالطبع بسیاری از هواداران بی‌تی‌اس، به استفاده از همان برند که آیدول محبوب‌شان از همان برند بر تن کرده و یا کاربری دارد، علاقه‌مند می‌شوند، اما به دلیل ضعف بنیه مالی خودشان، قادر به تهیه برندهای تبلیغ شده ستاره‌ها نیستند و این مسأله ممکن است به نوعی اسباب تحقیرشدگی فرد نزد خودش را فراهم آورد.

یکی از دیگر تبعات روانی کاربری از گروه بی‌تی‌اس که توسط هواداران مصاحبه شده مورد تأکید قرار گرفته است، «احساس سرخوردگی» است.

نوجوانان و جوانان از سویی به دلیل تجربیات اندک اجتماعی خودشان و از سوی دیگر به سبب آرمان‌گرایی که بر ذهن آنان حاکم است، غالباً با منطق صفر و یک با مسایل فراروی‌شان برخورد می‌کنند.

از طرف دیگر از آنجا که پسران بی‌تی‌اس به سبب احترام زیادی که برای هواداران قایل بوده و خود را موظف به برخورد صمیمی با آنان می‌دانند و به همین ترتیب در عملکرد خود، رفتارهای نودوستانه و خیرخواهانه زیادی را به نمایش نهاده‌اند (نظیر پذیرفتن سفیری یونسکو، حمایت از آسیایی‌های مقیم امریکا در دیدار با رئیس‌جمهور وقت امریکا و مانند آن‌ها)، این مسأله سبب می‌شود که نوجوانان و جوانان در برخورد با گروه بی‌تی‌اس با منطق صفر و یک خودشان، گروه بی‌تی‌اس را در اعلی‌علیین تصور کنند و همه اندیشه‌های آرمانی خود را به نوعی در آن‌ها فرافکنی کرده، تصور کنند، آنان در تلاش برای تحقق و تسری همه خوبی‌ها بوده و به تحقق همه خوبی‌ها نایل خواهند آمد. اما وقتی هواداران در گذر زمان با مواردی خلاف تصورات اولیه خود مواجه می‌گردند، ممکن است به دلیل خطا یافتن ارزیابی‌های اولیه خویش، در خودشان احساس سرخوردگی را بیابند.

نرگس ۲۱ ساله که در آرزوی رفتن به کره و درآمدن به عضویت گروه‌های کی‌پاپ بوده است، در مصاحبه‌اش از بر باد رفتن آرزوها و سرخوردگی خودش، به شرح زیر یاد کرده است:

«وقتی که داشتی به این فکر می‌کردی که بری و به عنوان دنسر توی کی‌پاپ فعالیت کنی، از سختی‌ها و فشارهایی که روی آرتیستا می‌گذاشتن، خبر داشتی؟

نه قطعاً. بعدها فهمیدم که پدرشون در میاد.

- چه چیزهایی رو فهمیدی؟

رژیمای سخت می‌دن بهشون. محدودشون می‌کنن. خیلی از کارهایی رو که دوست دارن، نمی‌تونن انجام بدن. مجبور هستن هر چی بگن، گوش کنن. تمرینای خیلی خیلی سخن می‌ذارن برای دنسرای کی‌پاپ. من دقیق یادم نیست چیا بود که خوندم. مال خیلی وقت پیشه، ولی می‌دونم که وحشتناک بود. بعد دنسرا چون مثل آرتیستا شناخته شده نیستن و طرفدار ندارن، خیلی راحت هر کاری بخوان باهاشون می‌کنن. بهشون تجاوز می‌کنن. ازشون سوءاستفاده می‌کنن. با قول این که اگر بهشون خدمت جنسی بدن، جایگاهشون پیشرفت می‌کنه، فریبشون می‌دن. یادمه یه داستان خوندم اون وقتاً از یکی از همین دنسرای کی‌پاپ، مال یه بند خیلی معروف بود. منتهی پسر بود. دختر نبود. خیلی آزارش داده بودن. این شرایط البته به مراتب برای دخترا بدتر و وحشتناک‌تره. تمریناشون سخت‌تره و خب بیش‌تر آسیب می‌بینن. چه جسمی چه جنسی چه روحی. خیلی سخته شرایطشون بعد که کلاً کارشون با دنسرا تموم می‌شه، مثل یه تیکه آشغال اونا رو دور می‌اندازن و دنسرا هم خیلی سودی نمی‌برن از این کارشون. بیش‌تر اون عشق به کار هست که نگه‌شون می‌داره. خیلی سخته شرایط دنسرای کی‌پاپ. البته نه فقط کی‌پاپ کلاً همه جا».

فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، وقتی دختر او عکس بدون آرایش یکی از ستاره‌ها را در لباس سربازی دید، به ذوقش برخورد و گفته است که نمی‌خواهد هیچ وقت این تصویر در ذهنش بماند، حال آن که تصویر بدون آرایش و بدون سفید شدن رنگ پوست (وایت واشینگ) آیدول (که از نژاد زرد هست)، به مراتب واقعی‌تر از تصاویر فتوشاپی و وایت واشینگ شده و توام با گوشواره و گردن بند آنان است:

«... چند وقت پیش بود که خبری رو شنیدم و خیلی شوکه شدم.

- چه خبری؟

مثل این که گفته بودن جین باید بره سربازی.

- خب، رفت؟

همین، به دخترم عکس جین رو، توی تلگرام نشون دادم ولی واکنش دخترم عجیب بود.

- چرا؟ چه طور واکنش نشان داد و عکس چه بود؟

عکس سربازی جین بود و این که موهاش خیلی کوتاه شده بود و کاملاً ساده بود و انگار خورد تو ذوق بچه‌ام. یه دفعه خیلی ناراحت شد و گفت نمی‌خوام این تصویر توی ذهنم بمونه. دوست ندارم این طوری بینمش».

محسن ۲۲ ساله، با دیدن زندگی لاکچری اعضای بی‌تی‌اس و مقایسه آن با شرایط اقتصادی حداقلی که جامعه به وی تحمیل کرده است، نتیجه گرفته است که شعارهایی نظیر نتیجه‌بخشی سخت‌کوشی افراد که توسط بی‌تی‌اس داده می‌شود، بیش‌تر سنخ همان شعار را دارند تا واقعیات ملموس جامعه‌ای که وی در آن زندگی می‌کند:

«- زندگی خودت را با گروه بی‌تی‌اس مقایسه می‌کنی؟

بله، خیلی مقایسه می‌کنم. با خیلی از افراد موفق دیگه هم مقایسه می‌کنم.

تولدای لاکچری اعضای گروه رو که می‌بینم، به خودم می‌گم دوتا آدم چرا باید این قدر باهم اختلاف طبقاتی داشته باشن.

- وقتی به این موارد فکر می‌کنی ناامید هم می‌شوی؟

راستش ناامید می‌شم، واسه یه لحظه هست. باور کنید دست از کار و مطالعه برمی‌دارم. می‌گم آخرش که چی. یه جایی می‌رسم به حرف اون دوستم. من که هیچ وقت نمی‌تونم توی این شرایط افتضاح با ماهی ۶-۷ تومن حقوق به جایی برسم، پس بذار سرسری بگیرم همه چیز رو حداقل کم‌تر فکر می‌کنم، کم‌تر اذیت می‌شم».

الناز ۱۲ ساله، از منظر دیگری در خطر سرخورده شدن قرار دارد. الناز به دلیل علاقه وافر به گروه بی‌تی‌اس شروع به یادگیری زبان کره‌ای کرده است که در گذر زمان، پس از آن که متوجه شود، یادگیری زبان دشوار کره‌ای در زندگی روزمره وی چندان راهگشا واقع نخواهد شد، سرخوردگی ناشی از اتلاف عمر، گریانش را خواهد گرفت:

«- تو دوست داری که کنسرت بی‌تی‌اس بری؟

آره و به خاطر همین دارم کره‌ای می‌خونم.

- یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو یاد می‌گیری؟

آره... .

- خوب یعنی فقط به خاطر همین مسأله داری زبان به این سختی رو یاد می‌گیری؟

البته این زبان اصلاً سخت نیست و زبان چینی هستش که خیلی سخت هست و این که بله، به خاطر این‌ها دارم زبان به این قشنگی رو یاد می‌گیرم.

- خوب نقش بی‌تی‌اس در انگیزه یادگیری زبانت چیه؟

این که اگه زبان شون رو یاد بگیرم، می‌تونم باهاشون صحبت کنم».

«حسادت» از دیگر اثرات روانی ذکر شده در جریان کاربری از گروه بی‌تی‌اس است که جمعیت مورد بررسی از آن یاد کرده‌اند.

هواداران گروه بی‌تی‌اس در جریان عشق ورزیدن به ستاره‌ها، با دقایق زیادی از رفتارها و عملکرد آنان آشنا می‌شوند. برخی از رفتارهای اعضای گروه ملهم از ارزش‌های حاکم بر جامعه سرمایه‌داری و لائیک کره، ارزش‌هایی است که در جامعه نسبتاً دینی ایران پذیرفته نیست، از این رو ممکن است، برخی از طرفداران با مشاهده رفتارهای خاص در پسران بی‌تی‌اس (نظیر رنگ کردن موها، کاربری از رژلب، استفاده از گوشواره و زیورآلات)، مایل به انجام رفتار مشابه شوند که به لحاظ تفاوت فرهنگی این امر دشوار بوده، ممکن است هوادار در حسرت رفتارهایی که در جامعه وی مجاز شمرده نمی‌شود، باقی بماند.

در موارد دیگری پسران بی‌تی‌اس، با وجود سردادن شعارهای زیبا، اما در عمل به نمایش اوج مصرف و رفاه ممکن در زندگی روزمره خودشان می‌پردازند که باز برخی از هواداران با مقایسه شرایط خود با اعضای گروه بی‌تی‌اس، احساس حسادت کرده و حسادت‌گریبان‌شان را می‌گیرد. محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه‌اش مصداقی از تفاوت‌های فرهنگی که به حسرت وی انجامیده است را بیان داشته است:

«دوستم حمید این اواخر این طوری شده که رژ می‌زنه، قبلاً این جوری نبود، بهش می‌گم چرا موهاش رو رنگ می‌کنی، مگه رنگ خودش چه ایرادی داشت یا چرا رژ می‌زنی، می‌گه خوشگل می‌شم. می‌گم پسر که نباید رژ بزنی، می‌چسبونه به امل بودن و این که ایرانی امل بودن قبلاً، کره‌ای‌ها رو نگاه کن. آدم حال می‌کنه تیپ و قیافه بی‌تی‌اسی‌ها رو می‌بینه. می‌گه کاش یه جای دیگه به دنیا می‌اومدم جز ایران. خیلی به کره‌ای‌ها و بی‌تی‌اسی‌ها حسادت می‌کنه. من چی بگم دیگه».

شیرین ۲۲ ساله، با اشاره به تفاوت زندگی خودش با ستاره‌ها، از حسرت‌های درونی خویش به قرار زیر سخن گفته است:

«این جشن تولدها چه تأثیر منفی روی هواداران می‌تونه داشته باشه؟»

این جشن تولدهای میلیاردی ستاره‌ها حس حسادت جوان‌ها رو شعله‌ور می‌کند. این جشن‌ها تفاوت‌ها رو بیش‌تر نشان می‌ده و تناقض داره با شعار برابری انسان‌ها که توسط خود بی‌تی‌اس داده می‌شه. اگر انسان‌ها برابرن، چرا جشن تولد آیدول‌ها میلیاردی هست و بعضی‌ها حتی نمی‌تونند جشن خانوادگی رو تدارک ببینند.

– این همه تناقض شعارها و پیام‌های آیدول‌ها با رفتار و عمل واقعی آن‌ها زنگ هشدار برای آگاه شدن هواداران نیست؟

(خیلی مکث می‌کند و متفکرانه جواب می‌دهد) حقیقت من بارها هست پی به تفاوت شعارهاشون با عملکرد و رفتارهای آیدول‌ها برده‌ام و اگر همه رو از چشم کمپانی ببینیم، نابخردانه است. مثلاً این که شعار برابری انسان‌ها رو می‌زنند ولی جشن تولدهای میلیاردی می‌گیرند. بعید می‌دانم که خود آیدول‌ها هم از این جشن تولدها خوش‌شون نیاد و ته دل‌شون راضی نباشن.

– اعضای بی‌تی‌اس هفت نفرند، یعنی هفت بار جشن تولد مجلل در یک سال برای کمپانی کمرشکن نیست؟

اوه، خیلی هزینه‌بر هست. کمپانی برای هر کدام از آیدول‌ها هزینه تولد حساب کنه، به مقدار بدهکاری اون آیدول اضافه می‌شود و همین‌طور خرج و هزینه‌های اضافی رو به مقدار بدهی آیدول‌ها اضافه می‌کند تا سال‌ها بتواند اون‌ها رو نگه‌دارد و به بهانه تصفیه حساب از آن‌ها سوءاستفاده بکند. آیدول‌ها معروفیت رو به بهای سال‌ها بدهکار بودن به کمپانی خریده‌اند».

با بررسی آرای رایج شده هواداران گروه بی‌تی‌اس، مشخص می‌شود که برخی از هواداران به دلایل مختلف، «افسردگی» را تجربه کرده‌اند.

یکی از عمده‌ترین دلایل افسردگی هواداران گروه بی‌تی‌اس، ملاحظه فشارهای متعدد کمپانی بر روی ستاره‌ها است. هوادارانی که به الگوهای مورد علاقه‌شان عشق می‌ورزند، در مواجهه با فشارهایی که کمپانی به آنان وارد می‌کند، متألم شده، تألم خویش را در این ارتباط اعلان داشته‌اند.

نگین ۱۳ ساله و شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه‌های خویش از افسردگی‌شان که با مشاهده مشکلات فراروی ستاره‌ها گریبان‌گیر آنان شده است، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«... بیش‌تر دوست‌هام که آرمی هستن یا کلاً جزو فن‌ها هستن، کلاً این جور می‌کنن که نمی‌تونن زجر کشیدن آیدول‌شون را تحمل بکنن و براشون به شدت گریه می‌کنن، به قول مامانم یک حالت دیوانگی این شکلی هست».

«- شیرین متفاوت بودن حالات ستاره‌ها با شعرها و پیام‌هاشون چه پیامدهای روانی روی هواداران داره؟

باعث سردرگمی هواداران شده. شعرهاشون همه خوب و پر از روحیه و امید، اما فشاری که آیدول‌ها به خاطر استبداد کمپانی و تهمت‌هایی که از طرف دشمنان بهشون زده می‌شه رو تحمل می‌کنند، افسردگی و ناامیدی از سر و رویشان می‌باره و یه جورایی این افسردگی به هواداران هم منتقل می‌شه.

- این افسردگی چه پیامدهای اخلاقی رو برای هواداران می‌تونه داشته باشه؟

هواداران به خاطر علاقه‌ای که به آیدول‌ها دارند، درک‌شون می‌کنند و می‌دانند آیدول‌ها تحت فشارهای زیادی هستن و دارند فقط به خاطر هواداران تحمل می‌کنند. برای همین هواداران از بار سنگین فشاری که روی آیدول‌های محبوب‌شون هست، خلق و خوشون تنگ می‌شه و ممکنه به خاطر این ناراحتی پرخاشگر و بد خلق بشن و یا حتی ممکنه افسرده بشن، چون کاری از دست‌شون برای آیدول‌ها برنمیاد». عامل مهم دیگری که در افسردگی برخی از طرفداران گروه بی‌تی‌اس ذی‌نقش است، نشأت گرفته از مقایسه شرایط هواداران با شرایط زیست ستاره‌های بی‌تی‌اس است.

احسان ۱۷ ساله و فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه‌های خویش به طرح مصادیقی از افسردگی ناشی از مقایسه تطبیقی شرایط هواداران و ستاره‌های مورد علاقه‌شان پرداخته‌اند:

«- احسان می‌شه چند تأثیر منفی گروه بی‌تی‌اس رو بر قشر نوجوان هم بگی؟

یکی از تأثیرات منفی اینه که به خاطر شهرت زیاد و معروفیت گروه در سطح جهانی و با گسترده‌تر شدن فضای مجازی و به اشتراک گذاشتن جزییات زندگی ستاره‌ها، بسیاری از نوجوانان وقت و افکار خود را با زندگی این افراد و اخبار مربوط به آن‌ها درگیر کرده و از بسیاری از اهداف خود دور می‌مانند و یا حتی به دلیل نداشتن موقعیت ستاره‌ها، دچار افسردگی و ناامیدی می‌شوند».

«... دخترم خیلی فیلمای زندگی روزمره بی‌تی‌اس رو دوست داره و مدام می‌گه دوست داره جای اونا باشه.

- گفته که چرا دوست داره جای آن‌ها باشه؟

می‌گه شادان، همیشه بهشون خوش می‌گذره، ولی من فکر می‌کنم زندگی پر زرق و برقی که نشون می‌دن، دخترم رو هوایی کرده. بخوام صاف و صادق باشم با شما، خودم هم نگاه می‌کنم، دلم می‌خواد جای اونا باشم.

- چرا؟

چیزی که از زندگی معمولی‌شون نشون می‌دن، خیلی بهتر از زندگی ما هست. نه دعوائی، نه جرّ و بحثی. همه‌اش شوخی و خنده و بگو بخند. آخه عجیبه که اونا توی سختی‌هاشون هم حال‌شون خوبه».

مسعود ۲۰ ساله و محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه‌های خود خاطرنشان ساخته‌اند که با مقایسه شرایط خودشان با ستاره‌های بی‌تی‌اس، سرخوردگی و افسردگی را تجربه کرده‌اند:

«- مسعود بی‌تی‌اس چه تأثیرات منفی می‌تونه روی هواداران داشته باشه؟

به خاطر شهرت زیاد این گروه و تنوع آهنگ‌ها و برنامه‌ها در دنیای مجازی و اشتراک گذاشتن این برنامه‌ها برای دوستان، بعضی از هواداران ممکنه ساعت‌ها در فضای مجازی باشند و از کارها و درس خودشون عقب بیفتند و برای جبران کم آوردن زمان، از خواب خودشان بزنند و

به سلامتی جسمی و روحی خود لطمه بزنند و یا به دسته دیگر هستند که به خاطر حسادت به موقعیت آیدول‌ها و تفاوت‌های آشکار آن‌ها، دچار افسردگی و ناامیدی می‌شوند».

«پدرم هنوز دو ماه نشده، پول شهریه‌ام رو پرداخت کرده، حالا باید برای خرید تک تک کتاب‌هام پول بده. از بچگی دوست داشتم مستقل باشم. پول‌هام رو جمع می‌کردم تا چیزی که می‌خوام رو با پولای خودم بخرم، ولی دیگه از دبیرستان که شهریه مدرسه و کتاب‌های کنکور اضافه شد، احساس ضعف بیش‌تری کردم. الان هم واقعاً اعتماد به نفسم پایین اومده. کدوم یکی از اونا مثل من هستن؟ کدوم یکی پول توجیبی گرفتن. جین تازه می‌خواد بره سربازی ولی ببینید چه قدر سرمایه داره؟

تولدای لاکچری اعضای گروه رو که می‌بینم، به خودم می‌گم دوتا آدم چرا باید این قدر باهم اختلاف طبقاتی داشته باشن.

- وقتی به این موارد فکر می‌کنی ناامید هم می‌شوی؟

راستش ناامید می‌شم، واسه یه لحظه هست. باور کنید دست از کار و مطالعه برمی‌دارم. می‌گم آخرش که چی. یه جایی می‌رسم به حرف اون دوستم. من که هیچ وقت نمی‌تونم توی این شرایط افتضاح با ماهی ۶-۷ تومن حقوق به جایی برسم، پس بذار سرسری بگیرم همه چیز رو حداقل کم‌تر فکر می‌کنم، کم‌تر اذیت می‌شم».

برخی از هواداران دختر نیز که عشق ستاره‌ها را در دل دارند، با ملاحظه امکان‌ناپذیر بودن دسترسی آنان به آیدول مورد نظرشان یا با احساس احتمال گرایش آیدول مورد علاقه به دختری دیگر، عشق تخیلی خود را بر باد رفته دیده، افسردگی را تجربه می‌کنند.

بعضی از هواداران در مصاحبه‌های خویش اذعان داشته‌اند که در جریان طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، «عصبی شدن» را تجربه کرده‌اند. در شایع‌ترین حالات، عصبی شدن هواداران به ظلم کمپانی به ستاره‌ها و مقایسه امکانات رفاهی قلیل خودشان با امکانات رفاهی گسترده ستاره‌ها باز می‌گردد. اما در موارد بعد، عشق تخیلی دختران هوادار به ستاره‌ها و احساس رقیبانی که فراروی آن‌ها قرار دارند یا آینده نامعلوم عشق تخیلی آنان، اسباب ناراحت و عصبی شدن این دسته از هواداران را فراهم آورده است. ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه خویش از عصبی شدن خود در جریان هواداری گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«... خیلی دوست ندارم در مورد بی‌تی‌اس با دخترا حرف بزنم.

- چرا؟

جیمین<sup>۱</sup> رو خیلی دوست دارم، حتی بک‌گراند<sup>۲</sup> گوشیم هم عکس جیمین هست. تم<sup>۳</sup> گوشیم هم تم بی‌تی‌اسه.

حسودی می‌کنم یه کم اگه کسی از فامیل مثلاً جیمین رو دوست داشته باشه. یه جورایی بدم میاد. دوست دارم آس باشم.

- اگر قرار باشد به جیمین یک نقش در زندگی بدی، دوست داری این نقش چی باشه؟ مثل پدر، برادر و از این دست نقش‌ها.

دوست پسرم بهترین نقشی هست که بهش حتماً می‌دم.

- یعنی الان هم به عنوان یک دوست پسر به جیمین نگاه می‌کنی؟

نه، الان خب دوست پسر نیست، ولی پیشنهاد بده رو هوا قبول می‌کنم (باخنده). من خیلی دوستش دارم، ولی براش نقشی نمی‌تونم در نظر بگیرم، چون باید باشه و واقعاً اون نقش رو قبول کنه، اما توی ذهنم چرا بهش فکر کردم، نمی‌تونم انکارش کنم. موقع آهنگ گوش دادن که فکرهام خیلی زیاد می‌شه، نمی‌تونم جلوی این فکرها رو بگیرم.

- چه فکرهایی؟

1- Jimin

2- Background

3- Theme

همین که چه قدر دوستش دارم و گاهی اوقات حتی فکرم این هست که چرا من باید این قدر ذهنم درگیر جیمین باشم. می‌دونین خیلی درگیرشم و البته می‌دونم که چه قدر مسخره هست.

- این که دوست نداری کسی جز تو به جیمین ابراز علاقه کنه، ارتباطی با شدت علاقه‌ای که به جیمین داری، داره؟

بله، صد در صد. هم آس بودنم توی جمع و هم میزان علاقه خیلی خیلی زیادی که بهش دارم، باعث می‌شه نتونم تحمل کنم کسی جز من بگه به جیمین علاقه دارم. انگار ماله منه یا صاحبشم یه همچین چیزی».

مواجهه هواداران با ستاره‌هایی که شرط پذیرش اولیه آنان چهره زیباییشان بوده است و در ادامه در جریان تمرین‌های مدام ورزشی و حرف‌های خویش و تغذیه حساب شده و دقیق، به اندامی جذاب دست یافته‌اند، زیبایی فیزیکی قابل توجهی را به ستاره‌ها بخشیده است. مضاف بر این، جذابیت رنگ‌های متنوع مو، زیورآلات به کار گرفته شده، پوشیدن البسه برند و البسه طراحی شده توسط طراحان مد، جذابیت فزون‌تری را برای ستاره‌ها فراهم می‌آورد.

هواداران در برخورد با ستاره‌هایی که با توجه به شرایط پیش‌گفته، از جذابیت قابل توجهی برخوردارند، در بازگشت به خویش و مقایسه خود با آنان، در می‌یابند که از استانداردهای زیبایی ستاره‌ها دور هستند و اتخاذ تمهیداتی که اندام آنان را شبیه اندام ستاره‌ها کند (نظیر پیش گرفتن رژیم‌های غذایی سخت‌گیرانه) برای آنان بسیار دشوار می‌نماید. از این رو در یک جمع‌بندی ساده، شکست و به دنبال آن، بدشکلی بدنی خویش را نتیجه می‌گیرند، در حالی که اگر این افراد با ستاره‌ها سروکاری نداشتند، آستانه ادراکی آنان بالا نرفته بود و شاید هیچ‌گاه مسأله «بدشکلی بدنی» برای آنان مطرح نمی‌شد و از اندام خویش رضایت خاطر داشتند. اظهارات نرگس ۲۱ ساله و فرشته ۱۹ ساله، مصادیقی در همین جهت را به دست می‌دهند:

«- یعنی دلت می‌خواست بری کره؟»

قطعاً. من خب همیشه حتی قبل از این که سمت بی‌تی‌اس و کی‌پاپ برم عاشق کی‌دراما بودم و کره جزو کشورای مورد علاقه‌ام بود. خیلی دوستش داشتم. یادمه اون موقع که طرفدار بی‌تی‌اس شدم، همه‌اش پرس و جو می‌کردم و توی اینترنت اطلاعات درمی‌آوردن که چه جوری می‌شه به کره مهاجرت کرد. یکی از راه‌هاش درس و مهاجرت تحصیلی بود. ولی من چون درس خوندن رو دوست نداشتم، یه راه دیگه رو کشف کردم. یکی از هم‌کلاسیام تو کلاس هیپ‌هاپم بهم گفت، تو که دنس خوبه و این قدر کره رو دوست داری، چرا نمی‌ری آزمون بدی؟ بهم گفت می‌تونی از خودت و دنس ویدیو بگیری و بفرستی برای کمپانی‌های موسیقی، بعد اگر اوکی بودی، بری برای آزمون حضوری و کارآموزی منم تاحالا به ذهنم نرسیده بود که همچین راهی هست. در موردش شنیده بودم، اما اون قدری اطلاعات نداشتم. منم که خب آرزوم بود برم دنس بشم. یه بار یه ویدیو از دنس ضبط کردم و درخواست دادم که اگر امکانش هست، نگاه کنن تا شاید بتونم آزمون اصلی رو بدم. خیلی هم دنس خوبی رفتم، اما خب اون قدرم راحت نیست که تا ویدیو بفرستی جوابت رو بدن. یادم نیست دقیقاً برای کجا فرستادم. ولی خب جوابی هم نگرفتم ازشون و یه جورایی ناامید شدم. بعد با خودم فکر کردم، حتماً به خاطر این که قیافه‌ام شبیه به آیدولای دختر و دنسرای دختر نیست یا خوشگل نیستم، جوابم رو ندادن. هی‌کلم اوکی بود چون برای دنس باید هی‌کلت خوب باشه، ولی اون موقع این تصور که پوستم سبزه هست و قیافه‌ی خوشگلی ندارم، اذیتم کرد».

«یه مدت سردردای خیلی بدی می‌گرفتم به مدت چندساعت. سیستم هورمونی بدنم خیلی بهم ریخته بود و مجبور شدم برم دکتر. همونجا بهم گفت که اگر بخوام این طوری ادامه بدم، چه بلایی سرم میاد. می‌شه گفت از همونجا بود که کم‌کم فاصله گرفتم از کی‌پاپ.

- چرا؟

چون خب احساس می‌کردم آسیب دیدم به خاطرش. هر چی بیش‌تر تو فندوم بودم و محتوای مربوط به گروه‌ها رو می‌دیدم، بیش‌تر از خودم متنفر می‌شدم. فقط هم هی‌کلم نبود، با صورتم مشکل پیدا کرده بودم. خیلی جدی تو فکر عمل بینی بودم. در حالی که می‌دونستم به ورزش کردنم آسیب می‌زنه. رفتم جلوتر متوجه شدم واقعاً ارزشش رو نداره».

مفهوم «بیگانگی»<sup>۱</sup> نیز از جمله مفاهیمی است که از دیرباز در متون دینی، فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی مورد توجه بوده است. در بیگانگی از خود، فرد خودیت خویش را ترک کرده، به گونه‌ای رفتار می‌کند که مطلوب طبع دیگران واقع شود، ولی خود واقعی‌اش آن را قبول ندارد.

در بیگانگی از جامعه فرد از واقعیات فرهنگی - اجتماعی خودش جدا شده، آدمی به جای آن که مبتنی بر خواست جامعه خویش رفتار کند، مبتنی بر خواست جوامع غیرخودی رفتار می‌کند.

شقایق ۱۹ ساله در مصاحبه‌اش، به قرار زیر به طرح از خودبیگانگی شدن برخی از هواداران پرداخته است:

«- یعنی این افراد به لحاظ فرهنگی مغلوب اون‌ها شدن؟»

آره دیگه، زبون اونا، استایل‌شون، حرفاشون، خنده‌شون شده فرهنگ اینا. مثلاً زبون خود طرف فارسیه، خب بعد میاد کل پیتش رو تغییر می‌ده به زبون اونا، حتی عکس یکی دیگه رو می‌ذاره رو پروفایلش یا افکت‌های کره‌ایا رو می‌ذاره رو صورتش که عین اونا بیفته بذاره پروفایل (تعجب). کپشن‌های پستاش رو کره‌ای می‌نویسه، یه جوریه که واقعاً حس می‌کنی طرف اون جاییه اصن (خنده)».

مجموعه آنچه که افراد پیش‌گفته، در صدد انجام دادن آن‌ها برآمده اند، با برچسب اختلال روانی از خودبیگانگی قابل تبیین است، به این معنا که در اختلال از خود بیگانگی، فرد بدون توجه به عواطف و احساسات درونی خویش، تنها و تنها برای آن که در چشم دیگران جلوه‌گر شود، به روشی عمل می‌کند که این مسأله محقق شود.

«اعتیاد و وابستگی»، مقوله دیگری است که کاربران قابل توجهی در مصاحبه‌هایشان بدان اشاره داشته اند.

بررسی‌های انجام شده حکایت از آن دارند که در آغاز کاربری از یک مقوله جدید (مثلاً یک فناوری تازه)، در ابتدا میزان کاربری کاربران از آن مورد، زیاد است، ولی در ادامه، با از دست رفتن جذابیت تازگی آن پدیده میزان کاربری از آن تعدیل شده، در حد عادی قرار می‌گیرد.

دیبای ۱۵ ساله در مصاحبه‌اش از تعدیل علایق مفرط خویش در گذر زمان به گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کردن است:

«- دیبا جان آیا تا به حال شده که به این فکر کنی یا دلت بخواد که ستاره بشی؟»

بله، بهش فکر که کردم. می‌دونی اون اوایل خیلی بیش‌تر به این موضوع فکر می‌کردم، چون خیلی کنسرت‌ها و اجراهای قشنگی دارن و کلی فن دارن و رقص، آهنگ، کانسپت‌های موزیک ویدیوها، لباس‌ها و میکاپ‌هاشون خیلی باحاله و خب من رو خیلی جذب می‌کرد و دلم می‌خواست شبیه‌شون باشم و اون کارها رو انجام بدم و خیلی‌ها دوستم داشته باشن و حتی الان هم که به چیزهای باحالش فکر می‌کنم، دوست دارم، ولی خب در حد فانتزیه، نه چیزی فراتر از این که مثلاً بخوام کاری بکنم، ولی در کل خیلی خوانندگی رو دوست دارم.

از یه زمانی به بعد که تکامل عقلی‌ام بیش‌تر شد، دیگه دوست دارم بیش‌تر به زندگی خودم پردازم و به فکر آیدول شدن نباشم، چون خیلی راه سختیه تا به اون مرحله برسی».

۱ - واژه بیگانگی در فرهنگ لغت آکسفورد، به معنای بیگانه شدن با دوستان، واگذار کردن، انتقال دادن و از خودبیگانگی کردن آمده است. در فرهنگ نامه‌های فارسی، واژه بیگانگی به معنای غریب و اجنبی بودن، ناآشنایی و ناشناس و نیز در مقابل خودی آمده است. همچنین مترادف فقدان عقل و منطقی است، به گونه‌ای که به ابراز عجز در برابر شناخت واقعیات زندگی منجر می‌شود. میشل معتقد است که موضوع‌های بیگانگی متعدد است. بیگانگی از خود، بیگانگی از دیگران و بیگانگی از جامعه و نهادهای وابسته آن، همگی اشکالی از بیگانگی هستند (موسوی و حیدرپور، ۱۳۹۰).

اما در برخی از موارد مشاهده می‌شود که کاربری کاربران از پدیده مورد نظر، به جای تعدیل یافتن، بیش‌تر شده، منجر به ایجاد اختلال در زندگی روزمره فرد می‌شود، در این صورت از رفتار مورد بحث، می‌توان با عنوان وابستگی و اعتیاد یاد کرد.

وابستگی مورد اشاره از سوی جمعیت مورد بررسی در برخی از موارد به گروه، در موارد دیگری به شخصیت‌های گروه بی‌تی‌اس و سرانجام گاهی به محصول‌های تولید شده درباره ستاره‌ها (نظیر فن‌فیکشن‌ها و داستان‌نویسی‌های غالباً هرزه‌نگار)، بوده است.

دیپای ۱۵ ساله و رخساره ۱۶ ساله در مصاحبه‌هایشان در مورد وابستگی خودشان به گروه و فریبای ۴۶ ساله، در بیاناتش در مورد وابستگی دخترش به گروه پسران، به قرار زیر یاد کرده اند:

«... می‌دونم کسانی که حمایت می‌کنن خیلی از وقتشون رو برای این کارها می‌گذارن، ولی من خیلی علاقه ندارم توی فضای مجازی باشم چون یه جورایی حس می‌کنم که اعتیاد پیدا کردم، برای همین فقط سعی می‌کنم بی‌تی‌اس رو دنبال کنم تا خودم رو آرام کنم.»  
«- حرف‌هاشون را باور می‌کنی؟»

آره واقعاً. حس می‌کنم که یکی واقعاً بهم اهمیت می‌ده.

- بعد اون موقع که قرار بود اینا برن سربازی و قبل از این که قراردادشون رو تمدید کنن، چه حال و هوایی داشتی؟

امم. ناراحت بودم. همه‌اش، همه‌اش به فکر این بودم که اگه دیس‌بند شدن من چه کار کنم. بدون اون‌ها نمی‌تونم، گریه‌ام در می‌اومد.  
«... دخترم یه مدت معتاد ویدیوهای بی‌تی‌اس شده بود، صبح تا شب می‌دید تا این که من و باباش باهم تصمیم گرفتیم گوشی رو ازش بگیریم. هم درسش داشت افت می‌کرد، هم انگار معتاد گوشی شده بود.»

- معتاد گوشی یا بی‌تی‌اس هستی؟

بهبتره بگم معتاد بی‌تی‌اس شده بود و به خاطر بی‌تی‌اس گوشی دستش می‌گرفت.»

گلاره ۱۴ ساله و فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته اند، از وابستگی خود به آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس به شرح زیر یاد کرده اند:  
«- توی این ساعات چه کارهایی انجام می‌دی؟»

آهنگ گوش می‌دم، ویدیو و عکس می‌بینم و اخبار جدید رو می‌بینم.

- اگه یه روزی نتونی این مقدار زمان رو برای دنبال کردن بی‌تی‌اس بگذاری، چه حالی پیدا می‌کنی؟

آهنگ گوش کردن رو که تقریباً حدود ۵ ساعت از فقط آهنگ گوش می‌دم و معتادم (می‌خندد) و خیلی بیش‌تر هم ممکنه بشه، چون کلاً تو انجام دادن همه کارهام آهنگ گوش دادم و بدون آهنگ واقعاً نمی‌تونم کار کنم و حالم بد می‌شه.»

«- الان شما وابسته به یکی از اعضا یا کل گروه بی‌تی‌اس هستید؟»

اگر معنی وابستگی این باشه که وقتی غذا می‌پزم، یا به محض این که از خواب بیدار می‌شم صبح‌ها و شب از خوابم می‌زنم تا به آهنگ گوش بدم و خیلی هم زمان از دست می‌دم و خیلی هم احساس گناه می‌کنم، اسمش وابستگی هست، خب بله من وابسته هستم.»

نگین ۱۳ ساله و پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته اند، از وابستگی خویش به برخی از اعضای گروه پسران بی‌تی‌اس یاد کرده اند:

«- تشکیل دادن گروه دخترانه چه احساساتی در مخاطب‌ها ایجاد کرده است؟»

نمی‌دونم راستش، ولی چیزی که من می‌دونم اینه که وقتی بی‌تی‌اس دیس‌بند بشه، قطعاً خیلی از آرمی‌ها افسرده می‌شن، مثلاً خود دوست‌های من این قدر وابسته گروه بی‌تی‌اس هستن خود من همین طور که اگر یک روزی به ما بگن که دیگه قرار نیست چیزی باشه، ما دیگه کلاً انگار زندگی برامون معنا نداره (هنگامی که راجع به این مسایل صحبت می‌کرد، به وضوح اضطراب و تشویش در کلامش مشهود بود).



... وقتی معلوم شد که یکی از اعضاء باید بره سربازی یک‌سری فیلم‌ها از دم کمپانی اومد، می‌شه گفت همه آرمی‌ها رفته بودن دم کمپانی و داشتن شعار می‌دادن که نفرستن اعضاء را سربازی و خوب قسمت خنده‌داراش اینه که تو مدرسه ما آرمی خیلی زیاده و مامان من که یک بار اومده بود مدرسه، گفت اومدم دیدیم همه دارن اشک می‌ریزن و با خودش فکر کرده بود که مدیری، کسی فوت کرده و وقتی از یکی از مادرها پرسیده بود که چی شده، اون گفته بود که چون یکی از اعضاء بی‌تی‌اس داره می‌ره سربازی، بچه‌ها عزادار شدنند.»

«توی این دو سال وقتی بوده که حس کنی علاقه‌ات بهشون کم‌تر شده یا چیزی باعث شده که حس کنی دیگه به شدت اوایل طرفدارشون نیستی و مثل رپ فارسی کنار بگذاری شون؟

نه اصلاً. من شبم روز نمی‌شه اگر که از پسرا بی‌خبر باشم. اونا الآن جزئی از زندگی من هستند و صرفاً خواننده‌های مورد علاقه‌ام نیستن. می‌میرم بدون اونا.»

پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، به نوعی از اعتیاد و وابستگی خودش به مطالعه داستان‌نویسی (فن‌فیکشن)‌های مرتبط با اعضاء گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است:

«تو خودت چه سبک و ژانری رو دوست داری و چه قدر برای خوندن این موارد وقت می‌گذاری؟

من تقریباً هر روز می‌رم واتپد و فیک می‌خونم. البته الآن به کم به خاطر نت و اینا نمی‌تونم زیاد برم و صرف وقتم کم‌تر شده. به وقتایی بود که تو به روز دوتا فیک تموم می‌کردم. به جورایی می‌تونم بگم تو واتپد چتر شدم. معتاد محسوب می‌شم (می‌خندد)، و این که کلاً برام موضوع مهم نیست. قلم به نویسنده رو خوشم بیاد می‌خونم. دیگه مهم نیست که موضوع و ژانرش چی‌ه. قشنگ باشه، می‌خونم. البته اینم بگم قلم قشنگ باشه، ولی مثلاً موضوع زننده و خیلی بدی داشته باشه رو نمی‌خونم. چون خیلیا قلم‌شون قشنگه، ولی محتوایی که داستان‌شون داره خیلی مزخرفه.»

برخی از هواداران مصاحبه شده، علایمی از اختلال‌های روان - تنی را در مصاحبه خویش گزارش داده‌اند. مرضیه ۱۹ ساله در مصاحبه خود علایمی از اختلال روان - تنی را به قرار زیر گزارش کرده است:

«در مورد علایم فیزیولوژیکی که وقتی هیت می‌بینی یا در مقابل ویدیوهای خوب و مثبت در مورد اعضاء می‌بینی، می‌تونی توضیح بدی؟ هیت می‌بینم، پوکر می‌شم و می‌گم چرا این طوری می‌گن و لب و لوچه‌ام آویزون می‌شه، شاید اگه خیلی ادامه پیدا کنه، معده‌ام هم یاری نکنه و می‌سوزه و پدرم رو در میاره، ولی ویدیوهای خوب‌شون، مثل آب روی آتیشه همه چی رو می‌شوره می‌بره و لبخند رو مهمون لبام می‌کنه.»

### بی‌هویتی جنسی

برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس هدف غایی کمپانی بیگ‌هیت را به لحاظ اقتصادی کسب سود و به لحاظ فرهنگی از بین بردن و جنسیت‌زدایی از پوشش، آرایش و عشق عنوان کرده‌اند. به این معنا که کمپانی بیگ‌هیت در کنار الزام کاربری آرایش‌های خاص زن‌ها برای ستاره‌ها و تأکید در جنسیت‌زدایی از پوشش در سطح ستاره‌ها، جنسیت‌زدایی از عشق را نیز در دستور کار ستاره‌های خویش قرار داده است و از آنان می‌خواهد که مثلاً گاهی با بوسیدن لب‌های یکدیگر در حین اجراء، شائبه هم‌جنس‌گرایی خود را بر سر زبان‌ها بیندازند و گاهی با ستایش از ستاره‌های زن، خود را متمایل به جنس مخالف نشان دهند.

الزام کمپانی در جهت بی‌هویتی کردن جنسیت مردانه توسط ستاره‌های بی‌تی‌اس، مقدمه مناسبی در جهت جا انداختن نظریه جنسیت‌زدایی از عشق به شمار می‌رود. به این معنا که ستاره‌ها با آرایش، پوشش و پیش گرفتن حرکات، سکناات و رفتارهایی که ظاهری تقریباً زنانه بدان‌ها می‌بخشد، در عمل در راستای تحکیم بیش از پیش نظریه جنسیت‌زدایی از عشق گام برمی‌دارند.

هواداران مصاحبه شده، در توصیف ویژگی‌های هویت جدیدی که پسران بی‌تی‌اس در عمل به طرح آن پرداخته و در جهت تحکیم آن می‌کوشند، از مواردی مانند: برخورداری از چهره دخترانه، کاربری از طلاجات و زیور آلات (زنانه)، نیمه برهنگی‌های تحریک‌آمیز جنسی، برخورداری از ملایمت زنانه در اعمال، انجام رفتارهای پرناز و عشوه دخترانه، کاربری از آرایش، گریم و رنگ موی زنانه، کاربری از رنگ‌هایی که بیش‌تر توسط دختران مورد استفاده قرار می‌گیرند، برخورداری از صدای دخترانه و نظایر آن یاد کرده‌اند.

نگین ۱۳ ساله با اشاره به نقد اولیاء در مورد چهره دخترانه اعضای بی‌تی‌اس، تأکید می‌کند که برای نسل وی این مسایل مطرح نیست. ثنای ۱۶ ساله که از کت و شلوار جیمین کپی‌برداری کرده و مشابه آن را برای خود سفارش می‌دهد، اصولاً قیافه جیمین را دخترانه می‌داند. احسان ۱۷ ساله نیز در مصاحبه خود با تأکید این که چهره اعضای بی‌تی‌اس دخترانه است، از کاربری آنان از طلاجات و زیور آلاتی که بیش‌تر صبغه زنانه دارند، یاد کرده است.

«الآن کلاً از هر پدر و مادری که بپرسین، هر خواننده مردی را که ببینن می‌گن چرا این‌ها شبیه دخترها هستن، ولی به نظر من، مرد بودن به این نیست که طرف ریش داشته باشه، می‌تونه طرف خیلی تمیز باشه، مهربان باشه، کمک کنه به همه، این خودش یک نشانه مرد بودن هست، ولی مثلاً والدین الآن این جور می‌گن که این پسر دخترنما چیه داری نگاه می‌کنی؟! این‌ها چی دارن که ازشون خوشتر میاد؟ اصلاً نمی‌دونن که این‌ها جون چند هزار نفر را نجات دادن، به چند هزار نفر کمک کردن که راهشون را پیدا کنن.

– فکر می‌کنی نحوه پوشش ستاره‌ها با کمکی که به افراد می‌کنند، چه ارتباطی دارد؟

به نظرم ربطی نداره، ولی الآن پدر و مادرها فکر می‌کنن، مردها حق ندارن آرایش کنن، در صورتی که کلاً نسل ما برای چیزی زن و مرد قایل نیست. اگر یک مرد را با پیراهن صورتی ببینه، می‌گه خوب دوست داره دیگه به ما چه اصلاً، ولی والدین می‌گن وا، یعنی چی، طرف مرده، برای چی باید پیراهن صورتی بپوشه».

«– چرا به کت و شلوار علاقه‌مند شدی؟»

جیمین و دوستاش خیلی کت و شلوار تن‌شون می‌کنن.

– یعنی فقط به خاطر این که آن‌ها کت و شلوار می‌پوشند، دوست داری تو هم بپوشی؟

جذاب و کیوت‌تر می‌شن، وقتی کت و شلوار تن می‌کنن.

– خوب آن‌ها جذاب و کیوت می‌شوند، تو چرا می‌خواهی بپوشی؟

به نظرم مثل جیمین به من هم میاد کت و شلوار. یه تصویری توی ذهنم از کت و شلوار دارم.

– کت و شلوار مگر مردانه نیست؟

نه کی گفته. اتفاقاً زنونه‌اش هم هست. تازه جیمین شبیه دختر است تا پسر (باخنده) اون قدم بهش میاد که نگو».

«– احسان این درسته که گروه بی‌تی‌اس اعتقاد داره بین زن و مرد هیچ تفاوتی نیست؟»

بله، کاملاً معتقد به اصل برابری زن و مرد هستن. بعد خودشون هویت جنسی مشخصی ندارند. از نظر چهره و آرایش صورت مثل خانم‌ها هستن، ولی از نظر فیزیک بدنی مثل آقایان هستن و معتقد هستن همون طوری که دخترها آرایش می‌کنند و طلاجات به خودشون آویزان می‌کنند، پسرها هم می‌تونن و این تفکرشون باعث شده هواداران دختر و پسر زیادی داشته باشن.

– این عدم تفکیک جنسیتی چه تأثیری روی هواداران گذاشته؟

باعث شده که اکثر پسران هوادار به تقلید از آیدول‌ها آرایش کنند و مثل دخترها به خودشون زنجیر و طلاجات آویزان کنند و موهاشون رو رنگ کنند و در این میان هواداران دختر هم از آرایش‌شون تقلید می‌کنن، هم از پوشش و مد لباس‌هاشون».

مسعود ۲۰ ساله و محسن ۲۲ ساله، با اشاره به بدن پسران بی‌تی‌اس (که همواره موهای آن تراشیده شده است)، بدن ستاره‌ها را به بدن دختران تشبیه کرده و خاطر نشان کرده اند که به همین دلیل، بدن نیمه برهنه پسران بی‌تی‌اس (برخلاف بدن نیمه برهنه مردان کشتی‌گیر)، تحریک جنسی مخاطبان مرد را به همراه داشته، به نوعی مشوق هم‌جنس‌گرایی برای آنان است:

«چه تفاوتی بین پسران بی‌تی‌اس و ورزشکارها می‌بینی؟»

پسران گروه بی‌تی‌اس قشنگی شکل و قیافه و ظاهرشون همه مثل دخترها هس. مثلاً اگر یه پای لخت هر کدام از اعضاء رو کنار پای لخت یه دختر بذاری و روی بقیه بدن شون رو بیوشانی هیچ کس نمی‌تونه تشخیص بده کدام پا مال دختر و کدام پا مال پسرای بی‌تی‌اس هست. برای همینه وقتی پسران بی‌تی‌اس نیمه برهنه بیوشن، چون هیبت مردانه‌ای ندارند، دیدن بدن شون باعث لذت می‌شه و تهمت‌ها هس که بهشون می‌زنن، ولی مثلاً کشتی‌گیرها با این که نیمه برهنه هستن، این جور حسی رو در تماشاچیان خودشون چه زن و چه مرد، ایجاد نمی‌کنن.»

«بی‌تی‌اس چه نقاط ضعفی دارد؟»

(بعد از حدود دو، سه دقیقه فکر کردن) تو رو خدا این حرف رو می‌زنم برداشت بد نکنید.

– نه بدون قضاوت گوش می‌دهم، خیالت راحت باشد.

همجنس باز نیستم، اما بعضی وقتا که عکساشون رو می‌بینم تحریک می‌شم. عجیبه خب من پسری هستم که استریت هستم و گی نیستم، ولی این قدر آرایش می‌کنن و جذاب هستن که تحریک می‌شم.

– یعنی آرایش غلیظی دارن؟

غلیظ نه، به نظرم گریمرشون دقیقاً داره آرایش شون می‌کنه برای جذب پسر. یه طوری آرایش می‌کنن که دقیقاً تو چشم من زیبا و جذاب به نظر برسن.

– این نقطه ضعف هست برای آن‌ها؟

دارن تحمیل می‌کنن همجنس بازی رو به منی که هوادارم.

– چه طور همجنس‌گرایی را به شما تحمیل می‌کنند؟

گفتم که یه طوری آرایش می‌کنن که یه پسر هم از آیدول‌ها خوشش میاد.

– مگر این که کسی از یک آیدول خوشش بیاید، یعنی آیدول برای او جذابیت جنسی دارد؟

خب جذابیت جنسی دارن واسه پسر.

– از کجا متوجه می‌شوی برای پسرها جذابیت جنسی دارن؟

با دوستان صحبت کردم دیگه، اونام می‌گن که خوشگل ان.

– یعنی دوستان تو به صراحت اعلام کردند که ستاره‌های بی‌تی‌اس براشون جذابیت جنسی دارن؟

بله، دقیقاً، وقتی من با سه، چهارتا از دوستان دور هم بودیم، اینا رو گفتن.

– چه چیزی دقیقاً برای شما و دوستانتان جذابیت جنسی دارد؟

رژ لبی که می‌زنن، لباسای تنگی که می‌پوشن، این که خیلی سفید هستن و سفید کننده هم استفاده می‌کنن. دیگه این که مدل موهاشون جذابه. حرف زدن شون توی چندتا ویدیو رو هم شنیدم، انصافاً صدای نازی دارن.

– یعنی به خاطر جذب مخاطب این طوری لباس می‌پوشند و آرایش می‌کنند؟

من که این طوری فکر می‌کنم.

- پس کجا ترویج همجنس بازی می‌کنند؟ این‌ها را که گفتی به خاطر جذب مخاطب هست. مگر تا به حال مستقیم اعلام کردند که همجنس‌گرا هستند؟

نه چند دقیقه پیشم گفتم، در مورد سفید بودن که اینا خیلی چیزا رو مستقیم که نمی‌گن، ولی همین که من به یه پسر علاقه‌مند می‌شم و فانتزی‌هایی رو توی سرم تصور می‌کنم، همین تشویق به همجنس بازی! از نظر من که این طوریه. لازم نیست که حتماً یه بلندگو بردارن داد بزنن، ما همجنس بازییم».

احسان ۱۷ ساله، با تأکید این که پسران گروه بی‌تی‌اس، به دلیل کاربری از آرایش و پوشش زنانه، هیبت مردانه خویش را از دست داده‌اند، آنان را ملایم‌تر و مهربان‌تر از دیگر مردان می‌داند و محسن ۲۲ ساله با تأیید این مسأله که اعضای گروه از رفتاری دخترانه برخوردارند، از ناز و عشوه دخترانه ستاره‌ها، در جریان اجرایشان یاد می‌کند:

«- عدم تفکیک جنسیتی در پوشش و لباس چه تأثیر اخلاقی روی هواداران گذاشته؟

چه بسا هواداران پسر قبلاً رفتارهای خشن داشتن، ولی با آرایش و پوشش‌های مشترک زنانه و مردانه انعطاف بیش‌تری به خرج می‌دهند و یا این طور به نظر می‌رسه. آرایش در پسران خواه ناخواه اون ابهت و هیبت مردانه‌شون رو کم رنگ‌تر می‌کنه و در ظاهر ملایم‌تر و مهربان‌تر به نظر می‌رسند».

«... بی‌تی‌اس آهنگ‌هاشون ریتم باحالی داره، ولی به نظرم گروه یه کم زیادی دخترونه هست دیگه.

- یعنی چه؟ اگر ممکن هست لطفاً چند مثال بزن تا من متوجه منظور شما بشوم؟

خیلی ناز و عشوه میان این رفتارها بیش‌تر به دخترا میاد تا پسر. پسر که نباید این قدر ناز و عشوه داشته باشه، اینا دخترونه ان، شایدم چون من تو خانواده‌ای بزرگ شدم که این چیزا رو از پسر ببینم مسخره‌اش می‌کنن، این طوری فکر می‌کنم.

- دو مورد را لطفاً بیش‌تر توضیح بدهید. یکی این که لطفاً مثال‌های بیش‌تری از دخترونه بودن رفتارهای اعضای گروه بی‌تی‌اس ارایه بده. دوم هم این که در مورد خانواده‌ها و این که چرا این رفتارها را نمی‌پذیرند توضیح بدهید و در مورد آن هم مثال بزنید.

کارای دخترونه بی‌تی‌اس آرایش زیادشون هست که همین دوستم هم که گفتم، از این رزای بی‌رنگ می‌زنه، وای نمی‌تونم تصور کنم اگه روش می‌شد خاک تو سر (باخنده) رژ قرمز و بنفشه می‌زد، فکر می‌کنم اینا تأثیر بی‌تی‌اس هست روی دوستم. خودش هم به من گفته که برای قشنگی رژ می‌زنه.

- از دوستت پرسیدی که آیا بی‌تی‌اس تأثیری بر رژ لب زدن او داشته یا خیر؟

بله پرسیدم. گفت که اونا می‌زنن خوشگل می‌شن و حتی گفت، اگه خجالت نمی‌کشیدم حتماً رژ رنگی هم می‌زدم».

کاربری از رنگ‌های جیغ و رنگ‌هایی که بیش‌تر توسط دختران مورد استفاده قرار می‌گیرند، از دیگر مواردی است که برخی از افراد مصاحبه شده، به تأکید آن پرداخته‌اند. محسن ۲۲ ساله، در همین رابطه بیان می‌داشت:

«- باز هم رفتارهای دخترانه دیگری از بی‌تی‌اس دیده‌ای؟

رنگ مورد علاقه دارن همه‌شون، رنگای جیغ دوست دارن.

- همه‌ی آن‌ها؟

نه دیگه همه‌شون، حتی فکر کنم یکی‌شون به مشکلی علاقه زیادی داره، ولی اکثرشون رنگای جیغ رو دوست دارن.

- این بد هست؟

با این که یه پسر رنگ موی مورد علاقه داشته باشه، مشکل دارم، خیلی سوسول بازیه. این چیزا دیگه خز شده.

- یعنی باعث کاهش علاقه تو به بی‌تی‌اس شده؟

آره واقعاً این چیزا علاقه‌ام به بی‌تی‌اس رو کم می‌کنه. خجالت می‌کشم بگم طرفدار بی‌تی‌اس هستم.

– اما یکی از آن‌ها گفتی که به رنگ مشکی علاقه دارد، چرا به اون علاقه نداری؟

مهم اکثریت هست. اکثرشون رفتارهای دخترونه دارن. همونم که رنگ مشکی داره مطمئن هستم که رفتار دخترونه داره».

ثنا ۱۶ ساله، صدای جیمین را دخترانه می‌داند و فریبای ۴۶ ساله هم با تأکید این که پسران بی‌تی‌اس زمختی صدای مردان را ندارند، گریم و رنگ موی آنان را نیز مردانه نمی‌داند:

«– از آهنگ‌های جیمین کدوم رو خیلی دوست داری؟

کریسمس لاو رو عالی خونده. صدای دخترونه و مخملی جیمین عالیه».

«– شما موافقید که دخترتان به حرف پدرش گوش نمی‌ده؟

نه تو همه چیز، ولی اگر قرار بود آیدول‌های بی‌تی‌اس با حرف پدرشون عمل کنن، به اینجا نمی‌رسیدن.

– شما از کجا می‌دانید که پدر ستاره‌ها مشوق بودن یا مانع؟

حدس می‌زنم این طوری بوده باشن. آقایون کلاً همین طوری هستن.

– مگر اعضای بی‌تی‌اس آقا نیستن؟ پس چرا این باور را در مورد آن‌ها ندارید؟

نمی‌دونم، ارتباط خوبی می‌گیرم باهاشون، خوش انرژی هستن، چهره مردونه‌ای ندارن، شاید به خاطر همین احساس نمی‌کنم که دارم در مورد مرد صحبت می‌کنم. ضد مرد نیستم یه وقت اشتباه برداشت نکنید، فقط در مورد ستاره‌های بی‌تی‌اس نمی‌تونم انگار اون تصور مردونه سفت و سخت و زمخت رو داشته باشم. مثلاً همسر خودم خب خیلی هم صداش، هم چهره‌اش و هم لحنش مردونه هست. بحث دوست داشتن نیست، اینجا بحث تصویری هست که از بی‌تی‌اس دارم که نمی‌تونم اون تصویر مردونه رو انگار تجسم کنم. برای همین حس می‌کنم ستاره‌ها یه کم از بقیه مردا متفاوت باشن توی ذهنم که این طوره.

– چه چیزی باعث شده که این طور حس کنید که با بقیه مردها متفاوت هستن؟

چهره‌هاشون مردونه نیست، گریم‌هاشون و رنگ مویی که استفاده می‌کنن مردونه نیست، صدای زمختی ندارن و همه اینا فکر کنم در این حسی که دارم تأثیرگذار بودن».

پونه ۱۸ ساله، در قسمتی از گزارش خودش از اوج‌گیری کاربری از ادبیات هرزه‌نگار در هواداران گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است که این مسأله، همسو با اندیشه جنسیت‌زدایی از عشق به شمار می‌آید.

شیرین ۲۲ ساله هم در مصاحبه‌ای که دارد، از جنسیت‌زدایی از عشق به عنوان یکی از تحول‌های موجود در روابط جنسی افراد جامعه سخن گفته است که این مسأله با طرح هویت جنسی مرزی توسط افراد گروه بی‌تی‌اس، فاصله زیادی ندارد. زیرا هر دو جریان در عمل بر جنسیت‌زدایی از عشق صحه می‌گذارند که از شعارهای مورد علاقه گروه بی‌تی‌اس است:

«– راحت باش. لطفاً هر چیزی که نظرت به یا می‌دونی در موردش بگو.

بین خب این داستانی که نوشته می‌شه تمام رابطه‌ی یه شیپ رو میاد می‌گه توش دیگه، حالا با هر موضوعی یا هر کاپلی که می‌خواد باشه، از آشنایی و علاقه و عشق و دعوا و همه چیز. نویسنده تو داستان خودش همه‌ی اینا رو جا می‌ده. بعد خب یکی از اتفاقای یک رابطه، سکس و رابطه‌ی جنسیه دیگه. می‌تونم بگم نود و نه درصد داستان‌های واتپد یا اینستاگرام و تلگرام داخل‌شون سکس و اسمات داره. حتی خیلی از خواننده‌ها اگر بدونن که اون داستان اسمات نداره، اصلاً سمتش نمی‌رن یا نمی‌خوننش. حتی خیلی از بوک‌ها هستن که کلاً در مورد اسماته (دارای محتوای هرزه‌نگار). بهش می‌گن اسمات بوک. فقط توش میاد مثلاً در غالب یه داستان کوتاه فقط و فقط از سکس دوتا کاپل می‌نویسه و ببخشید که این رو می‌گم، اما خیلی از فنا میان از همین داستان سکسی بین دوتا کاپل لذت می‌برن و بازم ببخشید که این رو می‌گم، اما می‌دونم که خیلیا با این داستانا تحریک می‌شن و اصلاً هم هیچ شرمی ندارن از این قضیه. یه جورایی لذت

می‌برن از خوردن این چیزا یا جدای از این اسمات بوکا، خیلی از داستانای عادی هستن که خب خیلی زیاد تو داستان‌شون اسمات می‌نویسن. مثلاً از هر سه پارت و قسمت داستان یک پارتش اسماته.

خیلی از فنا من بارها دیدم که میان و از نویسنده می‌خوان که اسمات بنویسه براشون یا تو تلگرام خیلی چنلای این مدلی زیاده که میان از دوتا شیپ و کاپل فن آرت‌های سکسی می‌ذارن یا مثلاً داستانای سکسی و اسمات می‌نویسن یا مثلاً ویس شبیه به صدای آیدولا می‌ذارن که مثلاً دارن باهم سکس می‌کنن. این چیز یکی، دو ساله انگار خیلی زیاد شده. من که خودم از وقتی فن شدم این چیزا بود، اما از بچه‌های قدیم پرسیدم، گفتن که آره، قبلاً اصلاً فضای فن‌دوم این جور نبود و الآن خیلی زیاد شده، خیلیا به خاطر همین اتفاقای درون فن‌دومی زده شدن از همه چیز و کلاً ول کردن رفتن فن‌دوم و بی‌تی‌اس رو.

- یعنی با آگاهی می‌خونن که نیاز جنسی‌شون رفع بشه؟

آره بابا، من خیلیا رو می‌شناسم که خودشون گفتن هر وقت این اسماتا رو می‌خونن، هورمونی می‌شن یه جورایی و حالا دست به یه سری کارا می‌زنن. دیگه براشون مهم نیست که این کارشون چه خوردن بیش از حد، چه تخلیه‌ی نیاز با خوردن داستانای سکسی در مورد آیدول، چه قدر کار زشتیه. هر چه قدر هم بگی، اهمیت نمی‌دن. همین که کیف می‌کنن و رفع نیاز می‌کنن براشون بسه. عقل ندارن واقعاً.

«- بین دوستان و هنرآموزهای تو گرایش‌های جنسی غیردگرجنس‌گرا چه طوریه؟»

خیلی زیاد شده، ولی من حس نمی‌کنم به خاطر بی‌تی‌اس باشه. چون اتفاقاً تمام کسانی که من می‌شناسم و طرفدار بی‌تی‌اس هستن، دخترن و یه دختر دوست داره همون به چشم یه دختر به آیدولش نگاه کنه. می‌دونی چی می‌گم؟ یعنی اونا رو به چشم دوست پسرش می‌بینه.

- دخترهایی که طرفدار بلک‌پینک هستن، گرایش‌های هم‌جنس‌گرایانه ندارن؟

نه، من ندیدم که هم‌جنس‌گرا باشن. ولی توی جامعه خیلی می‌بینم که خیلی زیاد شده، بدون این که اینا طرفدار بی‌تی‌اس باشن. ولی کلاً خیلی زیاد شده و برای خودمم سواله که چرا حتی نسبت به دو سال پیش این قدر بیشتر شده!

- به نظرت یک عاملش رسانه‌ها و فیلم‌ها و سریال‌ها و تمرکز بیش‌تر بر روی مسایل گروه‌های اقلیت جنسی نیست؟

چرا. به نظرم هم یه جور باعث جوّ شده. مثلاً دوستی که من داشتم تا همین چند وقت قبل دوست پسر داشته، الآن یه دفعه می‌گه من هم‌جنس‌گرا یا یکی می‌گه من خودم رو عضو ال‌جی‌بی‌تی یا کویر می‌دونم یا یکی دیگه می‌گه اصلاً من خودم رو مذکر یا مؤنث نمی‌دونم. این یه بخشیش به نظرم جوّ هست. انگار مده. یه چیز تازه هس. اما یه بخش دیگه‌اش هم اینه که خب این تمایل‌ها وجود داشته و الآن چون درباره‌اش آزادتر می‌شه حرف زد، انگار به رسمیت شناخته شده و طرف می‌تونه توی خودش بپذیردش. البته بازم سوال برای من هستش که این رسانه‌ها و تبلیغاتی که می‌گی دو سال پیش هم بودش، ولی این قدر این گرایش‌ها مثل الآن زیاد نبود.

- نظر دوستان و هنرآموزان شما درباره کویرها و ال‌جی‌بی‌تی چیه؟

همون حرف بی‌تی‌اس رو می‌زنن. یعنی بد نمی‌دونن و می‌گن اون چیزی باید باشه که خودت دوست داری.»

مجموعه آنچه به اجمال از آن یاد شده دلالت بر ترویج (عامدانه یا غیرعامدانه) بی‌هویتی جنسی توسط پسران گروه بی‌تی‌اس دارد.

### سایر مسایل روان‌شناختی

تا اینجا از برخی از تبعات و پیامدهای روان‌شناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس مانند: سردرگمی‌های نوجوانی، انگیزه بخشی، افزایش اعتماد به نفس، کمک به بهبود حال بد افراد، آرامش بخشی، شادی‌آفرینی، تعدیل اثرپذیری در گذر زمان، عشق تخیلی، تحقق برخورد مادرانه، ارضای هیجان‌جویی، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار، تخلیه روانی، اتلاف وقت، توهم‌زدگی، بازماندن در ابعاد عینی، کم اثر شدن تدریجی حساسیت‌ها، بروز خطاهای جدی شناختی، بروز برخی از اختلال‌های روانی، بی‌هویتی جنسی، وابستگی و اعتیاد به بی‌تی‌اس یاد

شد. اما پیامدهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس که تاکنون از آن‌ها بحث شد، همه تبعات نبوده، موارد دیگری هم در بررسی میدانی ملاحظه می‌شوند که برخی از این موارد، به قرار زیر هستند:

- ارتقای تفکر انتقادی هواداران،

- افزایش خلاقیت هواداران،

- پذیرش تولید هواداران،

- ایجاد امکانی برای فرافکنی و بروز نسبی ذهنیات ممنوعه افراد،

- به انحراف کشیده شدن کنجکاوی افراد،

- پناه بردن به موسیقی به عنوان یک پناهگاه،

- وقوع پدیده اشباع،

- دامن زدن به احساس حسادت طرفداران،

- کاربری از آثار غالباً هرزه‌نگار،

- حساسیت زدایی نسبت به روابط نامتعارف،

- تحریک جنسی هواداران،

- آسیب خوردن روانی هواداران،

- و بی‌توجهی به بهداشت روانی ستاره‌ها که در ادامه، به اجمال به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

برخی از افراد مصاحبه شده، در جریان مصاحبه‌شان تأکید می‌کردند که در فراز و فرودهای هواداری از پسران بی‌تی‌اس، تاحدودی به «تفکر انتقادی» رسیده‌اند. به این معنا که برخی از هواداران که در ابتدا گروه و کمپانی آن‌ها را به صورت کاملاً ایده‌آل می‌دیدند، ممکن است در گذر زمان و در مواجهه با نیمه تاریک کمپانی و گروه، به این جمع‌بندی برسند که نباید در روند زندگی اجتماعی خویش، برخوردهای صفر و صد را پیش بگیرند و ضرورت دارد که در مواجهه با مسایل مختلف، پس از وقوف به ابعاد مختلف پدیده فرارو، نسبت به جمع‌بندی آن اقدام به عمل آورند.

سارینای ۱۳ ساله و مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خود، مصادیقی از سوق یافتن تفکر کاربران به سمت انتقادی اندیشیدن را در خود به نمایش نهاده‌اند:

«- منظورت از روی تاریک کی‌پاپ رو می‌تونی بیش‌تر توضیح بدی؟»

از اون لحاظ که بگیم مثلاً شیطانی ان و این چیزها منظورم نیست، ولی از لحاظ خیلی چیزهای دیگه آره. برای نمونه می‌شه به مرگ آیدول‌های کی‌پاپ بر اثر خودکشی اشاره کرد که معلوم نیست سر بدبخت‌ها چی آورده بودن، مثلاً جونگ‌هیون از نظرم خیلی مرگش مشکوک بود، چون واقعاً هیچ مشکل خاصی نداشت که البته امیدوارم این جوریه بوده باشه، ولی یهویی خودکشی کرد، ولی یکی مثل سولی که در اثر هیت‌های مردم خودکشی کرد رو می‌شه توجیه کرد، ولی یکی مثل جونگ‌هیون که نسبتاً کم هیت می‌گرفته و هنوز دلیل مرگش مشخص نیست آدم رو مشکوک به کمپانی می‌کنه. خود من خیلی شده فکر کنم که آیا کمپانی می‌تونه مسوول مرگش باشه یا نه، ولی چون پلیس نیستم، نمی‌تونم بیش‌تر از این درباره مرگش اطلاعات دقیق بدم (می‌خندد). البته من منظورم از ورژن دارک کی‌پاپ فقط خودکشی نیست، تجاوزها، آزارهای جنسی، سخت‌گیری‌های پی‌درپی مثلاً جوری که آیدول مجبوره رژیم سخت بگیره و روزی ۱۲ ساعت هم برقصه و این که الان سن آیدول شدن تو کی‌پاپ خیلی اومده پایین، یکی از اعضای آیو فکر می‌کنم الان ۱۴ سالشه بعد اگه بخواد همه این‌ها رو تحمل کنه واقعاً کم میاره.





آخه فقط ویدیو نبود. چت می‌کرد و داستان می‌نوشت.

- داستان چی، کجا می‌نوشت؟

انگار فیلم‌نامه می‌نوشت که شخصیت‌های اصلی داستان همین آیدول‌های بی‌تی‌اس مثل جین و جیمین و وی و بقیه‌شون بودن.

- ژانر داستان‌ها چی بود، عاشقانه، ترسناک، کمدی یا موارد دیگر؟

همه جور بود دیگه توی گوشیش قسمت نوشتن می‌نوشت. خیلی دختر خلاق و باهوشیه، اما مورد ناچوری دیدم که نمی‌دونم چرا واقعاً این کار رو کرد.

(سکوت کردم تا به مصاحبه شونده به خواست خود ادامه دهد بسیار ناراحت به نظر می‌رسید).

باباش هیچ وقت اجازه نمی‌ده روی گوشیش رمز بذاره و خب مدرسه رفتنی گوشه‌ی رو با خودش نمی‌بره. چند روز پیش بود که رفته بود مدرسه و منم تحریک شدم که برم داستان‌ها رو بخونم، البته خودم می‌دونم اشتباه بزرگی کردم شاید هم کار درستی بود، به هر حال توی نوت گوشیش یکی از داستان‌ها اسمش با بقیه فرق می‌کرد نمی‌دونم کار خدا بود، انگار من دقیقاً رفتم سر همون.

- می‌تونم بیرسم که اسم داستان چی بود؟

اسمش که رمزی بود جی‌هات بود، ولی نمی‌دونم معنی‌ش چیه و چرا این اسم رو گذاشته، شاید واسه این که اگه گوشیش رو باز کرد، کسی اهمیت نده به همچین اسمی. تو داستان مثل بقیه داستان‌هایی که نوشته بود تقریباً همه بودن ولی یه تفاوتی داشت که واقعاً برام عجیب بود.

- محتوای داستان چه چیزی بود؟

نمی‌دونم از کجا این چیزا رو یادگرفته، ما همیشه کنترل کردیم با دوستای خوبی بگرده، از اینترنت درست استفاده کنه یا هر چیزی که هست به من بگه، ولی این داستان پر بود از بوسه و چیزای دیگه.

من هم تخیلاتی داشتیم در مورد یکی از آیدول‌ها، ولی نه این طوری.

- اگر دوست دارید و امکانش هست در مورد تصور خودتان هم توضیح دهید.

من داستان‌های دخترم رو که اوایل می‌خوندم، راستش از روی بی‌کاری خودم هم داستان می‌نوشتیم و خیال‌پردازی می‌کردم. یکی از اساتید گفته بودن، کسی که از قوه تخیل قوی‌تری برخوردار باشه، خلاق‌تر می‌شه. توی اینترنت گشتم دیدم داستان نوشتن می‌تونه قوه تخیل رو فعال کنه. اینا رو کنار هم گذاشتم تصمیم گرفتم دیگه شروع کنم منم داستان بنویسم و خب چی بهتر از بی‌تی‌اس که علاقه‌مند هستم به این گروه. ولی همیشه تخیلات من حول و حوش ساختن قهرمان از تک تک اعضای بی‌تی‌اس بود. انگار خودم حس خوبی می‌گیرم وقتی از قهرمانی‌های اونا می‌نویسم، احساس می‌کنم انگار خودم قهرمان هستم و دارم در مورد خودم می‌نویسم».

«ایجاد امکانی برای فرافکنی و بروز نسبی ذهنیات ممنوعه افراد»، مقوله مهم دیگری است که باید بدان توجه لازم را داشت. کمپانی بیگ‌هیت در جریان راه افتادن تک صحنه‌ها (وان‌شات‌ها) و داستان‌سرایی‌ها (فن‌فیکشن‌ها) که تقریباً در سطح جهان در ارتباط با سلبریتی‌ها و چهره‌های شاخص جامعه معمول است، با سکوت و عدم اعتراض جدی در برابر تک صحنه‌ها و داستان‌سرایی‌های مستهجن که از سوی برخی از هواداران، حول و حوش آیدول‌ها پردازش می‌شوند، در عمل عرصه مساعدی را برای مشکل‌دارترین و مسأله‌دارترین افراد جامعه می‌گشاید و آنان فارغ از احتمال پیگیری حقوقی اهانت‌هایی که در تک صحنه‌ها و داستان‌سرایی‌های خودشان دارند، در ذهن خود را گشوده و در پوشش تهیه متن، عمیق‌ترین عواطف و احساسات خویش را برون‌ریزی و فرافکنی می‌کنند.

کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه خود در همین رابطه به شرح زیر بحث کرده است:

«- انواع فن‌فیکشن چی هست و چه محتواهایی تولید می‌شه؟

بین این همه‌اش بستگی به خود اون طرف داره. همون طور که رمانی داریم، رمان عاشقانه‌ی اروتیک داریم که خیلی صحنه‌های زیادی داره، و رمان عاشقانه سافت داریم که صحنه‌های زیادی نداره، و رمان جنایی داریم و رمان پلیسی داریم و رمان هیجانی داریم و چه می‌دونم علمی-تخیلی داریم، فن‌فیکشن هم همین‌ان. هیچ فرقی با رمان و داستانی دیگه ندارن و اون نویسنده خودش تصویری که دوست داره، چی بنویسه و تمام این ژانرها رو شامل می‌شه، و صرفاً از کاراکترهایی استفاده می‌کنه که برای اون خواننده‌ها آشنا ان و طرف می‌تونه تصور بکنه که این، مثلاً حالا این بر فرض میاد اسم فلان خواننده رو میاره به عنوان کاراکتر داستانش، برای کسی که داره می‌خونه راحت‌تره تصورش که میاد اون کاراکتر رو با اون تصویری که تو ذهن خودش هست، تصور می‌کنه...».

کنجکاو، پدیده‌ای فطری است که نه تنها در انسان‌ها، بلکه در حیوان‌ها نیز ملاحظه می‌شود و غالباً انسان‌ها در تلاش هستند تا به کنجکاوهای بی‌حد و حصر خودشان پاسخ مناسب و مقتضی ارایه کنند.

برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس در جریان مصاحبه‌های خودشان در عمل نشان می‌دهند که کنجکاو فطری آنان، با یافتن پاسخ‌های نامناسب به مسیر مناسبی هدایت نشده‌اند. رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه خود از «کنجکاو به انحراف رفته» خویش، به شرح زیر یاد کرده است:

«- داشتی راجع به ویدیوهایی که اعضاء را باهم شیپ می‌کنن، می‌گفتی؟»

بعضی از آرمی‌ها هستن که باشیپ کردن خیلی مخالف ان، بعضی‌ها هم هستن که شیپ کردن رو خیلی دوست دارن. من خودمم به شخصه شیپ‌شون رو خیلی دوست دارم. مثلاً به نشونه‌هایی هم هست که باعث می‌شه آرمی‌هایی که شیپن خیلی بیش‌تر برن توی این موضوع که آره اینا حتماً باهم ان. جیکوپ هم این وسط به کارایی می‌کنه که آرمی‌ها سوژه پیدا می‌کنن.

- اوهوم. بعد آرمی‌هایی که دوست دارن با این سوژه‌ها چه کارهایی می‌کنن؟

کلیپ درست می‌کنن. مثلاً داخل یکی از لایوهاشون که تهیونگ داشت جان کوک رو معرفی می‌کرد، می‌گفت این دوستمه، جان کوک می‌گفت که من دوستتم؟ من رو درست معرفی کن. همین باعث می‌شد که کلیپ خیلی درست کنن آرمی‌ها ازش.»

«پناه بردن به موسیقی به عنوان یک ملجاء و پناهگاه»، به این معنا است که بعضی از هواداران در مصاحبه‌های خویش اذعان داشته‌اند که آنان به دلیل برخی از مشکلاتی که در روند زندگی‌شان داشته‌اند، با پناه جستن به موسیقی، کوشیده‌اند تا مشکلات خویش را به دست فراموشی و نسیان بسپارند که غالباً نیز در این جهت موفق عمل کرده‌اند. فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه‌اش در همین ارتباط بیان می‌دارد:

«- با همسرتان به خاطر این که تا ۲، ۳ شب برای بی‌تی‌اس بیدار می‌مانید، مشکلی ندارید؟»

با همسرمدتی هست که سرد هستیم و یکی از دلایلی که شب‌ها با آهنگ‌های بی‌تی‌اس خودم رو مشغول می‌کنم، عدم توجه همسرمدتی به من هست. اون می‌ره توی گوشیش و منم می‌رم توی گوشی خودم. به من محبت نمی‌کنه و منم برای این که فراموش کنم، می‌رم سراغ آهنگ و کلیپ.»

«وقوع پدیده اشباع»، مقوله روان‌شناختی دیگری است که بعضی از افراد مصاحبه شده از آن یاد کرده‌اند.

پدیده اشباع بیانگر این امر است که با ارایه یک محرک به دفعات زیاد، طرف مقابل به تدریج به حالت اشباع و دلزدگی از محرک یاد شده می‌رسد و همین امر سبب می‌شود، فردی که مثلاً طرفدار یک گروه کی‌پاپ مشخص بود، در گذر زمان نسبت به گروه مورد نظرش به اشباع برسد و علائق اولیه خویش را به سادگی نسبت به گروه مورد علاقه‌اش از دست بدهد.

ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌اش در نمونه‌ای از همین مسأله می‌گوید:

«- دلیل این که بی‌تی‌اس رو بیش‌تر دوست داری چیه؟»

خب هم به جورایی بلک‌پینک تکراری شده بود، هم اعضای بی‌تی‌اس خیلی جذاب‌تر و کیوت‌ترن، الانم که همه بیش‌تر طرفدار بی‌تی‌اس ان و بلک‌پینک کم رنگ‌تر شده. الانم خب بلک‌پینک رو کامل کنار گذاشتم، در کنار بی‌تی‌اس رقص‌های بلک‌پینک رو هم می‌بینم، اما

سبک آهنگ‌ها و اعضای بی‌تی‌اس رو بیش‌تر دوست دارم. بلک‌پینک رو رقص‌هاشون رو بیش‌تر از اعضاهاش دوست دارم، قبلاً اعضاهاشون رو هم دوست داشتم‌ها، اما از وقتی بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنم، دیگه اونا رو زیاد دوست ندارم».

فربای ۴۶ ساله نیز از وقوع پدیده اشباع برای خودش در سال‌های جوانی یاد کرده، انتظار تکرار همین مسأله را برای خود و دخترش که در حال حاضر به شدت طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستند، دارد:

«... موهای جین رو آبی کرده بودن خیلی جذاب شده بود و دخترم تا یه مدت خیلی دلش می‌خواست موهایش رو آبی کنه که از باباش به خاطر همین مسأله هم کتک هم خورد. در نتیجه فکر می‌کنم هم کمپانی و هم آیدول‌ها دوست دارن این جذابیت ظاهری بیش‌تر بشه. این جذابیت تا کجا ادامه پیدا می‌کنه؟ آیا هواداران تا ابد این علاقه را حفظ خواهند کرد؟

شنیدم گفتن تا سال ۲۰۲۵ می‌خوان گروه رو منحل کنن. فکر می‌کنم به همین خاطر منحل می‌کنن، وگرنه چه دلیل دیگه‌ای می‌تونه داشته باشه. هوادار به جایی سیر و اشباع می‌شه. ولی نکته‌اش اینجا هست که دخترم نمی‌تونه این رو قبول کنه که اینا از هم جدا بشن. چرا این اشباع شدن اتفاق می‌افتد؟

چون نمی‌تونن که چهره جدیدی بسازن یا چه قدر می‌خوان لباس عوض کنن یا چه قدر می‌خوان رنگ مو تغییر بدن. سبک درسته متفاوت، ولی صداها تکراری هستن و به جا خیلی خسته کننده می‌شه.

– آیا شما در طول مدتی که هوادار این گروه هستید به این خسته کننده بودن گروه نرسیدید؟

پیش‌بینی می‌کنم یک سال دیگه ادامه بدم این اتفاق بیفته و احتمال می‌دم چون دخترم علاقه بیش‌تری داره، شاید دو سال اما بیش‌تر نمی‌شه. این اولین گروهی نیستن که دوست‌شون دارم. قبل از این گروه یه گروه ایرانی بود که یه کم قدیمی هستن نمی‌دونم شما با توجه سنتون یادتون میاد یا نه گروه آریان که ایرانی بودن.

– بله به خاطر دارم.

من عاشق علی پهلوان بودم طوری که کل اتاقم عکس اون بود. خیلی باهوش اون موقع خیالبافی می‌کردم. معتاد آهنگ‌هاشون بودم و از گلزارم خیلی بدم می‌اومد (باخته). همون موقع هم می‌گفتن که به خاطر خوشگلی راه دادن توی گروه. ولی گذشت و گذشت تا این که کم‌کم علاقه‌ام کم‌تر شد به پهلوان و در نهایت دیس‌بند شدن و هر کی رفت یه طرفی. صدای علی پهلوان خیلی ناز بود، ولی با همه اینا یه جایی دیگه عادی شد همه چیز. برای بی‌تی‌اس هم همین اتفاق می‌افته و به نظر من اگر گروه مفیدی باشن یه تصویر مثبت و قشنگ می‌مونه توی ذهن طرفدارا و هر وقت یاد می‌کنن، می‌گن یاد اون دوران بخیر وگرنه که همه یادشون می‌ره و تموم می‌شه همه چی. دل بستن به این‌ها اشتباهه واقعاً. این تجربه خودم هست چون یه روز که خیلی هم زود می‌رسه از دست‌خواهی داد هر چیزی که توی ذهنت ساختی. واقعیت اینه که تصویر واقعی جین همونی هست که من از سربازیش به شما نشون دادم که دخترم نمی‌خواد حتی ببینه این عکس رو».

«دامن زدن به احساس حسادت هواداران»، موضوع دیگری است که برخی از طرفداران مصاحبه شده بدان اشاره داشته‌اند.

ریحانه ۱۵ ساله و محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه‌هایشان از حسادت برخی از اطرافیان خودشان نسبت به ستاره‌های بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«→ یعنی چون دوستت مثل بلک‌پینک امکانات و پول نداره، بهشون حسادت می‌کنه؟

آره، چون نمی‌تونه مثل اونا بپوشه و بگرده.

– خوب به نظرت این برخورد و روش درسته؟

حسادت که در کل خوب نیست، مامانم می‌گه آدم باید خودش رو با خودش همیشه مقایسه کنه، اما خب به نظرم خیلی از دخترا این حسادت رو تجربه می‌کنن و دست خودشون نیست. مهسا هم همین طور.

- خوب مهسا با وجود این که بهشون حسادت می‌کنه، لباس شبیه اونا رو هم خریده بود؟

دوست داره شبیه‌شون بشه و وقتی می‌بینه هر کار می‌کنه نمی‌تونه، ناامید می‌شه و بیش‌تر حسادت می‌کنه.

- تو چی تو هم دوست داری مثل شون باشی؟

آره همه دخترا دوست دارن، اما من مثل مهسا حسادت نمی‌کنم، حتی گفتم که بلک‌پینک رو هم دنبال می‌کنم گاهی، اما مهسا از حسادت زیادش الکی می‌گه ازشون بدش میاد. نمی‌تونه مثل شون باشه، این جور می‌گه».

«... همین دوستم رو خب خیلی وقته می‌شناسم، حمید این اواخر این طوری شده که رژ می‌زنه، قبلاً این جور نبود، بهش می‌گم چرا موهات رو رنگ می‌کنی، مگه رنگ خودش چه ایرادی داشت یا چرا رژ می‌زنی، می‌گه خوشگل می‌شم. می‌گم پسر که نباید رژ بزنه، می‌چسبونه به امل بودن و این که ایرانیا امل بودن قبلاً، کره‌ای‌ها رو نگاه کن. آدم حال می‌کنه تیپ و قیافه بی‌تی‌اسی‌ها رو می‌بینه. می‌گه کاش یه جای دیگه به دنیا می‌اومدم جز ایران. خیلی به کره‌ای‌ها و بی‌تی‌اسی‌ها حسادت می‌کنه. من چی بگم دیگه».

«کاربری از مسایل غالباً هرزه‌نگار»، مقوله دیگری است که توسط اقدار قابل تأملی از هواداران مصاحبه شده، مورد تأیید قرار گرفته است. به این معنا که با شیوع گسترده تک‌صحنه‌ها (وان‌شات‌ها) و داستان‌سرایی‌ها (فن‌فیکشن‌ها) در جمع هواداران بی‌تی‌اس، در موارد زیادی محتواهای اخیر رنگ جنسی به خود گرفته و به طرح برخی از مسایل جنسی بین آیدول‌ها با یکدیگر یا آیدول و فرد نویسنده می‌پردازند و هواداران در جریان کاربری از وان‌شات‌ها و فن‌فیکشن‌ها، ناگهان با صحنه‌های جنسی مواجه می‌گردند که در مخیله آن‌ها نیز تا آن زمان خطور نکرده بود.

- مگه توی این فن‌فیکشن‌ها چه چیزهایی نوشته می‌شد که ممکن بود نگرشات رو نسبت به اعضای بی‌تی‌اس تغییر بده؟

من خودم ۴، ۵ تا فیک بیش‌تر نخواندم، ولی خب بیش‌تر سبک‌های مافیایی بود یا اعضاء یه فرد معروف بودن که مالک یه شرکت بودن. کلاً چیز خوبی نبود چون اعضاء رو یه فرد با اعصاب خراب یا بدجنس نشون می‌داد و من الآن دارم به این می‌رسم که چه قدر تباه بودم که یه زمانی چنین چیزهایی رو می‌خواندم.

- چرا این فکر و تصور رو داری زمانی که فن‌فیکشن می‌خواندی، تباه بودی؟

خب من از روی کنجکاوی فیک‌های دختر پسری می‌خواندم و بیش‌تر چیزهایی که همین جور تو نت بودن رو می‌خواندم. علاوه بر این بیش‌تر فیکشن‌ها اعضاء رو یه شخصی نشون می‌دادن که راحت آدم می‌کشه، بی‌حیا و منحرفه یا خیلی خشنه، در صورتی که اصلاً در حالت واقعی این جور نیست» (سارینا، ۱۳ ساله).

«- مثلاً چه داستانی از نظرت مناسب نیست؟

ببین داستانم نمی‌دونم می‌شه گفت، ژانر بگم، چی بگم. بخوام مثال بزنم یه فیک هست تو واتپد که کاپلش تهکوکه. من خب فقط کوکمین نمی‌خونم که کاپلای دیگه رو هم می‌خونم، بعد تو فکر کن معروف‌ترین فیک تهکوک که خیلی هم خواننده داره و اسمش دزیره هست، محتوای داستانش پدوفیلیه. قلم نویسنده‌اش عالی‌ها، ولی محتوایش... بعد یادمه چند ماه پیش سر همین تو فندوم توییتر دعوا شده بود. فنای این نویسنده می‌گفتن، نه، پدوفیلی نیست. بعد خیلیا می‌گفتن شما دارید تعصبی برخورد می‌کنید و علاقه‌تون به این داستان چمشتون رو کور کرده. داستانش هم این طوره که کوک برادر کوچیک‌تر دوست دختر تهیونگه. مثلاً فکر کن تهیونگ ۲۲ سالشه تو داستان بعد کوک ۱۰ سالشه. بعد کلاً تهیونگ این رو از بچگی دوست داشته که حالا بزرگ می‌شه باهاش وارد رابطه می‌شه. حالا این طرفداراش می‌گفتن نه، این کوک وقتی بچه بود، به چشم عضوی از خانواده‌اش دوستش داشته و عاشقانه دوستش نداشته. ولی خب خودشون رو گول می‌زنن در واقع یا مثلاً من خودم با این فیکشنایی که خیلی اسمات (هرزه‌نگاری) دارن و سکسیست هستن یا محتواهای بی‌دی‌اس‌ام دارن، حال

نمی‌کنم، به نظرم یه جور توهین به آیدوله که تو بیای از رابطه‌شون فقط سکشوالیته رو برجسته کنی. بعد جدای از محتوا این فیکشنا خیلی وقتاً مخاطبای زیر ۱۵ سال دارن یا بچه دبستانی. خب اصلاً جالب نیست که یه بچه بیاد از الان تو این سن فیکشن بی‌دی‌اس‌ام از ته‌کوک یا بقیه بخونه من خودم با این جور محتواها حال نمی‌کنم حقیقتش. به نظرم خیلی سخیف و بدن و در شأن فن و آیدول نیستن و خودم با این که خیلی طرفدار خوندن فیکشنم، اما ترجیح می‌دم این جور داستانا رو نخونم. ولی خیلیم هستن که این ژانرها رو دوست دارن و خیلی جدی دنبال می‌کنن. یعنی اصلاً براشون مهم نیست که خب زشته این چیزا. بیمارگونه و زشته. پدوفیل (بچه‌بازی) یا حتی من تو خیلی از فیکشن‌ها دیدم که رابطه با اعضای خانواده رو دارن نرمالایز (عادی‌سازی) می‌کنن. یه فیک بود که توش جیمین و یونگی داداش بودن باهم و توش یونگی عاشق جیمین می‌شه و بعد باهم وارد رابطه می‌شن. من چند پارت خوندم و وقتی متوجه شدم داستان از چه قراره، ول کردم. اما خیلیم داشتن می‌خوندن و کامنت می‌داشتن و دوست داشتن فن‌فیکشنا با همه‌ی خوبی و قشنگ بودنش این بدی‌ها رو هم داره» (پونه، ۱۸ ساله).

«حساسیت‌زدایی نسبت به روابط نامتعارف»، مقوله دیگری است که برخی هواداران مصاحبه شده، در اظهاراتشان بدان اشاره کرده و توجه نشان داده اند.

نرگس ۲۱ ساله در بیاناتش، از حساسیت‌زدایی هواداران گروه بی‌تی‌اس نسبت به روابط همجنس‌گرایانه که در جریان کاربری از سرگرمی‌های تهیه شده حول اعضای گروه برای برخی از هواداران رخ داده است، به قرار زیر یاد کرده است:

«همون سال‌های ۲۰۱۳ خیلی از همسن و سالای من حتی نمی‌دونستن هم‌جنس‌گرایی چیه. تازه بعد از این که فندوم خارج کلی به این موضوع‌ها پرداخت و شیپ کردن، ایرانیا هم تازه شروع کردن به شیپ کردن اعضا. خیلیم قبلش هموفوبیا (هم‌جنس‌گرا هراسی) داشتن و حتی از کاپل‌های هم‌جنس‌گرا بدشون می‌اومد. اما بعد از قضیه‌ی شیپ کردن نگاه‌شون تغییر کرد. اما من این جوری نبودم، قبل از اون آشنایی داشتم با هم‌جنس‌گرایی. وقتی هم که متوجه داستان این شیپ و عشقا شدم، زیاد خودم رو درگیر نکردم. می‌گم اون قدر شوگا رو دوست داشتم که دیگه بقیه مهم نبودن».

اگر چه تک‌صحنه‌ها و داستان‌سرایی‌های زیادی با صبغه جنسی در فضای هواداری و هواداران بی‌تی‌اس وجود دارد، اما این موارد تنها معطوف و مختص به هواداران نیست و در آیدول‌ها نیز رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه‌ای که به دستور کمپانی، آیدول‌ها از خودنشان داده و مثلاً لب‌های یکدیگر را در برابر جمع حاضران می‌بوسند و یا رفتارهای سمبلیکی که آیدول‌ها با رنگ جنسی از خودنشان می‌دهند، از مواردی است که مورد توجه برخی از هواداران قرار گرفته و در «تحریک جنسی» و الگوبرداری‌های احتمالی آنان ذی‌نقش واقع می‌گردند. مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه‌اش با اشاره به صحنه‌هایی که به شکل نمادین تداعی‌گر مسایل جنسی هستند، می‌گوید:

«- دیدن برخی اجراهای سکسی بی‌تی‌اس، چه تأثیری روی حالت‌های جسمی و روحیت می‌گذاره؟  
منظورت حرکات پسی شونه؟  
- فکر کنم.»

می‌گم واوووو (می‌خندد) و اون موقع عزرائیل سند مرگ من رو می‌بره برای امضاء (باخنده)».

«آسیب خوردن روانی هواداران» مقوله دیگری است که برخی از افراد مصاحبه شده، در بیاناتشان بدان اشاره داشته اند. فرشته ۱۹ ساله در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، برخی از هواداران در جریان کاربری از محتواهای نامناسب که ذیل عنوان سرگرمی‌های کی‌پاپ (نظیر کی‌رول، وان‌شات، فن‌فیکشن) مطرح می‌شوند، موجد اثرات روانی آسیب‌زایی برای کاربران، خاصه کاربران نوجوان هستند:

«- چرا با بخش فارسی فندوم‌ها نمی‌سازی؟»

چون اول‌ها به نسبت فنای اینترنشنال هر چیزی کلاً ایرانیا به کم ذهن‌شون بسته‌تره. از این نظر که قدیمی‌تر فکر می‌کنن، ذهن‌شون بسته‌تره و به کم انگار همه چی شخصی می‌شه بین‌شون، به خاطر این که همه ایرانی‌ان. مثلاً همین کی‌رول. نمی‌دونم چه قدر درباره‌اش می‌دونی، ولی به چاهیه که انتها نداره. چند وقت پیش هم به لطف یه وکیلی که خودجوش پیگیر کاراش شد، گند ماجرا دراومد.

- کی‌رول اصلاً چی هست؟

یه سری بچه جمع می‌شن دور همدیگه، هرکدوم‌شون نقش یه آیدول رو می‌گیرن، بعد شروع می‌کنن به جای اون زندگی می‌کنن تو فضای مجازی. بیش‌تر هم تو تلگرام‌ان. یعنی مثلاً وارد رابطه می‌شن، مهمونی می‌رن، کلاب می‌رن، حتی به جای اون آیدول، سکس‌چت می‌کنن و اینا. من خودم هیچ وقت توش نبودم، ولی خیلی می‌شنیدم ازش.

درسته اکثریت کسایی که توش ان کم سن و سال هستن، ولی یه سری آدم هم هستن که تو جریان کی‌رول از بچه‌های کوچیک‌تر سوءاستفاده می‌کنن، چون اولش تو رول نمی‌پرسی تو واقعاً چند سالته، اما بعد یهو می‌بینی بعد یه ماه حرفای ناجور زدن، می‌فهمن یکی‌شون ۱۴ سالشه، یکی‌شون ۳۰ سال. واقعاً این چیزا پیش اومده هالا.

بعد خب بچه‌های کوچیک‌تر بی‌احتیاطی می‌کنن زود اعتماد می‌کنن. از رول و نقش آیدول شروع می‌شه، ولی کم‌کم شروع می‌کنن اطلاعات شخصی خودشون رو بدن. از اسم اصلی گرفته تا حتی کد پستی و آدرس خونه به بهونه‌های مختلف. همچین چیزی خیلییی می‌تونه خطرناک باشه.

این آقای وکیله، اسمش رو یادم نمیاد دقیقاً، ولی یادمه پیگیر این ماجرا شد. آخرش مشخص شد رأس این ماجرا که یه آدم خیلی معروفی بود بین کی‌پاپرا در واقع یه آدم ۳۰، ۴۰ ساله بوده که سوءاستفاده می‌کرده از بچه‌ها. سر همین چیزها هست که می‌گم شخصی می‌شه.

- می‌شه بگی یعنی چی که سکس‌چت می‌کنن، یعنی به جای اون ستاره صحبت می‌کنن؟

نمونه از سم موجود تو کی‌رول برات می‌فرستم ببینی.

دقیقاً یعنی همین. به قول خودشون با یکی کاپل می‌شن، حالا گی یا استریت. هر چند خیلی کم‌تر پیش میاد که استریت باشن. خب آره تصور کن یه بچه ۱۳ ساله نقش جونگ‌کوک رو برمی‌داره، با یکی که نقشش تهیونگه، کاپل می‌شه، بعد اینا شروع می‌کنن حرفای ناجور بزنی و سکس‌چت کنن. بعد یه مدت که حرف زدن شروع می‌کنن اطلاعات شخصی بدن و اینا بعد می‌فهمه طرفش مثلاً ۲۰ سال بزرگ‌تره ازش.

یه وقتاییم به بهونه کادو فرستادن و اینا آدرس می‌گیرن از بچه‌ها. دیگه خودت تصور کن چه داستانیه».

مریم ۱۸ ساله هم در مصاحبه‌ای که دارد، از توهم زده شدن برخی از هواداران در جریان کاربریشان از گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«- آیا بی‌تی‌اس باعث شده به هم‌جنس‌گرایی علاقه‌مند بشی یا تمایل پیدا کنی؟

بین الان کلاً بین نوجوان‌ها هم‌جنس‌گرایی زیاد شده، چون فضای ارتباط با جنس مخالف به اندازه کافی فراهم نیست و مدارس جدا از هم هستن و این باعث می‌شه عده زیادی به دلیل حس نیازی که توی دوره بلوغ دارن، توهم هم‌جنس‌گرایی پیدا کنن. از طرف دیگه هم بیش‌تر آرمی‌ها نوجوانند و این رنج سنی بیش‌تر درگیره کی‌پاپه، واسه همین با داستان هم‌جنس‌گرایی هم‌زمان می‌شه و این طور به نظر میاد که کی‌پاپ باعث شده. توی سن نوجوانی آدم‌ها تازه دارن خودشون رو کشف می‌کنن و قطعاً تلاش می‌کنن که تمایلات خودشون رو هم بیش‌تر بشناسن و ممکنه واسه این شناخت سعی کنن راه‌های مختلف رو تجربه بکنن تا ببینند در نهایت چی مناسب‌شونه و به شخصیت‌شون نزدیک‌تره، واسه همین احتمالش زیاده که توی این دوره یه مدت کوتاهی از هم‌جنس خودشون خوش‌شون بیاد، ولی اگر این مسأله ادامه پیدا کنه و در سنین بالاتر هم همین شکلی بمونه، اون وقت می‌شه مطمئن شد طرف واقعاً گرایش اینه. من خودم

دبیرستان که بودم یه سال رو یکی از بچه‌های کلاس کراش داشتم، حتی یکی، دوبار هم به سرم زد که برم بهش بگم، ولی نگفتم. همون موقع کلاس زبانم دو ترم این جور شد که پسر و دختر رو مجبور شدن قاطی کنند، چون ساختمان پسرها داشت جاش تغییر می‌کرد، توی اون دو ترم متوجه شدم که درباره گرایشم اشتباه می‌کردم. محدودیت باعث می‌شه آدم با هر چیزی که دم دستشه، بخواد نیازهاش رو برطرف کنه، واسه همین خیلی از نوجوان‌ها دچار این اشتباه می‌شن.»

«تهدید بهداشت روانی هواداران»، مقوله مهم دیگری است که توجه به آن ضرورت دارد. برخی از هواداران مصاحبه شده، از انبوه شایعاتی که در فضای طرفداری و ضد طرفداری از بی‌تی‌اس است، یاد کرده اند که این شایعات ذهن مخاطب را می‌خورد و می‌خراشد.

«- تاحالا شده که مثلاً اخبار بدی درباره گروه منتشر بشه؟»

اخبار بد درباره‌شون رو اصلاً نمی‌خونم. شایعات و اینا رو اصلاً دنبال نمی‌کنم.

- مثلاً چه شایعاتی درباره‌شون هست؟

مثلاً این که فلانی دوست دخترشه و چیزایی درباره زندگی شخصی‌شون که اصلاً برای من جذاب نیست و من بیش‌تر به حرکات مثبت‌شون و این که درباره مسایل اجتماعی چه واکنشی دارن علاقه دارم و دنبال می‌کنم» (شبنم، ۲۵ ساله).

مشاهده عملکرد کمپانی که گاه از ستاره‌ها انتظار دارد که حتی خلاف گرایش جنسی خودشان عمل کنند و یا در برابر کسانی که برای ستاره‌ها دست به شایعه‌سازی زده و یا نسبت به آن‌ها نفرت پراکنی می‌کنند، یا افرادی که با خلق تک‌صحنه‌ها و داستان‌های نامناسب، هویت انسانی ستاره‌ها را زیر سوال می‌برند، واکنش جدی از خود نشان نمی‌دهد، دغدغه دیگری است که برخی از هواداران از آن یاد کرده اند:

«- دیدن سخت‌گیری کمپانی باعث نمی‌شه که فکر کنی باید در این زمینه کاری انجام بشه؟»

خب منم بعضی وقتا از کمپانی خیلی عصبی می‌شم، هم به خاطر تمام سخت‌گیری‌هایی که داره و هم به خاطر خونسرد بودنش، چون نسبت به هنرمنداش یه کم بی‌تفاوته، مثلاً سر بعضی از قضایا کمپانی بعد از چند روز اومد و از آیدول‌هاش دفاع کرد، در صورتی که اون موضوع تموم شده بود کلاً، و یک مشکل دیگه که هست، اینه که کمپانی با فیک آرمی‌هایی که از آیدول‌ها برده‌های جنسی می‌سازن، هیچ برخوردی نمی‌کنه متأسفانه این بی‌خیال بودن هایب خیلی زیاد اعصاب خورد کنه، البته ما در این زمینه هم منفعل نبودیم، سعی کردیم بیانیه بدیم، اما بعضیاش فقط در حد بیانیه باقی مونده، ولی بعضیاش نتیجه بخش بوده، مثلاً وقتی آرمیا متوجه شدن منیجر پسرا روی کوک دستت بلند کرده و می‌خواستن بزننش، کلی اعتراض کردن و بیگ هیت هم اعلامیه داد و عذرخواهی کرد و گفت اون فرد رو اخراج کردن» (مرضیه، ۱۹ ساله).

دیپای ۱۵ ساله هم در مصاحبه خود خاطرنشان می‌سازد، مرتبط ساختن ستاره‌ها با یکدیگر (به صورت یک زوج همجنس‌گرا) اثرات روانی نامناسبی روی آنان خواهد گذارد:

«- نظر شخصی خودت راجع به این شیپ کردن آیدول‌ها توسط طرفدارها چیه؟»

من خودم با این موج همراه نیستم، چون می‌دونم به نظر اعضای گروه‌ها خیلی باهم صمیمی هستن و خیلی حرکاتی انجام می‌دن که شک برانگیزه (می‌خندد)، ولی واقعاً دوست ندارم این رو که مثلاً دو نفر نگاه زیرزیرکی بهم می‌کنن بگم و اای این دوتا تو رابطه ان، یعنی برای من معنی نداره که هر کاری که دو نفر با هم می‌کنن رو بگیم نه، این‌ها باهم رابطه دارن. علاوه بر این، به نظرم آیدول‌هایی هستن که خب می‌بینن با بقیه شیپ می‌شن، خوش‌شون نمیداد، یعنی من خودم رو جای اون‌ها می‌گذارم خیلی برای من سخته که یه جمعیت خیلی بزرگی از طرفدارها بخوانن دایم درباره‌ام نظر بدن و بگن فلان چیز هست، در صورتی که شاید هیچ‌وقت اون اتفاق توی زندگی‌ام نیفتاده

باشه. در کل اگر هم تو رابطه‌ای باشن، خب باشن، قرار نیست ما هی این رو تکرار کنیم یا اگه نباشن هم به نظر من تکرار این موضوع می‌تونه باعث بشه که روبه‌رو شدن اون دو نفر براشون خجالت‌آور باشه».

وجود افرادی که دست به نفرت پراکنی در مورد ستاره‌ها (و حتی هواداران آن‌ها) می‌زنند و افرادی که برخوردی سمی با آیدول‌ها دارند نیز از جمله مسایلی است که اذهان هواداران پسران بی‌تی‌اس را رنجیده خاطر و متألّم ساخته، آنان با مواجه شدن با این دست از برخوردها، کلاً نسبت به جامعه خودشان و حتی جامعه جهانی بدبین و هراسان می‌گردند:

«- این افرادی که به خاطر شهربازی رفتن جونگ‌کوک بهش هیت دادن از طرفدارهای بی‌تی‌اس بودن؟

نمی‌تونیم بهشون بگیریم آرمی چون بیش‌تر ساسنگ‌فن و فیک‌آرمی ان (طرفدار غیرواقعی) ولی بیش‌تر از طرف هیت‌رها بود.

- یه چنین مسایلی که منجر به بازخوردهای منفی به آیدول‌ها می‌شه، چه احساسی بهت می‌ده؟

واکنش من سر این قضایا یه واکنش حرصی به تمام معنا هست، مثلاً خیلی شده میان به اسم آرمی می‌گن، جنی خیلی چاقه یا لیزی دنسره (رقصنده تنبل) یا نمی‌تونه بخوانه و من اون لحظه می‌خوام خودم و اون طرف رو خفه کنم. آخه این خیلی رو مخه که یه مولتی‌فن بیاد ببینه، فن یکی از آیدول‌هاش به اون یکی آیدول هیت می‌ده و من در مقابل چنین افرادی این جور می‌ام که شوخییی می‌کنیییی. آخه نه که تو خیلی خوبیییی. نکشی مون بابا خفنننن» (سارینا، ۱۳ ساله).



### ۳- اثرهای اجتماعی

هواداری از گروه بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی- عقیدتی، آموزشی، اقتصادی- سیاسی، زیباشناختی، هنری، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای اجتماعی هواداری از پسران بی‌تی‌اس در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از:

شروع هواداری از سنین پایین، پرداختن ستاره‌ها به مسایل جوانان، تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران، مواجهه با معرکه آرا و افزایش تسامح هواداران، تشویق به مهاجرت به کره جنوبی، دوست‌یابی حضوری و مجازی، نועدوستی، جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، الگوبرداری از ستاره‌ها، تحول‌های هویتی، تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران، احساس تعهد به حمایت مادی و معنوی از گروه، تلاش در جهت افزایش هواداران، تعصب ورزیدن در طرفداری، پیشه‌کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی، جابه‌جایی سبک زندگی تکلیف‌مدار با سبک زندگی لذت‌مدار، نقد خط‌مشی‌های کمپانی گروه بی‌تی‌اس، سایر موارد اجتماعی. در ادامه به بررسی عناوین پیش‌گفته، پرداخته خواهد شد.

#### شروع هواداری از سنین پایین

بررسی اطلاعات میدانی گردآوری شده از جمعیت تحقیق، حکایت از آن دارد که بسیاری از هواداران از سنین بسیار پایین با کی‌دراما و کی‌پاپ آشنا شده‌اند و پس از آشنا شدن با کی‌دراما، به سمت کی‌پاپ سوق یافته و یا با آشنا شدن با کی‌پاپ، به سمت کی‌دراما سوق یافته و کاربر صنعت فیلم و سریال کره جنوبی شده‌اند.

با دقت در سن افراد مصاحبه شده، به نظر می‌رسد، در گذر زمان و ایجاد گروه بی‌تی‌اس از سال ۲۰۱۳ و شهرت یافتن تدریجی آن، سن آشنایی مصاحبه‌شوندگان کم‌سن‌تر با گروه بی‌تی‌اس کاهش یافته است. به این معنا که شیدای ۲۰ ساله گزارش می‌دهد، در ابتدا او زمانی که گروه بی‌تی‌اس ایجاد نشده بود، از کلاس سوم دبستان با اکسو شروع به هواداری کرده است و در ادامه با ایجاد گروه بی‌تی‌اس، طرفدار این گروه شده است.

فرشته ۱۸ ساله، شروع طرفداری خود را ۱۳ سالگی و سارینای ۱۳ ساله شروع طرفداری خود را از ۱۰ سالگی اعلان داشته‌اند. به تعبیر دیگر، به نظر می‌رسد با شهرت یافتن بیش از پیش گروه بی‌تی‌اس، سن آشنا شدن با آن در مخاطبان پایین و پایین‌تر آمده است:

«- شیدا تو از کی با بی‌تی‌اس آشنا شدی؟»

از کلاس سوم ابتدایی. اون موقع بی‌تی‌اس نبود، فکر کنم. من اول با گروه اکسو آشنا شدم. یه گروهی ان مثل بی‌تی‌اس که قبل از همه این گروه‌ها بود و اون موقع از همه‌شون معروف‌تر بود. دوازده‌تا پسر بودن و خیلی داشتن پیشرفت می‌کردن، ولی کم‌کم هی اعضا‌ش جدا شدن ازش و تعدادشون کم شد. ولی الانم هستن در حد چهار پنج نفر. بعدش بی‌تی‌اس اومد جای اینا رو گرفت. یعنی در رقابت باهم بودن تا این که دیگه بی‌تی‌اس جلو زد ازشون. منم دیگه رفتم سمت بی‌تی‌اس.»

«- خوب شروع کنیم فرشته جان؟»

Let's gooo.

- از چند سالگی با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدی؟  
از سیزده سالگی.»

«- از چه سنی کی‌پاپ و کی‌دراما رو شناختی؟  
حدود ۷ یا ۶ سالگی.»

- خواهرت اون زمان طرفدار بی‌تی‌اس بود؟

نه اکسوال بود و من هم فقط اکسو و بلک‌پینک رو می‌شناختم.

- چه اتفاقی افتاد که با بی‌تی‌اس آشنا شدی و بهشون علاقه پیدا کردی و طرفدارشون شدی؟

من از اول فن بی‌تی‌اس نبودم، ولی فن دو آتیشه بلک‌پینک بودم از زمانی که تقریباً ۱۰ سالم بود.

من اون زمان بی‌تی‌اس رو نمی‌شناختم، ولی بعضی وقت‌ها خواهرم درباره‌شون حرف می‌زد و من فقط می‌دونستم که یه گروه ۷ نفره پسر به اسم بی‌تی‌اس هست. بعد از یه مدت، من برنامه لایکی رو ریختم و از وقتی اون رو ریختم، این برنامه پر از کی‌پاپ و بی‌تی‌اس بود. من از این طریق بیش‌تر با بی‌تی‌اس آشنا شدم و بعد از ۱-۲ ماه هم بهشون علاقه پیدا کردم و در کنار بلک‌پینک بی‌تی‌اس رو هم استن می‌کردم».

برخی از اطلاعات گردآمده از طریق مصاحبه یا مشاهده در سطح جامعه، حکایت از آن دارد که سن آشنایی با گروه بی‌تی‌اس به پیش دبستان نیز رسیده است. به این معنا که مثلاً برخی در کودکانستان از علاقه وافر خود و دوستان مهد کودکشان به جیمین و سایر ستاره‌های بی‌تی‌اس یاد می‌کند و ریحانه ۱۵ ساله، با گزارش مشاهدات خود از برادر کوچک‌ترش، گزارش می‌دهد، برادر ۶ ساله وی در آرایشگاه از آرایشگر خواسته است تا مدل موی او را مدل جیمینی بزند:

«- ریحانه دوستان تو هم بی‌تی‌اس رو می‌شناسن؟»

دوستام! همه مدرسه و همه دخترا عاشقش هستن، همه می‌شناسن شون این قدر معروف ان. این قدر که با دوستام تو مدرسه در موردشون کل می‌اندازیم. حتی داداش کوچیکم شیش سالشه، از بس من بی‌تی‌اس رو می‌بینم، اونم دیگه یه کم می‌شناستشون و یه تیکه‌هایی از بعضی آهنگاشون رو حفظه، یه بارم که با بابام رفته آرایشگاه، به آرایشگر گفته موهاش رو مثل جیمین بزنه (باخنده) بعد اومده بود خونه ادای اون رو درمی‌آورد».

نکته مهمی که در مورد گروه بی‌تی‌اس نباید ناگفته از آن گذشت، این است که اساساً گروه بی‌تی‌اس اقتضات دوران نوجوانی افراد را در نظر گرفته و منطبق با آن به اجرای برنامه می‌پردازد، از این رو با افزایش سن افراد، خود به خود هواداری آنان از گروه کم می‌شود. مسعود ۲۰ ساله در مصاحبه‌اش در همین ارتباط بیان می‌دارد:

«- مسعود به نظرت بیش‌تر چه رده سنی هوادار گروه بی‌تی‌اس هست؟»

تا اون جا که من دیدم، در بین دوستانم بیش‌تر نوجوانان سیزده، چهارده ساله تا بیست و پنج ساله.

- هوادار بیست و پنج سال به بالاتر نیست؟

نه که نباشه، هوادار بیست و پنج ساله به بالاتر کم‌تر هست. بیش‌تر اوج هواداری در دوران راهنمایی و دبیرستان هست. سن هواداران که از بیست و پنج به بالاتر می‌ره، به خاطر مسایل مهم‌تری مثل ازدواج و ادامه تحصیل و پیدا کردن شغل مناسب یا هواداری‌شون کم رنگ‌تر می‌شه یا از ادامه هواداری منصرف می‌شن».

### پرداختن ستاره‌ها به مسایل جوانان

نوجوانان درگیر تحول‌های گسترده مغزی، عاطفی، شناختی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، عقیدتی و حتی سیاسی هستند، اما بعضاً تحول‌های دوران نوجوانی (خاصه تحول‌های مغز بنیان)، توسط اقشار قابل تأملی از اولیاء شناخته شده نیستند و مثلاً در نوجوانی که به دلیل ریش زودتر قسمت‌های هیجانی مغز و ریش دیرتر مراکز شناختی و کنترل‌کننده مغز، از خود رفتارهای هیجانی شدید و تقریباً کنترل نشده، نشان می‌دهد، مورد اعتراض اولیایی واقع می‌شود که با ویژگی‌های تحولی فرزندشان آشنایی ندارند.

به همین ترتیب گذر نوجوان از مرحله دیگرپیروی اخلاقی (که در آن کودک فقط مترصد تبعیت از افراد مورد علاقه خودش هست)، به سمت خودپیروی اخلاقی (که در آن نوجوان با کنار نهادن تبعیت از اطرافیان نزدیک، در صدد اقدام و عمل کردن، طبق خواسته خودش هست)، ممکن است برای بسیاری از اولیاء، دشوار بیاید و یا با رسیدن نوجوان به اوان بلوغ، وی به طور طبیعی با رسیدن به سن نفی و انکار خویش، برای اثبات خودش دست به نفی اطرافیان خود می‌زند که پذیرش این امر باز برای برخی از اولیاء سخت به نظر می‌رسد. مجموعه تحول‌هایی که در دوره نوجوانی و جوانی رخ می‌دهند، سردرگمی اولیاء و به همین ترتیب سردرگمی خود نوجوان را به همراه دارند، زیرا از سویی اولیاء به جای مواجهه با همان فرزند سر به راه و مأخوذ به حیا، خود را با فرزند سرکش و استقلال طلب مواجه می‌بینند و نوجوان نیز به دلیل سرعت وقوع تحول‌های پی در پی، قادر به هضم همه تحول‌های رخ داده شده و تحلیل آن‌ها نیست. کمپانی بیگ‌هیت با ایجاد گروه بی‌تی‌اس، در اقدامی ابتکاری برای موفق شدن گروه، در صدد پرداختن به مسایل نوجوانان و جوانان در جامعه برآمد تا به این ترتیب گامی فراتر از رقبا گذاشته باشد.

برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس اذعان می‌دارند، گروه پسران آنان را همچون خانواده و اطرافیانشان قضاوت نمی‌کنند، از این رو این گروه، به مثابه یک ملجاء و پناه برای آنان ظاهر شده است. تعداد دیگری نیز با اشاره به تمرکز آهنگ‌های بی‌تی‌اس روی مشکلات نوجوانان و جوانان، خاطرنشان ساخته اند، شعارهای دل گرم کننده پسران بی‌تی‌اس (نظیر این که اگر دنیا هم پشت تو نبود، ما هستیم)، جایگاه خاصی برای آنان در چشم و دل هواداران پدید آورده است.

نقد نظام آموزشی، نقد روابط اجتماعی حاکم جامعه و برخوردهای نامناسب با جوانان و تشویق جوانان به مقاومت در برابر نسل بزرگسال که دایم در صدد قضاوت کردن نسل جوان و نفی و انکار وی است، از دیگر فرازهای مهم کار گروه بی‌تی‌اس از آغاز بوده است. دیبای ۱۵ ساله در مصاحبه‌اش در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«... اولین آهنگ‌های بی‌تی‌اس مثل نو مور دریم کلاً درباره مدرسه بود، مثلاً موزیک ویدیوش هم توی یه اتوبوس مدرسه بود و همه اعضاء یه حالت گنگی داشتن و انگار به زور فرستادن شون به مدرسه. نسلی که به این کانسپت هم جذب شدن با این موضوعات خودشون دست و پنجه نرم می‌کردن و یه جورهایی با این موضوعاتی که توی آهنگ خوانده می‌شد خو گرفتن».

توجه خاص به زن‌ها و جامعه اقلیت جنسی، از دیگر مواردی است که ممکن است مورد توجه بیش‌تر نسل جوان قرار گیرد.

«- از دیدگاه تو طرفدار کی‌پاپ بودن استانداردها رو بالا می‌بره؟ مثلاً بعضی افراد تو رسانه‌ها دیده می‌شن که دوست پسرانشون شاکی ان از این قضایا 😊».

برای من بله، اکثر آرمی‌هایی که دیدم دنبال درس و کار ان و تو انتخاب دوست و پارتنر استانداردهاشون زیاد شده، مثلاً بی‌تی‌اس اون قدر برای زن‌ها احترام قایله که متن آهنگ‌ها رو با یه متخصص حقوق زنان چک می‌کنه که بی‌احترامی به زن‌ها توش نباشه. همین قضایا هست که باعث می‌شه استانداردهای ما بره بالا».

دیبای ۱۵ ساله، با اشاره به نقد پسران بی‌تی‌اس به هواداران دال بر این که این قدر دنبال دیدن ران بی‌تی‌اس، دنبال برنامه این دِ سوپ و بن‌ویاژ نباشید، بلکه به زندگی خودتان هم برسید، ظرافت قابل توجهی از گروه بی‌تی‌اس را به معرض دید می‌گذارد.

اگر اقدام‌هایی نظیر آنچه از آن یاد شد، به شکل نظری به نوجوانان و جوانان توجه نشان داده، اسباب دلگرمی آنان را فراهم می‌آورد، اقدام‌های دیگری نظیر تهیه انبوهی از تولیدها جهت پرکردن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان و تأمین سرگرمی آنان، به شکل عملی، گروه بی‌تی‌اس را به مثابه یک منجی برای جوانان مطرح می‌سازد.

ماحصل موارد پیش گفته، نگاه مثبت بسیاری از هواداران به گروه بی‌تی‌اس هست. سارینای ۱۳ ساله و شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه خویش از دریافت انرژی مثبت از بیانات ستاره‌های بی‌تی‌اس یاد کرده، تأکید می‌کنند، اعضای گروه بسیاری از هواداران را به نوعی از سردرگمی‌های خودشان خارج کرده و نجات داده اند:

«- آیا این انرژی مثبتی که از سمت بی‌تی‌اس دریافت می‌کنی، روی زندگی عادی و روزمره‌ات هم تأثیر می‌گذارد؟

بله زیاد. چون وقتی به نفر باشی که بهت بگه دوستت داره و خودت رو دوست داشته باش، واقعاً خیلی به آدم امید می‌بخشه و دلگرمی خاصی به آدم می‌ده.

مثلاً نامجون می‌گفت از بی‌تی‌اس استفاده کنید تا خودتون رو دوست داشته باشید. در کل بی‌تی‌اس حتی زمان‌هایی که من دنبال شون نیستم هم روی من اثر می‌گذارن».

«- در نظرسنجی‌هایی که در فن پیچ هاتون می‌گذارین، راجع به چه مسائلی پرسش به عمل می‌آید، لطفاً به نمونه مثال بزن؟

مثلاً من خودم در فن پیچ مخصوص بی‌تی‌اس، بارها سوال‌هایی درباره گروه که به ذهنم میاد رو به صورت نظرسنجی در میارم و نظر فالورها رو می‌پرسم. مثلاً یک بار پرسیدم چه حس و حالی با بی‌تی‌اس به شما دست می‌ده؟ هر کی به جواب می‌داد. یکی گفته بود: من بدون بی‌تی‌اس زنده نمی‌مونم، یکی دیگه گفته بود: بی‌تی‌اس شادی و نشاط و طراوت جوانی رو به من بازگرداند، یکی دیگه نوشته بود: بی‌تی‌اس عشق منه. به من عشق به خود رو یاد داد، یکی دیگه نوشته بود: با بی‌تی‌اس همیشه حالم خوبه، یکی دیگه نوشته بود: بی‌تی‌اس هدفمند بودن و تلاش برای رسیدن به هدف رو به من یاد داد، و یکی دیگه نوشته بود: من قبل از بی‌تی‌اس افسرده و منزوی بودم، ولی الان نه تنها افسرده نیستم، به شادترین انسان تبدیل شدم و خیلی اجتماعی شدم و همیشه دوست دارم دور و برم شلوغ باشه».

### ایجاد ارتباط عمیق بین ستاره‌ها و هواداران

کمپانی بیگ‌هیت برای طرح هر چه قدرتمندتر گروه کی‌پاپ زیر پوشش خودش، می‌دانست که ستاره‌ها و سلبریتی‌های معمولی، هواداران معمولی خواهند داشت و برای برخوردار شدن از هوادارانی که با ستاره‌های مورد علاقه خویش به توان دو برخورد کنند، ضرورت دارد که اعضای گروه کی‌پاپ وی نیز به توان دو با هواداران خویش برخورد کنند. از این رو کمپانی به تدارک تمهیداتی پرداخته است که ارتباط عمیق ستاره‌هایش را با هواداران آن‌ها فراهم آورد.

این تمهیدها به شکل تهیه برنامه‌های مستقل از سوی کمپانی، برگزاری برنامه‌های مشترک بین ستاره‌ها و هواداران و تشویق هواداران به ایجاد تشکل‌های هواداری و انجام فعالیت‌های مختلف هواداری است.

کمپانی در راستای تهیه برنامه‌های مستقل از سوی خودش، به فراهم آوردن اسباب سرگرمی، تفریح و تنوع هواداران پرداخته، تهیه برنامه‌هایی مانند: ران بی‌تی‌اس، بن ویاج (بن وایاژ) و بی‌تی‌اس این د سوپ را در دستور کار خود قرار داده است.

کمپانی در فراز دیگری از فعالیت‌های خود، در جهت عمق بخشیدن هر چه بیشتر به رابطه اعضای گروه بی‌تی‌اس با هواداران، با طرح مواردی مانند: عرضه وسایل طراحی شده توسط ستاره‌ها به هواداران و یا طراحی وسایل بی تی ۲۱، به انجام این مهم پرداخته است.

کمپانی بیگ‌هیت، با راه‌اندازی برنامه‌هایی مانند: تهیه ولاگ (فیلم ویدیویی) از زندگی ستاره‌ها، برگزاری برنامه‌های زنده (لایوهای) فردی و جمعی و نشر زندگی‌نامه ستاره‌ها، کوشیده است تا در جهت نزدیک‌تر کردن بیش از پیش ستاره‌ها و هواداران به یکدیگر نیز گام بردارد.

کمپانی در فراز دیگری از تلاش‌هایش با «ترسیم جهانی پر راز و رمز، تخیلی و رؤیایی» برای ستاره‌ها، با طرح مواردی همچون مغازه جادویی، بی‌تی‌اس آیلند، جهان بنگتن، وب‌تون و تهیه فتوبوک، روابط هواداران با ستاره‌ها را در جهانی تخیلی، پی می‌گیرد.

کمپانی در راستای تهیه برنامه‌های مشترک بین ستاره‌ها و هواداران به برگزاری همایش‌هایی نظیر فن میتینگ و فن ساین، اقدام کرده است.

کمپانی هایب در فراز دیگری از اقدام‌های خویش برای «تعمیق روابط ستاره‌ها و هواداران»، با پیش گرفتن برنامه‌هایی مانند: تکریم هواداران از سوی ستاره‌ها، مشخص کردن روزی به نام روز هواداران و هویت بخشی گروهی به هواداران، به انجام این امر می‌پردازد. برنامه‌های دیگری مانند: برگزاری منشن‌پارتنی، استریم‌پارتنی (استریمینگ)، هزینه کردن برای استریمرها، ترندینگ (هشتک‌گذاری در توئیتر - ایکس-)، در راستای تهیه برنامه‌های مشترک بین ستاره‌ها و هواداران قرار می‌گیرند.

کمپانی در فراز دیگری از اقدام‌های خود، دست به تشویق هواداران جهت ایجاد تشکلهای هواداری و انجام فعالیت‌های مختلف هواداری زده است. به این معنا که هواداران گروه بی‌تی‌اس با ملاحظه سرمایه‌گذاری جدی ستاره‌ها (ی کمپانی) برای طرفداران، متقابلاً وارد صحنه شده و با «ایجاد تشکلهای هواداری (فندوم‌ها)»، دست به حمایت و هواداری از آنان می‌زنند.

«راه‌اندازی برخی از سرگرمی‌ها از سوی هواداران با محوریت ستاره‌ها»، مانند تهیه داستان‌نویسی (فن‌فیکشن یا فن‌فیک)، تهیه داستان‌های تک‌صحنه (وان‌شات)، جور کردن (شیپ کردن) ستاره‌ها با یکدیگر، شرکت در برنامه‌های ایفای نقش (کی‌رول)، تهیه فن‌آرت، تهیه آزمون‌های سنجش میزان شناخت ستاره‌های بی‌تی‌اس، برگزاری مسابقات چالشی در سطح هواداران و نام‌گذاری ستاره‌ها، فراز مهم دیگری را در مجموعه اقدام‌های هواداران تشکیل می‌دهد.

سرانجام «برگزاری جشن‌های مرتبط با اعضای گروه بی‌تی‌اس»، نظیر برگزاری جشن تولد ستاره‌ها یا برگزاری جشن فستا و «هزینه کردن برای گروه» و «استقبال از مدهای بی‌تی‌اسی»، فرازهای دیگری از اقدام‌های هواداران گروه کمپانی بیگ‌هیت را تشکیل می‌دهد. برخی از هواداران، با اعتقاد به این که گروه بی‌تی‌اس در واقع بسان یک خانواده برای آنان عمل کرده است، بر همین مبنا نسبت به یکدیگر از احساسی مثبت برخوردار بوده، کوشیده اند با پیش گرفتن برنامه‌هایی نظیر فن‌سرویس و راه‌اندازی مرکز عشق و مثبت نگری، در عمل به «ارایه سرویس به هواداران دیگر» پردازند.

رخساره ۱۶ ساله و مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خودشان ضمن تکرار شعارهایی نظیر این که «آرمی‌ها درخشان‌ترین ستاره‌های آسمان آیدول‌ها هستند»، از روابط صمیمی پسران گروه با هواداران و مثلاً استفاده زبان اشاره توسط تهیونگ برای تشکر از هواداران کر و لال و پاسخ به پیام (کامنت) هواداران در فضای مجازی یاد کرده اند:

«... معمولاً داخل کنسرت خیلی با احساس، یعنی یه جوری واقعاً از ته قلب‌شون آرمیا رو صدا می‌کنن.

و یه چند بار این کار رو کرد و گفتش، شما قول می‌دین همیشه اینجا باشین، ما واقعاً بهترین طرفدارهای جهان رو داریم. آه، درخشان‌ترین ستاره‌های جهان من هستین و همچنین چیزایی رو می‌گه و یه جوری خیلی بلند داد می‌زنه، آرمی دوستون داریم، هر کجای جهان که باشید...»

- حرف‌های قشنگ دیگه‌ای هم از شون یادت هست که بگی؟

مثلاً گفتن آرمی زندگی ادامه داره، بیاین زندگی کنین یا گفتن که هر وقت ناراحت شدی یا این که فکر کردی کسی به فکر تو نیست، به این فکر باشین که یه نفر داخل کره، داخل شهر سئول به فکر شما هست و همیشه شما رو دوست داره».

«- حالا می‌تونی بهم بگی با شنیدن چه حرف‌هایی از شون به دوست داشتن خودت رسیدی؟

چیزی که یادمه اینه که نامی خطاب به آرمی‌ها می‌گفت، همون طور که من از شما استفاده می‌کنم تا خودم رو دوست داشته باشم، لطفاً لطفاً شما هم از ما استفاده کنید تا خودتون رو دوست داشته باشید و بارها و بارها بی‌تی‌اس علاقه‌شون رو به آرمی‌هاشون نشون دادن، یعنی به شیوه‌های مختلف هوای آرمی‌هاشون رو داشتن، همه‌ی آرمی‌هاشون رو و همه‌ی اینا باعث می‌شد، من به خودم افتخار کنم که طرفدار کسی هستم که این قدر برای کارش ارزش قایل، این قدر به هواداراش احترام می‌ذاره، در حدی که بعد از هر جایزه‌ای می‌گیرن از

آرمی‌هاشون تشکر می‌کنند که طرفدار کسی هستم که من رو دوست داره و من با عشق و محبتی که از اونا دریافت می‌کنم، می‌تونم به خودم و اطرافیانم متقابلاً عشق بورزم و مهربونی کنم.

یه جمله از تهیونگ هم خیلی تو ذهنم تکرار می‌شه و مداوم به یادش میارم و قلبم اکلیلی می‌شه، اینه که می‌گفت آرمی شما درخشان‌ترین ستاره‌های آسمون من هستید و عمیقاً احساس می‌کنم یک از اون ستاره‌ها من هستم و بازم می‌گم متقابلاً ما اونا رو ستاره‌های خودمون می‌بینیم که روشنی بخش‌مون هستند، همان طور که اونا ما رو.

– گفتمی هوای آرمی‌هاشون رو دارن، این مسأله به چه صورته؟

این طوریه که همیشه به یاد آرمی‌هاشون هستن، هر زمان، تو هر کنسرتی، مراسمی، برنامه‌ای، چیزی اسم‌مون رو می‌برن و علاقه خودشون رو ابراز می‌کنن، بعد تو وی‌ورس خیلی دوستانه پست می‌ذارن و سلفی می‌ذارن و لایو میان و کامنتای آرمی‌ها رو هم حتی جواب می‌دن. در همین حین تهیونگ رو داریم که از زبان اشاره برای ابراز علاقه‌اش به آرمی‌های ناشنوا استفاده می‌کنه و جیهویی که حتی هوای آرمی‌های مسلمون و ایرانی رو داره، اون قدر صمیمی و نزدیک هستن که به خاطر آرمی‌هایی که امتحان کالج داشتن، ویدیو گرفتن و باهاشون صحبت کردن و سعی کردن از اضطراب‌شون کم کنن و دلگرم‌شون کنن یا شوگایی که می‌گه بیاید با همدیگه بزرگ شیم کنار هم یا به پای هم شونه به شونه هم.»

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌اش در بیانی مشابه رخساره و مرضیه می‌گوید:

«وقتی که توی یک مصاحبه می‌گن که ما آرمی‌ها را مثل جون‌مون دوست داریم، این حس را می‌ده که حتی اگر من حس می‌کنم مامان بابام دوستم ندارن، ولی یک نفر هست که دوستم داره.»

پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از برنامه‌های فن‌میتینگ و فن‌ساین که برنامه‌های ملاقاتی ستاره‌ها با هواداران محسوب می‌شوند، به قرار زیر یاد کرده است:

«– فن‌میتینگ چیه؟»

توی فن‌میتینگ اعضای بی‌تی‌اس میان با آرمیا ملاقات می‌کنن و توی اون ملاقات، حالا بازی می‌کنن یا آهنگ می‌خونن و بعضی وقت اهم آرمیا رو سوپرایز می‌کنن. یه حالت کنسرت جمع و جور داره. بعد یه چیز دیگه هم هست بهش می‌گن فن‌ساین. البته فن‌ساین یه کم با فن‌میتینگ فرق داره. حالت خصوصی طور داره بعد فنا میان با اعضاء دیدار می‌کنن و امضاء می‌گیرن و عکس می‌اندازن و صحبت می‌کنن کلی به طرفدارا عشق می‌دن و همین طور طرفدارا به پسرا. بعد یه چیز قشنگی که هست اینه، اگر مثلاً یه آرمیه مسلمون بره توی فن‌میتینگ کاملاً بهش احترام می‌ذارن و بهش دست نمی‌زنن، مگر این که خودش بخواد و خیلی با محبت برخورد می‌کنن باهاش. مثل بقیه‌ی فنا.»

دیبا ۱۵ ساله، در مصاحبه خودش از برنامه‌های تفریحی و سرگرمی دیگری که پسران بی‌تی‌اس دارند، نظیر ران بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس این دِ سوپ و بن ویاژ یاد کرده است:

«– این برنامه‌هایی که توی صحبت‌ها بهش اشاره کردی چی هستن و توی اون‌ها چه اتفاقی می‌افته؟»

مثلاً این برنامه بن‌ویاژ چندتا فصل داره و توی اون به جاهای مختلفی سفر می‌کنن یا مثلاً ران بی‌تی‌اس کانسپت‌های مختلفی داره، مثلاً می‌شینن باهم بازی‌های مختلفی انجام می‌دن یا خود تهیه‌کننده برنامه میاد و براشون یه چالشی مطرح می‌کنه، آشپزی می‌کنن یا یه مهمونی دعوت می‌شه تا بهشون کارهای جدید رو یاد بده مثلاً سفالگری و یوگا رو یاد گرفتن یا مثلاً توی بی‌تی‌اس این دِ سوپ هم که تا الان دو فصلش اومده، می‌رن توی خونه‌های جنگلی، خیلی خوشگل و شیک و باکلاس و مثلاً کارهایی که اون‌جا انجام می‌دن، توی اون سه، چهار روزی که هستن، به شکل یه برنامه در میاد.»

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه‌اش از ارتباط ستاره‌ها با هواداران در برنامه وی‌ورس، به شرح زیر یاد کرده است:

«بعد برنامه‌ای که بی‌تی‌اس خیلی داخلش فعالیت داره و جواب همه‌ی آرمی‌ها رو می‌ده و عکس این چیزا رو پست می‌کنه وی‌ورسه.  
- چه طوری؟

وی‌ورس یه برنامه‌ایه که آیدول‌های کی‌پاپ دارنش و کامنت‌های آرمی‌ها رو جواب می‌دن و روزمرگی‌شون رو اونجا می‌ذارن». مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش ضمن یادآوری برخی از جشن‌های مناسبتی کمپانی بیگ‌هیت و گروهش، خاطرنشان ساخته است که کم‌ترین حرکات و سکنات ستاره‌ها (نظیر ورزش آنان)، توسط کمپانی در فضای مجازی نهاده می‌شوند:  
- مسعود راجع به جشن‌های بی‌تی‌اس چه اطلاعاتی داری؟

گروه بی‌تی‌اس هر ساله به خاطر سالگرد افتتاح گروه بی‌تی‌اس، یه جشن بزرگ راه‌اندازی می‌کنه که چندین روز طول می‌کشه و اسم جشن‌شون جشن فستا هست و دیگه به مناسبت تولد هر کدام از اعضاء هر ساله در آن روز جشن‌های باشکوهی راه می‌اندازه که در سرتاسر دنیا پخش می‌شه... .

- گروه بی‌تی‌اس به غیر از آهنگ‌هاشون دیگه چه چیزهایی را برای هواداران در یوتیوب می‌گذارند؟

گروه بی‌تی‌اس هر لحظه از محل زندگی‌شون و کارهاشون و حتی از ورزش کردنشون، فیلم‌ها و ویدیوهایی در یوتیوب برای هواداران می‌گذارند که هواداران با دیدن این ویدیوها برای بارها و بارها، از دیدن اون‌ها خسته نمی‌شن و عاشقانه این ویدیوها رو دوست دارند و این ویدیوها نشان دهنده اینه که ستاره‌ها به فکر هواداران خودشون هستنند».

یکی از دیگر مواردی که به رابطه ستاره‌ها و هواداران دامن زده و بر عمق رابطه آنان می‌افزاید، پذیرفتن نام‌گذاری هواداران برای ستاره‌ها است. به این معنا که نام پسران گروه بی‌تی‌اس، در غالب موارد نام واقعی خودشان نیست و نام آن‌ها برگرفته از نام‌گذاری کمپانی و یا هواداران برای آنان است و بالطبع این مسأله که حتی ستاره مورد نظر نام اعطایی هوادار را به مثابه نام واقعی خویش در نظر بگیرد، مقوله مهم و اثرگذاری است که در سایر گروه‌های مشابه داخلی و خارجی کره ملاحظه نشده است. مجموعه مواردی که به اجمال از آن‌ها یاد شد، تقریباً در هیچ گروه کی‌پاپ، پاپ و یا گروه‌های موسیقی داخلی دیده نمی‌شود و همین عمق بخشیدن‌ها، اسباب محبوبیت بیش از پیش پسران بی‌تی‌اس را برای هواداران‌شان فراهم می‌آورد.

### مواجهه با معرکه آرا و افزایش تسامح هواداران

برخی از هواداران مصاحبه شده در جریان کاربری از گروه بی‌تی‌اس از افزایش سطح تحمل و تسامح خود یاد کرده و خاطرنشان ساخته اند، آنان برخلاف گذشته که شاید رخدادهای مختلف را تنها و مستقل در نظر گرفته و بر همان مبنا قضاوت می‌کردند، در برخورد با واقعیات گروه بی‌تی‌اس و این که کمپانی در بسیاری از موارد، از ستاره‌هایش می‌خواهد تا طبق ارزش‌های خاصی رفتار کنند، سبب شده است که با در نظر گرفتن دیگر عوامل مؤثر در رفتار ستاره‌ها، به سادگی دست به قضاوت زده و تسامح را در دستور کار خود قرار دهند. افراد مصاحبه شده دیگری بیان داشته اند که با تأثیرپذیری از رهنمودهای پسران گروه بی‌تی‌اس، تسامح را پیشه خویش کرده اند یا پس از برخورد با واقعیاتی نظیر وجود مخالفانی که نفرت‌پراکنی در مورد ستاره‌ها و گروهشان را در دستور کار خویش قرار داده اند، در نهایت به این مسأله رسیده اند که برخی از افراد، از جمله جماعتی که نفرت‌پراکنی را پیشه کار خود کرده اند، منطقی‌پذیر نیستند، بنابراین باید با تسامح با آنان برخورد کرد.

مریم و پونه ۱۸ ساله، در اظهارنظرهایی که داشته اند، خاطرنشان ساخته اند که با در نظر گرفتن اجبارهای کمپانی، روی رفتارهای نامناسب ستاره‌ها خیلی متمرکز نشده و با در نظر گرفتن احتمال این که رفتار ناپسند گروه یا ستاره‌های آن ممکن است الزام کمپانی بوده باشد، از قضاوت ارزشی پرهیز کرده و تسامح را در این میان پیشه خویش کرده اند:

«- با توجه به این که کمپانی روی تمام اعمال و رفتار اعضاء کنترل کامل داره، چه طور می‌تونی حرف‌ها و رفتارهای بی‌تی‌اس رو باور کنی و بپذیری؟»

به نظرم الآن علم آرمی‌ها اون قدر زیاد شده که متوجه این نکته باشن که نباید کارهای بی‌تی‌اس رو صددرصد از طرف خودشون ببینند. اگه نسبت به این قضیه آگاه باشی، خودت حواست هست که همه کارهاشون رو واسه خودت الگو نکنی و همه حرف‌هاشون رو کاملاً درست و بدون اشتباه، در نظر نگیری. آدم باید همیشه چند درصد احتمال خطا داشته باشه و هر چی مبینه یا می‌شنوه، اول خودش قضاوت کنه، ببینه منطقی هست یا نه. اگه اعضای بی‌تی‌اس حرفی می‌زنند، من شخصاً اول فکر می‌کنم این حرف منطقیه یا نه، بعد تصمیم می‌گیرم بپذیرمش. با توجه به وضعیتی که کی‌پاپ داره، نمی‌شه مطلق طرفدار کسی بود و ازش تقلید کرد.»

«... بین همین سر قضیه‌ی جام جهانی که تو کشور قطر انجام شد، خیلی از آرتیست‌های هالیوود که برای مقدماتی جام جهانی دعوت شده بودن که برن و اجرا کنن نرفتن، چرا؟ چون کشور قطر قوانین سختی داره برای افراد هم‌جنس‌گرا، این آرتیست‌ها هم نرفتن، چون خواستن مخالفت خودشون رو نشون بدن. ولی چونگ کوک رفت و سر اون قضیه من خیلی جدی ناراحت شدم. به نظرم می‌تونست نره. اما تنها چیزی که باعث شد کوک رو کنار نذارم، این بود که گفتم شاید مجبور بوده، چون می‌دونم که آرتیستا توی کی‌پاپ و حتی تو خود هالیوود و امریکا خیلی کارا رو مجبور ان انجام بدن. بعد با توجه به این مسأله تونستم با کاری که کوک انجام داد، کنار بیام، بالاخره همه چیز خود آرتیست نیست و کمپانی‌ها هم توش دخیل هستن. بعد کوک و بی‌تی‌اس کلاً سابقه‌ی حمایت خانواده‌ی ال‌جی‌بی‌تی رو دارن. پس آره واسه همین بود که سعی کردم منطقی کنار بیام با این قضیه و احساسی برخورد نکنم. هر چند که بازم سر این قضیه کوک کلییییی هیئت گرفتم.»

- از نظر تو نباید می‌رفت؟

بین هیچ باید و نبایدی وجود نداره. اخلاقیش این بود که به احترام کلی از فن‌هایی که جزئی از ال‌جی‌بی‌تی هستن نره و برای کشوری که هم‌جنس‌گراها رو زندانی می‌کنه یا بهشون آزادی نمی‌ده، اجرایی نکنه، ولی رفته. این کار از نظر خیلیا مشکلی نداشتا، یعنی دغدغه‌ای ندارن. منظورم طرفدارها هست. ولی برای من مهمه که آیدولم حمایتش رو فقط با عکس انداختن با پرچم ال‌جی‌بی‌تی نشون نده. توی همچین موقعیتی هم حمایت کنه و نره. اما حالا که رفته، شاید ازش خرده بگیرم، ولی من پشت قضیه نیستم و نمی‌دونم که واقعاً چه اتفاقی افتاده. واقعاً تصمیم خودش بوده یا مجبوری بوده.

- اگر بر فرض علیه ال‌جی‌بی‌تی‌ها حرفی بزنی، کنار می‌گذاری؟

قطعاً ناراحت می‌شم، ولی بازم نمی‌دونم بگم کلاً کنارش می‌ذارم یا نه، شاید خیلی دیگه نتونم بهش به چشم اون آدم قبل نگاه کنم، کلاً باید اتفاق بیفته ببینم چه کار می‌کنم.

- به نظرم الآن حرف‌ها تیه جورایی تناقض داره. تو گفتی اگر مثلاً قتل کنن کنارشون نمی‌گذاری، ولی اگر ببینی اخلاق رو زیر پا گذاشتن دیگه طرفدارشون نیستی. بعد الآن داری می‌گی شاید؟

بین من گفتم هیئت دادن به خاطر کاری که می‌کنن و از نظر ما بده، کار اشتباهیه، بهت هم گفتم که اگر ببینم حتی بدترین کار رو هم کرده، هرگز هیئت نمی‌دم، چون بالاخره اونا هم انسان ان و ما حقی نداریم بهشون توهین کنیم. ولی گفتم اگر اخلاق رو کنار بذارن، احتمالاً دیگه دوستشون نداشته باشم. ولی بازم باید تو اون موقعیت قرار بگیرم دیگه، می‌دونم اون قدر شاید برام راحت نباشه کنار گذاشتنشون. چون خیلی برام مهم ان ولی کل حرفم این بود که این قدر راحت تصمیم نگیریم در مورد آیدولا.»

دیبا‌ی ۱۵ ساله در مصاحبه‌اش، یادآور شده است که او با استقبال از رهنمودهای ستاره‌ها، کوشیده است تا تسامح و سعه صدر را در دستور کار خود قرار دهد:

«- به طور کلی در نهایت بی‌تی‌اس و کی‌پاپ چه اثراتی بر روی شما داشته؟»



شاید بعضی از چیزهایی که می‌گم مسخره به نظر بیان، ولی برای خودم خیلی با ارزش هستن مثلاً الآن خودم رو جووری که هستم دوست دارم، سعی می‌کنم درباره کسی نظر الکی ندم یا کسی رو قضاوت نکنم چون زندگی آیدول‌ها رو دیدم و به هر آدمی با هر نظر، شکل و گرایشی می‌گذارم و منفی هم شاید وقت و اینترنت باشه که مامان آدم رو عصبی می‌کنه؟ (می‌خندد)».

سارینای ۱۳ ساله، در گزارش خود خاطرنشان می‌سازد، وی پس از برخوردهای هیجانی خویش با دیگران به این نتیجه رسیده است که برخوردهای مبتنی بر نفی و انکار و پرخاشگری جواب نمی‌دهند و وی باید با اتکاء به منطق و استدلال و البته تسامح با دیگران برخورد کند تا روال زندگی‌اش مخدوش نشود:

«- سارینا جان گفتمی که قبلاً نسبت به بلک‌پینک تعصب شدیدی داشتی و الآن دیگه مثل قبل نیستی، آیا نسبت به بی‌تی‌اس هم چنین تعصباتی داری؟»

آره دارم، ولی الآن زیاد سعی می‌کنم درگیر نشم، چون اعصاب خودم بدتر بهم می‌ریزه، چه درباره بلک‌پینک چه درباره بی‌تی‌اس و خب من جزو بلینک و آرمی بودن تو پنج تا فن‌دوم دیگه هم هستم که به اندازه این دوتا نیست و اگه بخوام برا همه‌شون این جووری بحث کنم، واقعاً اعصابی برای خودم باقی نمی‌مونه. قبلاً که نیو فن (هوادر جدید) بودم، خیلی درگیر هیترا بودم، ولی الآن خیلی سعی می‌کنم درگیر نشم و اگر هم شدم از راه منطقی جلو برم، مثلاً بگم که این که اون‌ها آرایش می‌کنن به شما ربطی نداره یا این که من چه نوع سلیقه‌ای دارم، هم به شما آسیب نمی‌زنه و به شما مربوط نیست و لزوماً همه نباید مثل هم باشن».

### تشویق مهاجرت به کره

با بررسی روابط متقابل کمپانی بیگ‌هیت و دولت کره جنوبی، این فرض به ذهن متبادر می‌شود که کمپانی بیگ‌هیت هم‌سو و در راستای سیاست‌های کلان کشور کره حرکت کرده و ایفای نقش می‌کند و از سوی دیگر، دولت کره جنوبی نیز با پاسداشت اقدام کمپانی، در اعتلای هر چه بیش‌تر کمپانی می‌کوشد.

با درخششی که گروه بی‌تی‌اس طی سال‌های اخیر به دست آورده است، توجه به آن در معادلات کلان کشور کره، دور از ذهن نمی‌نماید. به گزارش دانشنامه ویکی‌پدیا، بی‌تی‌اس سالانه نزدیک به ۵ میلیارد دلار کسب درآمد داشته، و از هر ۱۳ توریستی که برای بازدید به کره جنوبی می‌روند، یک نفر برای دیدار گروه بی‌تی‌اس دست به سفر به کره جنوبی زده است.

ستاره‌های بی‌تی‌اس با اتکاء به شهرت قابل توجه خودشان، از سویی وارد عرصه تبلیغات و از سوی دیگر وارد فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی-سیاسی شده‌اند.

تبلغ برندهای کره‌ای، مانند هیوندای و یا سامسونگ، قسمتی از تبلیغات ستاره‌ها به شمار می‌روند.

از آن‌جا که کره جنوبی هم‌سو با دیگر کشورهای سرمایه‌داری جهان عمل می‌کند و بالطبع باید از فرهنگ مبتنی بر سیاست‌های لیبرالی تبعیت کند، گروه بی‌تی‌اس مبلغ خطمشی‌های فرهنگی اخیر نیز هست و جنسیت‌زدایی از آرایش، پوشش و عشق، از اهم موارد مورد پذیرش فرهنگ لیبرالی است.

مضاف بر این، رئیس‌جمهور کره جنوبی با اعطای پاسپورت دیپلماتیک به پسران بی‌تی‌اس، در عمل نقش اجتماعی-سیاسی خاصی نیز برعهده گروه بی‌تی‌اس نهاده است که این نقش با اقدام‌های صلح‌طلبانه و نفی تبعیض‌های موجود در جامعه بشری از سوی بی‌تی‌اس، تحقق یافته، به شکل غیرمستقیم اعتلای این کشور را رقم می‌زند.

در برابر، کمپانی بیگ‌هیت نیز در کنار ایفای نقش فرهنگی و اقتصادی خویش در کره جنوبی، به مواردی مانند تبلیغ مهاجرت نخبگان به کره دست می‌زند که این مسأله اصولاً جزو وظایف یک گروه موسیقایی نبوده و نیست.

دلایل علاقه هواداران به مهاجرت به کشور کره را می‌توان در موارد: تلاش برای آیدول و ستاره شدن، علاقه‌مند شدن به فرهنگ کره و تحصیل در این کشور خلاصه کرد.

پربیناز ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش در توصیف دلیل علاقه خود به مهاجرت به کره جنوبی از قصد آیدول و ستاره شدن خویش یاد کرده است:

«- تا به حال به این فکر کردی که به کره سفر کنی و در این کمپانی عضو بشی؟»

این سوال، واقعاً خیلی قشنگ بود، طبیعتاً من بعد از این که با کره جنوبی و گروه بی‌تی‌اس آشنا شدم و علاقه شدیدی هم پیدا کردم به گروه‌های اکسو و بی‌تی‌اس علاقه پیدا کردم، یکی از آرزوهایم این بود که سفر کنم به کره جنوبی و می‌خواستم در آینده یکی از اعضای این گروه‌ها باشم، یعنی برم و خواننده بشم. البته این در حد حرف نیست، کلی تلاش کردم برای این موضوع. من به مشکلی که داشتم این بود که وزنم زیاد بود و خب طبق شرایط گروه، باید وزنم ۵۹ کیلو بود. وزن من اون موقع ۶۹ کیلو بود، فک کنم من واقعاً تمام تلاشم رو کردم که وزنم رو برسونم به زیر ۵۹ کیلو و حتی یا ادامه که شروع کردم به یاد گرفتن زبان کره‌ای و الآن تقریباً بعد گذشت سه سال، می‌شه گفت کمی مسلط شدم به این زبان تا بتونم با آهنگ‌هاشون ارتباط بیش‌تری بگیرم و این که راحت‌تر حمایت‌شون کنم و خب خیلی کارا کردم که پیشرفت کنم تا بتونم عضو کمپانی بشم، روی رقصم کار کردم. من روزی تقریباً پنج ساعت بی‌وقفه توی خونه می‌رقصیدم و الآن این جوریه که مدل رقصیدم کلاً شده مثل بی‌تی‌اس و همه اقوام رقص من رو به مدل‌های تیک تاک و کی‌پاپ می‌شناسن و من حتی رفتم ایمیل کمپانی‌ها رو گرفتم که بهشون ایمیل بزنم و توی آزمون‌هاشون شرکت کنم، چون به زمانی بود که کمپانی‌ها کارآموز می‌خواستن و منم سنم به اون شرایطی که کمپانی گذاشته بود، می‌خورد و خب من می‌تونستم که آزمون بدم و واقعاً قصدم جدی بود، اما خب نکردم این کار رو، من خب اولش همون طور که گفتم من توی دو هفته بعد از این که مدام تمرین می‌کردم و پنج، شیش ساعت تو روز می‌رقصیدم، تونستم تو چهار هفته از وزن ۶۹ کیلو به ۶۰ کیلو برسم و تقریباً به چیزی تو مایه نه کیلو لاغر کردم و واقعاً برای خودم و خانواده‌ام خیلی عجیب بود و جالب این بود که من واقعاً و عمیقاً با تمام وجودم این کار رو انجام می‌دادم و می‌رقصیدم و اصلاً خسته نمی‌شدم. یادمه از مدرسه که می‌اومدم موزیک ویدیوهاشون نگاه می‌کردم و باهاشون مدام می‌رقصیدم و متوجه گذر زمان نمی‌شدم، وقتی ناخواسته توی جاهای مختلف آهنگ پلی می‌شد، البته الآن هم همینم، اگه آهنگ ریتمش شاد باشه، بلافاصله بلند می‌شم می‌رقصم.»

الناز ۱۲ ساله، در بیانات خود خاطرنشان می‌سازد، وی تحت تأثیر گروه بی‌تی‌اس، علاقه‌مند به فرهنگ کره و بر همین مبنا متمایل به مهاجرت به کره شده است و برای تحقق این عمل، یادگیری زبان کره‌ای را شروع کرده است، مضاف بر این، الناز با تأکید این که همه هم‌کلاسی‌های وی در صدد مهاجرت به کره هستند، عمق این مسأله را ترسیم می‌کند:

«- خوب به جز استریم زدن که خودت گفتی چه فعالیت‌هایی در زمینه آرمی بودن انجام دادی؟»

من به خاطر اون‌ها در حال یادگیری زبان کره‌ای هستم، و این که به خاطرشون فن‌پیج (صفحه هواداری) زدم.

- خوب از کی شروع به خواندن زبان کره‌ای کردی؟

از ۸ مهر ۱۴۰۱ که می‌شه یک ماه و نیم.

- خوب توی این یک ماه و نیم پیشرفتی داشتی و چیزی یاد گرفتی؟

آره، همه حروف الفبای کره‌ای رو یاد گرفتیم و الآن داریم جمله‌سازی رو یاد می‌گیریم.

- در کلاس‌تون کسی مثل تو هست که طرفدار بی‌تی‌اس باشه و به خاطر اون‌ها بخواد این زبان رو یاد بگیره؟

آره، همه‌ی بچه‌های کلاس‌مون طرفدار بی‌تی‌اس هستن و همه‌شون هم به خاطر اون‌ها می‌خوان که این زبان رو یاد بگیرند.

- در کلاس‌تون چند نفرید؟

با خودم ۴ نفر.

- خوب یعنی همه‌ی ۴ نفرتون آرمی هستین و به خاطر اون‌ها می‌رید کلاس زبان کره‌ای؟

بله، ولی اون‌ها به خاطر مهاجرت هم زبان کره‌ای رو می‌خونن.

- یعنی هم کلاسی‌هات می‌خوان برن کره؟

آره.

- خوب تو چی تو نمی‌خوای بری؟

چرا منم می‌خوام برم».

شبنم ۲۵ ساله نیز از قصد خود برای مهاجرت به کره یاد کرده، خاطرنشان می‌سازد، از ۱۹ سالگی در پی تحقق این امر بوده است و در طی این مدت به بسترسازی‌های لازم در این جهت دست زده است و در کنار یادگیری زبان کره‌ای، با یادگیری یک حرفه ارزشمند، دنبال اجرایی کردن هدف خویش است:

«بین اون موقع که من شروع کردم به یاد گرفتن زبان کره‌ای، حقیقتش هیچ هدفی برای زندگی نداشتم. هیچی! اصلاً نمی‌دونستم چی کار می‌خوام کنم. اولش که شروع کردم به یاد گرفتن زبان کره‌ای، ۱۹ سالم بود. بعد یه وقفه‌ای افتاد و دوباره از ۲۱ سالگی به صورت جدی ادامه دادم و هدفم این بود که برم کره. حتی پس‌انداز هم کرده بودم، ولی متأسفانه خورد به گرونی‌ها و دیگه نتونستم. البته استاد زبانم توی آموزشگاه بهم می‌گفت که تو از طریق زبان کره‌ای توی کره نمی‌تونی کار پیدا کنی و باید یه حرفه و هنر و مهارت دیگه‌ای داشته باشی که بتونی اون جا کار کنی که منم درباره رشته‌ام (طراحی فرش) بهش گفتم و ایشون هم خیلی تشویقم کرد و در نتیجه منم دوباره شروع کردم به فرش بافی و برای خودم این ددلاین رو گذاشته بودم که تو باید تا دو سال دیگه رفته باشی کره. ولی دیگه یه مشکلاتی پیش اومد توی زندگیم و تا الان نتونستم به هدفم برسم».

محسن ۲۲ ساله، از منظر دیگری به مقوله مهاجرت به کره فکر می‌کند و آن آزادی عملی است که گروه‌های دخترانه و پسرانه کی‌پاپ در کره از آن برخوردار هستند:

«- تاحالا به رفتن از ایران فکر کردی؟

هزار بار. وقتی می‌دونم اونور حالا هر جا که بری بهتر از ایران، مگه دیوونه‌ام که بمونم؟

- از کجا می‌دانی بهتر هست؟

نخوردیم نون گندم، ولی دیدیم دست مردم. این همه فیلم و کلیپ و اینا همه‌اش نشون می‌دن چه قدر اونا خوب دارن زندگی می‌کنن! همین بی‌تی‌اس و آزادی که دارن یا گروه‌هایی مثل بلک‌پینک که دخترای کی‌پاپ هستن. کجا تو ایران یه دختر می‌تونه آزادانه آواز بخونه و برقصه، شما باشی نمی‌ری؟»

گذشته از افرادی که علاقه‌مند به مهاجرت به کره هستند، افراد دیگری به دلیل جذابیت‌هایی که گروه بی‌تی‌اس برای آنان داشته است، در سطحی پایین‌تر برای دیدن گروه بی‌تی‌اس، سناریوی ادامه تحصیل در کره را برای خود مطرح کرده‌اند. ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خویش از معنای اخیر، چنین یاد کرده است:

«- دوست داری که به خاطر بی‌تی‌اس به کره سفر کنی یا اونجا زندگی کنی؟

بین من کلاً کره‌ای‌ها رو دوست دارم، هم غذاهاشون رو، هم قیافه آدماش، هیکلشون، البته چشمشون یه کم درشت‌تر بود، بهتر بود! همیشه به بابام می‌گم دوست دارم برم کره درس بخونم. حتی قصد دارم زبان کره‌ای هم یاد بگیرم. بعد وقتی اونجا باشم راحت می‌تونم بی‌تی‌اس رو ببینم کنسرتشون رو برم. نه که همه‌اش فقط با گوشی ببینمشون».

با توجه به آنچه از آن یاد شد، می‌توان نتیجه گرفت، نباید گروه بی‌تی‌اس را صرفاً یک گروه محدود موسیقایی دید و به نظر می‌رسد، این گروه به دلیل شهرت و اثرگذاری اجتماعی که به دست آورده است، به تدریج واجد برخی از نقش‌های فرعی و پنهان برای اعتلای خطمشی‌های فرهنگی-اجتماعی-سیاسی جامعه‌اش (از جمله ترغیب نخبگان به مهاجرت به کره جنوبی) شده است.

### دوست‌یابی حضوری و مجازی

افرادی که حول محور طرفداری از گروه بی‌تی‌اس گرد هم می‌آیند، به سبب نزدیکی دیدگاه‌هایی که دارند، یکدیگر را به عنوان دوست انتخاب می‌کنند. دوستان اخیر ممکن است حضوری یا مجازی باشند.

در مواردی نظیر هم‌کلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌ها، بالطبع دوستی افراد از شکل حضوری برخوردار است، اما در شرایط حضور افراد در تشکل‌های هواداری (فندوم‌ها) و یا ایجاد صفحه‌های طرفداری و تعقیب این صفحه‌ها توسط دیگران، در این حالت دوستان فرد، دوستان مجازی خواهند بود.

البته در مواردی هم که فردی مسلط به زبان انگلیسی یا کره‌ای و مانند آن‌ها باشد، از این امکان برخوردار خواهد بود که دوستان مجازی بین‌المللی پیدا کند.

نگین ۱۳ ساله که به دلیل کمی سن، هنوز فرصت غور و تفحص زیادی در فضای مجازی و فندوم‌ها نداشته است، در مصاحبه خود بیان می‌کند که او با معرفی دوستان حضوری خویش با برخی از آرمی‌ها آشنا شده، و با آنان طرح دوستی ریخته است:

«- به چه صورت با سایر آرمی‌ها در ارتباطی؟»

ما با آرمی‌های غریبه در ارتباط نیستیم ما با دوستانمون در ارتباطیم و یا دوست‌هامون می‌بینن که یکی از دوست‌هاشون آرمیه و خیلی خصوصیاتش شبیه ما هست، اون آرمی را به ما معرفی می‌کنن، بعد دوست می‌شیم».

مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش گزارش می‌دهد، وی از طریق تشکل‌های هواداری (فندوم‌ها)، با دوستان مجازی نیز آشنا شده و طرح دوستی با آنان را ریخته است:

«- می‌تونی مثال بزنی که طرفداری از بی‌تی‌اس تاحالا چه نکات مثبت و منفی‌ای برات دربرداشته؟»

بهترین دوستی‌های من به خاطر علاقه مشترکی که در مورد بی‌تی‌اس داشتیم، ایجاد شده و این قضیه باعث شده حتی بتونم با افراد کوچیک‌تر یا بزرگ‌تر از خودم هم دوستی‌های عمیقی داشته باشم. فکر می‌کنم اطلاعاتی که در زمینه کی‌پاپ دارم، همیشه کمک کرده که راحت‌تر تو اجتماع باشم. اگه آرمی و کی‌پاپ نبودم، خیلی سخت می‌شد که بتونم این قدر دوست‌های زیاد حتی توی فضای مجازی داشته باشم».

فرشته ۱۹ ساله، در مصاحبه خود خاطرنشان می‌سازد، در دوران کرونا محوریت دوست‌یابی وی، هواداران گروه بی‌تی‌اس بوده اند که از علایق مشترکی باهم برخوردار بوده اند.

«- خوب چی شد که فن‌شون شدی؟»

اوایل دوران کرونا بود که من تیک‌تاک ریختم و اکانت ساختم. اونجا آهنگاشون رو خیلی می‌شنیدم و تیک‌تاک می‌دیدم. همون دوره هم بود که آهنگ پریشن تو دنس رو خوندم تقریباً. شاید یه کم بعد ترش. که خب این آهنگ امید می‌ده به دوران بعد از کرونا و زندگی عادی.

خب اصن یه جو عجیبی بود اون موقع. از همه چیز و همه کس دور افتاده بودم، من کنکوری هم بودم. بعد من خیلی روحیه‌ام داغون بود. نیاز به حواس پرتی داشتم واقعاً و چی بهتر از یه فندومی که خیلی چیزای جانبی داره. فضای خوبی بود که چیزای مختلف ببینم

دوست پیدا کنم و اینا».

برخی از هواداران پسران بی‌تی‌اس، چنان شیفته گروه بی‌تی‌اس هستند که نسبت به غیر هواداران دارای موضع می‌شوند و آنان را به سبب عدم هواداری از گروه بی‌تی‌اس و یا فراتر از آن، نقد گروه، شایسته دوستی نمی‌دانند و دوستان خود را تنها و تنها از هواداران و آرمی‌های بی‌تی‌اس انتخاب می‌کنند.

### نوع دوستی

نوع دوستی، عبارت از رفتاری است که با هدف کمک به دیگران از فرد سر می‌زند.

برای تبیین این که چگونه فردی به انجام کاری برای دیگری مبادرت می‌ورزد، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است.

اگر چه برخی از نظریات ارائه شده در صدد تبیین نوع دوستی برآمده اند، اما نظریات دیگری اصولاً مفهوم نوع دوستی را زیر سوال برده‌اند. دیدگاه دینی هم نوع دوستی را به مثابه امری فطری می‌بیند که ظرفیتی بالقوه را در اختیار آدمی قرار داده، این ظرفیت با تأثیرپذیری از عوامل محیطی به فعلیت می‌رسد.

برخی از شواهد تجربی نشان می‌دهند، کمک به دیگران می‌تواند باعث کاهش آلام افراد شود. سیمنر در یک مطالعه، نوارهایی را برای نوزادانی که ۶۶-۷۲ ساعت از تولدشان بیش‌تر نگذشته بود، گذاشت. در این نوارها، صدای گریه یک کودک و چند صدای نامفهوم دیگر با همان درجه بلندی صدا ضبط شده بود. نوزادان با شنیدن صدای گریه کودک که از نوار پخش می‌شد، می‌گریستند، اما واکنش آن‌ها به صداهای نامفهوم که از همان درجه شدت برخوردار بودند، بسیار کم‌تر بود.

ساگی و هافمن در مطالعه مشابهی نشان دادند، حتی نوزادان کوچک‌تر که از تولد آن‌ها بیش‌تر از ۳۴ ساعت نمی‌گذشت، با شنیدن صدای گریه نوزادانی دیگر، گریه می‌کردند.

یافته‌های اخیر بیانگر آن است که انسان‌ها از نظر غریزی مستعد هستند با دیدن ناراحتی و تألم دیگران، متألم شوند.

کشف سلول‌های آئینه‌ای که نخست در میمون‌ها و سپس در انسان‌ها صورت پذیرفت، فهم اعمال نوع‌دوستانه در انسان‌ها و حیوان‌ها را ساده‌تر کرد. به این معنا که سلول‌های آئینه‌ای با بازنمایی عواطف طرف مقابل در آدمی، در شرایط دشواری و ضیق انسان‌ها، عواطف آنان را در افراد حاضر و ناظر در صحنه بازنمایی کرده، آنان برای رهایی از اندوه ناشی از مشکلاتی که شاهد آن‌ها بوده اند، باید گامی فراتر از چارچوب وجودی خود نهاده، در رفع محرومیت و حرمانی که شاهد آن شده اند، بکوشند، با رفع مشکل، در عمل احساس ناراحتی افراد حاضر در صحنه نیز خاتمه خواهد یافت، در غیر این صورت، احساس تکدر خاطر در آن‌ها باقی خواهد ماند، آنان را رنجیده خاطر خواهد کرد.

کمپانی بیگ‌هیت، در یکی از ابتکارهای خویش، با سوق دادن اعضای گروه بی‌تی‌اس به سمت انجام برخی از کارهای نوع‌دوستانه، در عمل جذابیت انجام اعمال نوع‌دوستانه را به گروه بی‌تی‌اس افزوده است. رخساره ۱۶ ساله و محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، از اقدام‌های نوع‌دوستانه گروه بی‌تی‌اس، به عنوان اقدام‌هایی که این گروه را همواره در اذهان ماندگار می‌کند، یاد کرده اند:

«- به نظر تو تا چه زمانی بی‌تی‌اس پا برجا خواهد ماند و آیا بالاخره تکراری نخواهد شد؟»

هر گروهی تکراری می‌شه آخرش، ولی خوبی این گروه فعالیت‌های فوق برنامه‌ای هست که داره.

- چه فعالیت‌هایی و این فعالیت‌ها چه طور با تکراری نشدن این گروه ارتباط دارد؟

فعالیت‌های خیریه‌ای که دارن باعث محبوبیت این گروه شده. شاید مثلاً آهنگ‌هاشون، قیافه‌هاشون تکراری بشه، ولی این کاراشون که فراموش نمی‌شه. این همه به یونیسف کمک کردن. البته این نظر من چه قدر درسته نمی‌دونم، ولی فکر می‌کنم که فعالیت‌های خیرخواهانه فراموش نمی‌شه. یادتون میاد چند سال پیش علیرضا جهانبخش اومد همین کوره آجرپزی اطراف قیامدشت؟

- منظورت همان موقعی هست که به یک کودک در کوره آجری توپ و لباسش را داد و گفت حمایتش می‌کنم؟  
بله، همون. می‌بینید یادتون مونده. قول می‌دم آگه از تک‌تک مردم این منطقه بپرسیم یادشون مونده. مهم‌تر این که ما هم یادمون بره اون بچه یادش نمی‌ره. آنجلینا جولی شاید دیگه خیلی زیبا نباشه و الآن بازی نکنه توی هیچ فیلمی، ولی همه این فعالیت‌های خیرخواهانه‌ای که توی آفریقا داشته، یادشون می‌مونه. من بی‌تی‌اس رو به خاطر فعالیت‌های خیرخواهانه‌ای که داشتن و دارن، تحسین می‌کنم. شاید هم این‌ها برای من فقط انقدر اهمیت داره، ولی بی‌تی‌اس واقعاً به هوادارش اهمیت می‌ده، عامیانه‌اش می‌شه این که کلاس نمی‌ذارن برای مخاطب».

«- این که اولویتشون اول اعضای بی‌تی‌اس آرمی‌ها هستند را از روی چه کارهایی می‌فهمی؟  
کارهای خیلی زیادی انجام دادن برای آرمی‌ها، برای بچه‌ها، نمی‌دونم دقیقاً چه مبلغی، ولی مبلغ خیلی زیادی به بچه‌های بی‌سرپرست کمک کردن یا خونه‌ی سالمندان و این جور چیزها برای پیرزن و پیرمردها ساختن، کلاً خیلی کمک کردن به بی‌پناه‌ها و به اون‌ها که سرطان دارن و این جور چیزها».

احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از ایده‌های نועدوستانه‌ای که گروه بی‌تی‌اس در سخنرانی خود در سازمان ملل داشته اند یا در جریان اجرای کنسرت‌های خویش به آن جامه عمل پوشانده اند، یاد کرده است. احسان در فراز دیگری از مصاحبه‌اش، از برخی از اقدام‌های نועدوستانه گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«- چندتا از شعارهای گروه بی‌تی‌اس رو که تأثیرپذیری بیش‌تری روی هواداران داره رو می‌شه نام ببری؟  
حتماً، شعارهایی درباره سلامت روان، مشکلات زمان تحصیل و جوانی، از دست دادن کسی، سفر کردن، عاشق خود بودن، استقلال فردی و تواتمندی خود است.

- اعضای گروه بی‌تی‌اس چه فعالیت‌های دیگه‌ای دارند؟  
فعالیت‌های خیرخواهانه مثل کمک به پناهندگان و نیازمندان و بیماری‌های خاص، مبارزه با تبعیض نژادی، دفاع از حقوق کودکان، راه کارهایی برای جلوگیری از گرم شدن زمین و واکسیناسیون برای مبارزه با همه‌گیری کرونا... .

طرفداران بی‌تی‌اس به افتخار تولد جیهوپ به بازسازی بیمارستانی در چین کمک کردند. طرفداران چندین مؤسسه خیریه نیز در طرح بازسازی بیمارستان به آن‌ها کمک کردند. برای استفاده خانواده‌های کم درآمد از بیمارستان‌ها کمک مالی در نظر گرفته شد و یک بیمارستان در استان آنهویی در چین به نام جیهوپ نام‌گذاری و افتتاح شد. این بیمارستان پروژه‌ای بود که توسط هواداران بی‌تی‌اس مستقر در چین برای تولد جیهوپ در ۲۰۲۱ آغاز شد. این بیمارستان به ساکنان روستاها و خانواده‌های کم درآمد که دسترسی آسانی به امکانات پزشکی ندارند، کمک خواهد کرد».

شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه خودش گزارش می‌دهد، اعضای گروه بی‌تی‌اس ضمن انجام کارهای نועدوستانه، در این جهت دست به بسترسازی فرهنگی نیز می‌زنند تا دیگران را به انجام کارهای خیرخواهانه ترغیب سازند:

«- شیرین راجع به جشن تولدهای ستاره‌ها چه اطلاعاتی داری؟  
جشن‌های تولد آیدول‌ها بسیار رؤیایی و افسانه‌ای برگزار می‌شه، جشن‌هاشون رو حتی شاهزاده‌ها هم در خواب نمی‌بینند. جشن‌ها فقط در کره برگزار نمی‌شه، بلکه در بیش‌تر کشورهای جهان برگزار می‌شه، جشن تولد هر آیدولی با یه رنگ برگزار می‌شه، مثلاً برای تولد تهیونگ تمام دنیا به رنگ بنفش در آمد برای تولد جین تمام دنیا به رنگ صورتی در آمد و برای مجلل و با شکوه بودن جشن تولدها کمپانی میلیاردری خرج می‌کنه و به خاطر تولد هر کدام از آیدول‌ها کمپانی مقداری از در آمدش رو صرف کارهای خیریه می‌کنه.

- از هواداران در این چالش‌ها چی می‌خوان؟

مثلاً می‌گن بیایید این بار این جشن تولد متفاوت‌تر از جشن تولدهای دیگر برگزار بشه، علاوه بر حمایت معنوی خودمان از آیدول‌مان با حمایت مالی و کمک به نیازمندان سفیران خیر و سلامتی باشیم، مثلاً این بار بیاییم انجمن حمایت از اوتیسم رو کمک کنیم و بدین صورت هواداران نیز کمک‌های مالی خود رو با کمک مدیران فن پیچ‌ها به دست نیازمندان می‌رسانند.

- این جشن‌ها چه تأثیر فرهنگی روی هواداران داره؟

فرهنگ زیبای کمک به نیازمندان و بیماران خاص رو فرهنگ سازی می‌کنه. هم از برگزاری جشن‌ها هواداران لذت می‌برند و هم به کار انسانی و بشر دوستانه انجام می‌دن».

مرضیه ۱۹ ساله، در قسمتی از مصاحبه خود، به گزارش برخی از فعالیت فن‌دوم‌های ایرانی پرداخته است:

«- خوب حالا فن‌بیس‌ها معمولاً برای حمایت از آیدول‌های خودشون فعالیت‌های تبلیغاتی یا خیریه انجام می‌دن که احتمالاً به گوشت خورده، مثلاً جمع‌آوری و اهدای کمک مالی برای یک حرکت بشردوستانه «به اسم اون آیدول»، هر کدام از فن‌بیس‌ها این فعالیت‌های خیریه رو معمولاً توی کشورهای خودشون انجام می‌دن، تو این زمینه آرمی‌های ایرانی هم فعالیت می‌کنند؟

آره خیلی زیاده. علاوه بر کمک پسرا، کمک فن‌دوم‌مون هم قابل ستایشه، می‌تونم نمونه‌هایی ازش رو برات بفرستم، هالزی هم در این زمینه در مورد فن‌دوم آرمی گفته که اونم می‌فرستم و این که من عاشق کمک کردن به دیگرانم و یکی از دلایلی که باعث شد دید منفی از ابتدا به آرمی‌ها داشته باشم، از بین بره. همین این ویژگی شون بود. بعد از این که دیدم چه قدر مهربون و خوش قلب ان، جذب شون شدم و فعالیت‌های خیرخواهانه و روحیه شاد و سرزنده آرمی‌های بی‌تی‌اس واقعاً برام جالب بود و دوست داشتم منم یکی مثل اونا بشم.

- این حرکت‌ها غالباً در چه مناسب‌هایی انجام می‌شه و از چه طریقی این کمک‌های مالی جمع‌آوری می‌شه و هزینه‌های انجام شده از سوی فن‌دوم ایرانی غالباً به چه صورت بوده؟

بین هر سال به مناسبت تولد اعضا چندین پروژه بین فن‌بیس‌های ایرانی و خارجی و فن‌پیج‌های بزرگ بزرگ راه می‌افتاد و از سه الی بیست میلیون پول جمع می‌شد و به مؤسسه محک یا نظایر اون اهدا می‌شد. من خودمم چند بار پروژه راه انداختم و همین‌الآنش هم به پروژه دارم.

- در مورد پروژه‌هایی که خودت داری، می‌تونی توضیح بدی؟

پروژه‌های من کوچیک و غیررسمی بودن. افرادی که همکاری کردن دوست نداشتن پول جمع‌آوری شده به نهاد خاصی اهدا بشه... برای همین روز بیست و شش شهریور ماه و هفدهم اسفند ماه سال قبل یک‌سری بسته‌های مواد غذایی، لوازم التحریر و لباس عید به بچه‌های کار و خانواده‌های بی‌بضاعت هدیه کردیم و پستش هم توی پیج بود و هفتاد و پنج کاویو خورده بود. جدا از اون چندتا کار ریز ریز کردیم. - هزینه‌های انجام شده این کار چه قدر بود؟

یه بار سه تومن، یه بار پنج تومن. این گوشه کوچیکی از کمک اعضا هست از پولای خورد خوردی که به نهادهای کوچیک اهدا می‌کنن تا استفاده از گارد گوسی بازیافتی برای حمایت از محیط زیست.

- استفاده از گارد گوسی بازیافتی؟! می‌تونی واضح‌تر توضیح بدی؟

یک موردی که بین استوری جیهوپ و پست نامجون مشترکه، گارد گوشیشونه که توسط برند آرک ساخته شدن این برند حامی محیط زیسته و تمام محصولات با استفاده از زیاله‌های بازیافتی تولید می‌شه».

با توجه به آنچه در ذیل عنوان نوعدوستی گروه بی‌تی‌اس و دامن زده شدن نوعدوستی در میان هواداران بیان شد، می‌توان ضمن توجه به امور خیرخواهانه‌ای که از گروه بی‌تی‌اس و هواداران آن‌ها برمی‌آید، به لایه‌های زیرین رفتاری گروه (نظیر تبلیغ گران‌قیمت‌ترین برندهای مختلف) هم توجه داشت که بعضاً در جهت عکس رفتارهای نوعدوستانه عمل می‌کنند.

## تحقق جهانی شدن و جهانی اندیشیدن

از عصر حاضر با عنوان عصر جهانی شدن و انفجار اطلاعات یاد می‌شود.

اگر چه جهانی شدن در درجه نخست معطوف به فرآیندهای اقتصادی بود، اما در ادامه، با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی جدید، افزایش کنش‌های متقابل جهانی، تسهیل جابه‌جایی و مانند آن‌ها، سایر ابعاد علمی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را نیز پوشش داد و به مفهومی جامع‌تر بدل شد.

ابعاد مهم جهانی شدن را می‌توان در تحول‌های اقتصادی (نظیر جهانی شدن اقتصاد و تجارت آزاد، جهانی شدن بازارهای مالی، جابه‌جایی گسترده کالاها در مرزها)؛ علمی (مانند انقلاب علمی، افزایش دانش فنی، مبادله نسبتاً آزاد اطلاعات، خدمات اطلاع‌رسانی سریع)؛ اجتماعی (نظیر اثرگذاری افراد و گروه‌ها بر حکمرانان در فضای ارتباطی جدید، تضعیف سانسور توسط حکومت‌ها، طرح گزینه‌های جایگزین به جای گزینه‌های مورد نظر و پیشنهادی دولت‌ها) و فرهنگی (مانند رشد فزاینده وسایل ارتباط جمعی که فشردگی زمان و مکان را در برداشته است، رخ نمودن فرهنگ مسلط جهانی، توفیق نسبی بعد فرهنگی بر ابعاد اقتصادی و سیاسی در عصر حاضر، پیش‌برد اهداف اقتصادی-سیاسی-اجتماعی سلطه‌گران جهان)، ردگیری کرد، اما اگر مرکز ثقل بحث، روی تحول‌های فرهنگی جهانی شدن قرار گیرد، مشاهده خواهد شد که غرب به عنوان صاحب فناوری‌های ارتباطی جدید، با گسترش فضای مجازی و سایه گستر کردن آن در جوامع مختلف بشری، از این شاخصه مهم جهانی شدن در عرصه فرهنگی سود برده، در عمل دست به تسری، گسترش و تحکیم ارزش‌های فرهنگی خویش زده و این در حالی است که دیگر مناطق جهان، به دلیل عدم برخورداری از امکانات مشابه، در عمل با متزلزل شدن و تضعیف فرهنگ بومی خویش مواجه شده‌اند.

در شرایط اخیر با تحقق اهداف صاحبان فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، در عرصه‌های فرهنگی، خود به خود دیگر اهداف اقتصادی، سیاسی، عقیدتی آنان نیز به میزان زیادی قابل حصول و دسترسی می‌گردد. از سوی دیگر با فراگیر شدن فضای مجازی، کاربرانی که تا پیش‌تر در محدوده سرزمین خویش محدود شده و غالباً در همان محدوده آگاهی داشتند، می‌اندیشیدند و به دنبال تحقق آرزوها و منویات درونی خودشان برمی‌آمدند، در عمل با فضای گسترده‌ای خود را مواجه می‌بینند که در آن کم و بیش از دیگر کشورهای جهان و اوضاع و احوال آن‌ها اطلاعاتی به دست می‌آورند و می‌توانند اطلاعات به دست آمده را با اطلاعات فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی-سیاسی-عقیدتی جامعه خودشان مقایسه کرده، به تفاوت‌های بعضاً قابل توجهی در موارد پیش‌گفته، دست یابند.

ماحصل فعل و انفعال‌های اخیر در عمل تفکری جهانی به کاربران فضای مجازی بخشیده به نوعی جهانی شدن و جهانی اندیشیدن را برای آنان به ارمغان می‌آورد. بالطبع در شرایط اخیر افرادی که در جریان کاربری از فضای مجازی با اهداف، آمال، آرزوها و علقه‌های متفاوتی مواجه شده‌اند، اهداف، افکار و عواطف پیشین خویش را مورد بازنگری قرار داده، با استانداردها و معیارهای جدیدی به قضاوت و ارزیابی اطراف و اکناف خویش پرداخته و بر همان مبنا دست به برداشته‌ها و قضاوت‌هایی متفاوت از برداشته‌ها و قضاوت‌های پیشین خود خواهند زد.

بررسی یافته‌های میدانی تحقیق حکایت از آن دارد که برخی از هواداران در جریان هواداری و طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، مجبور به رأی دادن‌های مختلف در فضای مجازی هستند که همین مسأله، نه تنها آنان را با فضای جهانی شده بیش‌تر آشنا می‌کند، بلکه ضرورت هماهنگی تشکل‌های هواداری در سطح بین‌المللی (بیس فندوم‌ها)، خودبه‌خود هواداران را با طرفداران بسیاری از کشورهای دیگر جهان در ارتباط قرار می‌دهد:

«خوب من می‌خواستم بدونم چند هفته که صنعت موسیقی و سینمای کره جنوبی که به ۲ دسته کی‌پاپ و کی‌دراما تقسیم می‌شن رو دنبال می‌کنی؟»



اممم، تقریباً از اوایل سال ۲۰۲۱ که تقریباً می‌شه ۲ سال که من کی‌پاپ رو دنبال می‌کنم و از سال ۲۰۲۰ هست که کی‌دراما رو دنبال می‌کنم، یعنی با کی‌دراما زودتر آشنا شدم.

- خب، با توجه به این که این‌ها رو دنبال می‌کنی و بهشون علاقه‌مند هستی، چه فعالیت‌هایی در زمینه مورد علاقه خودت انجام دادی؟  
اعمعع، خب با گوش دادن کامل آهنگ‌هاشون یعنی استریم زدن، استریم زدن باعث می‌شه که کمک زیادی به اون‌ها در آهنگ‌هاشون بکنه.

- خوب چه طوری استریم می‌زنین؟

خب در یوتیوب موزیک ویدیوهاشون رو کامل تا دقیقه آخر می‌بینم.

- خوب از کی‌دراما چه طور حمایت می‌کنی؟

خب می‌رم از سایت‌های معتبر فیلم‌هاشون رو آنلاین می‌بینم یا دانلودشون می‌کنم.

- خوب از اون جایی که کی‌پاپ رو دنبال می‌کنی، کدوم گروه از خواننده‌ها رو دنبال می‌کنی و بهشون علاقه داری؟

من اول از همه که گروه بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنم و فن‌شون هستم و حالا گروه‌های دیگه که کم‌تر از بی‌تی‌اس می‌شناسمشون، این یعنی این که اطلاعات کاملی در موردشون ندارم، مثلاً گروه بلک‌پینک هست، ایتزی و استری کیدز، این‌هایی که گفتیم رو دنبال می‌کنم آهنگ‌هاشون رو که برام جالب هست و البته موزیک ویدیوهاشون رو» (الناز، ۱۲ ساله).

«- عزیزم بنا به گفته خودت شما از طریق عکس دیدن بی‌تی‌اس آشنا شدی و خب ممکن بود، عکس گروه‌های دیگه‌ای رو به جای

عکس بی‌تی‌اس ببینی، آیا اصلاً پیش اومد که به دنبال آشنا شدن با گروهی غیر از بی‌تی‌اس بریای؟

می‌دونی اون زمان تازه موج کی‌پاپ و کی‌دراما داشت توی ایران شکل می‌گرفت و تقریباً می‌تونیم بگیم همه به نوعی دنبال این موضوعات بودن. من الان که دارم فکر می‌کنم، اون زمان که درباره بی‌تی‌اس تحقیق می‌کردم و مطلب می‌خوندم، انگار قصد داشتم ازشون یه اطلاعات کامل و تکمیلی داشته باشم، ولی در همون حین هم می‌رفتم درباره بقیه سرچ کنم، مثلاً این گروه یا خواننده کیه و چیه، آهنگ‌هاشون چه جوریه، کی اومدن و از این مدل اطلاعات» (دیبا، ۱۵ ساله).

«- آیا تا به حال از این طریق با مردم کره‌ای جنوبی صحبت کرده یا دوست شده‌ای؟

با فنای کره‌ای آره.

- می‌تونی با مثال توضیح بدی؟

بله، حتماً چیز خاصی هم نبود، حالا فقط در حد این که تو اینستا من به استوری‌هایی که فنا می‌داشتن، ری‌اکشن می‌دادم و اونا هم جواب می‌دادن همین در حدی که مثلاً همدیگه رو می‌شناختیم اون می‌دونست من یه فن‌گرل ایرانی‌ام و منم می‌دونستم اونم یه فن‌بویه و یه مسأله‌ای که هست، فن‌بوی ایرانی بی‌تی‌اس خیلی خیلی کم پیدا می‌کنی، ولی توی خارجی‌ها زیاده.

- خوب به نظرت چرا این طوره و پسرهای ایرانی کم‌تر فن این گروه هستند؟

نمی‌دونم واقعاً، یه ویدیو در این باره دیده بودم، اما کامل به یاد نمی‌آرمش، ولی مفهوم کلیش این بود که اون معیارهایی از مردونگی که تو کشور ما جا افتاده رو خب این پسرهای کره‌ای ندارن، پسرهای کره‌ای کیوت‌ترین و پسرهای ایرانی دنبال این هستن که خفن‌تر باشن.

- صمیمیت ایجاد شده بین فن‌دوم ایرانی و غیر ایرانی به چه صورته؟

صمیمیت بیش‌تر بین خود فنای ایرانیه، هنوزم خیلیا از فنای اینتر خوش‌شون نمیدان، ولی با من که خیلی مهربون بودن و من خیلی دوس‌شون دارم» (مرضیه، ۱۹ ساله).

هواداران دیگری هستند که با وجود علاقه مفرط به گروه بی‌تی‌اس، به علت اطلاعات مختلفی که در فضای مجازی راجع به کشورهای گوناگون به دست آورده اند، با مقایسه کشورهای دیگر با کشور کره، دیگر کشورهای جهان را برای مهاجرت و یا درس خواندن بر کره ترجیح می‌دهند:

«چه دلیلی وجود دارد که کره جنوبی رو به عنوان یک کشور برای زندگی و مهاجرت کردن ترجیح نمی‌دی و انتخاب نمی‌کنی؟ منظور من از این حرفم این نبود که کره کشور بدی باشه، ولی من به شخصه ترجیح می‌دم مثلاً برای زندگی به یه کشوری مثل آمریکا و کانادا برم که زبان شون رو یاد گرفتم و زبان شون هم زبان بین‌المللی‌ایه و من می‌تونم با بقیه ارتباط برقرار کنم. درسته که من اگه بخوام به کشورهای اروپایی برم، هم باید فرهنگ ایرانی رو توی درون خودم تغییر بدم و این رو باید نهادینه کنم که مردم این کشوری که من دارم بهش می‌رم یه مدل دیگه رفتار می‌کنن و من هم باید مطابق با رفتار اون‌ها باشم ولی حس می‌کنم، این کارهایی که باید انجام بدم توی فرهنگ اروپایی راحت‌تره و توی کره جنوبی فرایند سخت‌تری داره.

به طور مثال، من باید زبان شون رو یاد بگیرم و حس می‌کنم سازگار شدن با فرهنگ شون به زمان بیش‌تری نسبت به سازگاری با فرهنگ اروپایی احتیاج داره. البته یک سری چیزهای دیگه‌ای هم وجود داره که آدم درباره کره می‌شنوه یا تو فیلم‌هاشون می‌بینه، به طور مثال این که توی مدرسه‌هاشون قلدری زیاده و از این جور چیزها.

به نظرت چه چیزی توی فرهنگ کره وجود داره که منطبق شدن باهاش رو سخت‌تر و زمان‌برتر از فرهنگ اروپایی می‌کنه؟ کلاً ایرانی‌هایی که رفتن کره و توی یوتیوب ویدیو می‌گذارن، اون قدری از کره تعریف نمی‌کنن که شاید کسانی که به کشورهای اروپایی مهاجرت می‌کنن، از اونجا تعریف می‌کنن یا مثلاً یه یوتیوبری بود که از فرهنگ کره حرف می‌زد و می‌گفت که کره‌ای‌ها رفتارهای خاصی دارن، مثل این که وقتی جلوی آسانسور باید صبر کنن، اون قدر دکمه آسانسور رو فشار می‌دن که ممکنه دکمه کنده بشه. هدف شون هم اینه که آسانسور سریع‌تر بیاد و کارشون زودتر انجام بشه. می‌دونی البته این مسایل شاید درست نباشن و خب ممکنه یه خارجی هم نسبت به ایران چنین فکری داشته باشه که درست نیست، ولی خب الان و در حال حاضر تاحدودی روی من تأثیر داشته و منی که از توی شبکه‌های اجتماعی این‌ها رو دیدم، فکر می‌کنم که مهاجرت به کشورهای اروپایی می‌تونه برام آسون‌تر باشه و من راحت‌تر باهاش انس می‌گیرم» (دیبا، ۱۵ ساله).

در فراز دیگری هواداران گروه بی‌تی‌اس، حتی اگر در اندیشه مهاجرت و یا ادامه تحصیل در کشور کره و یا دیگر کشورهای جهان نیز نباشند، اطلاعات گسترده‌ای که در فضای مجازی به دست آورده و از آنها تغذیه کرده اند، خود به خود آنان را به سوی اخلاقی نسبت‌گرا (که اخلاق حاکم بر جهان معاصر است)، سوق می‌دهد:

«ما الان توی قرن ۲۱ زندگی می‌کنیم و هر کس عقاید خودش رو داره و می‌تونه استایل خاص خودش رو داشته باشه. من زمانی که یک آدمی رو می‌بینم که با اکثریت جامعه از هر نظر استثناء و متفاوت، با خودم می‌گم به من چه ربطی داره که اون چه جوریه و من جای اون نیستم که احساسات و عقایدش رو درک بکنم برای همین درباره‌اش نظر نمی‌دم.

نظر اون شخصی که می‌گه کره‌ای‌ها شبیه دخترها هستن هم محترمه، ولی حتی اگر شبیه دخترها باشن هم به من و شما ضرر و صدمه‌ای نمی‌زنه و هر رفتار و ظاهری که دارن به خودشون مربوطه و به نظرم ما کسی نیستیم که بخوایم درباره کارهای اون‌ها اظهار نظری بکنیم، چون به ما ربطی نداره که اون‌ها می‌خوان چه لباسی بپوشن یا میکاپ بکنن. البته این نگاهی که نسبت به آرایش کردن پسرها وجود داره، صرفاً توی ایران هم نیست و بقیه کشورها و فرهنگ‌ها چون با ما فرق دارن هم شاید این مسأله رو داشته باشن، ولی فرهنگ ایران خیلی بسته‌تره و سخت‌گیری بیش‌تر نسبت به این چیزها داره» (دیبا، ۱۵ ساله).

برای بررسی نقش وافر الگوها در تحول‌های روانی، فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی آدمی، می‌توان بحث را از جامعه‌پذیری آغاز کرد. جامعه‌پذیری فرایندی است که در جریان آن جامعه می‌کوشد تا مسایل مورد نظرش را به ذهن تمامی اقشار اجتماعی القا سازد. در جریان فرایندی جامعه‌پذیری، فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا گرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد.

جامعه‌پذیری در دو مرحله کلی صورت می‌پذیرد:

جامعه‌پذیری نخستین، فرایندی است که میان فرد و گروهی که با وی در تماس نزدیک و صمیمی هستند، صورت می‌گیرد و غالباً در سال‌های اولیه زندگی، رخ می‌دهد. عوامل اصلی این مرحله خانواده و گروه هم‌سالان هستند. جامعه‌پذیری ثانوی یا مجدد، فرایندی است که در وضعیت‌های رسمی‌تر روی می‌دهد و عوامل اصلی در آن، مدرسه و رسانه‌های ارتباط جمعی هستند.

اغلب نظریه‌های موجود در مورد اثرات فرهنگی، بر این باورند که رسانه‌ها با عرضه کردن نقش‌ها و رفتارهایی که برای ثبات اجتماعی مطلوب هستند، به عنوان عاملی مهم در جامعه‌پذیری ایفای نقش می‌کنند و از آنجا که مردم مقدار زمان زیادی را صرف رسانه‌ها می‌کنند؛ بنابراین رسانه‌ها در زمره مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیرکننده قرار می‌گیرند.

عامل مؤثر در رسانه که در روند جامعه‌پذیری افراد مؤثر واقع می‌آید، الگوهای مطرح شده در آن است.

از این رو از مقوله الگوها به عنوان جدی‌ترین عامل تربیتی افراد نباید به سادگی گذشت.

با بررسی نقش گروه بی‌تی‌اس در اثرگذاری در سطح نوجوانان و جوانان، مشخص می‌شود که کمپانی بیگ‌هیت (کمپانی سازنده بی‌تی‌اس)، در معرفی و پردازش این گروه، دقایق و تمهیدات گسترده‌ای را به کار گرفته است که غالباً هم نتایج درخشانی در برداشته‌اند.

انتخاب چهره‌های بسیار جذاب، تنوع بخشی به محتوای موسیقی بی‌تی‌اس، رمز آلود نمایان شدن آهنگ‌های بی‌تی‌اس نزد مخاطبان، چند وجهی به نمایش کشیدن گروه، ارتقای گروه موسیقی و صنعت کی‌پاپ به صنعت سرگرمی، ایجاد تفاوت‌های معنادار بین گروه بی‌تی‌اس و گروه‌های پاپ غربی (مانند صرف وقت برای مخاطبان و احترام گذاشتن ویژه به آن‌ها)، تلاش برای پاسخ دادن به سردرگمی‌های مخاطبان جوان در مواجهه با فراز و نشیب‌های زندگی، شرکت در امور خیرخواهانه (که خود به خود برای نسل جوان این ویژگی مطلوبیت بسیار زیادی ایجاد می‌کند) و برخی از موارد دیگر، از جمله تمهیداتی است که مسوولان کمپانی بیگ‌هیت اندیشیده و اجرایی کرده‌اند.

انتخاب چهره‌های جذاب برای گروه موسیقی بی‌تی‌اس، تمهید مهمی است که کمپانی از ابتدا در دستور کار خود داشته است و بسیاری از افراد مصاحبه شده، در مصاحبه‌های خود تأکید ورزیده‌اند که در ابتدا، آنان به دلیل جذابیت چهره اعضای گروه، جذب گروه شده و در ادامه دیگر ویژگی‌های گروه مورد توجه و عنایت آنان واقع شده است. مورد توجه قرار گرفتن جذابیت چهره اعضای بی‌تی‌اس در بیانات تعداد قابل توجهی از مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید قرار گرفته است.

تنوع موسیقی بی‌تی‌اس، مسأله مهم دیگری است که جایگاه گروه را در نزد جوانان ارتقاء داده و آنان را شایسته الگوبرداری نشان داده است. نوجوانان و جوانان بسیاری که در کوران بلوغ زیستی و اجتماعی خویش قرار دارند و غالباً به دلیل عدم فهم اقتضائات سنی آنان، مورد قضاوت اولیاء و اطرافیان و بعضاً توبیخ آنان قرار می‌گیرند، در عمل خود را با گروهی مواجه می‌بینند که در صدد روشنگری در مورد سردرگمی‌های نوجوانان و جوانان بوده، راه برون‌رفت از سردرگمی‌های آنان را بدان‌ها می‌نمایند.

پرداختن به مسایل معمول نوجوانان و جوانان طی سال‌های بحرانی بلوغ، انگیزه دادن و امید بخشیدن به جوانان و پرهیز از مورد قضاوت قراردادن جوانان وجه مثبت و قابل توجهی است که گروه از آن برخوردار است.

رمزآلودگی محتوای موسیقی بی‌تی‌اس، عامل جذاب دیگری است که گروه بی‌تی‌اس را شایسته الگوبرداری در نزد جوانان می‌نماید. محتواهایی که بعضاً مبتنی بر آثار فکری - فرهنگی و متاخذ از کتاب‌های فلسفی، روان‌شناختی و مانند آن‌ها هستند، همچون یک پازل در کنار هم قرار می‌گیرند و کشف رمز و کشف ارتباط آن‌ها با یکدیگر، نوجوانان و جوانان را بیش از پیش درگیر محتوای آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس می‌کند.

نکته اخیر در مصاحبه بسیاری از جمعیت مورد بررسی، قابل مشاهده است.

چندوجهی بودن اعضای گروه بی‌تی‌اس، نکته قابل توجه دیگری است که در الگو قرار گرفتن اعضای گروه برای جوانان مؤثر واقع آمده اند. فرشته ۱۸ ساله در مصاحبه‌اش در ارتباط با چندبعدی بودن پسران گروه بیان می‌دارد:

«- تو از کدام یک از پسرها بیش‌تر خوشت می‌آید؟»

چونگ کوک بایسمه، دلپش اینه که چون صداس خیلی خاص و باحال بود و خیلی هم با استعداد بود، تقریباً همه کار می‌کرد و می‌کنه و قیافه‌ی بامزه‌ای هم داره.

- مثلاً چه کارهایی بلده؟

نقاشی و طراحی‌های خیلی حرفه‌ای، بوکس، ورزش بدن‌سازی، طراحی رقص، آشپزی، ساخت و نوشتن آهنگ، نواختن بعضی سازها، کارگردانی موزیک ویدیو و...».

«- علاوه بر این تبلیغات که بیش‌تر جنبه تجاری برای بی‌تی‌اس و کمپانی‌هایی که براشون تبلیغات انجام شده دارن، شما گفتید بعضی از تبلیغات به دنبال نشون دادن وجهه مثبت و خوب گروه هستند.

بله اون تبلیغات هم هستن که هدفشون در اصل اطلاع‌رسانی هست. یعنی می‌خوان بگن که این صرفاً یه گروه موسیقی نیست و فعالیت‌های انسانی و مثبت خیلی خوبی هم داره انجام می‌ده که خب با این فعالیت‌های مثبتی که انجام می‌دن چندتا هدف به دست می‌آید.

- چه هدف‌هایی هستن؟

مثلاً اولیش این هست که این فعالیت‌ها به خودی خود تأثیر مثبت دارن و باعث پیشرفت اوضاع می‌شن، دومیش این هست که خود گروه مشهورتر می‌شه با توجه به فعالیت‌های چند وجهی که داره، یعنی از یه طرف تو حوزه موسیقی داره کار می‌کنه و از شهرتی که به دست آورده هم برای گسترش کارای مثبت تو دنیا استفاده می‌کنه، هم برای جهان و هم برای بی‌تی‌اس فایده داره. به قول معروف بازی برد- برد هست دیگه (باخنده).

- پس با توجه به قسمتی که از چند وجهی بودن صحبت کردید، از نظر شما بی‌تی‌اس هم چند وجهی هست، درسته؟

کاملاً برای این که الآن با زمان گذشته خیلی فرق کرده، اگر بچه‌ها رو هم نگاه کنیم، متوجه می‌شیم کاملاً که پدر و مادر این بچه‌ها تا حد توان خودشون، فقط به این اکتفا نمی‌کنن که دختر یا پسرشون مدرسه بره. در کنار مدرسه سعی می‌کنن مهارت یا دانش دیگه‌ای رو هم کسب کنن مثلاً زبان، هنر، ورزش و برنامه نویسی که خب خیلی مورد توجه قرار می‌گیرن. خب حالا بچه‌ها دارن مهارت‌های مختلف رو یاد می‌گیرن قطعاً افراد مشهور هم این کار رو انجام می‌دن».

ارتقای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، از گروه موسیقی به صنعت سرگرمی، تمهید مهم دیگری است که در جذابیت بخشیدن بیش از پیش به گروه در نزد هواداران مؤثر واقع آمده است. به این معنا که به دلیل فاصله آرایه آهنگ‌ها، غالباً هنرمندان در ذهن مخاطبان خودشان کم رنگ می‌شوند تا با آهنگ جدید دیگری هواداران معطوف به آنان شوند. اما با ارتقای گروه موسیقی بی‌تی‌اس به صنعت سرگرمی، در فاصله آهنگ‌های قبلی و بعدی، انبوهی از برنامه‌های سرگرمی توسط گروه اجرا و در فضای رسانه و فضای مجازی پخش می‌شود که گروه بی‌تی‌اس به این ترتیب، هرگز از ذهن هوادارانش پاک و زدوده نمی‌شود.

فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی گروه بی‌تی‌اس نظیر نمایندگی یونیسف، حضور در سازمان ملل متحد، دیدار با رئیس‌جمهور امریکا و نظایر آن‌ها، از دیگر مواردی است که گروه را از صرف یک گروه موسیقی بودن خارج کرده و وجهای اجتماعی بدان بخشیده است. مضاف بر موارد پیش‌گفته، انجام برخی از امور خیرخواهانه توسط گروه بی‌تی‌اس سبب می‌شود، هواداران (خاصه هواداران نوجوانی که به لحاظ ضعف تفکر انتزاعی، به لحاظ منطق ضعیف‌تر از دیگران عمل می‌کنند)، با دیدن برخی از اقدام‌های نودوستانه گروه و چند ویژگی مثبت مشابه، دست به تعمیم ویژگی‌های اخیر در سطح گروه زده، تمامی مواضع فکری، فرهنگی، فلسفی، اجتماعی، سیاسی و عقیدتی آنان را مورد تأیید خویش قرار داده و از آن تأثیر بپذیرند.

نرگس ۲۱ ساله که از برخی از درگیری‌های خانوادگی خویش احساس تألم نیز داشت، پس از مواجهه با گروه بی‌تی‌اس و مشاهده ویژگی‌هایی که وصف برخی از آن‌ها رفت، از افراد این گروه با عنوان «خدای» خودش یاد کرده است:

«بی‌تی‌اس از نظر اعتقادی چه قدر روی تو تأثیرگذار بود؟»

عام زیاد. یعنی کلاً اون اوایل راحت می‌تونستن من رو تحت تأثیر خودشون قرار بدن، دیگه برام اهمیتی نداشت که حرف‌شون درسته یا غلط، قبول می‌کردم بدون این که بخوام یا دست خودم باشه. خصوصاً شوگا. اولاً خیلی بود، اما رفته رفته کم‌تر شد، ولی در کل خیلی تحت تأثیرش قرار می‌گرفتم. یادم نیست خیلی که بخوام مثال بزنم، اما اونا بت من بودن انگار. خوب و بی‌نقص و عالی و پرفکت (کامل)، درک این که اونا هم ممکنه مثل بقیه اشتباه کنن، برام به شدت سخت بود.

دقیقاً برعکس خود بی‌تی‌اس که باورم این بود، قطعاً آدم‌های درستی هستن، کسایی که رقیب‌شون بودن رو کاملاً برعکس می‌دیدم. می‌گفتم اینا اصلاً استعداد ندارن، امکان نداره با مهارت خودشون بالا اومده باشن یا آدمای درستی باشن.

- چی باعث شده بود به اون‌ها این طوری نگاه کنی؟

نمی‌دونم، شاید چون تو ذهنم ازشون خدا ساخته بودم.

- چه قدر اون زمان با جو و محیط خود کی‌پاپ و مسایل پشت پرده اون آشنایی داشتی؟

چیزی نمی‌دونستم اون زمان. اگر هم کسی چیزی می‌گفت، باور نمی‌کردم. برام یه کم سخت بود پذیرفتن این چیزا که این قدر تحت فشار ان. یه کم هم به خاطر این بود که چون زندگی خودم اوضاع خوبی نداشت، و یه جورایی به اونا پناه می‌بردم، تا از غم و غصه‌های زندگیم راحت بشم، دیگه خب نمی‌خواستم قبول کنم که این اعضای بی‌تی‌اس هم شاید اون جوری نیستن که نشون می‌دن. خودم رو گول می‌زدم. چون می‌دونستم اگر با واقعیت این که چه قدر ممکنه فضای کی‌پاپ برای اونا سخت و آزار دهنده هست، روبرو می‌شدم، احتمالاً حالم بدتر می‌شد. برای همین خیلی نمی‌رفتم دنبال این چیزا که داره چه اتفاقی می‌افته و تا می‌تونستم از این خبرا دوری می‌کردم.»

افراد دیگری نظیر شیدای ۲۰ ساله، با ملاحظه چند ویژگی قابل توجه گروه، آنان را الگوی خویش قرار داده است:

«الآن واقعاً پسرای بی‌تی‌اس الگوم هستن، به خاطر این که در برابر همه کسایی که قیافه‌شون رو مسخره می‌کردن و بهشون می‌گفتن چشم بادومی یا این که زبان‌شون رو مسخره می‌کردن، وایسادن و به بقیه هم گفتن که از سنگ‌های جلوی پاتون نترسید و همه حاشیه‌ها رو بزنی کنار و برید جلو و همه جوره می‌تونید پیشرفت کنید. وقتی خودمم دیدم که خودشون این قدر پیشرفت کردن در عرض چند سال واقعاً شدن الگوم.»

در ادامه، از چگونگی الگو قرار گرفتن گروه بی‌تی‌اس برای هواداران و سطوح تأثیرپذیری هواداران از اعضای گروه بی‌تی‌اس یاد خواهد شد.

- سطوح اثرگذاری الگوها در هواداران

کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر گروه بی‌تی‌اس، پس از مواجه شدن با گروه و ملاحظه ویژگی‌هایی که از برخی از آن‌ها یاد شد، با مطلوب طبع یافتن گروه و اعضای آن، ممکن است، برخی از افراد گروه را که از آن‌ها بیش‌تر خوشش آمده یا با آن‌ها احساس نزدیکی بیش‌تری می‌کند، به عنوان الگوی خویش انتخاب کرده و تحت تأثیر القانات و ارزش‌های آنان قرار گیرد.

سطوح اثرگذاری الگوها در هواداران را می‌توان در سه سطح اثرپذیری‌های ظاهری، اثرپذیری‌های رفتاری و در نهایت اثرپذیری از ارزش‌های فرد مورد علاقه، طبقه‌بندی کرد.

همان‌گونه که از آن یاد شد، الگوها در سه سطح در مخاطبان خویش اثرگذار واقع می‌آیند. اثرگذاری در ظواهر هوادار، تأثیر در رفتارها و حرکات و سکنات مخاطبان و سرانجام اثرگذاری در نظام ارزشی افراد.

اثرگذاری الگوها در ظواهر فردی را می‌توان در موارد ظاهری، مانند چگونگی آرایش فرد (مدل موها، رنگ موها)، کاربری از زیور آلات مشابه، پوشش فرد (رنگ و طرح البسه مورد استفاده)، حرکات فرد (نشستن، برخاستن، راه رفتن، لبخند زدن و مانند آن) و احياناً عمل جراحی‌های زیبایی که امکان تشبیه‌جویی بیش از پیش فرد به الگو را میسر سازد، ملاحظه کرد.

شبنم ۲۵ ساله در مصاحبه‌اش از الگوبرداری جمعی از شاگردانش از پوشش پسران بی‌تی‌اس، به شرح زیر یاد کرده است:

«زمانی که من از شاگردهام می‌پرسیدم، دلیل این علاقه‌تون به گروه اکسو، جونیور یا بی‌تی‌اس چیه، همین جواب‌ها رو می‌گرفتم. مثلاً یکی از بچه‌ها می‌گفت خیلی خاکی ان، قشنگ می‌رقصن، هماهنگ هستن و من و دوستانم پنج تایی جمع می‌شیم یه جور لباس می‌خریم، یه تیپ می‌زنیم و هر هفته از رقصاشون تقلید می‌کنیم».

ثنا ۱۶ ساله از علاقه‌مند شدن خود به کاربری از گوشواره، به تبع کاربری پسران بی‌تی‌اس یاد کرده است:

«- دیگه چه چیزی از جیمین یاد گرفتی؟»

گوشواره دوست نداشتم با این که خیلی مامانم می‌گفت و اصرار می‌کرد که نمی‌دونم سوراخ گوشت بسته می‌شه و دختر همیشه گوشواره می‌اندازه تو گوشش، ولی قبول نمی‌کردم. این برگرده به قبل آشنایی با جیمین. نمی‌تونم از روی اجبار و زور یه چیزی رو دوست داشته باشم. بدم می‌اومد تا این که دیدم جیمین همیشه گوشواره داره و با گوشواره خیلی کیوت می‌شه، گفتم منم امتحان کنم، احتمالاً منم کیوت بشم.

- یعنی قبل از جیمین هیچ کس را ندیده بودی که با انداختن گوشواره با نمک بشود؟

زیاد دقت نکرده بودم، ولی جیمین که می‌اندازه، دقت می‌کنم و به این رسیدم که نه اتفاقاً گوشواره خیلی آدم رو کیوت می‌کنه».

شیرین ۲۲ ساله و احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های خود از کاربری از زیورآلات و طلاجات به سبک بی‌تی‌اس در زندگی خود یاد کرده اند:

«- شیرین گروه بی‌تی‌اس چه تأثیری روی پوشش و آرایش تو داشته؟»

بیش‌تر تیپ اسپورت می‌پوشم و مدل لباس‌های اسپرتم شبیه به آیدول‌های بی‌تی‌اس هست و نحوه آرایشم هم شبیه به گروه بی‌تی‌اس هست و میکاپی مات و ملایم دارم. موهام رو هم همیشه عسلی رنگ می‌زنم و از طلاجات فقط به سبک بی‌تی‌اس استفاده می‌کنم. به نظر خودم برای یه خانم هیچ زنده نیست».

«- عدم تفکیک جنسیتی چه تأثیری روی هواداران داره؟»

دیگه با این شعار برابری زن و مرد، پسران هم مانند دخترها به خودشون اجازه می‌دن که آرایش کنند و گوشواره به گوش‌هاشون آویزون کنند و عمل‌های زیبایی صورت انجام بدن. برعکس، دخترها هم دوست دارند، لباس‌های پسرانه بپوشن و موهاشون رو کوتاه کنند و در اجتماع و ورزشگاه‌ها در کنار مردان بیش‌تر حضور داشته باشن.

- این که پسران به گوش‌هاشون گوشواره بندازن، در همه‌ی کشورها بین هواداران مد شده؟

بیش‌تر در کشورهای غربی مردها به یه گوش‌شون گوشواره آویزان می‌کنند و در کشور کره و بعضی کشورهایی که طرفدار بی‌تی‌اس زیاد دارند، علاوه بر گوشواره انواع طلاجات رو به خودشون آویزان می‌کنند، مثل زن‌ها آرایش می‌کنند. ولی در کشور ما هوادارهای پسر گوشواره به گوش نمی‌کنند. مردم کشور ما گوشواره در گوش مردها رو نشانه همجنس‌گرایی می‌دانند. فقط هواداران پسر در کشور ما زنجیر طلا و یا دست بند و یا انگشتر استفاده می‌کنند و آرایش خیلی کم رنگ و محوی می‌کنند».

گلاره ۱۴ ساله و فرشته ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خودشون از پوشیدن لباس‌های لش به سبک بی‌تی‌اس، پوشیدن لباس‌های سیاه رنگ به سبک جونگ‌کوک و تهیه کت وشلوار دخترانه به سبک البسه نامجون، سخن گفته اند:

«- این که از لباس‌های جونگ‌کوک الگوبرداری می‌کنی برای تو خونه است یا بیرون از خونه هم این کار رو انجام می‌دی؟»

همه جا این مدلی‌ام و حتی مراسم‌های رسمی‌تر هم که می‌ریم مثلاً پیراهن و این جور لباس‌ها رو نمی‌پوشم یا مثلاً پالتوهای زنونه اون مدلی نمی‌پوشم و بیش‌تر لباس‌های لش و گشاد می‌پوشم».

«- آیا از سبک‌های استایل مو و لباس که پسر می‌پوشند و دارند، استفاده می‌کنی؟»

آره، خیلی جاها چون اونا با برنامه و صحبتای دقیق یک کارشناس استایلاشون رو انتخاب می‌کنن و استایلائی ترندی استفاده می‌کنن پس آره، تا حدودی سعی می‌کنم استفاده کنم، تا جایی که ضرر نزنه. الان سبک و استایلی که می‌پوشم، خیلی نزدیک به سبک و استایل جونگ‌کوک که شامل: استفاده از رنگ سیاه در بیش‌تر لباسای پوشیده شده، کلاه آفتابی و کپ و سیاه که یه مقدار سبکش راکه و از لباسای لش و اورسایز زیاد استفاده می‌کنه، هر کدوم استایل مخصوص به خودش رو داره

- از استایل بقیه گروه هم استفاده می‌کنی؟

آره تا حدودی فقط از جیمین، چون اون از ترکیب پیراهن مردونه و شلوار جذب زیاد استفاده می‌کنه و منم نزدیک به هفت یا هشتا پیراهن مردونه تو رنگا و سایزای مختلف دارم، اون همچنین از یک لباس اضافه مثل جلیقه یا لباسای بافتنی و لی برای لباساش استفاده می‌کنه، مثل یک چیز رو کار. دیگه زبونم نمی‌کشه، تموم شدم کلماتم تموم شد، پس با عکس توضیح رو کامل می‌کنم».

مرضیه ۱۹ ساله و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خویش از کپی‌برداری از حرکات و سکنات اعضای گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند:

«- خوب عزیزم بایست کیه؟»

مین میو،

- می‌توننی بگی چرا به عنوان بایست انتخابش کردی؟

خیلییی دلیل دارم برایش، اول از همه شوگا بچه گربه‌مونه و اون ایموجی که برای شوگا تو بین فن‌دوم هست، ایموجی گربه هست و این بیش‌تر به خاطر لبخندهای لته‌ای اونه و من خودم با دیدنش یاد گربه می‌افتم و من عاشق گربه‌هام و شوگا همون قدر که می‌تونه کیوت باشه، همون قدر هم می‌تونه هات و خفن باشه، بعد از همه‌ی این‌ها شوگا شاید در نگاه آدم سردی باشه و عاری از احساسات، اما خیلی مهربونه و همیشه هوای اعضای دیگه رو داره و شاید زبانی ابراز علاقه نکنه، ولی این علاقه خودش رو به بقیه همیشه تو رفتاراش نشون می‌ده و همه می‌گن شوگا خیلی کم حرفه و همیشه همه‌ی اطرافیانم به من می‌گفتن، تو خیلی کم حرف می‌زنی و یه سری هم با دیده منفی این حرف رو می‌زدن و یه دورانی بود که من سعی می‌کردم، خب این طوری نباش و کم حرف بودن رو یه ویژگی بد و منفی می‌دونستم و سعی می‌کردم یاد بگیرم بیش‌تر حرف بزئم، اما وقتی یونگی رو دیدم، فهمیدم این اصلاً بد نیست، کم حرف یا پر حرف بودن، ترسو یا شجاع بودن هیچ کدوم بر اون یکی برتری نداره که بد باشه و برای تغییرش این همه خودم رو اذیت کنم، بعد خیلی خوش تیپه و رکه و بازیگر خیلی خوبیه و اون قدر قشنگ جواب هیترا رو می‌ده که فن‌دوم می‌ترکه و لبخندهای لته‌ایش که باعث شده، منم لبخندای لته‌ایم رو دوست داشته باشم، دیگه حس بدی ازش نگیرم، تعداد کمی از افراد هستن که لبخند لته‌ای داشته باشن و این منحصر به فرده!

- یعنی به سبب این که احساسات و رفتارها رو شبیه به اون می‌دونستی، به عنوان بایست در نظر گرفتی؟  
بله دقیقاً».

«- اشاره کردی که طرفداران بی‌تی‌اس جلسات یا دوره‌هایی دارند که درباره گروه و آیدول‌هاشون صحبت می‌کنن. می‌خواستم اطلاعات  
بیش‌تری درباره‌شون بهم بدی.

یه عده از طرفدارها غیرت خیلی خاصی روی اعضای گروه دارن و تمام حرکتهای اونارو الگوبردای می‌کنن حتی مدل نشستن یا راه  
رفتن. هر چیزی که فکرش رو کنی».

البته در بحث اثرپذیری‌های صوری از الگوها، لازم به ذکر است که برخی از افراد ممکن است به شکل مرضی دست به تقلید از ظواهر  
الگوی مورد نظر خویش بزنند.

شیرین ۲۲ ساله و شقایق ۱۹ ساله هم در مصاحبه‌های خودشان از عمل زیبایی و سوزاندن خال‌های خودشان یاد می‌کنند که با هدف شبیه  
شدن هر چه بیشتر به ستاره‌ها بدان‌ها دست زده‌اند.

سطح بعدی الگوبرداری، الگوبرداری از رفتارها، حرکات و سکنات الگو است که از الگوبرداری از ظواهر صوری الگو عمیق‌تر است.

در مصاحبه‌های انجام شده از مواردی مانند: طرز راه رفتن و نشستن گرفته تا پول جمع کردن برای مراکز خیریه، گذاشتن کلاس رایگان  
برای دانش‌آموزان، الگوبرداری در سلامت و بهداشت، افزایش ظرفیت روانی در ارتباط با نفرت پراکتان، مهارت‌آموزی‌های جدید، جدیت و  
سخت‌کوشی، صحبت در مورد مشکلات، تلاش در جهت ناراحت نشدن از قضاوت دیگران، سریع‌عصبانی‌نشدن، کاهش وزن، پیش‌گرفتن  
برخوردهای رومانتیک‌تر با جنس مخالف، کپی‌برداری از رقص بی‌تی‌اس و پرهیز از ازدواج کردن (همچون اعضای گروه بی‌تی‌اس)، از جمله  
مصادیقی هستند که توسط جمعیت مورد بررسی مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

شیدای ۲۰ ساله، در مورد الگوبرداری شاگردانش از پسران بی‌تی‌اس می‌گوید:

«... یه عده غیرت خیلی خاصی روشن دارن و تمام حرکتای اونارو الگوبردای می‌کنن، حتی مدل نشستن یا راه رفتن. هر چیزی که فکرش  
رو کنی».

ثنا ۱۶ ساله، در مصاحبه خویش بیان داشته است که از پسران بی‌تی‌اس در زمینه کمک کردن به هم‌نوعان (با گذاشتن کلاس تقویتی  
برای دانش‌آموزان ضعیف)، الگوبرداری کرده است:

«- آیا تا به حال جیمین را الگوی خودت قرار داده‌ای؟

توی مدرسه چند نفر از بچه‌ها پول خرید کتاب کمک درسی نداشتن من کتاب‌ها رو سفارش دادم که به آدرسی که داده بودن، ارسال شد.  
- چه طور در این مورد از جیمین الگو گرفتی؟

به دانش‌آموزا خیلی کمک می‌کنه. به بچه‌های مدرسه خودش هم کمک کرده.

- یعنی مدرسه‌ای ساخته و به بچه‌های آن مدرسه کمک مالی کرده؟

نه مدرسه نساخته، مدرسه‌ای که خودش بچه بود اونجا درس می‌خوند، اون مدرسه رو می‌گم. منم دوست دارم مثل جیمین به بچه‌های  
مدرسه‌مون کمک کنم. دوست دارم هر کمکی از دستم بر میاد انجام بدم. درس خوبه، نمره‌هام بالاست و سعی می‌کنم به بچه‌های  
مدرسه‌مون کمک درسی هم کنم. هفته پیش امتحان ریاضی داشتیم، چندتا از بچه‌ها ضعیف بودن، متوجه شدم و رفتم به مدیر گفتم که  
می‌خوام کلاس تقویتی رایگان بذارم، چون خانم ریاضی هم موافق بود، مدیر هم گفت باشه بچه‌ها رو جمع کردیم و درس دادم بهشون.  
تقریباً نمره بچه‌ها خوب شد».

الگوبرداری در سلامت و بهداشت، افزایش ظرفیت روانی در ارتباط با نفرت پراکتان، مهارت‌آموزی‌های جدید و جدیت و سخت‌کوشی از  
مواردی هستند که در مصاحبه‌های محسن ۲۲ ساله، نگین ۱۳ ساله و مسعود ۲۰ ساله آمده‌اند:



«- از وقتی بی‌تی‌اس را دنبال می‌کنی، تلاشت برای رسیدن به اهدافت بیشتر نشده؟»

نه خیلی زیاد که بگم متحول شدم یا از این رو به اون رو شدم، ولی تأثیر داشتن. بیش‌تر توی هدف‌گذاری‌هام تأثیرگذار بودن.

- یعنی چه، اگر ممکن هست، لطفاً بیش‌تر توضیح دهید.

چین توی به برنامه گفته بود که برای هر روزشون برنامه‌ریزی دارن و مثلاً بین ۷ تا ۱۰ ساعت کار می‌کنن یا این که صبح از خواب بیدار

می‌شن ۱۰ دقیقه مدیتیشن دارن، ۳۰ دقیقه تا ۴۵ دقیقه پیاده‌روی و دوندگی دارن و برنامه‌های دیگه‌ای که یادم نمیداد.

- کدام‌ها را شما از بی‌تی‌اس الگوبرداری کرده و اجرا می‌کنید؟

۳۰ دقیقه هر روز پیاده روی می‌کنم. چون پام درد می‌کنه، نمی‌تونم بدوم. قبلاً صبح که بیدار می‌شدم، حموم نمی‌رفتم، ولی الان سعی

می‌کنم ۳۰ دقیقه زودتر بیدار بشم و حموم هم برم.»

«- منظورتون را از عذاب توضیح بدین؟»

شما ببینید اگر یک نفر ۲۴ ساعته به شما کامنت‌های هیت بده، خوب آدم کاملاً حالش گرفته است، مثلاً بگه چه قدر تو زشتی، چه قدر

صدات بده، چه قدر این، چه قدر اون، خیلی‌ها قدرت ندارند این هیت‌ها را تحمل بکنند، ولی وقتی می‌بینم که اون‌ها می‌تونن چرا من

نتونم؟ هم هیت‌ها باهاشون بدن، هم کمپانی فقط تحت فشار قرار می‌ده.»

«- ملاک انتخاب همسر آینده‌ات چیه؟»

اگر هوادار بی‌تی‌اس باشه، خیلی بهتره، ولی اگر هم یه شخص عادی بود و من ازش خوشم اومد، اشکال نداره که هوادار بی‌تی‌اس نباشه.

- اگر هوادار بی‌تی‌اس نباشه، بی‌تی‌اس رو به اون معرفی می‌کنی؟

حتماً این کار رو خواهم کرد.

- چرا این کار رو می‌کنی؟

من معتقدم آشنایی با بی‌تی‌اس، هواداران رو قوی می‌کنه و اگر هر دو بی‌تی‌اس رو بشناسیم، قوی‌تر خواهیم شد و در برابر نامالیقات

زندگی ناامید نخواهیم شد.»

الگوبرداری در زمینه‌های صحبت کردن در مورد مشکلات، ناراحت نشدن از قضاوت کردن دیگران، تلاش در جهت سریع عصبانی نشدن،

سخت‌کوشی و کاهش وزن، از دیگر موارد رفتاری است که در بیانات ثای ۱۶ ساله، مریم ۱۸ ساله، ریحانه ۱۵ ساله و نگین ۱۳ ساله آمده

است:

«- ... این آهنگ تأثیر گذاشته روی تو؟»

کلاً آشنایی با بی‌تی‌اس. چون می‌بینم اون قدر کامنت منفی می‌گیرن، ولی واکنش خاصی نشون نمی‌دن. آدمای با اراده خیلی به حرف‌های

دیگران توجهی نمی‌کنن. آدمای ضعیف سریع تحریک می‌شن و به هم می‌ریزن. من این طوری بودم، ولی الان خیلی سعی می‌کنم،

عصبانی نشم.»

«- می‌تونن مثال بزنی که طرفداری از بی‌تی‌اس تاحالا چه نکات مثبت و منفی‌ای برات دربرداشته؟»

بهترین دوستی‌های من به خاطر علاقه مشترکی که در مورد بی‌تی‌اس داشتیم، ایجاد شده و این قضیه باعث شده حتی بتونم با افراد

کوچیک‌تر یا بزرگ‌تر از خودم هم دوستی‌های عمیقی داشته باشم. فکر می‌کنم اطلاعاتی که در زمینه کی‌پاپ دارم، همیشه کمک کرده

که راحت‌تر تو اجتماع باشم. اگه آرمی و کی‌پاپ نبودم، خیلی سخت می‌شد که بتونم این قدر دوست‌های زیاد حتی تو فضای مجازی داشته

باشم. به نظرم آیدول‌های کی‌پاپ خیلی الهام بخش ان و کسایی هستن که از سن کم برای زندگی خودشون برنامه داشتن، به توانایی‌های

خودشون باور داشتن و به سمت هدف‌هاشون قدم برداشتن و از سختی‌هایی که توی مسیر بوده نترسیدن. تمرین‌های سخت با ساعات

طولانی و دور بودن از همه نزدیکان شون رو تحمل کردند و با سخت‌گیری‌های غیرمنطقی کمپانی کنار اومدن و تلاش کردند. من از پشتکار و اراده‌شون الگو گرفتم همیشه. من به نظرم آرمی‌ها به جای این که حواس‌شون رو پرت مسایل حاشیه‌ای و زندگی شخصی اعضا بی‌تی‌اس کنند، باید از مصمم بودن و جدی بودن شون توی کاری که انجام می‌دن، الگو بگیرن».

«- وقتی ناراحتی دیگه چه کارهایی می‌کنی که بهتر بشی؟»

با دوستانم چت می‌کنم یا تماس تصویری باهاشون می‌گیرم، تو اینستا می‌چرخم و اینا.

- می‌تونم برام یه مثال بزنی از این که به نظر بقیه اهمیت نمی‌دی یا خودت برای خودت تصمیم می‌گیری؟

مثلاً من صورتم زیاد جوش می‌زنه، قبلنا هر کی بهم می‌گفت، چه قدر صورتت جوش داره یا تپلی، خیلی ناراحت می‌شدم و می‌رفتم تو اتاق گریه می‌کردم، بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم دیگه هر کی راجع به این چیزها بهم چیزی بگه، برام مهم نیست و اون قدر دیگه ناراحت نمی‌شم».

«یه چیزی که باعث جذب شدن به بی‌تی‌اس می‌شه و من خودم هم توی فن‌پیج‌ها خوندم و یا از دوستانم که این گروه رو دنبال می‌کنن شنیدم، اینه که از صفر شروع کردن و با تلاش رسیدن به اینجا. اولش یه گروه توی یه کمپانی ورشکسته درست می‌شه که هفت نفر توی یک اتاق می‌خوابیدن حتی برای کنسرت‌هاشون باید می‌رفتن توی خیابون خودشون تبلیغ می‌کردن این جالبه برام که با تلاش به جایی که هستن رسیدن. ولی بعضیا فک می‌کنن، این هفت نفر وارد کمپانی شدن دیگه فقط باید متمرکز می‌شدن روی تمرین‌های رقص و موسیقی، ولی اصلاً این طوری نیست».

«- میزان این که راجع به مشکلات با دیگران صحبت می‌کنی، فرقی کرده است؟»

خوب من قبلاً اصلاً راجع به مشکلاتم با کسی صحبت نمی‌کردم، ولی الان خیلی از دوست‌های من راجع به ناراحتی‌ها یا مشکلات من خبر دارن، چون دیگه آدم بعد از یک مدت سوتی می‌ده که همه بفهمن. ولی در کل قابل تحمل‌تر شده مشکلات برام.

- چه طور؟

چون همه آیدول‌ها یک‌سری مشکلاتی دارن و خوب من می‌گم اگر اون‌ها می‌تونن، چرا من نتونم. اگر اون‌ها می‌تونن مشکلات را پیش بقیه قایم کنن، چرا من نتونم این کار را بکنم و خودم این کار رو انجام می‌دم».

شبنم ۲۵ ساله، ریحانه ۱۵ ساله، مسعود ۲۰ ساله و شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه‌های خویش از برخورد رومانتیک‌تر با جنس مخالف، کپی‌برداری از رقص بی‌تی‌اس و پرهیز از ازدواج کردن (نظیر پسران گروه بی‌تی‌اس) یاد کرده اند:

«... مثلاً توی زمینه احساسات من قبلاً خیلی اهمیتی به احساسات عاشقانه و رومانتیک نمی‌دادم و خیلی مثلاً سخت می‌تونستم وارد یه رابطه عاطفی بشم. اما خب خیلی چیزا رو از شون یاد گرفتم و روی احساساتم خیلی تأثیر داشت.

- یعنی چی روی احساسات شما تأثیر داشت، مثلاً چه تأثیری؟

(می‌خندد) من آدم سنگی بودم، مثلاً توی رابطه دوست پسر دوست دختری، ولی توی فیلم‌ها یه کم نرم شدم و این چیزا و بروز احساس و اینا برام عادی‌تر شد.

- یعنی سعی کردی مدل اون‌ها رفتار کنی؟

آره.

- مدل اون‌ها چه طوریه؟

خب این جوریه که خیلی احساسی و لطیف هستن.

- و شما تحت تأثیر این مدل، چه جوری توی روابط خودت شروع به رفتار کردن کردی؟

قدیما مثلاً برام حرفای عاشقانه زدن و ابراز احساسات لوس و مصنوعی بود و یا انجام نمی‌دادم و یا موقع‌هایی که سعی می‌کردم انجام بدم، برام یه حالت لوس و تمسخرآمیز داشت که حتی طرف مقابلم احساس می‌کرد، دارم مسخره‌اش می‌کنم و حس جدی بودن ازم نمی‌گرفت، حتی اگه ته دلم واقعاً احساسم جدی بود. اما خب وقتی دیدم اینا این قدر قشنگ و جدی ابراز احساسات می‌کنن، انگار روم تأثیر گذاشت و دیگه به نظرم لوس نبود».

«- خودت هم حرکات رقص بی‌تی‌اس رو اجرا می‌کنی؟»

آره. واسه لاغری‌ام رقص خوبه.

- یعنی تو هم دوست داری مثل اون‌ها لاغر باشی؟

خب چون دخترم، خیلی دوست دارم مثل اعضای بلک‌پینک ظریف و لاغر باشم، خودت که می‌بینی، من یه کم تپلم.

من همیشه آهنگای بی‌تی‌اس و گاهی بلک‌پینک رو تو اتاقم می‌ذارم و باهاشون می‌رقصم، اون قدر می‌رقصم که لاغر بشم. بعد از ظهرها هم تا آهنگاشون رو گوش ندم و یه کم نرقصم، نمی‌تونم کار دیگه‌ای بکنم، این جور انرژی می‌گیرم».

«- هواداران در این مورد از ستاره‌ها تقلید نمی‌کنند؟»

بعضی از هواداران تعصبی که خیلی آیدول‌ها رو دوست دارند و آن‌ها رو می‌پرستند، در مورد ازدواج نکردن هم از بی‌تی‌اس تقلید می‌کنند و از نظر آن‌ها تا زمانی که آیدول‌ها حق ازدواج پیدا نکنند، این‌ها ازدواج رو بر خودشون حرام می‌دانند و دوست دارند شبیه آیدول‌هاشون عمل کنند».

«- این که گروه بی‌تی‌اس ازدواج نمی‌کنن، چه تأثیری روی هوادارها دارد؟»

بیش‌تر هوادارها هم به تبعیت از بی‌تی‌اس ازدواج نمی‌کنن».

عمیق‌ترین سطح الگوبرداری، الگوبرداری از نظام ارزشی فرد مورد توجه و علاقه به شمار می‌آید، در این سطح از الگوبرداری، مخاطبان با ملاحظه ارزش‌هایی که الگو در خود به نمایش نهاده یا تبلیغ آن را می‌کند، ارزش یا ارزش‌های مزبور را پذیرفته و با درون‌سازی آن‌ها، بر همان نهج و منوال عمل می‌کند. به عنوان مثال، اندیشه اساسی بی‌تی‌اس دال بر جنسیت‌زدایی از آرایش پوشش و عشق، آزادی عقیده، شاد زیستن، فردگرایی افراطی، مصادیقی از فرهنگ غرب (نظیر هالووین) و مانند آن‌ها، از مواردی هستند که پذیرش و رفتار برهمان مبنا نمایانگر رسوخ ارزش‌های اخیر در هواداران، درون‌سازی شدن آن‌ها و معرفی آن‌ها به عنوان قسمتی از نظام ارزشی فرد به شمار می‌روند. ساری‌ای ۱۳ ساله، تحت تأثیر اندیشه جنسیت‌زدایی از آرایش اعضای بی‌تی‌اس، به اخذ این ارزش پرداخته و تجلی عینی آن را در خود به نمایش نهاده است:

«- نگاه و دیدگاه خودت نسبت به آرایش کردن بی‌تی‌اس و ستاره‌های کی‌پاپ چه جوریه؟»

از نظر خودم خیلی بامزه و کیوته. وقتی یه نفر رو قبول داشته باشی، همه چیزش رو دوست داری و فرق نمی‌کنه، چه کاری انجام بده، چون تا زمانی که اون کار بد نباشه، مشکلی نیست.

آرایش کردن هم این جوریه. زیبایی وجود داره هم برای مرد هم برای زن پس آرایش یا میکاپ جنسیت نداره.

از نظر من کارهای آدم‌ها تا وقتی آسیبی به بقیه نرسونه، باید بهشون احترام گذاشته بشه. من اولش که فهمیدم آرایش می‌کنن، به نظرم یه چیز جالب اومد و بعد با گذر زمان برام عادی شد».

پری‌ناز ۱۸ ساله نیز از پذیرش جنسیت‌زدایی در پوشش و به معرض دید نهادن آن در خودش به شرح زیر یاد کرده است:

«- به نظرت این گروه داره جنسیت‌زدایی رو ترویج می‌ده و دنبال عادی‌سازی این مسأله هست؟»

بین جنسیت‌زدایی الآن کاملاً به مسأله عادیه بین جوون‌ها، دختر و پسر برابر هستن، لباس‌ها جنسیت ندارن، همجنس‌گراها هم آدم هستن و بیمار نیستند و از قبیل این موارد. حتی رنگ‌ها هم جنسیت ندارن این که یه پسر صورتی بپوشه یا یه دختر آبی و این که یه دختر موهاش مدل پسرانه باشه یا یه پسر موهاش بلند باشه و یه پسر از رقصیدن خوشش بیاد و همین‌طور برعکس که دختر از مسایل پسرانه خوشش بیاد و به نظرم این مسایل نه فقط در ایران بلکه در کل جهان عادی شده.

البته قدیمی‌ها موضوع همجنس‌گرایی رو تابو می‌دونستن و می‌گفتن ممنوعه و هنوز هم بیش‌ترشون این طوری هستن و خیلی سخت می‌شه نظرشون رو در رابطه با این موضوع عوض کرد و باید بهشون حق داد، چون اونا مدت زیادی با این عقیده زندگی کردن و عوض کردن اونا سخته، ولی خب جوون‌ها انعطاف‌پذیرترن در کل و توی دنیای مدرن دارن زندگی می‌کنن و خب برای ما دیگه عادی شده، اما بی‌تی‌اس با این موضوع موافقه که میان با کارهاشون نشون می‌دن که لباس‌ها جنسیت ندارن، همجنس‌گراها هم انسان هستن و این رو می‌خوان نشون بدن و هم حمایت می‌کنن و به نظر من کار درستیست که هر فردی، با هر سلیقه و نظری و لباسی انسانه و حق زندگی داره، مهم نیست برندت چیه، رنگ لباست چیه، رنگ پوستت چیه یا دختری، پسری مهم اینه که تو انسانی باید عاشق خودت باشی و اعضاء یه آهنگ دارن که این موضوع رو بیان می‌کنه که تو با هر نقصی که داری حق زندگی داری، مهم نیست دیگران درباره تو چی می‌گن، مهم فقط و فقط خودت هستی».

ریحانه ۱۵ ساله، پونه ۱۸ ساله، شیدای ۲۰ ساله و شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از پذیرش نظام ارزشی پسران بی‌تی‌اس و اندیشه جنسیت‌زدایی از عشق آنان یاد کرده و از پذیرش آن در ارزش‌های خودشان سخن گفته‌اند:

«- خوب به نظرت آرایش چیز خوبیه یا نه؟

اگه بد بود، بی‌تی‌اس این کار رو نمی‌کردن.

- مگه بی‌تی‌اس هر کار انجام می‌دن درسته؟

بی‌تی‌اس حامی آدم‌ها هس، مگه می‌شه یه همچین گروهی برای آدم‌ها چیز بد بخواد؟».

«... در کل بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که آشنا شدم و آره همه چیزشون به چشمم ناآشنا و متفاوت و جدید بود و مجموعه‌ای از همه چیزشون بود که من دیدم و خوشم اومد و دیگه طرفدارشون شدم.

- پس در واقع بی‌تی‌اس باعث شد نگاهت نسبت به یک سری چیزها تغییر کنه؟

در واقع می‌تونم این‌طور بگم که بی‌تی‌اس نه تنها نگاه من رو، بلکه همه چیز من رو تغییر داد، نگاهم رو به همه چیز، نوع تفکراتم، سلیقه‌هام. خیلی چیزا. من تا قبل از بی‌تی‌اس همون‌طور که گفتم، من تا قبل از این که عکسای بی‌تی‌اس رو ببینم و حالا با سبک آرایش و میکاپ و این چیزاشون آشنا بشم، اگر این چیزا رو می‌دیدم که یه خواننده‌ی دیگه مثل هری استایلز یا هر کس دیگه‌ای انجام می‌ده، می‌گفتم لازم نیست یا می‌گفتم، خب پسرا چرا باید همچین حرکت‌هایی بززن، ولی خب وقتی بی‌تی‌اس رو دیدم، نگاهم به خیلی چیزا تغییر کرد. دیگه برام عجیب نبود این چیزا و دیگه به این کلیشه‌های جنسیتی اهمیتی نمی‌دم، نگاهم به ال‌جی‌بی‌تی خیلی تغییر کرد. البته اینا رو دارم می‌گم بهت، به خاطر اینه که خودت اولش گفتی هر چی بود رو بدون مخفی کردن و خجالت بگما. وگرنه یه کم خودم چیزم الآن که اینا رو دارم می‌گم.

- راحت باش مشکلی نداره عزیزم. خب نگاهت به همجنس‌گراها هم تغییر کرد، قبلش این چیزا رو قبول نداشتی؟

نه این که قبول نداشت باشم. چون دیده بودم تو مدرسه یکی از دوستانم این‌لزینه و با رابطه‌ی دختر با دختر یه کم آشناییت داشتیم و مشکلی باهاش نداشتیم، ولی رابطه‌ی پسر با پسر و کاپلای گی رو خیلی درک نمی‌کردم. ویرد (عجیب) بود برام. اما بعدش که خب با بی‌تی‌اس آشنا شدم و دوستم در مورد گرایش پسرا و روابطشون باهام صحبت کرد، تازه دوزاریم افتاد و دیگه مثل قبل نبود که ناآشنا باشم

با این روابط. بعد جدای از اون وقتی می دیدم که خود پسرا چه قدر به همجنس‌گراها احترام می‌ذارن و ازشون حمایت می‌کنن، خب من کی باشم که بخوام توهین کنم. متوجه شدم که یه چیز کاملاً طبیعی که باید بهش احترام بذارم».

«- بین دوستان و هنرآموزه‌های تو گرایش‌های جنسی غیردگرجنس‌گرا چه طوریه؟»

خیلی زیاد شده، ولی من حس نمی‌کنم به خاطر بی‌تی‌اس باشه. چون اتفاقاً تمام کسانی که من می‌شناسم و طرفدار بی‌تی‌اس هستن، دخترن و یه دختر دوست داره همون به چشم یه دختر به آیدولش نگاه کنه. می‌دونی چی می‌گم؟ یعنی اونا رو به چشم دوست پسرش می‌بینه.

- دخترهایی که طرفدار بلک‌پینک هستن، گرایش‌های همجنس‌گرایانه ندارن؟

نه، من ندیدم که همجنس‌گرا باشن. ولی توی جامعه خیلی می‌بینم که خیلی زیاد شده، بدون این که اینا طرفدار بی‌تی‌اس باشن. ولی کلاً خیلی زیاد شده و برای خودمم سواله که چرا حتی نسبت به دو سال پیش این قدر بیشتر شده!

- به نظرت یک عاملش رسانه‌ها و فیلم‌ها و سریال‌ها و تمرکز بیشتر بر روی مسایل گروه‌های اقلیت جنسی نیست؟

چرا. به نظرم هم یه جور باعث جوّ شده. مثلاً دوستی که من داشتم تا همین چند وقت قبل دوست پسر داشته، الان یه دفعه می‌گه من همجنس‌گرم یا یکی می‌گه من خودم رو عضوال‌جی‌بی‌تی یا کوئیر می‌دونم یا یکی دیگه می‌گه اصلاً من خودم رو مذکر یا مؤنث نمی‌دونم. این یه بخشیش به نظرم جوّ هست. انگار مده. یه چیز تازه هس. اما یه بخش دیگه‌اش هم اینه که خب این تمایل‌ها وجود داشته و الان چون درباره‌اش آزادتر می‌شه حرف زد، انگار به رسمیت شناخته شده و طرف می‌تونه توی خودش بپذیردش. البته بازم سوال برای من هستش که این رسانه‌ها و تبلیغاتی که می‌گی دو سال پیش هم بودش، ولی این قدر این گرایش‌ها مثل الان زیاد نبود.

- نظر دوستان و هنرآموزان شما درباره کوئیرها و ال‌جی‌بی‌تی چیه؟

همون حرف بی‌تی‌اس رو می‌زنن. یعنی بد نمی‌دونن و می‌گن اون چیزی باید باشه که خودت دوست داری».

«- حالا نظر خود شما نسبت به همجنس‌گرایی چیه؟ یادمه که گفتی قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس اصلاً آشنایی‌ای با این موضوعات نداشتی، اما نگرانی الان چه فکری می‌کنی؟»

نگفتم؟ (می‌خندد) خب من واسه خودم که اصلاً علاقه‌ای ندارم به همجنس و اینا. ولی خب این جوریم که اگه دوستم مثلاً همجنس‌گرا باشه، اوکیم تا جایی که به حریم من احترام بذاره. حالا اون می‌خواد با همجنس خودش روابط عاشقانه داشته باشه به خودش مربوطه، ولی با من هم می‌تونه دوست معمولی باشه. یعنی دیگه مثل قدیم برام یه آدم و یه چیز عجیب غریب نیس. مهم اینه که آدمه دیگه حالا زندگی شخصیش دیگه به خودش ربط داره».

به طبع پذیرش اندیشه جنسیت‌زدایی در عشق که گروه بی‌تی‌اس در عمل مروج آن است، مثبت شدن نظر برخی از هواداران نسبت به گروه ال‌جی‌بی‌تی کیو مثبت شده و به گزارش انعکاس عینی این معنا در جمع اطرافیان‌شان پرداخته اند. شقایق ۱۹ ساله، در همین ارتباط بیان داشته است:

«- به نظرت گروه بی‌تی‌اس این گرایش‌ها و فرهنگ‌ها رو می‌خواد به کشورهای دیگه انتقال بده؟»

می‌شه گفت آره زیاد تأثیر داره. الان توی افراد دهه ۸۰، متأسفانه من تو مدرسه حالا فهمیدم که خیلی روابط همجنس‌گرایانه زیاد شده. دلیلش بیشتر فضای مجازیه خب که این جور روابط رو عادی می‌کنه. نمونه‌اش همین گروه مثلاً و خب الان اکثر کشورها هم اینا رو عادی کردن و قانونیه. گاهی تو مدرسه می‌بینی دو به دو باهم رل شدن (خنده). ما دو نفر از بچه‌هامون که ته کلاس می‌شستن و طرفدار این باندم بودن و فن‌پیچ داشتن برایشون، باهم رل بودن! و حالا زنگای تفریح کلاسای خالی می‌شد باهم می‌رفتن تو کلاس رفتارای جنسی می‌کردن! خب این حالا یه نمونه‌اش هست که من می‌دونم، تو کلاس‌های دیگه هم زیاد بودن این جور دخترا که باهم بودن و حرکات

جنسی می‌کردن. این جور رفتارها از کجا میاد؟ از همین گروه‌ها، از فضای مجازی از فیلم‌های پورن همجنس‌گرا که با یه سرچ تو گوگل میاد بالا یا فیلم‌هایی که هالیوودی هستن و همجنس‌گرایی هست توشون و مجوز پخش گرفتن و کلی ویو خوردن تو دنیا. توی ایران هم که به طور صحیح تخلیه جنسی صورت نمی‌گیره، طرف رو در فضای مجازی توجیه می‌کنند و بعد روی هم‌جنس خودشون پیاده می‌کنند».

نگین ۱۳ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، با بیان این اندیشه که از نظر اعضای گروه بی‌تی‌اس، باید به عقاید هر فرد (حتی اگر اشتباه باشد) احترام نهاد، از پذیرش این معنا توسط دوست و برخی از اطرافیان یاد کرده است:

«- دین خودشون چیه؟»

خودشون یا مسیحی ان یا دینی ندارند.

- بین وقتی که بچه‌ها با این مواجه می‌شوند که دین با رابطه‌های همجنس‌گرایانه مخالفه و شعاری که توی بی‌تی‌اس هست، اینه که این روابط اشکالی ندارد، به نظر تو بعداً بچه‌ها با این تعارضات چه جور رفتار می‌کنن؟

اونا نمی‌دونن که موافق این هستند، اونا می‌گن که این مشکلی نداره، می‌گن که نباید از این اتفاق خجالت بکشین، برای ما مهم نیست که طرف با همجنس خودش وارد رابطه بشه، برای ما این مسأله اهمیتی نداره، چون هر انسانی به هر حال ارزش و شخصیت خودش رو داره. - یعنی این مسأله با دستورهای دینی تو تضاد قرار نمی‌گیره؟

راستشو بگم خیلیا دینی ندارند، به نظر ما علم خیلی بهتر از دینه، علم مسایل اثبات شده هست، دین مسایل اثبات نشده هست، از کجا می‌تونیم مطمئن باشیم که درسته.

- الان شما همین عقیده را دارید؟

بله. بعد من خودم آدمایی رو دیدم که خیلی به نظرم عقاید سفت و سختی داشتند و در خانواده خیلی مذهبی به دنیا آمده بودند، ولی وقتی که آرمی شدن عقایدشون از بین رفته بود.

- می‌تونی برام مثال دقیق‌تر بزنی از بین دوستان کسی این طوری بوده؟

راستش بله، ولی عقایدش کامل از دست نرفته، اون زمان چادر می‌پوشیده، الان نمی‌پوشه.

- چه طوری تحت تأثیر قرار گرفته؟

البته بین اون خیلی هم توجه به خانواده داشت. دیگه چون خانواده‌اش خیلی مذهبی بودند، وقتی خانواده به شدت مذهبی باشه، خوب شما هم دیگه مذهبی می‌شین دیگه، وقتی یک نفر تو جو مذهبی به دنیا میاد، تو یه جو مذهبی بزرگ می‌شه و بنابراین همون عقاید رو پیدا می‌کنه و به نظرش هر عقیده مخالفی اشتباهه، ولی بی‌تی‌اس یک چیزی که به ما یاد داد، اینه که شما می‌تونید هر عقیده‌ای داشته باشین و بایستی که بهش احترام بذارین.

- دوست تو تحت تأثیر این فکر یعنی قرار گرفت؟

بله.

- الان عقایدش چه شکلیه؟

الان خدا رو قبول داره، این طوری نیست که دیگه کلاً دین نداره، ولی دیگه به شدت خانواده‌اش نیست».

فریبای ۴۶ ساله نیز در مصاحبه‌اش، از ضرورت آزاد بودن، شاد زیستن و کنار نهادن شرم و حیا در افراد یاد کرده، بر تحقق آن در رفتارهای خود و دخترش، صحه می‌نهد:

«- برگردیم به موضوع رقص، مگر نگفتید همسر اجازه نمی‌ده، پس چه طور در جمع مختلط می‌رقصید».

جرأت‌م بیشتر شده، حس می‌کنم، توی اینستاگرام کلیپ رقص زیاد می‌بینم و وقتی می‌بینم دخترا و زنها راحت می‌رقصن و فیلم می‌دارن، پیش خودم می‌گم مگه اونا شوهر ندارن، از بی‌تی‌اس خیلی در مورد مقاومت برای رسیدن به خواسته‌ها یاد گرفتیم. یکی از آهنگ‌های بی‌تی‌اس فوق‌العاده هست، اگه گوش ندادین حتماً گوش بدین، اسمش سیلور اسپونه. توی این آهنگ تشویق می‌کنن که قوی‌تر باشیم و مقابل مشکلاتی که روز به روز تعدادش بیشتر می‌شه، بایستیم. خود آیدول‌ها خیلی مصر هستن که به خواسته‌هاشون برسن و واقعاً توی این مدت خیلی ازشون یاد گرفتیم... .

- باز هم مواردی بوده که بی‌تی‌اس باعث اختلاف بین شما شده باشد؟

بله، زیاد. همسر دوست نداره دخترم توی جمع برقصه، ولی من دوست دارم و اتفاقاً می‌گم که دختر باید آزاد باشه.

- خوب این چه ارتباطی به گروه بی‌تی‌اس دارد؟

نسل ما خیلی آزاد نبود، خب شما بهتر از من می‌دونید که نسل جدید الگوهای جدیدی هم داره. نسل من الگوهاش بدبخت و بی‌نوا بودن و مدام در حال گریه و زاری بودن. از وقتی چشم باز کردیم بدبختی دیدیم و مصیبت اما این نسل از بی‌تی‌اس الگو می‌گیره که بچه‌ها رو به آزادی و شادی و خوش بودن تشویق می‌کنه. به نظر من درست اینه که بچه شاد باشه، آزاد باشه، برقصه، بخنده چه ایرادی داره. بی‌تی‌اس رو به خاطر خیلی چیزها دوست دارم که اگه شما توی مصاحبه هم نپرسید خودم می‌گم.»

تشویق به فردگرایی مفرط، غصه نخوردن، عدم ضرورت برخورد عقلانی در همه موارد، پذیرش ابعادی از فرهنگ غرب (نظیر هالووین)، از دیگر ارزش‌هایی هستند که جمعیت مورد بررسی از آن یاد کرده، خاطرنشان ساخته‌اند که ارزش‌های اخیر را از پسران گروه بی‌تی‌اس اخذ کرده‌اند. در همین ارتباط ریحانه ۱۵ ساله، مرضیه ۱۹ ساله، فریبا ۴۶ ساله و ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌های خود به آرایه مصادیق زیر پرداخته‌اند:

«- سعی کردی که ویژگی‌های اخلاقی مثل اون‌ها رو هم داشته باشی؟

تو این دو، سه سال که دنبال شون می‌کنم، یه سری چیزها ازشون یاد گرفتیم، مثلاً این که با آدم‌ها مهربون‌تر باشیم یا مثلاً به نظر کسی خیلی اهمیت ندم و کاری که خودم دوست دارم، انجام بدم.

- یعنی دوست نداری تو کارهات نظر بقیه رو بدونی؟

بیش‌تر دوست دارم خودم برای خودم تصمیم بگیرم، از این که یکی هی بهم دستور بده بدم میاد. دوست ندارم چیزی تو دلم بمونه و برام عقده بشه.»

«- وقت‌هایی که ناراحتی یا اضطراب داری، دنبال گوش کردن آهنگ‌ها یا دیدن ویدیوهاشون می‌ری؟

آره، همیشه همین‌طور بود، این طوری اضطرابم کم می‌شه یا ناراحتیم رنگ می‌بازه.

- می‌تونی برام مثال بزنی؟

بین مثلاً من امتحان شهری رانندگی که داشتم خیلی اضطراب داشتم، بعد به خودم گفتم شد، شد، نشد، می‌رم بی‌تی‌اس می‌بینم و حتی به این فکر می‌کردم که اعضاء حتی وقتی کارهایی که قبلاً انجام ندادن و اولین دفعه‌شونه رو شجاعانه انجام می‌دن و نمی‌ترسن و به خودم می‌گفتم، تو هم این طوری باش یا موقع کنکور هم همین‌طور، می‌گفتم اگر هم نتونستی، دنیا که تموم نشده، بی‌تی‌اس هست غصه‌ی چی رو می‌خوری؟

یا وقتایی که تنهایی اذیت‌کننده می‌شه بهشون پناه می‌برم. من حتی یه پوشه دارم که تو سیو مسیج‌های اینستاگرام سیوش کردم خوشحالی و پر از عکس و فیلم پسران هست و هر زمان ناراحت و دماغ هستم، می‌رم اون پوشه رو باز می‌کنم و نگاهشون می‌کنم.»

«... یک آهنگ جالب و پرمفهوم دیگه هم دارن به اسم «اجازه‌ای برای رقص» به تیکه رو خیلی دوست دارم. می‌گه که من می‌خواهم برقصم، موسیقی باعث شد من پیش بروم، چیزی نیست که بتواند مانع از حرکت ما شود، بله بیایید خودمان را بشکنیم و مثل احمق‌ها برقصیم.»

– منظورش چیه؟

می‌گه که پلن و برنامه و این چیزا رو بذاریم کنار، یه کم نفس بکشیم، برقصیم. نیاز نیست همیشه عاقل باشی و رقص و موسیقی باعث شده پیش برم یا بهتره بگم پیشرفت کنم.

– به نظر شما کار درستی هست که برنامه‌ها را کنار بگذاریم و صرفاً بزنییم و برقصیم؟

به نظرم پلن ریختن کار بیهوده‌ای هست، چون آخرش اون چیزی که می‌خوای درست اجرا نمی‌شه و این آهنگ درست می‌گه.

– خوب شاید احتمالاً ایراد از برنامه شما باشه. یعنی هیچ برنامه‌ریزی را قبول ندارید؟

نه من به برنامه‌ریزی علاقه‌ای ندارم و مهم‌تر این که اون‌ها توی کره جنوبی که این قدر کشور منظم و با حساب و کتابی هست، اعتقادی به برنامه‌ریزی ندارن بعد من تو ایران اعتقاد داشته باشم؟

– فکر نمی‌کنم منظور آهنگ این بوده باشه که هیچ‌وقت برنامه‌ریزی نکنید.

برداشت من این هست و این باورم رو دوست دارم.

– گوش دادن به آهنگ‌های این گروه چه حسی به شما می‌ده؟

حس خیلی خوب، آزادی. وقتی گوش می‌دم همین جوری که معنی به متن رو برای شما خوندم، حس می‌کنم که یکی هست که به فکر آزادی و راحتی و رها شدن من و دخترم از اسارت کسایی مثل شوهرمه. خیلی خوشحال می‌شم.»

– باز هم در مورد ظاهر و زیبایی نظری داشتی که بعد از آشنایی با جیمین عوض بشه؟

از هالوین و جشن گرفتنش خوشم نمی‌اومد، چون می‌گفتم زشت و ترسناک می‌شه قیافه‌ها. تا این که چند باری دیدم جیمین و دوستاش هالوین جشن گرفتن و گریم هالوین دارن که خوشم اومد.

– خوب مگه ترسناک نبود چهره‌های آن‌ها؟

ترسناک بود، ولی خوشم اومد، یعنی هم می‌ترسیدم و هم خوشم می‌اومد.»

### – عمق اثرگذاری الگوها

در بررسی سطوح مختلف اثرگذاری الگوها، از سه سطح اثرپذیری‌های ظاهری، اثرپذیری‌های رفتاری و اثرپذیری‌های ارزشی هواداران از الگوها، یاد شد.

مشاهدات انجام شده، در زمینه اثرپذیری هواداران از الگوها دلالت بر آن دارد که هواداران پس از جذب شدن به ظواهر الگوها و کپی‌برداری و تبعیت از این ظواهر، به تدریج به سمت الگوبرداری‌های رفتاری سوق یافته و به تکرار عملی رفتارهایی که در الگوی مورد نظر خویش می‌بینند، دست می‌زنند و در ادامه غالباً به الگوبرداری از ارزش‌هایی که الگوی مورد نظر مستقیم و غیرمستقیم مبلغ آن است، می‌رسند.

در حالت اخیر، طرفدارانی که ارزش‌های الگوهای مورد علاقه خود در گروه بی‌تی‌اس را در دستور کار خویش قرار می‌دهند، بعضاً تأثیرپذیری‌های عمیقی را از خودشان به معرض دید می‌گذارند که اسباب شگفت‌زدگی اطرافیان و ناظران را فراهم می‌آورند.

الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه‌اش تأکید می‌کند، وی به صرف این که از ظاهری همچون کره‌ای‌ها برخوردار است، از خودش خوشش می‌آید و برای دیدار با ستاره‌ها، به یادگیری زبان کره‌ای پرداخته است:

«– منظورت از این که شبیه کره‌ای‌ها هستی چیه؟



چون هیكل ام شبیه کره‌ای‌ها هست مثل اونا لاغرم، قد بلندم، کشیده‌ام، موهام لخته، پوستم صافه.

- آهان پس دوست داری که از نظر ظاهری شبیه اونا باشی؟  
آره.

- یعنی اگر شبیه‌شون نبود، خودت رو دوست نداشتی؟  
نه، نداشتم...

- تو دوست داری که کنسرت بی‌تی‌اس بری؟  
آره و به خاطر همین دارم کره‌ای می‌خونم.

- یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو یاد می‌گیری؟  
آره.

- یعنی تنها دلیلت همینه؟

نه، دلیل ام به خاطر خود کشور کره هم هست.

- یعنی چی خود کشور کره؟

یعنی فرهنگ‌شون، غذاهاشون، طبیعت قشنگ‌شون.

- خوب این رو که کشورهای دیگه هم دارن چرا کره، چرا داری زبان کره‌ای می‌خونی؟

فرهنگ هر کشوری با کشور دیگه فرق می‌کنه و خب من از فرهنگ کره خیلی خوشم میاد.

- از چه چیز فرهنگ کره خوشت میاد؟

از این که مردهاشون ریش ندارن و اگر داشته باشن به معنای شلختگی هست و این که خوشامد گویی‌هاشون خیلی محترمانه هست و این که اون‌ها خیلی به همدیگه هدیه می‌دن و در این کشور اصلاً نژادپرست نیست و دینی ندارن و این که کشور امنی برای زنان هست و خوراک‌هاشون قیمت پایینی دارن و از نظر تکنولوژی خیلی پیشرفته‌اند.

- خوب یعنی فقط به خاطر همین موارد داری زبان به این سختی رو یاد می‌گیری؟

خب این زبان اصلاً سخت نیست و زبان چینی هستش که خیلی سخت هست و این که بله، به خاطر این‌ها دارم زبان به این قشنگی رو یاد می‌گیرم.

- خوب نقش بی‌تی‌اس در انگیزه یادگیری زبانت چیه؟

این که اگه زبان‌شون رو یاد بگیرم، می‌تونم باهاشون صحبت کنم».

پربناز ۱۸ ساله نیز در مصاحبه خودش یادآور شده است، وی با شوق رفتن به کشور کره برای آزمون دادن برای ورود در گروه‌های کی‌پاپ، روزانه ۵ ساعت تمام می‌رقصیده است تا در عین تکمیل مهارت خویش در این زمینه، وزن خود را هم به وزن مورد نظر کمپانی برساند:

«- تا به حال به این فکر کردی که به کره سفر کنی و در این کمپانی عضو بشی؟

این سوال واقعاً خیلی قشنگ بود، طبیعتاً من بعد از این که با کره جنوبی و گروه بی‌تی‌اس آشنا شدم و علاقه شدیدی هم پیدا کردم به گروه‌های اکسو و بی‌تی‌اس علاقه پیدا کردم، یکی از آرزوهایم این بود که سفر کنم به کره جنوبی و می‌خواستم در آینده یکی از اعضای این گروه‌ها باشم، یعنی برم و خواننده بشم. البته اینا در حد حرف نیست کلی تلاش کردم برای این موضوع. من به مشکلی که داشتم این بود که وزنم زیاد بود و خب طبق شرایطی که این گروه داشت، باید وزنم طبق شرایط کمپانی ۵۹ کیلو بود. وزن من اون موقع ۶۹ کیلو بود، فک کنم من واقعاً تمام تلاشم رو کردم که وزنم رو برسونم به زیر ۵۹ کیلو و حتی یا ادامه که شروع کردم به یاد گرفتن زبان کره‌ای و الآن

تقریباً بعد گذشت سه سال، می‌شه گفت کمی مسلط شدم به این زبان تا بتونم با آهنگ‌هاشون ارتباط بیش‌تری بگیرم و این که راحت‌تر حمایت‌شون کنم و خب خیلی کارا کردم که پیشرفت کنم تا بتونم عضو کمپانی بشم، روی رقصم کار کردم. من روزی تقریباً پنج ساعت بی‌وقفه توی خونه می‌رقصیدم و الان این جوریه که مدل رقصیدنم کلاً شده مثل بی‌تی‌اس و همه اقوام رقص من رو به مدل‌های تیک تاک و کی‌پاپ می‌شناسن و من حتی رفتم ایمیل کمپانی‌ها رو گرفتم که بهشون ایمیل بزنم و توی آزمون‌هاشون شرکت کنم، چون یه زمانی بود که کمپانی‌ها کارآموز می‌خواستن و منم سنم به اون شرایطی که کمپانی گذاشته بود، می‌خورد و خب من می‌تونستم که آزمون بدم و واقعاً قدم جدی بود، اما خب نکردم این کار رو، من خب اولش همون طور که گفتم من توی دو هفته بعد از این که مدام تمرین می‌کردم و پنج، شیش ساعت تو روز می‌رقصیدم، تونستم تو چهار هفته از وزن ۶۹ کیلو به ۶۰ کیلو برسم و تقریباً یه چیزی تو مایه نه کیلو لاغر کردم و واقعاً برای خودم و خانواده‌ام خیلی عجیب بود و جالب این بود که من واقعاً و عمیقاً با تمام وجودم این کار رو انجام می‌دادم و می‌رقصیدم و اصلاً خسته نمی‌شدم. یادمه از مدرسه که می‌اومدم موزیک ویدیوهاشون نگاه می‌کردم و باهاشون مدام می‌رقصیدم و متوجه گذر زمان نمی‌شدم، وقتی ناخواسته توی جاهای مختلف آهنگ پلی می‌شد، البته الان هم همینم، اگه آهنگ ریتمش شاد باشه، بلافاصله بلند می‌شم می‌رقصم».

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد، وی برای تولد تک‌تک اعضای گروه روی موبایلش روز شمار تولد گذاشته است. ثنای ۱۶ ساله هم خاطرنشان ساخته است که وی از دوست پسر محبوبش به دلیل توهین به ستاره مورد علاقه خودش جدا شده است و پونه ۱۸ ساله اذعان می‌دارد، اگر یک روز از پسرهای بی‌تی‌اس بی‌خبر بماند، می‌میرد، زیرا که آن‌ها زندگی او شده اند:

«خوب یک خوبی‌اش اینه که دوتا از اعضاء سولو دارن و می‌رن سربازی، بعد آرمی‌هایی هم که تو کره زندگی می‌کنن، یک رسم هست که وقتی نامزد یا دوست پسر هر کسی می‌ره سربازی، یک کفش‌های خاص سفیدی هست که اون‌ها را می‌خرن می‌پوشن، به معنی این که در انتظار کسی هستن، حالا آرمی‌هایی که تو کره زندگی می‌کردن، رفتن رنگ کفش به رنگ بنفش خریدن.

- کدام اعضاء الان سرباز می‌شوند؟

همه‌شون، جین الان دقیق بخوام بگم، بذارید ببینم آخه من برای تولد همه‌شون آلارم گذاشتم (باخنده)، جین دقیقاً ۳۸ روز دیگه تولدشه، تهیونگ ۶۴ روز، جیهوپ ۱۱۴ روز، شوکو ۱۳۳، خود بی‌تی‌اس ۲۲۹ روز دیگه تولدشه، اون تایمی که ساخته شدن و گروه‌شون درست شد، جان هوب ۳۰۹، جیمین ۳۵۱ روز دیگه.

- برای تولد ستاره‌ها کاری انجام می‌دین؟

ما زنگ می‌زنیم به دوست‌هامون، کیک می‌خریم، کاپ کیک می‌خریم، کیک یزدی روش شمع می‌گذاریم. بعد چون ساعت داره ما از یک ساعت قبل‌اش پشت دوربین‌ها نشستیم اون یک ساعت را حرف می‌زنیم و یک ثانیه مانده دیگه شمع را فوت می‌کنیم و تولدش را جشن می‌گیریم».

«... بلایی که توی چت روم سرم اومد رو تا آخر عمرم فراموش نمی‌کنم.

- چت روم بی‌تی‌اس؟

بله، یک سال پیش دوستم بهم پیشنهاد داد برای این که حوصله‌مون سر نره، وارد یه چت روم تلگرامی بشیم که همه بی‌تی‌اس آرمی بودن.

- خوب؟

همه چیز خوب پیش می‌رفت تا این من در اون گروه با یک پسری آشنا شدم، تقریباً همسن خودم بود و خیلی هم پسر خوبی بود. باهم در مورد بی‌تی‌اس صحبت می‌کردیم. گفته بودم بهش که جیمین رو خیلی دوست دارم، اونم می‌گفت که درک می‌کنه و مشکلی با این مسأله نداره.

- یعنی می‌خواستید باهم وارد رابطه بشوید؟

قصداً ازدواج داشتیم (بعض کرده و نمی‌تواند ادامه بدهد).

- راحت باش و هر زمان احساس کردی حالت بهتر شد، ادامه می‌دهیم.

مرسی (گریه می‌کند).

بعد از چند دقیقه:

خیلی دوستش داشتیم، دست خودم نیست، این حسی که دارم. شاید بگید که این چه ربطی به بی‌تی‌اس داره، خب ما توی گروه بی‌تی‌اس باهم آشنا شدیم و اولش در مورد بی‌تی‌اس باهم حرف می‌زدیم و نظراتمون خیلی به هم نزدیک بود. در مورد بی‌تی‌اس و جیمین. من به کسی که به جیمین علاقه داره، بهش علاقه دارم و از کسی که از جیمین بدش میاد، ازش بدم میاد.

- حتی اگر فردی که جیمین را دوست ندارد، از اعضای خانواده شما باشد؟

دوست نداره که نداشته باشه، مهم نیست، اما نباید بد بگه از جیمین. حتی اعضای خانواده هم می‌دونن که من چه قدر علاقه به جیمین دارم، برای همین چیزی نمی‌گن.

- ماجرای ارتباط با آن پسر به کجا رسید؟

یک روز باهم دعوامون شد، گفت برو به جهنم پیش همون جیمینت. منم زدم به سیم آخر و به مادرش فحش دادم، واقعاً دلم نمی‌خواست، شب قبلش اصلاً نخوابیده بودم، آخه خونه‌مون دعوا بود. خواهرم داره طلاق می‌گیره تا صبح خونه‌مون دعوا بود، اونم گیر داده بود بیا چت کنیم، اونم نه که چت معمولی بخواد توی اون اوضاع می‌گفت، واسم عکس بفرست.

- نصفه شب؟

عکس با آرایش و نیمه باز می‌خواست ازم (بیش‌تر توضیح نمی‌دهد).

- خوب چی شد؟

هیچی منم براش نفرستادم و شروع کردم به بد و بیراه گفتن، اون که به جیمین فحش داد، منم به مادرش فحش دادم، بلاکم کرد و دیگه به پیام‌های من جواب نداد. بعد من بهش زنگ زدم، حتی التماسش کردم، فایده‌ای نداشت.

- به نظرت جیمین ارزش این را داشت که رابطه‌ات را تمام کنی؟

بله، اگه اون شعور داشت به کسی که دوستش دارم، احترام می‌داشت».

«- اون زمان که رفتی سمت کی‌پاپ و کره، هنوز طرفدار رپ فارسی بودی؟

نه دیگه، وقتی بی‌تی‌اس اومد، کلاً رپ فارسی رو کنار گذاشتم. دیگه دوست نداشتم.

- چرا؟

امم نمی‌دونم واقعاً. این جور نبود که یهو بی‌تازم شون کنار و دیگه رپ گوش ندم. اولاش که با پسرا آشنا شدم، هنوزم رپ فارسی رو دنبال می‌کردم، ولی اون قدر درگیر بنگتن شده بودم که فرصتی نمی‌شد برم دنبال چیزای دیگه. ولی کم‌کم سلیقه‌ام کلاً عوض شد. من به تایمی خیلی زیاد دوست داشتم رپ‌های ایرانی رو. روز و شب دنبال شون می‌کردم، اما می‌گم، وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدم، انگار دیگه برام جذابیت نداشتن و یهو به خودم اومدم، دیدم خیلی وقته نه آهنگاشون رو گوش می‌دم و نه پیگیر خبراشون هستم. خب وقتی دیگه دنبال کننده‌ی چیزی نباشی، طبیعتاً علاقه هم از بین می‌ره دیگه.

- چی باعث شد که دیگه رپ فارسی برات جذاب نباشه؟ منظورم اینه که توی بی‌تی‌اس چی دیدی که توی موسیقی ایرانی و رپ ایرانی

ندیدی؟

همه چیزشون واقعاً جذاب تره. صداشون، آهنگاشون، کنسرتاشون، فندومشون، قیافه‌شون، ولی من مقایسه نکردم هیچ وقت رپ فارسی رو با بی‌تی‌اس یا کی‌پاپ. اصلاً قابل مقایسه نیستن. واقعاً نیستن. خودم می‌دونم که رپ‌رای ایرانی حتی تو کشور خودشون مجوز ندارن یا حمایت نمی‌شن. می‌گم اصلاً برای من بحث این نبود که آره بی‌تی‌اس خیلی معروف‌تر و محبوب‌تر و موفق‌تره، پس دیگه رپ فارسی رو بذار کنار. ببین من حتی خودمم متوجه نشدم که دیگه به رپ فارسی علاقه‌ای ندارم. یهو به خودم اومدم دیدم دو ساله که آرمی شدم و دو ساله که باهاشون زندگی کردم و پسرا همه زندگی من شدن.

- توی این دو سال وقتی بوده که حس کنی علاقات بهشون کم‌تر شده یا چیزی باعث شده که حس کنی دیگه به شدت اوایل طرفدارشون نیستی و مثل رپ فارسی کنار بگذاری‌شون؟

نه اصلاً. من شبم روز نمی‌شه اگر که از پسرا بی‌خبر باشم. اونا الان جزئی از زندگی من هستن و صرفاً خواننده‌های مورد علاقه‌ام نیستن. می‌میرم بدون اونا».

شیدای ۲۰ ساله که معلم رقص بی‌تی‌اس است و قریب ۲۰۰ هنرآموز زیر دست او آموزش می‌بینند، با اذعان به این که بسیاری از کارآموزان وی کشته‌مرده بی‌تی‌اس هستند، یادآور می‌شود، جذابیت پسران گروه چنان زیاد است که حتی دختران طرفدار اقلیت جنسی (که مثلاً هم جنس‌گرایی را در دستور کار خود قرار داده‌اند)، با انصراف از انتخاب‌شان، در آرزوی ازدواج با ستاره مورد علاقه‌شان، روابط با جنس مخالف را در دستور کار خود قرار داده‌اند. ثنای ۱۶ ساله نیز با بیان این که چنان اعضای گروه بی‌تی‌اس در قلب وی حک شده‌اند که وی به خودش اجازه نمی‌دهد به نکات منفی که در مورد آنان مطرح می‌شود، بیندیشد:

«- خودشون چی، گرایش جنسی خودشون چیه؟

خیلیاشون همجنس‌گرا هستن. خیلیاشون هم هستن که مثلاً جنس مخالفشون رو دوست دارن.

- و این گرایش‌های جنسی به نظر تو ارتباطی با طرفداری از بی‌تی‌اس نداشته؟

نه. من ندیدم کسی به خاطر طرفداری از بی‌تی‌اس مثلاً همجنس‌گرا بشه. اتفاقاً برعکسش رو زیاد دیدم که مثلاً دخترا ال‌جی‌بی‌تی بودن، ولی تحت تأثیر طرفداری از بی‌تی‌اس که خب پسران، از این مسایل گذشتن، یعنی تایپ‌شون کامل عوض شده».

«- خوب تو علاقه زیادی به بی‌تی‌اس و به ویژه جیمین داری. سوالم این هست که علاقه زیادی که به بی‌تی‌اس و جیمین داری، باعث شده که از بی‌تی‌اس و جیمین انتقاد نکنی، با وجود این که می‌دانی باید حتماً انتقاد بشه؟

خیلی کار سختی می‌خوانم به خدا. دقیقاً می‌خوانم که به چیزی فکر کنم که تاحالا از فکر کردن به اون فرار کردم.

- قصد ندارم خدایی ناکرده شما را اذیت کنم. در صورت تمایل به سوال پاسخ بدهید.

عیبی نداره، یکیش اینه که حرف نمی‌زنم و اعتراض نمی‌کنم. خودم واقعاً بدم میاد از این که کسی بخواد بیاد عکس من رو با فتوشاپ و برنامه‌های ویرایش عکس دیگه، مصنوعی کنه، زشت کنه یا هر چیز دیگه‌ای. کسی با عکس من همچین کاری کنه، واقعاً ناراحت می‌شم. می‌گم خدایا ببین حتماً قشنگ و جذاب نیستم که هوادارام عکس‌های من رو برمی‌دارن و ویرایش می‌کنن. بازم این که اجازه نمی‌دن که زیبایی ذاتی آیدول‌ها رو ببینیم بده. همیشه یه دستی بردن توی صورت و موهای آیدول‌ها، بیش‌تر از این نمی‌خوام فکر کنم. تا همین جا هم زیاده روی کردم».

در انتهای بحث اثرپذیری از الگوها، ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد.

نکته نخست وقوع پدیده اشباع است. به این معنا که اصل اشباع در روان‌شناسی حکایت از آن دارد که آرایه زیاده از حد محرک، اشباع شدن مخاطب از محرک مزبور را رقم می‌زند.

با توجه به آن که گروه بی‌تی‌اس و دیگر گروه‌های کی‌پاپ و پاپ با تکیه بر ظواهر صوری و تحریک‌های رفتاری عاطفی در پی اثرگذاری بر مخاطبان خود هستند، وقوع پدیده اشباع در آن‌ها قابل پیش‌بینی است. گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه خود با اشاره به مسأله اشباع شدن خویش از گروه‌های اولیه‌ای که بدان‌ها علاقه داشت، از پیوستن خود به گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است:

«چرا چنین تصور و فکری داشتی که هیچ‌وقت قرار نیست خودت هم مثل دختر دایات طرفدار کره‌ای‌ها بشی؟»

می‌دونی من توی سن یازده سالگی فقط یه کلمه خارج می‌شناختم که شامل آمریکا و کشورهای شیک و با کلاس بود (می‌خندد) و خب فکر می‌کردم کره‌ای‌ها و چینی‌ها و ژاپنی‌ها یه مشت آدم زشت هستن و اون‌ها رو مثل افغانی‌ها در نظر می‌گرفتم. کلاً توی اون سن بچه بودم و سلیقه‌ام بعداً عوض شد و بعد این کشورها رو شناختم.

- در ادامه چه چیزی باعث شد که شما به‌جای این که دنبال گروه بلک‌پینک بری، ترجیح دادی طرفدار گروه بی‌تی‌اس بشی؟

من اون اوایل نزدیک ۳، ۴ هفته فقط با بلک‌پینک آشنا بودم و حتی بایسم رو هم انتخاب کرده بودم. یک روز دوستم یکی از موزیک ویدیوهایی که تازه از بی‌تی‌اس منتشر شده بود را برای من فرستاد. اون ویدیو، ام‌وی (موزیک ویدیو) بوی ویت لائو بود که با هالزی خونده بودن. بعد دوستم که موزیک ویدیو رو برام فرستاده بود، بهم گفت که من از بی‌تی‌اس بدم میاد. منم اون زمان برای این که می‌خواستم ثابت کنم آدم پایه و باحالی هستم، گفتم که «آره، اصلاً اینا کی هستن»، «چه قدر زشتن» و از این جور حرف‌ها. بعد از یک مدت به خاطر این که از بلک‌پینک خسته شده بودم، رفتم سراغ همون موزیک ویدیوی بوی ویت لائو و چند بار نگاهش کردم و بعد سراغ بقیه ام‌وی‌های بی‌تی‌اس رفتم.

من علاوه بر این توی گوگل هر چیزی که مربوط به بی‌تی‌اس می‌بود رو سرچ و نگاه می‌کردم تا این که فن‌شون شدم یعنی فهمیدم آرمی معنی‌اش چیه و به فن‌هاشون می‌گن آرمی و اسم اعضاء رو فهمیدم و تونستم چهره‌هاشون رو از هم تشخیص بدم و بایس برای خودم انتخاب کنم. بعد از اون کلاً دیگه بلک‌پینک رو گذاشتم کنار.»

نکته بعدی که باید به تذکر آن پرداخت، برخورد صفر و صدی افراد با الگوهایشان است. به این معنا که وقتی نوجوان یا جوانی الگویی را انتخاب کرد، به جز در اندک مواردی که فرد از نظام ارزشی منسجم و تفکری انتقادی برخوردار است و دست به گزینش انتخابی از ویژگی‌های الگوی مورد نظر می‌زند، در سایر موارد افراد به طور کلی و صد در صد از الگوی مورد علاقه خویش تبعیت کرده و همه ابعاد وجودی الگوی مورد علاقه خود را صحیح پنداشته و از وی دفاع می‌کنند. ثنای ۱۶ ساله و شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های خود شواهدی از این معنا را به دست داده اند:

«یعنی خود شما که هوادار بی‌تی‌اس هستید، به شعارهای بی‌تی‌اس عمل نمی‌کنید؟»

نه، وقتی خودشون عمل نمی‌کنن، ما هم دل‌سرد می‌شیم. اگه می‌گم بهشون احترام می‌ذارم یا نمی‌خوام در موردش صحبت کنم، همون دلایلی هست که قبلاً گفتم، نمی‌خوام به این نقاط ضعف فکر کنم.»

«... شما درباره مبارزه بی‌تی‌اس با نژادپرستی گفتی. اما من یاد این کارشون افتادم که توی عکس‌ها و کلیپ‌ها با استفاده از وایت‌واشینگ سعی می‌کنند خودشون رو سفیدتر نشون بدهند. شما این مسأله را نمودی از نژادپرستی نمی‌دونی؟»

نه. اصلاً ربطش رو متوجه نمی‌شم. این فقط یه نوع سبک آرایش براشون هست و به نظر من نیت‌شون این نیست که بخوان برتری‌ای نشون بدن که مثلاً سفیدها برترن یا نژادشون سفید خالصه. چون اگر این طوری بود و چنین عقایدی داشتن که این همه فیت (فعالیت مشترک) با خواننده‌های سیاه پوست نمی‌داشتن.»

نکته آخری که در ارتباط با الگوها باید متذکر آن شد، ضرورت تبیین تحولات رفتاری نوجوانان طرفدار است. به این معنا که اگر چه در آغاز بلوغ، تحولات مغز بالایی نوجوان و واکنش‌های بعضاً شدید وی که اولیاء و اطرافیان را به مقابله نسبی با جوان وامی‌دارند و نوجوان

در میان قضاوت‌های گوناگون و تهدیدهایی که متوجه وی می‌شود، به نوعی احساس سردرگمی می‌کند، اما در گذر زمان با تکمیل مغز بالایی جوان از سوپی و ورود فرد به جامعه و مواجه شدن با دغدغه‌های جدید، جوان ممکن است به سادگی دست از گروه مورد علاقه خود که راهنما و هادی وی در دوره سردرگمی بودند، بکشد و به گروه‌ها و یا مباحث دیگری رو آورد که احساس نیاز به آن‌ها را در خودش به تازگی کشف کرده است. کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌اش از تغییر دغدغه‌های نوجوانی خویش در دوران جوانی و ادامه زندگی، به قرار زیر یاد کرده است:

«- الآن با توجه به این که دیگه به اون معنای قبل طرفدار گروه بی‌تی‌اس نیستی، چه چیزی رو جایگزین داری؟ یعنی به هر حال می‌گی اون موقع نقش خیلی مهمی رو داشتن. حتی یه جورایی انگار نگهت داشتن. الآن چیه که نگهت می‌داره و چیه که جایگزین اون گروه و محتواهاش شده؟»

حقیقتاً جای خالیش رو حس می‌کنم. یعنی با یه سری چیزا تا به حدی اون جای خالی رو پر کردم... یعنی نه جای خالی بی‌تی‌اس رو. جای خالی همون چیزی که قبل از این که بی‌تی‌اس بیاد، خالی بود. یعنی بی‌تی‌اس اومد پرش کرد و بعد که دیگه بی‌تی‌اس نمی‌تونست پرش کنه و یه جورایی برام اون قالب کوچیک شده بود، الآن با یه سری چیزای دیگه تا به حدی اون جای خالی رو پر کردم. می‌تونه مثلاً... ارتباطاتی که توی دنیا ایجاد می‌کنم باشه، می‌تونه فلسفه باشه. چون همون اولشم چیزی که توی موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس من رو جذب کرد، محتواهای فلسفی‌اش بود. یکی از اصلی‌ترین چیزاش بود که مثلاً کارشون واقعاً ارزش نگاه کردن رو داشت و چیپ (بی‌ارزش) نبود، مثل اکثر آهنگایی که شنیده بودم یا موزیک ویدیوهایی که دیده بودم. یه جورایی انگار با چنگ و دندون خودم رو نگه داشتم تو زندگی. توی لحظه. با لحظات خوب. با حس‌های خوبی که سعی می‌کنم تجربه کنم. و حقیقتاً جای خالی این که یه چیزی رو، یا یه کسی رو انقدر دوست داشته باشم که صرف وجود داشتن اون چیز، یا صرف وجود داشتن اون شخص برای اون که من دوست داشته باشمش برام کافی باشه، جای اون واقعاً حس می‌شه، جای خالی‌اش و تا به حدی با یه چیزایی که الآن مقتضای سن الانمه. چون الآن من اگه بخوام هم نمی‌تونم پیام یه آرتیست رو برای خودم در این حد مهم بکنم. می‌دونی، این مقتضای سن اون موقع من بود یا شخصیت اون موقع من. ممکنه یه نفر تو سن الآن من همون شخصیت رو داشته باشه. ولی برای من توی اون بازه زمانی بود. مثلاً الآن اگه بخوام هم نمی‌تونم به یه آرتیست یا یه هنرمند اون قدر اهمیت بدم که بشه دلیل زندگیم. ولی خب اون جای خالی رو پر کرد، اون زمان بی‌تی‌اس و الآن تا به حدی پر شده و نه به اندازه زمانی که بی‌تی‌اس جاش رو پر کرده بود حقیقتاً.

- اوهوم.

ولی خب با این که می‌دونم این چیزهایی که الآن دوس شون دارم به اون اندازه جاش رو پر نمی‌کنه، ولی دیگه نمی‌تونم خودم رو قانع بکنم که یه آرتیست رو اون قدر دوست داشته باشم.»

### تحول‌های هویتی

تحول‌های هویتی، مقوله اجتماعی مهمی است که از سوی جمعیت مورد بررسی در هواداران گروه بی‌تی‌اس گزارش شده است. شکل‌گیری هویت ربات مانند (رباتیک)، هویت گروهی، هویت شبکه‌ای، هویت‌یابی افراد بدون هویت، هویت‌های سمی و سرانجام هویت گروهی سمی، از جمله مواردی هستند که در بیانات جمعیت تحقیق مورد اشاره قرار گرفته اند که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

### - هویت ربات مانند (رباتیک)

هویت ربات مانند، رباتی یا برده‌وار، به هویت تابع، مطیع و سر به راهی اشاره دارد که در آن فرد یا افراد مورد نظر به شکلی یک‌طرفه و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی، پذیرای مواردی هستند که به آنان تحکم می‌شود و به اجرای تام و تمام و دقیق موارد القاء شده به خودشان می‌پردازند. در این هویت، فرد پذیرای ارتباطی یک‌طرفه، از بالا به پایین و بدون داشتن کم‌ترین حق اعتراضی برای خویش بوده، در

مواجهه با تعارض‌های شناختی نیز تعارض‌های پیش آمده را با توسل و تمسک به مواردی مانند قرار و مدارهای اولیه، رفع و رجوع می‌کند، حال آن که نمی‌توان به سادگی مسوولیت انسانی آدمی را به صرف یک قرار و مدار و قول پیشین، به سادگی فراموش کرد و به دست نیسان سپرد. به عنوان مثال، کمپانی از ستاره‌های خود می‌خواهد که آنان دقیقاً و بدون هیچ اعتراضی، طبق امر و نهی وی عمل کنند، به این معنا که در راستای خواست اخیر، گاهی کمپانی برای جذب مخاطبان عادی، از ستاره‌ها می‌خواهد تا خود را متمایل به جنس مخالف نشان داده و گاهی برای جذب مخاطبان هم جنس‌گرا و مانند آن‌ها، از آنان می‌خواهد که روی سن، در برابر مخاطبان، یکدیگر را در آغوش گرفته و لب‌های یکدیگر را ببوسند که بالطبع نادیده گرفتن کلی گرایش خویش در این موارد، هم برای فرد و هم برای جامعه‌اش پرهزینه خواهد بود.

رخساره ۱۶ ساله در مصاحبه خویش خاطرنشان می‌سازد، اگر چه کمپانی خطاب به طرفداران و آرمی‌ها اظهار داشته است که از شیپ کردن ستاره‌ها دست بردارند، اما به اقدام خاص دیگری جهت ممانعت از این مسأله متوسل نشده است و ستاره‌ها نیز در این ارتباط سکوت را پیشه خویش کرده اند، حال آن که مرتبط کردن اعضای گروه به صورت روابط هم جنس‌گرایانه و یا تهیه فن‌فیک (داستان سرایی)‌های صوتی که در آن بیانات تقطیع شده یک ستاره با بیانات تقطیع شده یک پورن استار به صورت یک مکالمه دو طرفه تهیه و تدوین و منتشر شده است، در عمل شأن انسانی هنرمند مورد نظر را زیر سوال می‌برد.

«- اوهوم. خب راجع به شیپ کردن هم برام می‌گی؟»

شیپ کردن افراد هر کسی از اعضاء را حداقل با یک نفر شیپ کردن، مثلاً یعنی محبوب‌ترین شیپ بین اعضاء بی‌تی‌اس وی کوکه.

- چه جور شیپ کردنی هست؟

یه جوری ثابت می‌کنند که انگار باهم هستند، مثلاً رل همدیگه ان، تو رابطه هستن.

- کی این‌ها رو شیپ می‌کنه با همدیگه؟

آرمی‌ها.

- و خود ستاره‌ها نظرشون چیه از این که شیپ می‌شن؟

والا آیدول‌ها می‌دونین... خب آیدول‌ها نظر خاصی ندارن به این واکنشی نشون نمی‌دن.

ولی کمپانی شون قبلاً به آرمی‌هاشون گفته که آره شیپ نکنید و همچنین چیزا. ولی آرمی‌ها یه مدت ساکت شدند، ولی الان دوباره آرمی‌ها شروع کردند و آیدول‌ها اصلاً ناراحت یا مخالف این کار هم نیستن، واکنش خاصی هم ندارن».

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خویش در توصیف هویت برده‌واری که ستاره‌ها در ارتباط با کمپانی از خویش به معرض دید می‌نهند، اظهاراتی به قرار زیر داشته است:

«- مسأله جراحی بین خود ستاره‌ها به چه صورت هست؟»

کمپانی‌ها معمولاً باید اجازه بدن آیدول‌هاشون جراحی کنن.

- من برعکس این را فکر می‌کردم؟

در یک‌سری شرایط خاص اگر خود آیدول موافق نباشه با صورتش می‌ره پیشنهاد را به کمپانی می‌دهد و می‌گه کمپانی من می‌خوام دماغ خودم را عمل کنم نظرتون چیه؟ اگر مشکلی نباشه کمپانی اجازه بده، می‌ده، اون هم انجام می‌ده، اگر اجازه نده که هیچی. یک‌سری عمل‌ها هستن که به خاطر خود آیدول انجام می‌شه به خاطر این که زنده بمونن. از اول که می‌رن تو کمپانی دیگه همه چیزشون زیر نظر کمپانی می‌ره، مجبور ان به حرفای کمپانی عمل کنن و با توافق اون کاراشون.

- چه عمل‌هایی؟

مثلاً خود نام‌جین یک مشکل تنفسی داشت برای همین مجبور شد دماغش را عمل کنه، اگر به خاطر مشکل تنفسی‌اش نبود، کمپانی اجازه عمل را بهش نمی‌داد اصلاً.

- یعنی اگر تصمیم بگیرند با بدن‌شون کاری انجام بدهند باید از کمپانی اجازه بگیرن؟  
بله».

هویت رباتیک و برده‌وار مورد اشاره، هواداران را بر آن می‌دارد که هر نوع تعارض رفتاری قابل مشاهده در رفتار ستاره‌ها را به کمپانی نسبت داده، آنان را در اعلی‌علیین تصور کنند، حال آن که نمی‌توان پذیرفت، به صرف امضای یک قرارداد در سنین نوجوانی ستاره‌ها، آنان حتی رعایت شأن انسانی خویش را نیز نکنند و به نمایش مواردی بپردازند که کمپانی بدون هر نوع ملاحظات اخلاقی و صرفاً جهت افزایش سود خویش، بدان‌ها دیکته کرده است.

### - هویت گروهی

اگر هویت فردی به این صورت تعریف شود که این هویت، در عمل پاسخ به پرسش «من چه کسی هستم»، است، هویت جمعی یا گروهی، پاسخ به این پرسش است که «ما چه کسی هستیم».

برخی از افراد مصاحبه شده در بیانات خویش خاطرنشان ساخته اند که آنان خود و دیگر طرفداران گروهی بی‌تی‌اس را یک مجموعه واحد تلقی می‌کنند، زیرا نه تنها از احساسات و عواطف یک‌سانی برخوردارند، بلکه در حمایت از گروه مورد علاقه خودشان، دست به فعالیت‌های تشکیلاتی منسجم و گسترده‌ای می‌زنند که هویت گروهی و سازمانی خاصی را برای آنان رقم می‌زند.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از فعالیت‌های متعدد خود و دوستانش در جهت حمایت از گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است: «ما همه آرمی‌ها دوست‌هایی داریم که خیلی از ما کنجکاوتر هستن، کسانی که ۲۴ ساعته دارن این‌ها را دنبال می‌کنن و اخبار جدید را به ما می‌رساند و ما هم اگه کنجکاو باشیم، می‌ریم راجع بهش تحقیق می‌کنیم.

- کسی که کنجکاوتر است چند ساعت در روز وقت می‌گذارد؟

تو تابستان که این‌ها ۲۴ ساعت آنلاین هستن.

- مثال می‌زنی؟

بله شما برین تو توییتر، اینستاگرام این‌ها یک پیجی دارن، یک اکانتی دارن تو همه اپلیکیشن‌ها، حتی یوتیوب که می‌رن همه جا ۲۴ ساعته هستن اخبارها را در بیارین بذارن، من با دوستانم تو واتساپ گروه داریم خیرا را هر کی زودتر دید می‌فرسته، چون همسن‌های ما هم جزء این‌ها هستن ما می‌گیریم ۸ ساعت مدرسه یک ساعت هم تا خانه در راه، ۱۰ ساعت این جواری، در طول روز شاید فقط ۲، ۳ ساعت درس بخونن، می‌شه ۱۳ به جز خواب که بعضیا مثل دوست من خیلی کم می‌خوابن، می‌چرخیم تو این جور جاها... .

- شما با چه برنامه‌ای باهم در ارتباط هستین؟

الآن که اینترنت نیست، گوگل میت، ولی در حالت عادی داخل واتساپ بودیم.

- راجع به چه چیزهایی در زمان دیدار صحبت می‌کنید؟

راجع به روزمون، هفته‌مون چه جواری گذرانیم، حال مون چه طوره، از چی ناراحتیم، از چی خوشحالییم از این جور چیزها.

- فکر کرده‌ام شاید راجع به کسی که تولدش است صحبت می‌کنید؟ وان‌شات‌ها و چنین مسایلی.

نه، ببینید وان‌شات موضوعی نیست که ما راجع بهش صحبت کنیم، چون در وان‌شات هر کسی سلیقه‌ای داره و سلیقه‌اش متفاوته برای همین موضوعی نیست که بخواهیم در موردش صحبت کنیم، ولی مثلاً راجع به خود اعضاء حرف می‌زنیم، راجع به همان فردی که تولدشه حرف می‌زنیم.



- مثلاً راجع به چه چیزهایی؟

بگیم که خوشحالیم که تولدش، یادته که فلان موقع فلان کار را کرد، فلان تولدش یادته، اعضاء برایش فلان کار را کردن از این جور چیزها».

به عبارت دیگر می‌توان بیان داشت، اگر اعضای گروه با طرح نقطه نظرهایی که دارند، به شکل نظری، هویت جمعی خاصی را برای هواداران خودشان مطرح می‌سازند، هواداران آن‌ها در راستای حمایت از گروه، با پرداختن به کارهای تشکیلاتی منسجم و گسترده خویش، در عمل به تدقیق هویت جمعی پیش گفته می‌پردازند.

اطلاع رسانی هواداران به یکدیگر در زمان نشر آهنگ‌ها، چگونگی استریم زدن و شرکت در رأی‌گیری سایت‌ها، نشریات و جشنواره‌های گوناگون موسیقی، مقابله با گروه‌های رقیبی که ممکن است برای گروه بی‌تی‌اس توطئه چینی کنند و نظایر آن‌ها، از جمله مواردی است که مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه خویش متذکر آن‌ها شده است و در عمل شکل‌گیری هویت جمعی پنهانی را به معرض دید می‌نهد:

«- آیا در جریان حمایت از بی‌تی‌اس، اعضای فن‌دوم باهم متحد می‌شند و نسبت به رأی دادن و استریم زدن و این دست از موارد ترغیب می‌شند؟

آره، ببین، من خودم اون اوایل واقعاً نمی‌دونستم استریم و اینا چیه اصلاً و حالا فن‌پیجا یا چنلایی که دنبال می‌کردم در موردش حرف می‌زدن و مرحله به مرحله بهمون می‌گفتن باید چه کار کنیم و چه طوری حمایت کنیم و قوانین استریم رو می‌گفتن یا مثلاً لینک سایت‌هایی که برای رأی دادن و اینا بودن رو می‌داشتن که خیلی کار ما رو راحت می‌کرد و می‌کنه حتی هنوزم... و بعضی از فنا خودشون اشتراک اسپاتیفای برای بقیه آرمی‌هایی که نمی‌تونن تهیه کنن، تهیه می‌کردن و در اختیارشون می‌ذارن و حتی مراقبت‌های جسمی که موقع استریم زدن لازمه رو می‌گن، مثلاً میوه بخوریم، دمنوش بخوریم و نیم ساعتی یه بار به چشم‌مون استراحت بدیم و یه چیزی که خودم اولاً باهاش مواجه شدم، این بود که خب من تازه آرمی شده بودم، خیلی اصطلاحات رو نمی‌دونستم، نمی‌دونستم چه طور باید این کار رو انجام بدم، همون موقع بود که تو یه جا دیدم که نوشته بود، الان تهیونگ به رأی‌های ما نیاز داره، اگر رأی ندید، اسم خودتون رو آرمی نذارید! اینجا من خیلی ناراحت شدم و فکر می‌کردم آرمی بودن هم‌هش تو این خلاصه می‌شه که بری استریم بزنی و اینا و غالباً هم می‌دیدم پیام‌هایی از بعضی بچه‌ها که می‌گفتن من بی‌تی‌اس رو دوست دارم، ولی آرمی نیستم و وقتی می‌گفتم چرا مگه هر کی بی‌تی‌اس رو دوست داره، آرمی حساب نمی‌شه، می‌گفتن نه آرمی کسیه که از پسرا تو اسپاتیفای و... حمایت می‌کنه و... منم به خاطر این که خودم رو متعلق به این خانواده می‌دونستم و هی به بقیه می‌گفتم آرمی هستم، برای همین تا کام‌بک داشتن فیلترشکن خودم رو روشن می‌کردم، می‌رفتم تا از پسرا حمایت کنم و اگر فیلترشکنم وصل نمی‌شد یا بنا به هر دلیل دیگه‌ای یادم نیست، اعصابم خورد می‌شد و ناراحت می‌شدم خیلی و با خودم می‌گفتم من چه جور آرمی‌ای هستم که نتونستم کاری در جهت حمایت از آیدول مورد علاقه‌ام کنم و یه زمانی بود که یه عده اومده بودن اکانت فیک یا ساخته بودن یا خریده بودن و پیج تهیونگ رو فالو کرده بودن و یک ماه یا دوماه هم نگه داشته بودن، چون طبق الگوریتم اینستا، اگر کسی فالوت کنه و یه مدتی فالورت بمونه، بعد بلاک و ریپورت و آنفالو کنه، هرزنامه تشخیص داده می‌شه و اکانتت رو می‌بندن، حالا اینا اومدن این کار رو کردن و بعد از یکی، دوماه، اکانت تهیونگ ریزش داشت و یکی از فن‌پیجا که از این قضیه مطلع بود، اطلاع‌رسانی کرد و ازمون خواست که اگر اکانت دیگه هم داریم و چندتا اکانت داریم حتماً بریم تهیونگ رو فالو کنیم و یه ایمیلی رو هم برای اینستاگرام بفرستیم و این طوری شده که ما نداشتیم اونا به هدفشون برسن و پیج تهیونگ بسته شه.

- یعنی یه جورهایی از این طریق روی عواطف و احساسات تأثیر می‌گذاشتن تا بری تو رأی‌گیری‌ها شرکت کنی؟  
بله.

- و اگر زمانی نمی‌تونستی ازشون حمایت کنی، دچار احساس عذاب وجدان می‌شدی؟

اوهوم و این همه‌اش به خاطر اون پیام‌هایی هست که بعضی از طرفدارا یا ادمین‌ها می‌دادن.»

رخساره ۱۶ ساله و شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود، هواداران و اعضای گروه بی‌تی‌اس را یک خانواده واحد معرفی کرده، به روابط عاطفی عمیقی که بین آن‌ها شکل گرفته است، تأکید می‌ورزند:

«- یعنی اولویت می‌دن به آرمیا به خاطر این که بقای خودشون به میزان طرفداراشون بستگی داره؟»

ببینید، واقعاً (با تأکید) آرمیا براشون خیلی مهمه. سلامتی آرمیا خیلی براشون مهمه. حس خاص و خوبی نسبت به آرمیا دارن، آرمیا هم همین طور.

- یعنی مسأله پول نیست، مسأله رابطه عاطفیه؟

آره، این که اون‌ها ما یعنی آرمی‌ها رو خانواده صدا می‌کنن.»

«- به نظر شما دلیل این که نپاشیدن گروه برای طرفداراش این قدر مهمه چیه؟»

خب واقعاً یه حس نزدیکی شدید. یه جور مثل خانواده بودن. انگار یه چیزیه که این همه آدم رو در کنار هم نگه می‌داره. یه علاقه مشترک. یه چیزی که به ماها به عنوان طرفداراش حس تعلق می‌ده.»

شدت علاقه خانواده بی‌تی‌اس به یکدیگر چنان زیاد است که فن‌سرویس‌هایی برای خدمات‌رسانی به هواداران گروه تشکیل شده است و به آنان در زمینه‌های مورد نیازشان خدمات‌رسانی می‌کنند.

نفی ارزش‌های دیگر گروه‌های کی‌پاپ، از دیگر عواملی است که در شکل دادن به هویت گروهی هواداران گروه بی‌تی‌اس ذی‌نقش هست. دفاع از دوستان بی‌تی‌اسی که مورد هجمه دیگران واقع شده‌اند و یا اصولاً نشان دادن واکنش بسیار شدید نسبت به مخالفان، از دیگر شاخصه‌های شکل‌گیری هویت جمعی و گروهی در هواداران بی‌تی‌اس به شمار می‌رود.

شیدای ۲۰ ساله، در همین ارتباط چنین بیان داشته است:

«- درباره نگرانی والدین از مشغولیت دایمی بچه‌هاشون با بی‌تی‌اس گفتی، برای خود شما چی این جوری نبوده که یه درگیری عاطفی و خیلی شدید به خاطر بی‌تی‌اس داشته باشی؟ مثلاً وارد بحث با کسانی بشی که هیت می‌دن و باهاشون کلنجار بری و درگیری داشته باشی؟ یه بار. یکی از دوستانم برگشت گفت، اینا خیلی چندش ان و اینا. یعنی یه دوست دیگه‌ام داشت آهنگ بی‌تی‌اس رو گوش می‌داد، بعد اون این جوری گفت. اون دوستانم که می‌گم داشت آهنگ بی‌تی‌اس رو گوش می‌داد، خیلی هم انیمه می‌بینه و دوست داره. بعد این یکی که مخالف بود از انیمه هم بد گفت و گفت چیه من بدم میاد و چرته و از این حرفا و برای بچه‌ها هس. بعد من چون دوست ندارم به علایق کسی توهین بشه، با اون وارد بحث شدم و بهش گفتم، چون تو یه چیزی رو دوست نداری، دلیل نمی‌شه مسخره‌اش کنی. مثلاً منم تتلویی که تو دوست داری رو بدم میاد ازش، ولی به خاطر تو بهش توهین نمی‌کنم. بعد گفت، آخه چرا این قدر پیگیر اینا هستی؟ منم گفتم خب چون آهنگای ایرانی همه‌اش از غم می‌گن و مثلاً می‌گن گریه کن، گریه قشنگه. ولی اینا همه‌اش از امید می‌گن. یکی از آهنگاشون می‌گه، گریه نکن عزیزم. همه‌اش توی آهنگاشون به آدم انرژی مثبت می‌دن و مثلاً حتی از کلمات انجیل هم شنیدم که توی آهنگاشون استفاده می‌کنن. بعد اون رفیق‌مون هم قانع شد و دیگه چیزی نگفت.»

«- فن‌پیج‌هاشون خیلی آدمای متعصبی هستن؟»

آره متأسفانه. ببین خوبه که آدم فن یکی باشه و دوستش داشته باشه، ولی این تعصب مخربه و باعث می‌شه به هموطن خودت یا آدم دیگه که مثل تو هست، سر حالاً یه خواننده کره‌ای! بی‌احترامی کنی و اصلاً حق نداری بگی فلانی چقد بد شده مثلاً یا فلانی قیافه‌اش رو از دست داده یا اصلاً اینا آدمای عادی ان، حالا چی هستن مگه. (با تعجب) این رو بگی از همه ور ریپورت و طرد می‌شی.

یعنی اصرار دارن که اینا همیشه عالی هستن و کراش ان و می‌خوان به زور قانعت کنن که حرف‌شون رو قبول کنی و بگی غلط کردم، اصن خیلی عصبی می‌شن، به خصوص اونا که سن‌شون کم‌تره و این خیلی بده که در این حد اثر گذاشتن روشون.»

تأکید نگین ۱۳ ساله در مصاحبه‌اش برای به کار بردن فعل جمع به جای فعل فرد، ناظر بر شکل‌گیری «مای» جدیدی است که همان هویت گروهی تعبیر می‌شود:

«- مثل این که دوست داری به شکلی به گروه کمک کنی؟

بله.

- فکر می‌کنی چه چیزی باعث می‌شه بخوای به آن‌ها کمک کنی؟

می‌دونید ما، می‌دونید جمع می‌بندم، چون همه ما آرمی‌ها همین شکلی هستیم، یک‌سری چیزهای خیلی خاص‌شون ما را جذب می‌کنه، وقتی ما دیدیم یک نفر داره همه تلاشش را می‌کنه و باعث خنده چند میلیون آدمه، برامون جالبه دیگه خودمون دوست داریم باعث خوشحالی چند نفر بشیم. این که مثلاً همه‌مون این طوری هستیم دیگه هر کسی توی جمع می‌بینه، اون یک نفر داره می‌خنده، شروع می‌کنه به خندیدن بی‌دلیل، حتی اگر که ندونه که چیه، این چیزی که بی‌تی‌اس یا کلاً گروه‌های کی‌پاپ داره به من یاد می‌ده که تو هر شرایطی هم باید تلاش کرد که به یک جایی رسید، بالاخره هر چیزی یک تایمی داره که تمام بشه، همیشه که قرار نیست دنیا همین طور بمونه».

#### - هویت شبکه‌ای

«... ماها معتقدیم که همه‌مون یه خانواده‌ایم، بنابراین وقتی آرمی‌ها از رکورد آهنگ‌های بی‌تی‌اس باخبر می‌شن، به خصوص آرمی‌های کره‌ای که از رأی‌گیری‌ها خبردار می‌شن و آرمی‌های اینترنت‌نشال، این خبرها رو پخش می‌کنن، مدام استوری می‌کنن، پست می‌کنن توی آپ‌های مختلف، بعد همه آرمی‌ها باخبر می‌شن و می‌دونن که چه طوری باید توی یوتیوب ویو بزنین یا به چه صورت باید توی رأی‌گیری‌ها شرکت کنن برای آرمی‌هایی که تازه کار هستن هم بقیه آرمی‌ها آموزش می‌ذارن که طریقه رأی‌گیری چه شکلیه یا چه طور باید استریم بزنین. همین که آرمی‌ها نشر دادن، مثلاً می‌گن فلان روز، فلان ساعت همه می‌رن ویو می‌زنن و آرمی‌های دیگه سعی می‌کنن این خبر رو پخش کنن به خاطر جمعیت زیادشون و خب اکثراً چون اعضاء و کمپانی رو دنبال می‌کنن متوجه خبرها می‌شن سریع» (پریناز، ۱۸ ساله).

با گسترش و فراگیر شدن فضای مجازی، انسان‌هایی که پیش‌تر در برخورهای رویاروی در جهان واقعی، به شناخت یکدیگر نایل می‌آمدند، در فضای مجازی از این امکان برخوردار شدند که با افرادی که برخورد رویارویی با آنان ندارند، اما از علایق و سلیقه مشابهی با یکدیگر برخوردارند، آشنا شده و با آن‌ها به تشکیل شبکه‌ها و گروه‌های مختلف اقدام ورزند و به این ترتیب در عمل به ایجاد و شکل‌دهی هویت جدیدی نایل آیند که از آن می‌توان با عنوان هویت شبکه‌ای یاد کرد.

برخی از هواداران، در مصاحبه‌های خودشان با اشاره به هویت شبکه‌ای جدیدی که یافته‌اند، خاطرنشان می‌سازند، هواداران گروه بی‌تی‌اس، حتی اگر یکدیگر را هم نشناسند، هوای همدیگر را دارند.

مهتاب ۱۸ ساله هم در مصاحبه خویش خاطرنشان می‌سازد، آن‌ها برای استریم زدن و ربات تشخیص داده نشدن، در هماهنگی بین المللی که فن‌های پایه و بزرگ انجام می‌دهند، تقسیم کار می‌کنند تا گروه بی‌تی‌اس در رأی‌گیری‌های مختلف، حایز اکثریت آرا شود:

«- آیا طرفدار گروه یا هنرمند غیر کره‌ای دیگه‌ای هم هستید؟

آره هستیم، مگه می‌شه نبود؟ این قدر هم ذهنم فقط با بی‌تی‌اس پر نشده! هری استایلز مثلاً یا کیتی پری رو هم دنبال می‌کنم و آهنگ‌هایی دارن که من خوشم میاد ازشون، ولی قطعاً تو مدل طرفداری و اینا فرق هست و اون فرق هم به نظرم این هستش که طرفداری از آیدول‌ها یک طورهایی اساسی‌تر و سنگین‌تره.

بعد من نمی‌دونم چرا این طوریه، ولی مثلاً خودم چندین ساعت از خوابم ممکنه بزنم که تو اسپاتیفای یا یوتیوب ویوی (بازدید) این‌ها رو بالا ببرم یا مثلاً تو گروه‌های مختلف تلگرامی عضو باشم یا فن‌پیج‌های مختلف توی اینستاگرام رو فالو کنم، ولی برای اونا این طوری نیست. حمایت آن چنان سنگینی ازشون نمی‌کنم، بلکه از آهنگ‌هاشون لذت می‌برم فقط و بعضی وقتا بهشون گوش می‌دم و خوب هم هستند. ولی این که مثلاً اون طوری جمع بشیم با فن‌های دیگه و حمایت‌های این شکلی کنیم یا مثلاً حتی پیگیر اخبار لحظه به لحظه‌شون باشم نه. این شکلی نیست.

– چرا حمایت از گروه کی‌پاپ به نوعی بسیار شدیدتر از گروه‌های غیر کی‌پاپ هست؟ و مسأله استریم زدن آرمی‌ها بسیار پررنگ‌تر از فن‌های گروه‌های مثلاً غربی است؟

اتحاد طرفدار کی‌پاپ خیلی بیشتره، به خاطر این که نشان دهنده قدرت و اقتدار یک فن‌دومه. هر چه قدر که این استریم زدن بالاتر باشه هم نشان دهنده معروف‌تر بودن اون گروه کی‌پاپ و بعد قوی‌تر بودن اون فن‌دومه. این وسط برخی از فن‌ها هستند که تمام زندگی‌شون رو مثلاً می‌ذارن پای استریم کردن موزیک ویدیو. این باعث می‌شه که به جنبه‌های دیگه زندگی‌شون خیلی ضربه بخوره، مثل این که به خاطر استریم کردن شب‌ها بیدار می‌مونن، چون نوبت استریم کردن فلان آهنگ یا موزیک ویدیو شب‌ها هست یا این که درس نمی‌خوندن، چون که می‌خوان استوری بذارند و با فن‌دوم همراه باشن، به خاطر همین ممکنه زندگی درسی و اجتماعی‌شون ضربه بخوره.

– چرا معمولاً زمان این استریم زدن‌ها برای ایرانی‌ها به شب می‌افته، به خاطر تفاوت زمانی ما با کره هست؟

نه حتماً شب‌ها نیست. ولی مثلاً به فن‌دوم ممکنه تصمیم بگیره که همون شب‌ها که میاد استریم بزنه و این وسط یک‌سری اکانت‌ها هستند، مثل اکانت توییتری که اینا فن‌دوم رو هدایت می‌کند که باید چه کار کنیم که فلان آهنگ به فلان تعداد بازدید برسه. بعد بیس فن‌دوم‌ها میان کشورها رو بر اساس ساعت‌هاشون طبقه‌بندی می‌کنند که چه زمانی بهتره که استریم زدن انجام بشه. در ضمن ربات تشخیص داده نشیم یا این طوری تشخیص داده نشه که عه همه مثلاً از فلان کشور دارن این ویدیو رو بازدید می‌کنن.

– خوب در این زمان بندی به روز یا شب بودن اون کشور توجه نمی‌کنند؟

چرا، ولی ممکنه که یکی بیدار بمونه و شب استریم بذاره، چون دلش می‌خواد تا صبح مثلاً سریع حمایتش رو کرده باشه و تمام. مثل خود من.

– آیا این قضیه که حتماً به اون تعداد بازدید برسه فلان ویدیو و این‌ها برای فن‌ها مشکلی غیر از این هم ایجاد می‌کنه؟

آره، گاهی ممکنه که اضطراب پیش بیاد واقعاً برای فن‌دوم به خاطر این که وقتی به اون هدفی که مشخص کرده اند و مثلاً گفته اند، ما باید تا فلان موقع به فلان اعداد بازدید برسیم، نرسند گروه به هم می‌ریزه و برای شخصی که مثلاً خیلی واسش این استریم کردن مهمه، باخت حساب می‌شه و از لحاظ روانی ضربه می‌خوره».

آنچه مهتاب از آن یاد می‌کند، شکل‌گیری یک هویت شبکه‌ای بین المللی در میان طرفداران گروه بی‌تی‌اس است.

#### – هویت‌یابی افراد بی‌هویت

«– کلاً فکر می‌کنی این روحیه جمعی آرمی‌ها باعث جذب افراد می‌شه؟

قطعاً عضوی از به چیزی بودن خیلی لذت‌خشه، اونم واسه نوجوانایی که خیلیاشون تو دنیای واقعی دوست خوب زیادی ندارن. واسه من که این طوری بود یه زمانی» (مریم، ۱۸ ساله).

اریکسون در نظریه‌پردازی خودش در زمینه هویت، خاطرنشان می‌سازد، افرادی که به هویت مطلوب طبع خویش دست نمی‌یابند، در عمل ممکن است به گروه‌های مختلف (حتی گروه‌های افراطی) بپیوندند و با آن‌ها همراهی کنند تا به نوعی، هویت نداشتن خویش را در پرتو همکاری و همگامی با گروه‌های اخیر به دست آورده و تجربه کنند.

مهتاب ۱۸ ساله و مرضیه ۱۹ ساله هم از هوادارانی یاد می‌کنند که به سادگی خود را مدافع ستاره‌ها دیده، به خود اجازه می‌دند که با نفی و انکار و برخورد شدید با کسانی که تعریفی به ستاره آن‌ها دارند، از ستاره خویش (که به نوعی هویت بخش آن‌ها است) دفاع کنند: «من شنیده‌ام که یک‌سری از طرفداران هستند که روی گروه یا یک عضو خاص تعصب زیادی دارند و گاهی بین طرفداران یک گروه هم حتی دعوا می‌شه. درسته؟»

(می‌خندد) آره خب، اینا پیش میاد.

- طرفدارهای متعصب بی‌تی‌اس چه فعالیت‌هایی برای حمایت از شون انجام می‌دن؟

وقتی بهش فکر کنی، در نگاه اول چندان فرقی آن چنانی‌ای با طرفدارای غیرمتعصب ندارن. اونا هم به موقع استریم می‌کنن، توییت می‌زنن و توی رأی‌گیری‌ها شرکت می‌کنن. ولی جای دیگه‌ای هم فعال هستن. کافیه تا به نظر منفی ببینن و اون موقع هست که شروع می‌کنن تا به هر روش ممکن، بقیه رو متقاعد کنن که اون نظر درست نیست و این بیش‌تر با فحاشی و توهین همراهه. حتی ممکنه به به انتقاد درست بر بخورند، ولی باز هم چون به نظرشون آیدول و گروهی که دنبال می‌کنن، بی‌نقصه، نمی‌تونن قبول کنن. به نظرشون این هم برخوردی پرخاشگرانه هم به جور حمایت از آیدوله. مهم هم نیست اون انتقاد از طرف کیه، چه هم فن‌دوم باشه، چه از به فن‌دوم دیگه و حتی از به لوکال اونا به هر صورت باید اون نظر و انتقاد رو بی‌ارزش نشون بدن.

مورد بعدی هم که در همین رابطه باید توضیح بدم به کلمه‌ای هست توی کی‌پاپ به اسم بایس. یعنی کسی که توی به گروه کی‌پاپ، بیش‌تر از همه تو دوستش داری. گاهی به فن ممکنه به قدری روی یکی از اعضای گروه تعصب داشته باشه که به همین دلیل بقیه اعضای گروه رو نادیده بگیره و فقط وقتی پای بایس خودش درمیونه، شروع به حمایت کردن بکنه. حتی با کسانی که بایس‌شون باهاش یکیه، دعوا کنه. چون به نظرش اون عضو گروه فقط برای خودشه».

«- مرضیه تو نسبت به اعضای بی‌تی‌اس تعصب خاصی داری؟»

تعصب که آره (می‌خندد). خب تعصب روی آیدول چیزیه که همه‌ی ما داریم اما به اندازه‌اش.

- این اندازه چه قدره؟

به نظر من این مهمه که اون قدر متعصب نباشیم که با تعصب خودمون به بقیه یا حتی به فن‌دوم آسیب بزنینم و دید بقیه رو نسبت به خودمون بد کنیم و این تعصب باعث بشه دعوا کنیم، هیت بدیم، دلی رو بشکونیم، من اگه بخوام متعصب بشم، هی هر روز دعوا کنم به فن‌دوم‌های دیگه بپریم که خودم آرامش ندارم، به خاطر همین اوکی، من تعصب دارم من حتی روی خانواده و دوستانم تعصب دارم، اگر کسی بهشون هیت بده، از شون دفاع می‌کنم و پشت‌شون در میام و این در مورد علاقه‌ام به بی‌تی‌اس هم صدق می‌کنه، ولی این طور نیست که دعوا کنم و گیس و گیس کشی، نه آخرش به خودم می‌گم، این این قدر می‌فهمه و بیش‌تر از این باهاش بحث نکن.

- یعنی تا این حد قابل قبوله و بیش‌تر باشه، مورد داره؟

اوهوم.

- فن‌های متعصب چه طوری رفتار می‌کنن؟

خیلی، خیلی سریع بلاک و ریپورت می‌کنن، ممکنه حتی فحش‌های رکیک هم بدن، بعد آها به چیزی که هست فقط خودشون بلاکت نمی‌کنن که، به دوستاشون هم می‌گن آیدیت رو برای بقیه هم می‌فرستن و بلاکت می‌کنن و پیجت یا اکانت تلت به فنا می‌ره، به همین دلیل اصلاً نباید باهاشون وارد بحث شد و به حجم عظیمی از پیام‌های منفی دریافت می‌کنی که آرامشت به فنا می‌ره، من خودم که آرمی هستم، اصلاً جرأت ندارم به این دسته افراد چیزی بگم، چون اصلاً اون بخش از مغزشون که باید بفهمه و با حرف زدن به مشکلی رو حل کنه سوخته، حتی برای همین به اکانت فیک دارم که اگر به موقع خواستم حرفی بزئم با اکانت اصلیم نزنم که اون اکانت رو از دست بدم.

- تو خودت از دریافت اظهارنظرهای منفی از سمت این گروه می‌ترسی؟

اوهوم (می‌خندد). حالا فکر کن خود آیدول‌ها چه قدر اذیت می‌شن و وقتی کلی هیت می‌گیرن، حال روحی‌شون بد می‌شه.

- می‌تونی برام مثال بزنی؟ برای خودت یا دوستانت بوده که با فنای متعصب بحثی صورت بگیره و اگر بوده به چه دلیل و سر چه موضوعی بوده؟

حالا دوستانم که نه، ولی دیدم بعضاً بعضی طرفدارا می‌گن که تهیونگ شوهر منه و من یه روزی می‌رم کره و باهش ازدواج می‌کنم و کس دیگه‌ای هم چنین ادعایی داشته باشه، باهم دعواشون می‌شه سر شوهر آینده‌شون اون سر دنیا؟!

یا شیپرای تعصبی که به شیپ‌های دیگه هیت می‌دن و فقط شیپی که خودشون استن می‌کنن رو قبول دارن و غیر از این باشه دوباره همین بساط هیت و بد و بیراه و... هست مثل بعضی ویمین شیپرا یا تهکوکرا که خیلی بین‌شون دعواست».

با ملاحظه جدال‌هایی که در بین طرفداران گروه‌های مختلف کی‌پاپ به وقوع می‌پیوندد، نقش بارز افرادی که در صدد کسب هویت نداشته خویش، در پرتو ستاره یا گروه خاصی هستند، بسیار هویدا است. برخی از افراد بی‌هویت، با یافتن کم‌ترین بهانه‌ای از این موارد به عنوان سندی برای هویت نداشته خود سود می‌برند.

احساس مالکیت بر ستاره، از دیگر تبعاتی است که در افرادی که در صدد کسب هویت نداشته خویش، به گروه‌هایی مانند بی‌تی‌اس روی آورده اند، قابل مشاهده است. این دست از هواداران، به صرف آن که از ستاره خویش در برابر چند ناقد دفاع کرده اند و یا در جنگ فن‌دوم‌ها (فن‌وار) به نفع گروه مورد علاقه‌شان شرکت داشته و به طرفداران گروه‌های دیگر تا حد امکان ناسزا گفته اند، خود را محق می‌دانند که در خصوصی‌ترین و جزئی‌ترین مسایل زندگی ستاره مورد علاقه خودشان دخالت کنند.

#### - هویت سمی

فضای مجازی به سبب ویژگی‌های خاص خود، نظیر مجازی بودن، امکان ناشناس ماندن، امکان شانه خالی کردن از تبعات حقوقی رفتارهای فرد در این فضا و نظایر آن، عرصه جدیدی را برای تخلیه روانی افرادی پدید آورده است که سرشار از ناکامی‌ها، تنش‌ها و عقده‌های ناگشوده هستند. به همین ترتیب فضای مجازی امکان تخلیه هیجانی افراد نامتعادل به لحاظ روانی را فراهم آورده است و برخی با اتکاء به همین مسأله، فضای مجازی را عرصه تخلیه هیجان‌های سرکوفته خویش می‌کنند.

از این دسته از افراد در عرف هواداران گروه‌ها مختلف کی‌پاپ، با عنوان هواداران سمی یاد می‌شود.

بنابراین می‌توان در توصیف هویت سمی بیان داشت، برخی از افراد سالم و برخی از افراد نامتعادل، با انتخاب فضای مجازی برای تخلیه روانی خویش، در عمل فضای مسمومی را پدید آورده و ایجاد می‌کنند که از این دسته از افراد، می‌توان با عنوان افراد دارای هویت سمی یاد کرد.

افرادی که دارای هویت سمی هستند را می‌توان از منظری به سه دسته هواداران «عادی» که بیش‌تر جو گرفته بوده یا به دنبال تخلیه هیجانی و ترضیه روانی خویش هستند، «هیترها یا نفرت‌پراکنان» و «ساسنگ‌فن‌ها» تقسیم کرد.

گروه نخست یا هواداران «عادی»، افرادی هستند که در سلک هواداران گروه بی‌تی‌اس قرار دارند، اما یا دچار جو گرفتگی هستند و یا عرصه گروه و طرفداری خویش را معطوف به ارضای نیازهای درونی و هیجان‌های فروخته خویش می‌سازند.

برخی از هواداران در آغاز هواداری خویش، خود را موظف می‌دانند که با تمام توان با شور و حرارت از گروه بی‌تی‌اس دفاع کنند و در نفی و انکار گروه‌های رقیب بکوشند. این دسته از افراد جو گرفته، غالباً در اقدام‌های خویش از جاده انصاف خارج شده، در فضای نسبتاً آزاد و بدون کنترل فضای مجازی، دست به پرخاش به گروه‌های رقیب می‌زنند، اما در گذر زمان، تاحدودی تعدیل شده، دست از رفتارهای نامناسب و سمی خویش برمی‌دارند.

مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از هواداران تازه کاری یاد می‌کند که در آغاز طرفداری خویش، دست به نفی و انکار افراد و گروه‌های رقیب می‌زنند:

«توی دوستان خودت کسی رو می‌شناسی که تعصبی باشه و توی فن‌وارها شرکت بکنه؟»

آره، کلاً این جور موارد توی آرمی‌ها زیاده، البته نه آرمی‌های قدیمی، کسانی که تازه آرمی شدن و هنوز حتی آرمی واقعی به حساب نمیان، معمولاً آتیش‌شون تندتره چون تازه وارد فندوم شدن و با این فضا آشنایی ندارن فکر می‌کنند، هر کی، هر چی درباره گروه مورد علاقه‌شون می‌گه، باید جوابش رو بدن و روش رو کم بکنند، در صورتی که یه کم که تو فندوم می‌مونی و دعوها رو می‌بینی، می‌فهمی جواب دادن کاملاً بی‌فایده هست و فقط باید واکنشی نشون نداد تا طرف مقابل بفهمه حرفاش واست اهمیتی نداره و چیزی از ارزش گروهی که دوستش داری، کم نمی‌کنه. کسی که به دیگران یا علاقه‌هاشون توهین می‌کنه، در واقع داره خودش رو کوچیک می‌کنه، چون این موضوع نشون می‌ده که شعور اجتماعی پایینی داره و هنوز به این درک نرسیده که آدم‌ها باهم متفاوتند و علایق متفاوتی هم دارند و تا وقتی که این علایق به کسی آسیب نمی‌زنه، حق دخالت و توهینی هم وجود نداره. اگه بخوای تو فن‌وارها شرکت کنی و همه‌اش جواب بقیه رو بدی، باید قبلش بدونی که این بحث‌ها هیچ وقت به نتیجه نمی‌رسه و هیچ وقت هم تمومی نداره. در نهایت هیچ طرفی از موضع خودش پایین نمیاد و حرف فندوم مقابل رو نمی‌پذیره، فقط مدام توهین‌ها بیشتر و سنگین‌تر می‌شه تا جایی که دو طرف خسته می‌شن و در نهایت بی‌خیال دعوا می‌شن. مثلاً یکی از دوستانم بود که هر دعوایی پیش می‌اومد، این یه عالمه استوری تو فن‌پیجش می‌داشت و جواب همه رو می‌داد، من کلی بهش می‌گفتم بابا تو این قدر واکنش نشون می‌دی، در واقع داری به حرف‌هاشون توجه می‌کنی و بهشون اهمیت می‌دی، حتی حرف‌هاشون رو استوری می‌کنی که جواب بدی و همین کار پیج‌های اون‌ها رو مطرح‌تر و معروف‌تر می‌کنه و این وسط یه سودی هم بهشون، می‌رسونی مگه تو این رو دلت می‌خواد؟ ولی بازم گوش نمی‌داد متأسفانه... .

– مریم، آیا آرمی بودن استعداد و توانمندی خاصی می‌خواد؟

البته که می‌خواد. این همه تنش و دعوایی که فندوم آرمی با بقیه فندوم‌ها داری فکر می‌کنی به خاطر چیه؟ به خاطر همین دسته‌ایه که تازه آرمی شدن و فکر می‌کنند خبریه دیگه، همه جوره می‌خوان با همه دعوا کنند، خب این کارها آبروی آرمی‌های واقعی رو می‌بره، چون کسی که مدت زیادی کی‌پا پر باشه، دیگه این فهم و درک رو پیدا کرده که تو فن‌وارها شرکت نکنه و به گروه‌های دیگه احترام بذاره، ولی آرمی‌های تازه وارد فکر می‌کنند، هر کی گفت بالا چشم بی‌تی‌اس ابرو هست، باید برن تو شکم یارو و بزندن پاره‌اش کنن.

– قبل‌تر گفتم بعضی‌ها بعد از یک مدت کوتاه از آرمی بودن خسته می‌شن و از فندوم می‌رن، به نظرت دلیلش چیه؟

دلیلش اینه که از اول به خاطر علاقه واقعی به بی‌تی‌اس آرمی نشدن، به خاطر این که جدیداً همه جا حرف از بی‌تی‌اسه جذبش شدن. می‌بینند اکثریت آرمی شدن تحت تأثیر دوستانشون و فضای اینستاگرام هیجان زده می‌شن فکر می‌کنند خوش‌شون اومده میان یه مدت خیلی شدید بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنند و آتیش‌شون هم از آرمی‌های قدیمی‌تر تندتره، بعد از یه مدت که هم موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس رو صدار دیدن و یه فن‌پیج نصفه نیمه زدن و چندتا دوست مجازی آرمی پیدا کردن خسته می‌شن و علاقه‌شون کم می‌شه.»

هواداران دیگری با عطف توجه به هیجان‌های درونی خویش، می‌کوشند تا در فضای مجازی، دست به تخلیه روانی خویش بزنند، از این رو این دسته از افراد مثلاً ممکن است، دست به تهیه داستان‌هایی (فن فیکشن‌هایی) در مورد روابط خودشان با اعضا یا اعضای گروه با یکدیگر بزنند که این داستان‌سرایی‌ها بیش‌تر از آن که معطوف به یک دوستی پاک و بی‌آلایش باشد، ترسیم‌کننده روابطی مبتنی بر مسایل جنسی متعارف و یا غیر متعارف است و در مجموع بیانگر هویت سمی است که این دسته از هواداران از خود به منصفه ظهور نهاده اند. نگین ۱۳ ساله، در نمونه‌ای در این جهت، در مصاحبه خود بیان می‌دارد:

«به نظر شما هر فن‌فیکشنی ارزشمند هست؟»

من خودم معمولاً بستگی داره چه فن‌فیکشنی را خوانده باشم. کلی فن‌فیکشن هست که خیلی خوشحال کننده است، مثلاً اگر شما آیدول باشین، اصلاً مشکلی باهاش ندارین یک‌سری فن‌فیکشن‌هایی هستن که خدایی ضربه روحی به آدم وارد می‌کنند و اگر یکی چنین داستانی را حتی اگر خیالی باشه، از زندگی شما بیاره بیرون، شما کاملاً روحیه‌تون نابود می‌شه».

«هیترها یا نفرت پراکنان»، افرادی هستن که طرفدار گروه‌های دیگر کی‌پاپ بوده و یا اصولاً طرفدار هیچ گروهی نیستند، اما برای تفریح و تنوع خویش و شاید تخلیه روانی خود، به سادگی با به دست آوردن هر بهانه‌ای، به اعضا یا گروه بی‌تی‌اس (و دیگر گروه‌ها)، حمله کرده و با اهانت به آنان، به نوعی سعی در تشفی هیجان‌های آزارنده درونی خویش می‌کنند، ماحصل اقدام این دسته از افراد، مسموم شدن فضایی است که ستاره‌ها و دیگر هواداران در آن قرار دارند.

رخساره ۱۶ ساله و الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از نفرت پراکنان به عنوان افرادی با هویت سمی یاد کرده اند:

«... مدل دیگه‌اش هم که فن‌نیست، هیتره، بدش میاد از آیدول‌ها و دل‌شون می‌خواد کلاً نباشن، بمیرن و آنتی فن هم کلاً هم از فن، هم بی‌تی‌اس هر دو مورد بدش میاد اونام بدن جز بدترین‌هان.

- این‌ها چه گروهی اند؟

اینا همین گروهی هستن که بی‌تی‌اس رو تهدید می‌کنن و فن‌هاشون و بعضی وقتا به بعضی از فن‌ها واقعاً آسیب می‌رسونن و بعضی فن‌ها رو واقعاً می‌کشن.

- تاحالا موردی پیش اومده؟

تا حالا یه مورد ایرانش هم داشتیم که یه دختره و رفیق‌هاش لباس بی‌تی‌اس تن‌شون بوده، بیرون بودن چهارتا پسر اومدن تیکه انداختن بهشون از سر بی‌تی‌اس و اونام از طبیعی اومدن جواب‌شون رو دادن، واسه همین درگیری شد و این پسر هم اومدن با سنگ کله دختره رو شکوندن که هشت تا بخیه خورد سرش.

- اون جزو آنتی‌فن‌ها بودن؟

جزو کسایی بوده که از بی‌تی‌اس بدشون می‌اومده، یک جور آنتی‌فنه.

- بعد فکر می‌کنی چرا یک نفر این قدر از دیگران بدش میاد. یعنی این میزان دوست داشتن و این میزان تنفر چه جور ایجاد می‌شه؟ به هر حال بعضی از آرمی‌ها واقعاً جنبه ندارن، میان بعضی از خواننده‌های دیگه را هم مسخره می‌کنن، می‌گن بی‌تی‌اس از اونا بهتره، بعضی‌ها هم می‌گن بی‌تی‌اس بهتره. یه گروه دیگه هم که از آرمیا هستن، اونایی که آنتی‌فن‌را دوست دارن مسخره می‌کنن. که این باعث درگیری بیش‌تری می‌شه.

- یعنی همیشه یه دعوایی خیلی جدی در جریانه؟

آره.

- بعد کجا باهم دیگه دعوا می‌کنند؟

بعضی وقتا رودر رو می‌کنند، بعضی وقتا داخل تویترها، داخل کامنت‌ها، هر جایی».

«- گفتمی کمپانی گفته می‌خوایم با هیترها مقابله کنیم، خب این مسأله فقط در حد حرفه یا عمل هم بهش کرده؟

مثلاً گفته که با اون‌هایی که هیتر خیلی بدی اند، ازشون شکایت می‌کنیم و یه هیتری بود که می‌اومد قیافه اعضا رو خیلی ترسناک می‌کرد که اسم پیچش رو هم گذاشته بود: بان کوک و خیلی از آرمی‌ها گفتن که اینو بلاکش کنیم و به بیگ هیت گزارشش رو هم بدیم که شکایت ازش بکنن، حتی در این حد بودن می‌اومدن ورد و کلمات مرگ می‌خوندن و می‌گفتن برای جونگ کوک و وقتی هم دلیل این کاراشون هم می‌پرسیدن می‌گفتن حوصله‌مون ازش سر رفته».



نرگس ۲۱ ساله در مصاحبه خودش از مهار ناشدنی بودن هیترها یاد کرده، یادآور می‌شود، این افراد حتی کارهای خلاف خویش را که در تعارض با رهنمودهای کمپانی یا اعضای گروه است، به نحوی توجیه کرده و به نفرت پراکنی خویش ادامه می‌دهند:

«چه وقت‌هایی از دعوا کردن با دیگران حس خوب می‌گرفتی یا برعکس عصبی می‌شدی؟»

کلاً اون دعوایها و درگیری‌ها من رو عصبی می‌کرد. یعنی خب وقتی می‌رفتی و به یک آرتیستی بی‌احترامی می‌کردی، طرفدار اون آرتیست میاد به تو و آرتیست مورد علاقه‌ی تو بی‌احترامی می‌کنه، خب این آزار دهنده هست و معلومه آدم عصبی می‌شه. اما خب اون حس تخریب و عصبی کردن طرف مقابل یه کم از شدت خشمم کم می‌کرد. ولی کلاً اذیت کننده بود، اگر نبود شاید همچنان تو فندوم باقی می‌موندم. می‌دونم یه جورایی دیگه همه می‌دونن که بی‌تی‌اس طرفدارای تاکسیک (سمی) داره. من دیر فهمیدم. چون خودمم جزئی از همون طرفدارا بودم. کلاً فضای مسمومی داره. هیچی هم نباشه، خود طرفدارا داستان درست می‌کنن و جو می‌دن و دعوا راه می‌اندازن. نمی‌گم همه‌ی طرفدارا این جورن، ان، خیلیا سعی می‌کنن فضای فندوم رو آروم کنن و نذارن دعوایی بشه. مدام می‌گن فقط از آرتیست حمایت کنید. با رفتارتون باعث می‌شید چهره اون خراب بشه. اما یه درصد زیادی از فنا تاکسیک و متعصب بودن.

- خودت هیچ وقت سعی نکردی مثل اون درصد کم باشی؟

نه، چون فکر می‌کردم دارم کار درستی می‌کنم که به خاطرشون با زمین و زمان دعوا می‌کنم، اون درصد کم، نوع نگاهشون این بود که آیدول ما بهمون می‌گه به هم دیگه احترام بذارید، سعی می‌کردن به حرف پسرا گوش بدن. یه جورایی خودشون رو نماینده می‌دونستن که وظیفه دارن با رفتار خوبشون به دیگران بفهمونن که پسرا چه طرفدارایی رو تربیت کردن. ولی نوع نگاه من و امثال من، این نبود. ما می‌گفتیم خب پسرا نمی‌تونن از خودشون دفاع کنن. پس ما باید بیایم و ازشون در برابر حرف‌هایی که بهشون می‌زنن، حمایت کنیم.»

«ساسنگ‌فن‌ها»، هوادارانی هستند که آشکارا دچار عدم تعادل روانی هستند و با تجاوز به حریم خصوصی ستاره‌ها، آگاهی از اطلاعات محرمانه آنان و افشاگری آن‌ها، دست زدن به اقدام‌های غیرمعارفی که سلامت جسمی یا روانی ستاره‌ها را به خطر می‌اندازد و یا حتی تهدید به قتل رساندن ستاره‌ها، به ترضیه روانی خویش دست می‌یابند.

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه خود از ساسنگ‌فن‌هایی یاد می‌کند که در آرزوی به قتل رساندن اعضای گروه بی‌تی‌اس هستند:

«شده تاحالا درخواست‌های غیرمعمول هم ازشون داشته باشن یا سوال‌های خاصی ازشون بپرسن؟»

اوم اینا ساسنگ‌فن‌ان، یعنی فن‌هایی هستن که خیلی اشتباه آیدول‌هاشون رو دوست دارن، مثلاً یه طوری خیلی دوست داشتنشون رو به آیدول‌ها نشون می‌دن که باعث می‌شن آیدول‌ها ضربه‌های خیلی بدی بخورن. اونا معمولاً داخل هر گروهی هستن داخل هر گروه کی‌پاپی و همین اینا باعث می‌شن که کی‌پاپ‌ها آسیب ببینن.

- می‌گی چه جور فن‌هایی هستن؟

مثلاً داخل فرودگاه که بی‌تی‌اس می‌ره، داخل فرودگاه اونا لخت می‌رن جلوشون یا مثلاً تعقیبشون می‌کنن که آدرس خونهشون رو در بیان و کلاً کارای خطرناک. بعضی وقت‌ها حتی تهدیدشون می‌کنن.

- تهدید به چی؟

تهدیدشون می‌کنن که آره من اطلاعات خیلی شخصیت رو گیر آوردم، اگه نیای من رو از نزدیک ببینی اون رو پخش می‌کنم. یا بعضی وقت‌ها، بعضی از اعضای بی‌تی‌اس با تفنگ تهدید شدن که می‌گن آره من میام داخل کنسرت و با تفنگ کارت رو تموم می‌کنم.»

رخساره ۱۶ ساله، در فراز دیگری از مصاحبه خودش از زن هواداری یاد می‌کند که از شوهر خودش طلاق گرفته است تا امکان احتمالی ازدواج با ستاره مورد علاقه‌اش را پیدا کند:

«فن‌هایی که گفتم اینا رو دوست دارن و می‌خوان باهاشون دوست بشن، همونایی هستن که از شوهرشون هم طلاق می‌گیرن؟»

بعضی‌اشون آره، ولی کلاً اینا معمولاً جزو خطرناک‌ترین فن‌ها هستن که آیدول‌ها اصلاً از دست‌شون امنیت ندارن.

- مدل‌های مختلف فن هست، این جور که گفتی، می‌گی این‌ها خطرناک‌ان.

بله.

- لطفاً برام بگو؟

اوم اسمشون رو؟ اسم این جور فن‌هایی که گفتیم ساسنگ‌فنه».

مهتاب ۱۸ ساله هم در مصاحبه خود، دست به توصیف ابعاد دیگری از ساسنگ‌فن‌ها زده است:

«- حالا که به این مسأله طرفدارهای سرسخت اشاره کردید، می‌خواستم درباره ساسنگ‌فن‌ها ازتون بپرسم. چه کسی یک ساسنگ‌فن حساب می‌شه؟

ساسنگ به کره‌ای یعنی زندگی شخصی و ساسنگ‌فن یعنی فن زندگی شخصی. این‌ها فن‌هایی هستن که مثلاً همه زندگی و پول و انرژی‌اش رو می‌ذاره تا اطلاعات شخصی یا محرمانه بی‌تی‌اس رو دربیاره. مثلاً کلی وقت می‌ذاره و پول خرج می‌کنه که شماره صندلی یکی از اعضای بی‌تی‌اس توی یه هواپیما که فلان روز داره از فلان جا می‌ره به فلان جا رو پیدا کنه که بتونه یه صندلی بغلش بخره و طی زمان پرواز باهاش حرف بزنه. چون اینا دیوونه هم هستن و فکر می‌کنن که اگر برن و با آیدول‌شون صحبت کنن، اون عاشق‌شون می‌شه و میاد با اینا ازدواج می‌کنه و می‌رن باهم زندگی می‌کنن و بچه‌دار می‌شن. تا این حد و بعد این‌ها اطلاعات هم می‌فروشن و از این راه درآمد کسب می‌کنن.

- جداً اطلاعات می‌فروشن و فن‌ها هم ازشون می‌خرن؟

آره خب، یک عده هم هستن که بخرن. مثلاً می‌خوان بفهمند، آیدول محبوب‌شون فلان روز از کجا رد می‌شه. همین چند وقت پیش بود که یه ساسنگ ایرانی برای تهیه‌ونگ توی فرودگاه مزاحمت ایجاد کرد و رفته بود اونجا و دوربینش رو کرده بود توی حلق تهیه‌ونگ و لباسش رو می‌کشید و سریع هم البته رفت و سوار ماشینش کردند و بردنش... .

- کمپانی هم دست روی دست می‌گذاره که این ساسنگ‌ها این کارها رو بکنن؟

نه کمپانی هم کارایی می‌کنه که جلوی این ساسنگ‌ها رو بگیره. مثلاً یه کاری که می‌کنه، اینه که ساسنگ‌ها رو شناسایی می‌کنه و دیگه بهشون اجازه نمی‌ده بیان کنسرت. می‌ذارت‌شون توی لیست کنسلی‌ها. همین خانوم ایرانیه هم بعد از این کارش رفت توی همین لیست کنسلی‌ها و آبروی نداشته ایران رو برد یا مثلاً یه ساسنگ‌فن دیگه هم بود به نام لین یا تو اگر اشتباه نکنم که این یک‌بار بدون شلوار توی فرودگاه دنبال این‌ها راه افتاده بود و باهاشون سعی می‌کرد حرف بزنه و کلاً طرف هم معروف شد، چون چندین بار همین طوری با انواع آرایش و این‌ها اومده بود اون جا که مثلاً تلاش کنه دل یکی از این‌ها رو بیره. واقعاً نمی‌دونم چه طور می‌تونن این کارها رو بکنن. وقتی بعدش بادیگارد‌ها قراره بیان و هل‌شون بدن و خود آیدول‌ها هم از این قضیه ناراحت می‌شن. یکی هم بود یک‌بار که از روی این حفاظ‌های اونجا پرید و می‌خواست یکی‌شون رو به زور ببوسه. چه طور یه کسی می‌تونه این قدر احمق و خوار باشه؟ حال آرمی‌ها رو بد می‌کنه کارهای این ساسنگ‌ها واقعاً. من که دلم می‌خواد بزَنَم‌شون».

- هویت سمی گروهی

هویت سمی گروهی عبارت از هویت گروهی است که برخوردهای مبتنی بر نفی و انکار، خشونت و پرخاشگری و اصولاً برخوردهای سمی در دستور کار افراد آن گروه قرار دارد و ماهیت گروه با برخوردهای نامناسب و خارج از عرف آن‌ها شناخته می‌شود. دلایلی که در شکل‌گیری هویت سمی گروهی مؤثرند، در درجه نخست اهمیت، ناشناس ماندن در فضای مجازی و تهدید اندکی که متوجه افراد خاصی در آن است، هست. در درجات بعدی اهمیت پرهیجان بودن فضای کی‌پاپ و همین طور حاکمیت برخوردهای هیجان‌مدار در گروه بی‌تی‌اس است که

مجموعه این موارد، سبب می‌شوند، هواداران بی‌هویت یا هوادارانی که با هویت‌های سمی حول گروه بی‌تی‌اس گرد هم آمده‌اند، برخورد‌های گروهی پرخاصگرانه، ستیزه‌جویانه و شخصیت‌شکن را در دستور کار خود قرار دهند و بر همان منوال عمل کنند.

پونه ۱۸ ساله و مرضیه ۱۹، در مصاحبه‌های خود، شواهدی از هویت سمی گروهی را به دست داده‌اند:

«- توی توئیتر برای چی رأی‌گیری می‌کردید؟»

یه سری رأی‌گیری بود بین بند و گروه‌های مختلف که یه سری برنامه‌ها و رادیوهای معروف امریکا برگزار می‌کردن. مثلاً بین طرفدارای بی‌تی‌اس و بلک‌پینک یا وان‌دایرکشن یا بین آرتیستای مختلف. بعد خب همه باهم متحد می‌شدیم که رأی بدیم که بی‌تی‌اس برنده بشه. بعد شیفی کرده بودیم. سه‌تا شیفت می‌شدیم. یه سری از شب تا صبح، یه سری از صبح تا ظهر و یه سری هم از عصر تا شب و همیشه خدا هم برنده می‌شدیم. فندومای دیگه جوری حرص می‌خوردن و فشار می‌خوردن و بد و بیراه می‌گفتن به ما و پسرا که باورت نمی‌شه. ولی ما هم ایگنورشون (نادیده گرفتن) می‌کردیم و کارمون رو می‌کردیم. دو، سه بارم یه دعوی خیلی شدیدی شد، بین طرفدارای وان‌دایرکشن و آرمیا تا چند روز به هم فحاشی می‌کردن. ولی خب تموم شد رفت خاطره‌هاش موند.

- بیش‌تر دعوها سر چی بود؟

ببین کلاً توی توئیتر هر جا اسم بی‌تی‌اس رو دیدی، بدون که یه دراما و دعوی هم هست، آرمی‌های اینتر و خارج رو کاری ندارم، ولی تو همین ایران همیشه‌ی خدا دراما بوده تو فندوم. آرمی‌ها با طرفدارای اولیویا رودریگو دعوا دارن سر قضیه‌ی گرمی.

اولیویا گرمی رو برد و خیلیا گفتن حق بی‌تی‌اس بود. بعد از این قضیه‌های گرمی و بیلپورد همه‌اش دارن به این دختر هیت می‌دن. و تازه اسمش رو هم مسخره می‌کنن، بهش می‌گن اولویه با طرفدارای وان‌دی سر خیلی چیزا درگیری دارن. نمونه‌اش همون که گفتم سر رأی‌گیری تا چند وقت هر دوتا طرفدارا به هم بد و بیراه می‌گفتن. البته هستن کسانی که هم طرفدار وان‌دایرکشن باشن، هم طرفدار بی‌تی‌اس، اما خب خیلی زیاد نیستن یا سر این که بزرگ‌ترین بوی بند دنیا بی‌تی‌اسه یا وان‌دایرکشن باهم دعوا دارن. آرمیا می‌گن وان‌دی دیگه رفته برنمی‌گرده و شروع می‌کنن به مسخره کردن. از اون طرف هم طرفدارای وان‌دی می‌گن که بی‌تی‌اس در برابر وان‌دی چیزی نیست و وان‌دی اون زمان تونست این قدر بیاد و بدون تبلیغ زیاد، بزرگ بشه، اگر الان بودن دیگه بی‌تی‌اس حرفی برای گفتن نداشت. اینم از درگیری با طرفدارای وان‌دایرکشن.

بعد بزرگ‌ترین دشمن بی‌تی‌اس و آرمی‌ها بلک‌پینکه. کاش می‌تونستم بگم با کلمه‌ها اون میزان تنفر و نفرت آرمی‌ها از اعضای بلک‌پینک چه قدره. سر خیلی از قضیه‌ها هم درگیرن باهم. مثلاً آرمی‌ها می‌گن که جنی داره از تهیونگ سوءاستفاده می‌کنه که خودش رو بکشه بالا یا مثلاً چندین بار سر رأی‌گیری‌هایی که داخل خود کره بود، هر دوتا طرفدارا ریختن سر هم.

جدای از این طرفدارا، کلاً توی توئیتر هم خیلی از خود ایرانی‌ها از طرفدارای بی‌تی‌اس و خود پسرا متنفران و روزی نیست که فحش ندن به ما و پسرا. از پسرا به معنای واقعی متنفران و خیلی ببخشید که این کلمه رو می‌گم، اما بارها شده به پسرا گفتن ک... و حرفای این جوری زدن. گفتن اینا ک... هستن که آرایش می‌کنن و شبیه دخترا هستن و کلی هم به طرفدارا فحش می‌دن. یعنی نفرتی که ایرانی‌ها از بی‌تی‌اس و آرمی داره، قابل وصف نیست.

«- عزیزم چرا از آرمی‌ها بدت می‌اومد، دلیلش رو می‌تونی بگی؟»

چون که خیلی و خیلی و خیلی شنیده بودم که آرمی‌ها متعصبان و بچه‌های چهارده، پونزده ساله‌ان، بعد اینا اکثراً تو گپای زیادی‌اند و کلی فرندز (دوست) دارن و بعد من دیده بودم وقتی یکی شون با اون یکی شون به مشکل می‌خوره یا اصلاً با یکی خارج از اون گروه، آیدی اون فرد رو می‌ذاره تو گروه بعد به دوستاش می‌گه برید مثلاً فحش بدید و بد و بیراه بگید و بلاک و ریپورت و بعد من پشمام ریخت و

جرات نمی‌کردم باهاشون صحبت کنم، نمی‌شد هیچی بهشون گفت و این طوری هم نبود که بگم می‌ترسم، نه، حوصله نداشتم به سیل عجیبی از حرف‌های چرت و پرت ببینم.

- این مسأله برای خودت پیش اومده بود که یکی از آرمی‌ها آیدی تو رو بگذاره تو گروه؟

برای خودم نه، برای دوستم آره، یکی شون با دوست من رو دور لچ افتاده بود و بعد این کار رو کرد و من اینا رو از دوستم شنیده بودم و تا مدت‌ها از شون خوشم نمی‌اومد تا این که خودم واردشون شدم و نظرم عوض شد... .

- مرضیه تو نسبت به اعضای بی‌تی‌اس تعصب خاصی داری؟

تعصب که آره (می‌خندد). خب تعصب روی آیدول چیزیه که همه‌ی ما داریم اما به اندازه‌اش.

- این اندازه چه قدره؟

به نظر من این مهمه که اون قدر متعصب نباشیم که با تعصب خودمون به بقیه یا حتی به فن‌دوم آسیب بزنیم و دید بقیه رو نسبت به خودمون بد کنیم و این تعصب باعث بشه دعوا کنیم، هیت بدیم، دلی رو بشکونیم، من اگه بخوام متعصب بشم، هی هر روز دعوا کنم به فن‌دوم‌های دیگه بپریم که خودمم آرامش ندارم، به خاطر همین اوکی، من تعصب دارم من حتی روی خانواده و دوستام تعصب دارم، اگر کسی بهشون هیت بده، از شون دفاع می‌کنم و پشت‌شون در میام و این در مورد علاقه‌ام به بی‌تی‌اس هم صدق می‌کنه، ولی این طور نیست که دعوا کنم و گیس و گیس‌کشی، نه آخرش به خودم می‌گم، این این قدر می‌فهمه و بیش‌تر از این باهاش بحث نکن.

- یعنی تا این حد اوکیه و بیش‌تر از باشه موردی داره؟

اوهوم.

- فن‌های متعصب چه طوری رفتار می‌کنن؟

خیلی، خیلی سریع بلاک و ریپورت می‌کنن، ممکنه حتی فحش‌های رکیک هم بدن، بعد آها به چیزی که هست فقط خودشون بلاکت نمی‌کنن که، به دوستاشون هم می‌گن آیدیت رو برای بقیه هم می‌فرستن و بلاکت می‌کنن و پیجت یا اکانت تلت (تلگرامت) به فنا می‌ره، به همین دلیل اصلاً نباید باهاشون وارد بحث شد و به حجم عظیمی از پیام‌های منفی دریافت می‌کنی که آرامشت رو به فنا می‌ده، من خودم که آرمی هستم، اصلاً جرات ندارم به این دسته افراد چیزی بگم، چون اصلاً اون بخش از مغزشون که باید بفهمه و با حرف زدن به مشکلی رو حل کنه سوخته، حتی برای همین به اکانت فیک دارم که اگر به موقع خواستم حرفی بزنم با اکانت اصلیم نزنم که اون اکانتم رو از دست بدم.

- تو خودت از دریافت اظهارنظرهای منفی از سمت این گروه می‌ترسی؟

اوهوم (می‌خندد).

حالا فکر کن خود آیدول‌ها چه قدر اذیت می‌شن و وقتی کلی هیت می‌گیرن، حال روحی شون بد می‌شه.

- می‌تونی برام مثال بزنی؟ برای خودت یا دوستانت بوده که با فنای متعصب بحثی صورت بگیره و اگر بوده به چه دلیل و سر چه موضوعی بوده؟

حالا دوستام که نه، ولی دیدم بعضاً بعضی طرفدارا می‌گن که تهیونگ شوهر منه و من به روزی می‌رم کره و باهاش ازدواج می‌کنم و کس دیگه‌ای هم چنین ادعایی داشته باشه، باهم دعواشون می‌شه سر شوهر آینده‌شون اون سر دنیا؟!

یا شیپرای تعصبی که به شیپ‌های دیگه هیت می‌دن و فقط شیپی که خودشون استن می‌کنن رو قبول دارن و غیر از این باشه دوباره همین بساط هیت و بد و بیراهه... هست مثل بعضی ویمین شیپرا یا ته‌کو‌کرا که خیلی بین شون دعواست».

نرگس ۲۱ ساله، در بیانات خود ضمن شرح مصداقی از هویت سمی گروهی، خاطرنشان می‌سازد، پرخاشگری بی‌حد و حصر گروهی که وی در آن قرار داشت، کار را به جایی رسانده بود که وی در خانه نیز در برخورد با هر مسأله جزئی‌ای دست به پرخاش زده و به تعبیر خودش، به یک «انسان وحشی» تبدیل شده بود:

«- چی شد که فاصله گرفتی از کی‌پاپ؟»

عام بعد از کنکور و رفتن به دانشگاه به کم اون حس و حال کم‌تر شد به سری اتفاق افتاده بود که بی‌تأثیر نبود تو این که دیگه پیگیرشون نباشم.

- چه اتفاق‌هایی؟

من یک مدت توی توئیتر اکانت داشتم و با بقیه‌ی آرمی‌ها در ارتباط بودم، تویت می‌زدم و بیش‌تر هدفم از این که تویت رو نصب کردم، این بود که ویدیوهای دنسی که با آهنگای بی‌تی‌اس می‌رم رو اونجا با بقیه شیر کنم و خود اکانت بی‌تی‌اس رو منشن (ذکر) کنم، شاید که به روزی ویدیوهای من رو دیدن. اون اوایل اون قدری اعتماد به نفس نداشتم، اما یکی از دوستای مدرسه‌ام من رو تشویق کرد که حتماً این کار رو انجام بدم و من هم انجام دادم. ویدیوهایم بین آرمی‌ها خیلی وایرال شد. منظورم فن‌دوم ایران، نه خارج. دوست داشتن و همه‌اش ترغیب می‌کردن من رو که برم ویدیو بذارم، بعد از یک مدت خب به سری دوست پیدا کردم توی توئیتر و باهاشون صمیمی شدم و چون ارتباطمون مجازی بود، خیلی راحت‌تر بودم. حضوری به کم سخته همیشه، با این وجود کلاً از فضای توئیتر خوشم نمی‌اومد. همه‌اش دعوا و درگیری بود و منم که از نظر روانی خیلی حال خوبی نداشتم، این اتفاقاً باعث می‌شد، حالم بدتر بشه.

- دعوا سر چی؟

سر همه چی دیگه. فضای توئیتر به فضای خیلی آزاد و نامحدوده که هر کسی می‌تونه هر چیزی که دلش می‌خواد رو بگه. راحت به هم توهین می‌کردن. دعوا بود. طرفدارای گروه‌های مختلف می‌اومدن و به هم دیگه می‌پردن. سر همه چیز باهم دعوا می‌کردن و منم به آدمم و طبیعتاً تحت تأثیر جوّ قرار می‌گیرم. منم بعد از چند وقت قاطی این دعاها و ماجراها شدم. خودتم احتمالاً متوجه شدی که من به طرفدار افراطی بودم. جوری که به زمانی یونگی رو فقط متعلق به خودم می‌دونستم. خب تصور کن با هم‌چین زمینه‌ای من برم توی توئیتری که این قدر این افراطی‌گری‌ها توش زیاده.

اون تایم توی توئیتر خیلی اذیت شدم. یعنی شاید یکی از دلایلی که باعث شد علاقه‌ی من به بی‌تی‌اس کم‌تر بشه، همین فضای توئیتر بود که هیچ فرقی با باغ وحش نداشت. بعد بزرگ‌ترین اشتباهم این بود که رفتم توی توئیتر و با به اکیپ که خیلی تاکسیک (سمی) و افراطی بودن دوست شدم. این اکیپ جزو افراطی‌ترین‌های توئیتر بودن. به شدت تعصبی و بی‌منطق. مثل به آدم کور که هیچ چیزی جز اون چیزی که خودش می‌خواد رو قبول نداره. روز و شب به آرتیستایی غیر از بی‌تی‌اس فحش می‌دادن و اصلاً کسی رو جز بی‌تی‌اس، لایق موفقیت و پیشرفت نمی‌دونستن. من متعصب با رفتن به توئیتر تعصبی‌تر شدم. دیگه به کم هم منطبق نداشتم. کافی بود یکی بگه بالای چشم پسرای بی‌تی‌اس ابرو هست. طرف رو نابود می‌کردم. حالا این تو مجازی بود. این پرخاشگری و تعصب به زندگی واقعیتم رسید جوری که مدام تو مدرسه و خونه عصبی بودم. مدام با مامانم دعوا می‌کردم، خواهر کوچیک‌ترم به دنیا اومده بود، گریه می‌کرد، عصبی می‌شدم. قشنگ مثل وحشی‌ها شده بودم. واقعاً روزای مزخرفی بودم.»

### تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران

فضای کی‌پاپ، فضایی هیجان‌زده است و به نظر می‌رسد، فضای گروه بی‌تی‌اس در مجموعه گروه‌های کی‌پاپ، فضایی به مراتب هیجان‌زده‌تر باشد، زیرا در کنار تمهیدات کمپانی بیگ‌هیت در پردازش هیجانی کنسرت‌های بی‌تی‌اس و تولید انبوهی از برنامه‌های جانبی پرهیجان

(نظیر ران بی‌تی‌اس، بن‌ویاز، بی‌تی‌اس این دِ سوپ، فن‌میتینگ، فن‌ساین، جشن فستا و مانند آن‌ها)، طرفداران پسران بی‌تی‌اس نیز وارد صحنه شده، با ایجاد صفحات، سایت‌ها و تشکل‌های هواداری (فندوم‌ها و بیس فندوم‌ها)، از سویی حداکثر سعی خود در برتری یافتن گروه موسیقایی مورد علاقه‌شان در جشنواره‌های مختلف موسیقی را دارند و از سوی دیگر خود را موظف به ستیز و حتی درگیری با افراد ناقد و نفرت‌پراکنان احتمالی می‌دانند که بعضاً در پی هویت نداشته خویش، کوشیده‌اند تا با توسل به این گروه و آن گروه، برای خود هویتی دست و پا کنند.

از این رو به نظر می‌رسد، قرار گرفتن نوجوانان و جوانان طرفدار در فضای اخیر، در درجه نخست اهمیت، به تسهیل روابط اجتماعی هواداران هم‌سو با یکدیگر بینجامد و در درجه بعدی اهمیت، به تحدید روابط اجتماعی هواداران بی‌تی‌اس با افراد غیرهوادار و در سطحی فراتر ناقد گروه بی‌تی‌اس برسد.

ثنا ۱۶ ساله، در مصاحبه خود خاطر نشان می‌سازد، تشکل هواداری وی و دوستانش در مدرسه، قانونی دال بر این که «اگر فردی از هواداران، تمامی هفت عضو بی‌تی‌اس را دوست نداشته باشد، خیانت‌کار است!» را تصویب کرده است. به تعبیر دیگر، برخی از هواداران با تدوین مقرراتی با معیار قرار دادن عشق‌ورزی به گروه بی‌تی‌اس، شخصاً به استقبال تسهیل و یا تحدید روابط اجتماعی خویش با دیگران می‌شتابند.

پرنیاز ۱۸ ساله، در مصاحبه خویش اظهار داشته است که وی مبتنی بر معیار مهرورزی به گروه بی‌تی‌اس، دوست انتخاب کرده و به روابط و تعامل‌های اجتماعی خویش، نظم و نسق می‌بخشد:

«اگه همه این آرمی‌ها چه شبیر، چه غیرشبیر، چه تعصبی، چه غیرتعصبی، همه‌شون، اگه متوجه بشن که بی‌تی‌اس مشکلی داره، اگه متوجه بشن جریانی باعث ناراحتی اعضا می‌شه، چنان اتحادی باهم دارن که می‌تونم بگم برای هرکسی می‌تونه ترسناک باشه. آرمی‌ها همدیگه رو خانواده هم می‌دونن، اگه یه آرمی رو یه جا ببینی و جفت طرف آرمی باشن، چنان صمیمیتی باهم دارن که انگار خواهر و برادرن و این خیلی قشنگه اتحادی که بین‌شون هس».

مرضیه ۱۹ ساله، از منظر دیگری از اثرگذاری مثبت گروه بی‌تی‌اس روی افراد به قرار زیر یاد کرده است:

«البته، البته یه زمانی بود که رابطه من و بهترین دوستم تو روزای خوبش نبود و برهه‌ی خوبی از دوستی خودمون نبود، کم‌تر از قبل باهم حرف می‌زدیم و داشتیم کم‌کم از هم دور می‌شدیم. من یه روز داشتم تو اینستا می‌چرخیدم که یه ویدیو دیدم تو اینستاگرام که صدای جونگ کوک روش بود و این رو بعداً متوجه شدم، نه همون موقع، تو همین ویدیو یه تیکه از یه آهنگی رو یه فردی که از قضا جونگ کوک بود، می‌خوند و یه ترجمه ازش زیرش نوشته می‌شد، من توجهم به متنش جلب شد، می‌گفت که ما دیگه باهمدیگه مثل قبل صحبت نمی‌کنیم، حداقل نه مثل قبل (شروع به انگلیسی خوندن آهنگ می‌کند):

we don't talk anymore  
we don't talk anymore  
we don't talk anymore  
we don't talk anymore like we used to do.

و این جملاتی که می‌گفت خیلی شبیه احساسی بود که من اون زمان داشتم و حرفایی که من نمی‌تونستم به دوستم بزنم تو این آهنگ بود، پس رفتم تو گوگل زدم تا آهنگ کاملش رو پیدا کنم و بفرستم براش و این کار رو کردم و حالا این بخش زیاد مهم نیست، ولی با همون آهنگ دوستم متوجه من شد و دوباره دوستی‌مون به روال قبلی برگشت».

برخلاف تسهیلی که طرفداری از بی‌تی‌اس در ایجاد روابط اجتماعی بین هواداران بی‌تی‌اس پدید می‌آورد، عدم هواداری و در سطحی فراتر، نقد گروه بی‌تی‌اس، روابط اجتماعی هواداران بی‌تی‌اس را با دیگران مخدوش ساخته و اسباب تحدید آن را فراهم می‌آورد. در حالت اخیر

انتظار می‌رود، در صورت کم بودن سن هواداران، واکنش‌های هیجانی آنان شدیدتر بوده و با افزایش سن آنها، واکنش‌های مخالف آنان از شدت و حدت کم‌تری برخوردار باشد.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از فشار گروه همسالان خود در جهت پذیرش گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده است:

«از چه زمانی با گروه‌های کی‌پاپ آشنا شدی؟»

بلک‌پینک را من ۱۰ سالم بود که لینک شدم تا ۱۲ سالگی هم لینک موندم، ولی بعد یکی از دوست‌هام بحث را در مورد بی‌تی‌اس باز کرد و بهم معرفی کرد، من هم اولش نمی‌دونستم بی‌تی‌اس چیه و فکر نمی‌کردم مثل همون بلک‌پینک باشه، فقط فکر می‌کردم تعداد اعضای اون بیش‌تره و پسر هستند، دختر نیستند و خوب بعد من دوست‌هام معمولاً یک کاری می‌کنن آدم مجبور بشه بره سمت یک چیزی». احسان ۱۷ ساله، تحت تأثیر برخوردهای کم‌تر هیجانی مردان، در مصاحبه خود اذعان می‌دارد، وی ارتباطش با هم‌کلاسانی که نسبت به بی‌تی‌اس نقد دارند، به همین سبب تاحدودی مخدوش شده است، اما به دلیل ارزشمندی آن افراد، آنان را کلاً کنار نگذاشته و از دست نمی‌دهد:

«رابطه تو با بقیه دوستانت که مخالف بی‌تی‌اس هستند، چگونه هست؟»

هر روز با من کلنجار می‌رن و سعی می‌کنن من رو از هواداری بی‌تی‌اس منصرف کنن. اون‌ها تلاش‌شون رو می‌کنن و بی‌نتیجه می‌مونه. برای همین کم‌تر همدیگر رو می‌بینیم جز توی مدرسه.

– چه طور سعی می‌کنن تو رو منصرف کنن؟

از بدی‌ها و معایب گروه بی‌تی‌اس می‌گن. از انحراف جنسی و همجنس‌گرایی گروه می‌گن. از زن‌سان بودن و مخنث بودن بی‌تی‌اس می‌گن.

– عکس‌العمل تو چگونه هست؟

من این تهمت‌هایی که به بی‌تی‌اس می‌زنن رو باور نمی‌کنم. اکثر مردم کره کوسه هستند و ریش ندارند و چهره‌هاشون شبیه دخترها می‌مونه، دلیلی نداره که مذکر نباشن و انگ همجنس‌گرایی رو بهشون بزنین. برای همین سعی می‌کنم کم‌تر باهاشون در ارتباط باشم. ولی دوستان ارزشمند و باسوادی هستند از دست نمی‌دم‌شون».

سارینای ۱۳ ساله، در گزارش خود از برخوردهای مبتنی بر صفر و یک خود با دوستانش به شرح زیر یاد کرده است:

«من بیش‌تر با کسانی که هیت می‌دن دعوا می‌کنم. مثالش هم یکی از هم‌کلاسی‌هام بود که به بی‌تی‌اس هیت می‌داد و من در آخر باهاش قطع رابطه کردم.

– مثلاً چه چیزهایی درباره بی‌تی‌اس می‌گفت؟

مثلاً می‌گفت چرا اینا آرایش می‌کنن. چرا شبیه دخترها هستن و اینا، چرا این جورن. عملی ان و همه جاشون عمله و از این جور حرفا. – چند سالت بود که با هم‌کلاسی‌ات قطع رابطه کردی؟

همین یکی، دو سال پیش بود. کلاس پنجم یا ششم بودم.

– آیا این دوستت ویژگی دیگه‌ای به جز تمسخر بی‌تی‌اس هم داشت که باعث شد بخوای باهاش دوستی‌ات رو تموم بکنی؟

آره خودش رو انیشتین می‌دونست و فکر می‌کرد باید برا همه تصمیم بگیره.

– الان که داری برای من این داستان تعریف می‌کنی چه احساسی نسبت به این که اون دوستی رو تموم کردی، داری؟

حس خیلی مزخرفی دارم که از اولش باهاش دوست بودم و خیلی خوشحالم که تمومش کردم.

– آیا اگه الان هم یک دوستی داشته باشی که از همه نظر خوب باشه، ولی از بی‌تی‌اس خوشش نیاد، باهاش همین رفتار رو می‌کنی؟

آره. قطع رابطه می‌کنم».

شبنم ۲۵ ساله، در واکنشی نسبتاً خفیف‌تر، تنها به دلیل این که به زعم وی، پشت سر مخالفان بی‌تی‌اس قضاوت وجود دارد، رابطه اجتماعی با آنان را نمی‌پذیرد:

«- خوب به نظر شما این مسأله باعث نمی‌شه از روابطت با آدم‌های واقعی فاصله بگیری و این هزینه سنگینی نیستش که باز هم بابت این علاقه‌مندی داری پرداخت می‌کنی؟

خب اگر آدم‌ها به عقاید همدیگه احترام بذارن، این اتفاق نمی‌افته. مهم اینه که اونا به عقاید من احترام نمی‌ذارن.

- به غیر از کسانی که تمسخر یا توهین می‌کنن، اما دیگرانی که از شما سوال می‌پرسن که هدف‌شون و رفتارشون نامحترمانه نیست. در واقع اون‌ها هم دارن نظر خودشون رو ابراز می‌کنن که در این موضوع متفاوت از نظر شما هست.

شاید. ولی همونا هم پشت حرف‌شون و لحن‌شون و نگاه‌شون قضاوته. یه جور نگاه از بالا به پایین و این من رو اذیت می‌کنه.

- تو هم با بی‌توجهی یا واکنش تند نشون دادن و یا طرد کردن‌شون همین نگاه از بالا به پایین رو به اون‌ها نداری؟

اوم... آره. این تعصبه شاید باعث شده که خیلی جاها خودم رو تنها کنم و از آدمایی که شبیه من فکر نمی‌کنن، فاصله بگیرم».

ثنا ۱۶ ساله، هر کسی را که هم‌سو و هم‌جهت با خودش نباشد، فردی افراطی خوانده، اظهار می‌دارد، نسبت به افراد منتقد بی‌تی‌اس، دست به فحاشی می‌زند:

«- هر کسی با نظرت مخالف باشد افراطی هست؟

دقیقاً، چون افراطی نیستم، هر کی تو خط من نباشه، افراطیه.

- تاحالا با کسی هم سر این موضوع، قطع رابطه کردی؟

آره، با دختر خاله‌ام قهر کردم. اون به جیمین فحش داد، منم به آیدول مورد علاقه اون و بعد تا چند هفته قهر بودیم تا این که خاله و مامانم آشتی دادن.

- باز هم همچین موردی بوده؟

یکی از دوستانم هم خیلی دوست داشت بی‌تی‌اس رو الان ولی خیلی علاقه نداره.

- خوب چرا ارتباطتان قطع شد؟

در مورد جیمین چرت و پرت گفت، منم باهاش دعواش شد.

- چی گفت؟

گفت جیمین شبیه میمونه، منم گفتم خودت شبیه میمونی، واسه چی فحش می‌دی، دیگه بقیه حرفامون زشته نمی‌تونم بگم (باخنده).

- الان باهم حرف می‌زنید؟

بله حرف که می‌زنیم، ولی دیگه نه در مورد بی‌تی‌اس چون دعوامون می‌شه، اون پررو شده اوایل خیلی بی‌تی‌اس رو دوست داشت، گفتم که ولی یه دفعه نظرش عوض شد و من از آدمایی که هی تغییر جهت می‌دن، خوشم نیامد.

- یعنی هیچ کس حق ندارد نظرش را تغییر بدهد؟

نمی‌دونم. می‌شه بی‌خیال این بحث بشید (باخنده)».

مرضیه ۱۹ ساله از ایجاد درگیری بین هواداران گروه بی‌تی‌اس با دیگر هواداران گروه‌های کی‌پاپ به قرار زیر یاد کرده است:

«- در زمینه استریم و... بین هواداران گروه‌های مختلف یک نوع رقابت هیجانی وجود داره؟

قطعاً که این طوره، هر فن‌دومی دوست داره رکورد بزنه و کسی رو که استن (هواداری) می‌کنه رو بالا بالاها ببینه، پس رقابت هست.

- این نوع رقابت‌ها باعث درگیری هم بین شون می‌شه؟



بعضی وقتا و البته حسادت هیترها و طرفدارای گروه‌های دیگه رو هم بر می‌انگیزد (می‌خندد).

- می‌تونی نمونه‌هایی از این مورد رو برام مثال بزنی؟

مثلاً می‌گن رأی خریدن و از این حرفا یا فشار می‌خورن و می‌گن، فلانی اصلاً استعداد نداره و رأی‌هاش رو خریده».

الناز ۱۲ ساله هم در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، او در جریان بحث با افراد مخالف، حتی به کتک زدن آن‌ها رسیده است

«- تاحالا شده به خاطر بی‌تی‌اس که مثلاً فلان خواننده بهشون توهین کرده، دیگه اون خواننده رو دنبال نکنی؟

آره بعضی آدم‌ها که اومدن به اینا هیت دادن و با اینا بد رفتاری کردن، دیگه احساس می‌کردم که اون آدم مرده برام.

- تاحالا در مورد دوستان خودت هم همچین اتفاقی افتاده که اون‌ها هم هیت بدن؟

آره شده و من باهاشون قطع ارتباط کردم.

- مابقی دوستانهات که آرمی اند، هم همین کارها رو می‌کنن؟

آره، همین طوری اند... .

- در جریان آرمی بودند تاحالا شده که به خاطر فن بودندت، مجبور به جرّ و بحث و دعوا با کسی بشی؟

آره خب خیلی از آدم‌ها بودند که گفتن این چینی، مینیا، چیه می‌بینی، این چشم بادومیا رو، چرا داری این‌ها رو دنبال می‌کنی و این‌ها چی

دارن که ایرانیا ندارن و منم مجبور شدم که باهاشون دعوا کنم و جرّ و بحث کنم باهاشون و خب اعصابم خیلی خورد شد.

- خوب می‌شه به مثال از بحث‌هایی که تا الان داشتی، بگی؟

خب یکی از فامیلامون وقتی بهشون گفتم که از خواننده‌های کره‌ای خوشم میاد، از اون به بعد بهم می‌گه، کره‌ایه کثیف و هر وقت خواستم

متقاعدش کنم که اونا خوب ان، مثل این می‌مونه که انگار دارم با دیوار صحبت می‌کنم.

- یعنی این جور موارد باعث می‌شن که اعصابت خورد بشه؟

آره همینه.

- دوست داری که با اون فامیلتون قطع ارتباط کنی؟

آره، ولی چون نزدیکه نمی‌شه.

- خوب در مورد بحث‌هایی که کردی به جز اون موضوع کلاً در مورد هر چیزی که بحثت بشه، همین کار رو می‌کنی؟

آره، همون طوری مثل بحث‌های بی‌تی‌اس برخورد می‌کنم و حتی اگه خیلی عصبانی بشم می‌زنم».

### احساس تعهد به حمایت مادی و معنوی از گروه

هواداران گروه بی‌تی‌اس به دلیل توجهاتی که گروه پسران بی‌تی‌اس روی مسایل نوجوانی و جوانی داشته اند و بعضاً در نقش یک مرجع

امیدبخش و انگیزه بخش برای جوانان ظاهر شده و بدون قضاوت کردن نوجوانان و جوانان، نسبت به آنان پذیرش نشان می‌دهد، غالباً با

نگاهی سرشار از قدردانی و ابراز امتنان به پسران گروه می‌نگرند و به سهم خود می‌کوشند با به عمل آوردن هواداری از آنان، به شکل

متقابل ادای دین کنند.

هواداران مصاحبه شده، در گزارش‌های خود در توصیف چگونگی به عمل آوردن هواداری خویش از مواردی مانند: شنیدن آهنگ‌های

بی‌تی‌اس برای ارتقای آن‌ها در رتبه‌بندی‌های جهانی (استریم زدن)، رأی دادن به گروه بی‌تی‌اس در جشنواره‌های مختلف موسیقیایی، رأی

دادن به لایوها، تلاش برای شکستن رکوردهای موجود در فضای مجازی (مانند کم‌ترین زمان رسیدن به یک میلیون لایک، بیش‌ترین

بازدید از پست‌های گذاشته شده در فضای مجازی، بیش‌ترین تعقیب کننده و نظایر آن‌ها)، خرید آلبوم‌ها، فتوبوک‌ها، نورافشان الکترونیکی

لایت استیک و سایر اقلام منتسب به بی‌تی‌اس، جشن تولد گرفتن برای ستاره‌ها در جمع خودشان، برگزاری دورهمی و صحبت در مورد اعضای گروه و موارد دیگری مانند تلاش برای سورپرایز کردن ستاره‌ها و یا ایجاد زنجیره انسانی در فرودگاه‌ها برای جا به جایی بی‌دردسر ستاره‌ها، صحبت به میان آورده اند.

مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه خود از ضرورت ادای دین به پسران بی‌تی‌اس یاد کرده است:

«مسعود تو سعی نکردی که بی‌تی‌اس رو به بقیه بشناسانی؟»

چرا، این کار رو خیلی کردم. من وقتی سال دوم دبیرستان بودم، به دوستان و هم‌کلاسی‌هام بی‌تی‌اس رو معرفی کردم و بعداً که وارد بازار کار شدم، باز دوستان جدید پیدا کردم، به اون‌ها هم بی‌تی‌اس رو معرفی کردم. وقتی هم که تعطیلات عید به شهرستان زادگاهمان می‌رفتیم، به پسر خاله‌ها و پسر عموها و دختر دایی‌ها بی‌تی‌اس رو معرفی کردیم، وقتی می‌گم کردیم، یعنی خانوادگی برای بی‌تی‌اس تبلیغ می‌کردیم. مثلاً خواهرام به دختری فامیل می‌گفتند و من و برادرم به پسرای فامیل بی‌تی‌اس رو معرفی می‌کردیم.

چرا این قدر برای بی‌تی‌اس تبلیغ می‌کردین؟

آشنایی خانواده ما با بی‌تی‌اس باعث شد تا از یأس و نوامیدی و تنهایی غربت و غریبی لحظات شادی رو با خواهرها و برادرم داشته باشیم و احساس مسوولیت در قبال همدیگه رو داشته باشیم و تازه از انجام هیچ کاری احساس ننگی نداشته باشیم. بی‌تی‌اس به من حس کمک و احترام به والدین و بزرگ‌ترها رو آموخت. پس من هم در قبال این همه لطف بی‌تی‌اس، به عنوان یه هوادار، وظیفه دارم بی‌تی‌اس رو به دیگران معرفی کنم تا هواداران بیش‌تری داشته باشه و دیگران نیز این حس من را تجربه کنن.»

در راستای تلاش برای ادای دین به گروه بی‌تی‌اس، برخی از هواداران می‌کوشند تا با هوادار کردن دیگران در این جهت فعالیت کنند.

احسان ۱۷ ساله، از تلاش برخی از هواداران در جهت تبلیغ گروه بی‌تی‌اس در فضای مجازی به شرح زیر یاد کرده است:

«دوستان تو هم طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستن؟»

بعضی‌هاشون طرفدار سرسخت گروه بی‌تی‌اس هستن و بقیه دوستانم مخالف بی‌تی‌اس هستن.

دوستان خودت طرفداری شون رو چگونه ثابت می‌کنن؟

همیشه از تیپ و قیافه‌های آیدول‌ها تقلید می‌کنند و توی گوشی‌های خودشون آهنگ‌هایی از گروه بی‌تی‌اس رو دارند و همیشه به کره‌ای روخوانی می‌کنند و برای تبلیغ بیش‌تر گروه بی‌تی‌اس فن پیچ‌هایی توی اینستا دارند.»

ثنا ۱۶ ساله، در مصاحبه‌اش از شرایط دشوار رأی دادن (استریم زدن)، به قرار زیر یاد کرده است:

«وقتی استریم می‌زنی چه اتفاقی می‌افتد؟»

اول این که استریم زدن شرایط داره همین طوری الکی که نیست (باخنده).

خوب چه طور هست؟

استریم خوب استریمی هست که ویدیو رو با کیفیت بالای ۴۸۰ ببینی، صدا باید بالاتر از ۵۰ بدون استفاده از هندزفری باشه. بعد این که بین هر یه بازدید حداقل ده دقیقه فاصله باشه.

اگر این‌ها انجام نشود چه اتفاقی می‌افتد؟

بازدید نمی‌گیرن.»

اما با وجود شرایط نسبتاً دشوار استریم زدن، هواداران زیادی در جهت ارتقای رتبه گروه بی‌تی‌اس به استریم زدن پرداخته، در عمل بر انتخاب آهنگ‌های گروه، در سایت‌های مختلف موسیقی (نظیر اسپاتیفای، سوندکلود، یوتوب و مانند آن‌ها) مؤثر واقع می‌آیند.

گلاره ۱۴ ساله نیز در مصاحبه خویش، خاطرنشان می‌سازد، وی با گذاشتن آهنگ‌های مورد نظر، دنبال کار خودش می‌رود تا در عمل ضمن استریم زدن آهنگ‌های بی‌تی‌اس از کار خودش باز نماند:

«بعد می‌دونی، استریم زدن یه سری شرایط داره مثلاً صدا از یه حدی نباید پایین تر باشه، چون اون جوری استریم به حساب نمیاد. بعد این‌هایی که من می‌شناسم حواس‌شون هست، حتماً صدا رو زیاد نکنن یا حتی خیلی وقت‌ها پیش اومده که همین جوری موبایل‌شون رو می‌گذارن که آهنگ یا موزیک ویدیو پلی بشه، بعد خودشون می‌رن کارهاشون رو انجام می‌دن و این فقط برای اینه که استریم حتماً انجام بشه (می‌خندد)».

برخی از هواداران با برگزاری جشن تولدهای پرشکوه برای ستاره‌های مورد علاقه‌شان، در عمل دست به حمایت و تکریم آنان می‌زنند. شیرین ۲۲ ساله در همین ارتباط در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد:

«- شیرین راجع به جشن تولدهای ستاره‌ها چه اطلاعاتی داری؟»

جشن‌های تولد آیدول‌ها بسیار رؤیایی و افسانه‌ای برگزار می‌شه، جشن‌هاشون رو حتی شاهزاده‌ها هم در خواب نمی‌بینند. جشن‌ها فقط در کره برگزار نمی‌شه، بلکه در بیش‌تر کشورهای جهان برگزار می‌شه، جشن تولد هر آیدولی با یه رنگ برگزار می‌شه، مثلاً برای تولد تهیونگ تمام دنیا به رنگ بنفش در آمد برای تولد جین تمام دنیا به رنگ صورتی در آمد و برای مجلل و با شکوه بودن جشن تولدها کمپانی میلیاردی خرج می‌کنه و به خاطر تولد هر کدام از آیدول‌ها کمپانی مقداری از در آمدش رو صرف کارهای خیریه می‌کنه.

- از هواداران در این چالش‌ها چی می‌خوان؟

مثلاً می‌گن بباید این بار این جشن تولد متفاوت‌تر از جشن تولدهای دیگر برگزار بشه، علاوه بر حمایت معنوی خودمان از آیدول‌مان با حمایت مالی و کمک به نیازمندان سفیران خیر و سلامتی باشیم، مثلاً این بار بیاییم انجمن حمایت از اوتیسم رو کمک کنیم و بدین صورت هواداران نیز کمک‌های مالی خود رو با کمک مدیران فن پیچ‌ها به دست نیازمندان می‌رسانند.

- این جشن‌ها چه تأثیر فرهنگی روی هواداران داره؟

فرهنگ زیبای کمک به نیازمندان و بیماران خاص رو فرهنگ‌سازی می‌کنه. هم از برگزاری جشن‌ها هواداران لذت می‌برند و هم یه کار انسانی و بشر دوستانه انجام می‌دن».

نگین ۱۳ ساله و نرگس ۲۱ ساله، از تشکیل دوره‌می‌هایی با محوریت بی‌تی‌اس در جمع دوستانشان یاد کرده اند:

«- با چه برنامه‌ای باهم در ارتباط هستین؟»

الآن که اینترنت نیست، گوگل میت، ولی در حالت عادی داخل واتساپ بودیم.

- راجع به چه چیزهایی در زمان یک ساعت صحبت می‌کنید؟

راجع به روزمون، هفته‌مون چه جوری گذرانیدیم، حال‌مون چه طوره، از چی ناراحتیم، از چی خوشحالیم از این جور چیزها.

- فکر کرده‌ام شاید راجع به کسی که تولدش است صحبت می‌کنید؟ وان‌شات‌ها و چنین مسایلی.

نه، ببینید وان‌شات موضوعی نیست که ما راجع بهش صحبت کنیم، چون در وان‌شات هر کسی سلیقه‌ای داره و سلیقه‌اش متفاوته برای همین موضوعی نیست که بخواهیم در موردش صحبت کنیم، ولی مثلاً راجع به خود اعضاء حرف می‌زنیم، راجع به همان فردی که تولدش حرف می‌زنیم.

- مثلاً راجع به چه چیزهایی؟

بگیم که خوشحالیم که تولدش، یادته که فلان موقع فلان کار را کرد، فلان تولدش یادته، اعضاء براش فلان کار را کردن از این جور چیزها».

«- خوب حالا می‌شه در مورد اون میتینگ بهم توضیح بدی؟»

عام میتینگ این جوری بود که یه سری از آرمی‌ها که باهم دوست بودن، اومدن یه پلن و برنامه ریختن که بیان هر چند وقت یک بار با دوستانشون یه جایی جمع بشن و یه جور پارتی بگیرن. ولی فقط با حضور آرمی‌ها.

اینارو یکی از دوستانم که با اینا دوست بود، بهم گفت. بعدش اون اوایل کم بودن، ولی به مرور زیاد شدن. اینایی که میتینگ می‌گیرن، وضع مالی‌شون خداست. باباهاشون از مایه‌دارای تهران ان. برای همین هزینه کلی می‌کنن. عام بعد از یه مدت خب، هی تعداد اضافه شد. هر چند وقت یه بار به مناسبتای مختلف مثل آلبوم دادن بی‌تی‌اس یا برنده شدنشون تو مسابقه‌ها و اوارد شوها دور هم جمع می‌شن. هر بار یه تم خاص داره که لباساشون رو بر اساس تم اون مراسم می‌پوشن. موقع تولد اعضاء دور هم جمع می‌شن و تولد می‌گیرن. دنسرا میان دنس می‌رن. کسی ساز بلد باشه، می‌بره و آهنگ می‌زنه، منتهی فقط آهنگای بی‌تی‌اس. کسی بلد باشه می‌خونه. کلاً دور هم جمع می‌شن و خوش می‌گذرونن. من خودم دو بار رفتم، چون دوستم بهم گفت بریم. هر کسی رو هم راه نمی‌دن، یعنی حتماً باید با خودشون دوست باشی یا دوستی داشته باشی که تو رو ببره اونجا، منم واسه همین تونستم برم، چون واسطه داشتم. آهان بعد تو مراسم و میتینگاشون همیشه کیک و کوکی‌های طرح بی‌تی‌اس هست. مسابقه برگزار می‌کنن اونجا، بعضی وقتا هم آخر سر بهت هدیه می‌دن ببری یادگاری. عام بعدم این که تم‌هایی که انتخاب می‌کنن، معمولاً تم لباس یکی از پسرا هست. یعنی مثلاً تولد تهیونگ باشه، می‌گن یکی از لباسای تهیونگ رو انتخاب کنی، شبیه اون بیاید. یه گروه هم دارن، مثل این که برنامه و جا و مکان اونجا رو مشخص می‌کنن. معمولاً هم ویلای یکی از همون خرپولا توی نیاوران بود. من اونجا رو یادمه یکی، دو باری رفتم، البته اینا مال الان نیستن. چند سال پیش بود که من رفتم. الان نمی‌دونم هست یا نه خبری ندارم ازشون دیگه.

یادمه یکی از طرفدارا می‌گفت، ما این قدر بدبختیم تو ایران که نمی‌تونیم کنسرت بریم یا پسرا بیان تو کشورمون، برا همین این جوری با بچه‌ها دور هم جمع می‌شیم، بلکه یه کم از غم نداشتن بی‌تی‌اس کم کنیم. این تنها کاریه که می‌تونیم با بقیه‌ی آرمیا انجام بدیم و خوش بگذرونیم».

رخساره ۱۶ ساله، از اقدام‌های دیگری توسط هواداران کره‌ای سخن گفته است که به مناسبت هم جواری با گروه بی‌تی‌اس، از برخی از امکان عمل‌های خاص نیز برخوردارند:

«... فکر می‌کنی آرمی‌ها دیگه چه کارهایی در ارتباط با ستاره‌ها انجام می‌دهند؟

آرمی‌ها مثلاً بی‌تی‌اس را سورپرایز می‌کنن داخل کنسرت.

- چه طوری؟

مثلاً داخل یکی از کنسرت‌ها که به ترتیب داخل استیج هفت تا صندلی بود، بی‌تی‌اس داخل هفت تا صندلی نشسته بود و می‌خواست شروع کنه پشت پرده‌اش تاریک بود، آرمی‌ها با کمک کسی که اون گروه را ساخته بود، هماهنگ بودن، مثلاً پشت پرده‌اش کاملاً سیاه بود، کنسرت بود هیچ نوری نبود، اون‌ها هم رو استیج نشسته بودن می‌خواستن شروع کنن، یهو استیج روشن شد پشت پرده‌اش یه عالمه تصویر که اکثراً تصویر آرمی‌ها بود که چسبونده بودن بهم که آرمی‌ها داشتن برایشون موزیک می‌خوندن، البته اون‌ها خیلی سورپرایز شده بودن».

### تلاش در جهت افزایش هواداران

گروه بی‌تی‌اس، هواداران قابل توجهی را جذب خویش کرده است. برخی از هواداران به دلایل سطحی‌تر نظیر جذابیت چهره ستاره‌ها، جذابیت آرایش و پوشش آن‌ها و برخی به دلایل جدی‌تری نظیر تغییریری که گروه در زاویه دیدشان نسبت به مسایل اطرافشان پدید آورده است، طرفداری از گروه بی‌تی‌اس را در دستور کار خود قرار داده اند.

بررسی آرای طرفداران جدی‌تر، بیانگر آن است که این هواداران، از آن رو که گروه با ایجاد افق دیدی جدید، به زندگی آنان رنگ تازه‌ای بخشیده است، غالباً خود را موظف می‌دانند که از پسران بی‌تی‌اس حمایت به عمل آورده، به این ترتیب به گروه بی‌تی‌اس ادای دین کنند.

پیش‌تر از برخی از اقدام‌های هواداران نظیر استریم زدن، رأی دادن به گروه در جشنواره‌های مختلف موسیقی، تلاش در جهت ارتقای رکوردهای ستاره‌ها در فضای مجازی (تعداد تعقیب کنندگان، بازدید کنندگان، شرکت کنندگان در لایوها و مانند آن)، یاد شد.

هواداران بی‌تی‌اس در فراز دیگری از حمایت‌های خویش از گروه مورد علاقه‌شان، تلاش در جهت افزایش تعداد هواداران را در دستور کار خویش قرار داده‌اند و مستقیم و غیرمستقیم در صدد افزایش تعداد طرفداران گروه بی‌تی‌اس هستند.

این افراد تلاش‌های خویش را غالباً از خانواده خود شروع کرده، در ادامه دوستان، هم‌کلاسی‌ها و افراد فامیل و آشنایان خود را به طرفداری از بی‌تی‌اس فرا می‌خوانند و سرانجام برای ترغیب مردم جامعه به هواداری از گروه، با به نمایش درآوردن ارتش هواداران در برابر دیگران، سعی در ترغیب غیرمستقیم آنان در روآوردن به گروه بی‌تی‌اس می‌کنند.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خودش، به این نکته اشاره کرده است که وی برای افزایش جمعیت هوادار گروه بی‌تی‌اس، در صدد آرمی کردن اعضای خانواده‌اش برآمده است:

«... دوستم کل خانواده‌اش آرمی هستن، مادر، پدر، برادر، خواهر همه آرمی ان.

– چه جوری کل خانواده آرمی شدن؟

یک‌سری خانواده‌ها هستن خوب خیلی گارد ندارن نسبت به همه چیز و این که کم‌کم خودشون تو نماوا این‌ها دور هم برنامه‌ها را دیدن، اون موقع هنوز همه‌ی خانواده با گروه آشنا نبودن ولی این برنامه‌ها را می‌دیدن، می‌خندیدن یا مفهوم شعرهاشون یک جوری ان که مامان بابا و کلاً همه وقتی شنیدن و فقط به ظاهر اینا توجه نکردن و گارد بگیرن، متوجه شدن که اینا واقعاً آدمای خوبی ان و کلی کارهای خوب می‌کنن، دیگه خانواده‌اش هم آرمی شدن.

– خانواده‌های دیگه به چه صورت واکنش نشان می‌دهند؟

من خودم با مامان بابام در موردشون حرف می‌زنیم، آیدولا را می‌شناسن، می‌دونن وسایل و لباس پوشیدن من چه جوریه ولی همیشه دل شون می‌خواد یک چیز بدی را در موردشون به من بگن. ولی تقریباً اکثر مامان ما آرمیا می‌شناسنشون. این قدر که دیدن ماها علاقه‌مندیم و تو هر فرصتی داریم به چیزی ازشون می‌بینیم، دیگه آشنا شدن. من فکر کنم الانا دیگه اغلب مامان‌ها تاحدی هم همکاری می‌کنن، یعنی دیگه تو مدل لباس پوشیدن و وسایلی که می‌خریم یا تو اتاق عکس‌هایی که آویزون می‌کنیم، یا مثلاً وقتی قاطی نیست اعصابشون به ویدیو را می‌بینن، ماها الان راحت‌تریم، البته بعضی‌ها هم کلاً مخفی می‌کنن از خانواده. الان دیگه خانواده‌ها مشکلی ندارند که دوستشون داشته باشی، فقط باید از کار و زندگیت نیفتی. من خودم پدرم اصلاً اهل آهنگ نیست به مامانم که آهنگش رو با زیرنویس نشون دادم خوشش اومد، منظور من از معنا و مفهوم آهنگ چیه رو تازه فهمیدم. کلاً پدر و مادر من مشکلی ندارند که طرفدار کسی باشم که یکی از دوستانم زنگ زد گفت دویی کنسرت گذاشتن گروه بلک‌پینک، بابام گفت می‌خوای بریم، حالا قرار شده با همدیگه بریم.

در کل این چند سال فکر می‌کنم مشکل خانواده‌ها کم‌تر شده.

– خود پدر مادرها هم آرمی شدن؟

توی ایران هنوز خیلی پدر مادرا آرمی نشدن، ولی توی خارج خیلی زیاده.

– از کجا این رو می‌دونی؟

مثلاً برای مثال، به ویدیو هست (باخنده) مادری طرف داره می‌ره کنسرت بی‌تی‌اس و بچه‌اش رو مجبور می‌کنه که ببردش فرودگاه برای این که برسه به کنسرت».

فرشته ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، به قول خودش به شکلی موزیانه، با یافتن نقاط مشترک اطرافیان با گروه بی‌تی‌اس، روی نقاط مشترک مورد اشاره، دست نهاده و مانور می‌دهد تا به این ترتیب افراد بی‌تفاوت نسبت به گروه بی‌تی‌اس را به این گروه علاقه‌مند سازد:

«در معرفی بی‌تی‌اس چه توضیحی از خصوصیات این گروه را می‌دی؟»

خب زمانی که بهشون موزیک ویدیو یا ویدیوی مورد نظر رو نشون می‌دم، خودشون متوجه با استعداد بودن گروه می‌شن (می‌خندد) و من به روشی برای تحت تأثیر قرار دادن بقیه دارم، مثل گوشزد کردن علایق یا کار مشترکی که بین اون شخص با بی‌تی‌اس هست یا سعی می‌کنم چیزایی رو در موردشون یادآوری کنم که نظر اونا رو عوض کنم، مثلاً چی؟ اون لیدرشونه، تونسته تو یک سال انگلیسی یاد بگیره یا مثلاً اونا کتاب می‌خونن یا ۱۱ مثلاً کارگردان مورد علاقه‌ی بابام کریستوفر نولانه و اینا رو به هم ربط می‌دم. چه طوری؟ کارگردان مورد علاقه‌ی شوگا کریستوفر نولانه‌ها، تمام فیلماش رو دیده. این جوری مثلاً پدر من متوجه می‌شه، سبک فیلم دیدن اونا سطح بالا هست یا تاحدودی هم عقیده ان، در واقع روی نقطه ضعفشون دست می‌ذارم، همین قدر کلک و موزی (می‌خندد)».

الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه‌اش از تلاش برای آرمی کردن خواهر و هم‌کلاسی‌های خودش یاد کرده است. مسعود ۲۰ ساله و شیرین ۲۲ ساله هم از تلاش‌های خودشان برای ترغیب هم‌کلاسی‌ها و فامیل برای طرفداری از بی‌تی‌اس یاد کرده اند:

«در اعضای خانواده کسی هست که مثل خودت آرمی باشه؟»

خواهرم رو دارم آرمی می‌کنم و الآن اون یه نیوآرمی هستش.

- خوب چه طوری اون رو آرمی کردی؟

اون رو با دیدن فیلم‌ها و عکس‌های بی‌تی‌اس تبدیل به یک آرمی‌اش کردم.

- به جز خواهرت کس دیگه‌ای رو آرمی کردی؟

خب من قبلاً کلاس زبان انگلیسی می‌رفتم که یه دختره هم‌کلاسی‌ام بود که اون رو آرمی کردم.

- اون رو چه طور آرمی کردی؟

بهش در مورد بی‌تی‌اس گفتم، اون نمی‌شناختشون ولی وقتی من گفتم رفت و در موردشون سرچ کرد و آرمی شد».

«مسعود تو سعی نکردی که بی‌تی‌اس رو به بقیه بشناسانی؟»

چرا، این کار رو خیلی کردم. من وقتی سال دوم دبیرستان بودم، به دوستان و هم‌کلاسی‌های بی‌تی‌اس رو معرفی کردم و بعداً که وارد بازار کار شدم، باز دوستان جدید پیدا کردم، به اون‌ها هم بی‌تی‌اس رو معرفی کردم. وقتی هم که تعطیلات عید به شهرستان زادگاهمان می‌رفتیم، به پسر خاله‌ها و پسر عموها و دختر دایی‌ها بی‌تی‌اس رو معرفی کردیم، وقتی می‌گم کردیم، یعنی خانوادگی برای بی‌تی‌اس تبلیغ می‌کردیم. مثلاً خواهرام به دخترای فامیل می‌گفتند و من و برادرم به پسرای فامیل بی‌تی‌اس رو معرفی می‌کردیم.

- چرا این قدر برای بی‌تی‌اس تبلیغ می‌کردین؟

آشنایی خانواده ما با بی‌تی‌اس باعث شد تا از یأس و نوامیدی و تنهایی غربت و غریبی لحظات شادی رو با خواهرها و برادرم داشته باشیم و احساس مسوولیت در قبال همدیگه رو داشته باشیم و تازه از انجام هیچ کاری احساس ننگی نداشته باشیم. بی‌تی‌اس به من حس کمک و احترام به والدین و بزرگ‌ترها رو آموخت. پس من هم در قبال این همه لطف بی‌تی‌اس، به عنوان یه هوادار، وظیفه دارم بی‌تی‌اس رو به دیگران معرفی کنم تا هواداران بیش‌تری داشته باشه و دیگران نیز این حس من را تجربه کنن.

- از تبلیغ کردن برای گروه بی‌تی‌اس چه احساسی داشتی؟

حس خوب و احساس مسوولیت و ادای دین نسبت گروه رو وظیفه خود می‌دانستم».

«تو هم سعی کردی گروه بی‌تی‌اس رو به دوستانت معرفی کنی؟»

بعد از آشنایی کامل با گروه بی‌تی‌اس تا جایی که خودم قانع شوم که این گروه رو کاملاً می‌شناسم و دوست‌شون دارم، این گروه رو به هم‌کلاسی‌هایم و بچه‌های فامیل معرفی کردم و تاحدی هم در این جهت موفق بودم.

- واکنش دوستان و هم‌کلاسی‌ها در این رابطه چگونه بود؟

وقتی برای اولین بار اعضای بی‌تی‌اس رو دیدند و خیلی خوش‌شون اومد. وقتی باهم آهنگ‌هاشون رو گذاشتیم، کلی لذت بردیم و از یه کلاس ۲۵ نفره، حدود ده نفر از بی‌تی‌اس خوش‌شون اومد و مرتب پیگیر آهنگ‌ها و ویدیوهای جدید بی‌تی‌اس می‌شدند.

طرفداران گروه بی‌تی‌اس در فراز دیگری از اقدام‌های خویش برای ترغیب دیگران به گرایش یافتن به گروه بی‌تی‌اس، کوشیده‌اند تا با به نمایش گذاردن سمبل‌ها و نمادهای گروه بی‌تی‌اس در جامعه، به نوعی توجه افراد غیر هوادار را معطوف به خود کنند.

نگین ۱۳ ساله، از اقدام هواداران کره‌ای در پوشیدن کفش بنفش (رنگ گروه بی‌تی‌اس) و ریحانه ۱۵ ساله، از الزام دوستان هوادارش در کاربری از وسایل بی‌تی‌اس یاد کرده‌اند. ریحانه، در گزارش خود تأکید می‌کند، دوستان هوادار او خاطرنشان ساخته‌اند، کسی که از وسایل منتسب به گروه بی‌تی‌اس سود نمی‌برد، آرمی واقعی به حساب نیامده و آرمی الکی است:

«گفتی آرمی‌ها قرار گذاشتند که کفش بنفش بپوشند؟»

الآن پوشیدن دیگه، هر کسی تو کره زندگی می‌کنه، الآن پوشیده آرمی بوده و الآن دیگه این جوریه که خیلی قشنگ هر کسی کفش بنفش بپوشه، یعنی منتظر چیزی هست، البته تو کره، نه تو ایران.

- منتظر چه چیزی هستند؟

منتظر این که دو سال سربازی اعضای بی‌تی‌اس تمام بشه.»

«... من اون پیج رو تازه فالوش کردم، هنوز ازش چیزی سفارش ندادم، اما یه سری فتوکارت‌هایی دیدم، عکس هر کدوم از اعضای بی‌تی‌اس رو که بخوای برات روش می‌زنن و می‌تونن سفارش بدی و باهاشون قاب گوشی درست کنی. می‌خوام با عکس جیمین سفارش بدم. بعد یه چیز جالب این که هر کدوم از آیدول‌ها برا خودشون یه باله لب مخصوص خودشون رو دارن، مثلاً یه نوعش مال جیمینه، یکی مال جانگ‌کوک و می‌تونن سفارش بدی، برات بفرستن. آلمانیه. یه سری گردنبندهایی هم هست اسم آیدول‌ها روشه به هر کدوم علاقه داشته باشی می‌اندازی گردنت، دوستان خریدن، می‌گن هر کی طرفدار بی‌تی‌اسه باید تو گروه‌مون بخره، وگرنه، نشون می‌ده که الکی می‌گه طرفداره.»

- یعنی دوستان تو گردنبند بی‌تی‌اسی رو نشونه طرفدار واقعی بی‌تی‌اس بودن می‌دونن؟

آره، منم باید بخرم. می‌خوام مال جیمین رو بخرم. دوستان حتی کیف بی‌تی‌اس و استیکرش رو هم خریدن. فاطمه می‌گه اگه کسی اینا رو نداشته باشه، از گروه باید بره بیرون. منم یه بار به مامانم گفتم منم باید بخرم، مامانم گفت کیف دارم و جدید خریدم، سر همون کیف با دوستان دعوا کردیم. منم قول دادم سال دیگه می‌خرم.

- خوب اگه نخری تو رو هم بیرون می‌کنن؟

آره، ممکنه.

- یعنی فقط به خاطر این که کیف بی‌تی‌اس رو نخردی؟

خب می‌گن نشونه یه آرمی واقعی هستش. کسی رو هم که آرمی واقعی نباشه، از گروه‌شون بیرون می‌کنن. حتی اگه تولد یکی‌شون باشه، می‌رن بیرون باهم جشن می‌گیرن و کیک اینا می‌گیرن. اکثر وسایل‌شون رو هم دارن.

- از همون پیچی که گفتی می‌خرن؟

آره، اینم عکسشه.»

مریم ۱۸ ساله، از رخدادهای اخیر با عنوان «مد شدن کی‌پاپی بودن در بین تین ایجرها» یاد کرده است.

تبلیغ غیرمستقیم گروه بی‌تی‌اس، مورد دیگری است که در تشویق افراد به کاربری از گروه بی‌تی‌اس ملاحظه می‌شود.

از آنجا که دوستان هم‌کلاس و هم‌مدرسه، غالباً گروه‌های هم‌سالان افراد را نیز تشکیل می‌دهند، افراد هوادار، هم‌سالان غیر هوادار را مستقیم و غیرمستقیم وادار به همنوایی با گروه می‌کنند. از این رو برخی از افراد مصاحبه شده خاطرنشان ساخته‌اند که فشار غیرمستقیم دوستان از سویی و فضایی که دوستان در ارتباط با بی‌تی‌اس در کلاس و مدرسه ایجاد کرده بودند، از سوی دیگر، مشوق آنان در هوادار شدنشان گردیده است:

«- از چه زمانی با گروه‌های کی‌پاپ آشنا شدی؟»

بلک‌پینک را من ۱۰ سالم بود که لینک شدم تا ۱۲ سالگی هم لینک موندم، ولی بعد یکی از دوست‌هام بحث را در مورد بی‌تی‌اس باز کرد و بهم معرفی کرد، من هم اولش نمی‌دونستم بی‌تی‌اس چیه و فکر نمی‌کردم مثل همون بلک‌پینک باشه، فقط فکر می‌کردم تعداد اعضای اون بیش‌تره و پسر هستند، دختر نیستند و خوب بعد من دوست‌هام معمولاً یک کاری می‌کنن آدم مجبور بشه بره سمت یک چیزی» (نگین، ۱۳ ساله).

پدیده جدید دیگری که با سایه گستر شدن فضای مجازی و پیشرفت هوش مصنوعی در این زمینه ملاحظه می‌شود، کاربری هواداران از محتواهای مربوط به گروه بی‌تی‌اس در مثلاً شبکه اجتماعی اینستاگرام است.

از آنجا که اکسپلور اینستاگرام مبتنی بر هوش مصنوعی عمل می‌کند، هوش مصنوعی اکسپلور با توجه به این که دوستان فردی کاربر محتوای بی‌تی‌اس هستند، برای آن فرد ثالث (که هوادار بی‌تی‌اس نیست) هم محتواهای مرتبط به گروه بی‌تی‌اس را ارسال می‌کند (زیرا دوستان وی کاربر این محتواها هستند و طبق منطق هوش مصنوعی، وی نیز منطقاً باید همچون دوستانش، تمایلی به این گروه از خود نشان بدهد). مواجهه افراد غیرهوادار با محتواهای پیشنهادی اکسپلور اینستاگرام، ممکن است به علاقه‌مندی و گرایش آنان به گروه پسران بی‌تی‌اس بینجامد.

### تعصب ورزیدن در طرفداری

یافته‌های میدانی گردآمده از طریق مصاحبه‌های انجام شده حکایت از تعصب ورزیدن افراطی اقشار قابل تأملی از هواداران بی‌تی‌اس (خاصه طرفداران سنین پایین‌تر) دارد.

از مجموعه فضای هیجانی پدید آمده از طرف کمپانی، برخوردهای هیجانی اعضای گروه بی‌تی‌اس، برخوردهای هیجانی هواداران و شکل‌گیری عشق تخیلی در اقشار قابل توجهی از هواداران در ارتباط با ستاره‌ها و کلاً برخوردهای هیجانی نوجوانان و جوانان، می‌توان انتظار داشت که ماحصل برخورد هواداران با گروه بی‌تی‌اس، بیش‌تر از هواداری منطقی، یک هواداری کور و متعصبانه باشد.

کمپانی بیگ‌هیت با ارتقای صنعت موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی و طراحی انبوهی از برنامه‌های سرگرمی، طنز و هیجان‌آمیز، در عمل فضای پر هیجانی را برای گروه بی‌تی‌اس رقم زده است.

آیدول‌های گروه بی‌تی‌اس نیز در جریان حمایت‌های شعارگونه‌شان (شعارهایی مانند این که «اگر کسی به شما توجه ندارد، بدانید که یک نفر در سؤال به فکر شما است»، «ما عاشق شما هستیم و عاشقانه شما را دوست داریم»، «ما را همواره پشت خودتان احساس کنید» و نظایر آن)، فضایی عاطفی و هیجانی بین خود و هواداران‌شان پدید می‌آورند و با اجراهای توأم با نورافشانی و رقص، هیجان‌انگیز را مضاعف می‌سازند.



پیش تر در مورد عشق تخیلی نیز گفته شد که ذهن جوان تازه به بلوغ رسیده، آماده تجربه عشق و عشق ورزیدن است که با یافتن بهانه‌هایی نظیر ستاره‌های جذاب، خندان، صمیمی و مهربان، عشق بین هواداران (دختر) و ستاره‌ها به سادگی شکل می‌گیرد و دختران حتی ممکن است برای سال‌ها، عشق پرشوری را که در ذهن‌شان نسبت به ستاره‌ها احساس می‌کنند، با خود نگاه دارند.

برخوردهای هیجانی تشکل‌های هواداری در جریان نفی دیگر گروه‌های رقیب و اثبات گروه بی‌تی‌اس، شرکت در جنگ فندوم‌ها (فن‌وارها)، استریم زدن برای آهنگ‌های بی‌تی‌اس، رأی دادن به ستاره‌ها در جشنواره‌های مختلف، تلاش برای افزایش لایک پست‌ها و بازدید لایوهای فردی و جمعی اعضای بی‌تی‌اس و مانند آن‌ها، بر هیجان صحنه می‌افزایند.

سرانجام ویژگی برخوردهای هیجانی و به شدت هیجانی نوجوانانی که مراکز هیجانی مغزشان سریع‌تر از مراکز شناختی مغز به ثمر رسیده‌اند، و نوجوان و رفتارهایش را همواره در التهاب نگاه می‌دارند، در تشدید برخوردهای متعصبانه هواداران ذی‌نقش و مؤثرند.

بررسی اطلاعات میدانی دلالت بر آن دارد که اگر چه معدودی از هواداران، دست به تحلیل‌هایی واقع‌نگر و منطقی در ارتباط با گروه مورد علاقه خودشان می‌زنند، اما بیش‌تر تحلیل‌های هواداران نوجوان و جوان، متعصبانه و جهت‌گیرانه است.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خویش تأکید می‌ورزد «ما تحت هر شرایطی از آیدول خودمان مراقبت می‌کنیم».

برخی از هواداران دیگر، با زیر سوال بردن فرد ناقد، در عمل بدون ارایه هیچ پاسخی، از کنار نقد مطرح شده، به سادگی عبور کرده و می‌گذرند، ولی غالب هواداران در اکثر مواقع با توسل و تمسک به توجیه کردن، سعی می‌کنند، نقدهای وارد به ستاره‌ها را رفع و رجوع کنند. در حالت اخیر نیز گاهی هواداران متعصب، با زیر سوال بردن فرهنگ کره جنوبی به توجیه خویش سامان می‌دهند و گاهی با زیر سوال بردن کمپانی بیگ‌هیت کار خویش را به انجام می‌رسانند، اما آنچه که در این میان مهم هست، دفاع جانانه از ستاره‌ها، پس از ارایه پاسخ‌های نصفه نیمه به نقدهای وارد شده به اعضای گروه است.

نگین ۱۳ ساله و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خود، آشکارا به دفاعی بی‌منطق از ستاره‌ها می‌پردازند:

«... خوب ما اصلاً راستش برامون مهم هم نیست، یعنی ما از اولش هم می‌دونستیم، یعنی شما طرف هر آیدولی برین، یک چیز این طوری راجع بهش هست و خوب ما هم مشکلی نداریم، ما از اولش هم قبل از این که آرمی بشیم، همه دوست‌های من قول داده بودیم که در هر شرایطی حمایت‌شون می‌کنیم، اصلاً مهم نیست گرایش‌شون چی باشه، چه جوری زندگی می‌کنن، با صورت و قیافه و این‌هاشون چی کار می‌کنن».

- اون سری که مثل شما فکر نمی‌کنن، طرز تفکرشون به چه صورت است؟

نوع دیگه یک‌سری کامنت‌ها روی این عکس‌ها هست، روی این شایعه‌ها که مثلاً می‌گه نه خیر، جیمین پاک‌تر از این حرف‌ها هست و اصلاً از این کارها نمی‌کنه».

«یک کار دیگه که بی‌تی‌اس کرده و می‌کنه اینه که این پیام رو به طرفداراش می‌ده که اون کاری که دلت می‌خواد یا الان توی فکرته یا به قول خودمون توی جوش هستی رو انجام بده، بدون این که فکر کنی عاقبتش چی می‌شه و بدون این که بترسی که چه کسی در برابرت می‌ایسته و می‌خواد جلوت رو بگیره. یه جورایی می‌گه برو توی دل ماجرا. مثلاً درباره کسانی که تصمیم گرفتن عمل تغییر جنسیت انجام بدم من خیلی بدم میاد که یه سریا می‌گن بیایم باهاشون حرف بزیم یا مثلاً بفرستیم‌شون پیش مشاور که شاید نظرشون عوض بشه. به نظرم نباید کسی جلوشون رو بگیره».

شیدا در اظهار نظر خویش، تجربیات علمی را نیز نفی کرده، مدافع هواداری ظاهر شده است که (شاید به شکلی احساسی) در صدد تغییر جنسیت خویش برآمده است.

در موارد دیگری هواداران به جای ارایه پاسخ مستدل، می‌کوشند با زیر سوال بردن فرد ناقد، اصولاً زحمت پاسخ دادن به نقد را متحمل نشوند:

«- به نظرت چرا بعضی‌ها از گروه بی‌تی‌اس متنفرند؟»

به خاطر این که نمی‌خوان ببینن که چه انسان‌های معروف و چه شخصیت‌های خیرخواهی در این کره زمین از خودشون برتر و بالاتر وجود دارد. اعضاء هر چه جذاب‌تر و معروف‌تر باشند، دشمنان بیش‌تری خواهند داشت و دشمنان به دنبال تخریب اون‌ها، دست به هر تهمتی می‌زنند.

- می‌شه چندتا از این تهمت‌هایی که به بی‌تی‌اس می‌زنن رو با مثال بگی؟

مثلاً اگر دوتا از اعضاء باهم برای وقت گذراندن به کافه شاپی برند، عکاسانی در کمین اون‌ها منتظرند تا شاید عکس‌های جنجالی بگیرن و ممکنه این دوتا دوست که عین برادر سال‌ها هست باهم زندگی می‌کنند، هیجانی بشن و دست همدیگر رو بگیرن و یا جوکی تعریف کنن و از خنده بر روی شونه‌های هم بززن و یا همدیگر رو برادرانه درآغوش بکشند و یا همدیگر رو ببوسند. در اینجاست که عکاسان کمین کرده و یک عکس‌های جنجالی و عاشقانه با فتوشاپ براشون تهیه می‌کنند و به روزنامه‌ها و مجلات کره می‌فروشند و به این ترتیب، آبرویی برای آیدول‌ها نمی‌ذارند و انگ همجنس‌گرایی بهشون می‌زنند.

- اثر گذاری این تهمت‌ها روی هواداران رو چگونه ارزیابی می‌کنی؟

هوادارانی که چند سالی می‌شه بی‌تی‌اس رو می‌شناسند، باور نمی‌کنند که این گروه با این همه که دست‌شون تو کار خیر هست و برای نیازمندان پیام‌های خیرخواهانه بر سر زبون‌شونه، این تهمت‌ها درباره‌شون درست هست. ولی هستند هواداران تازه وارد و یا هوادارانی که هنوز اطلاعات کاملی از گروه رو ندارند که این تهمت‌ها رو باور می‌کنند و در نتیجه یا از ادامه هواداری منصرف می‌شن و یا با تردید به هواداری خودشون ادامه می‌دن».

توجیه نقدهای مطرح شده، شایع‌ترین شکل برخورد هواداران متعصب با انتقاداتی است که بی‌تی‌اس را خطاب قرار داده اند.

نگین ۱۳ ساله، رخساره ۱۶ ساله و شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش کوشیده اند تا با توجیه نقدهای وارده به گروه، به حل و فصل مسایل مطرح شده در ارتباط با گروه و ستاره‌های آن بپردازند:

«- بی‌تی‌اس در مورد محیط زیست دغدغه‌ای دارد؟»

خیلی (با تأکید)، از حیوانات حمایت می‌کنند، جایی از این که خودشون حیوون خونگی دارند، توی خونه‌شون به شدت همه‌شون عاشق حیوانات هستند و خیلی براشون مهمه که به حیوان آسیبی نرسه.

- چه کارهایی مثل انجام می‌دن؟

مثلاً به یک سری چنل‌هایی که برای حفظ محیط زیست هستند، کمک مالی کردند.

- این‌ها رو خودت دیدی که به چه کمپنی کمک کردند؟

کمپن خاصی نه، ولی خبرش تقریباً همه جا بوده.

- خوب دیگه چه کارهایی؟

حمایت راستش خیلی زیاد کردن، اگه بخوام الآن بشینم، دونه، دونه، بگم، یه لیست بلند بالایی می‌تونم بگم از این جور کارا هست دیگه.

- اون دفعه که با همدیگه صحبت می‌کردیم به من گفتم که این‌ها لباس خیلی زیاد دارن، کسی که می‌خواد از محیط زیست مراقبت کنه،

چه جوری این همه لباس متنوع و جدید خرید می‌کنه؟

اینا رو که خودشون نمی‌خرن، کمپانی می‌خره، یعنی خودشون نقشی ندارد و مجبورند که هر لباس کمپانی می‌گه بپوشند.

- یک نفر به من می‌گفت که خیلی ناراحته به خاطر این که نمی‌تونه مثل اونا لباس بخره و لباس بپوشه؟

خوب آخه شما باید ببینید کی داره اینو بهتون می‌گه، خوب اینا میلیاردرن دیگه، وقتی یکی میلیارده، آره خوب معلومه که باید بخره و بپوشه.  
- یعنی پس لباس زیاد می‌خرند؟

اونا خودشون نمی‌خرند، از پولی که در میارن، کمپانی براشون لباس می‌خره. به غیر از لباس‌های خونه‌شون، بقیه لباس‌هاشون مال کمپانیه، بعد تازه اینا اصلاً لباس نمی‌خرند، اینا خیاط دارند معمولاً می‌رند و یه خیاط براشون لباس می‌دوزه و پارچه‌هاشون معمولاً پارچه‌هایی نیستن که به محیط زیست آسیب بزنه.

- این رو از کجا می‌گی؟

راستش من اون اول که یکی از دوستانم قرار بود من رو آرمی بکنه، ویکی پدیا خوانده بود و گفتش که اونجا اینا رو نوشته، ولی ببینید، به هر حال وقتی تو اون شرایط و جایگاهی مجبوری که متنوع بپوشی، باید این طوری باشی راه‌گریزی نیست».

«- چرا اعضای گروه با برنامه وایت واشینگ عکس و فیلم‌های خودشون را سفید می‌کنند و در عمل از نژاد خودشون فاصله می‌گیرند؟

این مسأله ربطی به نژادپرستی توشون نداره، نه اصلاً اونا نژادپرست نیستند، اونا سعی کردن توی همون کاخ سفید هم در مورد نژادپرستی حرف بزنن، به خاطر همین صحبت‌هاشون ازشون تشکر می‌شه. این می‌تونه معیار زیبایی باشه تو کره، نه به خاطر نژادپرستی. این کاری که کمپانی می‌کنه کاری نیست که خودشون بخوان، یعنی اصلاً این برنامه همه اینا زیر نظر کمپانی ساخته شده و به هر حال آیدول ان دیگه، باید یه جوری دیده بشن که کمپانی تأیید می‌کنه و طرفداراش رو زیاد می‌کنه.

- اگر با رنگ پوست خودشون دیده بشن، طرفدارهاشون کم می‌شه؟

راستش رو بخوای این طوری فکر نمی‌کنم برای من و دوستانم اینا هر رنگی باشن، هر شکلی باشن، همون قدر ارزش دارن، ولی نمی‌دونم چرا کمپانی دلش خواسته که سفیدتر دیده بشن، فکر کنم به خاطر همون معیارهای خود کره هست، خود اونا این جوری دوست دارن.

- به نظرت به هر حال این به این معنی نیست که خودشون یه جوری دارن رفتار می‌کنند که با نژاد خودشون مسأله دارند؟

نه، به نظرم این طوری نیست که با نژادشون مسأله دارن، نژاد که فقط تو رنگ پوست معنی نمی‌شه، به نظرم اینا همه وجودشان معلومه که کره‌ایی ان، میکاپ و این یه ذره این برنامه‌ها که سفیدتر نشون می‌ده، همه اینا به خاطر کمپانیه، به خاطر این که تو اجراها بهتر دیده بشن، به نظرم دلیل دیگه‌ای نداره.

- و مثل این که به هر حال کمپانی سعی داره که سفیدتر از اون چیزی که هستن، نشون شون بده؟

نمی‌دونم شاید می‌تونه به این برگرده که خوب اینا دیگه همه جای دنیا طرفدار دارن و همه نگاهشون می‌کنن، خوب شاید اگه یه ذره سفیدتر دیده بشن آدمای بیش‌تری ازشون خوششون بیاد، شایدم کلاً تو کشورشون اعتماد به نفس خودشون پایینه، این طوری خواستن چه می‌دونم شاید اعتماد به نفسشون را یه جوری بالا ببرن، ولی بازم می‌گم، این مسأله به نظرم به نژادپرستی ربطی نداره، این همه کار برای نژادپرستی می‌کنن، حالا یه ذره سفیدتر دیده بشن، کاراشون رو نقض نمی‌کنه».

«- شب‌نم یه موضوع دیگه‌ای که شما درباره‌اش حرف زدی، اینه که اعضای بی‌تی‌اس خیلی مخالفت می‌کنن با قوانین شرکت طرف قراردادشون و کارهای خودشون رو و اون چه که دلشون می‌خواد رو انجام می‌دن. اما من اطلاعاتی دارم که می‌گه اون قدر قراردادهای این‌ها سنگین و سخته که حتی حق ندارن رنگ موی خودشون رو انتخاب کنن و یا این که شرکت تصمیم می‌گیره براشون که کجای بدنشون رو باید عمل کنن و اونا حق اعتراض و امتناع ندارن. همین طورم در مورد اظهار نظر آزاد و حق ازدواج هم هیچ‌گونه تصمیمی بدون اجازه شرکت نمی‌تونن بگیرن!»

خب اینا که هست، البته من فکر نمی‌کنم به این شدت. چون یه موقع یه حرفایی می‌زنن که به نظر بر ضد کمپانیه. ولی خب یه جورایی انتخاب بین محبوبیت و موفقیت و پول و اینم چیزیه که بابتش می‌پردازن».

در روند توجیه کردن نقدهای مطرح شده در ارتباط با گروه بی‌تی‌اس و ستاره‌های آن، برخی از هواداران، فرهنگ کره را مسوول شکل‌گیری نقد مطرح شده دانسته، بعضی از هواداران دیگر، کمپانی بیگ‌هیت را مسوول اصلی ماجرا قلمداد کرده، ستاره‌های مورد علاقه خودشان را در این میان تبرئه می‌کنند.

مسعود و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خود، با فراموش کردن مسوولیت انسانی ستاره‌ها، کمپانی بیگ‌هیت را زیر سوال برده، سعی می‌کنند به این ترتیب تخطی ستاره‌های محبوب‌شان را از مسوولیت انسانی خویش، نادیده بگیرند:

«- تاحالا با دوستانت درباره بی‌تی‌اس به اختلاف نظر برخورد کردی؟

آره، خیلی.

- می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً چند وقت پیش یکی از دوستانم از آرایش و قیافه زنانه‌ی گروه بی‌تی‌اس ایراد می‌گرفت و می‌گفت اینا خودشون که هیچ عیبی ندارند، دیگه چرا آرایش می‌کنند و خودشون رو خوشگل‌تر می‌کنند. چه دلیلی داره جز تحریک کردن دیگران و من هر چه بهش می‌گفتم که کارای گروه بی‌تی‌اس دست خودشون نیست و رؤسای آن‌ها به گریموورها دستور می‌دن که مثلاً فلان آیدول آرایشش صورتی باشه یا قرمز و دوستم این حرف‌های من به کله‌اش نمی‌رفت و می‌گفت با این که دوست‌شون دارم، ولی نباید آرایش کنند، باید مثل بیشتر پسرها ساده باشند.

- تونستی دوستت رو قانع کنی؟

در حد توانم بهش فهماندم که پسران بی‌تی‌اس حق اعتراض ندارند، چون ازشون تعهد گرفتن و باید انجام بدن و او می‌گفت اون‌ها نباید کاری رو با زور انجام بدن، این همه استعداد دارند، پس بیان بیرون و خودشون برای خودشون کار کنند و ما هم پشتیبان‌شون خواهیم بود. - به نظرت در این میان حق با چه کسی هست؟

درسته همه‌ی حرف‌هاش حقه، ولی گروه بی‌تی‌اس به خاطر هزینه‌های تحصیل و آموزش و خرج خوابگاه بدهکار کمپانی هستند و تا زمانی که بدهی خودشون رو به کمپانی تصفیه نکنند، باید همچنان ادامه بدن. این حرف‌ها رو هم به دوستم گفتم او هم مثل خود من قانع شد.»

«- تاحالا شده احساس کنی فعالیتی انجام دادن که نمی‌خوام بگم بد، چون همون طور که گفتمی اون قدر شهرت دارن که خیلی دقت می‌شه رو کاراشون، بهتره بگم خاکستری تاحالا احساس کردی کاری انجام بدن که خاکستری باشه؟

آره به نظرم هست مثلاً این برندای جهانی مثلاً استارباکس یا مک‌دونالد خب اینا جفتش برای آمریکا هست، ولی همه جای دنیا اینا شعبه دارن و پول اصلیش برای خود آمریکاست، ولی تو کشورهای مختلف کلی آدم با حقوق کم دارن برای این برندا کار می‌کنن. بی‌تی‌اس هم برای مک‌دونالد، هم برای استارباکس تبلیغ کرده، برندای دیگه هم هستن مثل کوکا ولی همون مک‌دونالد و استارباکس رو در نظر بگیریم، بهتره، چون بیش‌ترین سود داره تو جیب کشور مبداء می‌ره، ولی کسایی که تو کشورهای دیگه دارن کار می‌کنن، برای این برندا خب نه حقوق‌شون خوبه، نه مزایا، نه امنیت شغلی بی‌تی‌اس، فقط میاد تبلیغ اون برندا رو انجام می‌ده و کاری به اینا نداره، البته اگه دست خودشون بود، خب شاید اعتراض می‌کردن به اوضاع این کارگرا، ولی باید کاری که کمپانی می‌گه رو انجام بدن، دیگه به نظر من این نوع کارهایی که انجام می‌دن دقیقاً مثال همون واژه خاکستریه که گفتمی، خب اینا به کسی آسیبی وارد نمی‌کنن اصلاً، ولی از حق اون کسایی که گفتم هم دفاع نمی‌شه خب.»

برخی از هواداران دیگر در بیانات خویش پس از محکوم کردن کمپانی، نتیجه می‌گیرند، باید از ستاره‌ها که به دلیل قرار گرفتن زیر فشار کمپانی، رو به افسردگی آورده اند، حمایت کرد و بدون توجه به نقدهای وارد بر آنان، به دفاع بی‌چون و چرا از آن‌ها پرداخت.

با توجه به آنچه گذشت، دفاع متعصبانه بسیاری از هواداران در غوغای هیجان‌آفرینی‌های کمپانی بیگ‌هیت، گروه بی‌تی‌اس و هواداران پر شر و شور بی‌تی‌اس، امری عادی و معمول می‌نماید.

اما باید دانست که تعصب‌ورزی طرفداران به طور کامل در خدمت ستاره‌های بی‌تی‌اس نیست و گاهی تعصب‌ورزی‌های نابه‌جای هواداران، دامن خود اعضای بی‌تی‌اس را می‌گیرد. به عنوان مثال، مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه خود گزارش می‌دهد که معشوقه‌های احتمالی ستاره‌ها از سوی بسیاری از هواداران نفی شده و یا کسانی که در برابر حمایت‌های مفرطشان، احساس مالکیت یافتن بر ستاره‌های کمپانی بیگ‌هیت را می‌کنند، با تخطی ستاره‌ها از استانداردهای آنان، هجمه به ستاره‌ها را در دستور کار خویش قرار می‌دهند. فرشته ۱۹ ساله هم در مصاحبه‌اش نمونه‌ای از این دست مصادیق را ذکر کرده است:

«- بین دوستان خودت کسی رو می‌شناسی که روی قرار گذاشتن اعضاء خیلی حساس باشه و واکنش تندی به این موضوع نشون بده؟ آره، می‌شه گفت تقریباً همه دوستان همین جوری ان و همیشه تو حرف‌هاشون می‌گن که نکنه بایس‌شون با فلانی داره قرار می‌ذاره و رفته تو رابطه. یه وقت‌هایی هم خبر رابطه اعضاء با یه نفر میاد بیرون این‌ها همه‌شون خُل می‌شن که واقعیه یا نه، نکنه واقعی باشه، نکنه دوستش داره. بعد شروع می‌کنند اون دختر بدبخت رو قضاوت کردن که این کجاش به مثلاً تهیونگ می‌خوره، این این‌جاش این طوره، اون‌جاش اون طوره، این با همه بوده و از این حرف‌ها».

«- فن‌های فیک چه طوری هستن؟»

فقط دنبال حاشیه ان. تا جایی که دیگه نمی‌شه تشخیص داد بعضی‌هاشون فن ان یا هیتر. به حریم شخصی اعضاء احترام نمی‌ذارن، تو زندگی‌شون دخالت می‌کنن، تهدیدشون می‌کنن، حرف بد و منفی می‌زنن درباره‌شون. این طوری ان که تو یا اون آدم بی‌نقصی هستی که ما می‌خوایم باشی یا کلاً دیگه دوست نداریم و بی‌ارزشی. کلاً هم اهمیتی به هنرشون نمی‌دن واقعاً. می‌شه حتی گفت همین مدل فنا باعث خودکشی آیدول می‌شن.

از یه طرف دیگه یه سری فن خیلی تعصبی هم هستن که فک می‌کنن، بی‌تی‌اس ارث باباشونه. با بقیه بدرفتاری می‌کنن، قلدری می‌کنن واسه بقیه. سر کوچک‌ترین انتقادی تو توییتر و گروه‌های آرمیا کنسل می‌شی. در حالی که اصلاً حرف بدی هم نزدی. همه‌اش هم در حال جنگ و دعوا با بقیه فندومان. سر هرررر چیزی».

### پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیر خودی

در عنوان قبل از فضای پرهیجان تمهید شده از سوی کمپانی بیگ‌هیت، برخوردهای هیجان‌مدار گروه بی‌تی‌اس، سیطره روش‌های هیجان‌مدار در تشکل‌های هواداری (فندوم‌ها) و سرانجام حکایت برخوردهای هیجان‌مدار در نوجوانان و جوانان به سبب تحول‌های مغز بنیان و همین‌طور غلبه عواطف عاشقانه در جوانان (خاصه دختران که عاطفی‌تر از پسران هستند)، یاد شد.

قرار گرفتن هواداران در مجموعه فضاهای هیجانی که آنان را در بر گرفته است، سبب می‌شود، خود به خود افراد روش‌های هیجان‌مدار را در تعامل‌های اجتماعی خویش مدنظر قرار داده و با شیوه‌های هیجانی به حل مسایل فراروی‌شان بپردازند.

بسیاری از هواداران گروه بی‌تی‌اس، نه تنها با طرفداران گروه‌های کی‌پاپ دیگر و افراد منتقد گروه بی‌تی‌اس، با روش هیجان‌مدار برخورد می‌کنند، بلکه ممکن است با افراد هم مسلک خودشان نیز با شیوه‌های هیجانی و مبتنی بر نفی و انکار و پرخاش برخورد کنند.

برخوردهای هیجان‌مدار هواداران با طرفداران گروه‌های دیگر، از برخوردهای نسبتاً ملایم شروع شده به دعوا و کتک کاری نیز می‌رسد. مهتاب ۱۸ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد، برخی از هواداران متعصب، هیچ‌نظر مخالفی را بر نمی‌تابند و با حداکثر توان، درصدد نفی و بی‌ارزش کردن آن برمی‌آیند:

«- من شنیده‌ام که یک سری از طرفداران هستند که روی گروه یا یک عضو خاص تعصب زیادی دارند و گاهی بین طرفداران یک گروه هم حتی دعوا می‌شه. درسته؟»

(می‌خندد) آره خب، اینا پیش میاد.

- طرفدارهای متعصب بی‌تی‌اس چه فعالیت‌هایی برای حمایت از شون انجام می‌دن؟

وقتی بهش فکر کنی، در نگاه اول چندان فرقی آن چنانی‌ای با طرفدارای غیرمتعصب ندارن. اونا هم به موقع استریم<sup>۱</sup> می‌کنن، توییت<sup>۲</sup> می‌زنن و توی رأی‌گیری‌ها شرکت می‌کنن. ولی جای دیگه‌ای هم فعال هستن. کافیه تا به نظر منفی ببینن و اون موقع هست که شروع می‌کنن تا به هر روش ممکن، بقیه رو متقاعد کنن که اون نظر درست نیست و این بیش‌تر با فحاشی و توهین همراهه. حتی ممکنه به به انتقاد درست بر بخورند، ولی باز هم چون به نظرشون آیدول و گروهی که دنبال می‌کنن، بی‌نقصه، نمی‌تونن قبول کنن. به نظرشون این هم برخورد‌های پرخاشگرانه هم به جور حمایت از آیدوله. مهم هم نیست اون انتقاد از طرف کیه، چه هم فندومی باشه، چه از به فندوم دیگه و حتی از به لوکال<sup>۳</sup> اونا به هر صورت باید اون نظر و انتقاد رو بی‌ارزش نشون بدن.

مورد بعدی هم که در همین رابطه باید توضیح بدم به کلمه‌ای هست توی کی‌پاپ به اسم بایس<sup>۴</sup>. یعنی کسی که توی به گروه کی‌پاپ، بیش‌تر از همه تو دوستش داری. گاهی به فن ممکنه به قدری روی یکی از اعضای گروه تعصب داشته باشه که به همین دلیل بقیه اعضای گروه رو نادیده بگیره و فقط وقتی پای بایس خودش درمیونه، شروع به حمایت کردن بکنه. حتی با کسانی که بایس‌شون باهاش یکیه، دعوا کنه. چون به نظرش اون عضو گروه فقط برای خودشه».

مسعود ۲۰ ساله و گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، خاطرنشان می‌سازند، آن‌ها در اختلاف پیش آمده با دیگران، با آنان دعوا و قطع رابطه کرده اند:

«- مسعود در نظرسنجی‌های دنیای مجازی راجع به ستاره‌ها شرکت می‌کنی؟

بله، اگر وقت داشته باشم. حتماً شرکت می‌کنم.

- راجع به نظرسنجی‌ها چه اطلاعاتی داری؟

آخرین نظرسنجی که تو اینستا دیدم، راجع به انتخاب یکی از هفت‌اعضا به عنوان جذاب‌ترین فرد گروه بود که هر کسی از آیدول مورد علاقه خودش طرفداری می‌کرد و برای برنده شدنش تلاش می‌کرد و به نظرسنجی دیگه در مورد تأثیر بی‌تی‌اس تو زندگی شخصی هواداران بود و به نظرسنجی دیگه راجع به بهترین آهنگ سال بی‌تی‌اس بود که من در هر سه نظرسنجی شرکت کردم و نظر خودم رو نوشتم.

- تأثیر این نظرسنجی‌ها روی هواداران رو چگونه ارزیابی می‌کنی؟

نظرسنجی‌ها خیلی خوب هستند و هر کسی آزادانه نظر واقعی خودش رو می‌گه. گاهی این قدر با نظرسنجی‌ها هواداران هیجانی می‌شن که ممکن هست درگیری لفظی بین شون پیش بیاد. مثلاً زمانی که انتخاب لیدر برای گروه رو در نظرسنجی قرار داده بودند، شدت هیجان برای تبلیغات به اندازه به انتخابات واقعی بود.

- سوق دادن جوان‌ها به سمت هیجان چه تأثیری روی آن‌ها دارد؟

ایجاد هیجان برای جوانان و نوجوانان ممکنه باعث تنش و اختلال در زندگی شخصی شون بشه.

- می‌شه با مثال واضح‌تر بگی که هیجان چگونه باعث تنش و اختلال می‌شه؟

1- stream

2- twit

3- Local

در کی‌پاپ به آدم‌های معمولی لوکال می‌گویند. این افراد عضو هیچ فندومی نیستن و هیچ چیزی از آن‌ها نمی‌دانند.

4- Bias

البته، مثلاً هواداری به خاطر هیجان زیاد برای این که آیدول مورد علاقه‌اش در نظرسنجی پیروز بشه، نزدیک به یه هفته ذهنش درگیر این قضیه هست و ممکنه در نظرسنجی‌ها با دیگر هواداران که مخالف نظر او به آیدول دیگه رأی می‌دن، تتونه خودش رو کنترل کنه و درگیری لفظی بین شون پیش بیاد و یا از بس ذهن و وقتش درگیر این قضیه هست، اگر دانش آموز هست از درسش عقب می‌افته و یا اگر شاغل هست، به کسب و کارش لطمه می‌خوره و کلاً این نظرسنجی‌ها با خودشون تنش و استرس و اضطراب به همراه میارند.

- آیا وقتی هواداران با این همه هیجان مواجه می‌شوند، به سلامتی شون آسیبی وارد نمی‌شه؟

از نظر روحی و روانی آسیب می‌بینند و یا ممکنه در حین کارشون تمرکز لازم را هم نداشته باشند و آسیب جسمی هم ببینند. مثلاً هواداری که تا ساعت ۲ نصف شب درگیر نظرسنجی در پیچ‌های اینستاگرام هست و صبح زود ساعت ۶ صبح به سر کار می‌ره، ممکنه به علت خواب ناکافی و درگیری ذهنی، اگر شغلش مثلاً نجار یا مکانیک باشه، ممکنه به علت عدم تمرکز کافی و خستگی به خودش آسیب جسمی وارد کند».

»- سر چه موضوعی باهم دعوتون شد که بعدش قطع رابطه کردین؟

خب اون زمان خیلی سن مون کم تر بود و کلاً اون شخص از اولش دوست صمیمی من نبود و فقط اوایل که تازه گوشی دار شده بودم، تنها کسی بود که می‌تونستم باهاش چت کنم. بعد یک مدتی اون دوستم به من پیام داد و من بهش گفتم آره من آرمی شدم و اون گفتش که نه، نباید طرفدار بی‌تی‌اس بشی و اون‌ها خوب نیستن و منم از بی‌تی‌اس طرفداری کردم و گفتم چرا خوب ان و من طرفدارشون هستم و به تو چه. خلاصه اون هم گفت نه فقط بلک‌پینک خوب هستن و این یکی از دلایلی بود که باعث شد من از بلک‌پینک زده بشم و تهش هم همون شد که گفتم».

گلاره ۱۴ ساله، در بیانات خویش از طعنه و کنایه و تحقیری که برخی از هواداران در برخورد با هواداران گروهی که به تکرار (کاور) آهنگ یا رقص بی‌تی‌اس پرداخته اند، دارد، به قرار زیر یاد می‌کند:

»... یا مثلاً توی پیسترتست زیر یکی از پست‌های یه آرمی که راجع به بی‌تی‌اس و کاور آهنگ وی دونت تاک انی‌مور بود که جیمین و چونگ‌کوک کاورش کرده بودن، یکی نوشته بود که به نظرم کاور این آهنگ خیلی قشنگ‌تر از اصلیشه. بعد بقیه اومده بودن نوشته بودن که چی می‌گی این آهنگ تو دنیا رتبه چی آورده و سلنا پرنسسه و ملکه است، چارلی خیلی صدایش قشنگه، اصلی‌اش خیلی قشنگ‌تره و شما و بی‌تی‌اس برین گم شین و اینا. بعد آرمی‌ها هم نوشته بودن اگه بحث مقایسه است که بی‌تی‌اس اولین در جهانیه و از این مدل حرف‌ها و کلاً به هم فحش می‌دادن».

سارینای ۱۳ ساله، در مصاحبه خود، از فحاشی و توهین هواداران بی‌تی‌اس در مواجهه با طرفداران دیگر گروه‌های کی‌پاپ یاد کرده است:

»- عزیزم به طور کلی واکنش آرمی‌ها در مقابل هیترهای بی‌تی‌اس چیه؟

دسته اول فاقد اهمیت می‌دونن، یعنی اصلاً براشون مهم نیست هیترها چی می‌گن و کار خودشون رو می‌کنن. دسته دوم اون‌هایی هستن که جواب هیترها رو می‌دن و ثابت می‌کنن اعضاء خوبن. دسته سوم تعصبی‌ها هستن که خودشون رو می‌کشن و فقط دعوا می‌کنن.

- خود شما جزو کدام دسته به حساب می‌ای؟

اولی‌ها. جواب ابلهان خاموشی است.

- کسی رو توی دور و برت دیدی که جزو دسته دوم یا سوم باشه؟

بله خیلی. تو دوست‌هام زیادن که معمولاً دهن به دهن می‌کنن و عصبی می‌شن.

- مثلاً توی این دهن به دهن گذاشتن‌ها چه حرف‌هایی بین آرمی‌ها و هیترها رد و بدل می‌شه؟

هیترها تیکه می‌اندازن و از بدی‌های بی‌تی‌اس و اشکالات نداشته اون‌ها حرف می‌زنن و آرمی‌ها همه رو تکذیب می‌کنن و از اعضاء حمایت می‌کنن، مثلاً تو همین بحث همجنس‌گرایی آرمی‌ها هم مثل من می‌گن گرایش شون به خودشون مربوطه و ما هم علایق مون به خودمون مربوطه».

سرانجام دعوا و کتک کاری، فراز آخری است که در تعامل‌های هواداران گروه بی‌تی‌اس و طرفداران گروه‌های دیگر ملاحظه می‌شود: «بعضی از بچه‌ها بعد از آن که سرتاپای طرفداران گروه‌های دیگه رو به فحش می‌بندند، به اون‌ها می‌گن، اگه مریدید بیاید فلان جا دعوا» (مسعود، ۲۰ ساله).

اگر از برخورد‌های هیجان‌مدار طرفداران بی‌تی‌اس در مواجهه با گروه‌های رقیب بگذریم، ملاحظه می‌شود که هواداران پسران بی‌تی‌اس، گاهی با خودشون نیز با شیوه‌های هیجان‌مدار و مبتنی بر دعوا و پرخاش مواجه شده و برخورد می‌کنند.

۱۸ خرداد ۱۶ ساله و ریحانه ۱۵ ساله در مصاحبه‌های خودشون از دعوای هواداران که سر ستاره‌ها صورت گرفته و گاهی کار افراد در آن به گیس و گیس‌کشی می‌رسد، یاد کرده اند:

«-نفرت‌پراکنان (هیترها) چه گروهی اند؟

این‌ها همین گروهی هستن که بی‌تی‌اس رو تهدید می‌کنن و فن‌هاشون و بعضی وقتا به بعضی از فن‌ها واقعاً آسیب می‌رسونن و بعضی فن‌ها رو واقعاً می‌کشن.

- تاحالا موردی پیش اومده؟

تا حالا یه مورد ایرانش رو هم داشتیم که یه دختره و رفیق‌هاش لباس بی‌تی‌اس تن‌شون بوده، بعد بیرون بودن، چهارتا پسر اومدن راجع به بی‌تی‌اس تیکه انداختن بهشون و اونا هم به طور طبیعی اومدن جواب‌شون رو دادن، واسه همین درگیری شد و این پسران هم اومدن با سنگ کله دختره رو شکوندن که هشت‌تا بخیه خورد سرش».

«- گفتم با دوستان باهم کل می‌اندازین. می‌شه بیش‌تر راجع بهش بگی که در مورد چه چیزی کل می‌اندازین؟

مثلاً دُرسا عاشق نامجونه، ولی من جیمین رو خیلی دوست دارم و سرشون با همدیگه رقابت داریم. یکی، دوبار هم بین فاطمه و دُرسا سرشون در مدرسه گیس و گیس‌کشی شده. مدیر مدرسه مون هم خبردار شده و بهشون تذکر داده. ما هم دیگه بیش‌تر تو گروه مدرسه مون باهم در موردشون حرف می‌زنیم. یه دختره هم تو کلاس‌مونه کلاً تو این فازا نیست، همه‌اش می‌گه دیوونه‌اید، ما هم رابطه‌مون رو باهاش قطع کردیم. دُرسا دیگه حتی عکس پروفایلش رو هم نامجون و بی‌تی‌اس می‌ذاره یا رفته موهاش رو مٹ اونا کوتاه کرده، در کل از دُرسا خوشم نیامد، همه‌اش با فاطمه دنبال یه راهی هستم که حرصش رو دربیاریم، خیلی حال می‌ده، یه دوستای دیگه‌ام هلم‌ها که انگار تو توهم سیر می‌کنه، می‌گه آرزوشه با جیمین ازدواج کنه و باهاش بره تو کنسرتش، (باخنده) ولی نمی‌دونه که اونا ازدواج نمی‌کنن».

نکته مهمی که در این قسمت نباید ناگفته از آن گذشت، شدت هیجانی اندیشیدن و پیش‌گرفتن برخورد‌های هیجانی است که گاهی اندیشه هوادار را تعطیل کرده، وی را به طرف منطق صفر و یک سوق می‌دهد. به عنوان مثال، شب‌نم ۲۵ ساله، در مصاحبه خودش به صراحت بیان می‌دارد که در برابر کشور کره جنوبی که همه چیزش از منظر وی خوب و ایده‌آل است، همه چیز کشور خودش بد است:

«- کره و زندگی در کره چیزی داره که غبطه‌اش رو بخوری؟

ببین مثلاً طبیعتش و روستاهاش و سرسبزش رو من خیلی دوست دارم و همیشه آرزوم بوده که چنین جایی زندگی کنم.

- یعنی مثلاً با شمال خودمون چه فرقی داره؟

نمی‌دونم (می‌خندد). ولی دیدی مثلاً آدم یه جایی رو احساس می‌کنه براش آشنا هس. من همیشه بر این باورم که توی زندگی قبلیم، حتماً در کره زندگی کردم. یه جور اعتقاده دیگه. بعد علاقه‌مندم که برم اونجا و با مردمش باشم».



## جابه‌جایی سبک زندگی تکلیف‌مدار با سبک زندگی لذت‌مدار

در یک طبقه‌بندی کلی، می‌توان به دو سبک زندگی کلی رسید، سبک زندگی تکلیف‌مدار و سبک زندگی لذت‌مدار. در اندیشه‌های دینی انسان مکلف دیده شده، فرد در صورت تقید عملی به اندیشه و جهان‌بینی دینی، دارای سبک زندگی تکلیف‌مدار خواهد شد.

انسان تکلیف‌مدار نه تنها در ارتباط با خود و خانواده‌اش، بلکه در ارتباط با جامعه و جامعه جهانی خودش و حتی زیست‌محیط خودش متعهد و مسوول است، حال آن که در اندیشه و جهان‌بینی غیردینی، با حذف خدا از روابط فردی و بین فردی افراد، انسان جای خدا را در مدار هستی گرفته و در نتیجه آدمی تنها خود را در برابر خود و لذات خودش موظف و مسوول می‌داند.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اخذ سبک زندگی لذت‌مدار از ستاره‌های بی‌تی‌اس، خاطرنشان می‌سازد، مثلاً گرایش جنسی ستاره‌ها برای او مهم نیست و تاجایی که به وی آسیبی نرسد، کاری به گرایش و عملکرد هیچ فرد و گروهی ندارد و در این میان تنها به دنبال پول است تا با آن خوشبختی خویش را رقم بزند:

«- تا الان برای کسی این اتفاق‌ها رخ داده است؟»

والا فکر کنم در تاریخ کی‌پاپ این اولین گروهی هست که اصلاً اعلام کرد که هم‌جنسش را دوست داره.

- بعد چه اتفاق‌هایی افتاده؟

تو گروه بی‌تی‌اس تا جایی که من می‌دونم، هیچ کدام از اعضاء تا به حال چنین کاری نکرده بودند و جیمین که کرده، تازه ۲، ۳ روزه می‌گذره هنوز نرسیده به اوج قضیه که اینترنتی شه.

- وقتی که اطلاع رسانی گسترده بشود، چه اتفاق‌هایی ممکن است برای جیمین رخ بدهد؟

تهدید به مرگ می‌شه (خنده توام با اضطراب).

- چه کسی تهدیدش می‌کند؟

یک‌سری هیترها هستن، آرمی‌های فیک.

- تهدید واقعی؟

آره، می‌تونن چنین کاری بکنن و جیمین اولین باری نیست که تهدید به مرگ می‌شه، یعنی همه‌شون اولین بارشون نیست که تهدید به مرگ می‌شن... .

- این چه معنایی برای شما داره و شما و دوستانتون به چه چیزهایی فکر می‌کنید؟

خوب ما اصلاً راستش برامون مهم هم نیست، یعنی ما از اولش هم می‌دونستیم، یعنی شما طرف هر آیدولی برین، یک چیز این طوری راجع بهش هست و خوب ما هم مشکلی نداریم، ما از اولش هم قبل از این که آرمی بشیم، همه دوست‌های من قول داده بودیم که در هر شرایطی حمایت‌شون می‌کنیم، اصلاً مهم نیست گرایش‌شون چی باشه، چه جوری زندگی می‌کنن، با صورت و قیافه و این‌هاشون چی کار می‌کنن... .

- برای خود شما اعلام مواضع جیمین چه احساس‌هایی ایجاد کرد؟

راستش برای من مهم نبود، آخه خوب اصلاً باشه به من چه، زندگیشه دیگه می‌خواد هر کاری بکنه، اصلاً بگو بخواد نابود بکنه زندگی‌اش را، تا وقتی به من آسیبی نرساند، اصلاً مهم نیست.»

«- یعنی تأثیری که گروه برای تو داشته چه طوری بوده؟»

برای من رو میزان تلاشم تأثیر گذاشته، چیزی که من بهش باور دارم اینه که پول خوشبختی میاره و خوب دوستای منم همین طور، برای همین می‌گم که من تلاش زیاد می‌کنم که پول زیاد به دست بیارم که خوشبخت بشم».

پونه ۱۸ ساله، به شکل مشابهی در مصاحبه‌اش یادآور می‌گردد که تحت تأثیر گروه بی‌تی‌اس، سبک زندگی پیشین خویش را کنار نهاده و سبک زندگی لذت‌مدار را پیشه خود کرده است که در آن هر کار و هر چیزی به شرط آسیب نرسیدن به وی، مباح است:

– چی شد که چنین حس قوی‌ای به پسرهای بی‌تی‌اس پیدا کردی؟

می‌دونم خیلی دلایل داره. اونا بهم خیلی چیزا دادن. قبلاً من که فن رپ بودم، صرفاً به عنوان یه سرگرمی دنبالش می‌کردم. ولی الان نسبت به بی‌تی‌اس این جور نیست. از وقتی باهاشون آشنا شدم، خیلی اتفاقاتی خوب افتاده، هدف پیدا کردم، انگیزه گرفتم، کلی دوست خوب پیدا کردم، کلی خاطره‌های قشنگ ساختن برام، باعث شدن خودم رو بیش‌تر دوست داشته باشم، به دیگران احترام بذارم، نژادپرست و هموفوب (هم‌جنس‌گرا ستیز) نباشم، تونستم سبک زندگی و فکرم رو تغییر بدم و کلی حس و حال خوب دیگه و بعد از همه‌ی اینا، نمی‌تونم بگم که اونا صرفاً برای من یه خواننده‌ی معمولی هستن.

### نقد خط‌مشی‌های کمپانی بیگ‌هیت

جذابیت گروه بی‌تی‌اس از سویی و شیفتگی هواداران به ستاره‌ها و گروه از سوی دیگر، سبب می‌شود که هواداران به دقت دقیق رفتاری ستاره‌ها را رصد کرده، گاهی در رصد خویش، به موارد متعارضی برخوردند که آنان را سردرگم می‌کند. در حالات اخیر هواداران برای حل تعارض‌های ذهنی خودشان، ممکن است به تبیین‌های مختلفی روی بیاورند تا از تعارضی که ذهن آن‌ها را می‌خلد و می‌آزارد، رهایی یابند. بررسی شواهد میدانی حکایت از آن دارد که در برخی از موارد، هواداران با بیان این که در عرف معمول هنرمندان، انجام رفتارهای متعارض قابل انتظار است، از تعارض پیش آمده می‌گریزند. طرفداران دیگری ممکن است با زیر سوال بردن فرهنگ کره، تعارض‌های پدید آمده را به فرهنگ کره ارجاع دهند، اما بسیاری از هواداران، در تبیین علت پدید آمدن تعارض‌هایی که شاهد آن هستند، در عمل انگشت اتهام را به سوی کمپانی گرفته، با استدلال در جهت تلاش‌های اقتصادی کمپانی برای کسب سود حداکثری یا تلاش‌های فرهنگی کمپانی برای جا انداختن خط‌مشی‌های فرهنگی مورد نظر خودش، به تبیین تعارض‌های پیش آمده پرداخته‌اند.

سارینای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، وی و دیگر هواداران در جریان هواداری خویش، رفتارهای ستاره‌های مورد علاقه‌شان را زیر ذره‌بین گذاشته و به دقت رفتارهای آنان را رصد می‌کنند:

«– به جز مسأله ازدواج، آیا خواسته‌های غیرمنطقی دیگه‌ای هم از سمت فن‌ها برای ستاره‌ها وجود داره که آزادی‌شون رو خدشه‌دار می‌کنه؟ مثلاً می‌گن آیدول‌ها نباید چاق باشن یا نباید قرار بگذارن یا آیدول‌های زن مثل هیونا اگه بدن‌شون رو نشون بدن دنبال توجه ان یا نباید بیرون برن و خوش بگذرونن و باید تمام تمرکزشون رو روی کارشون بگذارن، مثل جونگ‌کوک که رفته بود شهر بازی و بهش هیت دادن.

– نظر شخصی خودت راجع به این خواسته‌ها و نظرات هوادارها که آزادی ستاره‌ها رو زیر سوال می‌بره، چیه؟

به نظرم درباره بدن‌نمایی اصلاً تقصیر آیدول‌ها نیست چون کمپانی بهشون می‌گه که چه چیزی بیوشن.

درباره چاقی هم گاهی اوقات تقصیر خود طرف نیست مثلاً جونگیون توایس به خاطر بیماری‌اش وزن اضافه کرد و کلی هم هیت خورد، ولی در واقع اصلاً تقصیر خودش نیست».

هوادارانی که رفتارهای مختلف ستاره‌های مورد علاقه خود را به دقت رصد کرده و پیگیری می‌کنند، در برخورد با مواردی مانند: رژیم‌های غذایی بسیار سخت‌گیرانه کمپانی، عدم امکان ازدواج یا داشتن دوست جنس مخالف توسط ستاره‌ها، انجام جراحی‌های زیبایی اجباری، تلاش برای سفیدتر نشان دادن ستاره‌هایی که متعلق به نژاد زرد هستند، برگزاری جشن تولدهای میلیاردی (در حالی که شعار ستاره‌ها، برابری انسان‌ها است)، الزام به انجام رفتارهایی که ممکن است با هویت جنسی ستاره‌ها در تعارض باشد (مانند نمایش گرایش به هم

جنس‌گرایی، در عین نمایش به گرایش به جنس مخالف، افشای گفت‌وگویی (چت) شخصی ستاره‌ها، نشر اطلاعات خصوصی ستاره‌ها (نظیر نشر فیلم‌هایی از اتاق خواب و سرویس بهداشتی آنان)، و نظایر آن‌ها، دچار تردید شده، از خود می‌پرسند که آیا رفتارهای اخیر، در تعارض با شعار بی‌تی‌اس مبنی بر خودت را دوست داشته باش و یا بسیاری از شعارهای مشابه دیگر ستاره‌ها نیست و اصولاً چرا باید چنین باشد؟

شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، جراحی‌های زیبایی ستاره‌ها را اقدامی خلاف شعارهای گروه بی‌تی‌اس معرفی می‌کند. محسن ۲۲ ساله هم در مصاحبه خودش، استفاده از وسایل آرایشی و برنامه‌های وایت واشینگ که به سفیدتر شدن چهره ستاره‌ها در تصاویر و فیلم‌های شان می‌انجامد را مورد نقد قرار داده است. مسعود ۲۰ ساله نیز از برگزاری جشن تولدهای میلیاردی ستاره‌ها (که محدود به کشور خودشان نیز نشده، در بسیاری از کشورهای جهان صورت می‌پذیرد و طی آن تصاویر ستاره‌ها، حتی روی برج خلیفه دبی نیز انداخته می‌شود) را زیر سوال برده، این رفتارها را مغایر با برابری که ستاره‌ها در آهنگ‌هایشان از آن یاد می‌کنند، می‌داند:

«ستاره‌ها خودشون هم دست به عمل‌های زیبایی می‌زنند. به نظرت خودشون چرا خلاف شعارهایی مثل این که خودت رو دوست داشته باش، عمل می‌کنند؟»

آیدول‌ها خودشون از نظر زیبایی و جذابیت هیچ کم ندارند، این کمپانی سازنده گروه هست که به آن‌ها دستور می‌ده که فلان عمل زیبایی رو برای جذابیت بیش‌تر انجام بدهند و هزینه عمل نیز به عهده کمپانی است. کمپانی با این کارش کاری می‌کنه که آیدول‌ها برخلاف شعارهاشون عمل کنند و علامت سوالی باشه برای همه».

«... من با این کارای اینا که سفید کننده می‌مالن به سر و صورت‌شون مخالفم.»

– چرا؟

چون به من حداقل این حس رو می‌ده که می‌خواهی خوب باشی، زیبا باشی باید سفید باشی. من که چیزی راجع به اخلاق و انسانیت نشنیدم از بی‌تی‌اس. خودم خیلی خوندم راجع به اینا، خیلی جذب خوشگلی اینا می‌شن. آخه یعنی چی که هر کی سفید نباشه قشنگ نیست. بعضی وقتا فکر می‌کنم نژادپرستن اینا».

«– مسعود در برگزاری این جشن تولدها چه تفاوتی می‌بینی؟»

تفاوت در هزینه‌هایی است که خرج می‌شه چه توسط کمپانی و چه توسط هواداران. کلاً فرق داره با جشن تولدهای افراد معمولی.

– به غیر جنبه مادی این جشن تولدها دیگه چه تفاوتی می‌بینی؟

تفاوت رو در شعارهاشون با رفتار و عملکردشون در جشن تولدها می‌بینم. در متن ترانه‌هاشون و یا در پیام‌ها و شعارهایی که می‌دن از برابری انسان‌ها صحبت می‌کنند، ولی خودشون در جشن تولدهاشون این برابری رو نادیده می‌گیرند و جشن تولدهایی متفاوت و پر هزینه و پرسرو صدا برگزار می‌کنند.

– مسعود این همه تناقض در شعارهاشون با عملکردشون می‌بینی به نظرت باعث نمی‌شه در هواداریت تجدید نظر بکنی؟

همیشه به این تفاوت‌ها فکر می‌کنم و از تکرار شدن شون بیزارم، ولی احساس می‌کنم، خود آیدول‌ها بی‌تقصیرند، همه‌اش زیر سر رئیس‌های کمپانی‌شون هست برای اهداف دیگه‌ای که دارند».

شیرین ۲۲ ساله، در فرازی از مصاحبه‌اش، دست به نقد رفتارهایی زده است که گاهی هویت جنسی ستاره را متمایل به جنس مخالف و گاهی رفتار وی را متمایل به جنس موافق نمایش می‌دهند. از نظر شیرین، وقتی مثلاً فردی متمایل به جنس مخالف خودش است، الزام وی از سوی کمپانی به بوسیدن لب‌های فرد هم جنس خودش، در برابر انبوه افراد حاضر در کنسرت، سوءاستفاده از هویت جنسی وی به شمار می‌آید:

«آیا کمپانی سازنده بی‌تی‌اس نقشی در اتهامات همجنس‌گرایی گروه بی‌تی‌اس دارد؟»

اوه، کمپانی خیلی مقصره، اصلاً همه تهمت‌ها از کارهای مستبدانه کمپانی شروع شده.

- چگونه، می‌شه مثال بزیند؟

کمپانی پسران گروه بی‌تی‌اس رو وادار کرده هنگام خواندن ترانه‌هاشون، مثل دختران برقصن. رقصی که با ظرافت زنانه آمیخته هست. نقش چهره و زیبایی صورت‌شون هم مثل دختران و ظرافت رقص دخترانه هست و در این میان کلی طلا و حلقه و انگو و زنجیر به مانند زنان به خودشون آویزان می‌کردند که همه بینندگان رو حیرت زده می‌کرد و در میان گروه‌شون هیچ دختری حق ورود نداره و گروه بی‌تی‌اس هم حق ارتباط با هیچ دختری رو ندارند. هر هفت نفر اعضای بی‌تی‌اس حتی حق ازدواج هم ندارند. همه‌ی این کارهای کمپانی باعث شد تا دشمنان بی‌تی‌اس و رقیبان گروه تهمت همجنس‌گرایی رو به آن‌ها بزنند.

در تبیین علت وقوع تعارض‌هایی که از نمونه‌هایی از آن‌ها یاد شد، استدلال‌های متفاوتی از سوی جمعیت مورد بررسی ارائه شده است. ارجاع تعارض‌ها به عرف هنرمندان، ارجاع به فرهنگ کشور کره و گرفتن انگشت اتهام به سوی کمپانی بیگ‌هیت، از جمله تبیین‌هایی است که در بیانات افراد مصاحبه شده، ملاحظه می‌گردد.

شیدای ۲۰ ساله، در تلاش برای توجیه تعارض‌هایی که از نمونه‌هایی از آن‌ها یاد شد، عرف هنرمندان را این‌گونه می‌داند که با دست زدن به رفتارهای بعضاً متعارض و ایجاد حاشیه‌سازی‌های مختلف، خود را مطرح نگاه دارند:

«بنابراین یعنی تو اعتقاد داری که بی‌تی‌اس کلاً از دستورالعمل‌هایی که کمپانی براشون مشخص کرده بیرون زده؟»

نمی‌شه این جور ی هم گفت. شاید واقعاً این سرپیچی از دستورات کمپانی یه جور سیاست‌شون باشه که بین گروه و کمپانی هماهنگ شده باشه.

- خوب این دقیقاً همون چیزیه که من می‌گم. این برای من تناقض‌آمیزه که اینا شعار هنجارشکنانه می‌دن و طرفداراشون رو فارغ از باید و نبایدهای جامعه ترغیب به پیروی از اون چیزی که دل‌شون می‌خواد می‌کنن، ولی در عین حال خودشون پایبند به هنجارهایی هستن که کمپانی براشون تعیین کرده. این طور نیست؟

نه خب توی کره این دیگه عادی شده، یعنی دیگه هنجارشکنی نیستش که مثلاً موهاشون رو رنگ کنن یا تیپ‌های خاص بزبنن و از مردم عادی گرفته تا هنرمندا و هنرپیشه‌ها الان خیلیا این شکلی هستن.

- درباره مخاطب ایرانی چی که این چیزها هنوز براش هنجارشکنیه؟

ببین اون که نمیدان بگه که حتماً بیاید این شکلی که من هستم باشید. می‌گه که اون جوری که دوست دارید باشید.

- ولی خب خودشون با وجود این قوانین کمپانی به نظر می‌رسه که اون جوری که دوست دارن نمی‌تونن باشن؟

(سکوت می‌کند)... ببین خب بی‌تی‌اس همیشه دوست داشتن که جهانی بشن، ولی خب این حرفایی که می‌زدن برای مخاطب خودشون یعنی کره‌ای‌ها بود و هیچ وقت فکر نمی‌کردن، مثلاً این قدر معروف بشن که ما بیایم درباره‌شون مصاحبه کنیم. حتی آر ام توی یکی از مصاحبه‌هاش گفت که هیچ وقت فکر نمی‌کرده، این همه طرفدار توی ایران داشته باشه! بعد من خودم مدرس موسیقی و رقص هستم. من این رو خودم توی هنرجوامم می‌بینم. مثلاً از بین دوستان تا هنرجویی که من دارم ۱۹۰ تا شون عاشق بی‌تی‌اس ان و می‌گن ما فقط بی‌تی‌اس رو دوست داریم و سبک لباس پوشیدن و تیپ زدن و همه‌چی‌شون هم اون شکلیه».

بسیاری از افراد مصاحبه شده، در تبیین تعارض بین شعارهای پسران بی‌تی‌اس و عمل آن‌ها، انگشت اتهام را به سوی کمپانی گرفته، کمپانی را به دلایل اقتصادی یا فرهنگی یا هر دو دلیل، مسوول رفتارهای متعارضی که ستاره‌ها از خود به معرض نمایش نهاده‌اند، معرفی کرده‌اند. در همین راستا، مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه خود با اشاره به مقوله فن‌سرویس کمپانی بیگ‌هیت، خاطرنشان می‌سازد، کمپانی برای به دست آوردن رضایت خاطر هواداران و جذب هر چه بیش‌تر مخاطب، از انجام هیچ عملی روی گردان نیست:

«- مریم به نظرت مومنت‌های بین اعضاء واقعی هست یا ساختگی و برنامه‌ریزی شده هست؟»

توی کی‌پاپ یه چیزی وجود داره به اسم فن‌سرویس که به معنای فراهم کردن خواسته‌های فن‌ها توسط آیدول‌ها هست، یعنی برای راضی نگه داشتن فن‌ها، آیدول‌ها خیلی وقت‌ها مجبورند کارهایی انجام بدن که دل‌شون نمی‌خواد و تمایلی ندارند. این کارها رو می‌کنند تا دل فن‌ها رو به دست بیارند و بهشون نشون بدن که براشون احترام خاصی قایل هستند. من فکر می‌کنم یه سری از اتفاقات مثل همین مومنت‌ها بخشی از فن‌سرویس هستند و آیدول‌ها صرفاً به خاطر این که فندوم سرپا بمونه و طرفدارها خوش‌شون بیاد، مجبورند این کارها رو بکنند. کمپانی‌ها هم به خاطر جذب مخاطب خیلی به آیدول‌ها فشار میارند البته که فندوم هم توی این موضوع بی‌تأثیر نیست. بعضی از فن‌ها تمرکز بی‌حد و مرزی روی زندگی شخصی آیدول‌ها دارند و این رو حق مسلم خودشون می‌دونن، در صورتی که به نظرم این درست نیست. آدم می‌ره سوار هواپیما می‌شه، داره از مهارت خلبان استفاده می‌کنه، ولی آیا از ریز جزئیات زندگی خلبان خبر داره؟ یا مثلاً آدم می‌ره پیش دکتر از دانشی که داره استفاده کنه، ولی کاری به زندگی شخصی اون دکتر نداره. بی‌تی‌اس هم بحثش دقیقاً همین، ماها به عنوان فن‌هاشون فقط حق داریم تا از هنری که اون‌ها دارن لذت ببریم، سایر بخش‌های زندگی‌شون در اصل به ما هیچ ربطی نداره و حق دخالت نداریم، اما بعضی فن‌ها علاقه رو با فضولی اشتباه می‌گیرن و به خاطر علاقه زیادی که به اعضاء دارن، این حق رو به خودشون می‌دن که حتی تو زندگی احساسی و روابط اون آیدول هم دستی داشته باشن. کمپانی‌ها هم واکنش‌های طرفدارها رو که می‌بینند به اعضاء فشار میارن، کارهایی رو انجام بدن که خوشایند فن‌ها هست، مثل همین مومنت‌ها که کاملاً واضحه فیک ان و صرفاً واسه دل‌خوشی آرمی‌ها انجام می‌شن، حتی اگر خود اعضاء دل‌شون نخواد با رفیق خودشون همچین حرکاتی انجام بدن».

مریم ۱۸ ساله هم با تأکید این که کمپانی فقط دنبال اهداف خودش است، کمپانی را نسبت به حفظ سلامت جسمانی و روانی ستاره‌ها بی‌تفاوت مطرح می‌سازد:

«- به نظرت چرا بعضی از آرمی‌ها این حق رو برای خودشون قایل اند که در امور شخصی اعضاء دخالت کنند و حتی در مواردی هیت بدن؟»

بین وقتی علاقه به کسی یا چیزی بیش از حد و ناسالم باشه، خود به خود یه حس مالکیتی توی تو به وجود میاد که باعث می‌شه حس کنی، باید اون فرد رو کاملاً تحت کنترل داشته باشی و هر کاری بخواد بکنه، باید خوشایند تو باشه. در صورتی که دوست داشتن واقعی و سالم این شکلی نیست، تو باید به کسی که دوستش داری، آزادی بدی، باید بهش حق انتخاب بدی تا بتونه شاد باشه و همیشه خوب زندگی کنه. تو اون فرد رو توی روند عادی زندگیش دیدی و ازش خوشت اومده، حالا اگه بیای با کنترل کردن و محدود کردن‌های نا به جا اون فرد رو از روند عادی زندگیش و نیازهاش دور کنی، اون دیگه آدم قبلی نخواهد بود و شاید حتی علاقه خودت هم به این دلیل کم بشه. آدم باید فرد مورد علاقه‌اش رو همون طور که هست بپذیره و دوست داشته باشه. آرمی‌ها فکر می‌کنند با محدود کردن اعضاء به این که با کسی قرار نذارن یا ازدواج نکنند، دارن شانس خودشون برای بودن با اعضاء رو بالا می‌برند، در صورتی که همه‌مون می‌دونیم همچین اتفاقی شدنی نیست و اگر بی‌تی‌اس بخوان به خاطر ما تا ابد رابطه نداشته باشند، صدجور بیماری روحی و جسمی می‌گیرن و قطعاً نمی‌تونن با کیفیت قبل کار کنند و دیگه بی‌تی‌اس همیشگی نخواهند بود. تا اینجاش دووم آوردن، چون هنوز جوان هستن، ولی دیگه آدم تا یه جایی می‌کشه و از یه جایی به بعد می‌بره و دلش محبت و رابطه رو می‌خواد، این یکی از نیازهای مهم انسان‌ها هست و نمی‌شه نادیده‌اش گرفت. من موندم چه طور کمپانی‌ها به این نکته توجه نمی‌کنند و فکر می‌کنند می‌تونند آیدول‌هاشون رو تا ابد سینگل و به دور از ارتباط نگه دارن و هم‌زمان انتظار داشته باشند، کار اون‌ها با کیفیت از آب دربیاد. تا یه جایی می‌تونن فشار وارد کنی، از یه جایی به بعد کار خودت به هم می‌ریزه. بالاخره سلامت روانی آیدول هم مهمه، واسه کار به این سختی. کمپانی همه‌جوره به ظاهر و هیکل و رقص و همه چیزه آیدول‌ها می‌رسند، ولی همیشه از وضعیت روحی‌شون غافل ان».

افرادی که کمپانی بیگ هیت را مسوول تعارض‌هایی که بین برخی از رفتارهای پسران بی‌تی‌اس با شعارهای آنان می‌دانند، علت رفتار کمپانی را گاهی صرفاً اقتصادی، گاهی فرهنگی و گاهی به شکل توامان اقتصادی و فرهنگی معرفی کرده‌اند. فرشته ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، کمپانی برای راضی نگه داشتن تمامی مخاطبان (که از طیف متمایل به جنس مخالف تا متمایل به هم جنس‌گرا گسترده‌اند)، ستاره‌های خویش را متمایل به هر دو گرایش معرفی می‌کند. اما آنچه که در تبیین‌های ارایه شده فراموش شده است، نقش فردی ستاره‌هایی است که به صرف وجود یک قرارداد (که آن هم غالباً در سنین پایین آن‌ها منعقد شده است)، نباید شأن انسانی خویش را به معرض حراج بگذارند و به این ترتیب به انبوه هوادارانی که عاشقانه آن‌ها را دوست دارند و کم و بیش از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند، آدرس‌های غلط و نادرست ارایه کنند.

### سایر موارد اجتماعی

تا اینجا ذیل عنوان اثرهای اجتماعی از مواردی مانند: شروع هواداری از سنین پایین، پرداختن ستاره‌ها به مسایل جوانان، تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران، مواجهه با معرکه آرا و افزایش تسامح هواداران، تشویق به مهاجرت به کره جنوبی، دوست‌یابی حضوری و مجازی، نودوستی، جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، الگوبرداری از ستاره‌ها، تحول‌های هویتی، تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران، احساس تعهد به حمایت مادی و معنوی از گروه، تلاش در جهت افزایش هواداران، تعصب ورزیدن در طرفداری، پیشه‌کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی، جابه‌جایی سبک زندگی تکلیف‌مدار با سبک زندگی لذت‌مدار و نقد خط‌مشی‌های کمپانی گروه بی‌تی‌اس، یاد شد، اما باید دانست که موارد پیش‌گفته، شامل تمامی اثرهای اجتماعی گروه پسران بی‌تی‌اس بر روی هواداران‌شان نیست و آثار اجتماعی بی‌تی‌اس بر روی طرفداران‌شان بیش‌تر از موارد یاد شده است. برخی از آثار اجتماعی دیگر گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران‌شان مواردی مانند، افزایش برخی از مهارت‌های اجتماعی، تشویق (ظاهری) توجه به زیست محیطی، سوق دادن به سمت فردگرایی مفرط، دامن زدن به نوعی از هرج و مرج طلبی - آنارشسیسم - آموزش غیرمستقیم هنجارشکنی، منفی شدن دید طرفداران نسبت به مردان ایرانی، درگیر شدن در حاشیه‌پردازی‌های گروه و نظایر آن‌ها است که در ادامه، به اجمال از آن‌ها یاد خواهد شد.

«افزایش مهارت‌های اجتماعی» مقوله مهمی است که برخی از هواداران مصاحبه شده از آن یاد کرده‌اند. به عنوان مثال، الناز ۱۲ ساله برای نمایش عمق طرفداری خویش، خود را ملزم به کاربری از وسایل با برچسب بی‌تی‌اس می‌داند و در پی این امر با وجود سن اندکش، به خود جرأت سفارش جنسی از خارج را داده است:

«- تاحالا شده به خاطر اون‌ها جنسی از کره سفارش بدی برات بیارن؟»

آره شده، من یه کیف کوله‌ای از یه پیچ اینستاگرام ایرانی پیدا کردم و خوشم اومد و اونا هم گفتن که مستقیم از کره میارن اون کیف رو، حالا به صورت هوایی یا دریایی برام می‌فرستن ایران و منم سفارش دادم و پول و گمرکی اون رو هم پرداخت کردم و برام آوردنش». ثنای ۱۶ ساله در گزارش خویش خاطرنشان می‌سازد، محتوای آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس در عمل هواداران را به سطح افرادی ارتقاء می‌دهد که به راحتی شکست را قبول نکنند:

«- آهنگ‌هایی که به طور کلی از گروه بی‌تی‌اس شنیدی و خیلی دوست داری کدام آهنگ‌ها هستند؟»

مایک دراپ، باتر، یت تو کام، پر میشن تو دنس، بوی وید لاو.

- مایک دراپ در مورد چیه؟

در مورد این که شکست رو قبول نکن، به هیتایی که به شما می‌دن توجه نکنین و به کارتون ادامه بدین. البته در مورد خودشون دارن می‌گن، اما انگار دارن به ما می‌گن.

- یعنی چه؟

غیرمستقیم منظورشون این هست که خیلی به انتقادهایی که از شما می‌شه، توجه نکنید. البته برداشت من این هست که نباید به فن بی‌تی‌اس تحت تأثیر تمسخر دیگران قرار بگیره و بخواد از حمایت بی‌تی‌اس دست بکشه».

الناز نیز در فراز دیگری از مصاحبه خودش اذعان می‌دارد، وی از ۱۱ سالگی صفحه هواداری از گروه بی‌تی‌اس را در فضای مجازی ایجاد کرده و در آن به هواداری از گروه پرداخته است:

«- گفتم که فن پیچ داری دنبال کننده‌هاست چند نفر هستند؟

۱۵۰ نفر هستن.

- خوب برای این فن پیچ روزی چند ساعت وقت می‌گذاری؟

نمی‌دونم فکر کنم روزی ۵ ساعت یا بیش‌تر.

- آهان، خوب تو از کی فعالیت فن پیچت رو شروع کردی؟

من ۲ سال هست که آمی هستم، یه سال پیش که آمی بودم یه ساله می‌شد، تصمیم گرفتم این پیچ رو بزمن به خودم گفتم الناز تو که کار دیگه‌ای از دستت برنمیاد که براشون انجام بدی، حداقل یه فن پیچ بزنی که یه حمایتی هم ازشون کرده باشی و الان یه سالی می‌شه که این فن پیچ رو دارم».

«ترغیب به پیشه کردن رفتارهای زیست‌محیطی» مقوله دیگری است که اعضای گروه بی‌تی‌اس بعضاً از آن یاد کرده و خود را مدافع آن نشان می‌دهند. مرضیه ۱۹ ساله، در قسمتی از مصاحبه خویش یادآور می‌شود که مثلاً برخی از اعضای بی‌تی‌اس، شرکت خاصی را تبلیغ کرده اند که محصولاتش را صرفاً از محصولات بازیافتی تهیه می‌کند و یا آن که اعضای گروه در صورت آسیب زدن به زیست‌محیط، بلافاصله در صدد جبران آن برمی‌آیند:

«... هر سال به مناسبت تولد اعضاء چندین پروژه بین فن بیس‌های ایرانی و خارجی و فن پیج‌های بزرگ بزرگ راه می‌افتاد و از سه الی بیست میلیون پول جمع می‌شد و به مؤسسه محک یا نظایر اون اهدا می‌شد. من خودمم چند بار پروژه راه انداختم و همین‌الآنش هم یه پروژه دارم.

- در مورد پروژه‌هایی که خودت داری، می‌تونی توضیح بدی؟

پروژه‌های من کوچیک و غیررسمی بودن. افرادی که همکاری کردن دوست نداشتن پول جمع‌آوری شده به نهاد خاصی اهدا بشه... برای همین روز بیست و شش شهریور ماه و هفدهم اسفند ماه سال قبل یک‌سری بسته‌های مواد غذایی، لوازم التحریر و لباس عید به بچه‌های کار و خانواده‌های بی‌بضاعت هدیه کردیم و پستش هم توی پیچ بود و هفتاد و پنج کاویو خورده بود. جدا از اون چندتا کار ریز ریز هم با دوستانم کردیم.

- هزینه‌های انجام شده این کار چه قدر بود؟

یه بار سه تومن، یه بار پنج تومن. این گوشه کوچیکی از کمک اعضاء هست از پولای خورد خوردی که به نهادهای کوچیک اهدا می‌کنن تا استفاده از گارد گوسی بازیافتی برای حمایت از محیط زیست.

- استفاده از گارد گوسی بازیافتی؟! می‌تونی واضح‌تر توضیح بدی؟

یک موردی که بین استوری جیهوپ و پست نامجون مشترکه، گارد گوشیشونه که توسط برند «آرک» ساخته شدن این برند حامی محیط زیسته و تمام محصولات اون با استفاده از زباله‌های بازیافتی تولید می‌شه... .

- تو بین صحبت‌های خودت اشاره کردی به این که جیهوپ واقعاً ۱۳ تا ماشین رو آتیش زد به نظرت این مسأله در حقیقت با حمایت‌هاشون از محیط زیست مغایر نیست؟

آره می‌دونم یک‌سری آرمی‌ها این طوری خودشون رو قانع می‌کردن که شاید اون ماشین‌ها قراضه هستند، یک‌سری این طوری که هزینه همه‌اش رو خود جیهوپ داده و یه ریال هم کمپانی نداده و پولداره دوست داشته این کار رو کنه، متأسفانه، متأسفانه، به خاطر حرص و ولع بی‌اندازه‌ی سرمایه‌داری، انسان‌ها، محیط زیست همه و همه آسیب می‌بینن. تا زمانی که این طوره دنیا اصلاً جای قشنگی نیست، ولی البته اعلام شد، پولی که از طریق یوتیوب و اسپاتیفای این موزیک ویدیو به دست اومده، به یه مؤسسه بیماری‌های خاص توی شیکاگو داده شده».

اما با وجود رفتارهایی که مرضیه به عنوان یک هوادار گزارش می‌کند، مصرف‌گرایی گسترده‌ای که اعضای بی‌تی‌اس آن را در زندگی روزمره خویش به نمایش می‌گذارند، سمت و سویی ضد زیست‌محیطی دارند که نباید آن را نادیده گرفت.

«تشویق فردگرایی مفرط»، مقوله بارز دیگری است که در بسیاری از فرازهای آهنگ‌های بی‌تی‌اس ملاحظه می‌شود و نوجوانان و جوانانی که به دلیل عدم فهم تحول‌های زیستی (مغزی)، عاطفی، شناختی و اجتماعی آنان از سوی اولیاء، بعضاً مورد نقد، انکار و گاهی هجمه اولیای‌شان قرار دارند، از سوی پسران بی‌تی‌اس به عصیان علیه جامعه بزرگسال فراخوانده شده و با بریدن از آنان، به سمت لذت‌جویی تام و تمام، به هر شکلی که خودشان بخواهند، سوق داده می‌شوند.

نگین ۱۳ ساله و پریناز ۱۸ ساله در مصاحبه‌های خودشان با تأکید بر این که برای هر فردی، تنها خودش باید مهم باشد، در عمل نشان می‌دهند که به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های فردگرایی تشویق شده از سوی گروه بی‌تی‌اس قرار گرفته اند:

«- شما اگر فرصت داشته باشید برای این گروه چه کارهایی انجام می‌دین؟»

اگر فرصت باشه و تا وقتی این قضیه طول بکشه که من بتونم به یک جای خوبی تو زندگیم برسم، قطعاً از همه لحاظ حمایت می‌کنم، من قبل از این که آرمی بشم، اصلاً هدفم این بود که ببینم مامان و بابام هدفشون چیه، می‌خوان من چی کار کنم، ولی وقتی که می‌بینم خود اعضا تو بعضی از مصاحبه‌هاشون می‌گن که هر کاری دوست دارین بکنین، خودتون برای آینده خودتون تصمیم بگیرین، من به بابام گفتم من می‌خوام مهاجرت کنم، بابام گفت کجا؟ گفتم می‌خوام برم کره، کره‌ای یاد بگیرم، می‌خوام برم کره زندگی کنم و بابای من کاملاً مخالف این قضیه هست، ولی خوب من دارم کره‌ای را هم می‌خونم، درس هم می‌خونم، کنارش دارم همه تلاشم را می‌کنم که به هدفی که می‌خوام برسم، من باید به فکر خودم و خواسته‌های خودم باشم».

«... به نظر من کار درستیه که هر فردی، با هر سلیقه و نظری و لباسی انسانه و حق زندگی داره، مهم نیست برندت چیه، رنگ لباست چیه، رنگ پوستت چیه یا دختری، پسری، مهم اینه که تو انسانی باید عاشق خودت باشی و اعضا یه آهنگ دارن که این موضوع رو بیان می‌کنه که تو با هر نقصی که داری حق زندگی داری، مهم نیست دیگران درباره تو چی می‌گن مهم فقط و فقط خودت هستی».

ریحانه ۱۵ ساله نیز در مصاحبه خود گزارش می‌دهد، با بیرون آمدن از زیر بار اوامر و نواهی اولیا، و سپردن خویش به دست امیالش، حالی بهتر از گذشته دارد:

«- ریحانه در کل فکر می‌کنی نقاط مثبت و منفی که بی‌تی‌اس برات داشته چیه؟»

خب همون طور که گفتم بی‌تی‌اس به من یاد داده که نظر بقیه برام مهم نباشه و خودم برای خودم تصمیم بگیرم. از روزی که این کار رو کردم خیلی حالم بهتره و راضی‌ترم. یا وقتایی که ناراحتم می‌رم کلیپ‌هاشون رو می‌بینم یا آهنگشون رو گوش می‌دم، می‌رقصم و بهتر می‌شم... .

- سعی کردی که ویژگی‌های اخلاقی مثل اون‌ها رو هم داشته باشی؟

تو این دو، سه سال که دنبالشون می‌کنم، یه سری چیزا ازشون یاد گرفتم، مثلاً این که با آدم‌ها مهربون‌تر باشم یا مثلاً به نظر کسی خیلی اهمیت ندم و کاری که خودم دوست دارم، انجام بدم.



- یعنی دوست نداری تو کارهات نظر بقیه رو بدونی؟

بیش تر دوست دارم خودم برای خودم تصمیم بگیرم، از این که یکی هی بهم دستور بده، بدم میاد. دوست ندارم چیزی تو دلم بمونه و برام عقده بشه».

«دامن زدن به نوعی از هرج و مرج طلبی (یا آنارشسیسم)» در پی تشویق هواداران به طغیان علیه اولیاء و احاله جوانان به خودشان پدید می آید. محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه خود بیان می دارد، طبق رهنمودهای بی تی اس با طغیان علیه همه چیز، به دنبال رها زندگی کردن است که این معنا، چیزی جز آنارشسیسم و هرج و مرج طلبی بیش تر نیست:

«بی تی اس هم می خواد این رو جا بندازه که بابا نوجوان رو ول کنی تا چیزی که دوست داره رو دنبال کنه. اون طوری که دوست داره برنامه ریزی کنه. دوست دارم امروز جای ۶ ساعت ۱۲ ساعت بخوابم، به کسی ربطی نداره تا وقتی صدمه ای به کسی نزدم. چرا باید توی همچین موارد شخصی دخالت کن».

مرضیه ۱۹ ساله که از طرفداران پروپاقرص گروه بی تی اس هست، با وجود ارادتی که نسبت به گروه دارد، دست به نقد عصیانگری می زند که در برخی از پیام های گروه بی تی اس وجود دارد:

«من خودم بعضی از آهنگ هاشون رو فقط به خاطر انرژی زیادی که داره گوش می دم و ممکنه متنش رو دوست نداشته باشم، مثلاً آهنگ فایر که تو کل اون ۴ دقیقه آهنگ چیز خاصی نمی گه و فقط می گه آتیشش بزن، آتیشش بزن و اصلاً حس خوبی هم نسبت به این ندارم و فکر می کنم باعث ترویج خشونت می شه».

با طرح ضرورت گسستن از نسل بزرگسال و استقبال از شرایط جدید که فرد در آن بدون توجه به روابط اجتماعی خودش، صرفاً معطوف به خودش شده و تنها در صدد ترضیه خودش برآید، «استقبال از هنجارشکنی» که پسران بی تی اس به کرات از آن یاد کرده اند، امری لازم می نماید.

پسران بی تی اس با هنجارشکنی هایی که در رفتارهای خودشان به معرض دید می گذارند، در عمل به آموزش ضرورت هنجارشکنی به هوادارانشان می پردازند.

پونه ۱۸ ساله، شیدای ۲۰ ساله و الناز ۱۲ ساله در مصاحبه های خود از مسأله اخیر به قرار زیر یاد کرده اند:

«من تو هالیوود و خواننده های غربی دیده بودم که پسران مثلاً بعضی وقتا یه ته میکاپی دارن یا لاک می زنن و این چیزا. تو اون زمانم که من فن رپ فارسی بودم، فکر کن آهنگ یه سری ریش و سیبیل دار (باخنده و شوخی) رو گوش می دادم، از نظرم خیلی کار مسخره ای بود و با خودم می گفتم که چرا پسر باید مثلاً لاک بزنه یا همیشه هری استایلز رو می دیدم که مثلاً تابوشکنی می کنه و با دامن و پیراهن عکس می اندازه، اما خب همیشه برام عجیب بود. نه این که مثلاً بدم بیادا یا هیت بدم. فقط می گفتم خب مثلاً که چی. ولی بعد که با بی تی اس آشنا شدم، دیدم که مثلاً میکاپ دارن، خیلی ارتباط برقرار کردم. نیست که کلاً صورتای نرم و قشنگی دارن، برای همین میکاپ خیلی بهشون می اومد و منم دیدم و دوست داشتم. یعنی وقتی فوتوشوت و عکساشون رو دیدم، نگفتم چه کاریه وا. خوشم اومد. موهاشون رو می دیدم، خیلی برام جالب بود که بیش ترشون موهاشون رو رنگ کردن و رنگای قشنگی هم می داشتن که خوشگلی شون رو صد برابر کرده بود. این چیزاشون از نظرم خیلی جالب و قشنگ بود یا مثلاً جدای از همه ای، اینا، دنس گروهی ای که داشتن خیلی برام جدید بود».

«- یعنی از همون نه سالگی تو به مهاجرت فکر می کردی؟

آره. از همون موقع به این فکر می کردم که برم. حتی زودتر از کلاس اول (می خندد). ولی از نه سالگی که با اینا آشنا شدم، مسأله دیگه برام خیلی جدی تر شد. بعد یه چیز دیگه که خیلی برام جالب بود، تیپ و استایل شون بود. مثلاً همین که پسران موهاشون رو رنگ می کردن یا مثلاً می تونستن آرایش کنن یا لاک بزنن یا لباسای رنگی و دخترونه می تونستن بپوشن. این خیلی جذیب کرد.

- چرا جذبیت کرد؟

چون که فرق داشت با اون چیزی که ما یاد گرفته بودیم که مثلاً این چیزا فقط برای دختراس. برام جذاب بود. تازگی داشت. البته الان دیگه خیلی زیاد شده. اولش که توی خود کره، بعدش الان توی ایرانم مثلاً پسرا تیپای متفاوت می‌زنن، لاک می‌زنن، برق لب می‌زنن و به نظرم این کی‌پاها بودن که این کار رو کردن».

«- خوب تا حالا شده که دامن یا لباس پرنسسی بپوشند؟

یکی از اعضاء توی موزیک ویدیو باتر یا داینامایت دامن پوشیده بود، مطمئن نیستم کدوم آهنگ، ولی لباس پرنسسی نه (می‌خندد)».

سرانجام «درگیر شدن در حواشی گروه» مقوله مهم دیگری است که وقت و انرژی بسیاری از هواداران را به سمت اموری بسیار جزئی و بعضاً مبتذل سوق می‌دهد:

«- فنشون از لحاظ احساسی هم بهشون وابستگی دارن؟

آره، اوو چه جورر هم (خنده). اصن یه وضعیه. کافیه یکی‌شون عطسه کنه، همه فنانش نگرانش ان و حتی دیدم شب خواب‌شون نمی‌بره و حتی براش گریه می‌کنن! و خودشون رو با طرف تصور می‌کنن، مثلاً حس می‌کنن اون شوهرشونه و تنها مال اینا هست و الان باید پرستاریش کنن و دورش بگردن (خنده). یادمه یه بار برای جذب مخاطب یه خبر چرتی گذاشته بودن که یکی‌شون داره ازدواج می‌کنه! بعد فنای اون طرف هیئت دادن بهش و گریه می‌کردن و انگار عزای عمومی اعلان شده بود. اون قدر حال‌شون بد شده بود، از درس و مدرسه کلاً افتاده بودن و نمی‌رفتن مدرسه، اون قدر از لحاظ روحی آشفته شده بودن و همین حاشیه‌سازی باز به نفع‌شون شد و کلی فالور اومد طرف‌شون (خنده)».

#### ۴- اثرهای فرهنگی

هواداری از گروه بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی - سیاسی، زیباشناختی، هنری، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای فرهنگی هواداری از پسران بی‌تی‌اس در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از:

رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی‌های فرهنگی اولیه کره، ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی، ضعف داخل و بهم ریختگی اوضاع جامعه ایران عاملی برای اقبال به بی‌تی‌اس، شروع آشنایی با کی‌پاپ از دوران کودکی، علاقه‌مند شدن و شیفتگی به جوانب مختلف فرهنگ کره، اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران، استقبال از غذاهای کره‌ای، استقبال اقشار قابل تأملی از طرفداران از سرگرمی‌ها و تفریحات مبتذل.

رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی‌های فرهنگی اولیه کره، ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی، ضعف داخل و بهم ریختگی اوضاع جامعه ایران عاملی برای اقبال به بی‌تی‌اس، شروع آشنایی با کی‌پاپ از دوران کودکی، علاقه‌مند شدن و شیفتگی به جوانب مختلف فرهنگ کره، اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران، استقبال از غذاهای کره‌ای، استقبال اقشار قابل تأملی از طرفداران از سرگرمی‌ها و تفریح‌های ناسالم.

در ادامه به بررسی عناوین پیش‌گفته، پرداخته خواهد شد.

#### رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی‌های فرهنگی اولیه کره

برخی از هواداران مصاحبه شده، در جریان بیاناتشان خاطر نشان می‌ساختند که آن‌ها پس از آشنا شدن با صنعت فیلم کره (کی‌دراما)، با صنعت موسیقی کره (کی‌پاپ) آشنا شده‌اند. در بعضی از موارد ستاره‌های کی‌پاپ در صنعت فیلم کره ظاهر شده‌اند که این مسأله در تسهیل هواداری نوجوانان و جوانان به گروه‌های کی‌پاپ از جمله گروه بی‌تی‌اس، مؤثر بوده‌اند.

شبنم ۲۵ ساله در توصیف علاقه افراطی خودش که سبب شده است، بیش از صد بار سریالی از کی‌دراما را ببینید، می‌گوید:

«... یه سریال کره‌ای بود به اسم «سامسون» که فارسی وان نشون می‌داد. سر اون بود که استارت علاقه من به کره خوردش. از اون فیلم شروع شدش.»

- می‌شه لطفاً درباره علاقه و خیال‌پردازی‌هایت درباره اون بازیگر کره‌ای بیش‌تر بگی؟

خیلی دنبالش می‌کردم توی اینستاگرام. البته خیلی دیگه توی چشم نیست و کلاً دوتا سریال بازی کرده، ولی من سر همون دوتا سریال خیلی بهش علاقه دارم.

- شروع این علاقه از چه سنی بود؟

اون موقع که این فیلم رو فارسی وان می‌داد من راهنمایی بودم و همیشه آرزو داشتم ببینم این سریال رو. ولی مامانم نمی‌داشت و می‌گفت برو بخواب و این به درد سن تو نمی‌خوره و این رفته بود توی مخم و علاقه‌ام رو بیش‌تر می‌کرد که این مگه چیه که مادرم نمی‌ذاره من ببینم. بعد که بزرگ‌تر شدم رفتم سریالش رو خریدم و شاید بالای صد بار باشه که من این سریال رو نگاه کردم. طوری که آبجیم کلافه

می‌شد و می‌گفت تو چه طور می‌تونی هنوز این رو ببینی؟!»

مرضیه ۱۹ ساله، با عباراتی مشابه، از آشنایی خود با کی‌پاپ از طریق کی‌درام می‌گوید:

«... اول فیلم و سریال کره‌ای زیاد می‌دیدم و به درامایی رو شروع کردم به اسم هوارانگ که به فارسی شوالیه‌های زیبا هست، بعد گفتم دیگه اون زمانا دنبال دوبله بودم، یعنی نسخه‌های دوبله شده، به خاطر همین هم می‌رفتم از فیلیمو می‌دیدم، چه بچه‌ی خوبی بودم من:» ((

بعد اون زمان این طوری بودم که کامنت‌هایی که می‌داشتن رو هم می‌خوندم و به موقع‌هایی هم خودم کامنت می‌ذاشتم و تو این بین به جمله رو خیلی می‌دیدم و بله اون جمله این بود که «من این سریال رو فقط به خاطر تهیونگ می‌بینم»، بعد من سرچ زدم ببینم تهیونگ کیه از این طریق فهمیدم عضو گروه بی‌تی‌اسه، البته چون تو این سریال هم نقش اصلی نبود و به همین خاطر توجه من زیاد جلبش نشد، ولی هی داستان که جلو رفت، بیش‌تر باهاش آشنا شدم، هی کیوت بازی در می‌آورد و اکثر مومنت‌هایی هم که از این سریال بیرون می‌اومد، فقط مربوط به تهیونگ بود، البته قبل از همه‌ی این‌ها اسم بی‌تی‌اس به گوشم خورده بود و تا به حدی می‌دونستم به بوی بند کره‌ای هستن و... .

حتی می‌دونستم به طرفداراشون می‌گن آرمی و من به زمانی از آرمی‌ها بدم می‌اومد و هیچ وقت فکرش رو نمی‌کردم که آرمی بشم خودم:» به هر حال این سریال بود باعث شد بهشون توجه کنم و بعد کم‌کم جذب‌شون بشم.»

### ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی

اگر چه صنعت سینما و کی‌درامای کره، بستر مساعدی جهت سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت صنعت موسیقی کره فراهم آورده است، اما صنعت موسیقی کره نیز برای طرح هر چه قدرتمندتر خویش و سبقت گرفتن از رقیبان غربی خودش، کوشیده است تا با ارتقای «صنعت موسیقی» به «صنعت سرگرمی»، در عمل پاپ هالیوودی و غربی را پشت سر بگذارد، زیرا در فاصله دو اجرای یک خواننده غربی که ممکن است، فاصله‌ای چند ماهه و حتی چند ساله پدید آید، در صنعت کی‌پاپ، فاصله پدیدآمده بین دو اجرای یک خواننده یا یک گروه خوانندگی، با سرگرمی‌های مختلفی که همان ستاره یا ستاره‌ها در تهیه آن ذی‌سهم هستند، در عمل «صنعت موسیقی»، به «صنعت سرگرمی» ارتقاء یافته است.

کمپانی بیگ‌هیت برای طرح هر چه قدرتمندتر گروه کی‌پاپ زیر پوشش خودش، می‌دانست که ستاره‌ها و سلبریتی‌های معمولی، هواداران معمولی خواهند داشت و برای برخوردار شدن از هوادارانی که با ستاره‌های مورد علاقه خویش به توان دو برخورد کنند، ضرورت دارد که اعضای گروه کی‌پاپ وی نیز به توان دو با هواداران خویش برخورد کنند. از این رو کمپانی به تدارک تمهیداتی پرداخته است که ارتباط عمیق ستاره‌هایش را با هواداران آن‌ها فراهم آورد.

این تمهیدها به شکل تهیه برنامه‌های مستقل از سوی کمپانی، برگزاری برنامه‌های مشترک بین ستاره‌ها و هواداران و تشویق هواداران به ایجاد تشکل‌های هواداری و انجام فعالیت‌های مختلف هواداری است.

کمپانی در راستای تهیه برنامه‌های مستقل از سوی خودش، به فراهم آوردن اسباب سرگرمی، تفریح و تنوع هواداران پرداخته، تهیه برنامه‌هایی مانند: ران بی‌تی‌اس، بن ویاج (بن وایاژ) و بی‌تی‌اس این دِ سوپ را در دستور کار خود قرار داده است.

کمپانی در فراز دیگری از فعالیت‌های خود، در جهت عمق بخشیدن هر چه بیشتر به رابطه اعضای گروه بی‌تی‌اس با هواداران، با طرح مواردی مانند: عرضه وسایل طراحی شده توسط ستاره‌ها به هواداران و یا طراحی وسایل بی تی ۲۱، به انجام این مهم پرداخته است.

کمپانی بیگ‌هیت، با راه‌اندازی برنامه‌هایی مانند: تهیه ولاگ (فیلم ویدیویی) از زندگی ستاره‌ها، برگزاری برنامه‌های زنده (لایوهای) فردی و جمعی و نشر زندگی‌نامه ستاره‌ها، کوشیده است تا در جهت نزدیک‌تر کردن بیش از پیش ستاره‌ها و هواداران به یکدیگر نیز گام بردارد. کمپانی در فراز دیگری از تلاش‌هایش با «ترسیم جهانی پر راز و رمز، تخیلی و رؤیایی» برای ستاره‌ها، با طرح مواردی همچون مغازه جادویی، بی‌تی‌اس آیلند، جهان بنگتن، وب‌تون و تهیه فتوبوک، روابط هواداران با ستاره‌ها را در جهانی تخیلی، پی می‌گیرد.

کمپانی در راستای تهیه برنامه‌های مشترک بین ستاره‌ها و هواداران به برگزاری همایش‌هایی نظیر فن‌میتینگ و فن‌ساین، اقدام کرده است. کمپانی هاید در فراز دیگری از اقدام‌های خویش برای «تعمیق روابط ستاره‌ها و هواداران»، با پیش گرفتن برنامه‌هایی مانند: تکریم هواداران از سوی ستاره‌ها، مشخص کردن روزی به نام روز هواداران و هویت بخشی گروهی به هواداران، به انجام این امر می‌پردازد. برنامه‌های دیگری مانند: برگزاری منشن‌پارتی، استریم پارتی (استریمینگ)، هزینه کردن برای استریمرها، ترندینگ (هشتک‌گذاری در توئیتر - ایکس-)، در راستای تهیه برنامه‌های مشترک بین ستاره‌ها و هواداران قرار می‌گیرند.

کمپانی در فراز دیگری از اقدام‌های خود، دست به تشویق هواداران جهت ایجاد تشکلهای هواداری و انجام فعالیت‌های مختلف هواداری زده است. به این معنا که هواداران گروه بی‌تی‌اس با ملاحظه سرمایه‌گذاری جدی ستاره‌ها (ی کمپانی) برای طرفداران، متقابلاً وارد صحنه شده و با «ایجاد تشکلهای هواداری (فندوم‌ها)»، دست به حمایت و هواداری از آنان می‌زنند.

«راه‌اندازی برخی از سرگرمی‌ها از سوی هواداران با محوریت ستاره‌ها»، مانند تهیه داستان‌نویسی (فن‌فیکشن یا فن‌فیک)، تهیه داستان‌های تک‌صحنه (وان‌شات)، جور کردن (شیپ کردن) ستاره‌ها با یکدیگر، شرکت در برنامه‌های ایفای نقش (کی‌رول)، تهیه فن‌آرت، تهیه آزمون‌های سنجش میزان شناخت ستاره‌های بی‌تی‌اس، برگزاری مسابقات چالشی در سطح هواداران و نام‌گذاری ستاره‌ها، فراز مهم دیگری را در مجموعه اقدام‌های هواداران تشکیل می‌دهد.

سرانجام «برگزاری جشن‌های مرتبط با اعضای گروه بی‌تی‌اس»، نظیر برگزاری جشن تولد ستاره‌ها یا برگزاری جشن فستا و «هزینه کردن برای گروه» و «استقبال از مدهای بی‌تی‌اسی»، فرازهای دیگری از اقدام‌های هواداران گروه کمپانی بیگ‌هیت را تشکیل می‌دهد. برخی از هواداران، با اعتقاد به این که گروه بی‌تی‌اس در واقع بسان یک خانواده برای آنان عمل کرده است، بر همین مبنا نسبت به یکدیگر از احساسی مثبت برخوردار بوده، کوشیده اند با پیش گرفتن برنامه‌هایی نظیر فن‌سرویس و راه‌اندازی مرکز عشق و مثبت نگری، در عمل به «ارایه سرویس به هواداران دیگر» پردازند.

برخی از هواداران مصاحبه شده، در جریان بیاناتشان از جذابیت برنامه‌های سرگرمی تمهید دیده شده توسط کمپانی برای هواداران یاد کرده اند.

سارینای ۱۳ ساله، گلاره ۱۴ ساله و محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه‌های خودشان با اشاره به برنامه ران بی‌تی‌اس می‌گویند:

«... خب من بیش‌تر فیلم‌های طنزشون رو می‌دیدم و بعد هم ران بی‌تی‌اس رو دیدم. کلاً بیش‌تر تو فاز طنزهاشون بودم تا آهنگ و موزیک‌ویدیو و بیش‌تر از روی طنزبازی‌هاشون جذب شدم».

«... مثلاً یه قسمتی بود که توی یه جایی شبیه استخر بودن و باهم بازی می‌کردن. بعد اون جا جکوزی و سونا و اینا داشت و اعضا می‌رفتن توی اتاق سونا که دماش خیلی بالا بود، بازی می‌کردن و هر کس جواب اشتباه می‌داد، باید بیش‌تر اون جا می‌موند. کلاً جنبه طنز و فان بیش‌تر داره».

«- یعنی چه لطفاً بیش‌تر توضیح دهید».

یعنی روتین زندگی‌شون رو می‌بینی یا مثلاً چالش می‌دارن که هر کی دیرتر بخنده برنده هست، حالا اگه هنرمند ایرانی درب و داغونم ببینی، چنان خودش رو می‌گیره که انگار چه خبره. یا اینجا جلف بازی داریم یا خیلی خشک و سفت و سخت. یکی مثل تتلو اون قدر سبک و بی‌شعور یکی هم مثل رضا صادقی همه‌اش غم. بابا یه کم انعطاف، یه کم چالش، یه کم خنده. چیه همیشه لباس مشکی تنشه».

مرضیه ۱۹ ساله، ضمن تأیید اثر برنامه‌های ران بی‌تی‌اس، خاطرنشان می‌سازد، این برنامه‌ها در جذب هر چه بیش‌تر وی به گروه بی‌تی‌اس، مؤثر واقع آمده اند و به دلیل پردازش فکورهانه این برنامه‌ها، وی به عنوان یک هوادار به سرحد معتاد شدن به این برنامه‌ها رسیده است:

«- خوب می‌خواستی به یادت بیاری که دقیقاً چی شد که بهشون علاقه‌مند شدی؟»

آنها بعد از اون سریال من با همون دوستم در موردشون صحبت می‌کردم، اون کلی ازشون تعریف می‌کرد و عکس و فیلمشون رو می‌فرستاد و من خودمم از تو گوگل و اینستا در موردشون می‌خوندم و تا این که کامل شناختمشون، یعنی دیگه کاملاً می‌فهمیدم کی کیه و اسمشون و اینا رو یاد گرفته بودم. بعد دوستم برنامه ران بی‌تی‌اس (بی‌تی‌اس بدو) رو معرفی کرد و گفت می‌خوام معتادت کنم، از اون طرف، اون یکی دوستم می‌گفت خودت رو زیاد درگیرشون نکن، خوب نیست، اما خبر نداشت که درگیرشون شدم و رفت (می‌خندد). خلاصه ران رو شروع کردم ببینم و ران بزرگ‌ترین تأثیر رو تو شناخت و علاقه من به بی‌تی‌اس داشت.

- (باخنده) و معتادش شدی؟

آره (می‌خندد) فکر کنم ران رو که تقریباً ۱۵۰ قسمت به بالا هست، همه‌اش رو دیدم.

- می‌تونی این برنامه رو بیش‌تر توضیح بدی؟

ران بی‌تی‌اس مسابقاتی هست که بین اعضاء انجام می‌شه، یه جوری براشون چالش برانگیزه، ران تقریباً صد و پنجاه، شصت قسمته که کاملاً با دیدنش شخصیت تک تک اعضاء دستت میاد، این که چه مدلی صحبت می‌کنن، چه مدلی رفتار می‌کنن، صدشون رو بدون هیچ افکت و اینا می‌شنوی، کاملاً خودشون هستن».

گلاره ۱۴ ساله از برنامه بی‌تی‌اس این دِ سوپ (بی‌تی‌اس در جنگل) یاد کرده، جنبه سرگرمی کی‌پاپ بی‌تی‌اس را مورد تحسین خویش قرار داده است:

«... برنامه‌های زیاد دیگه‌ای هم هست مثلاً بی‌تی‌اس این دِ سوپ<sup>۱</sup> یکی‌شون بود که چند روز مسافرت بی‌تی‌اس رو نشون می‌داد که رفته بودن توی یه جزیره یا جای جنگلی و طبیعت که خونه‌های باحال و قشنگ داشت و زندگی‌شون باهم دیگه رو نشون می‌داد.

بعد مثلاً در کنار این که داشت این مدل تجربه‌هاشون رو نشون می‌داد، تک‌تک می‌بردن شون و از هر کدوم می‌پرسیدن، این قسمت چه طور بود و چه کارهایی کردی و اعضاء از تجربه‌هاشون تعریف می‌کردن یا توی قسمت‌های مختلف ران‌ها آشپزی می‌کنن، بازی می‌کنن که مثلاً یه آهنگ رو حدس می‌زنن که ریتمش اونه».

دیبا ۱۵ ساله نیز از برنامه بن ویاژ بی‌تی‌اس (سفر به خیر بی‌تی‌اس) یاد کرده، جنبه سرگرمی کی‌پاپ بی‌تی‌اس را مورد تأیید خویش قرار می‌دهد:

«- این برنامه‌هایی که توی صحبت‌ها بهش اشاره کردی چی هستن و توی اون‌ها چه اتفاقی می‌افته؟

مثلاً این برنامه بن‌ویاژ چندتا فصل داره و توی اون به جاهای مختلفی سفر می‌کنن یا مثلاً ران بی‌تی‌اس کانسپت‌های مختلفی داره، مثلاً می‌شینن باهم بازی‌های مختلفی انجام می‌دن یا خود تهیه‌کننده برنامه میاد و براشون یه چالشی مطرح می‌کنه، آشپزی می‌کنن یا یه مهمونی دعوت می‌شه تا بهشون کارهای جدید رو یاد بده مثلاً سفالگری و یوگا رو یاد گرفتن یا مثلاً توی بی‌تی‌اس این دِ سوپ هم که تا الان دو فصلش اومده، می‌رن توی خونه‌های جنگلی، خیلی خوشگل و شیک و باکلاس و مثلاً کارهایی که اون‌جا انجام می‌دن، توی اون سه، چهار روزی که هستن، به شکل یه برنامه در میاد».

هواداران مصاحبه شده ایرانی گروه بی‌تی‌اس، از آنجا که در ایران زندگی می‌کنند، نظیر هواداران کره‌ای موفق به شرکت در برنامه‌هایی مانند فن‌میتینگ، فن‌ساین، منشن‌پارتی و مانند آن‌ها که با حضور ستاره‌ها برگزار می‌شود، نمی‌شوند، اما فعالیت‌های هواداری خویش را پی گرفته، به مواردی مانند تهیه کارهای هنری با محوریت ستاره‌ها (فن‌آرت)، داستان نویسی با محوریت ستاره‌ها، شرکت در نظرسنجی‌های

۱- بی‌تی‌اس در جنگل (BTS In the Soop) یک مجموعه برنامه ساخته شده توسط بیگ هیت انترتینمنت و Big Hit Three Sixty با حضور اعضای گروه بی‌تی‌اس است. این برنامه دو فصل دارد که فصل اول از سال ۲۰۲۰ از شبکه JTBC و پلتفرم آنلاین Weverse پخش شد.

مختلف، استریم زدن، نام‌گذاری ستاره‌ها و نظایر آن‌ها پرداخته‌اند. نغین ۱۳ ساله و رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، از فعالیت‌های هواداری خودشان به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«... یک‌سری نقاشی که خودم کشیدم.

- چه نقاشی‌هایی؟

مثلاً اعضاء را به یک حیوان تشبیه می‌کنیم و یا میوه مورد علاقه‌شون را حتی می‌دونیم. مثلاً من حیوان دوتا از اعضاء را کشیدم. حیوان جونگ کوک می‌شه خرگوش، حیوان نام‌جو هم می‌شه کوالا.

- نقاشی‌ها را جای هم به اشتراک می‌گذاری؟

نه اون طوری نه، به دوستان نشان می‌دم، ولی بیش‌تر برای دل خودمه، دلم براشون تنگ می‌شه اینا را می‌کشم و نگاه‌شون می‌کنم، دلتنگیم کم می‌شه.

- فن‌آرت محسوب می‌شن؟

نه فن‌آرت مال وقتی که توی شبکه مجازی بذاریش، من این کار رو نمی‌کنم من اینا رو ممکن هدیه بدم.

- دوست‌ها چی؟

نه من دوستان خیلی اهل فضای مجازی نیستند، به خاطر همین اونا هم یه چیزایی می‌کشن، مثل ولی پست نمی‌کنیم و نشون نمی‌دیم به کسی، ولی خب این طوری که ما به هم دیگه اینا رو کادو می‌دیم و خوب راستش رو بخواین مبادله کالا به کالا شده با همدیگه بکنیم و خرید و فروش. من بگی نگی این کار رو می‌کنم مثلاً من از یکی از دوستان نقاشی تهیونگ رو خریدم، خیلی قشنگ نقاشی می‌کشه، یه کار دیگه‌ای که من می‌کنم سمبل‌های بی‌تی‌اس رو می‌کشم و اون‌ها رو خوب ارزون فروختم، آخه من خیلی تو فکر پولش نیستم.

- چه سمبل‌هایی از بی‌تی‌اس رو می‌کشی؟

کوالا، خرگوش، ببر».

«... هر کدوم از اعضاء بی‌تی‌اس یه نمادی حیوونی هم دارن که آرمی‌ها یه همچین نمادی روشن گذاشتن که نماد جین اون حیوونه،

چی بودن که، ام، شبیه یه جور گوسفند حالت کوییتی داشتن؟

- کوآلا؟

کوآلا نه... یه دقیقه، الان یادم نیامد.

- اهوم.

و نماد شوگا، شوگا اسم اصلیش هست مین یون گیاه، و همونیه که کنفش خیلی آسیب دید، طوری که یه مدت نتونست شرکت کنه داخل هیچ فعالیتی، اونم نماد حیوونیش گربه هست و جیهوب که اسم اصلیش هم جونگ هوسوک هست، نماد حیوونی اونم سنجاب هست و بهش می‌گن سان‌شاین. این لقبه براش. سان‌شاین هم یعنی خورشید، چون خیلی امید می‌ده به آرمیا. آر.ام هم که اسم اصلیش کیم نام جون هست، بهش می‌گفتن رپ مانستر و نماد حیوونیش رو گذاشتن کوآلا. جیمین هم که اسمش پارک جیمینه، بهش می‌گن جوجه و کوچک‌ترین جثه رو داره بین اعضاء. هفتمی هم که اسم اصلیش کیم تهیونگه، لقب حیوونیش رو گذاشتن ببر، و جونگ کوک هم که اسمش جئون جونگ کوکه، لقب حیوونش رو گذاشتن خرگوش.

- بعد ببینم این‌ها وقتی این اسم‌ها، اسم حیوونا رو می‌شنوند، چه احساسی پیدا می‌کنند؟

اونا خودشون هم از این، واقعاً این کارا رو انجام می‌دن که شبیه‌شون به نظر می‌رسن. جونگ کوک واقعاً خیلی فانی رفتار می‌کنه. مطابق

رفتار، آرمیا این اسما رو روشن گذاشتن و خودشون هم موافقت کردن که شبیه‌شون و آکاپا، اسم حیوونی جینه».

ریحانه ۱۵ ساله، در گزارش خویش یادآور شده است که وی و دوستانش با الهام از سرگرمی‌های گروه بی‌تی‌اس، دست به فعالیت‌های مشابه زده، به این ترتیب قسمتی از اوقات فراغت خویش را پر می‌کنند:

«- خودت هم حرکات رقص بی‌تی‌اس رو اجرا می‌کنی؟»

آره. واسه لاغری‌ام خوبه رقص.

- یعنی تو هم دوست داری مثل اونا لاغر باشی؟

خب چون دخترم، خیلی دوست دارم مثل اعضای بلک‌پینک ظریف و لاغر باشم، خودت که می‌بینی، من یه کم تپلم.

من همیشه آهنگای بی‌تی‌اس و گاهی بلک‌پینک رو تو اتاقم می‌ذارم و باهاشون می‌رقصم، اون قدر می‌رقصم که لاغر بشم، مثل گروه بلک‌پینک. بعد از ظهرها تا آهنگاشون رو گوش ندم و یه کم نرقصم، نمی‌تونم کار دیگه‌ای بکنم، این جور انرژی می‌گیرم...

- می‌شه بگی دیگه بی‌تی‌اس از چه نظر برات جذاب هستن؟

واقعیتش رو بگم بیشتر از خود اون بازی، مسخره بازی‌ها و کاراشون رو دوست دارم. خیلی کیوت و بانمک ان، از این که شوخ هستن خوشم میاد یا این که مثلاً از این که خود واقعی‌شون رو تو ران‌ها می‌بینی و این که چه جور با دوستانش حرف می‌زنن و ارتباط دارن، جالبه، انگار بیشتر بهشون نزدیکی. لهجه‌شون رو هم دوست دارم که باهم حرف می‌زنن، لحن‌شون باحاله، گاهی تو خونه راه می‌رم، الکی اداشون رو درمیارم و اون جور حرف می‌زنم. یه سری چیز بی‌معنی تند تند می‌گم، اما با لحن خودشون، مثلاً کلمات رو می‌کشم و اینا، داداشم بهم می‌خنده بعدش اونم اداشون رو درمیاره (خنده).

- دوستان هم برای همین ران‌ها رو دوست دارن؟

آره فک کنم اکثراً به خاطر همین چیزا می‌بینن، وگرنه مسابقاتشون رو که همه می‌تونن انجام بدن. مهم حاشیه‌های بازی‌هاشونه و کارای دیگه‌ای که کنارش می‌کنن. مثلاً وقتی یه ران می‌بینیم، درساً میاد می‌گه، دیدید مثلاً نامجون چه کار کرد، چه جذاب بود، آخ بمیرم براش! یا مثلاً جیمین یا هر کدومشون.

- پس بیشتر از خود بازی، خود اعضای گروه براتون جذابیت دارن.»

اوهوم لامصبا خیلی کراشن!<sup>۱</sup>

### ضعف داخل و بهم ریختگی اوضاع جامعه ایران عاملی برای اقبال به بی‌تی‌اس

برخی از هواداران مصاحبه شده تأکید داشته‌اند که یکی از عوامل مهم گرایش آنان به گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، «ضعف تولیدهای داخلی» است، طرفداران دیگری با طرح مضمونی مشابه، از بهم ریختگی اوضاع جامعه و ممنوعیت‌های مختلفی که در آن وجود دارد، به عنوان عاملی مشابه که در سوق یافتن جوانان به سمت کی‌پاپ مؤثر هستند، یاد کرده‌اند.

ثنا ۱۶ ساله و ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش در ارتباط با ضعف تولیدهای داخلی که عاملی جهت استقبال از گروه بی‌تی‌اس و مشابه آن شده است، اظهار داشته‌اند:

«- با وجود تمام این تعارض‌های اخلاقی که ازشون آگاهی چرا از بی‌تی‌اس حمایت می‌کنی؟»

چون احساس می‌کنم بزرگ شدم، می‌تونم حرف بزنم، می‌تونم انتخاب کنم که از یک بند حمایت کنم. حق انتخاب بهترین کلمه‌ای هست که می‌شه برای جواب دادن به سوال شما بگم.

- اما از این گروهی که حمایت می‌کنید حق انتخاب چندانی نداره؟ چه طور می‌تواند الگوی مناسبی برای تو و دوستان شما باشه؟

۱ - کراش crush علاقه بسیار شدید یک فرد به کسی که هنوز دسترسی خاصی به او ندارد یا اصلاً طرف مقابل متوجه علاقه فرد به خودش به خودش نشده است.



در کنار تمام این کمبودهایی که داره باز از خیلی از گروه‌ها بهتره و حداقل منه نوجوون یه چیزایی ازش یاد می‌گیرم. برم امینم گوش بدم خوبه که همه‌اش چرت و پرته یا ساسی مانکن؟ بین بد و بدتر باید بد رو انتخاب کنم و بی‌تی‌اس اون بده هست نه بدتره. شما دوتا گروه مثبت معرفی کن که به اندازه بی‌تی‌اس هم جذاب باشن و هم محتوای خوبی ارایه بدن و خیلی چیزای دیگه بی‌تی‌اس داره رو داشته باشه و بدی‌هاش رو نداشته باشه. نیست دیگه. من هم به خاطر خاص بودن، هم به خاطر جایگاه، هم به خاطر محبوبیت، به خاطر بالاتر رفتن اعتماد به نفسم و این که حرفی برای گفتن داشته باشم به بی‌تی‌اس نیاز مندم. خیلی‌ها فکر می‌کنن ما نوجوون‌ها نفهمیم، ولی می‌فهمیم اگه ما مشکل داریم به خاطر اینه که کسی نیست که برای ما دوتا الگوی مناسب معرفی کنه تا بی‌تی‌اس الگوی ما نباشه».

«- آهنگ‌های ایرانی رو هم گوش می‌دی؟»

اوایل آره، ولی از وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدم، آهنگای ایرانی اصلاً برام جذاب نیست، بدتر آدم دلش می‌گیره گوش می‌ده، بعضیاشونم چرت و پرت می‌گن یا غمگین ان.

- مثلاً چه آهنگی؟

آهنگای مهدی احمدوند، همه‌اش غمگینه یا محسن ابراهیم زاده، اصن بعضی چیزاش رو متوجه نمی‌شی که چی می‌گه کلاً خیلی سطح پایین و مسخره ان. اکثرشون غم و غصه هس یا عاشقانه‌ی بی‌محتوا. مثلاً یه نوجوون چرا باید این همه آهنگ غم و غصه‌دار گوش بده. بعضیاشونم که ریتماش تکراریه و شبیه به هم ان. یعنی از وقتی که کاربر کی‌پاپ شدم از بس جذاب و متنوع ان، آهنگ‌های ایرانی اصلاً به چشم نمیان و از چشمم افتادن».

سارینای ۱۳ ساله، مسعود ۲۰ ساله و فریبای ۴۶ ساله که سه نسل را دربرمی‌گیرند، در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، هر سه از ضعف تولیدهای داخل که آن‌ها را متوجه خارج کرده است، یاد کرده‌اند:

«- چه ویژگی و خصوصیتی توی بی‌تی‌اس وجود داشت که باعث شد به گروه مورد علاقه‌ات توی کی‌پاپ تبدیل بشن؟»

راستش بی‌تی‌اس تنها گروه مورد علاقه من نیست و بلک‌پینک رو هم به عنوان گروه مورد علاقه‌ام می‌دونم و هردوشون رو به یه اندازه دوست دارم، ولی در کل بی‌تی‌اس آهنگ‌هاش خیلی به سلیقه و حال من خورد و در کل خیلی برای من جذاب بود و بلک‌پینک هم به خاطر این که اولین گروه کی‌پاپ بود که شناختم، خیلی برام عزیزه و بیش‌تر سبک و صداشون هست که من خیلی دوست دارم. در کل نمی‌تونم بین این دوتا گروه، یکی رو انتخاب کنم. دلیل اصلی این که بی‌تی‌اس رو به جای گروه‌های دیگه استن می‌کنم، رو واقعاً نمی‌دونم. انگار که اون‌ها یهو از ناگجا آباد اومدن و منم یهو بی‌جذب‌شون شدم و نمی‌تونم دلیل خاصی رو بگم چون هر چیزی سلیقه‌ایه و سلیقه من هم بی‌تی‌اس هست.

- یعنی گروه بی‌تی‌اس هیچ برتری و ویژگی خاصی نسبت به سایر گروه‌های کی‌پاپ نداشت که روی انتخابت تأثیرگذار باشه؟

اگه بخوام صادق و رک باشم، واقعاً هیچ فرقی برای من نداشت نه معروفیت‌شون و نه رکوردها و ویوهاشون هیچ کدوم برای من اهمیت نداشت. من یهو به بی‌تی‌اس جذب شدم و بعدش بدون هیچ دلیل خاصی عاشق همه چیزشون شدم.

- مگه می‌شه که یه نفر عاشق چیزی بشه، ولی اون از نظرش ویژگی خاصی نداشته باشه؟

منظورم از دلیل خاص این نیست که هیچ دلیلی نداشتیم، ولی خب دلیل خیلی بزرگ نیست. من بیش‌تر پایه فاز خل‌بازی‌هاشون شدم، چون کلاً انرژی مثبت هستن و من رو شاد می‌کنن (می‌خندد)».

«- این تضاد فکری شما با بی‌تی‌اس تو رو در ادامه هواداری مردد نمی‌کنه؟»

بعضی وقت‌ها این طور فکر می‌کنم، ولی هیچ جایگزینی به خوبی بی‌تی‌اس نمی‌بینم و پیدا نکردم. پس به هواداریم ادامه می‌دم».

«- یعنی شما فعالیت مهم‌تری نمی‌توانید انجام بدهید که مفید باشد؟»

چرا، اتفاقاً می‌دونم که زیاده روی می‌کنم. سرم گرم می‌شه حداقل به مشکلاتم با همسرم فکر نمی‌کنم. یه راه فراره برای خلاص شدن از این افکار تکراری. صادقانه بخوام بگم، موسیقی و فیلم‌های شرقی رو ترجیح می‌دم به فیلم و سریال‌های ترکی‌های و آمریکایی.

– چرا؟

چون محتوای خیانت و هرزه‌گی و کلاً محتوای جنسی کم‌تری دارن. فیلم‌های هندی هم همین‌طور محتوای جنسی کم‌تری دارن نسبت به فیلم‌های غربی. اگه دیدن فیلم و سریال‌های کره‌ای و گوش دادن به آهنگ‌های کره‌ای و کلاً شرقی باعث بشه دخترم کم‌تر به سمت محتوای غربی و ترکیه‌ای بره، خیلی کمک کننده هست. بی‌تی‌اس خیلی نسبت به بعضی از گروه‌ها و خواننده‌های غربی بهتره، حداقل کلماتی که استفاده می‌کنند توام با ادب و احترام هست، یعنی دقیقاً همون فرهنگ شرقی. ببخشید ولی چه فیلم و سریال‌های غربی چه آهنگ‌هاشون تیکه کلام‌شون یه کلمه‌ای هست که خجالت می‌کشم به زبون بیارم. خب منم سعی می‌کنم سرگرم فیلم‌های کره‌ای بشم یا با بی‌تی‌اس مشغول باشم تا با فیلم‌های به شدت زننده ترکیه».

اگر چه فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه‌اش با اشاره به محدودیت تنوع آثار ایرانی و سریال‌های آمریکایی، ترکیه‌ای و مانند آن‌ها که مشحون از صحنه‌های نامناسب هستند، بیان می‌دارد که او برای حفظ و حراست از دخترش، وی را به سمت کی‌دارما و کی‌پاپ کره که در مقایسه با سریال‌های غربی از هرزه‌نگاری کم‌تری برخوردارند، سوق داده است. اما وی در ادامه خاطرنشان می‌سازد، خودش نیز به تبع دخترش در این وانفسا، کاربر داستان‌نویسی‌های هرزه‌نگار هواداران کی‌پاپ و بی‌تی‌اس است:

«... اگر بچه کنترل نشده گوش بده، ممکنه چیزایی رو ببینه و بشنوه که براش مناسب نیست. موضوع دیگه اینه که آخه همین که توی اینترنت سرچ می‌کنی، راحت می‌بینی که از روابط پنهانی آیدول‌های مختلف نوشتن و این که کی اولین بار کی رو بوسیده و خب این خیلی بده برای دخترم.

– چه طور می‌توانید دخترتان را کنترل کنید؟

از دستم در رفته و دیگه نمی‌تونم چون به راحتی توی اینترنت می‌گرده، توی یوتیوب و اینستاگرام فیلم می‌بینم. رویکا نصب کرده، بازم رویکا یه کم بهتره، ولی دیگه واقعاً کنترلی روش ندارم.

– آیا محتوا مناسب خود شما هست؟ منظورم همین موارد مربوط به روابط پنهانی و فن‌فیکشن‌هایی که احتمالاً محتوای جنسی دارن.

از اون جایی که من انگلیسی بلدم، راستش خوندم بله و مناسب نیست.

– آیا با وجود این که می‌دانید مناسب نیست باز هم می‌خوانید؟

از روی بی‌کاری می‌خونم».

شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش در کنار ضعف تولیدهای داخل، از بهم ریختگی اوضاع جامعه و ممنوعیت‌های مختلفی که در آن وجود دارد، به عنوان عاملی مشابه که در سوق یافتن جوانان به سمت کی‌پاپ مؤثرند، یاد کرده است:

«به نظرم این که توی این شرایط ناامیدی، یک منبع امید ان چیز مثبتیه...»

یک دلیل دیگه هم که به نظرم بی‌تی‌اس توی ایران و به خصوص توی دخترای ایرانی طرفدار داشته، اینه که ما چارچوب‌هامون و باید و نبایدهامون خیلی زیاده. مثلاً همه‌اش از این چیزا داریم که پسر نباید این کار رو کنه، دختر نباید اون کار رو کنه، نباید خوانندگی کنه، نمی‌تونه مجوز بگیره و غیره. من چون خودم توی کار موسیقی هستم و با خانواده‌ها در ارتباطم، به خصوص در زمینه موسیقی زیاد این چیزا رو می‌بینم. بعد توی این اوضاع وقتی می‌بینی یه گروهی اون‌ور آب برخلاف همه این چارچوبا حرکت می‌کنه و انگار حرف دل تو از دهن اونا در میاد، بیش‌تر به سمتش کشیده می‌شی».

## شروع آشنایی با کی‌پاپ از دوران کودکی

«شروع آشنایی و کاربری از کی‌پاپ از سنین پایین» مسأله فرهنگی مهمی است که برخی از مصاحبه‌شوندگان بدان پرداخته‌اند. ریحانه ۱۵ ساله، در مورد برادر کوچک‌تر ۶ ساله‌اش گزارش می‌دهد، وی تحت تأثیر گروه بی‌تی‌اس قرار گرفته است. سارینای ۱۳ ساله، در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، او از ۶-۷ سالگی طرفدار کی‌پاپ شده است. شیدای ۲۰ ساله هم از کلاس سوم دبستان و گلاره ۱۴ ساله، پس از آن که از کلاس پنجم دبستان به اینترنت دست یافته است، با گروه بی‌تی‌اس آشنا شده‌اند:

«- ریحانه دوستان تو هم بی‌تی‌اس رو می‌شناسن؟»

دوستام! همه مدرسه و همه دخترا عاشقش هستن، همه می‌شناسن شون این قدر معروف ان. این قدر که با دوستام تو مدرسه در موردشون کل می‌اندازیم. حتی داداش کوچیکم شیش سالشه، از بس من بی‌تی‌اس رو می‌بینم، اونم دیگه یه کم می‌شناستشون و یه تیکه‌هایی از بعضی آهنگاشون رو حفظه، یه بارم که با بابام رفته آرایشگاه، به آرایشگر گفته موهاشو مثل جیمین بزنه (باخنده) بعد اومده بود خونه ادای اون رو درمی‌آورد.»

«- سارینا شما از چه سنی کی‌پاپ و کی‌دراما رو شناختی؟»

حدود ۷ یا ۶ سالگی.»

«- شیدا شما از کی با بی‌تی‌اس آشنا شدی؟»

از کلاس سوم ابتدایی. اون موقع بی‌تی‌اس نبود، فکر کنم. من اول با گروه اکسو آشنا شدم. یه گروهی ان مثل بی‌تی‌اس که قبل از همه این گروه‌ها بود و اون موقع از همه‌شون معروف‌تر بود. دوازده تا پسر بودن و خیلی داشتن پیشرفت می‌کردن، ولی کم‌کم هی اعضاهاش جدا شدن ازش و تعدادشون کم شد. ولی الانم هستن در حد چهار پنج نفر. بعدش بی‌تی‌اس اومد جای اینا رو گرفت. یعنی در رقابت باهم بودن تا این که دیگه بی‌تی‌اس جلو زد ازشون. منم دیگه رفتم سمت بی‌تی‌اس.»

«- گلاره جان اولین بار از چه طریقی متوجه شدی که کشور کره جنوبی در زمینه فیلم‌سازی و موسیقی فعالیت هنری انجام می‌ده؟»

حقیقتاً من تابستون سال ۹۹ تازه گوشی دار شدم، یعنی می‌شه تابستون کلاس پنجم که به اینترنت دسترسی پیدا کردم. اون زمان با آدم‌های زیادی در ارتباط نبودم، ولی یکی، دو نفر از دوست‌هام توی کی‌پاپ<sup>۱</sup> طرفدار بعضی از گروه‌ها مثل بلک‌پینک و بی‌تی‌اس بودن و خب من هم طرفدار بی‌تی‌اس شدم. اون زمان هم کی‌پاپ خیلی رایج نبود و کسانی که سن بالاتری داشتن و موبایل داشتن، می‌تونستن فن<sup>۲</sup> (طرفدار) کی‌پاپ باشن، ولی کسانی مثل من که به‌خاطر کرونا و آنلاین شدن کلاس‌ها تازه موبایل دار شده بودن، تازه می‌تونستن کی‌پاپر<sup>۳</sup> بشن.»

ثنا ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش گزارش می‌دهد که او از کتابخوانی ستاره‌ها الگوبرداری کرده و به رمان خواندن پرداخته است:

«جیمین ساعت‌ها از موبایلش استفاده می‌کنه، ولی کسی گیر نمی‌ده، کتاب می‌خونه و خیلی هم به رمان‌های مختلف علاقه‌مند هست، واسه همین که روی من اثر گذاشته یه کم رمان می‌خونم جدیداً، قبلاً دوست نداشتم. بقیه آیدول‌ها هم تفریحات خودشون رو دارن، فیلم دیدم که موزه رفتن یا با دوستاشون بیرون رفتن واسه گردش و خیلی کارای دیگه.»

<sup>۱</sup>- کی‌پاپ یا پاپ کره‌ای (K-pop) یک ژانر از موسیقی است که خاستگاه آن کره جنوبی است. این ژانر تحت تأثیر سبک‌ها و ژانرهای مختلفی از سراسر جهان بوده است.

<sup>۲</sup>- Fan

<sup>۳</sup>- به هوادارن صنعت موسیقی کره جنوبی کی‌پاپر (K-poper) گفته می‌شود.

«تنوع موجود در کی‌پاپ بی‌تی‌اس»، مقوله مهم دیگری است که بسیاری از هواداران مصاحبه شده بر آن تأکید داشته‌اند. مریم ۱۸ ساله در نمونه‌ای از این دست موارد در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد:

«- خوب مریم جان، اون اول چه چیزی تو رو جذب بی‌تی‌اس کرد؟»

اولین چیزی که جذب کرد، انرژی زیادشون موقع اجرا کردن بود، حس می‌کردم که واقعاً دارن از اجرا کردن خودشون لذت می‌برند و این کار رو با تمام وجودشون انجام می‌دن. حرکات و هماهنگی‌شون خیلی جالب بود، مخصوصاً با وجود این که این قدر هم رقص‌هاشون سخت و سنگینه. بعد از اون جذب آهنگ‌های مختلفی شدم که خونده بودن، سبک‌های مختلف رو امتحان کرده بودن و از این همه تنوع و سبک‌های جدید نترسیده بودن. فکر می‌کنم یکی از دلایلی که این قدر آرمی زیاد شده، همین‌ه که هر جور سلیقه موسیقی داشته باشی، بی‌تی‌اس یه دستی توش داشته و می‌تونه آدم‌های مختلف با افکار و سلیقه‌های مختلف رو راضی کنه».

### علاقه‌مند شدن و شیفتگی به جوانب مختلف فرهنگ کره

یکی از دیگر تبعات فرهنگی کاربری و هواداری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، «علاقه‌مند شدن و شیفتگی به جوانب مختلف فرهنگ کره» است که برخی از افراد مصاحبه شده، متذکر آن گردیده‌اند.

الناز ۱۲ ساله، در گزارش خود خاطرنشان می‌سازد، وی هم‌زمان با علاقه یافتن به گروه بی‌تی‌اس، به فرهنگ، البسه و غذاهای کره‌ای نیز علاقه‌مند شده است:

«- یعنی فقط از تمام کشور کره جنوبی هر چی که داره فقط گروه بی‌تی‌اس تو رو جذب کرده؟»

آره، البته فرهنگ‌شون و غذا و لباس‌هاشون رو هم دوست دارم.

- خوب چرا غذاشون رو دوست داری؟

غذاهاشون به نظر جالب و خوشمزه میان.

- تاحالا غذای کره‌ای امتحان کردی؟

خیر.

- خوب پس چه جوری می‌گی دوست داری غذاشون رو؟

از شکل و ظاهرشون خوشم میاد و البته مدل‌هایی که غذا می‌خورن توی فیلماشون و ویدیوهای موبکینگ».

ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌اش یادآور شده است که وی پس از آشنا شدن با گروه بی‌تی‌اس، دست به جست‌وجوی اطلاعاتی راجع به کشور کره زده است و حتی با استفاده از تورهای مجازی، قسمت‌هایی از این کشور را نیز بازدید کرده است:

«- در مورد کره جنوبی اطلاعات جدیدی داری که قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس نداشتی؟»

تقریباً هر چی که می‌دونم درباره کره، بعد آشنا شدن با بی‌تی‌اس فهمیدم.

- یعنی در اینترنت سرچ کردی؟

بله، حتی از تور مجازی هم استفاده کردم بعضی جاهای دیدنی‌ش رو دیدم».

دیبا ۱۵ ساله و پریناز ۱۸ ساله هم پس از آشنا شدن با گروه پسران بی‌تی‌اس، به اندیشه سفر به کره و آشنا شدن بیش‌تر با این کشور افتاده‌اند:

«- دلیلت برای این که دوست داری برای بازدید به کره سفر کنی، چیه؟»

اولین چیزی که در جواب به این سوال به ذهنم می‌رسد، اینه که اگه خود بی‌تی‌اس کنسرت داشته باشن، دوست دارم به اونجا برم، چون به نظرم اگه به کره بری و کنسرت نری واقعاً حیفه و حتی اگه خود بی‌تی‌اس هم کنسرت نداشته باشن، دوست دارم کنسرت بقیه گروه‌های کی‌پاپ رو برم.

دلیل دیگه هم اینه که دوست دارم به عنوان یک گردشگر به کره برم و خب کره از نظر تکنولوژی هم خیلی سطح بالایی داره. بعد مثلاً مغازه‌هایی دارن که در اون‌ها خیلی چیزهای کیوت و باحال می‌فروشن یا این که مغازه‌های مربوط به لوازم آیدول‌ها رو ببینم یا حتی بی‌تی‌اس خودشون اون‌جا موزه دارن. غذاهاشون رو دوست دارم بخورم یا محله‌های قدیمی‌شون رو ببینم. کلاً به نظرم جاهای جالب و باحال زیاد دارن.»

«- عزیزم تا چه حد گروه بی‌تی‌اس روی تو تأثیر گذاشته؟»

تأثیر که خیلی داشته، من ناخودآگاه بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس سبک موسیقی‌ای که گوش می‌کنم، هم‌ه‌اش کی‌پاپ و آهنگ‌های کره‌ای شده، عکس پس زمینه گوشیم هم گروه بی‌تی‌اس هست، حتی به جرأت می‌تونم بگم، رؤیاهام تحت تأثیر بی‌تی‌اس قرار گرفته، اون اوایل هم خیلی دوست داشتم آیدول بشم و الانم، درسته شاید اون قدر برام پررنگ نباشه، ولی همچنان در فکر آیدول شدن هستم. من فن پیچ بی‌تی‌اس رو دارم و دنبال شون می‌کنم. بعد من با شادی اونا شاد می‌شم و با ناراحتی اونا ناراحت می‌شم و حرفای انگیزشی که اعضا می‌زنن رو من روی آینه اتاقم می‌زنم و کتاب‌هایی که اعضا معرفی کردن رو گرفتم و خوندم، مثل کتابخانه نیمه شب یا کتاب بادام، فوق‌العاده هس یا فیلم‌هایی که اعضا معرفی می‌کنن رو می‌بینم، در کل بی‌تی‌اس روی روحیه من تأثیر زیادی داشته و یه موضوعی هم که هست و روی من تأثیر داشته، این بوده که من برم و بیش‌تر با فرهنگ کره‌ای‌ها آشنا بشم، لباس‌های اونا رو ببوشم، برم زبون اونا رو یاد بگیرم و در کل تأثیرات مثبتی روی من داشتن.»

### اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران

«یادگیری زبان کره‌ای» به شکل سماعی و خودآموز، امری است که بسیاری از افراد هوادار مصاحبه شده بر آن صحه نهاده‌اند. معدودی از هواداران نیز با رفتن به کلاس‌های آموزش زبان کره‌ای، آموزش رسمی‌تر زبان کره‌ای را در دستور کار خود قرار داده‌اند. مریم ۱۸ ساله و مرضیه و شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، به تذکر این معنا پرداخته‌اند که زبان کره‌ای را در جریان کاربری از کی‌پاپ و کی‌دراما فراگرفته‌اند:

«- تاحالا اقدام به یادگیری زبان کره‌ای کردی؟»

به طور رسمی نه، ولی همین جوری خیلی کلمه‌ها و جمله‌هاشون رو یاد گرفتم.

- یعنی از چه راهی یاد گرفتی؟

من سریال کره‌ای زیاد می‌بینم چون ژانر عاشقانه دوست دارم و کره سریال‌هاش در این زمینه خیلی خفنه. دیگه اون قدر سریال دیدم یاد گرفتم یه چیزهایی.»

«- علاقه‌ای که کی‌دراما یا کی‌پاپ در تو ایجاد کرد، باعث شد که بری و زبان کره‌ای رو یاد بگیری؟»

آره. من چند سال بود فیلم و سریال کره‌ای می‌دیدم، بدون این که برم دنبال یادگیری زبان شون، چون پشتم به ترجمه و زیرنویس یا دوبله‌شون گرم بود، ولی وقتی با کی‌پاپ آشنا شدم، دیدم یه جاهایی ترجمه‌ی ویدیوها دیر میاد یا اصلاً ممکنه ترجمه نشده، چون فنا باید این کار رو انجام بدن، ممکنه نکنن یا به سختی پیدا کنن به خاطر همین خواستم یاد بگیرم که خودم بفهمم چی می‌گن و این که یه سری چیزها بود که اوایل گول‌شون رو می‌خورم، بعداً متوجه شدم حرفی که اون شخص زده، اصلاً این نبوده و زیر نویسه‌الکی بوده و دروغ و

فیکه، همین باعث شد که بخوام خودم بفهمم و رفتم یاد گرفتم، البته این که می‌دیدم دوستانم چندتا زبان بلدن، همین من رو ترغیب می‌کرد به یادگیری کره‌ای دوستای کی‌پاپرم چون تا قبل از اون هی به خودم می‌گفتم که خب که چی کره‌ای یاد بگیریم چی بشه کجا به دردم می‌خوره و... .

- یعنی یکی از دلایلی که خواستی کره‌ای یاد بگیری، این بوده از منابع قلبی در این زمینه کاربری نکنی و فرق فیک و واقعی رو بفهمی درسته؟

بله درسته».

«- ... خوب بعدش چی شد؟

بعدش دیگه من کم کم آهنگ کنسرتاشون رو می‌دیدم، البته بچه‌ها هم تو تشویق من برای فن‌شون شدن بی‌تأثیر نبودن، اونا تو مدرسه گوش می‌آوردن و همه زنگای تفریح می‌شستیم می‌دیدیم و حتی اونا باهم همخونی می‌کردن، چون زبون‌شون رو یاد گرفته بودن و منم کنار اونا، خورد خورد یاد گرفتم، البته تو خونه هم هی تکرار می‌کردم باخودم ریتم آهنگا و تلفظ‌شون رو تا این که کم کم دیگه منم زبون‌شون رو البته دست و پاشکسته یاد گرفتم، کامل نه».

الناز ۱۲ ساله و پونه ۱۸ ساله، در گزارش‌های خویش بیان داشته اند که آنان در حال آموزش زبان کره‌ای، به شکل رسمی هستند:

«- در کلاس زبان تون کسی مثل تو هست که طرفدار بی‌تی‌اس باشه و به خاطر اون‌ها بخواد زبان کره‌ای رو یاد بگیره؟

آره، همه‌ی بچه‌های کلاسمون طرفدار بی‌تی‌اس هستن و همه‌شون هم به خاطر اون‌ها می‌خوان که این زبان رو یاد بگیرند.

- در کلاس تون چند نفرید؟

با خودم ۴ نفر.

- خوب یعنی همه‌ی ۴ نفرتون آرمی هستین و به خاطر اون‌ها می‌رید کلاس زبان کره‌ای؟

بله، ولی اون‌ها به خاطر مهاجرت هم زبان کره‌ای رو می‌خونن.

- یعنی هم کلاسی‌هات می‌خوان برن کره؟

آره.

- خوب تو چی تو نمی‌خوای بری؟

چرا منم می‌خوام برم».

«- زبان و فرهنگ کره رو دوست داری؟

آره خیلی. من الان یک ساله دارم می‌رم کلاس زبان کره‌ای یاد می‌گیرم. بعد این که غذاهاشون رو هم خیلی خیلی دوست دارم. آرزومه برم یه بار کره رو ببینم».

مسعود ۲۰ ساله، در فرازی از مصاحبه‌اش تأکید کرده است، اگر چه وی در دوره‌هایی که برای گوش کردن آهنگ‌های بی‌تی‌اس با خواهرانش داشته است، زبان کره‌ای را تا حدودی فراگرفته است، اما خواهرانش در این میان، یادگیری قابل توجهی یافته اند و حتی کفایت ترجمه متن‌های کره‌ای را نیز به دست آورده اند:

«- این همه فیلم و آهنگ کره‌ای دیدی زبان کره‌ای هم یاد گرفتی؟

فیلم‌های کره‌ای باعث شد تا معنی بیش‌تر کلمات رو بفهمم، ولی نمی‌تونم صحبت بکنم. فقط اداشون رو در میارم، ولی خواهرام از بس زبان کره‌ای‌شون خوب شده، می‌تونن ترجمه کنن».

## علاقه‌مند شدن به غذاهای سنتی کره‌ای

هم‌زمان با علاقه‌مند شدن طرفداران کی‌پاپ به زبان کره‌ای، برخی از این افراد به دیگر جلوه‌های فرهنگی کره، مانند غذاهای سنتی این کشور نیز علاقه‌مند شده و نظیر التاز ۱۲ ساله، حتی بدون آن که آن غذاها را خورده باشند، به این غذاها علاقه‌مند شده‌اند. دیبای ۱۵ ساله نیز در مصاحبه‌اش از علاقه خود برای بازدید از کره یاد کرده، یکی از دلایل علاقه‌اش به سفر به کره جنوبی را خوردن غذاهای کره‌ای اعلان داشته است.

مریم ۱۸ ساله و شبنم ۲۵ ساله، در گزارش‌های خودشان تأکید کرده‌اند که آن‌ها به دلیل علاقه یافتن به غذاهای کره‌ای، این غذاها را به شیوه خود کره‌ای‌ها، یعنی با چاپستیک<sup>۱</sup> صرف می‌کنند:

«- یعنی کی‌پاپ باعث نشده که به فرهنگ کره علاقه‌مند بشی؟»

فرهنگ کره کلاً زیاد چیز جالبی نیست، ولی غذاهای کره‌ای رو بعضی‌هاش رو دوست دارم.

- یه غذای کره‌ای که دوست داری رو می‌تونی مثال بزنی؟

نودل. من تقریباً هر شب شام نودل می‌خورم. چاپستیک هم خریدم، با اون‌ها می‌خورم قشنگ حس سریال کره‌ای‌ها رو می‌ده.»

«... یه چیز دیگه‌شون که خیلی من علاقه بهش دارم، همین احترامیه که به همدیگه می‌دارن. مثلاً توی یادگیری زبان کره‌ای یه چیزی که خیلی سخت بود، همین بود که اینا برای صحبت کردن با هر فردی با توجه به سن و سال و جنسیت و جایگاه و اینا، یه سری قواعد زبانی مخصوص خودشون رو دارن و من این احترامی که بین‌شون هست رو خیلی دوست دارم. بعد حتی مثلاً از لحاظ عادت‌های غذایی هم اصلاً شبیه چینیا نیستن که غذاهای عجیب و غریب بخورن. من اون قدر به نحوه غذا خوردن‌شون هم علاقه‌مندم که ظرف غذاشون و اون چوبایی که باهاشون غذا می‌خورن رو هم تهیه کردم و حتی نحوه استفاده ازش رو برای غذا خوردن که خیلی هم سخت هست رو هم یاد گرفتم. خانواده من هم خیلی توی این مسیر ازم حمایت کردن و بهم انرژی دادن و گفتن که اهمیتی به حرف‌های بقیه نده و علاقه‌ات رو دنبال کن.»

شیدای ۲۰ ساله که مربی رقص قریب به ۲۰۰ هنرآموز هست، در مصاحبه‌اش ضمن تأکید این که بسیاری از هنرجویانش شیفته فرهنگ کره هستند، تأیید می‌کند، شاگردانش با وجود علاقه به داشتن اندامی قلمی (همچون ستاره‌های مورد علاقه‌شان)، در برابر غذاهای کره‌ای و روش خاص خوردنشان، از خود مقاومت نشان نداده، صرف غذاهای کره‌ای را در دستور کار خود قرار داده‌اند و با ولع، به صرف این غذاها اقدام می‌ورزند:

«- الان بین شاگردهای شما کسی هست که تحت تأثیر همین معیارها، بابت بدنش احساس خجالت یا شرم داشته باشه؟»

بین شاگردای من هستن کسانی که چاق باشن، ولی تاحالا در این باره که مثلاً بابت این موضوع ناراحت باشن یا در تلاش برای لاغری باشن چیزی به من نگفتن. اتفاقاً بین طرفدارا خیلی می‌بینم که همه‌اش در حال خوردن هستن. چون غذاهای کره‌ای و اون روش خوردن‌شون خیلی جذابه، یه ولعی رو هم توی آدم ایجاد می‌کنه.»

## استقبال از سرگرمی‌ها و تفریح‌های ناسالم

«استقبال از سرگرمی‌ها و تفریح‌های ناسالم (مانند داستان‌نویسی یا ایفای نقش با مضامین هرزه‌نگار یا جور(شیپ) کردن ستاره‌ها با یکدیگر» از دیگر موارد فرهنگی است که برخی از افراد مصاحبه شده بر آن صحه نهاده و به ذکر اثرهای منفی آن‌ها بر کاربران‌شان پرداخته‌اند.

<sup>۱</sup> - چوب‌های مخصوص برای خوردن غذا در کشورهای آسیای شرقی.

گالاره ۱۴ ساله، نگین ۱۳ ساله و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌هایشان، از مطالعه داستان‌نویسی (فن‌فیک، فن‌فیکشن)‌های هرزه‌نگار یا داستان‌های تک‌صحنه (وان‌شات) هرزه‌نگار، یا محتواهای مبتنی بر جرم، جنایت و یا خون‌آشامی (ومپایر)، یاد کرده‌اند:

«- دوست‌ها مگه چه چیزهایی می‌خوانن که به نظرت براشون خوب نیست؟

اسمات (داستان‌های خارج از اخلاق) و وانشات و داستان‌هایی که اعضاء توشون مافیا و ومپایر و این جور چیزها هستن و خود واقعی‌شون نیستن یا مثلاً می‌گن اعضاء هم‌جنس‌گرا هستن یا با شخصیت‌های بی‌رحم و خشن جلوه می‌دن شون و ازشون سوءاستفاده می‌کنن و شخصیت‌شون رو عوض می‌کنن».

«- به نظر شما هر فن‌فیکشنی ارزشمند هست؟

من خودم معمولاً بستگی داره چه فن‌فیکشنی را خوانده باشم. کلی فن‌فیکشن هست که خیلی خوشحال کننده است، مثلاً اگر شما آیدول باشین، اصلاً مشکلی باهاش ندارین، اما یک‌سری فن‌فیکشن‌هایی هستن که خدایی ضربه روحی به آدم وارد می‌کنند و اگر یکی چنین داستانی را حتی اگر خیالی باشه، از زندگی شما بیاره بیرون، شما کاملاً روحیه‌تون نابود می‌شه».

«- شما توی فن‌پیچ‌ها و فن‌دوم‌های بی‌تی‌اس هم بودی؟

نه به اون صورت. توی یه سری گروه‌های تلگرامی طرفدارا بودم. مثلاً یادمه داستان‌هایی که درباره بی‌تی‌اس می‌نوشتن طرفدارا رو می‌خوندم و برام جذاب بودش. بعد خودم نقدشون می‌کردم که مثلاً کجاش ایراد داره.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

این جور بودش که مثلاً یه داستانی می‌نوشتن و شخصیت اول داستان رو به اسم یکی از اعضای بی‌تی‌اس می‌ذاشتن. بعد من مثلاً می‌خوندمش و اون جاهای داستان رو که دوست نداشتم، توی ذهن خودم تغییر می‌دادم و یه جور دیگه پیش می‌بردمش».

پونه ۱۸ ساله و نرگس ۲۱ ساله، از کاربری خود یا دیگر هواداران گروه بی‌تی‌اس از تفریح‌جور (شیپ) کردن ستاره‌ها با یکدیگر یاد کرده‌اند. جور (شیپ) کردن، می‌تواند به صورت طرح روابط دوستانه دو فرد یا روابط هم‌جنس‌گرایانه آنان باشد که غالب محتواهای تهیه شده در این جهت، ناظر بر روابط هم‌جنس‌گرایانه ستاره‌ها با یکدیگر است:

«- مثلاً چه داستانی از نظرت مناسب نیست؟

ببین داستانم نمی‌دونم می‌شه گفت. ژانر بگم، چی بگم. بخوام مثال بزنم یه فیک هست تو واتپد که کاپلش ته‌کوکه. من خب فقط کوک‌مین نمی‌خونم که. کاپلای دیگه رو هم می‌خونم، بعد تو فکر کن معروف‌ترین فیک ته‌کوکه که خیلی هم خواننده داره و اسمش دزیره هست، محتوای داستانش پدوفیلیه. قلم نویسنده‌اش عالی‌ها. ولی محتواش... بعد یادمه چند ماه پیش سر همین تو فن‌دوم تو بیتر دعوا شده بود. فنای این نویسنده و بوک می‌گفتن، نه، پدوفیلی نیست. بعد خیلیا می‌گفتن شما دارید تعصبی برخورد می‌کنید و علاقه‌تون به این داستان چمشاتون رو کور کرده. داستانش هم این طوره که کوک برادر کوچیک‌تر دوست دختر ته‌یونگه. مثلاً فکر کن ته‌یونگ ۲۲ سالشه تو داستان بعد کوک ۱۰ سالشه. بعد کلاً ته‌یونگ این رو از بچگی دوست داشته که حالا بزرگ می‌شه باهاش وارد رابطه می‌شه. حالا این طرفداراش می‌گفتن نه، این کوک وقتی بچه بود، به چشم عضوی از خانواده‌اش دوستش داشته و عاشقانه دوستش نداشته. ولی خب خودشون رو گول می‌زنن در واقع یا مثلاً من خودم با این فیکشنایی که خیلی اسمات (هرزه‌نگاری) دارن و سکسیست هستن یا محتواهای بی‌دی‌اس‌ام دارن، حال نمی‌کنم، به نظرم یه جور توهین به آیدوله که تو بیای از رابطه‌شون فقط سکسوالیته رو برجسته کنی. بعد جدای از محتوا این فیکشنا خیلی وقتا مخاطبای زیر ۱۵ سال دارن یا بچه دبستانی. خب اصلاً جالب نیست که یه بچه بیاد از الان تو این سن فیکشن بی‌دی‌اس‌ام از ته‌کوکه یا بقیه بخونه من خودم با این جور محتواها حال نمی‌کنم حقیقتش. به نظرم خیلی سخیف و بدن و در شأن فن و آیدول نیستن و خودم با این که خیلی طرفدار خوندن فیکشنم، اما ترجیح می‌دم این جور داستانا رو نخونم. ولی خیلیا هستن که این ژانرها رو دوست دارن و خیلی جدی دنبال می‌کنن. یعنی اصلاً براشون مهم نیست که خب زشته این چیزا. بیمارگونه و زشته. پدوفیل (بچه‌بازی) یا حتی من تو



خیلی از فیکشن‌ها دیدم که رابطه با اعضای خانواده رو دارن نرمالایز (عادی‌سازی) می‌کنن. یه فیک بود که توش جیمین و یونگی داداش بودن باهم و توش یونگی عاشق جیمین می‌شه و بعد باهم وارد رابطه می‌شن. من چند پارت خوندم و وقتی متوجه شدم داستان از چه قراره، ول کردم. اما خیلیا داشتن می‌خوندن و کامنت می‌ذاشتن و دوست داشتن فن‌فیکشنا با همه‌ی خوبی و قشنگ بودنش این بدی‌ها رو هم داره (پونه، ۱۸ ساله)».

«- به نظرت چی باعث شد که نگاه‌شون نسبت به مقوله‌ی هم‌جنس‌گرایی تغییر کنه؟»

نمی‌دونم، شاید چون کیوت به نظر میان از نظرشون. ضمن این که بعدها متوجه شدم کمپانی‌ها چه قدر هزینه می‌کنن تا یک شیپ تبلیغ بشه و مخاطب جذب بشه کار می‌کنن رو این مقوله‌ها دیگه. برای پول هرکاری می‌کنن» (نرگس، ۲۱)».

شیرین ۲۲ ساله نیز از برگزاری نظرسنجی از هواداران گروه بی‌تی‌اس در فضای مجازی یاد کرده است که غالباً افراد دارای آرای موافق و مخالف در یک مسأله، کارشان به فحاشی به یکدیگر می‌انجامد:

«- بقیه هوادارها با دیدن کامنت‌های مخالف چه واکنشی دارن؟»

(خیلی با صدای بلند می‌خندد) این مخالفت‌ها آغاز جنگ و شروع کامنت‌های زشت و رکیک به هواداران با نظرهای مخالف تو گروه و این قدر تعداد کامنت‌ها زیاد می‌شه و هر کی حرفی بار اون شخص مخالف می‌کنه که از حوصله خارج می‌شه. بعضی وقت‌ها هواداران به عمد نظری مخالف جمع می‌نویسند، برای شروع هجوم نظرات و آغاز جنگ و کلی به همه خوش می‌گذره.

- وقت برای جواب دادن و خواندن این همه کامنت کم نمیاری؟

حقیقتش وقت کم میارم از خوابم می‌زنم، ولی همه نظرات رو می‌خوانم و سوال‌های جدیدتر برای نظرسنجی‌های بعدی آماده می‌کنم و یکی از اختلافات شوهرم با من سر همین دیر خوابیدن من هست. یهو ساعت سه شب بیدار می‌شد، می‌دید من هنوز بیدارم و تو گوشی کامنت می‌نویسم و کفری می‌شد و گوشی من رو از دستم می‌گرفت و با عصبانیت خاموش می‌کرد. خلاصه این قدر خوندم کامنت‌ها برایم جالب و جذاب بود که نمی‌شد یکی‌شون رو نخونده بذارم».

## ۵- اثرهای آموزشی

هواداری از گروه بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی - سیاسی، زیباشناختی، هنری، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای فرهنگی هواداری از پسران بی‌تی‌اس در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از:

آشنایی با گروه بی‌تی‌اس در جریان جست‌وجوی رایانه‌ای یا گوگل کردن، جهت‌دهی به علایق تحصیلی هواداران، ارتقای مهارت‌های فنی هواداران، یادگیری رقص‌های کی‌پاپ، یادگیری‌های غیررسمی، کاهش تمرکز در مطالعه، کم توجهی به درس و افت تحصیلی و اعتماد کردن به منابع نامعتبر.

در ادامه به بررسی عناوین پیش‌گفته، پرداخته خواهد شد.

### آشنایی با گروه بی‌تی‌اس در جریان جست‌وجوی رایانه‌ای (یا گوگل کردن)

«گوگل کردن»، ویژگی ممتازی در نسل جدید است. این نسل برخلاف نسل‌های پیشین که در برخورد با مفاهیم و مسایل ناشناخته، یا گاه به علمای جامعه و یا استادان فن و یا کتاب‌ها و نشریات مختلف مراجعه می‌کردند، در مواجهه با هر موضوع غامض و ناشناخته‌ای، بلافاصله با جست‌وجوی اینترنتی آن مفهوم در فضای مجازی، به اطلاعات گسترده‌ای در مورد موضوع موردنظرشان دست می‌یابند. نرگس ۲۱ ساله، در قسمتی از مصاحبه‌اش خاطرنشان ساخته است که وی در جریان جست‌وجوی آزادی که در فضای مجازی داشته است، با گروه بی‌تی‌اس آشنا شده است. الناز ۱۲ ساله نیز در بیانات خویش خاطرنشان ساخته است که وی پس از دیدن یک موزیک ویدیو از گروه پسران بی‌تی‌اس، به جست‌وجوی این گروه پرداخته و با آنان آشنا شده است. گلاره ۱۴ ساله هم در مصاحبه‌ای که داشته است، خاطرنشان ساخته است که او در جریان کل‌کل با دوستش، با گروه بی‌تی‌اس آشنا شده است:

«- نرگس عزیزم، می‌شه اول بگی از چه سالی طرفدار بی‌تی‌اس شدی و چی شد که سمت‌شون رفتی؟»

من از سال ۲۰۱۳ بود که طرفدارشون شدم. قبل از اون خیلی کی‌دراما و فیلم و سریالای کره‌ای رو با مامانم نگاه می‌کردم. بعد اون موقع خیلی طرفدار کی‌پاپ نبودم. بیش‌تر فیلم و سریال‌هاشون رو نگاه می‌کردم. بعد سال ۲۰۱۳ بی‌تی‌اس تازه دیو کرده بود. من یک بار داشتم توی گوگل از یکی از بازیگرای کی‌دراما یک خبری می‌خوندم که یک یهو چشمم افتاد به یک خبر از بی‌تی‌اس. دقیقاً خبر پایین این خبر مربوط به کی‌دراما یه عکس از بی‌تی‌اس بود و من عکس‌شون رو دیدم. روی عکس کلیک کردم و اون رو باز کردم. بعد دیدم چندتا پسر خیلی جذاب ان. اون موقع خب اعضاء لباسا و سبک‌شون مثل الان نبود. استایلی دارک و تینیجری می‌زدن. منم خیلی این استایل و سبک رو دوست داشتم. خودمم دقیقاً تو اون دوران همین طوری لباس می‌پوشیدم. شلوار اسلش و سرتاپا مشکی. لباسای گشاد. برای همین خیلی توجهم رو جلب کردن به خودشون. کلیک کردم روی خبر و خوندم که گروه پسرانه‌ی بنگتن بویز، آلبوم دادن و البته این سایته کره‌ای بود که من همیشه توش می‌رفتم، ولی با گوگل به انگلیسی ترنسلیت می‌کردمش.

عام بعدش که خبر رو خوندم، رفتم سرچ کردم بی‌تی‌اس و بیوگرافی‌شون رو خوندم و خوشم اومد ازشون.»

«- می‌شه بهم بگی که چه طوری به گروه بی‌تی‌اس علاقه‌مند شدی؟»

خب این طوری شد که من اول یک موزیک‌ویدیو ازشون توی تلویزیون دیدم، و اون موقع اصلاً نمی‌شناختمشون، فقط چندتا فیلم کره‌ای دیده بودم و اصلاً آشنایی با آهنگ‌هاشون نداشتم و همین باعث شد که برم در موردشون سرچ کنم و تحقیق کنم، اول اسم اعضاءشون رو

یاد گرفتیم که هفت نفرن که اسماشون این هست، تهیونگ، نامجون، جونگ کوک، جیهوپ، جین، جیمین و شوگا، بعد دیگه کم کم آهنگ‌هاشون رو گوش کردم جذب شون شدم و دیگه کم کم به یک آرمی<sup>۱</sup> تبدیل شدم».

«چرا چنین تصور و فکری داشتی که هیچ وقت قرار نیست خودت هم مثل دختر دایات طرفدار کره‌ای‌ها بشی؟»

می‌دونی من توی سن یازده سالگی فقط یه کلمه خارج می‌شناختم که شامل آمریکا و کشورهای شیک و با کلاس بود (می‌خندد) و خب فکر می‌کردم کره‌ای‌ها و چینی‌ها و ژاپنی‌ها یه مشت آدم زشت هستن و اون‌ها رو مثل افغانی‌ها در نظر می‌گرفتم. کلاً توی اون سن بچه بودم و سلیقه‌ام بعداً عوض شد و بعد این کشورها رو شناختم.

در ادامه چه چیزی باعث شد که شما به جای این که دنبال گروه بلک‌پینک بری، ترجیح دادی طرفدار گروه بی‌تی‌اس بشی؟

من اون اوایل نزدیک ۳، ۴ هفته فقط با بلک‌پینک آشنا بودم و حتی بایسم<sup>۲</sup> رو هم انتخاب کرده بودم. یک روز دوستم یکی از موزیک ویدیوهایی که تازه از بی‌تی‌اس منتشر شده بود رو برای من فرستاد. اون ویدیو، ام‌وی<sup>۳</sup> (موزیک ویدیو) بوی ویت لاو<sup>۴</sup> بود که با هالزی<sup>۵</sup> خونده بودن. بعد دوستم که موزیک ویدیو رو برام فرستاده بود، بهم گفت که من از بی‌تی‌اس بدم میاد. منم اون زمان برای این که می‌خواستم ثابت کنم آدم پایه و باحالی هستم، گفتم که «آره اصلاً اینا کی هستن»، «چه قدر زشتن» و از این جور حرف‌ها. بعد از یک مدت به خاطر این که از بلک‌پینک خسته شده بودم، رفتم سراغ همون موزیک ویدیوی بوی ویت لاو و چند بار نگاهش کردم و بعد سراغ بقیه ام‌وی‌های بی‌تی‌اس رفتم.

من علاوه بر این توی گوگل هر چیزی که مربوط به بی‌تی‌اس می‌بود رو سرچ و نگاه می‌کردم تا این که فن شون شدم یعنی فهمیدم آرمی<sup>۶</sup> معنی‌اش چیه و به فن‌هاشون می‌گن آرمی و اسم اعضای رو فهمیدم و تونستم چهره‌هاشون رو از هم تشخیص بدم و بایس برای خودم انتخاب کنم. بعد از اون کلاً دیگه بلک‌پینک رو گذاشتم کنار.

به نظرم این موضوع کلاً سلیقه‌ایه، یعنی اون دوست من که طرفدار بلک‌پینک بود، هنوز هم طرفدار بلک‌پینک مونده، ولی من کلاً بلک‌پینک رو کنار گذاشتم و الآن واقعاً عاشق بی‌تی‌اس هستم».

الناز ۱۲ ساله، در جریان مصاحبه‌اش خاطرنشان ساخته است که وی پس از آشنا شدن با گروه بی‌تی‌اس، با گوگل کردن، به معانی آهنگ‌های این گروه دست می‌یابد و پونه ۱۸ ساله نیز در بیانات خویش یادآور گردیده است که وی برای آشنا شدن با دقایق فرهنگی گروه بی‌تی‌اس، از گوگل کردن سود می‌جوید:

«توی موزیک بیش تر چه چیزی تو رو جذب می‌کنه، صدای خواننده، معنی شعر و متن یا آهنگ‌سازی؟»

<sup>۱</sup> - به طرفدارهای بی‌تی‌اس آرمی گفته می‌شود.

<sup>۲</sup> - بایس (bias) به فرد مورد علاقه یک طرفدار در یک گروه گفته می‌شود. اگر فردی بگوید که بایس من فلان شخص از اعضای گروه است، یعنی از بین اعضای گروه، آن فرد را بیش تر از سایرین دوست دارد.

<sup>۳</sup> - MV (Music Video)

<sup>۴</sup> - Boy with Luv (2019)

<sup>۵</sup> - هالزی (Halsey) خواننده و ترانه‌نویس آمریکایی است. او با منتشر کردن موسیقی در شبکه‌های مجازی توجه‌ها را به خودش جلب کرد. در ۲۰۱۴ او اولین قرارداد موسیقی خود را بست و پس از آن در همان سال اولین آلبوم چندآهنگه خود را منتشر کرد. هالزی برای صدای خوانندگی متمایزش برجسته شده است.

<sup>۶</sup> - آرمی (ARMY) در معنای اولیه به معنای ارتش یا گروه سربازان هست، ولی امروزه در فرهنگ عامه و در فضای مجازی، کلمه آرمی به عنوان اسم جمعیت هواداران گروه موسیقی بی‌تی‌اس تلقی می‌شود که به معنای لشکر بی‌تی‌اس نیز هست.

امم شعرش مهم هست، اما برای ما آرمی‌های اینترنت‌نسال، چون زبان‌شون رو بلد نیستیم، بیش‌تر آهنگسازی‌اش و اون ریتمش برامون مهمه و بعد می‌ریم معنی شعرش رو هم سرچ می‌کنیم تا متوجه بشیم که چی می‌گن».

«- گفتمی از وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدی، به این چیزها علاقه پیدا کردی؟»

شیپ کردن و اینا منظوره؟

- آره.

اوهوم. قبلاً اصلاً شناختی نداشتیم با این گرایش‌ها. فقط به لزیب‌ها رو می‌شناختم بعد به واسطه‌ی حمایت‌های پسرا و شیپ و این داستانا فهمیدم و رفتم تحقیق کردم و اطلاعات به دست آوردم».

### جهت‌دهی به علایق تحصیلی هواداران

شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور شده است که علایق هنرجویانش به گروه بی‌تی‌اس سبب شده است که افراد قابل تأملی از این هنرجویان، متمایل به موسیقی شده، «جهت‌گیری تحصیلی» خویش را بر این مبنا سامان دهند:

«- درباره هنرجوهای شما و ارتباطی که با خانواده‌هاشون داری، آیا خانواده‌ها از این شکایت دارن که بی‌تی‌اس روی تحصیل بچه‌هاشون یا تمرکزشون تأثیر منفی داشته؟»

من خودم دارم این رو قشنگ می‌بینم. مثلاً شاگردام داریم دارن کنسرتای اینا رو می‌بینن یا مثلاً اون‌ی که دو سال پیش می‌گفت من عاشق رشته تجربی هستم، الان تحت تأثیر علاقه‌اش به بی‌تی‌اس می‌خواد بره هنر. البته من این رو بد نمی‌دونم. به نظرم بی‌تی‌اس مثل یه نوری می‌مونه که روشن شده و داره راه رو بهشون نشون می‌ده».

علاقه‌مند شدن هواداران برای ادامه تحصیل در کره، وجه دیگری از هدایت و جهت‌دهی به علایق تحصیلی هواداران

است که در هواداران گروه پسران بی‌تی‌اس قابل مشاهده است.

ثنای ۱۶ ساله در بیان‌اتش، از «علاقه خویش به ادامه تحصیل در کره» به قرار زیر یاد کرده است:

«- ... پس برای چی می‌خواستید برید کره؟»

بعد از بی‌تی‌اس خیلی از کره خوشم اومد و برای تحصیل می‌خواستم برم کره و حتی تصمیم گرفتم که بورسیه بگیرم از یکی از دانشگاه‌های علوم پزشکی کره. چون یه کم کره‌ای بلد هستم و انگلیسی هم خیلی خوب مکالمه می‌کنم و می‌تونم راحت آیلتس ۷ بگیرم. دوست دارم یکی از شاخه‌های پزشکی تحصیل کنم. شنیدم که کره‌ای‌ها، دانشگاه‌های پزشکی خیلی حرفه‌ای دارن».

### ارتقای مهارت‌های فنی هواداران

«ارتقای مهارت‌های فنی هواداران» بعد آموزشی دیگری است که برخی از افراد شرکت‌کننده در پژوهش، متذکر آن شده‌اند.

احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه خود، خاطرنشان می‌سازد، وی دوستانی دارد که در پی هواداری گروه بی‌تی‌اس، به دنبال تهیه صفحه طرفداری برآمده‌اند که بالطبع اداره صفحه هواداری، مستلزم شناخت اولیه فضای مجازی، شناخت شبکه‌های اجتماعی و دقایق فنی دیگری است که آدمین‌ها باید بدان وقوف داشته و با آن آشنا باشند:

«- دوستان تو هم طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستن؟»

بعضی‌هاشون طرفدار سرسخت گروه بی‌تی‌اس هستند و بقیه دوستام مخالف بی‌تی‌اس هستن.

- دوستان خودت طرفداری‌شون رو چگونه ثابت می‌کنن؟

همیشه از تیپ و قیافه‌های آیدول‌ها تقلید می‌کنند و توی گوشی‌های خودشون آهنگ‌هایی از گروه بی‌تی‌اس رو دارند و همیشه به کره‌ای روخوانی می‌کنند و برای تبلیغ بیش‌تر گروه بی‌تی‌اس، فن‌پیج‌هایی توی اینستا دارند».

پونه ۱۸ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، از اعتبار صفحه طرفداری خویش، به سبب تیک‌های سبزی که دارد، یاد کرده است. ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان ساخته است که برای تهیه عکس‌های مشترک با اعضای گروه بی‌تی‌اس، با برنامه ادیت (ویرایش) عکس آشنا شده است. الناز ۱۲ ساله نیز در بیانات خود یادآور شده است که وی به عنوان یک هوادار، وظیفه خود می‌داند که در رأی‌گیری‌های مختلف (استریم زدن) شرکت کند و با استریم زدن (که فعالیتی نسبتاً پیچیده و دقیق به شمار می‌رود) برای گروه بی‌تی‌اس، موقعیت آنان را در رقابت با دیگر رقیبان، بهبود ببخشد:

«- با زیباتر کردن چهره ستاره‌ها با فتوشاپ موافق هستی؟

زیبا هستن، نیازی به این کارها نیست، ولی عکس‌های خودم رو خیلی ویرایش می‌کنم.

- چرا؟

چون می‌دونم خیلی‌ها به خاطر خوشگلی جیمین فنش شدن. پس نتیجه می‌گیریم خوشگلی خیلی مهمه. برای این که جذاب بشم از آپ‌های ویرایش عکس استفاده می‌کنم تا جذاب‌تر به نظر بیام. مشکلم اینه که فقط آدم توی فضای مجازی خوشگل می‌شه. ولی در واقعیت این طوری نیست. خیلی دوست دارم چهره واقعی‌ام هم مثل همون ادیت‌ها باشه که نیست، دیگه چه کار می‌شه کرد.

- بی‌تی‌اس تأثیری در علاقه‌مندی تو به ویرایش عکس داشته؟

تأثیرش اینجا بوده که اول توی یوتیوب با یه ویدیو آشنا شدم که نشون می‌داد، چه طوری می‌شه با آپ ویرایش عکس، خودم رو کنار جیمین بذارم. یکی از دوستانم هم خیلی کمک کرد و خیلی از عکسم خوشم اومد. از اون به بعد دیگه خیلی ویرایش می‌کنم».

«- خوب من می‌خواستم بدونم چند وقته که صنعت موسیقی و سینمای کره جنوبی یعنی کی‌پاپ<sup>۱</sup> و کی‌دراما<sup>۲</sup> رو دنبال می‌کنی؟

اممم، تقریباً از اوایل سال ۲۰۲۱ که تقریباً می‌شه ۲ سال که من کی‌پاپ رو دنبال می‌کنم و از سال ۲۰۲۰ هست که کی‌دراما رو دنبال می‌کنم، یعنی با کی‌دراما زودتر آشنا شدم.

- خوب، با توجه به این که این‌ها رو دنبال می‌کنی و بهشون علاقه‌مند هستی، چه فعالیت‌هایی در زمینه مورد علاقه خودت انجام دادی؟  
اعمع، خب با گوش دادن کامل آهنگ‌هاشون یعنی استریم<sup>۳</sup> زدن، استریم زدن باعث می‌شه که کمک زیادی به اون‌ها در آهنگ‌هاشون بکنه.

- خوب چه طوری استریم می‌زنین؟

خب در یوتیوب<sup>۴</sup> موزیک ویدیوهاشون رو کامل تا دقیقه آخر می‌بینم.

- خوب از کی‌دراما چه طور حمایت می‌کنی؟

خب می‌رم از سایت‌های معتبر فیلم‌هاشون رو آنلاین می‌بینم یا دانلودشون می‌کنم».

مرضیه ۱۹ ساله، در گزارش خویش یادآور گردیده است که وی ادیت زدن (ویرایش متن، تصویر و کلیپ) را به شکل خودآموز یاد گرفته است تا با ادیت فیلم‌ها و کلیپ‌های گروه بی‌تی‌اس، فرازهای مهم اجراها و دیگر فعالیت‌های آنان را به اطلاع دیگر هواداران برساند.

1 - K pop (Korean pop)

2 - K - drama (Korean drama)

3- stream

۴- یوتیوب Youtube برنامه‌ای محبوب برای فیلم دیدن و موسیقی شنیدن است.

الناز ۱۲ ساله و سارینای ۱۳ ساله نیز با وجود سن کمشان، در مصاحبه‌های جداگانه خویش تأکید کرده‌اند که آنان نیز با روش آزمون و خطا، در نهایت با کار ادیت زدن آشنا شده‌اند و با ادیت‌های خویش، دست به نشر ویژگی‌های گروه مورد علاقه خویش می‌زنند:

«در زمینه ادیت (ویرایش) مهارت داری؟»

آره.

– آموزش دیدی؟

نه، خودآموز بوده.

– در جریان همین تولید محتوا برای چنلت یادگرفتی؟

بله، البته ما خودمون وقتی می‌خواهیم ادیت‌من جدید بگیریم که علاقه‌مند به همکاری، اما تجربه‌ی قبلی تقریباً نداشته، بهش آموزش می‌دیم.»

«خوب توی فن پیجت چه فعالیت‌هایی برای حمایت از اون‌ها انجام می‌دی؟»

عکس‌هاشون رو ادیت می‌زنم، ویدیو کلیپ می‌سازم، یا خبرهایی که در مورد بی‌تی‌اس هست رو پست یا استوری می‌کنم مثلاً همین آخرین خبر که دارن می‌رن سربازی و اینا.

– چه طوری ادیت زدن و ویدیو کلیپ ساختن رو یادگرفتی؟

یه سری برنامه‌های ادیت و ویدیو کلیپ ساختن دانلود کردم، بعد اون قدر باهاشون ور رفتم که یاد گرفتم.

– بعد از کسی کمک گرفتی یا نه؟

بعضی اوقات از خواهرم که بزرگ‌تره کمک می‌گیرم.»

«توی اون فن پیجات که فیلتر شد، چه چیزهایی می‌گذاشتی؟»

از موزیک ویدیوها ادیت می‌گذاشتم یا بعضی وقت‌ها از بلک‌پینک هم می‌گذاشتم، ولی خب بدون هیچ دلیل خاصی به خاطر روییکا فیلتر شد.»

### یادگیری رقص‌های کی‌پاپ

رخساره ۱۶ ساله و پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خودشان خاطرنشان ساخته‌اند که «رقص گروه بی‌تی‌اس» را با جست‌وجو در فضای مجازی یافته و با تمرین‌های مستمر خویش، آن را فرا گرفته‌اند:

«هیچ وقت خودت تمرین کردی که رقص‌شون رو یاد بگیری؟»

آره.

– خوب چه جوری بوده؟

برا من، من الان خیلی طول کشید تا یاد بگیرم، ولی دوتا از دنس‌های دوتا از آلبوم‌هاشون رو یاد گرفتم. بعضی از آیدول‌های کی‌پاپ‌ها رقص خودشون رو در فضای مجازی می‌ذارن، از اونجا نگاه کردم و تمرین کردم.

– آموزش رقص‌شون رو بیش‌تر تو چه فضایی می‌بینی؟

کلاً هر چیزی از بی‌تی‌اس بخوای جاهای مختلف هست: پینترست، یوتیوب، تیک‌تاک و اینستا.»

«نظر خانواده‌ات کلاً در مورد کی‌پاپ و بی‌تی‌اس چیه؟»

مامانم اوکیه و مشکلی نداره. حتی واسم از بی‌تی‌اس چیزی ببینه می‌خره، حتی بهم قول داده بریم ترکیه تا بتونم مرچ و آلبوم‌های بی‌تی‌اس رو بگیرم، ولی بابام خوشش نمیداد، می‌گه اینا شبیه دختران و فلان، ولی جوریم نیست که مدام بخواد بهم بپره. بعضی وقتا می‌بینم، دارم دنس می‌رم یا آهنگاشون رو گوش می‌دم، میاد می‌گه بچه بشین سر درست خاک تو سرت (می‌خندد)، ولی خب، خیلی جدی نیست.

- رقص بلدی؟

آره، ویدیوهای بی‌تی‌اس رو می‌بینم، یاد گرفتم کم و بیش».

### یادگیری‌های غیررسمی

برخلاف یادگیری‌های رسمی که در فضاها رسمی آموزشی محقق می‌شوند، «یادگیری‌های غیررسمی» در بستر جامعه محقق می‌شوند و بعضاً برای فراگیران، یادگیری‌های غیررسمی، برخلاف آموزش‌های رسمی که از انگیزه کمی برخوردارند، از انگیزه‌های بالایی برخوردارند. ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌اش خاطرنشان ساخته است که وی گروه بی‌تی‌اس را به مثابه دانشگاهی می‌بیند که دید وی را در خیلی از جهات عوض کرده است:

«... نه، ولی چیزی که مهم هست، اینه که چی می‌بینم و چی یاد می‌گیرم. من از بی‌تی‌اس خیلی چیزها یاد گرفتم. جدی اگه قشنگ نگاه کنی، بی‌تی‌اس یه دانشگاهه که من رو خیلی عوض کرده. خیلی بهتر شدم».

فربای ۴۶ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، با یادآوری رفتارهای دخترش، تأکید می‌کند که دختر وی در جریان کاربری از گروه بی‌تی‌اس، هنجارشکنی‌های بسیاری را فراگرفته و این هنجارشکنی‌ها را جسته‌گریخته، در کارهایش نشان می‌دهد:

«- مگر چندتا ویدیو تولید کرده بی‌تی‌اس که این قدر دخترتان بخواد درگیر ویدیوها شود؟

آخه فقط ویدیو نبود. چت می‌کرد و داستان می‌نوشت.

- داستان کجا می‌نوشت؟

انگار فیلم‌نامه می‌نوشت که شخصیت‌های اصلی داستان همین آیدول‌های بی‌تی‌اس مثل جین و جیمین و وی و بقیه‌شون بودن.

- ژانر داستان‌ها چی بود، عاشقانه، ترسناک، کمدی یا موارد دیگر؟

همه جوره بود دیگه، دخترم توی گوشیش، قسمت نوشتن می‌نوشت. خیلی دختر خلاق و باهوشیه، اما مورد ناجوری دیدم که نمی‌دونم چرا واقعاً این کار رو کرد.

(سکوت کردم تا به مصاحبه‌شونده به خواست خود ادامه دهد بسیار ناراحت به نظر می‌رسید).

باباش هیچ وقت اجازه نمی‌ده روی گوشیش رمز بذاره و خب مدرسه رفتنی گوشه رو با خودش نمی‌بره. چند روز پیش بود که رفته بود مدرسه و منم تحریک شدم که برم داستان‌ها رو بخونم، البته خودم می‌دونم اشتباه بزرگی کردم، شاید هم کار درستی بود، به هر حال توی نوت گوشیش یکی از داستان‌ها اسمش با بقیه فرق می‌کرد، نمی‌دونم کار خدا بود، انگار من دقیقاً رفتم سر همون.

- می‌تونم بپرسم که اسم داستان چی بود؟

اسمش که رمزی بود جی‌هات بود، ولی نمی‌دونم معنی‌ش چیه و چرا این اسم رو گذاشته، شاید واسه این که اگه گوشیش رو باز کرد، کسی اهمیت نده به همچین اسمی. تو داستان مثل بقیه داستان‌هایی که نوشته بود تقریباً همه بودن، ولی یه تفاوتی داشت که واقعاً برام عجیب بود.

- محتوای داستان چه چیزی بود؟

نمی‌دونم از کجا این چیزا رو یاد گرفته، ما همیشه کنترل کردیم با دوستای خوبی بگرده، از اینترنت درست استفاده کنه یا هر چیزی که هست به من بگه، ولی این داستان پر بود از بوسه و چیزای دیگه. من هم تخیلاتی داشتم در مورد یکی از آیدول‌ها، ولی نه این طوری».

### کاهش تمرکز در مطالعه

«کاهش تمرکز» و در نتیجه «افت تحصیلی»، از دیگر موارد مهم آموزشی هستند که افراد مصاحبه شده بر آن تأکید داشته‌اند.

فربای ۴۶ ساله، از عادت خود در جهت شنیدن هم‌زمان آهنگ‌های بی‌تی‌اس و مطالعه خویش یاد کرده است و بیان داشته است که این عمل به کاهش تمرکز و حواس‌پرتی وی انجامیده است:

«... من جدیداً وقتی مطالعه می‌کنم، عادت کردم آهنگ‌ها و ریمیکس‌های بی‌تی‌اس و یکی، دوتا بند دیگه رو گوش می‌دم و حواسم پرت می‌شه، نمی‌تونم روی چیزی که می‌خونم مسلط بشم.

- خوب چرا هم‌زمان این کار را انجام می‌دهید؟

نمی‌تونم گوش ندم، عادت کردم، البته خیلی وقت نیست که این طوری شدم. می‌ترسم که آهنگ‌های بی‌تی‌اس تکراری بشن و برم سراغ آهنگ‌های دیگه.

- چرا می‌ترسید؟

چون الان فکر می‌کنم به خاطر این که بی‌تی‌اس رو دوست دارم نمی‌تونم ترک کنم، اگه ربطی به علاقه‌ام به بی‌تی‌اس نداشته باشه و معتاد آهنگ بشم چی؟

- گفتید شب از خوابتان می‌گذرید به خاطر آهنگ گوش دادن؟

بله گوش می‌تونم دستمه که خوابم می‌بره، دیگه تا ۲ یا ۳ حتی بعضی شب‌ها بیش‌تر گوش می‌دم و توی شبکه‌های اجتماعی می‌چرخم».

### کم توجهی به درس و افت تحصیلی

شیدای ۲۰ ساله، از احتمال درگیر شدن هواداران گروه بی‌تی‌اس به افت درسی یاد کرده، ثنای ۱۶ ساله و فرشته ۱۹ ساله با یادآوری تجربیات شخصی خودشان، تأثیر گروه بی‌تی‌اس را در افت تحصیلی خودشان به جدّ مورد تأکید قرار داده‌اند:

«- شما اثرگذاری بی‌تی‌اس رو مثبت می‌بینی؟

نه. بستگی داره به نظرم. اگر بخوان عقلائی جلو برن، می‌تونه مثبت باشه. مثلاً به پیشرفت و موفقیت‌شون توجه کنن. اما از اون طرفا یه سریاً فقط به ظاهر و حاشیه‌ها و این چیزا توجه می‌کنن. بعد در نتیجه روی افت تحصیلی‌شون هم خیلی اثر داشته».

«- باشه. چه قدر از زمانت را روزانه به بی‌تی‌اس اختصاص می‌دهی؟

۴ تا ۵ ساعت شب‌ها.

- از چه ساعتی تا چه ساعتی؟

از حدود ۱۰ شب تا ۳.

- صبح که بیدار می‌شوی خوابت نمی‌آید؟

چرا خوابم میاد، ولی عادت دارم، چون خیلی وقت هست که این ساعت‌ها بیدار هستم.

- فقط به خاطر بی‌تی‌اس بیدار هستی؟

یکی، دو ساعت ویدیوهای جیمین رو می‌بینم، یه کم رمان می‌خونم، بقیه‌اش هم تو یکی دوتا از گروه‌های ایرانی بی‌تی‌اس آرمی‌ها می‌چرخم و چت می‌کنم.



- این بی‌خوابی‌های شبانه باعث افت عملکرد تحصیلیت نشده؟

چرا، فشارم خیلی می‌افته سر کلاس‌ها، رفتم دکتر گفتن می‌تونه از این بی‌خوابی‌ها هم باشه، احساس ضعف و سرگیجه دارم و درس‌هام رو خیلی سخت یاد می‌گیرم. یه کم حافظه‌ام ضعیف شده و تمرکز ندارم».

«- به سخت‌گیری درباره بدن ستاره‌ها اشاره کردی. رژیم اون‌ها خیلی معروفه، خودت سراغشون رفتی؟

یه مدت کوتاه آره. من همین طوریش وزنم پایین بود، ولی خب ژنتیکی فرق داریم با کره‌ایا. من پایین تنم پره به نسبت بقیه بدنم، در حالی که کره‌ایا معمولاً این طوری نیستن، پاهاشون لاغر، حتی می‌گن بدن ایده‌آل بدنیه که بین دوتا ران پا فاصله باشه. خب ژنتیکی همچین چیزی واسه من عملاً ممکن نیست. بعدم من از بچگی ورزش رزمی کار می‌کنم، طبیعتاً رو فرم بدنم هم تأثیر گذاشته. من حدود یک سال رژیم واقعاً سنگین داشتم، سال اول کرونا و قبل از کنکورم دقیقاً. تمرکز رو وزن نبود، چون همین طوریش زیر ۵۰ کیلو بود وزنم. ولی خیلی تلاش کردم که بدنم شبیه آیدول بشه. این طوری نبود که سراغ یه رژیم خاص مربوط به یه آیدول برم، ولی خب خیلی کم می‌خوردم و خیلییی هوازی کار می‌کردم. در حدی که واقعاً بدنم کم می‌آورد. دیگه مغزم نمی‌کشید درس بخونم به خاطر قند کمی که دریافت می‌کرد. همین‌جا باعث شد خیلی آسیب بینم سال کنکورم.

- چی شد که رژیم غذایی رو ترک کردی؟

کارم بیخ پیدا کرد واقعاً. یه مدت سردردای خیلی بدی می‌گرفتم به مدت چندساعت. سیستم هورمونی بدنم خیلی بهم ریخته بود و مجبور شدم برم دکتر. همونجا بهم گفت که اگر بخوام این طوری ادامه بدم، چه بلایی سرم میاد. می‌شه گفت از همونجا بود که کم‌کم فاصله گرفتم از کی‌پاپ».

### اعتماد کردن به منابع نامعتبر

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از استفاده خویش از منابع موجود در فضای مجازی یاد کرده است، اما با توجه به انبوه افرادی که بعضاً بدون در نظر گرفتن معیارهای علمی، به بارگذاری اطلاعات درست و نادرست خویش در فضای مجازی اقدام می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که ممکن است، بسیاری از منابع مورد استفاده وی، از اعتبار علمی لازم برخوردار نباشند. نگین در قسمتی از مصاحبه‌اش چنین بیان می‌دارد:

«... می‌دونید، وقتی که بی‌تی‌اس اومد که همه می‌شناختن شون طبق تحقیقاتی که شد میزان خودکشی کم‌تر شد.

- آمارهای شما بر گرفته از اینستاگرام هست؟

بله.

- نقش کمپانی در این وسط چی هست؟

تبلیغات را واسه این‌ها میاره، مثلاً بی‌تی‌اس تبلیغ سامسونگ را کرده و یک تایمی شایعه شد که قرار بی‌تی‌اس دیس‌بند بشه و سامسونگ خیلی افت کرد به ثانیه نکشید (!) که یک ضرر خیلی گنده کرد.

- این اطلاعات را از کجا به دست می‌آوردید؟

کنجکاوی و گوگل».

## ۶ - اثرهای اخلاقی - عقیدتی

هواداری از گروه بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی، زیباشناختی، هنری، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای اخلاقی هواداری از پسران بی‌تی‌اس در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از:

دامن زدن به تسامح اخلاقی، پذیرش اخلاق نسبت‌گرا، اثرگذاری‌های اخلاقی - ارزشی در هواداران، آسیب‌دیدگی‌های اخلاقی هواداران در جریان کاربری از سرگرمی‌های گروه بی‌تی‌اس، کاهش ابعاد معنوی با پررنگ شدن ابعاد مادی و تقدس قایل شدن برای ستاره‌ها. در ادامه به بررسی عناوین پیش‌گفته، پرداخته خواهد شد.

### تسامح اخلاقی

«تسامح اخلاقی»، امر مستحسنی است و گروه بی‌تی‌اس بعضاً با به نمایش نهادن تسامح خویش در برخورد با اقوام مختلف، با طرفداران ادیان مختلف و مانند آن‌ها، به شکل غیرمستقیم «برخوردهای تسامح‌آمیز» را در برای طرفداران خویش به نمایش می‌گذارند. رخساره ۱۶ ساله و پریناز ۱۸ ساله در مصاحبه‌های خودشان از برخوردهای تسامح‌آمیز اعضای گروه بی‌تی‌اس با همه افراد به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- می‌دونی گروه بی‌تی‌اس راجع به مسایل مذهبی به چه صورت فکر می‌کنن؟»

کره‌ای‌ها دین ندارند، ولی به همه دین‌ها احترام می‌ذارن... .

پسرای گروه اصلاً نژادپرست نیستن، به همه نژادها احترام می‌ذارن به اونایی که با حجاب ان و مسیحی اند به اون احترام کامل رو می‌ذارن. کلاً به پیر و به بچه، به هر سنی»

«بعد به نکته بگم، چیزی که باعث جذب این همه آدم به آرمی‌ها می‌شه احترامه، اون‌ها واقعاً احترام خیلی زیادی برای همه قایل هستن، برای مثال گروه بی‌تی‌اس در طول سال میتینگ (ملاقات) دارن با آرمی‌ها و باهاشون طی این میتینگ صحبت می‌کنن، همه از جاهای مختلف می‌رن که پسرانمون رو ببینن، وقتی که آرمی‌های مسلمون رفتن دیدن‌شون، برای این که خانم‌های مسلمون که حجاب داشتند، اذیت نشن سعی می‌کردن به اون‌ها زل نزنن یا موقعی که به قول خودمون می‌زنن قدش، خب آرمی‌های مسلمون چون به تماس با نامحرم و اینا حساس ان، پسرانمون حواس‌شون بود تا اون‌اگه اقدامی نکردن، دست ندن یا مثلاً آگه اون‌ا دست‌شون رو جلو آوردن، دست بدن و این حرفا یا وقتی کنسرت دارن، وقتی اذان پخش شد، توی یکی از کنسرت‌ها به احترام اذان آهنگ رو قطع کردن و گذاشتن اذان تموم بشه، بعد کنسرت رو ادامه دادن که به آرمی‌های مسلمون احترام گذاشته باشن یا در یه مثال دیگه، هر کدوم از اعضا رنگ میکروفون‌هاشون خاصه و مختص خودشونه، مال جیمین طلاییه که توی عربستان این رنگ رو برای مرد جایز نمی‌دونن (!)، ظاهراً برای همین وقتی اون‌ا کنسرت داشتن، جیمین دور میکروفنش پارچه پیچید که یه جورایی به این سنت احترام گذاشته باشه و حتی اعضا برای سایر ادیان احترام قایل ان حتی برای بغل کردن دخترا دست‌هاشون رو مشت می‌کنن که یه وقت دست‌شون بدن دختر رو لمس نکنه یه وقت اون‌ها معذب شن یا احساس بدی بهشون دست بده و این احترامی که برای همه قایل هستن قابل ستایشه».

### نسبیت‌گرایی اخلاقی

«نسبیت‌گرایی اخلاقی» در تقابل با ارزش‌های اخلاقی ثابت قرار گرفته، بسته به شرایط مختلف، رفتارهای اخلاقی متفاوت را تجویز می‌کند.

شقایق و فرشته ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش خاطرنشان ساخته اند، کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس آن، با پذیرش «سود» و «جنسیت‌زدایی از آرایش، پوشش و عشق» به مثابه اهداف غایی اقتصادی و فرهنگی خویش، در عمل نسبیت‌گرایی در اخلاق را متکای خود قرار داده اند:

«- گفתי اعضای گروه خیلی بهم دیگه نزدیک هستند، جامعه خودشون این مسأله رو قبول می‌کنه؟»

بین خب کره‌ای‌ها و کلاً غربی‌ها روابط آزادانه‌تری باهم دارن و در نتیجه خیلی چیزایی که ما قبول نمی‌کنیم رو قبول می‌کنن، ولی در این حدش نه دیگه، حتی خب گفتم که زبون‌شون رو یاد گرفته بودم تو کامنت‌ها مردم‌شون نوشته بودن که این حرکت خیلی پسندیده نیست و شما هم جنس‌گرا نیستید و این حتی مسخره کردن اونا هست. یعنی خیلی اوکی نیستن خودشون هم با این حرکات، مگر طرف واقعاً هم جنس‌گرا باشه که اینا نیستن، چون رفتارای غیر اونم دارن، مثلاً می‌بینی کمپانی بهشون گفته از فلان دختر که حالا معروفه تعریف جنسی کنید و بگید چه قدر جذابه و اینا که این دلیلش جذب افراد غیر هم‌جنس‌گرا هست. ولی خب اینا فقط مخاطب‌شون کره‌ایا نیستن که کل جهان ان، تو آسیا، تو خاورمیانه کلی فن دارن می‌دونن خودشونم چون دایم تگ‌شون می‌کنن و اصن این متناقض رفتار کردن این که جلو دوربین همو ماچ کنن و بعد در واقع این جور نباشن و حال‌شون هم بهم بخوره که قطعاً همین طوره، به نظرم این ناهماهنگیه بین رفتار و ذهن خیلی آسیب‌زننده هست به خودشون اول از همه. تناقض هر کسی رو روانی می‌کنه.

- به نظرت پسرهای بی‌تی‌اس این گرایش‌ها و فرهنگ‌ها رو می‌خوان به کشورهای دیگه انتقال بدن؟

می‌شه گفت آره زیاد تأثیر داره. الان توی افراد دهه ۸۰، متأسفانه من تو مدرسه حالا فهمیدم که خیلی روابط هم‌جنس‌گرایانه زیاد شده. دلیلش بیش‌تر فضای مجازیه خب که این جور روابط رو عادی می‌کنه. نمونه‌اش همین گروه مثلاً و خب الان اکثر کشورها هم اینا رو عادی کردن و قانونیه. گاهی تو مدرسه می‌بینی دو به دو باهم رل شدن (خنده). ما دو نفر از بچه‌هامون که ته کلاس می‌شستن و طرفدار این باندن بودن و فن پیچ داشتن براشون، باهم رل بودن! و حالا زنگای تفریح کلاسای خالی می‌شد باهم می‌رفتن تو کلاس رفتارای جنسی می‌کردن! خب این حالا به نمونه‌اش هست که من می‌دونم، تو کلاس‌های دیگه هم زیاد بودن این جور دخترا که باهم بودن و حرکات جنسی می‌کردن. این جور رفتارها از کجا میاد؟ از همین گروه‌ها، از فضای مجازی از فیلم‌های پورن هم جنس‌گرا که با یه سرچ تو گوگل میاد بالا یا فیلم‌هایی که هالیوودی هستن و هم جنس‌گرایی هست توشون و مجوز پخش گرفتن و کلی ویو خوردن تو دنیا.

توی ایران هم که به طور صحیح تخلیه جنسی صورت نمی‌گیره، طرف رو میاره به مجازی و اونجا دیدن و بعد روی هم جنس خودش پیاده کردن (تعجب)».

«- بی‌تی‌اس که خیلی درباره عشق به خود صحبت می‌کنه. اونا بهت کمک نمی‌کرد؟»

بین تو وقتی می‌بینی یه نفر یه چیزی می‌گه و خودش بهش عمل نمی‌کنه، طبیعتاً خیلی حرفش رو جدی نمی‌گیری. واسه منم همین بود دقیقاً. راحتیه که بگی آره همه خودتون رو دوست داشته باشید، شما کافی هستید، شما زیبا هستید، ولی وقتی خودت رو استیج غش می‌کنی از فشار کاری و رژیم غذایی نامناسب، خب من که مخاطبت باشم، چه طوری می‌تونم جدی بگیرم حرفت رو؟

شاید واسه خیلیا این طوری نباشه، ولی من حس می‌کنم عمل از حرف مهم‌تره. حتی هالیوود با همه مشکلاتش تو این زمینه بهتر عمل کرده، چون آدم واقعاً تنوع رو می‌بینه بین آرتیستا. از همه نژادا با هر رنگ پوستی با هر مذهبی، همه هیکل‌اشون بی‌نقص نیست، همه استریت (با گرایش به جنس مخالف) و سیسجندر (هم‌سو جنسیتی)<sup>۱</sup> نیستن. ولی تو کی‌پاپ این طوری نیست. تو حتی اگر حرفشم بزنی، آخرش خودت نمی‌تونی بهش عمل کنی، چون عکسای که از اعضاء درمیاد کلی ادیت شده. رنگ پوست‌شون رو روشن می‌کنن،

<sup>۱</sup> - هم‌سو جنسیتی فردی است که هویت جنسیتی و بیان جنسیت‌اش با جنسیت منتسب به او هم‌سو است.

روتوش می‌کنن که پوست‌شون بی‌نقص باشه. خب من به عنوان یه دختر خاورمیانه‌ای که رنگ پوستم به طور طبیعی سفید سفید نیست، چه حسی باید پیدا کنم نسبت به خودم با توجه به این قضیه؟

باز من تو سن خوبی وارد فن‌دوم بی‌تی‌اس شدم و کم‌تر آسیب‌پذیر بودم به نسبت بچه‌های ۱۲، ۱۳ ساله. ولی با این وجود آسیب جسمانی دیدم».

مریم ۱۸ ساله و ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، تأکید می‌کنند، ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس، از سوی کمپانی موظف هستند که به هواداران گروه، سرویس‌های مورد علاقه آنان را ارائه کنند، از این رو آنان باید گاه در هیئت یک هم‌جنس‌گرا و گاه در شکل افرادی غیرهم‌جنس‌گرا، در برابر هواداران گروه ظاهر شوند تا در عمل به هر دو گروه هم‌جنس‌گرا و غیرهم‌جنس‌گرای مخاطب گروه، سرویس‌دهی لازم را داشته باشند:

«- مریم به نظرت مومنت‌های بین اعضاء واقعی هست یا ساختگی و برنامه‌ریزی شده هست؟

توی کی‌پاپ یه چیزی وجود داره به اسم فن‌سرویس که به معنای فراهم کردن خواسته‌های فن‌ها توسط آیدول‌ها هست، یعنی برای راضی نگه داشتن فن‌ها، آیدول‌ها خیلی وقت‌ها مجبورند کارهایی انجام بدن که دل‌شون نمی‌خواد و تمایلی ندارند. این کارها رو می‌کنند تا دل فن‌ها رو به دست بیارند و بهشون نشون بدن که براشون احترام خاصی قایل هستند. من فکر می‌کنم یه سری از اتفاقات مثل همین مومنت‌ها بخشی از فن‌سرویس هستند و آیدول‌ها صرفاً به خاطر این که فن‌دوم سرپا بمونه و طرفدارها خوش‌شون بیاد، مجبورند این کارها رو بکنند. کمپانی‌ها هم به خاطر جذب مخاطب خیلی به آیدول‌ها فشار میارند، البته که فن‌دوم هم توی این موضوع بی‌تأثیر نیست. بعضی از فن‌ها تمرکز بی‌حد و مرزی روی زندگی شخصی آیدول‌ها دارند و این رو حق مسلم خودشون می‌دونن، در صورتی که به نظرم این درست نیست. آدم می‌ره سوار هواپیما می‌شه، داره از مهارت خلبان استفاده می‌کنه، ولی آیا از ریز جزئیات زندگی خلبان خبر داره؟ یا مثلاً آدم می‌ره پیش دکتر که از دانشی که داره استفاده کنه، ولی کاری به زندگی شخصی اون دکتر نداره. بی‌تی‌اس هم بحش دقیقاً همینه، ماها به عنوان فن‌هاشون فقط حق داریم تا از هنری که اون‌ها دارن لذت ببریم، سایر بخش‌های زندگی‌شون در اصل به ما هیچ ربطی نداره و حق دخالت نداریم، اما بعضی فن‌ها علاقه رو با فضولی اشتباه می‌گیرن و به خاطر علاقه زیادی که به اعضاء دارند، این حق رو به خودشون می‌دن که حتی تو زندگی احساسی و روابط اون آیدول هم دستی داشته باشن. کمپانی‌ها هم واکنش‌های طرفدارها رو که می‌بینند به اعضاء فشار میارن، کارهایی رو انجام بدن که خوشایند فن‌ها هست، مثل همین مومنت‌ها که کاملاً واضحه فیک ان و صرفاً واسه دل‌خوشی آرمی‌ها انجام می‌شن، حتی اگر خود اعضاء دل‌شون نخواد با رفیق خودشون همچین حرکاتی انجام بدن».

«- ببین بگذار کمی واضح‌تر سوالم را طرح کنم. قراردادی که اعضاء گروه دارند، ازدواج، قرار ملاقات با جنس مخالف، خوردن غذای دلخواه، اعلام گرایش جنسی و خیلی موارد دیگه رو ممنوع کرده که دیگه از هر چیزی هم بگذریم، از غذای دلخواه نمی‌شه گذشت. چه طور یک انسان می‌تواند خودش را دوست داشته باشد، ولی حتی غذایی که می‌خورد هم انتخاب کمپانی باشد نه خودش. نظرت در این مورد چی هست؟

الآن متوجه شدم. وقتی خودم آزاد نیستم، چرا باید شعار آزادی بدم. من قبلاً گفته بودم که به نظرشون احترام می‌ذارم. الآن هم می‌گم بهشون احترام می‌ذارم و حرفم عوض نشده، ولی چیزی که هست اینه که نباید این شعار رو مطرح کنن، ولی واسه اینم دوباره نظر دارم. به نظرم چون نوجوون‌هایی عین من که دوست دارن آزاد باشن، موفق باشن، هر کاری دل‌شون می‌خواد بکنن و گیر ندن بهشون، از این شعارها خوش‌شون میاد اونا هم این رو خوب می‌دونن و از این شعارها برای بالا بردن تعداد فن‌ها استفاده می‌کنن. نه فقط بی‌تی‌اس تقریباً تو هر کاری شعار قشنگ زیاد می‌دن، چون شعارهای جذاب تو خالی خیلی می‌تونه هوادار جمع کنه».

مرضیه ۱۹ ساله نیز در اظهارات خویش یادآور می‌گردد، به سبب آن که کمپانی فقط به منافع خویش می‌اندیشد و هر اقدامی را در جهت تحقق اهداف خود مجاز می‌داند، تمامی حرکات آن از نظر وی زیر سوال است و در هر اقدام و حرکتی که از سوی کمپانی مطرح می‌شود، در نهایت باید خبر از نیت پشت پرده آن گرفت:

«- اگر شکایتی انجام بشه به نظرت راه به جایی می‌بره؟»

امیدوارم، ولی باز من که از پشت صحنه خبر ندارم (می‌خندد)، شاید گول‌مون بزنن، بگن اقدامی انجام شده، ولی نشده باشه». آنچه مرضیه از آن یاد می‌کند، انعکاس بارز اصل هدف وسیله را توجیه می‌کند، هست که کمپانی در فرازهای مختلف آن را در دستور کار خود دارد.

گلاره ۱۴ ساله، در برخورد با آنچه از آن یاد شد، تأیید می‌کند که وی در عمل اخلاق نسبیت‌گرای کمپانی و گروه را پذیرفته است و همین اخلاق را در دستور کار خودش قرار داده است:

«- توی این دهن به دهن گذاشتن‌ها چه حرف‌هایی بین آرمی‌ها و هیترها رد و بدل می‌شه؟»

هیترها تیکه می‌اندازن و از بدی‌های بی‌تی‌اس و اشکالات نداشتن اون‌ها حرف می‌زنن و آرمی‌ها همه رو تکذیب می‌کنن و از اعضاء حمایت می‌کنن، مثلاً تو همین بحث هم‌جنس‌گرایی آرمی‌ها هم مثل من می‌گن گرایش‌شون به خودشون مربوطه و ما هم علایق‌مون به خودمون مربوطه».

### اثرگذاری‌های اخلاقی - ارزشی در هواداران

«اثرگذاری‌های اخلاقی - ارزشی در هواداران» مقوله مهم دیگری است که ناظر بر تحول‌های ارزشی هواداران گروه بی‌تی‌اس در جریان کاربری از این گروه است. گلاره ۱۴ ساله، در توصیف عمق اثرگذاری ارزشی گروه بی‌تی‌اس، در مصاحبه‌اش چنین بیان می‌داشت:

«- گلاره جان آیا بی‌تی‌اس روی شکل‌گیری شخصیت شما تأثیری داشته یا نه؟»

آره داشته، البته من سعی کردم کنترل کنم که مثلاً هر چیزی روم تأثیر نگذاره، ولی مثلاً خب من قبلاً این جور بودم که آه، آه رمان! آه، آه پسر که موهاش رو رنگ می‌کنه! آه، آه لباس صورتی برای پسر! آه، آه چشمای اینا فلانه! و از این جور فکرها، ولی خب بی‌تی‌اس ذهنم رو آپدیت (به روز رسانی) کرد».

«اثرگذاری‌های اخلاقی - ارزشی گروه بی‌تی‌اس بر هواداران» را می‌توان در هر دو بعد مثبت و منفی در نظر گرفت. مسعود ۲۰ ساله و ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌های خود خاطر نشان ساخته اند که آنان با الهام از گروه بی‌تی‌اس، کمک به نیازمندان و هم‌کلاسی‌هایشان را در دستور کار خود قرار داده اند که این دست از موارد، بسیار مستحسن هستند:

«- مسعود شنیدم که ستاره‌ها در کارهای خیر خواهانه شرکت می‌کنند، این صحّت دارد؟»

بله، صحّت دارد، مثلاً مقداری از درآمدشون رو کمپانی اختصاص به کارهای خیر خواهانه قرار داده مثل مدرسه‌سازی، بیمارستان‌سازی در مناطق محروم کره جنوبی و حتی ژاپن و کمک به یتیمان و پرورشگاه‌های کودکان بی‌سرپرست و کمک به بیماران سرطانی و خیلی کمک‌های خیر خواهانه دیگه.

- این کار ستاره‌ها روی هواداران چه تأثیری گذاشته؟

باعث شده تا هواداران همیشه این کارهای خیر خواهانه رو با الگوبرداری از آیدول‌ها انجام بدن.

- می‌شه چند مثال بیاری؟

مثلاً مدیران فن پیچ‌ها یا شماره حساب در پیچ‌شون می‌ذارن که اختصاص به جمع آوری کمک‌های هواداران هست. هر بار به مناسبتی از هواداران می‌خوان که کمک‌های نقدی خودشون رو مثلاً برای کمک به بیماران پروانه‌ای به اون شماره حساب بریزند و یا بعد از هر جشن تولدی از هواداران می‌خوان که کمک‌های نقدی شون رو به حساب پیچ واریز کنند برای کمک به سرای سالمندان و واقعاً هواداران هم چون تعدادشون زیاد هست هر چند مقدار واریزی هم کم باشه، ولی روی هم جمع می‌شه و مدیر پیچ زحمت می‌کشه و با ارایه فیلم از بازدید از این مراکز، حسن نیت خودش رو ثابت می‌کنه و این رسم قشنگ ادامه داره».

«- قبل از آشنایی با جیمین دوست نداشتی به هم‌کلاسی‌ها کمک کنی؟»

یه کم حسودم مثل مامانم، بابامم حسوده، ولی نه به اندازه مامانم. جوری تربیت شدم که حسود باشم، به همه حسادت کنم و فکر می‌کنم دلیل حسود بودنم هم اینه که خودم رو دست کم می‌گیرم یا بهتره بگم، می‌گرفتم. بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس و جیمین، دیدم یه نفر تو اوج موفقیت می‌تونه خیلی بخشنده باشه و برای موفقیت بقیه هم تلاش کنه. الان دیگه عین قبل‌ها حسادت نمی‌کنم و بهتر شدم. خیلی مهم نیست ممتاز باشم یا از همه بهتر باشم، دوست دارم همه باهم عالی باشیم. یه کوچولو اعتماد به نفسم بهتر شده، چون دارم کمک می‌کنم و احساس می‌کنم دارم یه کاری انجام می‌دم. خیلی شبیه جیمین هستم».

در موارد دیگری گروه بی‌تی‌اس به طرح ارزش‌هایی پرداخته است که با فرهنگ بومی مردم ایران همخوانی ندارد.

مرضیه ۱۹ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور شده است که کمپانی برای تحقق بیش از پیش اهداف اقتصادی خود، بدون توجه به بهداشت روانی ستاره‌هایی که در خدمت وی هستند، در عمل راه هیجان‌های غریزی را برای هواداران خویش باز نهاده است، تا هرگونه که می‌خواهند با ستاره‌های کمپانی برخورد داشته باشند:

«- به نظرت برخی فیکشن‌ها، نظیر فیکشن‌های اسمات (هرزه‌نگار) به حریم خصوصی ستاره‌ها وارد می‌شوند؟»

بله، متأسفانه و این تجاوز به حریم شخصی و حتی شخصیت یک انسانه.

- چرا می‌گی شخصیت؟

فکر کن کسی که تو ریل لایف (زندگی واقعی) یه انسان شریف و خوش قلب و دل‌رحمه، تو فیکشن یه قاتل مازوخیستی متجاوز.

- کمپانی نسبت به فیکشن‌ها و از این موارد که نقض حقوق آرتیسته، از تولید‌کننده و نویسنده‌های این محتواها شکایت نمی‌کنه؟

آره، هایب بارها اخطار داده در خصوص ادیت‌های جنسی، تو این مورد خیلی به کمپانی گزارش شده که فکری به حال این افراد نکنن و هر بار هایب اعلامیه داد که باهاشون برخورد و شکایت می‌شه، ولی هیچ اتفاقی نیفتاده و اون بیانیه‌ها، کلاً در حد همون بیانیه مونده و کمپانی هیچ‌وقت انجامش نداده که این خودش به تنهایی نشون می‌ده کمپانی نسبت آیدول‌هاش خیلی بی‌تفاوته».

اگر در این قسمت تمرکز خود را روی شعار مهم کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس، دال بر جنسیت‌زدایی از آرایش پوشش و عشق بگذاریم، اثرپذیری هواداران از این شعار بسیار مشهود است.

الناز ۱۲ ساله، گلاره ۱۴ ساله و محسن ۲۲ ساله، از پذیرش جنسیت‌زدایی در «آرایش» توسط هواداران گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده اند:

«- در مورد زیورآلات و اکسسوری چه طور؟»

خب توی کره توی کی‌دراما و اینا می‌بینیم که هم پسران گوشواره می‌اندازن هم دخترها و این هم جنسیت نداره.

- یعنی اگه پسر بودی یا برادر داشتی همچین چیزهایی رو در اون می‌پذیرفتی و این کار رو تأیید می‌کردی؟

آره، چرا که نه».

«- نظر شخصی خودت درباره آرایش کردن پسران گروه بی‌تی‌اس، چیه؟»

تا جایی که من دیدم میکاپ خیلی ساده‌ای دارن و در اینه که یه برق لب بزنین که اون هم برای نمای خوب لبشونه نه برای این که بخوان شبیه دخترها بشن. کرم پودر و این‌ها رو هم حتی آدم‌های ایرانی هم تو برنامه‌ها می‌زنین. سایه چشم هم می‌زنین، ولی سایه چشمی که ما دیدیم هم نه، البته به ما ربطی نداره هر کاری دلشون می‌خواد بکنن. نظر شخصی‌ام اینه که اصلاً هیچ مشکلی باهاش ندارم و بین خیلی شخصی بخوام بگم خوشم نمیاد یه پسر خیلییی خودش آرایش بکنه، ولی در حدی که بتونن این آزادی رو داشته باشن، دوست دارم و حتی لاک زدن به نظرم مشکلی نداره مثل جیهوپ که لاک می‌زنه. در کل به شخصه با این موضوع مشکلی ندارم.

- آیا قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس هم چنین نگرشی نسبت به آرایش مردها داشتی؟

نه، عقب مونده بودم و اصلاً نمی‌دونستم پسرها ممکنه چنین کاری بکنن و اگر می‌دونستم می‌گفتم آه آه».

«- گفتمی یک تفاوتی باید بین پسران و دختران باشه. این تفاوت چیست؟

این روزا توی دانشگاه می‌بینید دیگه دخترا، ادای پسرا رو در میارن و پسرا، ادای دخترارو.

- اگر ممکن هست مثال بزنی؟

پسرا پودر می‌زنین به سر و صورتشون مثلاً. آهان مثلاً یه پسره اون قدر زیر ابرو برداشته بود و ابروش نازک شده بود که من خجالت می‌کشیدم جای اون. شلوارای تنگ و دخترونه می‌پوشن. حتی باورتون نمی‌شه، دوستم حمید رو چند بار دیدم که رژلب زده بود، از این رژای بی‌رنگ که فقط براق می‌کنن، اگه روش بشه رژ رنگیم می‌زنه (ابروها در هم فرو رفته بود و تن صدا بالا بود، ناراحت و کمی عصبی به نظر می‌رسد)».

سارینای ۱۳ ساله و مهتاب ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود از پذیرش جنسیت‌زدایی در «پوشش» یاد کرده اند:

«- این مقدار زمانی که برای دنبال کردن بی‌تی‌اس صرف می‌کردی یا می‌کنی، آیا روی اعتقادات تأثیری گذاشته؟

روی اعتقادات مذهبی‌ام نه، تأثیری نداشته، ولی روی اعتقادات جنسیت‌زدگی چرا.

- می‌تونی درباره این اعتقادات راجع به جنسیت‌زدگی که بی‌تی‌اس روش تأثیر گذاشته، توضیح بدی؟

مثلاً من قبلاً فکر می‌کردم لباس‌ها یا رنگ‌ها جنسیت دارن ولی کی پاپ به من فهموند که این چیزها جنسیت ندارن، مثلاً من فکر می‌کردم که آرایش فقط مخصوص زن‌هاست، کت و شلوار فقط برای مردها هست یا رنگ صورتی یه رنگ دخترونه هست، ولی الان به نظرم دامن پوشیدن و آرایش کردن پسرها یا موی کوتاه و استایل پسرانه دخترها، هیچ مشکلی نداره».

«خوب تو کره اگر بدونید آرایش پسران خیلی معمولی و اوکیه. منم تو قبل از این که با بی‌تی‌اس آشنا بشم، به خاطر خانواده مذهبی که توش بزرگ شدم، زیاد دید مثبتی به این قضیه نداشتم، اما الان که نگاه می‌کنم، می‌بینم چه ایرادی داره، اگر یه پسر آرایش کنه؟ هیچی. این مرزهای جنسیتی که برای ما تعریف کردند، خوب نیستند. آدم باید بتونه آزادانه خودش رو بروز بده و اگر یه پسر دلش می‌خواد آرایش کنه یا لاک بزنه، نباید جلوش گرفته بشه، همان طور که اگر یک دختری بخواد پیراهن مردونه بپوشه یا کت شلوار رسمی مردونه بپوشه، نباید بگیم نه، این کار رو نکن، چون مثلاً این کار زشته یا چرته. به نظرم این مرزها که ما تعیین می‌کنیم، بیش‌تر آسیب‌زا اند تا این که مفید باشند و قراره بی‌تی‌اس به این قضیه کمک کنه که هم پسرها و هم دخترها، می‌تونن راحت‌تر خودشون رو بروز بدن و با خودشون راحت باشن».

گلاره ۱۴ ساله، پونه ۱۸ ساله و محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته اند، از پذیرش جنسیت‌زدایی در «عشق» توسط خود یا اطرافیان‌شان یاد کرده اند:

«- آیا این نگرش و عقیده درباره هم‌جنس‌گرایی رو قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس هم داشتی؟

من اصلاً نمی‌دونستم که چنین موضوعی وجود داره و وقتی فهمیدم که دلم خواست با خوراکی مورد علاقه‌ام ازدواج کنم و بقیه گفتن تو خارج چنین چیزهایی هست و بعد از اون هم هیت‌ها رو شنیدم و خب اون زمان نگاه خاصی درباره این موضوع نداشتم، ولی در کل بنده خودم الان کوک‌سکشوالم و به جونگ‌کوک گرایش دارم (می‌خندد) و خب من به همه عقاید بقیه احترام می‌گذارم و به من مربوط نیست که کی چه کار می‌کنه و اگر کسی راجع به این موضوع حرف بزنه، سعی می‌کنم خیلی نظری ندم، چون دوست ندارم خیلی وارد این موضوع بشم.

- پس آشنایی با بی‌تی‌اس تا حدودی روی مثبت شدن نگرش نسبت به موضوع هم‌جنس‌گرایی تأثیری داشته، درسته؟  
بله حدوداً».

«در کل بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که آشنا شدم و آره همه چیزشون به چشمم ناآشنا و متفاوت و جدید بود و مجموعه‌ای از همه چیزشون بود که من دیدم و خوشم اومد و دیگه طرفدارشون شدم.

- پس در واقع بی‌تی‌اس باعث شد نگاهت نسبت به یک سری چیزها تغییر کنه؟

در واقع می‌تونم این طور بگم که بی‌تی‌اس نه تنها نگاه من رو، بلکه همه چیز من رو تغییر داد، نگاهم رو به همه چیز، نوع تفکراتم، سلیقه‌هام. خیلی چیزها. من تا قبل از بی‌تی‌اس همون طور که گفتم، من تا قبل از این که عکسای بی‌تی‌اس رو ببینم و حالا با سبک آرایش و میکاپ و این چیزشون آشنا بشم، اگر این چیزها رو می‌دیدم که یه خواننده‌ی دیگه مثل هری استایلز یا هر کس دیگه‌ای انجام می‌ده، می‌گفتم لازم نیست یا می‌گفتم خب پسرا چرا باید همچین حرکت‌هایی بزنن، ولی خب وقتی بی‌تی‌اس رو دیدم، نگاهم به خیلی چیزها تغییر کرد. دیگه برام عجیب نبود این چیزها و دیگه به این کلیشه‌های جنسیتی اهمیتی نمی‌دم، نگاهم به ال‌جی‌بی‌تی خیلی تغییر کرد. البته اینا رو دارم می‌گم بهت، به خاطر اینکه خودت اولش گفتی هر چی بود رو بدون مخفی کردن و خجالت بگما. وگرنه یه کم خودم چیزم الان که اینا رو دارم می‌گم.

- راحت باش مشکلی نداره عزیزم. خب نگاهت به هم‌جنس‌گراها هم تغییر کرد پس قبلش این چیزها رو قبول نداشتی؟

نه این که قبول نداشته باشم. چون دیده بودم تو مدرسه یکی از دوستان این لزینه و با رابطه‌ی دختر با دختر یه کم آشنایی داشتم و مشکلی باهاش نداشتم، ولی رابطه‌ی پسر با پسر و کاپلای گی رو خیلی درک نمی‌کردم. ویرد (عجیب) بود برام. اما بعدش که خب با بی‌تی‌اس آشنا شدم و دوستم در مورد گرایش پسرا و روابطشون باهام صحبت کرد، تازه دوزاریم افتاد و دیگه مثل قبل نبود که ناآشنا باشم با این روابط. بعد جدای از اون وقتی می‌دیدم که خود پسرا چه قدر به هم‌جنس‌گراها احترام می‌ذارن و ازشون حمایت می‌کنن، خب من کی باشم که بخوام توهین کنم. متوجه شدم که یه چیز کاملاً طبیعی که باید بهش احترام بذارم».

«- ... یعنی آرایش غلیظی دارند؟

غلیظ نه، به نظرم گرمورشون دقیقاً داره آرایش‌شون می‌کنه برای جذب پسرا. یه طوری آرایش می‌کنن که دقیقاً تو چشم من زیبا و جذاب به نظر برسن.

- این نقطه ضعف هست برای آنها؟

دارن تحمیل می‌کنن هم‌جنس بازی رو به منی که هوادارم.

- چه طور هم‌جنس‌گرایی را به شما تحمیل می‌کنند؟

گفتم که یه طوری آرایش می‌کنن که یه پسر هم از آیدول‌ها خوشش میاد.

- مگر این که کسی از یک آیدول خوشش بیاید، یعنی آیدول برای او جذابیت جنسی دارد؟

خب جذابیت جنسی دارن واسه پسرا.

- از کجا متوجه می‌شوی برای پسرها جذابیت جنسی دارند؟



با دوستانم صحبت کردم دیگه اونام می گن که خوشگل ان.

- یعنی دوستان تو به صراحت اعلام کردند که ستاره‌های بی‌تی‌اس براشون جذابیت جنسی دارند؟

بله، دقیقاً، وقتی من با سه، چهارتا از دوستانم دور هم بودیم، اینا رو گفتن.

- چه چیزی دقیقاً برای شما و دوستانتان جذابیت جنسی دارد؟

رژ لبی که می‌زنن، لباسای تنگی که می‌پوشن، این که خیلی سفید هستن و سفید کننده هم استفاده می‌کنن. دیگه این که مدل موهاشون

جذابه. حرف زدن شون توی چندتا ویدیو رو هم شنیدم، انصافاً صدای نازی دارن.

- یعنی به خاطر جذب مخاطب این طوری لباس می‌پوشند و آرایش می‌کنند؟

من که این طوری فکر می‌کنم.

- پس کجا ترویج هم‌جنس بازی می‌کنند؟ این‌ها را که گفتی به خاطر جذب مخاطب هست. مگر تا به حال مستقیم اعلام کردند که

هم‌جنس‌گرا هستند؟

نه چند دقیقه پیش هم گفتم، در مورد سفید بودن که اینا خیلی چیزا رو مستقیم که نمی‌گن، ولی همین که من به یه پسر علاقه‌مند می‌شم

و فانتزی‌هایی رو توی سرم تصور می‌کنم، همین تشویق به هم‌جنس بازی! از نظر من که این طوره. لازم نیست که حتماً یه بلندگو بردارن

داد بززن، ما هم‌جنس بازییم».

رخساره ۱۶ ساله در مصاحبه‌اش، تحقق عملی شعارهای بی‌تی‌اس در خودش را به قرار زیر به معرض دید نهاده است:

«- چه تعدادشون همین طوری بایسکشوال هستند؟

آدمایی مثل من زیاد ان، همین دیروز بیرون بودم با یه نفر آشنا شدم، فهمیدم همین شکلیه.

- ببینم به نظرت این که توی بی‌تی‌اس راجع به این مسایل حرف می‌زنند، تأثیری در این امر گذاشته؟

نه فکر نکنم، به خاطر این که من وقتی شیپ گروه بی‌تی‌اس رو می‌دیدم، هیچ احساسی نداشتم تا وقتی رفتم توی اون گروه و با اون دختر

آشنا شدم و کلیپ‌های پینترست رو دیدم.

- ممکنه ذهنت آماده این مسأله شده باشه؟

ممکنه این طور باشه، من قبلاً اصلاً به این فکر نمی‌کردم که دوتا دختر باهم باشن، ولی حالا نمی‌دونم به خاطر این که بچه بودم، بهش

فکر نکرده بودم. ولی تو این ۳، ۴ سال بزرگ‌تر شدم (همین مدت است که آرمی است) و دیدم نه، اصلاً اشکالی نداره، جنسیت مهم نیست.

خودمم دیگه هم این طوری فکر می‌کنم که جنسیت مهم نیست، بعدش که دیگه تو مهمونی اون دختر رو دیدم و خیلی ازش خوشم اومد،

فهمیدم درسته ممکن آدم این طوری باشه، اونم از من خیلی خوشش اومد. به نظرم دیگه خوب خیلی چیز معمولیه».

### آسیب‌دیدگی‌های اخلاقی هواداران

«آسیب‌دیدگی‌های اخلاقی هواداران» از سویی به سبب قرار گرفتن در جریان کاربری از سرگرمی‌های گروه بی‌تی‌اس و از سوی دیگر

مواجهه با هواداران پر شر و شور گروه‌های دیگر، مقوله مورد توجه و مهم دیگری است که در اثرات اخلاقی گروه بی‌تی‌اس بر هوادارانش

قابل طرح است.

هواداران گروه بی‌تی‌اس در جریان ارتقای صنعت موسیقی بی‌تی‌اس به صنعت سرگرمی، در عمل با سرگرمی‌های متنوع و گسترده‌ای مواجه

شده‌اند که به دلیل تشویق گروه بی‌تی‌اس به رهاشدگی و آزاد بودن افراد، برخی از هواداران با تبدیل عرصه داستان‌نویسی، تک‌صحنه‌نویسی،

ایفای نقش و مانند آن‌ها به عرصه هرزه‌نگاری، در عمل فضایی مالمال از هرزه‌نگاری پدید آورده‌اند که ممکن است به کاربران خود،

خاصه کاربران کم سن، آسیب‌های اخلاقی قابل توجهی وارد آورد. پونه ۱۸ ساله و فرشته ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خودشان، در توصیف برخی از داستان‌نویسی‌ها و ایفای نقش‌ها توسط هواداران، به گزارش موارد زیر پرداخته‌اند:

«در مورد سکسیست بودن داستان‌ها که گفتی، بیش‌تر توضیح می‌دی؟»

حقیقتش روم نمی‌شه بازش کنم.

– راحت باش. لطفاً هر چیزی که نظرت به نظرته یا می‌دونی در موردش بگو.

بین خب این داستانی که نوشته می‌شه تمام رابطه‌ی به شیب رو میاد می‌گه توش دیگه، حالا با هر موضوعی یا هر کاپلی که می‌خواد باشه، از آشنایی و علاقه و عشق و دعوا و همه چیز. نویسنده تو داستان خودش همه‌ی این‌ها رو جا می‌ده. بعد خب یکی از اتفاقاتی که رابطه، سکس و رابطه‌ی جنسیه دیگه. می‌تونم بگم نود و نه درصد داستان‌های واتپد یا اینستاگرام و تلگرام داخل‌شون سکس و اسمات داره. حتی خیلی از خواننده‌ها اگر بدونن که اون داستان اسمات نداره، اصلاً سمتش نمی‌رن یا نمی‌خوننش. حتی خیلی از بوک‌ها هستن که کلاً در مورد اسماته (دارای محتوای هرزه‌نگار). بهش می‌گن اسمات بوک. فقط توش میاد مثلاً در غالب یه داستان کوتاه فقط و فقط از سکس دوتا کاپل می‌نویسه و ببخشید که این رو می‌گم، اما خیلی از فنا میان از همین داستان سکسی بین دوتا کاپل لذت می‌برن و بازم ببخشید که این رو می‌گم، اما می‌دونم که خیلیا با این داستانا تحریک می‌شن و اصلاً هم هیچ شرمی ندارن از این قضیه. یه جورایی لذت می‌برن از خوندن این چیزا یا جدای از این اسمات بوکا، خیلی از داستانا عادی هستن که خب خیلی زیاد تو داستان‌شون اسمات می‌نویسن. مثلاً از هر سه پارت و قسمت داستان یک پارتش اسماته.

خیلی از فنا من بارها دیدم که میان و از نویسنده می‌خوان که اسمات بنویسه براشون یا تو تلگرام خیلی چنلای این مدلی زیاده که میان از دوتا شیب و کاپل فن آرت‌های سکسی می‌دارن یا مثلاً داستانا سکسی و اسمات می‌نویسن یا مثلاً ویس شبیه به صدای آیدولا می‌دارن که مثلاً دارن باهم سکس می‌کنن. این چیز یکی، دو ساله انگار خیلی زیاد شده. من که خودم از وقتی فن شدم این چیزا بود، اما از بچه‌های قدیم پرسیدم، گفتن که آره، قبلاً اصلاً فضای فن‌دوم این جور نبود و الان خیلی زیاد شده، خیلیا به خاطر همین اتفاقای درون فن‌دومی زده شدن از همه چیز و کلاً ول کردن رفتن فن‌دوم و بی‌تی‌اس رو.

– یعنی با آگاهی می‌خونن که نیاز جنسی‌شون رفع بشه؟

آره بابا، من خیلیا رو می‌شناسم که خودشون گفتن هر وقت این اسماتا رو می‌خونن، هورمونی می‌شن یه جورایی و حالا دست به یه سری کارا می‌زنن. دیگه براشون مهم نیست که این کارشون چه خوندن بیش از حد، چه تخلیه‌ی نیاز با خوندن داستانا سکسی در مورد آیدول، چه قدر کار زشتیه. هر چه قدر هم بگی، اهمیت نمی‌دن. همین که کیف می‌کنن و رفع نیاز می‌کنن براشون بسه. عقل ندارن واقعاً».

«– اصلاً کی‌رول چی هست؟»

یه سری بچه جمع می‌شن دور همدیگه، هرکدوم‌شون نقش یه آیدول رو می‌گیرن، بعد شروع می‌کنن به جای اون زندگی می‌کنن تو فضای مجازی. بیش‌تر هم تو تلگرام ان. یعنی مثلاً وارد رابطه می‌شن، مهمونی می‌رن، کلاب می‌رن، حتی به جای اون آیدول، سکس‌چت می‌کنن و اینا. من خودم هیچ وقت توش نبودم، ولی خیلی می‌شنیدم ازش.

درسته اکثریت کسانی که توش ان کم سن و سال هستن، ولی یه سری آدم هم هستن که تو جریان کی‌رول از بچه‌های کوچیک‌تر سوءاستفاده می‌کنن، چون اولش تو رول نمی‌پرسی تو واقعاً چند سالته، اما بعد یهو می‌بینی بعد یه ماه حرفای ناجور زدن، می‌فهمی یکی شون ۱۴ سالشه، یکی شون ۳۰ سال. واقعاً این چیزا پیش اومده‌هااا.

بعد خب بچه‌های کوچیک‌تر بی‌احتیاطی می‌کنن زود اعتماد می‌کنن. از رول و نقش آیدول شروع می‌شه، ولی کم‌کم شروع می‌کنن اطلاعات شخصی خودشون رو بدن. از اسم اصلی گرفته تا حتی کد پستی و آدرس خونه به بهونه‌های مختلف. همچین چیزی خیلییی می‌تونه خطرناک باشه.

این آقای وکیل، اسمش رو یادم نمیاد دقیقاً، ولی یادمه پیگیر این ماجرا شد. آخرش مشخص شد رأس این ماجرا که یه آدم خیلی معروفی بود بین کی‌پاپرا در واقع یه آدم ۳۰، ۴۰ ساله بوده که سوءاستفاده می‌کرده از بچه‌ها. سر همین چیزها هست که می‌گم شخصی می‌شه.

- می‌شه بگی یعنی چی که سکس‌چت می‌کنن، یعنی به جای اون ستاره صحبت می‌کنن؟

یه نمونه از سم موجود تو کی‌رول برات می‌فرستم ببینی.

دقیقاً یعنی همین. به قول خودشون با یکی کاپل می‌شن، حالا گی یا استریت. هر چند خیلی کم‌تر پیش میاد که استریت باشن.

خب آره تصور کن یه بچه ۱۳ ساله نقش جونگ‌کوک رو برمی‌داره، با یکی که نقشش تهیونگه، کاپل می‌شه، بعد اینا شروع می‌کنن حرفای ناجور بزبن و سکس‌چت کنن. بعد یه مدت که حرف زدن شروع می‌کنن اطلاعات شخصی بدن و اینا بعد می‌فهمه طرفش مثلاً ۲۰ سال بزرگ‌تره ازش.

یه وقتاییم به بهونه کادو فرستادن و اینا آدرس می‌گیرن از بچه‌ها. دیگه خودت تصور کن چه داستانیه».

نگین ۱۳ ساله، نتیجه‌کاربری از محتواهای نامناسب، ذیل عنوان سرگرمی‌های بی‌تی‌اس را عادی شدن بی‌اخلاقی در سطح هواداران آن می‌داند:

«- گروه روشنفکر به چه صورت فکر می‌کنند؟

بله روشنفکری مثل تیکه انداختن است. خیلی خیلی زیادی به فکر طرف هستن، من نمی‌گم کار بدی می‌کنن، من می‌گم دیگه از یک حدی گیر دادن باید تمام بشه.

- منظور شما از گیر دادن چی هست؟

مثلاً طرف یک وان‌شاتی نوشته خیلی اوکیه، یعنی مثلاً راجع به یک چیز خیلی خنده‌داره، ولی یک مرتبه، یک روشنفکر میاد تو کامنت‌ها می‌گه، شما با این کارهاتون دارین آیدول را آزار می‌دین.

- اون گروه ایرادشون به این‌ها چیه؟

فکر می‌کنن همه وان‌شات‌ها و فن‌فیکشن‌ها آسیب می‌زنن.

- یعنی مشکل‌شون این هست که چرا خیالات و تصورات خودتون رو با اون ۷ نفر می‌نویسید؟

بله.

- چه چیز اون‌ها به نظرشون آسیب می‌زنه؟

این که رابطه‌های بین اون‌ها را می‌گن، این که این با اون یک جور دیگه هس، باهم حس‌های متفاوتی دارن، صمیمی‌ترن، یک حس‌هایی بیش‌تر از صمیمیت دارن، می‌گن این جور چیزها خوب نیست که ما اصلاً این طور فکر می‌کنیم، اصلاً باهم یه جوری باشن یا نباشن، به ما چه این جور چیزها یه تفریح و خوش‌گذرونیه».

ارزش‌های گروه بی‌تی‌اس علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن اخلاق فردی هواداران و سوق دادن آنها به سمت هرزه‌نگاری و خشونت، اخلاق اجتماعی آنان را نیز تحت تأثیر قرار داده، سبب شده است برخی از هواداران به سمت و سوی اخلاق اجتماعی نازلی رویاوارند. به این معنا که فضای غالباً غیراخلاقی و مبتنی بر هرزه‌نگاری سرگرمی‌های بی‌تی‌اس از سویی و سوق دادن هواداران گروه به سمت شور و وجد و هیجان توسط گروه از سوی دیگر، فضایی ایجاد کرده است که هواداران در آن رعایت اخلاق اجتماعی را بعضاً به دست فراموشی سپرده، تنها دفاع و حمایت از گروه مورد علاقه خود را مدنظر قرار داده‌اند و به برخورد منصفانه و احترام‌آمیز با دیگران، کم‌تر می‌اندیشند.

سارینا و نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌های خود مصادیقی از آنچه از آن یاد شد را به قرار زیر بیان داشته‌اند:

«... به طور کلی واکنش طرفداران (آرمی‌ها) به نفرت پراکنان (هیترها) چه جوریه؟»

یک سری اصلاً با هیترها درگیر نمی‌شن و یک سری‌ها مثل من الان فقط ریپورت (گزارش) می‌کنن. یک سری‌ها هم فقط فحش می‌دن که البته به نظر من باید اصلاً جواب‌شون رو ندیم و فقط گزارش کنیم. بیش‌تر آرمی‌ها فحش می‌دن و البته هیترها هم کم از آرمی‌ها ندارن و اون‌ها فحش‌های خیلی بدتری می‌دن.

– می‌شه مثال بزنی که مثلاً هیترها چه حرف‌های نامناسبی درباره بی‌تی‌اس می‌زنن؟

آخه اصلاً نمی‌تونم بگم. خیلی چیزهای بدیه، ولی بعضی ملایم‌هاش رو می‌گم مثل گی، تی، لز، فن، بچه‌سال و عقب‌مونده‌های ذهنی. بقیه‌اش رو واقعاً نمی‌تونم بگم.

– این گی، تی، لز فن که هیترها به بی‌تی‌اس نسبت می‌دن اصلاً معنی‌اش چیه؟

گی یعنی هم‌جنس‌گرای پسر، تی یعنی استریت، لز هم یعنی هم‌جنس‌گرای دختر. مثلاً می‌گن دختر هستن، هم‌جنس‌گرا هم هستن، ولی در عین حال استریت و گی هم هستن، یعنی همین‌قدر بی‌معنی فکر می‌کنن».

– شما چه مدل فنی هستی؟

بله (باخنده) من اگر آیدول مورد علاقه‌ام یک نفر را هم بکشه، برای من یک فرشته است.

– چه جور ی یک فرشته می‌ماند؟

نمی‌دونم راستش، من هیچ وقت به این فکر نکردم که چرا می‌مونه، ولی می‌دونم که اگر آیدول من این کار را بکنه، من هیچ مشکلی ندارم، هیچی نمی‌گم. یعنی این شکلی می‌گذرد که این‌ها همه شایعه است، دروغه و واقعی نیست.

– یعنی ترجیح می‌دی، حس دست نخورده باقی بماند؟

بله».

برخی از تبعات اخلاقی دیگر کاربری از گروه بی‌تی‌اس را می‌توان مواردی مانند «کم شدن شرم و حیاء»، «هواداری مخفیانه از گروه بی‌تی‌اس به دلیل ترس از خوردن برچسب هم‌جنس‌گرا یا زن‌صفت از سوی دیگران» و نظیر آن دانست.

فربای ۴۶ ساله، به صراحت بیان می‌دارد با وجود آن که به عنوان یک زن مسلمان و محجبه با همسرش ازدواج کرده است، تحت تأثیر اعضای گروه بی‌تی‌اس و تشویق آن‌ها دال بر انجام کارهای دلخواه هواداران، در برابر مردهای نامحرم می‌رقصد.

مسعود ۲۰ ساله و محسن ۲۲ ساله نیز در مصاحبه‌های خود، از ترس خویش از خوردن برچسب «هم‌جنس‌گرا» یا «زن‌صفت» در جریان هواداری خویش از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده‌اند.

### کاهش ابعاد معنوی با پررنگ شدن ابعاد مادی در زندگی هواداران

«کاهش ابعاد معنوی با پررنگ شدن ابعاد مادی در زندگی هواداران» مسأله قابل توجهی در گرایش دینی افراد به شمار می‌رود.

عنوان اخیر حکایت از این معنا دارد که با پررنگ شدن علایق مادی افراد، خود به خود از علایق معنوی و اخروی آنان کاسته خواهد شد و بنابراین انتظار می‌رود، از هوادارانی که به توصیه گروه بی‌تی‌اس، هنجارشکنی و لذت بردن را در صدر رفتارها و ارزش‌های شخصی خویش قرار داده‌اند، علایق معنوی و دینی کم‌تری مشاهده شود.

مرضیه ۱۹ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، در همین زمینه بیان می‌دارد:

«– به نظرت وانشات‌ها چه تأثیری روی حالت‌های روحی و جسمی افراد دنبال‌کننده‌ی اون‌ها می‌گذارن؟»

از نظر من وانشات بدتر از فیکشنه، وانشات این طوری که میاد روی ایمجینیشن تو تمرکز می کنه و اثر می داره به همراه عکس یا ویدیوی اون آیدول و فیک ساب و نوشته هایی تحریک آمیز، همین باعث می شه واقعاً برای مدت کوتاهی هم روحی و جسمی تحت تأثیر قرار بگیری و اون سناریو رو خودت با اون آیدول تجربه کنی.

- باعث تحریک شدن خواننده ها و بیننده ها می شه؟

دقیقاً، روم به دیوار.

- تو خودت شدی؟

قبلاً بله و یادآوریش هم اذیت می کنه، چون من نماز می خونم و روزه می گیرم، واس همین سعی می کنم اصلاً ازشون دور باشم، چون ممکنه وقتی بازشون کردم، دیگه نتونم ازش پیام بیرون، در حالی که اگه از چشمم دور باشن بهتره».

نگین ۱۳ ساله و دیبای ۱۵ ساله، در اظهارات خویش از تعدیل دینی برخی از هواداران گروه بی تی اس یاد کرده، شبنم ۲۵ ساله نیز از تحریف دلخواه دین، توسط خودش، یاد کرده اند:

«- دین خودشون چیه؟

خودشون یا مسیحی ان یا دینی ندارند.

- ببین وقتی که بچه ها با این مواجه می شوند که دین با رابطه های هم جنس گرایانه مخالفه و شعاری که توی بی تی اس هست، اینه که این روابط اشکالی ندارد، به نظر تو بعداً بچه ها با این تعارضات چه جور رفتار می کنن؟

اونا نمی دونن که موافق این هستند، اونا می گن که این مشکلی نداره، می گن که نباید از این اتفاق خجالت بکشین، برای ما مهم نیست که طرف با هم جنس خودش وارد رابطه بشه، برای ما این مسأله اهمیتی نداره، چون هر انسانی به هر حال ارزش و شخصیت خودش رو داره.

- یعنی این مسأله با دستوره های دینی تو تضاد قرار نمی گیره؟

راستشو بگم خیلیا دینی ندارن، به نظر ما علم خیلی بهتر از دینه، علم مسایل اثبات شده هست، دین مسایل اثبات نشده هست، از کجا می توانیم مطمئن باشیم که درسته.

- الان شما همین عقیده را دارید؟

بله. بعد من خودم آدمایی رو دیدم که خیلی به نظرم عقاید سفت و سختی داشتند و در خانواده خیلی مذهبی به دنیا آمده بودند، ولی وقتی که آرمی شدن، عقایدشون از بین رفته بود.

- می تونی برام مثال دقیق تر بزنی از بین دوستان کسی این طوری بوده؟

راستش بله، ولی عقایدش کامل از دست نرفته.

- چه طوری تحت تأثیر قرار گرفته؟

البته بین اون خیلی هم توجه به خانواده داشت. دیگه چون خانواده اش خیلی مذهبی بودند، وقتی خانواده به شدت مذهبی باشه، خوب شما هم دیگه مذهبی می شین دیگه، وقتی یک نفر تو جو مذهبی به دنیا میاد، تو به جو مذهبی بزرگ می شه و بنابراین همون عقاید رو پیدا می کنه و به نظرش هر عقیده مخالفی اشتباهه، ولی بی تی اس یک چیزی که به ما یاد داد، اینه که شما می تونید هر عقیده ای داشته باشین و بایستی که بهش احترام بذارین.

- دوست تو تحت تأثیر این فکر یعنی قرار گرفت؟

بله.

- الان عقایدش چه شکلیه؟

الآن خدا رو قبول داره، این طوری نیست که دیگه کلاً دین نداره، ولی دیگه به شدت خانواده‌اش نیست».

«- دیبا جان با توجه به این که شما گفتی از ۴ یا ۵ سال پیش با کی‌پاپ آشنا شدی، آیا بی‌تی‌اس یا کی‌پاپ روی عقاید شما تأثیری داشته؟ بله، قطعاً تأثیر گذاشته ولی نمی‌تونم بگم هر چیزی که الان هستیم به خاطر بی‌تی‌اس یا کی‌پاپه، چون من اون زمان با فضای مجازی هم آشنا شدم و جاهای دیگه هم رفتم، مثلاً اگه بخوام مثال بزنم، درباره مسایل مذهبی الان خیلی میانه‌روتر برخورد می‌کنم».

«- آخه شما از طرفی هم گفتی به اعتقادات دینی علاقه‌مندی. ولی خب توی ادیان مختلف هم جنس‌گرایی پذیرفته نشده. بین من مثلاً به مسیحیت علاقه‌مندم، ولی خب دلیل نمی‌شه که به هر چیزی که دو هزار سال پیش گفتن، پایبند باشم.»

- پس به نظر تو اخلاق یه چیز نسبی‌ه؟ یعنی مثلاً همینی که تو می‌گی که چیزی به عنوان قوانین اخلاقی ثابت وجود نداره و با توجه به تغییر شرایط، قواعد اخلاقی هم می‌تونن تغییر کنن.

خب توی همه شرایط نه. ولی خب یه سری چیزا این طوره. بستگی به شرایط داره.

- مثل چی؟

مثلاً این که در گذشته هم جنس‌گرایی غیراخلاقی بوده، ولی الان نیستش».

کم رنگ شدن علایق دینی افراد در تلاطم ارزش‌های غیردینی که گروه بی‌تی‌اس بعضاً مروج آن است، با «نفی غیرمستقیم جهان‌بینی الهی توسط ستاره‌های بی‌تی‌اس»، بعضاً تشدید می‌شود. شقایق ۱۹ ساله، در همین ارتباط در مصاحبه خودش می‌گوید:

«- یعنی اعضای گروه خداپرست نیستن؟»

بعیدم نیست نباشن، یعنی خب الان متأسفانه خواننده‌های معروف دنیا یا بازیگرانش شیطان‌پرست هستند اکثراً و بین‌شون خداپرست کمه، اتفاقاً من دیدم حتی اینا آرم مثلث رو خیلی گردن خودشون می‌اندازن یا انگشترشون یا گوشواره‌هاشون یا گردن بند مثلثی دارن، یعنی می‌بینی که آرم شیطان‌ه خب و چون هیچ وقت هم حرفی از خدا زده نمی‌شه بین‌شون، نمی‌شه گفت خداپرستن یا چی، یعنی در واقع هر کی رو که معروف باشه، باید طرف سرمایه‌دارا باشه و شیطان‌پرست بشه، حتی یه بار یکی از خواننده‌های معروف دنیا توی کنسرتش علناً گفته بود شیطان‌پرسته. اینا در واقع در خدمت یه سریا هستن که اونا خودشون خدا رو قبول ندارن و مثل برده هستن».

### تقدس قابل شدن برای ستاره‌ها

«تقدس قابل شدن برای ستاره‌ها» مقوله مهم دیگری است که برخی از هواداران در مصاحبه‌های خود از آن یاد کرده‌اند. به عنوان مثال، نگین ۱۳ ساله به صراحت اظهار می‌دارد، اگر ستاره مورد علاقه وی آدم نیز بکشد، باز از نظر او، آن ستاره همچون یک فرشته باقی خواهد ماند:

«- شما چه مدل فنی هستی؟»

بله (باخنده) من اگر آیدول مورد علاقه‌ام یک نفر را هم بکشه، برای من یک فرشته است.

- چه جوری یک فرشته می‌ماند؟

نمی‌دونم راستش، من هیچ وقت به این فکر نکردم که چرا می‌مونه، ولی می‌دونم که اگر آیدول من این کار را بکنه، من هیچ مشکلی ندارم، هیچی نمی‌گم. یعنی این شکلی می‌گذرد که این‌ها همه شایعه است، دروغه و واقعی نیست.

- یعنی ترجیح می‌دی، حس دست نخورده باقی بماند؟

بله... .

در بین آرمی‌هایی که توی کره زندگی می‌کنن، یک رسم هست که وقتی نامزد یا دوست پسر هر کسی می‌ره سربازی، یک کفش‌های خاص سفیدی هست که اون‌ها را می‌خرن می‌پوشن، به معنی این که در انتظار کسی هستن، حالا آرمی‌هایی که تو کره زندگی می‌کردن، رفتن رنگ کفش به رنگ بنفش خریدن.

- کدام یک از اعضاء الان سرباز می‌شوند؟

همه‌شون، جین الان دقیق بخوام بگم، بذارید ببینم آخه من برای تولد همه‌شون آلازم گذاشتم (باخنده)، جین دقیقاً ۳۸ روز دیگه تولدشه، تهیونگ ۶۴ روز، جیهوپ ۱۱۴ روز، شوگا ۱۳۳، خود بی‌تی‌اس ۲۲۹ روز دیگه تولدشه، اون تایمی که ساخته شدن و گروه‌شون درست شد، جان هوب ۳۰۹، جیمین ۳۵۱ روز دیگه».

هم‌زمان با تقدس‌یابی ستاره‌ها در نزد برخی از هواداران، الگوهای فرابشری پردازش شده توسط کمپانی بیگ‌هیت، «جای الگوهای معنوی و دینی را در اذهان بعضی از هواداران گرفته»، به جای آنان، به دلالت به هواداران می‌پردازند:

«- درست هست که اعضای بی‌تی‌اس می‌رقصند، اما آیا رقص در جمع نامحرمان خلاف عرف و دستورهای دینی شما نیست؟ شما بین دستورات دین خودتان و الگوبرداری از بی‌تی‌اس کدام را انتخاب می‌کنید؟

دستورات دینی مهم هستن، ولی وقتی می‌بینم که بی‌تی‌اس که خلاف دستورات دین ما کلاً حرکت کرده و موفق و محبوب هست، به نظر شما باید از کدوم الگو بگیرم؟ دین یا بی‌تی‌اس؟ من بی‌تی‌اس رو انتخاب می‌کنم.

- مگر الگوهایی وجود ندارند که از دین پیروی کرده و به موفقیت و محبوبیت رسیده باشند؟  
الآن دیگه کسی توی دنیا از دین به عنوان الگوی موفقیت حرف نمی‌زنه.

- الگو داریم؟

نه، نداریم، واقعاً الگوهایی که با پیروی از دین به موفقیت رسیده باشن، نداریم.

- یعنی این همه دانشمندی که ایران داشته و داره، همه بی‌دین و ایمان هستن؟

دانشمند بودن که موفقیت نیست. به نظرم شهرت و ثروت ملاک‌های موفقیت در جهان امروزی هستن.

- و بی‌تی‌اس چه قدر در این طرز فکر شما در مورد موفقیت تأثیر داشته؟

خیلی. هم شهرت دارن و هم ثروت بنابراین موفق هستن و محبوب. دوست دارم بچه‌های من، شهرت، ثروت و محبوبیت رو باهم داشته باشن».

## ۷- اثرهای اقتصادی - سیاسی

هواداری از گروه‌های مختلف از جمله بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی - سیاسی، زیباشناختی، هنری، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای اقتصادی - سیاسی، هواداری از گروه بی‌تی‌اس، مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از پسران بی‌تی‌اس، در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از:

تحقق اهداف اقتصادی کمپانی، هزینه کردن برای طرفداری، تمایل به مصرف کالاهای بی‌تی‌اسی، اخذ الگو برای آینده شغلی خویش، کسب درآمد مبتنی بر گروه بی‌تی‌اس، تمایل به ساختن تصویری خیالی از جنگ و مقاومت اعضای گروه بی‌تی‌اس در برابر کمپانی و حکومت، کاهش عرق ملی.

در ادامه به بررسی عناوین پیش گفته، پرداخته خواهد شد.

### تحقق اهداف اقتصادی کمپانی در جهت کسب سود هر چه بیش‌تر

کمپانی بیگ‌هیت به عنوان یک نهاد در جامعه سرمایه‌داری کره جنوبی، بالطبع «هدف کسب سود» را در دستور کار خود دارد و در مسیر تحقق این هدف، اعضای گروه بی‌تی‌اس از سوی کمپانی مأمور می‌شوند که در تبلیغ برندهای مختلف جهان سرمایه‌داری به شکل فعالی وارد شوند و با دامن زدن به مصرف‌گرایی هواداران، سود شرکت‌هایی که محصولات آن‌ها را تبلیغ کرده اند، افزایش و ارتقاء دهند. شقایق ۱۹ ساله و محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه‌های خود در همین ارتباط بیان می‌دارند:

«- این ستاره‌ها تبلیغات هم انجام می‌دن؟»

تبلیغ مهاجرت به کشورشون آره، خیلی فراوانه. هی از زیبایی‌های کشورشون می‌گن و این که چه قدر همه اینجا به اندامشون اهمیت می‌دن و چه قدر همه حالشون خوبه و چه قدر خوشحال هستن اونجا متولد شدن و صمیمیت بین مردمش چه قدر زیاده، مثلاً یا لباسای برندها رو می‌پوشن و میان کنسرت یا تبلیغ می‌کنن به عنوان مدل کلاً کره‌ای‌ها عقلشون به چشمشون هست، یعنی به ظاهر خیلی اهمیت می‌دن برخلاف آمریکایی‌ها در مجموع به استانداردهای ظاهری اهمیت می‌دن نه اخلاقی».

«- فکر می‌کنی گروه بی‌تی‌اس مصرف‌گرایی را ترویج می‌کنند؟ یعنی مخاطبشان را تشویق می‌کنند به مصرف کردن، حتی اگر نیاز نداشته باشند؟»

آره، این طوری به نظرم».

مریم ۱۸ ساله و نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، خاطرنشان ساخته اند که کمپانی در پی کسب سود بیش‌تر، حتی رأساً در حاشیه‌سازی برای ستاره‌هایش مداخله می‌کند تا با متوجه کردن چشم‌های دیگران به خودش، در عمل سودش را افزایش دهد:

«- به نظرت خبر رابطه بین اعضاء با سلبریتی‌های دیگه، واقعه یا ساختگی و برنامه‌ریزی شده هست و جنبه تبلیغاتی داره؟»

هر دوش می‌تونه باشه. این خیلی احتمالش بالا هست که هدف کمپانی‌ها از نشر این جور خبرها این باشه که اون آیدول‌ها رو بندازن سر زبونا و کلی هشتگ و حاشیه درباره‌شون درست بشه، چون روابط توی صنعت کی‌پاپ مثل روابط توی هالیوود زیاد و عادی نیست، معمولاً توی کی‌پاپ کمپانی‌ها خیلی حواسشون جمع هست که همچین چیزهایی پیش نیاد و خبرش پخش نشه، مگر این که به نفع خودشون باشه و خودشون خواسته باشن این حاشیه درست بشه، برای همین احتمال زیاد وقتی داستان رابطه توی کی‌پاپ پیش میاد، الکیه و برنامه کمپانی‌ها هست، ولی از طرف دیگه ممکن این وسط یه سری روابط هم واقعی باشند و خارج از کنترل کمپانی لو رفته باشند و پخش شده باشن. به نظرم هر دوش محتمله».

«- یعنی تبلیغ کردن همجنس‌گرایی براشون سود داره؟»



بله. خیلی از کسانی که جذب موسیقی کره و کی‌پاپ شدن، علتش همین بوده. کافیه خودتون برید به نگاه بندازید و ببینید توی کی‌پاپ چه جور اعضای گروه‌ها باهم رفتار می‌کنن. البته یه بخشیش، علتش اینه که کلاً توی کره افراد خیلی باهم راحت هستن، برای همین کسانی که طرفدار کره‌ای‌ها هستن، این رفتارها رو می‌ذارن روی حساب این که اونا باهم صمیمی هستن. ولی خب خارج از کره اعضا رو خیلی بیش‌تر شیپ می‌کنن. چون از نظرشون رفتارها مثل کاپل‌های همجنس‌گرا هست. این رفتارها هم خانواده‌ی کوپیر و هم دخترای تینیجر رو به شدت جذب می‌کنه. اینا براشون کیوت و جذابه. می‌بینن خوش‌شون میاد و طرفدار می‌شن، بعدش هم کلاً می‌افتن تو کار شیپ کردن و داستان و فن‌فیکشن خوندن و این جور کارا، خیلی از آرمی‌ها حالا تو ایران رو دارم می‌گم، صرفاً طرفدار یه شیپ هستن. اکثراً هم چونگ‌کوک و تهیونگ رو شیپ می‌کنن و عاشق همین دو نفر هستن. الان خیلی هم طرفدارای این شیپ زیاد شده. من خودم باور ندارم بهش، ولی خب اون قدری که از سادگی این بچه‌های تینیجر استفاده می‌کنن، با کلی مومنیت و عکس و تئوری جوری نشون می‌دن که انگار واقعاً اینا باهم تو رابطه هستن. در مجموع سود داره دیگه. طرفدار بیش‌تر یعنی پول بیش‌تر و یکی از راه‌های جذب طرفدار هم همین شیپ کردن و کاپل نشون دادنه».

### هزینه کردن برای طرفداری

«هزینه کردن برای طرفداری» مقوله دیگری است که از سوی هواداران مصاحبه شده، مطرح گردیده است. هزینه‌های مورد اشاره، در بسیاری از اوقات صرف زمان و عمر هواداران بوده، در موارد دیگری هزینه‌های اقتصادی است که آنان در جهت پیش‌برد اهداف گروه مورد علاقه‌شان، متحمل آن می‌گردند.

ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، وی و دوستانش برای پیش‌برد اهداف کمپانی و گروهش، ضمن صرف وقت، نامالیماست موجود در مسیر هواداری را نیز تحمل می‌کنند:

«چرا از فن‌دوم مدرسه که وضعیت ناخوشایندی برای شما پدید آورده، خارج نمی‌شوید؟

یکی که از ترس سارا است و یکی هم این که دارم به بی‌تی‌اس کمک می‌کنم.

- چه کمکی؟

برای بی‌تی‌اس یه گروه تشکیل دادیم و داریم عضو می‌گیریم و الان گروه‌مون تازه رشد کرده.

- حتی اگر این تعهدت به گروه باعث بشود که تحقیر بشی؟

تا الان تحقیر شدم، تحمل کردم اینم روش. هر آرمانی، دردسرهای خودش رو داره».

نرگس ۲۱ ساله و ثنای ۱۶ ساله، در گزارش‌های خودشان، از صرف هزینه برای برگزاری تولد ستاره‌ها، گردهمایی هواداران و ادیت (ویرایش)

تصاویر و کلیپ‌های تهیه شده جهت گروه بی‌تی‌اس، یاد کرده اند:

«گفتی اون اوایل پوستر و وسایل بی‌تی‌اس رو زیاد استفاده می‌کردی، درسته؟

بله.

- چی بیش‌تر می‌گرفتی و چه قدر بابت اون وسایل هزینه می‌کردی؟

اون اوایل بیش‌تر وسایل معمولی رو با طرح بی‌تی‌اس می‌خریدم. هر چیزی، حالا کیف و کفش و پتو و پوستر و ساعت و ماگ. ولی یه کم

بعدتر که آلبوم بی‌تی‌اس فروشش بیش‌تر شد، آلبوم گرفتم. البته آلبوم اصل نیست، فیکه. بعد خب خیلی زیاد هزینه می‌کردم. خیلیاشون رو

الان دادم به یکی از دوستانم، خیلیاشونم فروختم، چون نو بودن، حالا اینا یه سری خرید بود. یادمه یه سری برای شوگا تولد گرفتیم و دوستانم

رو بردم کافه و جشن گرفتیم. چند بار هم میتینگ تشکیل دادن بچه‌ها برای آرمی‌های تهران و کرج رفتیم اونجا جشن گرفتیم».

«می‌توانی تقریباً بگویی چه قدر و برای چه کاری هزینه کرده‌ای؟»

برای ویدیوهایی که می‌سازم پول می‌دم برام ادیت می‌کنه یکی از دوستانم. اون خیلی حرفه‌ای هست تو این جور کارا. شاید ماهی ۲۰۰ هزار تومن.

– برای چند ویدیو؟

یه دونه هر ماه.

– تاحالا زمانی بوده که برای یک کار مهم‌تر پول نیاز داشته باشی، اما به خاطر هزینه کردن برای تدوین ویدیو بی‌تی‌اس پول کم بیاوری؟ شده، ولی بابام نمی‌ذاره بی‌پول بمونم (باخته).

تهیه وسایل طرفداری مانند چراغ‌های دستی نورافشان (لایت‌استیک)<sup>۱</sup> یا وسایلی که حاوی نشان و یا برجسب گروه بی‌تی‌اس هستند، قسمت دیگری از هزینه کردن‌های افراد برای کمپانی و گروه آن به شمار می‌روند.

گلاره ۱۴ ساله و مریم ۱۸ ساله، در همین ارتباط در مصاحبه‌های خودشان بیان داشته اند:

«چرا به خریدن آلبوم و این مدل وسایل خیلی اصراری نداری؟»

چون اولویت زندگی‌ام اول خودم هستم و بعد بی‌تی‌اس. مامان و بابام تا یک جایی من رو درک کردن پس من هم درک‌شون می‌کنم، چون می‌دونم نمی‌تونن چند میلیون بدن که من فقط یک لامپ که مثلاً لایت استیکه رو داشته باشم، پس مراعات می‌کنم. به خاطر همین بهم القا شده که بهتره به این چیزها فکر نکنم.»

«سال ۲۰۱۶ که من آرمی بی‌تی‌اس شدم، وسایل با طرح بی‌تی‌اس به زور گیر می‌اومد و خیلی کم بود. فقط یه سری پیچ‌ها توی اینستا داشتن که اعتمادی زیاد بهشون نبود که چیز با کیفیتی برات می‌فرستن یا نه، یه پیچ‌هایی هم بود که می‌تونستی خودت طرح انتخاب کنی بزبن رو تیشرت و ماگ و پیکسل که باید خودت یه سری عکس از بی‌تی‌اس می‌دادی بهشون، این شکلی مثل الان نبود که تو تمام پاساژها و مغازه یه اثری از بی‌تی‌اس هست و طرح‌شون رو هر چیزی که فکرش رو بکنی، داره چاپ می‌شه، حتی روتختی یا پرده با طرح بی‌تی‌اس اومده.»

ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خودش به ذکر این نکته مهم پرداخته است که دوستان بی‌تی‌اسی وی، بین خودشان مقرر کرده اند که باید همه هواداران از وسایل منتسب به بی‌تی‌اس و نشان آن استفاده کنند و در غیر این صورت، باید گروه هواداری خویش را ترک کنند:

«یعنی گردنبند رو نشونه طرفدار واقعی بی‌تی‌اس بودن می‌دونن؟»

آره، منم باید بخرم. می‌خوام مال جیمین رو بخرم. دوستانم حتی کیف بی‌تی‌اس و استیکرش رو هم خریدن. فاطمه می‌گه اگه کسی اینا رو نداشته باشه، از گروه باید بره بیرون. منم یه بار به مامانم گفتم من هم باید بخرم، مامانم گفت، کیف دارم و جدید خریدم، سر همون کیف با دوستانم دعوا کردیم. منم قول دادم، سال دیگه می‌خرم.

– خوب اگه نخری تو رو هم بیرون می‌کنن؟

آره، ممکنه.

– یعنی فقط به خاطر این که کیف بی‌تی‌اس رو نخردی؟

خب می‌گن نشونه یه آرمی واقعی هستش. کسی رو هم که آرمی واقعی نباشه، از گروه‌شون بیرون می‌کنن. حتی اگه تولد یکی‌شون باشه، می‌رن بیرون باهم جشن می‌گیرن و کیک اینا می‌گیرن. اکثر وسایل‌شون رو هم دارن.»

---

۱- لایت استیک (light stick) یک دستگاه الکترونیکی قابل حمل و درخشان است که برای هر ستاره یا گروه به صورت‌های متفاوت طراحی شده است.

## تمایل به مصرف کالاهای بی‌تی‌اسی

برخی از افراد مصاحبه شده از تمایل خود و دوستانشان به «مصرف کالاهای بی‌تی‌اس» یاد کرده اند. کالاهای مورد اشاره، گاهی وسایل خاص گروه (مانند چراغ‌های نورافشان) یا ملزومات تهیه شده توسط ستاره‌ها (مرچ‌ها) و یا مواردی است که توسط آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته و مد شده اند. اما در غالب موارد، کالاهای مورد نظر تهیه وسایلی است که نشان (برند) کمپانی بیگ‌هیت بوده و یا کالاهای تقلبی هستند که تنها با برچسب و عنوان کالاهای بی‌تی‌اس، به بازار عرضه شده اند.

پریناز ۱۸ ساله و شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه خودشان از علاقه خویش به خرید وسایل طرفداری خاص گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- اعضاء یه سری وسایل رو ظاهراً مد می‌کنن، تاحالا شده این وسایل رو بخری؟

همه گروه‌ها یه وسیله‌هایی رو دارن که یه جورایی نشان دهنده اینه که این وسیله مال اون گروهه، برای گروه بی‌تی‌اس، آرمی بمب هست که این وسیله‌ها رو می‌گن لایت‌سی، هر گروه مال خودش متفاوت، بعد این آرمی بمب‌ها خیلی گرون هست، بعضی از آرمی بمب‌هایی رو که من دیدم، از سه میلیون به بالا بود. خب طبیعتاً من آرمی بمب (نشان بی‌تی‌اس) رو ندارم. بعد اعضاء آلبوم دارن که اگه بخوای بخری، واقعاً گرونه. یه سری وسیله هم هست که ما می‌گیم مرچ بی‌تی‌اس که اعضای هنرمند گروه، اومدن یه سری وسیله طراحی کردن، مثلاً کیفی که مال تهیونگ هست یا هودی که جونگ‌کوک طراحی کرده بود که اینا به شدت گرون هست، ولی خب هستن آرمی‌هایی که این وسایل رو می‌خرن. یه سری چیزها هم هست، مثل فوتو کارت که کارت‌های کوچیکی هست که حالا جنس‌های متفاوت داره که عکس اعضاء روش هست. یه سری گردنبند و گوشواره و دستبند هست که عکس اعضاء روشه، مثلاً پسرا توی کنسرت یا شو‌ازش استفاده کردن و خب وقتی این وسیله ترند می‌شه، بعضی‌ها یا خودشون درست می‌کنن یا خود اصلش رو می‌خرن. ما شاپ آنلاین هم زیاد داریم، توی اینستا بزن میاره.

بعد گروه‌های کی‌پاپ توی کنسرت یا شو یا حتی وقتی مثلاً داشتن می‌رفتن فرودگاه، کلاهی یا عینکی و چیزای دیگه‌ای دارن، آرمی‌ها می‌رن و شبیه‌ش رو پیدا می‌کنن و می‌خرن. در کل وسیله‌هایی که ترند (مد) می‌شن، یهویی قیمت‌شون می‌ره بالا و من به شخصه موارد خیلی گرون رو نمی‌خرم، ولی شاید گردنبند و دستبند و کلاه و پیکسل و فوتو کارت‌ها و مثل اینا که مربوط به بی‌تی‌اس هست رو بخرم.»

«... گاهی یه هفته کل پاساژهای تهران و کرج رو با دوستانم می‌گشتم تا لباس مورد نظرمان رو تهیه کنیم. لباس خیلی برای ما مهم بود و اگر موفق نمی‌شدیم، ناچار مشابه اون لباس رو تهیه می‌کردیم تا بعداً خودم چندتا بوتیک معتبر پیدا کردم که همه‌اش لباس‌های مارک‌دار و برند اصل می‌آورد و تونستم با همکاری اون مرکز خرید واسطه فروش لباس‌های مارک‌دار به هواداران بی‌تی‌اس از طریق فن پیچم در اینستا بشم و به درآمد برسم.»

رخساره و ثنای ۱۶ ساله، مریم ۱۸ ساله و محسن ۲۲ ساله، در گزارش خویش از کاربری خودشان در جهت تهیه اجناسی که صرفاً نامی از گروه بی‌تی‌اس به همراه دارند، یاد کرده اند:

«- وسیله‌ای ازشون می‌گیری؟

مثلاً کیف بی‌تی‌اس، یه عالمه عکس و فتو کارت‌های بی‌تی‌اس، بعد دفتر بی‌تی‌اس، کیف، جامدادی، دستبند بی‌تی‌اس.

- همه این‌ها به راحتی داخل مغازه‌ها، همان شهر محل زندگی خودتون در دسترس هست؟

بستگی داره چه مغازه‌ای باشه، مغازه‌ای که من ازشون می‌گیرم مغازه‌ی اکسسوری فروشیه، اکسسوری و بدلیجات و... ولی الان دیگه جدیداً داخل هر مغازه‌ای بری، بیش‌تر مغازه‌ها حداقل یه وسیله از بی‌تی‌اس را دارند، طرح بی‌تی‌اس.

- اوهوم. یعنی کسی توی اتاقت وارد بشه، چه چیزهایی از بی‌تی‌اس را می‌تواند ببیند؟

من عکسای بی‌تی‌اس را چسبوندم به دیوارم. کیف بی‌تی‌اس رو هم که آویزون کردم. جامدادیم هم که داخل کیف بی‌تی‌اسه، لیوان بی‌تی‌اس من هم که داخل آشپزخونه است و دست‌بند و این‌طور چیزهای دیگه رو هم گذاشتم تو قفسه‌ام، بیش‌تر عکسای که به دیوار چسبوندم معلومه.

- خیلی از وسایل مختلف بی‌تی‌اس استفاده می‌کنی؟

آره».

»- از لباس‌هایی که آرم بی‌تی‌اس دارند استفاده می‌کنی؟

دستمال سر بی‌تی‌اس خریدم و کاپشن بی‌تی‌اس هم تولدم بود، مامانم خریدم برام، چون می‌دونست خیلی دوست دارم».

»- آیا وسایلی که مربوط به بی‌تی‌اس باشه و طرح بی‌تی‌اس روش داشته باشه رو خریداری کردی؟

آره، چون اون اوایل که آرمی شده بودم، هیچ وسیله‌ای از شون گیر نمی‌اومد، واسه همین تو دلم مونده بود، الان که همه جا پر شده، دلم می‌خواد هر چی می‌بینم بخرم. اتاقم رو هم با وسایل‌هاشون تزیین کردم، الان تم اتاقم کلاً کی‌پاپه. البته خیلی هم خودم نمی‌خرم، بیش‌ترش رو دوست و آشناها کادو می‌دن و چون می‌دونن بی‌تی‌اس رو دوست دارم، هر مناسبتی که می‌شه چیزهایی که برام می‌خرن، همه‌اش به ربطی به بی‌تی‌اس داره، مثلاً روز تولدم تمام کادوها با طرح بی‌تی‌اس بود، واسه همین زیاد نیاز نمی‌شه خودم چیزی بخرم، تقریباً همه چیز رو به دور کادو بهم دادن.

- تاحالا آلبوم اصل خریداری کردی؟

آره، یکی از فامیلامون آمریکا زندگی می‌کنه، به بار می‌خواست بیاد ایران زنگ زد، ازم پرسید سوغاتی چی می‌خوای، منم بهش گفتم آلبوم وینگز و یو نور واک الون<sup>۱</sup> (تو هیچ وقت تنها راه نمی‌ری) بی‌تی‌اس رو برام بگیره. خیلی خفن بود آلبوم‌ها، اگه تو ایران دسترسی داشتی، همه آلبوم‌هاشون رو می‌گرفتم، ولی اینجا متأسفانه گیر نمیاد».

»- تاحالا خود شما هم از محصولات بی‌تی‌اس خرید کرده‌اید؟

راستش آره زیاد اهلش نیستم خب. چون دوستم که باهاش هم‌کلاسی هستم تو همین دانشگاه گروه بی‌تی‌اس رو خیلی دوست داشت، برای همین واسه تولدش به تی‌شرت گرفتم که آرم بی‌تی‌اس روش بود. ولی می‌دونید، اینایی که تو ایران می‌خریم فیک ان.

- یعنی خود کمپانی تولید نکرده؟

دقیقاً. تو ایران تولید می‌کنن، بعضی وقتام به اسم اورجینال می‌اندازن به بچه‌ها.

- تی‌شرتی که خریدی اورجینال بود یا فیک؟

فیک بود، ولی ما خیلی به این چیزا اهمیت نمی‌دیم».

### اخذ الگو برای آینده شغلی خویش

تعدادی از هواداران مصاحبه شده در بیاناتشان یادآور گردیده‌اند که آنان تحت تأثیر گروه بی‌تی‌اس، «جهت‌گیری حرفه‌ای» خویش را انتخاب کرده‌اند.

شیدای ۲۰ ساله که هوادار گروه بی‌تی‌اس و در عین حال مدرس موسیقی است، در مصاحبه خود با اشاره به هنرآموزانش از توجه شدید آن‌ها به گروه بی‌تی‌اس و تلاش آن‌ها برای تغییر رشته از رشته‌های مرسوم دبیرستانی به رشته‌های هنری، به شرح زیر یاد کرده است:

»- درباره هنرجوهای شما و ارتباطی که با خانواده‌هاشون داری، آیا خانواده‌ها از این شکایت دارن که بی‌تی‌اس روی تحصیل بچه‌هاشون یا تمرکزشون تأثیر منفی داشته؟

<sup>1</sup>- You never walk alone

من خودم دارم این رو قشنگ می بینم. مثلاً شاگردام داریم دارن کنسرتای اینا رو می بینن یا مثلاً اونیه که دو سال پیش می گفت من عاشق رشته تجربی هستم، الان تحت تأثیر علاقه اش به بی تی اس می خواد بره هنر. البته من این رو بد نمی دونم. به نظرم بی تی اس مثل یه نوری می مونه که روشن شده و داره راه رو بهشون نشون می ده».

شبنم ۲۵ ساله نیز در فرازی از مصاحبه اش، از اثرپذیری حرفه ای خود تحت تأثیر گروه بی تی اس، به قرار زیر یاد کرده است:

«- الان که شما به اون زمان نگاه می کنی، از این وقت و انرژی که بابتش صرف کردی، احساس رضایت داری؟

آره. اصلاً ناراضی نیستم. اصلاً. یعنی اگه زمان دوباره برگرده، هم همین کار رو می کنم و نمی گم وقتم تلف شد، چون به نظرم علاقه ام واقعی بوده. اصلاً پشیمون نیستم که هفت، هشت سال از زندگی و وقتم رو صرفش کردم.

- این پیگیری چه دستاوردی برات داشته؟

خب من مطمئنم که در آینده برام موفقیت هم به همراه میاره.

- برنامه شما برای آینده چی هست؟

(مکث می کند) خب برنامه ام اینه که برم کره و توی کره یه آدم موفق بشم.

- پس اون برنامه ای که گفتی رو همچنان برای رفتن توی ذهنیت داری؟

آره. صد در صد. اصلاً برای همین هدف با ترغیب و اصرار استاد زبانم دوباره شروع کردم به فرش بافتن. یعنی روزایی بوده که من بکوب از ساعت شیش صبح تا دوازده شب فرش بافتم به این امید که برم کره و اونجا نمایندگی فرش داشته باشم».

مسعود ۲۰ ساله از زاویه دید دیگری از اثرپذیری کاری دوستش، به قرار زیر یاد کرده است:

«- بی تی اس هم تأثیری در مورد مسأله در رفتن دوستت از کار داشته؟

یک بار فقط به من گفت که وقتی می شه راحت زندگی کرد، چرا باید این قدر سختش کنیم زندگی رو.

- یعنی چی؟ اگر ممکن هست لطفاً کمی بیش تر توضیح بده.

یکی دوتا از این بی تی اس ها رو مثال زد، البته کنارش چندتا از این شاخ های مجازی رو هم مثال زد، ولی کل حرفش این بود که وقتی می شه خیلی راحت به راحتی رسید و موفق شد، چه لزومی داره این همه درس بخونیم و تلاش کنیم.

- منظور دوستت از راحت دقیقاً چی هست، آیا اعضای بی تی اس به راحتی به این جایگاه رسیده اند؟

از نظر دوستم بله. فکر می کنه خوانندگی و رقص خیلی راحت تر از درس خوندن هست و تلاش زیادی نمی خواد و چون رقص و آهنگ طرفدار زیاد داره، خیلی ها پول درست و حسابی خرج می کنن برای آهنگ و رقص».

### کسب درآمد مبتنی بر گروه بی تی اس

برخی از افراد مصاحبه شده، تأکید داشته اند که خود یا دوستانشان با توجه به گرمی بازار گروه بی تی اس، در صدد کسب درآمد برآمده و با فروش صفحه طرفداری خویش، نشر اخبار داغ، اما دروغ، برای جذب افراد تعقیب کننده، تهیه و فروش وسایل بی تی اس و مانند آن، «به کسب درآمد مبتنی بر گروه بی تی اس» نایل آمده اند.

مرضیه ۱۹ ساله و احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه هایشان از تهیه و فروش صفحه طرفداری یا نشر اخبار دروغ در مورد گروه برای درآمدزایی بیش تر صفحه خودشان، یاد کرده اند:

«- فن پیچ ها چه طور از این کارشون درآمد دارن؟

اگه یکی زرنگ باشه داره.

- چرا از تعبیر زرنگ بودن استفاده می‌کنی؟

یکی ممکنه فن پیچ بزنه، فقط به این خاطر که می‌دونه این طوری کلی آرمی فالوش می‌کنن، بعد پیچ رو بفروشه».

«- احسان چه چیزی در گروه بی‌تی‌اس باعث شده که همه فکر می‌کنن هم‌جنس‌گرایی رو رواج می‌دن؟

این که شکل و شمایل دخترانه دارند، ولی مذکرند و دوم این که مثل دخترها آرایش می‌کنن و ظرافت دخترانه را در رقص‌هاشون دارند.

- واکنش هواداران در این باره چه طور هست؟

بیش‌تر هواداران تا دلت بخواد با داستان‌سرایی‌هایی که درباره آیدول‌ها در فن پیچ‌هاشون می‌کنن، به شایعه هم‌جنس‌گرایی گروه بیش‌تر دامن می‌زنند. برخی از هواداران هم خواسته یا ناخواسته با این داستان‌های خیالی و پخش تصاویری از آیدول‌ها، مهر تأییدی بر این شایعه‌ها می‌زنند.

- چرا هواداران این کار رو می‌کنند؟

فکر نکنم هواداران اصلی این کار رو بکنن. بعضی از هواداران فیک و تقلبی و خودخواه برای پیشرفت فن پیچ‌هاشون و گرفتن تبلیغ برای درآمدزایی این کار رو می‌کنند. با این عکس و داستان‌های دنباله‌دار بر تعداد فالورهای خود می‌افزایند».

شیدا و مسعود ۲۰ ساله نیز از گرمی بازار فروش وسایل بی‌تی‌اس یاد کرده و یادآور شده اند، برخی از افرادی که نبض بازار را در دست دارند، با استفاده از شرایط اخیر، به منافع مالی و سودهای قابل توجهی دست یافته اند:

«- درباره اثرات اقتصادی بی‌تی‌اس روی زندگی دوستان و هنرجوهای شما چی؟ مثلاً آیا بابت این علاقه‌مندی هزینه خاصی می‌کنن یا از اون طرف درآمدزایی بابت فن پیچ‌ها و این جور چیزها دارن؟

خب لباساهاش همه‌اش لباسای گنگ بی‌تی‌اسه. یه وسایل شون مثل مثلاً لوازم تحریر و کیف و جامدادی. یا بعضیا مثلاً تتو می‌زنن، حالا به کراهی یا به انگلیسی درباره بی‌تی‌اس. از نظر هزینه مثلاً یکی از دوستای خودم کلی هزینه کرده بود که فقط یه امضاء برایش بگیرن بیارن یا چیزایی که اصلاً فکرشم نمی‌کنی. از نظر درآمدزایی هم خب چیزایی که طرفدارا خیلی بهشون علاقه‌مندن رو کسای هستن که درست می‌کنن و می‌فروشن، مثل دستبندهایی که می‌اندازن یا گوشواره یا عینک و ساعت و خیلی چیزای دیگه یا کسای که عکسای متفاوتی از این گروه دارن و چاپ می‌کنن رو لباس و می‌فروشن که خیلیا هم پیگیر این چیزا هستن».

«- مسعود گفتی که به شغل آزاد مشغول هستی، آیا شغلت ربطی به برندهای بی‌تی‌اس داره؟

بله، چون لباس‌های بی‌تی‌اس جوان‌پسند هستند، من همیشه از تی‌شرت‌ها و پیرهن‌های بی‌تی‌اس نمونه‌هایی تهیه می‌کنم، وقتی درخواست برای خریدشون زیاد باشه به مقدار خیلی بیش‌تری تهیه می‌کنم و در سطح شهر و مغازه‌های دور دست هم پخش می‌کنم و حتی در داخل مترو بعضی اوقات مستقیم به فروشندگان می‌فروشم و می‌بینم که چه قدر گروه بی‌تی‌اس در خرید مردم برای پوشاک تأثیر گذاشته اند.

بیش‌تر خریدارها از آقایون هستند؟

نه، فرقی نمی‌کنه هم خانم‌ها و هم آقایون از برندهای بی‌تی‌اس و یا حتی شبیه به اون‌ها استفاده می‌کنند و این از بین بردن جنسیت در پوشش، خیلی به نفع ما فروشندگان شده، چون ما دیگه ترسی از موندن جنس‌هامون نداریم زیرا تقاضا همیشه براشون هست.

- به نظر خودت بی‌تی‌اس روی کسب و کارت تأثیر داشته؟

خیلی تأثیر داشته، من ایده‌هام رو در تهیه اجناسم از بی‌تی‌اس می‌گیرم. نمی‌رم جنسی رو بخرم که روی دستم بمونه و تلاش و پشتکارم رو مدیون بی‌تی‌اس هستم. بی‌تی‌اس به من انگیزه داد و من رو از ناامیدی نجات داد. من تونستم مدت سه ساله که فروشندگی می‌کنم به بیش‌تر خواسته‌هام برسم و از نظر مالی به استقلال برسم».

## تمایل به ساختن تصویری خیالی از جنگ و مقاومت اعضای گروه بی‌تی‌اس در برابر کمپانی و حکومت

افراد مصاحبه شده در ارتباط با مواضع و یا فعالیت‌های سیاسی اعضای گروه بی‌تی‌اس بحث‌های گسترده و قابل توجهی نداشته‌اند و تنها در فرازی از بیاناتشان، از تصورات خود دال بر «جنگ اعضای گروه با مسوولان کمپانی بیگ‌هیت» یاد کرده‌اند و تناقض‌های رفتاری اعضای گروه را به جای نسبت دادن به خود ستاره‌ها، متوجه کمپانی کرده‌اند.

شیدای ۲۰ ساله و شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، از سناریوی جنگ اعضای گروه بی‌تی‌اس با کمپانی برای توجیه تعارض شعارها و رفتارهای ستاره‌ها به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«اما به نظر شما همین که هنوز با کمپانی‌ها قرارداد دارن، به معنی این نیستش که عملاً دارن این قوانین رو تأیید می‌کنن؟ به نظر من توی جنگ هستن با کمپانی. می‌دونی مثل این کسایی هستن که از بیرون وارد یه حکومت می‌شن و بعد سعی می‌کنن اون حکومت رو تغییر بدن.

- یعنی به نظر شما اعضای بی‌تی‌اس اون قدر قدرت و نفوذ و آزادی عمل دارن که با حکومت کره و مناسبات دولتی دربیفتن.

حالا در اون سطح شاید نه. بیش‌تر منظورم این بود که این درگیری رو با کمپانی دارن.

- پس به نظر شما سناریویی وجود نداره و این درگیری‌ها واقعیه؟

آره به نظرم...

- به نظر شما چیزی که بی‌تی‌اس تبلیغش رو می‌کنه، یعنی این هنجارشکنی و تسلیم قید و بندها نشدن با قراردادهای سفت و سخت

خودشون با کمپانی تناقض نداره؟ یعنی انگار یه شعاری رو برای مخاطب می‌دن، ولی خودشون در عمل جور دیگه‌ای رفتار می‌کنن؟

خب اینا اوایل که شروع کردن کاملاً زیر کنترل کمپانی بودن و برای پیشرفت‌شون مجبور بودن شروط کمپانی رو بپذیرن و همه چیز رو مو به مو رعایت کنن. اما احساس می‌کنم به مرور که معروف شدن و جهانی شدن، چون دیگه این کمپانی بود که به اینا محتاج بود، آزادتر شدن و این جوریه که توی کنسرتاشون همه‌اش حرفای جوونا رو می‌زنن و یه جوری شدن نماینده جوونا.

- به نظرت این خودش بخشی از سناریوی کمپانی نیست؟

نه. من این طور فکر نمی‌کنم.

- آخه مگه هنوز با کمپانی قرارداد ندارن و به شروط این قرارداد پایبند نیستن؟

چرا. ولی یه جورایی توی جنگ ان با هم.

- یعنی این جنگه به نظرت واقعیه؟

آره. به نظرم چون اعضای گروه دیگه جهانی شدن و جاپاشون سفت شده و اولین گروه آسیایی هستش که مجوز تولید موزیک توی آمریکا

رو داره و این که کمپانی بابت درآمد زیادی که ازشون داره بهشون وابسته هستش دیگه نمی‌تونه به همه چی مجبورشون کنه.

«شبنم یه موضوع دیگه‌ای که شما درباره‌اش حرف زدی، اینه که اعضای بی‌تی‌اس خیلی مخالفت می‌کنن با قوانین شرکت طرف

قراردادشون و کارهای خودشون رو و اون چه که دل‌شون می‌خواد رو انجام می‌دن. اما من اطلاعاتی دارم که می‌گه اون قدر قراردادهای

این‌ها سنگین و سخته که حتی حق ندارن رنگ موی خودشون رو انتخاب کنن و یا این که شرکت تصمیم می‌گیره براشون که کجای

بدن‌شون رو باید عمل کنن و اونا حق اعتراض و امتناع ندارن. همین طور در مورد اظهار نظر آزاد و حق ازدواج هم هیچ‌گونه تصمیمی

بدون اجازه شرکت نمی‌تونن بگیرن!

خب اینا که هست، البته من فکر نمی‌کنم به این شدت. چون یه موقع یه حرفایی می‌زنن که به نظر بر ضد کمپانیه.»

## کاهش عرق ملی

مصاحبه شونده‌گان در فراز دیگری از بیاناتشان در تبیین اثرهای سیاسی گروه بی‌تی‌اس بر مخاطبانشان، خاطرنشان ساخته‌اند که هواداران ایرانی با ملاحظه آزادی عمل اعضای گروه بی‌تی‌اس از سویی و پذیرش تصویرپردازی زیبای آنان از جامعه کره، نسبت به جامعه خویش دید منفی یافته‌اند و «عرق ملی» خویش را به میزان قابل توجهی از دست داده‌اند. ثنای ۱۶ ساله و محسن ۲۲ ساله، در همین جهت در مصاحبه‌های خود چنین بیان داشته‌اند:

«اگر قرار باشد بین ایران و کره یک جا را برای زندگی انتخاب کنی کجا را انتخاب می‌کنی؟»

کره صد در صد. البته بهتره بگم هر جایی جز ایران (باخنده). حتی از این که بگن ایرانییم متنفرم، ایرانی یعنی بدبخت و فلک زده. - چرا؟

دیوونم بمونم اینجا بیوسم. درآمد که نداری، آزادم که نیستی، سرکوفتم که می‌زنم بهت، دیوونم بمونم؟ - چرا کره؟

چون هم آزادی هست، هم می‌شه موفق شد. تکنولوژی کره‌ای‌ها رو با ایرانیایا مقایسه کنین، خودتون متوجه می‌شین. واسه همین می‌گم ما ایرانیایا بدبخت و بیچاره‌ایم... .

- شما اعضای بی‌تی‌اس را انسان‌های موفق می‌دانی؟  
آره.

- خودت را چی؟

نه، چیزی نبوده که اسم موفقیت بذارم روش تو زندگیم. بعدشم کلاً این که برم تو اون گروه، محاله حتی اگه تلنت<sup>۱</sup> هم باشم، باز نمی‌شه، چون ایرانییم. ایرانیایا رو هیچ جای دنیا آدم حساب نمی‌کنن که.

- یعنی هیچ ایرانی رو نمی‌شناسی که توی دنیا بهش احترام بذارن و موفق شده باشه؟

ببینید چرا زور می‌زنید؟ ایرانی یعنی داغون، یعنی بدبخت اون چهار، پنج تاییم که اسم موفق روشون می‌ذارن، بین میلیون‌ها خارجی موفق گم هستن. فقط داریم سر خودمون رو شیره می‌مالیم.»

«- دوستت به چه دلیل به کره‌ای‌ها و اعضای بی‌تی‌اس حسادت می‌کند؟»

می‌گه بین اونا چه قدر آزادن. کسی به چیزای خصوصی گیر نمی‌ده.

- منظور ایشان از موارد خصوصی چیست؟ دقیقاً به چه مواردی اشاره می‌کند؟

همین‌هایی که گفتم آرایش کردن نکردن، لباس پوشیدن، دخترا و پسرا باهم می‌گردن.

- مگر اینجا دخترها و پسرها باهم نمی‌گردند؟

نه مثل اونا که اون قدر آزادن که بخوان رابطه هم داشته باشن، یعنی آزاد آزاد باشن.

- یعنی دوستت، دوست دارد که مثل اعضای بی‌تی‌اس و کره‌ای‌ها آزاد باشد؟

بله. دقیقاً این رو می‌گه.»



## ۸- اثرهای هنری

هواداری از گروه‌های مختلف از جمله بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای هنری، هواداری از گروه بی‌تی‌اس، مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت.

با بررسی اظهار نظرهای ارایه شده از سوی جمعیت مورد بررسی، مشخص می‌شود که افراد مصاحبه شده در زمینه‌های وجود محتواهای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس، تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، جذابیت بخشیدن به صحنه، اظهار نظر داشته اند که در ادامه، به بررسی عناوین پیش گفته پرداخته خواهد شد.

### وجود محتواهای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس

«وجود محتواهای معنادار و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس» مسأله مهمی است که برخی از هواداران مصاحبه شده بر آن صحه نهاده اند.

استفاده گروه بی‌تی‌اس از محتواهای روان‌شناختی و فلسفی و ارایه آهنگ‌هایی که به شکل یک پازل، با چیده شدن در گذر زمان تکمیل می‌شوند، ویژگی جذابی است که گروه موسیقی بی‌تی‌اس از آن برخوردار است.

دیباچه ۱۵ ساله در مصاحبه خودش، از مفاهیم مطرح شده در متن آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس یاد کرده، آن‌ها را جذاب نامیده است:

«- عزیزم توی آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه خصوصیتی وجود داره که باعث می‌شه از شون خوشت بیاد یا دلت بخواد به طور مثال یک آهنگ رو چند بار گوش بدی؟»

من اصلاً از این مدل‌هایی نیستم که ۲۴ ساعت شبانه روز مشغول بی‌تی‌اس باشم و چند بار موزیک ویدیوهاشون رو ببینم یا آهنگ‌هاشون رو گوش بدم، ولی در کل آهنگ‌های بی‌تی‌اس این مدلیه که هر آهنگ یه پیامی داره و خب من دوست دارم معنی پشت آهنگ‌هاشون رو بدونم و بفهمم برای همین لیریک رو می‌شه گفت که برام مهمه. مفهوم و تئوری‌های پشت موزیک ویدیو هم بعضی اوقات برام جالبه. ملودی آهنگ‌ها هم من رو خیلی جذب می‌کنه یا صدای اعضاء رو هم خیلی دوست دارم.»

مهتاب ۱۸ ساله نیز در فرازی از مصاحبه خودش در همین ارتباط بیان می‌دارد:

«موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس هم متفاوته. به این معنا که بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که اومد، از استوری‌لاین<sup>۱</sup> خیلی دیپ و عمیقی تو موزیک ویدیوهاش استفاده کرد. به این صورت که مثلاً توی یه سال موزیک ویدیویی که می‌داد، به هم ربط داشتن. یعنی مثلاً یه حالت داستان طور بود که طرف منتظر بود که ببینه بقیه‌اش چی می‌شه و بالاخره پیام اصلی رو می‌داد که اون پیامه هم معمولاً یه پیام خیلی مفهومی و عمیق بود. بعد کاراکترسازی می‌کرد توی موزیک ویدیوهاش. از کتابای فلسفی استفاده می‌کردن تو موزیک ویدیوهاشون.»

البته باید بگم که این کار هم بعد از این که بی‌تی‌اس معروف شد، تقریباً توسط خیلی از خواننده‌هایی که خب دیگه الان دارن این کار رو می‌کنن، کپی برداری شد که دیگه واقعاً به نظر من لوس شده.

- چه طور از کتاب‌های فلسفی در موزیک ویدیوهاشون سود می‌برن؟

مثلاً یه موزیک ویدیو دارن اسمش خون، عرق و اشک‌ها<sup>۲</sup> هست.

۱- داستان پس‌زمینه‌ی یک آهنگ یا فیلم یا هر محتوای دیگر.

۲- blood, Sweat and tears

که این آلبوم رو کلاً از روی کتاب دمیان ساختن. بعد این کتاب خیلی کتاب دیپ و عمیق و سنگینیه. بعد اومده بود از کاراکترای این داستان استفاده کرده بود توی موزیک ویدیوها و این، اصلاً سر همین موزیک ویدیو شد، سر همین آلبوم شد که یهو اصلاً بی‌تی‌اس ترکوند. سر آلبوم وینگز<sup>۱</sup>، اسم آلبومش وینگز بود، بال‌ها. سر آلبوم وینگز وحشتناک تو چارتای جهانی ترکوند آلبوم و بعد تو کره معروف شد و بعد دیگه همین جور رشد صعودی معروف شدنشون ادامه داشت. و خب تا دو، سه سال بعد از این همین جوری موزیک ویدیوهای مفهومی و معنی‌دارشون ادامه داشت و تو کی‌پاپ گروه دیگه‌ای این طوری نبود، واقعاً نبود.

- می‌تونن مثالی بیش‌تری بزنی از این محتواهای متفاوت؟

مثلاً یه سری موزیک ویدیو داشتن، فک کن این آلبومه رو مثلاً تو دو سال دادن، اسم آلبومشون HYYH یک و دو که اول، حالا اسم کره‌ایشه، ولی معنی انگلیسیش می‌شه *The most beautiful moment in life*<sup>۲</sup>. یه همچین چیزی. حالا دقیق چیزش یادم نیست ولی همین بود. دوتا آلبوم بود. بعد موزیک ویدیوهای این آلبوم مثلاً در مورد هفت تا کاراکتر بود که با همدیگه دوست بودن و هرکدوم یه زندگی‌ای داشتن. بعد مثلاً یکی شون باباش یا ناپدریش خواهرش رو اذیت می‌کرده، بعد این مثلاً درگیر همچین جریانی بوده و یه روز دعوی خیلی شدیدی با ناپدریش می‌کنه، بعد مثلاً با یه اوضاع خیلی آشفته‌ای میاد بیرون، بعد مثلاً تلفن رو برمی‌داره و زنگ می‌زنه به دوستش که یکی دیگه از اعضای گروهه.

- اوهوم.

خب؟ این رو مثلاً اینجا داشته باش. بعد، یکی دیگه از اعضا شون نشون می‌ده که توی وانه و مثلاً دوش آب همه‌چیز بازه و خب این مثلاً نشون‌دهنده‌ی اینه که این طرف مثلاً افکار خودکشی داره.

- اوهوم.

میاد درگیری این رو مثلاً نشون می‌ده. خب این چیزا واقعاً تو کی‌پاپ نبود. یعنی می‌خوام بگم اصلاً می‌ترسیدن هنرمندای کی‌پاپ که تا قبل از این بخوان، یا اگر هم بوده، اون قدری خوب کار نشده بود...

- می‌ترسیدن که پذیرفته نشه از طرف مردم؟

آره، مردم نخوان.

- مردم کره یا مردم جهان؟

کره. چون مثلاً کی‌پاپ اصلاً تا قبل از بی‌تی‌اس تو جهان معروف نبود. خیلی کم. طرفدارای خیلی کمی داشت. بیش‌تر هم توی آسیا بودن طرفدارای مثلاً ایرانی یا مثلاً کشورای چیز. یا مثلاً یه کاراکتر دیگه‌شون نشون می‌ده که توی اتاقشه و اتاقش داره آتیش می‌گیره. بعد این صحنه‌ها رو داری و بعد تو موزیک ویدیوی بعدی نشون می‌ده که اصلاً چی شده. مثلاً نشون می‌ده که اصلاً چه اتفاقی افتاده که طرف خودش اتاق خودش رو آتیش زده. نشون می‌ده که قبلاً توی بیمارستان روانی بوده یا اون یکی که تو وان آب بوده، توی موزیک ویدیوی دو سال بعدشون داستانش رو میاد نشون می‌ده که مثلاً یه اتفاقی افتاد که اصلاً این وانه نشون‌دهنده‌ی افکار این طرف بوده نه این که واقعاً توی وان بوده و حالا خیلی چیزای، خیلی ابعاد فلسفی‌طور چی می‌گن، رضایت بخشی داره برای بیننده. در حالی که مثلاً از اول بشینی اینا رو نگاه کنی اون طوری که این داستانا تو ذهنت به هم متصل می‌شن خیلی موسیقی‌ای رو که داری می‌شنوی برات لذت‌بخش می‌کنه. - بعد یه حس تعلیق هم داره که مثلاً این موزیک ویدیو در طول سالیان داره پخش می‌شه و تو هر دفعه بیش‌تر، یعنی تو رو درگیر خودش می‌کنه.

<sup>۱</sup> - wings

<sup>۲</sup> - زیباترین لحظه زندگی

مثل یه سریالی که تو منتظر فصل بعدیشی و مثلاً جای حساس تموم شده. و خب اصلاً این یه دلیل دیگه‌اش هم همینه دیگه. اون ارتباطی که تو با سریال برقرار می‌کنی با فیلم نمی‌تونی برقرار بکنی. چون خیلی طولانی‌تره و خیلی بیش‌تر درگیرت می‌کنه».

### تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس

از دیگر مواردی که جمعیت مورد بررسی بر آن تأکید داشتند، مسأله «تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس» بود که نباید از آن نادیده و ناگفته گذشت، سارینای ۱۳ ساله و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، از مسأله تنوع آهنگ‌های گروه پسران به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- آهنگ باتر چه ویژگی‌ای داشت که باعث شد خیلی سروصدا بکنه؟

باتر سبک بی‌تی‌اس رو یه جورایی عوض کرد و اون فاز دنس و هیجان‌انگیز بردش توی یه فاز رنگی.

- می‌شه مثال بزنی که سبک آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه جوریه که می‌گی برای هر حس و حالی می‌تونه آهنگ داشته باشه؟

مثلاً غمگین مثل لودر دن بامبز و فیک لادو، شاد مثل آیدول، هیجانی مثل فایر، رنگی رنگی و کیوت (بامزه) مثل باتر».

«- کلاً طرفداری از بی‌تی‌اس برات جنبه احساسی هم داشته که یه نیازی رو برآورده کنه؟

آهنگاشون برام خیلی این طوره. یعنی آهنگ غمگین شون می‌تونه واقعاً غمگینم کنه و آهنگای شادشونم می‌تونه واقعی شادم کنه. یعنی واقعاً آدم رو تحت تأثیر قرار می‌ده».

مهمتاب ۱۸ ساله و احسان ۱۷ ساله، در گزارش‌های خودشان با تأکید بر این که خالق آهنگ‌های بی‌تی‌اس، افراد خود گروه هستند، از اصالت کار آنان یاد کرده‌اند.

مرضیه ۱۹ ساله، از منظر دیگری به تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس توجه کرده و آن کاربری بچه‌های درخودمانده (اوتیستیک) از آهنگ‌های گروه پسران است:

«- موارد مؤثر در یک موسیقی خوب از نظر تو چیه؟

ملودیش خوب، زیبا و آرام بخش باشه و البته نوازنده‌های حرفه‌ای و خفن پشتش باشن، مثل کارای رستاک حلاج عزیز و در مورد آهنگای بی‌تی‌اس، من خیلی از وقتا، متن آهنگ رو یادم نیست، ولی ملودی و ریتمش تو ذهنم تکرار می‌شه و دنس‌هاشون رو تکرار می‌کنم، هارمونی بین ملودی و ترانه رعایت شه، بارها دیدم، یه آهنگ غمگین ریتم شادی داره و خب این اصلاً قشنگ نیست و هیچ جوهره نمی‌فهممش، بیش‌تر از این با موسیقی آشنا نیستم، ولی خب خیلی از آهنگا باعث می‌شن من سر درد بگیرم و اینم برام مهمه، آهنگی که گوشش می‌کنم، اذیتم نکنه که آهنگای بی‌تی‌اس این طوری نیست و حتی بچه‌هایی که اوتیسم هم داشتن، با گوش کردن به آهنگ‌های بی‌تی‌اس آرام شدن، در کل خب به هر حال تکنیک‌های خوانندگی که من ازشون خبر ندارم، به همراه صدای دلنشین خواننده هم تو زیبایی کار، هم تو حرفه‌ای بودنش اثر گذاره».

مریم ۱۸ ساله و فرشته ۱۹ ساله نیز با تأکید بر این که گروه بی‌تی‌اس، جرأت و جسارت لازم را در تجربه سبک‌های مختلف موسیقی داشته است، تنوع کار آنان را نسبت به دیگران نتیجه گرفته‌اند.

شبنم ۲۵ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، ضمن تأکید بر تیپ و رقص گروه بی‌تی‌اس در چین اجراء، از ارایه آهنگ‌هایی به سه زبان کره‌ای، انگلیسی و ژاپنی توسط پسران گروه یاد می‌کند:

«- شبنم به نظر شما به طور کلی گروه بی‌تی‌اس چه تأثیراتی بر روی طرفدارانش داره و چرا این قدر محبوبه؟

این گروه‌ها به خاطر رقصاشون، تیپ‌هایی که می‌زنن، رنگ مو یا کیوت بودنشون، باعث می‌شه هواداراشون خیلی تحت تأثیر قرار بگیرن و خیلی رفتارای اونا رو تقلید کنن. بیش‌تر یعنی هشتاد درصد هواداران‌شون نوجوون هستنند و محبوبیت‌شون بیش‌تر به خاطر رقص و هماهنگی و چهره و به خاطر اینه که به سه زبان می‌خونن. بعد یکی از چیزایی که خیلی برای هواداران مهمه اتحاد گروهه. به هیچ وجه دوست ندارن گروه از هم بپاشه».

پونه ۱۸ ساله و شیدای ۲۰ ساله هم در مصاحبه‌های خودشان، از وجود توأمان موسیقی غمگین و شاد در گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند که امکان کاربری از آن‌ها هم در مواقع شادی و هم در ایام غم و حزن افراد، وجود دارد.

### جذابیت بخشیدن به صحنه

«جذابیت بخشیدن به صحنه» از دیگر مواردی است که جمعیت مورد بررسی بدان توجه کرده و بر آن تأکید داشتند.

دیبا ۱۵ ساله، از فیلم‌برداری موزیک ویدیوی گروه بی‌تی‌اس در مکانی پرشکوه، مرضیه ۱۹ ساله از آتش زدن ۱۳ ماشین در جریان اجرای آهنگ آتش (فایر) و شیدای ۲۰ ساله، از آتش گرفتن یک فرد در همان موزیک ویدیو، یاد کرده و صحنه‌های پردازش شده در موزیک ویدیو را هیجان‌انگیز و پرشکوه توصیف کرده اند:

«می‌شه یک مثال برای این که برای موزیک ویدیوها خیلی فکر گذاشته می‌شه، بزنی؟

مثلاً موزیک ویدیوی آهنگ بلاد سوییت اند تیزز از بی‌تی‌اس، پر از رنگ‌های مختلف بود و توی یه محل قصر ماندی فیلم‌برداری شده بود و خب رقص‌هاشون هم به نظرم چیزی نیست که آسون باشه و خیلی به تمرین نیاز داره. الان که دارم فکر می‌کنم رقص‌هاشون هم یکی از جنبه‌هایی بود که من رو جذب کرد، چون واقعاً قشنگ و خاص بودن».

«... البته باید بگم اعضای بی‌تی‌اس انقدر خفن و حرفه‌ای هستن که جیهوپ برای موزیک ویدیوهاش حاضر نشد از پرده سبز استفاده کنه و گفت واقعاً اون ۱۳ تا ماشین رو آتیش بزنی تا همه چی واقعی به نظر برسه و به قول خودش از یه سری چیزای می‌ترسه، اما از چیزایی که بقیه می‌ترسن ازش ترسی نداره (می‌خندد)».

«چه چیز گروه بی‌تی‌اس شما رو جذب می‌کرد؟

این که احساس می‌کردم به استعداد خودشون متکی هستن و با وجود این که خیلیا جدی‌شون نمی‌گرفتن و مسخره‌شون می‌کردن، ولی کم‌کم پیشرفت کردن و به جاهای خوب رسیدن. دلیل دیگه‌اش هم این که من خودم عاشق موسیقی و رقص بودم، ولی خب می‌دیدم که توی ایران این کارها برای یه دختر ممنوعه یا کلاً اصلاً امکان پیشرفتی وجود نداره، ولی اونجا فضا بازه و می‌تونن از این فعالیت‌ها داشته باشن و پیشرفت کنن، برام جذاب بود. بعد به این فکر می‌کردم که خودمم می‌تونم برم اونجا مثل اونا پیشرفت کنم. بعد اولین موزیک ویدیویی که از بی‌تی‌اس دیدم خیلی جذبه کرد. اسمش «آتش» بود. بعد یه فضای ترسناکی داشت، اولش که آدم رو می‌ترسوند. خیلی دیوونه‌طور بود، رقصاشون عجیب بود. موزیک ویدیوشون این جور بودش که اولش یه مردی میاد جلوی یکی از پسرهای گروه. بعد مرده آتیش می‌گیره! آهنگی هم اول موزیک ویدیو پخش نمی‌شه. کاملاً ساکنه بعد بیهو می‌ره یه جای دارکی که یه مرد خیلی مو بلند هستش که دی‌جیه. بعد با حرکت اون که انگار داره آهنگ رو تنظیم می‌کنه، موسیقی شروع می‌شه. اولین بار که اینو دیدم ترسیده بودم، چون خیلی بچه بودم. ولی بعدش خیلی دوستش داشتم».

مهتاب ۱۸ ساله، از جذابیت اجرای گروه بی‌تی‌اس سخن گفته، اجرای آنان را چنان فراتر از اجرای کی‌پاپ‌های غربی می‌داند که هیچ علاقه‌ای برای پرداختن به کی‌پاپ هالیوودی و غربی را برای وی باقی نگذاشته اند:

«من از حدود ۱۶ یا ۱۷ سالگی کی‌پاپ رو دنبال می‌کنم و اولین بار که با همچنین پدیده‌ای مواجه شدم، توی دبیرستان بود که از یکی از دوستانم داشت یه آهنگی از بلک‌پینک گوش می‌کرد، پرسیدم که چی گوش می‌دی؟ گفت بیا گوش کن، این رو گوش می‌دم و من هم

گوش دادم و خوشم اومد و بعد رفتم بیش تر از بلک پینک گوش دادم و بعد وقتی آدم توی اسپاتیفای یا یوتیوب مثلاً کی پاپ گوش می ده، براش ساجسشن های (پیشنهاد) مختلف دیگه ای از همون ژانر رو میاره. بعد بی تی اس هم جزوشون بود و اسم بی تی اس رو هم من زیاد شنیده بودم، چون خیلی معروف ان و رفتم گوش دادم و کنسرت هاشون رو دیدم. بعد بیش ترین چیزی که من رو به خودش جذب کرد، همین کنسرت هاشون بود، چون که یه مدل دیگه هست، اگر نگاه کنید، یه شور و هیجان خاصی داره که توی کنسرت های مثلاً آمریکایی و اروپایی وجود نداره، حالا از هر ژانری که می خوان باشن. چه پاپ، چه راک چه هر چی. کنسرت های بی تی اس یه مدل رقص خاص با یه پرفورمنس (اجرا) خاصی که وقتی شما چشمت عادت می کنه و گوشت عادت می کنه بهشون، دیگه سخته که کنسرت های گروه های دیگه، مثلاً آمریکایی ها رو بتونی پاشون بشینی. به هر حال چیزی که من رو به خودش جذب کرد، اول از همه پرفورمنس ها و کنسرت هاشون بود و این شوری که توی کنسرت هاشون وجود داره و چیز دومی که من رو به خودش جذب کرد، پیامی بود که با آهنگ هاشون می خواستند برسوند و می رسوند».

مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه ای که دارد، با اشاره به رقص پیچیده و در عین حال هماهنگ اعضای گروه بی تی اس، اجرای هنری آنان را اجرایی دست نیافتنی برشمرده است.

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه اش از انجام راحت رقص های دشوار بی تی اس یاد کرده و نرگس ۲۱ ساله با به کار بردن کلمه «خدا» برای توصیف آهنگ های بی تی اس، آن ها را خوراک رقص های مختلف خود برشمرده است:

«- می گی رقص شون چه شکلیه؟»

خیلی متنوعه.

- از چه مدل هایی از رقصشون بیش تر خوشت میاد؟

من بیش تر از دنس دینامیت و باتر خوشم میاد. یه جور دنس ترکیب هیپ هاپ و رپه. می دونی یه همچین چیزایی.

- یعنی چه مدل حرکاتی دارن، حرکاتشون خیلی سخت و خیلی موزونه؟

خیلی سخته، ولی اونا خیلی راحت انجامش می دن. خیلی راحت انجامش می دن.

- یعنی رقص شون یه جوری هست که به جسمشون آسیب برسه یا یه اتفاقی براشون بیفته؟

بعضی وقتا آره، آسیب می بینن».

«- گفتمی کلاس رقص می رفتی، بعد از آهنگای بی تی اس استفاده می کردی؟»

بله. الانم به صورت حرفه ای دنس هیپ هاپ و زومبا رو بلدم و آره، آهنگای بی تی اس خوراک دنس بود. من صبح که پا می شدم، تو خونه آهنگاشون رو می داشتم، چون تنها هم بودم تو خونه. مامانم می رفت آرایشگاه و بابام کارش جوری بود که مأموریتی بود. خیلی کم خونه بود. خواهر کوچیک ترم هم اون موقع به دنیا نیومده بود. منم که تو خونه تنها. صبح تا شب خودم رو تیکه پاره می کردم با دنس با آهنگاشون. بعد رفته بودم ویدیوهای دنس شون رو هم تو موزیک ویدیوها دیده بودم، سعی می کردم، شبیه خودشون برقصم. آهنگاشون برام خدا بود. منم تا قبل از اون اصلاً طرفدار کی پاپ نبودم، نمی دونستم که این قدر آهنگاشون می تونه تو دنس به کارم بیاد. اون قدر جذبشون شده بودم که یادمه برای کلاس دنس مون قرار بود هر کسی با یه آهنگ، یه دنس خودش ساخته بره. منم اون موقع آهنگ «نو» رو انتخاب کردم از بی تی اس. بعد دو هفته با آهنگشون تمرین کردم و تو کلاس اجرا کردم و نفر اول شدم».

## ۹- اثرهای زیباشناختی

«اون قدر جراحی‌های زیبایی و سبک آرایش خاص خودشون رو دارند که لولو رو به هلو تبدیل می‌کنه» (مرضیه، ۱۹ ساله).  
هواداری از گروه‌های مختلف از جمله بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای زیباشناختی هواداری از پسران بی‌تی‌اس، در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از:  
جذایب‌های ظاهری ستاره‌ها، الگوبرداری در زمینه مدهایی که پسران بی‌تی‌اس عرضه می‌کنند، الگوبرداری در آرایش و پوشش از گروه بی‌تی‌اس، الگوبرداری از جنسیت‌زدایی در آرایش و پوشش، اقدام به جراحی زیبایی تحت تأثیر گروه.  
در ادامه به بررسی عناوین پیش گفته، پرداخته خواهد شد.

### جذایب‌های ظاهری ستاره‌ها

بسیاری از هواداران مصاحبه شده -خاصه دختران- «جذایب‌های ظاهری ستاره‌ها» را عامل مهم و تعیین کننده‌ای در جذب خود به گروه پسران بی‌تی‌اس قلمداد کرده اند. پونه ۱۸ ساله و دیبای ۱۵ ساله در همین زمینه در گزارش‌های خویش بیان می‌دارند:  
«- یعنی بیش تر جذب ظاهرشون شدی تا آهنگ اون‌ها؟

آره. البته آهنگاشونم دوست داشتم، وقتی که دیگه تصمیم گرفتم فن‌شون بشم و دنبال شون کنم. ولی خب آره بیش تر چهره و تیپ‌شون جذبم کرد، بعد رفتم سراغ آهنگ اون‌ها.

- بیش تر چه ویژگی از ظاهرشون رو دوست داشتی؟

اول خب قیافه‌شون. نامجون و تهیونگ و کوک از نظرم خیلی خوشگل بودن. البته همه‌شون قشنگ بودن، ولی اینا بیش تر از نظرم خوشگل بودن. بعد این که یه سر رفتم اینستاگرام بی‌تی‌اس و یه سری عکس فوتوشوت ازشون دیدم و این جوری بودم که گrrrrrr آریو کیدینگ می؟ من چرا شما رو تا حالا نشناخته بودم. البته اسم‌شون رو شنیده بودم. حتی چند بار هم تو این پیجای خبری عکساشون رو دیده بودم، اما توجهی نکرده بودم. آره داشتم می‌گفتم که تو اینستا عکس و ویدیوهایشون رو دیدم و جدی نتونستم در برابر این همه زیبایی مقاومت کنم. خیلی زیبا بودن از نظرم و کلاً از همه چیزشون خوشم اومد. بعدم که صدا و آهنگاشون رو شنیدم خوشم اومد. بعد خیلی برام جالب بود نوع لباس و ظاهرشون».

«... اون زمان یکی از خصوصیات ظاهری که به چشم من اومده بود، این بود که خیلی رنگارنگ ان، مثلاً ما همیشه مردها رو با رنگ موی طبیعی می‌بینیم و کسی رو نمی‌بینیم که موهاش رو رنگ بکنه ولی اونا موهاشون رنگی رنگی بود. ویژگی دیگه‌شون حالت چشم‌هاشون بود که به نظرم جذاب بود. علاوه بر این لباس پوشیدنشون، استایلشون و میکاپشون هم برام جذاب بود.

- چه چیزی توی استایل‌های بی‌تی‌اس وجود داشت که باعث می‌شد به نظرت جذاب بیان؟

خوب بخوام از چهره‌شون بگم به نظرم چهره قشنگ و یونیک (بی‌نظیری) دارن و خب چهره‌شون ظرافت داره که خب بعضی‌ها دوست دارن و بعضی‌ها هم می‌گن که نه، دخترونه هست. در مورد لباس‌هاشون هم خب لباس‌هایی که می‌پوشن سر صحنه خیلی برام جدید و جالبه».

### الگوبرداری در زمینه مدهای بی‌تی‌اسی

علاقه به مد و نقش اثرگذار سلبریتی‌ها در دامن زدن به «مد و مدگرایی»، امر مرسوم است که در همه جای جهان ملاحظه می‌گردد.

کمپانی بیگ هیت نیز در تعقیب اهداف اقتصادی و فرهنگی خویش، اولاً ستاره‌های خود را به صورت مبلغان نشان (برند)های مختلف - از جمله نشان (برند)های لباس - مطرح ساخته است و ثانیاً با الزام ستاره‌ها به تبعیت از طرح‌های آرایشی و پوششی مورد نظر کمپانی بیگ هیت، در عمل مروج مدهای مختلفی در سطح جامعه کره و جامعه بین‌المللی گردیده است.

پربناز ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش، در توصیف الزام کمپانی به ارائه مدهای مختلف، خاطر نشان می‌سازد، اعضای گروه بی‌تی‌اس به دستور کمپانی در هر اجرای جدیدی رنگ موهایشان را تغییر می‌دهند که مسأله اخیر بیانگر حساسیت زیاد کمپانی نسبت به مقوله مد و شایع کردن مدهای مدنظر کمپانی در سطح هواداران گروه بی‌تی‌اس و جامعه است.

گلاره ۱۴ ساله، مهتاب ۱۸ ساله و دیبای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، از تحت تأثیر قرار گرفتن خود در مواجهه با مدهای بی‌تی‌اسی یاد کرده، خاطر نشان ساخته اند، تبعیت از این مدها را در دستور کار خویش قرار داده اند:

«... حتی اون اوایل که با بی‌تی‌اس آشنا شده بودم، این که رنگ موهاشون بعضی وقت‌ها خیلی روشن بود، برام خیلی عجیب بود، مثلاً طلایی و مشکی و قهوه‌ای و اینا اوکی بود، ولی مثلاً موهای جیمین صورتی بود یا موهای تهیونگ آبی بود، این‌ها یه کم برام عجیب بود، ولی خب بعدش که فهمیدم این چیزها طبیعی و مشکلی نداره و باید توی جامعه جا بیفته، دیگه برای من هم درست شد».

«- تاحالا از پوشش و آرایش بی‌تی‌اس الگوبرداری کردی؟

به نظرم الگوبرداری زیاد کردم. مثلاً مدل مدل موهام رو تغییر دادم. قبل از آشنا شدن با بی‌تی‌اس این شکلی که الان هست نبود، بلکه بیش‌تر فر و بلند بود و بعد الان کوتاه کردم و گاهی رنگ هم می‌کنم. بیش‌تر فانتزی. پس می‌شه گفت آره. چیز بدی هم نیست. به نظر خودم این تغییر در جهت مثبت بوده و می‌شه گفت، بی‌تی‌اس به من کمک کرد که بیش‌تر به ظاهر خودم برسیم یا مثلاً توی الگوی لباس پوشیدن یه مدت خیلی استایل شون رو تقلید می‌کردم».

«... اون زمان یکی از خصوصیات ظاهری که به چشم من اومده بود، این بود که خیلی رنگارنگ ان، مثلاً ما همیشه مردها رو با رنگ موی طبیعی می‌بینیم و کسی رو نمی‌بینیم که موهاش رو رنگ بکنه ولی اونا موهاشون رنگی رنگی بود. ویژگی دیگه‌شون حالت چشم‌هاشون بود که به نظرم جذاب بود. علاوه بر این لباس پوشیدن شون، استایل شون و میکاپ شون هم برام جذاب بود».

- چه چیزی توی استایل‌های بی‌تی‌اس وجود داشت که باعث می‌شد به نظرت جذاب بیان؟

خوب بخوام از چهره‌شون بگم به نظرم چهره قشنگ و یونیک (بی‌نظیری) دارن و خب چهره‌شون ظرافت داره که خب بعضی‌ها دوست دارن و بعضی‌ها هم می‌گن که نه، دخترونه هست. در مورد لباس‌هاشون هم خب لباس‌هایی که سر صحنه می‌پوشن، خیلی برام جدید و جالبه».

احسان ۱۷ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، گزارش می‌دهد، دوستان وی از بوتیک‌های خاصی که وسایل بی‌تی‌اس را وارد کرده و به فروش می‌رسانند، خرید کرده، به این ترتیب مروج مدهای بی‌تی‌اس نیز می‌گردند:

«- بقیه دوستان چگونه لباس‌های مد بی‌تی‌اس رو تهیه می‌کنند؟

چندتا بوتیک لباس تو تهران هست که فقط کارشون آوردن لباس‌های مارک‌دار و ترند هستش، دوستان می‌رن و با قیمت‌های خیلی بالایی این لباس‌ها رو تهیه می‌کنند».

شیدای ۲۰ ساله، در اظهارنظری که درباره مدگرایی خودش دارد، خاطر نشان می‌سازد، بسیاری از ۲۰۰ هنرآموزی که زیر نظر وی آموزش می‌بینند، طرفدار وسایل بی‌تی‌اس بوده و از آن‌ها کاربری دارند:

«- الان به نظر شما میزان طرفداری از بی‌تی‌اس توی ایران چه قدر هست؟

بین خیلی باورنکردنی زیاده. همون قضیه مترو رو که گفتم، اصلاً نمی‌شه من روزی با چندین نفر مواجه نشم که طرفدار بی‌تی‌اس نباشن یا مثلاً هنرجو هام. الان درصد خیلی زیادی از کسانی که میان سمت موسیقی به خاطر علاقه‌شون به بی‌تی‌اس هست یا مثلاً موسیقیا شون دایم توی همه کافه‌ها پخش می‌شه. لباس فروشیا پر شده از مدل لباسایی که بی‌تی‌اس می‌پوشن. آرم بی‌تی‌اس روی همه لباسا هستش. اصلاً خیلی زیاده. من مغازه‌ای نمی‌شه که توی تهران و کرج برم و روی لباسا، کیف، کفش، جوراب، آرم بی‌تی‌اس نباشه. بعد وقتی هم درباره‌شون می‌پرسم، می‌گن خیلی فروش بالایی دارن. بعد لباسا شونم گنگه. یعنی من اکثر لباسایی که می‌بینم خوشگل و جذاب ان. لباس بدریخت خیلی کمه که با آرم بی‌تی‌اس باشه. موسیقی شون رو خیلیا گوش می‌دن. مثلاً من خودم آهنگاشون رو قشنگ توی گوگل مارک کردم و خیلی گوش می‌دم.

- هنرجوهای شما هم لباسا شون از همین مدل‌ها هست؟

آره. همه‌شون دارن. مثلاً کیفاشون همه آرم بی‌تی‌اس داره. لباسا شون یا مدلش مدل بی‌تی‌اسه یا آرم بی‌تی‌اس داره. روی جامدایا شون هم عکسای اونا چاپ شده».

محسن ۲۰ ساله، در فرازی از بیانات خویش از تبعات دامن زدن گروه بی‌تی‌اس از مدگرایی خود یاد کرده، از افزایش هزینه‌هایی که در این جهت دارد، اظهار گله می‌کند.

پونه ۱۸ ساله نیز در گزارش خویش خاطر نشان می‌سازد که وی در لباس پوشیدن از تهیونگ الگوبرداری می‌کند.

«... من با قیافه خودم اوکیم. بیش‌تر تو انتخاب لباس الگوم شدن. چون خیلی تیپ‌های خوشگلی می‌زنن، منم از شون یه جورایی الهام می‌گیرم. خصوصاً تهیونگ».

### الگوبرداری در آرایش و پوشش از گروه بی‌تی‌اس

«الگوبرداری هواداران از آرایش و پوشش اعضای گروه بی‌تی‌اس» مقوله دیگری در علایق زیباشناختی هواداران گروه پسران بی‌تی‌اس است.

الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش از کپی‌برداری خود از آرایش گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است. نرگس ۲۱ ساله، از تبعیت خویش از مدهای آرایشی و پوشش گروه پسران سخن گفته و در نهایت پونه ۱۸ ساله به الگوبرداری از گروه بی‌تی‌اس، در پوشش خود اشاره داشته است:

«- خوب در زمینه الگو گرفتن از بی‌تی‌اس چه کارهایی انجام دادی؟

امم مثلاً دارم سعی می‌کنم، مدل آرایش کره‌ای‌ها رو یاد بگیرم و این که موهام رو شبیه کره‌ای‌ها کوتاه کردم، البته من بعد از دیدن سریال بازی مرکب به خاطر دوتا از بازیگرهای دختر اون سریال تصمیم به کوتاه کردن موهام گرفتم و خب هیکل من شبیه کره‌ای‌ها هست، اونا لاغر و قد بلند و کشیده اند و من تقریباً این طوری هستم و سعی‌ام رو می‌کنم که توی این حالت بمونم...»

- خوب در مورد استایل موهاشون خوب ما توی ایران ندیدیم که پسری بیاید موهاش رو زرد یا صورتی کنه، نظرت راجع به این موضوع چیه؟

خب به نظر من این جور چیزها جنسیت نداره و هم دخترها و هم پسرها می‌تونن موهاشون رو رنگ کنن و به نظرم مشکلی نداره.

- خوب به نظرت این کار جدا از این که همه انجام می‌تونن بدن، درسته؟

آره».

«- اون موقع چند سالت بود؟

دو هزار و سیزده می‌شدم دوازده سال فکر کنم. اول راهنمایی بودم اون موقع.

- پس بیش‌ترین چیزی که تو رو جذب کرد استایل شون بود که شبیه خودت بود؟



عام، بله فکر کنم. یه جورایی انگار خودم رو توی اونا پیدا کردم. تفاوتی نمی‌دیدم بین خودم و اونا. سبک آهنگاشون، تیپ‌شون، خیلی شبیه به علاقه‌های من بود. بعد که باهاشون آشنا شدم، خب خیلی زیاد ازشون کپی کردم. آرایش و لباس. حتی رفتم اون موقع مدل موهام رو مثل اونا زدم. کوتاه کوتاه. دیگه کاملاً خودشون شده بودم.

- چرا دوست داشتی شبیه‌شون بشی؟

نمی‌دونم. خب این چیزا توی سن و سال اون موقع من طبیعی بود به نظرم. یعنی کلاً این که الگوبرداری بشه از آدمای معروف خیلی رایج بود. خلیا اون زمان خودشون رو شبیه آرتیستایی مثل جاستین بیبر و سلناگومز و تیلور سویفت می‌کردن. منم چون سبکم شبیه به بی‌تی‌اس بود، از اونا الگو گرفتم دیگه».

«- تو خودت علاقه‌ای نداری به این عمل‌های زیبایی یا ترغیب نشدی که انجام بدی یا شبیه‌شون بشی؟

قیافه نه. با قیافه خودم اوکیم. بیش‌تر تو انتخاب لباس الگوم شدن. چون خیلی تیپ‌های خوشگلی می‌زنن، منم ازشون یه جورایی الهام می‌گیرم. خصوصاً تهیونگ».

### الگوبرداری از جنسیت‌زدایی در آرایش و پوشش

«الگوبرداری از جنسیت‌زدایی در آرایش و پوشش» امر مهم دیگری است که در عرصه علایق زیباشناختی هواداران، از سوی جمعیت تحقیق مورد تأکید قرار گرفته است.

محسن ۲۲ ساله و احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های خود از الگوبرداری پسران از آرایش‌های نسبتاً زنانه گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند: «... کارای دخترونه بی‌تی‌اس و آرایش زیادشون هست که همین دوستم هم که گفتم، از این رژای بی‌رنگ می‌زنه، وای نمی‌تونم تصور کنم اگه روش می‌شد، خاک تو سر (باخنده) رژ قرمز و بنفشه می‌زد، فکر می‌کنم اینا تأثیر بی‌تی‌اس هست روی دوستم. خودش هم به من گفته که برای قشنگی رژ می‌زنه.

- از دوستت پرسیدی که آیا بی‌تی‌اس تأثیری بر رژ لب زدن او داشته یا خیر؟

بله پرسیدم. گفت که اونا می‌زنن خوشگل می‌شن و حتی گفت، اگه خجالت نمی‌کشیدم حتماً رژ رنگی هم می‌زدم».

«- آرایش و استفاده از طلاجات توسط ستاره‌ها، چه تأثیری روی هواداران دارد؟

خیلی تأثیر داره اکثر هواداران پسر به تقلید از آیدول‌ها زنجیر به گردن آویزان می‌کنن ویا میچ بند و انگشتر به دستشون می‌اندازن و مدل‌های موی سرشون رو شبیه آیدول‌ها درست می‌کنن و آرایش هم می‌کنند».

مریم ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، به شکل نظری به دفاع از جنسیت‌زدایی از آرایش و پوشش که گروه بی‌تی‌اس نیز از طرفداران و مروجان آن است، پرداخته است:

«این که پسرها آرایش کنند یا لباس‌ها بدون برچسب زنانه و مردانه وارد بازار بشن، چه اشکالی می‌تونه داشته باشه؟ انتخاب این که من به عنوان یه انسان، چه لباسی بپوشم یا این که صورتم رو آرایش کنم، چه تأثیری در حال جامعه داره که بخواد برای مسایلی که شخصی هستند هم تصمیم‌گیری کنه. تصور کن یه روز می‌ری بیرون و یه پسر با لباس به اصطلاح دخترونه از کنارت رد می‌شه، خب چی شد؟ زخمی شدی؟ نظم ذهنیت بهم ریخت؟ زندگی مختل شد؟ این انتخاب شخصی اون فرد بوده که تو زندگی تو هیچ تأثیری نداشته و اساساً به تو هیچ ربطی هم نداره، ولی من نمی‌فهمم که چرا همچنان تو کشورهای آسیایی این مسایل پذیرفته نشده و نسل سالمند همچنان این اراده و آزادی که حقوق انسانی هستند رو نمی‌پذیرند و باهاش مبارزه می‌کنند و زندگی خیلی از جوان‌ها رو بهشون زهرمار می‌کنند. خودشون

نتوانستند اون طور که می‌خوان و حق‌شون هست زندگی کنند، چون پدر مادرهاشون با شیوه تفکر غلط خودشون، جلوی اون‌ها رو گرفتند، حالا این‌ها هم می‌خوان عقده‌های جوونی‌شون رو روی بچه‌هاشون پیاده کنند».

شب‌م ۲۵ ساله، شیرین ۲۲ ساله و ثنای ۱۶ ساله، در گزارش‌های جداگانه خویش خاطرنشان ساخته‌اند که آنان به تبعیت از رهنمود گروه بی‌تی‌اس دال بر جنسیت‌زدایی از آرایش و پوشش، با پذیرش این معنا، بر همین روال عمل کرده‌اند:

«از لحاظ لباس پوشیدن چی؟ آیا بی‌تی‌اس و هنرمندهای کره‌ای تأثیری روی شما داشتن؟»

خب من همیشه به آرایش صورت علاقه داشتم با این که مامانم گیر می‌داد که زیاد آرایش نکن. بعد که دیدم میکاپ و آرایش یه جور هنره، بیش‌تر علاقه‌مند شدم و از این مسأله خوشم اومد. وقتی هم دیدم که پسر آرایش می‌کنن، اولش خیلی عجیب بود برام! احساس می‌کردم که مرد نباید آرایش بکنه. اما خب بی‌تی‌اس حتی لباس پوشیدن رو هم جنسیتی نمی‌دونه. منم تحت تأثیر اونا یه کم این تعجب و گارد کم شدش. حتی شاید قبل‌ترش خودم دنبال رنگ‌ها و طرح‌های لباس دخترونه بیش‌تر می‌رفتم. اما الان دیگه هر چیزی رو که دلم بپسند، انتخاب می‌کنم. مثلاً نمی‌گم این پسرונה هست و اینا».

«شیرین گروه بی‌تی‌اس چه تأثیری روی پوشش و آرایش تو داشته است؟»

بیش‌تر تیپ اسپورت می‌پوشم و مدل لباس‌های اسپرت‌م شبیه به آیدول‌های بی‌تی‌اس هست و نحوه آرایش‌م هم شبیه به گروه بی‌تی‌اس هست و میکاپی مات و ملایم دارم. موهام رو هم همیشه عسلی رنگ می‌زنم و از طلاجات فقط به سبک بی‌تی‌اس استفاده می‌کنم. به نظر خودم این آرایش‌ها برای یه خانم هیچ زننده نیست».

«بی‌تی‌اس به جز این مورد روی لباس پوشیدن یا آرایش کردنت تأثیری گذاشته؟»

آرایش که نه، ولی لباس‌های بی‌تی‌اس خیلی جذاب و کیوتن. به کت و شلوار علاقه‌مند شدم. می‌دونم اگه بگم، باز مامانم ناراحت می‌شه، واسه همین ترجیح می‌دم نگم. اوه، اوه، مامانم هیچی حالا، اگه زن عموم بفهمه آبروریزی می‌شه و مملکتی باخبر می‌شن».

البته معدودی از هواداران مصاحبه شده که از تفکر انتقادی بیش‌تری برخوردار بودند، در برخورد با برخی از خط‌مشی‌های زیباشناختی کمپانی و به تبع آن‌ها ستاره‌ها، با انتقاد یاد کرده‌اند. یکی از این انتقادها تلاش کمپانی بر عرضه ستاره‌ها با رنگ پوست سفید است که با برنامه وایت واشینگ، تصاویر و کلیپ‌های آنان سفیدتر از واقع پردازش می‌گردد. محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه خودش با تأکید این که نباید ستاره‌ها که نسلشان زرد است، تلاش بر سفید کردن تصاویر خود داشته باشند (زیرا این عمل به نوعی برتر دانستن رنگ پوست سفید و نژادپرستی به شمار می‌آید)، دست به نقد کمپانی و ستاره‌هایش می‌زند:

«... من با این کارای اینا که سفید کننده می‌مالن به سر و صورت‌شون مخالفم».

– چرا؟

چون به من حداقل این حس رو می‌ده که می‌خواهی خوب باشی، زیبا باشی، باید سفید باشی. من که چیزی راجع به اخلاق و انسانیت نشنیدم از بی‌تی‌اس. خودم خیلی خوندم راجع به اینا، خیلی جذب خوشگلی اینا می‌شن. آخه یعنی چی که هر کی سفید نباشه قشنگ نیست. بعضی وقتا فکر می‌کنم نژادپرستن اینا».

### اقدام به جراحی زیبایی تحت تأثیر گروه

«استقبال از جراحی‌های زیبایی» مورد مهم دیگری است که هواداران مصاحبه شده در بیانات خویش بر آن تأکید ورزیده و غالباً از آن به عنوان امری پسندیده یاد کرده‌اند.

نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد که وی با استقبال از جراحی زیبایی که در عرصه کی‌پاپ به شدت تشویق می‌شود، خودش را به دست جراحی زیبایی سپرده است:

«- البته که چهره‌ی قشنگی داری. این نگاهت به خودت باعث شد فکرت سمت جراحی بره و بخوای خودت رو شبیه به کره‌ای‌ها و ستاره‌های کره‌ای بکنی؟»

آره خیلی وقتا بهش فکر می‌کردم. می‌گفتم برسم به سن قانونی حتماً می‌رم جراحی می‌کنم و خوشگل‌تر می‌شم تا راحت‌تر پذیرش بشم برای دنسر بودن. ولی خب وقتی رسیدم و من بینی خودم رو دقیقاً سر همین قضیه عمل کردم. سال کنکور که به سن قانونی رسیدم، رفتم بینی مو عمل کردم و لبام رو هم کمی ژل زدم. تصمیم داشتم که پوستمم روشن‌تر کنم چند درجه، ولی خب دیگه کار به اونجا نرسید و کلاً کی پاپ رو بوسیدم گذاشتم کنار، اما روزی که رفتم برای جراح بینی، به دکترم گفتم بینیم رو کره‌ای عمل کن که کلی هم بهم خندید». شیرین ۲۲ ساله و مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، تأکید کرده‌اند که اطرافیان آنان با سپردن خویش به دست جراحی زیبایی، در عمل تغییرات زیاد و باور نکردنی‌ای را در خودشان پدید آورده‌اند:

«- دوستان هم مثل تو عمل‌های زیبایی به تقلید از ستاره‌های مورد علاقه‌شون انجام داده‌اند؟»

اوه، بله، بیش‌ترشون عمل چانه و یا عمل پلک بالا و عمل بینی داشته‌اند و خدایی همه‌ی ما با این تغییرات به شخصیت‌هایی دیگه تبدیل شدیم و این هویت جدیدمون رو دوست داریم و همه‌اش رو مدیون بی‌تی‌اس هستیم و تا پای جان دست از طرفداری بی‌تی‌اس نمی‌کشیم». «- در کل مخالف تغییر چهره و قیافه به سبک بی‌تی‌اس هستی؟»

من شخصاً با آرایش و عمل‌های زیبایی پسران مخالفم، ولی هر کسی که این کار رو هم بکنه سرزنش نمی‌کنم. صورت و بدن خودشونه و حق هر گونه تغییر رو دارند. بیش‌تر دوستان هوادار بی‌تی‌اس، با عمل‌های دماغ و گونه و رنگ موی سرشون، تغییراتی کرده‌اند که باور نکردنیه».

شیرین در فراز دیگری از مصاحبه خودش، با اشاره به هزینه‌های زیاد جراحی زیبایی، خاطرنشان ساخته است که برخی از دوستان وی برای تهیه هزینه جراحی زیبایی، چند سال کار کرده‌اند تا پول لازم برای جراحی زیبایی خویش را به دست بیاورند:

«- از نظر اقتصادی هزینه این عمل‌ها خیلی بالا هست؟»

اوه، بله، هزینه عمل‌های جراحی پلاستیک و زیبایی خیلی بالا هست، ولی خدا رو شکر من مشکل مالی نداشتم و از نظر زیبایی همین دو، سه‌تا عمل رو داشتم، ولی بقیه دوستانم خیلی خانواده‌هاشون به خاطر این عمل‌های زیبایی تحت فشار مالی بودن.

- وقتی خانواده از نظر مالی تحت فشار این عمل‌های زیبایی قرار می‌گرفت، دوستان شما از هوادار بی‌تی‌اس صرف نظر نمی‌کردن؟

بعضی‌هاشون وقتی می‌دیدند که خانواده هزینه این عمل‌ها رو نداره، خودشون شروع به کار کردن تو شرکت‌ها یا فروشندگی در فروشگاه‌های بزرگ می‌کردند و هزینه عمل زیبایی خودشون رو با پس‌انداز جمع می‌کردند. مثلاً دوتا از دوستانم این کار رو کردند تا تونستند بعد از دو سال پول جمع کنند و عمل‌های زیبایی بینی خودشون رو در بیارند و بقیه دوستانم خانواده‌هاشون هزینه عمل اون‌ها رو تقبل کردند».

شقایق ۱۹ ساله، در یک جهت‌گیری عکس نسبت به شیرین و مسعود، از بی‌نتیجه بودن سپردن خود به جراحی زیبایی، به قرار زیر یاد کرده است:

«... خب اون‌ا اندام‌شون خیلی خوبه، کلاً رژیم دارن سخت یا مثلاً بینی‌شون خیلی کوچیکه، پوست‌شون خیلی صافه و لباشون برجسته هست کلاً بعد منم که اون موقع می‌رفتم باشگاه، کارم تقلید از اینا شده بود و مدل لباس پوشیدنم شبیه‌شون شده بود، مثلاً لَش طور می‌پوشیدم و بینیم رو رفتم عمل کردم، الآن فکر می‌کنم مشکلی جدی هم نداشتم، ولی خرج زیادی گذاشتم رو دست پدر مادرم و مثلاً هر روز جلو آینه وایمیستادم و می‌گفتم، من چرا پوستم صاف نیست، چرا جوش دارم مثلاً یا خال دارم، رفتم خالام رو سوزوندم، حتی خلاصه دایم با خودم درگیر بودم، سر همین چیزایی که گفتم (باخنده)».

## ۱۰- اثرهای خانوادگی

هواداری از گروه‌های مختلف از جمله بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی- عقیدتی، آموزشی، اقتصادی- سیاسی، هنری، زیباشناختی، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس، مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای خانوادگی هواداری از پسران بی‌تی‌اس، در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از:

احساس یک خانواده بودن با ستاره‌ها، معترض کردن هواداران نسبت به زندگی معمول، هدایت غیرمستقیم خانواده در برخورد فرزند با گروه بی‌تی‌اس، دور زدن اولیاء در جریان طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، بروز برخی از اختلاف‌ها در زندگی خانوادگی در اثر هواداری از گروه بی‌تی‌اس، آسیب رسیدن به خانواده و سایر موارد خانوادگی. در ادامه به بررسی عناوین پیش گفته، پرداخته خواهد شد.

### احساس یک خانواده بودن با ستاره‌ها

برخی از هواداران مصاحبه شده، در مصاحبه‌هایشان به صراحت از گروه بی‌تی‌اس به مثابه خانواده خود یاد کرده، اعلان می‌دارند، با توجه به اظهارات ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس، دال بر صمیمیت و نزدیکی شدیدی که بین خود و هواداران‌شان احساس می‌کنند، هواداران نیز آن‌ها را همچون «خانواده خویش» و یا در سطحی فراتر، «جایگزین خانواده خویش» دیده، به حمایت آنان از خودشان، دلگرم هستند. مرضیه ۱۹ ساله و پربناز ۱۸ ساله، در اظهاراتی که دارند، از معنای «احساس هم خانواده بودن» با اعضای گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده اند:

«چه طوری نظرت درباره حمایت از گروه بی‌تی‌اس عوض شد؟»

خب بین وقتی واردشون شدم و با چندتا شون صحبت کردم، دیدم چه قدر انرژی‌های خوب و بالایی دارن، چه قدر قشنگ صحبت می‌کنن و خونگرم هستن و می‌تونن این طوری از هر جای این جغرافیا، دوست داشته باشی، باهم صحبت کنید و احساسات رو در مورد اعضا پیش شون ابراز کنی و اونا قشنگ می‌فهمن و بعد مثلاً یه ویدیوی چیزی از اعضا پخش می‌شه و کلی هیجان زده می‌شی، می‌ری اونجا هیجان رو خالی می‌کنی و واقعاً این طوری که اگر در هر زمینه‌ای کمک بخوای پشتت در میان و هر کمکی که بتونن برات انجام می‌دن، اوکی شاید از دور بخوای ما رو نگاه کنی متعصب و این طوری به نظر بیایم، ولی وقتی بیای از نزدیک باهامون آشنا بشی، خودت متوجه می‌شی این طور نیست و البته بگم، منکر این نیستم که ما فنای تعصبی هم داریم، تعصب رو همه‌ی ما یه کوچولو داریم، ولی اون که به صورت افراطی در این زمینه هست، ما خودمون هم نسبت بهش احساس خوبی نداریم و سعی می‌کنیم راهمون رو ازش جدا کنیم. آدم‌ها باهم متفاوت اند، تو فنوم بی‌تی‌اس از نوجوان تا بزرگسال رو داریم با هر دین و مذهب و عقیده‌ای با هر ویژگی شخصیتی و این که شما بیای جمع ببندی، تارگت بزنی، بزنی بگی فنای بی‌تی‌اس این طوری ان و اون طوری ان، اصلاً قشنگ نیست و حداقل چیزی که ما از بی‌تی‌اس یاد گرفتیم، اینه که به همه‌ی علایق و سلیقه‌ها، اقلیت‌ها احترام بذاریم، ولی خب خیلی جاها درک نمی‌شیم، به علاقه‌مون توهین می‌شه، مسخره‌مون می‌کنن، به هر حال این مسأله هست ولی باید بهتون بگم که اون قدر خوبی تو وجود اعضا هست که قابل لمس و همین برای من کافیه، کافیه برای این که این قدرت رو به ما بده که قوی بمونیم در برابر همه‌ی اینا.

- الان نسبت به این گروه احساس تعلق داری؟

صد در صد، البته صد در صد که نه، ولی به میزان زیادی دارم.

- چه طور چنین احساسی توی تو شکل گرفته؟

بین مثلاً ما همدیگه رو مثل یه خانواده می‌بینیم که پشت همیم و از پسران حمایت می‌کنیم و این خانواده بنفشه؛ به گفته تهیونگ، بنفش آخرین رنگ رنگین کمانه و به معنی عشق و اعتماد از ته قلبت به یه نفر هست... از اون لحظه به بعد این خانواده رنگ بنفش رو به خودش گرفت و حتی می‌تونم بگم هر کدوم از آرمی‌ها، یکی از ستاره‌های آسمون تهیونگ هستیم».

«- رکوردهای این گروه توی شبکه‌های اجتماعی به چه صورته؟»

خب رکوردهایی که اعضاء توی فضای مجازی می‌زنن، مثلاً جونگ‌کوک رکوردی که زد توی زمان کم بیش‌ترین فالور رو توی اینستاگرام کسب کرد. بعد خب آرمی‌ها جمعیت‌شون خیلی زیاده و وقتی متوجه شدن که پسرا تو اینستا پیج زدن، بدون هماهنگی می‌رن و فالو می‌کنن و تو کم‌ترین مدت خیلی سریع بین آرمی‌ها منتشر می‌شه و همه اعضاء رو فالو کردن، چون ماها معتقدیم که همه‌مون یه خانواده‌ایم، اما در رابطه با رکورد آهنگ‌هاشون با توجه به آرمی‌هایی که از این جریان‌ها باخبر می‌شن، به خصوص آرمی‌های کره‌ای که از رأی‌گیری‌ها خبردار می‌شن و آرمی‌های اینترنشنال، این خبرها رو پخش می‌کنن، مدام استوری می‌کنن، پست می‌کنن توی آپ‌های مختلف، بعد همه آرمی‌ها باخبر می‌شن و می‌دونن که چه طوری باید توی یوتیوب و یو بزنن یا به چه صورت باید توی رأی‌گیری‌ها شرکت کنن برای آرمی‌هایی که تازه کار هستن هم بقیه آرمی‌ها آموزش می‌ذارن که طریقه رأی‌گیری چه شکلیه یا چه طور باید استریم بزنن. همین که آرمی‌ها نشر دادن، مثلاً می‌گن فلان روز، فلان ساعت همه می‌رن و یو می‌زنن و آرمی‌های دیگه سعی می‌کنن این خبر رو پخش کنن به خاطر جمعیت زیادشون و خب اکثراً چون اعضاء و کمپانی رو دنبال می‌کنن متوجه خبرها می‌شن سریع».

نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد، وی به دلیل مشکلات خانوادگی‌اش، اساساً احساس می‌کرد که خانواده ندارد و گروه بی‌تی‌اس در عمل «جایگزین خانواده» نداشته وی شدند:

«- خوب بعد از این که حس کردی بهشون علاقه‌مند شدی، چه کارهایی کردی؟»

یادمه اون موقع کل اتاقم رو پوسترای بی‌تی‌اس زدم. من یه دختر تینیجر بودم که از مدرسه برمی‌گشت تو خونه و تنها بود تا شب. تنها بودم و چون ارتباط اجتماعی خوب نبود، دوست و رفیقی هم نداشتم. با مشکلاهی نوجوونیم دست و پنجه نرم می‌کردم. افسردگی داشتم، مامان و بابام نبودن کنارم. برای همین سعی کردم یه جورایی اون خلاءهای زندگیم رو پر کنم، اگر شما چند سال پیش این سوال رو از من می‌پرسیدی، محال بود این حرفا رو بزنم. خودم فکر می‌کردم صرفاً به خاطر علاقه این قدر وابسته شده بودم بهشون. ولی خب الان نه. می‌دونم که یه بخشی از اون همه علاقه و افراط به خاطر مشکلاتم بود. بی‌تی‌اس من رو از مشکلاتم دور می‌کرد و من هرروز بیش‌تر توش غرق می‌شدم.

- چه خلاءهایی داشتی که بی‌تی‌اس اون‌ها رو برات پر می‌کرد؟

عام. خیلی چیزا. من تنها بودم، اونا دوست من شدن. من از کسی محبت نمی‌دیدم، اونا با حرف‌هایی که به آرمی‌ها می‌زدن، به من محبت کردن. من در واقع خانواده نداشتم، اعضاء بی‌تی‌اس خانواده‌ی من شدن. من هر روز از زندگیم که سخت بود، به اونا پناه می‌بردم و اونا تمام فکر و ذهنم رو پر می‌کردن. انگار که از همه چیز فاصله گرفتم و خودم رو پرت کردم تو بغل‌شون».

### معترض کردن هواداران نسبت به زندگی معمول

«ایجاد تردید نسبت به زندگی معمول»، مقوله مهم دیگری است که افراد مصاحبه شده زیادی از آن یاد کرده اند. به عنوان مثال، فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد، زندگی‌ای که از ستاره‌های بی‌تی‌اس در برابر هواداران به معرض دید نهاده می‌شود، مالمال از شوخی، خنده و تفریح است و بین آنان هیچ وقت دعوایی ملاحظه نمی‌شود و محیط زندگی آنان نیز پر زرق و برق و لاکچری

است. از این رو وی نسبت به زندگی خودش که شباهت چندانی به زندگی اعضای گروه بی‌تی‌اس ندارد، تردید یافته است و با نگاه اعتراض‌آمیز به آن می‌نگرد:

«... دخترم خیلی فیلم‌های زندگی روزمره بی‌تی‌اس رو دوست داره و مدام می‌گه دوست داره جای اونا باشه.

- دخترتان گفته که چرا دوست داره جای آن‌ها باشد؟

می‌گه شادان، همیشه بهشون خوش می‌گذره، ولی من فکر می‌کنم زندگی پر زرق و برقی که نشون می‌دن، دخترم رو هوایی کرده. بخوام صاف و صادق باشم با شما، خودم هم نگاه می‌کنم، دلم می‌خواد جای اونا باشم.

- چرا؟

چیزی که از زندگی معمولی‌شون نشون می‌دن، خیلی بهتر از زندگی ما هست. نه دعوایی، نه جرّ و بحثی. همه‌اش شوخی و خنده و بگو بخند. آخه عجیبه که اونا توی سختی‌هاشون هم حال‌شون خوبه».

### هدایت غیرمستقیم خانواده در برخورد فرزند با گروه بی‌تی‌اس

«هدایت غیرمستقیم خانواده در برخورد فرزند با گروه بی‌تی‌اس»، مقوله مهم دیگری است که معدودی از هواداران به طرح آن پرداخته و خاطرنشان ساخته‌اند، خانواده آنان به جای موضع‌گیری مخالف و نفی گروه بی‌تی‌اس در برابر فرزندشان، از او خواسته‌اند تا به ابعاد مثبتی که در گروه پسران وجود دارد، توجه کرده، از آن ابعاد مثبت الگوبرداری کنند، نه از ابعاد منفی و حاشیه‌های فراوانی که در ارتباط با آنان مطرح است:

«- با توجه به حرف‌هایی که زدی، مادرت در جریان این هست که شما طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستی، واکنش مادر یا حتی پدرت وقتی متوجه شدن که شما طرفدار این گروه شدی، چی بود؟

نه می‌تونم بگم واکنش خوبی داشتن و نه می‌تونم بگم که واکنش بدی داشتن. من از همون اول همه چیز رو به مامانم می‌گفتم که مثلاً اینا چه خوشگلان و من دوست‌شون دارم و خب مامانم این جور نبود که بگه وای نه! تو چرا داری اینا رو دنبال می‌کنی، ولی گاهی اوقات هم پیش می‌اومد که بگه وقتت رو تلف این کارها نکن و برای این موضوع هم سعی می‌کرد من رو تا حدودی متقاعد بکنه.

کلاً مامانم این جور نبود که بخواد این موضوع رو بزنه تو سرم که اینا چی ان و از این مدل حرف‌ها، چون اکثر خانواده‌های ایرانی این نظر رو دارن که «کره‌ای‌ها شبیه دخترها هستن» و «اینجا چی دارن که شما دنبال‌شون می‌کنین» و «از دنبال کردن اینا چی بهتون می‌رسه». مامان من سعی می‌کرد که به من این رو بگه که خیلی وقتت رو با دنبال کردن این افراد تلف نکن، چون اون‌ها هم با تلاش و کوشش به جایگاه الان‌شون رسیدن و اگه می‌خوای مثل بی‌تی‌اس موفق بشی تو هم باید تلاش کنی».

«... مامانم هم بهم می‌گه که اگه فقط بخوای این‌ها را از توی گوشی دنبال کنی و خودت هیچ کار و تلاشی نکنی، هیچ‌وقت موفق نمی‌شی و با دنبال کردن اون‌ها پیشرفتی نمی‌کنی و حتی از کار خودت ممکنه عقب بیفتی» (دیبا، ۱۵ ساله).

### دور زدن اولیاء در جریان طرفداری از گروه بی‌تی‌اس

برخی از مصاحبه‌شوندگان در اظهارات خود یادآور گردیده‌اند که به دلیل مخالفت بسیاری از خانواده‌ها در کاربری فرزندشان از گروه بی‌تی‌اس، بعضاً آنان «با دور زدن خانواده‌هایشان»، به عملی کردن خواست‌های خویش در ارتباط با گروه بی‌تی‌اس می‌پردازند:

«- یعنی در واقع چون دخترتان زمان زیادی را وقف بی‌تی‌اس می‌کنه، کارهای مهمی را که باید انجام بدهد را پشت گوش می‌اندازد؛ بله، خیلی چت می‌کنه.

- خوب این چت کردن به بی‌تی‌اس مربوطه؟

بله دیگه، اینم به بی‌تی‌اس ربط داره، چون با دوستاش گروه زدن در مورد بی‌تی‌اس چت می‌کنن، تا هر وقت که باباش بیداره جلوی چشم ما چت می‌کنه و وقتی که باباش می‌خوابه، دور از چشم اون، توی اتاقش زیر پتو چت می‌کنه، ولی می‌ترسه باباش بیدار بشه و بیاد بینه. خیلی از باباش حساب می‌بره. منم چند بار از توی اتاق می‌خواستم وسیله بردارم، اتفاقی متوجه شدم. عجیبه، داداشش که باهاش لجه تاحالا نگفته شبا تا دیروقت چت می‌کنه آخه هر دو توی یک اتاق می‌خوابن» (فریبا، ۴۶ ساله).

### بروز برخی از اختلاف‌ها در زندگی خانوادگی در اثر هواداری از گروه بی‌تی‌اس

«... من جوون وقتی می‌بینم اون میزان محبت یا تأیید نظراتم رو از سمت خانواده‌ام نمی‌بینم که معمولاً به خاطر تفاوت نسل این اتفاق می‌افته، قاعدتاً دنبال جا و کسایی می‌گردم که من رو تأیید کنن. بی‌تی‌اس این کار رو می‌کنه. اون‌ها به نظر شما احترام می‌ذارن، بهت عشق می‌دن، تأییدت می‌کنن، می‌گن اگه اشتباه کردی، اشکال نداره، اگه زمین خوردی اشکال نداره، می‌گن هیچی بدون چاره نیست و برای هر چیزی راهی پیدا می‌شه» (مریم، ۲۰ ساله).

«بروز برخی از اختلال‌ها در زندگی خانوادگی» مسأله دیگری است که هواداران مصاحبه شده زیادی روی آن صحه نهاده اند. مواردی همچون «رنگ کردن موها به شکل بی‌تی‌اس» (ریحانه، ۱۵ ساله)، «کنک خوردن از پدر به دلیل رنگ فانتزی موهای دختر» (فریبا، ۴۶ ساله)، «مخالفت پدر با کاربری فرزند از پوشش بی‌تی‌اس» (فریبا، ۴۶ ساله)، «مخالفت اولیا با خواندن زبان کره‌ای توسط فرزند» (ریحانه، ۱۵ ساله)، «مخالفت خانواده با مهاجرت فرزند به کره» (نگین، ۱۳ ساله) تا رهنمود جهت عصیان در برابر اولیاء، جلوه‌هایی از اختلال در زندگی خانوادگی را به معرض دید می‌گذارند.

شقایق ۱۹ ساله و شیرین ۲۲ ساله، از انجام عمل جراحی و تزریق ژل خودشان که اسباب ناراحتی اولیاء یا همسر را فراهم آورده است، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- این قضیه آرایش یا ظاهرشون باعث نشده بود که شما به دنبال شبیه‌سازی توی خودت باشی؟»

خب آره، بین مثلاً من آرایش ساده و کم‌شون رو خیلی دوست داشتم و به خاطر همین سعی می‌کردم خودم هم مثل اونا آرایش کنم، مثلاً رژ گونه کم یا رژ لبی که خیلی تابلو نباشه یا خط چشم کوتاه بزنم. در خصوص رنگ موهاشون هم مال من رنگ نداشت تا قبل اون، ولی بعد این که فن‌شون شدم، مشتاق رنگ کردن موهام شدم با این که می‌دونستم خب رنگ واسه مو خوب نیس، ولی تأثیر گذاشته بودن روم. خیلی، الانم هر چند (می‌خندد) موهام مثل اونا رنگیه، ولی اون موقع هی می‌خواستم رنگ موم رو عین اونا عوض کنم، آخه اونا یه دم سفید بود، یه دم بنفش بیهو، یه دم قهوه‌ای مثلاً هر دفعه عوض می‌شد.

بعد خب رنگ کردن هم الان ارزون نیست تو آرایشگاه‌ها و به خاطر همین مسأله من با خانواده درگیر می‌شدم و اونا می‌گفتن، چه قدر رنگ می‌ذاری هی، آخه بسه، گروه، فلان.

بعد خب اونا اندام‌شون خیلی خوبه، کلاً رژیم دارن سخت یا مثلاً بینی‌شون خیلی کوچیکه، پوست‌شون خیلی صافه و لباسون برجسته هست کلاً بعد منم که اون موقع می‌رفتم باشگاه، کارم تقلید از اینا شده بود و مدل لباس پوشیدنم شبیه‌شون شده بود، مثلاً لَش طور می‌پوشیدم و بینیم رو رفته عمل کردم، الان فکر می‌کنم مشکلی جدی هم نداشت، ولی خرج زیادی گذاشتم رو دست پدر مادرم و مثلاً هر روز جلو آینه وایمیستادم و می‌گفتم، من چرا پوستم صاف نیست، چرا جوش دارم مثلاً یا خال دارم، رفته خالام رو سوزوندم، حتی خلاصه دایم با خودم درگیر بودم، سر همین چیزایی که گفتم (باخنده)».

«- رسیدگی به دوتا فن پیچ به زندگی خانوادگی لطمه‌ای نمی‌زنه؟»

راستش زمان کم میارم و از خوابم می‌زنم تا بیش‌تر به فن پیچ‌هام رسیدگی و نظارت داشته باشم، چون اولویت اولم بی‌تی‌اس هست و این کار من، شوهرم رو نگران می‌کنه که لطمه‌ای به سلامتی من وارد بشه. برای همین بیش‌تر از بی‌تی‌اس متنفر شده.

- سعی کردی ایشون رو با بی‌تی‌اس آشنا کنی؟

بله، خیلی سعی کردم، ولی موفق نشدم. ایشون از گروه بی‌تی‌اس خوشش نیامد.

- چرا خوشش نمیاد؟

می‌گه چندتا پسر لوس و دختر صفت هستند. در ضمن با شعار تفکیک جنسیتی در پوشش و آرایش نیز مخالفه و می‌گه، چه معنی داره یه مرد آرایش کنه، با آرایش مردان مخالفه».

سارینای ۱۳ ساله، در گزارش خود از اهانت خانواده به پسران گروه یاد کرده، به همین سبب از رسیدن خویش به پوچی سخن می‌گوید و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از بروز دعوا در خانواده بر سر طرفداری وی از پسران بی‌تی‌اس، یاد می‌کند:

«- نگرش و عقاید منفی پدر و مادرت نسبت به بی‌تی‌اس چه احساسی بهت می‌ده؟

حس خیلی بدی، چون یه نفر مخصوصاً مادر یا خانواده‌ات بیان توهین کنن حس اصلاً خوبی نیست و حس پوچی به آدم دست می‌ده».

«- می‌شه درباره جزئیات تغییرات دوستان و هنرجوها تحت تأثیر بی‌تی‌اس بیش‌تر بگی؟

ببین مثلاً اکثرشون از خانواده‌های با کلاس و اتوکشیده هستن و پدر و مادرشون خیلی رسمی و باکلاس‌ان. ولی خب خودشون تپاشون همه بی‌تی‌اسیه و از این لش‌طورا هستن یا مثلاً مدل آرایش و رنگ مو و همون چیزایی که گفتیم نمی‌خوان از مسایل جنسیتی تبعیت کنن. خانواده‌ها هم در مقابلشون دو مدل واکنش دارن. بعضیا خیلی حمایت می‌کنن و تشویقشون می‌کنن و می‌گن چه گروه باحالیه. ولی از اون طرف هم یه سریا احساس می‌کنن که بچه‌شون داره از دست می‌ره و به قول معروف دیگه شدیدترین حالتش داره منحرف می‌شه و همه وقت و انرژی رو می‌ذاره واسه بی‌تی‌اس و همه‌اش توی فن پیچا هس و در حال جنگ و دعوا با بقیه».

الناز ۱۲ ساله نیز در مصاحبه‌اش از تهدید خانواده نسبت به خودش، دال بر جدایی از خانواده در صورت پذیرش اندیشه جنسیت‌زدایی از عشق (یا هم جنس‌گرایی) گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده است:

«- با توجه به گرایش‌های جنسی‌ای که گفتی، خودت مشکلی با هم‌جنس‌گرایی نداری؟

نه، من مشکلی ندارم.

- این رو تا حالا به دوستان و یا خانواده خودت گفتی؟

خودم و دوستان مشکلی ندارن و البته خواهرم، ولی پدر و مادرم فکر کنم مشکل داشته باشن، مخصوصاً مامانم.

- یعنی مامان با این موضوع مخالفت شدید داره؟

خب مامانم گفته که اگر یه همچین گرایشی داشته باشی، اول بهتره که از این کشور بری، چون که اینجا نمی‌تونن بپذیرن همچین موضوعی رو و این که گفت اگه واقعاً گرایش به هم‌جنس داشته باشم، باید جدا از مامان و بابام زندگی کنم».

### آسیب رسیدن به خانواده

مقوله «آسیب رسیدن به خانواده»، ناظر بر تحقق عملی آسیب‌ها در سطح خانواده است. شیرین ۲۲ ساله، در حالی که ازدواج کرده و متأهل است، از بارگذاری داستان‌های عاشقانه خویش با پسران بی‌تی‌اس یاد می‌کند که بالطبع با مطلع شدن همسرش از این وضعیت، اوضاع خانوادگی خوشایندی را تجربه نخواهد کرد. رخساره ۱۶ ساله از هوادار متأهل دیگری یاد می‌کند که در آرزوی دست یافتن به ستاره مورد علاقه‌اش، از همسرش طلاق گرفته است. احسان ۱۷ ساله، از تهدید به خودکشی خواهرش برای مهاجرت به کره یاد کرده است که این



عمل ضمن افسرده کردن اولیاء، موجب هزینه کردن قسمت مهمی از سرمایه خانواده برای سفر خواهرش به کشور کره شده است و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش از خودکشی ناموفق یکی از هواداران دیگر، به دلیل مخالفت خانواده با مهاجرت وی به کره، یاد کرده است:

«- شیرین تو فن پیچ‌های داستان‌های خیالی هم راجع به ستاره‌ها می‌نویسی؟

اوه، بله، داستان‌های خیالی می‌نویسم که لطمه به آیدول‌ها نزنه.

- می‌شه یه نمونه رو مثال بزنی؟

بله، مثلاً دیشب خواب دیدم که برای مسافرت به کره رفته بودم یه تی‌شرت سفید با یه شلوار کتان سفید به پا داشتم و موهای چتری و کوتاهم رو به یه سمت شونه زده بودم. وسایل سفرم داخل یه کوله پشتی بود و وقتی از هواپیما پیاده شدم، داخل فرودگاه منتظر بودم که آرام به استقبالم بیاد. هر چه منتظر شدم، بی‌فایده بود و خبری از آرام نبود و من اینجا غریب و تنها، جایی رو بلد نبودم. یهو کسی من رو صدا زد. وقتی به سمت صدا برگشتم، جیمین رو دیدم. اون گفت: برای آرام کاری پیش آمده و نتونسته بیاد فرودگاه دنبالت، من رو فرستاده. از دیدن جیمین خوشحال شدم و باهم روبوسی کردیم و من همراهش به هتل محل اقامتم آمدم. ازش تشکر کردم و به رسم ایرانی بودنم، بهش سوغاتی دادم و در اطاق هتل اون شب رو به استراحت گذراندم و صبح با صدای در زدن از خواب بیدار شدم و وقتی در رو باز کردم آرام در آستانه در ظاهر شد. من سراسیمه خود رو در آغوش انداختم که ناگهان یهو از خواب پریدم.

- نظر فالورهای درباره داستان‌های تخیلیت چی هست؟

خیلی خوش شون میاد و باز ازم درخواست ادامه داستان را می‌کنند و یا می‌گن باز هم داستان می‌خواهم و من روزهایی از هفته رو اختصاص به داستان‌های خیالی داده‌ام».

«- تهیونگ گفته بود من را به عنوان شوهرتون در نظر نگیرین بهترش رو پیدا می‌کنین، برای چی این رو به آرمی‌ها گفته؟

آرمی‌ها فکر می‌کنن از این بهتر کسی رو نمی‌تونن به عنوان شوهر پیدا کنن. حتی آرمی بوده به خاطر بی‌تی‌اس از شوهرشون طلاق گرفتن، به خاطر همین گفته من رو به عنوان شوهرتون انتخاب نکنین، مطمئناً یکی بهتر از من میاد داخل زندگی تون، من بهترین نیستم.

- کسانی که طلاق گرفتن را مثال می‌زنی؟

مثالش خب اسمش رو نمی‌دونم، نمی‌دونم داخل کدوم کشور، ولی داخل تویت پست می‌ذارن.

- یعنی چه جوری برای اونا از همسر خودشون طلاق گرفته اند و اصولاً می‌گن واسه چی طلاق گرفته اند؟

آره. حتی بعضی وقت‌ها از اونایی که طلاق گرفتن، اون مردها اومدن برای بی‌تی‌اس آهنگ خوندن، مثلاً آهنگ انگلیسی خوندن، ترجمه‌اش می‌شد که من ای کاش شبیه جونگ‌کوک بودم، جونگ‌کوک بهترینه، زخم طلاق گرفت به خاطر جونگ‌کوک. سر همین چیزها، خبرش خیلی وایرال شده بود».

«- خانواده‌ات با رفتن خواهرت به کره مخالفت نکردن؟

خیلی مخالفت کردن. مادرم شب و روز گریه کرد و دو، سه‌ماه تلاش کرد تا اون رو منصرف کنه، ولی فایده نداشت. او تصمیم خودش رو گرفته بود. پدرم وقتی دید که خواهرم به هیچ نحوی منصرف نمی‌شه، مقداری پس‌انداز داشتیم، می‌خواستیم خونه‌مون رو عوض کنیم و یه خونه بزرگ‌تر با امکانات بهتر بخریم. پس‌اندازمون رو بهش دادیم و اون ویزای تحصیلی گرفت و رفت. خواهرم حدود دو سالی می‌شه که رفته و هنوز بر نگشته.

- چرا سعی نکردن منصرفش کنن؟

پدر و مادرم خیلی سعی کردن خواهرم رو از رفتن به کره منصرف کنن، ولی اون گفت، اگر مانع رفتنم بشین، خودکشی می‌کنم. این طور بود که پدرم ترسید و حتی کمکش کرد برای رفتن ویزا بگیره.

– خواهرت الآن اون جا چه کار می‌کنه؟

درش رو در رشته طراحی لباس ادامه می‌ده و هم تو به مرکز فشن شو کار می‌کنه. پدرم هم ماهیانه برای کمک خرج براش پول می‌فرسته.

– از رفتن خواهرت ناراحتی؟

خیلی (اشک در چشم‌هایش حلقه می‌زند) «.

» – یک جایی از مصاحبه گفتی که بعد از خبر ازدواج یکی از اعضای گروه اکسو، چند نفر از طرفدارهای خودکشی کردن یا تا پای خودکشی رفتن. درباره این موضوع خبر رسمی‌ای وجود داره؟ یا اگر از دوستان و آشنای خودت کسی این طوری بوده، اطلاعات بیش‌تری درباره‌اش داری؟

خارجیا رو شنیده بودم که چند نفر خودکشی کردن. اما خب توی دوستان و آشنای خودمم، خب خیلیا ناراحت بودن، ولی دیگه تا این حد‌ها نبود. اما به دختره رو یادمه چند ماه پیش توی تهران که به خاطر این که مامان باباش با تصمیمش به مهاجرت به کره مخالفت کرده بودن، خودکشی کرده بود.

– تو می‌شناختیش؟

نه. من فقط خبرش رو از دوستانم بود یا هنرآموزهام شنیدم. البته نجاتش دادن و خدا رو شکر فوت نکرد. ولی قرص خورده بوده و بعد رسوندنش بیمارستان به موقع.»

### سایر موارد خانوادگی

کاربری از گروه بی‌تی‌اس، واجد برخی از آثار خانوادگی مانند «گردآمدن و دورهمی اعضای خانواده برای شنیدن موسیقی گروه بی‌تی‌اس»، «تأسف بر تعارض ازدواج و ادامه طرفداری از گروه پسران» و مانند آن نیز بوده است که برخی از افراد مصاحبه شده به گزارش آن پرداخته اند:

» – آهنگ‌های کره‌ای چه تأثیری روی شما می‌گذاشت؟

اولین تأثیرش نزدیکی بیش‌تر هر پنج تا خواهر و برادر باهم بود. چون قبل از آشنایی با گروه بی‌تی‌اس، هیچ کدامون کاری باهم نداشتیم و تازه بیش‌تر در حال نزاع باهم بودیم. پس از آشنایی با گروه، حس و حال خوب ما بعد از گوش دادن به آهنگ‌ها وصف نشدنی بود و زمانی که بعد از چند بار تکرار آهنگ باهم، همخوانی می‌کردیم، این مسأله، لذت بخش‌ترین تفریح ما بود.

– فیلم‌های کره‌ای هم می‌دیدید؟

تا دلت بخواد، هر شب باهم فیلم‌های کره‌ای می‌دیدیم، مخصوصاً تابستان‌ها که مدارس تعطیل بود، تا نصفه شب بیدار بودیم و فیلم‌های کره‌ای می‌دیدیم. همه‌مان خانوادگی عاشق فیلم کره‌ای بودیم و روز بعد، ساعت‌ها به بررسی هیجان‌های فیلم و تفسیر کردن آن می‌پرداختیم. – فیلم‌های کره‌ای تأثیری هم روی شما می‌گذاشت؟

خیلی تأثیر داشتند. تلاش‌هایی که تو فیلم‌ها برای پایان دادن به سختی‌ها می‌دیدم تو زندگی شخصیم خیلی کارساز بود و به من روحیه مقاومت کردن در برابر سختی‌ها رو یاد داد.»

» – چه احساسی داری از این که ازدواج کردی؟

برای من که هوادار بی‌تی‌اس هستم خیلی سوال سختیه. به نظر من هر کی هوادار بی‌تی‌اس هست، نباید ازدواج کنه، چون ازدواج با خودش وابستگی میاره و گذشتن از بعضی چیزها به خاطر حفظ زندگی ضرورت پیدا می‌کنه و این با آزادی آدم قبل از ازدواج، کلی فاصله داره.»

تا اینجا از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری هواداران از گروه پسران بی‌تی‌اس یاد شد و در ذیل عناوین کلی اخیر، از موارد زیادی یاد شد<sup>۱</sup>، گستره وسیع و عمق پیامدهای هواداری پیش‌گفته طرفداران گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، ضرورت تأمل جدی در نیازهای نوجوانان و جوانان، شناخت تحول‌های جهانی در پاسخ به نیازهای اخیر و ضرورت بومی‌اندیشیدن و اقدام کردن در این راستا را بیش از پیش به معرض دید گذاشته، غفلت و تعلل در این راستا را بسیار خسران‌بار و جبران‌ناپذیر می‌نماید.

<sup>۱</sup> - برخی از این موارد به قرار زیر بودند:

سردرگمی‌های نوجوانی، انگیزه‌بخشی، افزایش اعتماد به نفس، کمک به بهبود حال بد افراد، عشق تخیلی، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار، تخلیه روانی، اتلاف وقت، بروز خطاهای جدی شناختی، بروز برخی از اختلال‌های روانی، بی‌هویتی جنسی، سایر مسایل روان‌شناختی، شروع هواداری از سنین پایین، پرداختن ستاره‌ها به مسایل جوانان، تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران، چندبعدی و چندوجهی دیدن گروه و اعضای آن، مواجهه با معرکه آرا و افزایش تسامح هواداران، تشویق به مهاجرت به کره جنوبی، دوست‌یابی حضوری و مجازی، نوع‌دوستی، جهانی شدن و جهانی‌اندیشیدن، الگوبرداری از ستاره‌ها، تحول‌های هویتی، تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران، احساس تعهد به حمایت از گروه، تلاش در جهت افزایش هواداران، تعصب ورزیدن در طرفداری، پیشه‌کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی، جابه‌جایی سبک زندگی تکلیف‌مدار با سبک زندگی لذت‌مدار، نقد خط‌مشی‌های کمپانی گروه بی‌تی‌اس، سایر موارد اجتماعی، رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی‌های فرهنگی اولیه کره، ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی، ضعف داخل و بهم ریختگی اوضاع جامعه ایران عاملی برای اقبال به بی‌تی‌اس، شروع آشنایی با کی‌پاپ از دوران کودکی، تنوع موجود در کی‌پاپ بی‌تی‌اس، علاقه‌مند شدن و شیفتگی به جوانب مختلف فرهنگ کره، اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران، استقبال از غذاهای کره‌ای، استقبال اقشار قابل تأملی از طرفداران از سرگرمی‌ها، تفریحات مبتذل، آشنایی با گروه بی‌تی‌اس در جریان جست‌وجوی رایانه‌ای یا گوگل کردن، جهت‌دهی به علایق تحصیلی هواداران، ارتقای مهارت‌های فنی هواداران، یادگیری رقص‌های کی‌پاپ، آشنایی با جامعه کوپیرها از طریق کی‌پاپ، یادگیری‌های غیررسمی (تابوشکنی)، کاهش تمرکز در مطالعه با گوش دادن هم‌زمان به موسیقی بی‌تی‌اس، کم توجهی به درس و افت تحصیلی، اعتماد کردن به منابع نامعتبر، دامن زدن به تسامح اخلاقی، پذیرش اخلاق نسبیت‌گرا، اثرگذاری‌های اخلاقی - ارزشی در هواداران، آسیب‌دیدگی‌های اخلاقی هواداران، کاهش ابعاد معنوی با پررنگ شدن ابعاد مادی، تقدس‌قایل شدن برای ستاره‌ها، تحقق اهداف اقتصادی کمپانی، هزینه کردن برای طرفداری، تمایل به مصرف کالاهای بی‌تی‌اسی، اخذ الگو برای آینده شغلی خویش، کسب درآمد مبتنی بر گروه بی‌تی‌اس، تمایل به ساختن تصویری خیالی از جنگ و مقاومت اعضای گروه بی‌تی‌اس در برابر کمپانی و حکومت، کاهش عرق ملی، وجود محتوای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس، تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، جذابیت بخشیدن به صحنه، جذابیت‌های ظاهری ستاره‌ها، الگوبرداری در زمینه مدهایی که پسران بی‌تی‌اس عرضه می‌کنند، الگوبرداری در آرایش و پوشش از گروه بی‌تی‌اس، الگوبرداری از جنسیت‌زدایی در آرایش و پوشش، اقدام به جراحی زیبایی تحت تأثیر گروه، احساس یک خانواده بودن با ستاره‌ها، معترض کردن هواداران نسبت به زندگی معمول، هدایت غیرمستقیم خانواده در برخورد فرزند با گروه بی‌تی‌اس، دور زدن اولیاء در جریان طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، بروز برخی از اختلاف‌ها در زندگی خانوادگی در اثر هواداری از گروه بی‌تی‌اس، آسیب رسیدن به خانواده و سایر موارد خانوادگی.